

تقدیم به همه گلهای زیبای کشورم



خوش نویسان زن ایران صفحه 5

موسیقی دانان زن ایران صفحه 26

دانشمندان زن ایران صفحه 121

سیاسیون و سرداران زن ایران صفحه 176

شعراى زن ایران صفحه 247

نویسندگان زن ایران صفحه 340

مجموعه گلستان (زنان بزرگ ایران زمین)
مجید بهرام بیگی ۱۴۰۰ (Arya Bâhram)
زنان خوش نویس بزرگ ایران در طول تاریخ



آریا بهرام زنان خوش نویس بزرگ ایران در طول تاریخ

- 7 الهه خاتمی
- 9 بی بی زهره رئیس الساداتی
- 10 تکتک وند سفینی
- 11 راضیه سپهر
- 13 رویا شهرکی
- 14 زهره عباسی
- 14 سرور سعیدی
- 15 شهناز ملکی
- 16 فاطمه وصال
- 17 فرشته شکاری
- 17 محدثه آدمیان
- 18 مریم امام وردی
- 19 معصومه فریدونی
- 20 ملیحه سیف آبادی
- 21 منیره سادات قریشی
- 21 مهدیه علیپور
- 22 مینا بهداد فر
- 23 نجمه محمودی

الهه خاتمی



استاد انجمن خوشنویسان ایران

متولد: ۱۳۳۸ تهران •

تحصیلات :

لیسانس زبان و ادبیات انگلیسی از دانشگاه علامه طباطبایی

مدرک درجه ۱ هنری معادل دکتری •

اخذ مدرک ممتاز : ۱۳۶۶ •

اخذ مدرک استادی : ۱۳۸۶ (اولین استاد زن در خط نستعلیق) •

اساتید:

استاد غلامحسین امیرخانی – استاد امیراحمد فلسفی

تدریس در انجمن خوشنویسان :

از سال ۱۳۶۶ (نفر اول آزمون انتخاب مدرس در سال ۱۳۶۶)

عضو و دبیر شورای انجمن خوشنویسان شمیرانات •

عضو هیئت تشخیص اوراق امتحانی انجمن خوشنویسان ایران •

داور جشنواره های مختلف خوشنویسی •

نفر اول و اثر برگزیده و دیپلم افتخار مسابقات و جشنواره های خوشنویسی از جمله : آینه در آینه ،

۱۳۷۵-اولین جشنواره ی خوشنویسی جهان اسلام ، ۱۳۷۶ – جشنواره ی مهر ، ۱۳۷۸ – جشنواره ی

تکریم حضرت علی(ع) ، ۱۳۷۹ – برگزیده جشنواره بانوان قرآن پژوه – نفر دوم بینال بین المللی

الجزایر در ارزشیابی میان خطوط رایج ، ۱۳۹۰

نمایشگاه های انفرادی :

۱، لندن – انگلستان ۱۳۷۱ ،

۲، تهران – موزه رضا عباسی ۱۳۷۹ ،

۳، لبنان – بیروت ۱۳۸۰ ،

۴، تایلند – بانکوک ۱۳۸۱ ،

۵، سنگال – داکار ۱۳۸۳ ،

۶، تهران – گالری شمس ۱۳۸۴ ،

۷، مشهد – نگارخانه رضوان (آستان قدس رضوی) ۱۳۸۵ ،

۸، تونس ۱۳۸۷ ،

۹، ترکیه – استانبول ۱۳۸۹ ،

۱۰، ترکیه – آنکارا ۱۳۸۹ ،

۱۱، الجزایر ۱۳۹۰ ،

۱۲، فرانسه – پاریس ۱۳۹۱ ،

۱۳، چین – پکن ۱۳۹۲ ،

سوئیس – مونترال ۱۳۹۲ - ۱۴

نمایشگاه های جمعی :

۱، شرکت در کلیه ی نمایشگاه های داخلی انجمن خوشنویسان ایران از سال ۱۳۶۶ تا کنون

- ۲، شرکت در کلیه ی نمایشگاه های خارجی انجمن خوشنویسان در کشور های آمریکا - کانادا - پاکستان - دبی - کویت - فطر - شارجه - عربستان - مراکش - تاجیکستان - ترکیه
 ۳، شرکت در نمایشگاه قرآن
 ۴، حضور و شرکت در نمایشگاه های جمعی اساتید خوشنویس در گالری سعد آباد و گالری شمس
 ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۶

چاپ آثار:

- ۱، شرکت در مرقع گنج نور (آثار اساتید) ، چاپ سروش ۱۳۶۶
 ۲، شرکت در آلبوم هزار فراز شاهنامه ی فردوسی ، چاپ انجمن خوشنویسان ایران ۱۳۶۹
 ۳، خوشنویسی روی جلد و مقدمه و یک قطعه تابلو و یک سیاه مشق در کتاب دیوان پروین اعتصامی ، چاپ انجمن خوشنویسان ، ۱۳۷۳
 ۴، شرکت در آلبوم ”حضرت فاطمه (س)“ چاپ امور فرهنگی اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی
 ۵، شرکت در چاپ کتاب ”نقش ها و رنگ ها“ ، منتخبی از آثار تجسمی بانوان استان تهران ، معاونت هنری و سینمایی اداره ی فرهنگ و ارشاد اسلامی ، ۱۳۸۰
 ۶، کتاب ”این شرح بی نهایت“ گزیده ی آثار خوشنویسی الهه خاتمی ، آستان قدس رضوی ، ۱۳۸۵
 ۷، چاپ اثر در کتاب :تفسیر جمال“ ، آثار هنری قرآنی بانوان هنرمند ، ۱۳۸۶
 ۸، چاپ اثر در مرقع نخستین جشنواره ی خوشنویسی اکو ، ۱۳۸۹
 ۹، چاپ اثر در کتاب ”زنان خوشنویس از گذشته تا حال“ ، تالیف دکتر هلال کازان ، ترکیه ۲۰۱۰
 ۱۰، چاپ آثار در مجلات و روزنامه ها و نشریات مختلف
سخنرانی و مصاحبه- وُرکشاپ

- ۱، بحث پیرامون موضوع ”ایران و هنر خوشنویسی“ در تلوزیون بیروت ، ۱۳۸۰
 ۲، سخنرانی در دانشگاه هنر بانکوک با موضوع ”خوشنویسی چیست؟“ به زبان انگلیسی ، ۱۳۸۱
 ۳، سخنرانی در دانشگاه هنر داکار ، و برگزاری کارگاه هنری به زبان انگلیسی ، ۱۳۸۳
 ۴، سخنرانی در مسجد بزرگ داکار با موضوع ”تاریخچه ی هنر خوشنویسی و جایگاه زنان خوشنویس“ به زبان انگلیسی، ۱۳۸۳
 ۵، میهمان ویژه ی اولین جشنواره ی هنرهای اسلامی در کویت ، به عنوان هنرمند زن ایرانی مدعو و شرکت فعال در جلسات تحلیل و بررسی جایگاه هنر خوشنویسی در میان کشور های اسلامی ، ۱۳۸۵
 ۶، سخنرانی در جلسه اختتامیه جشنواره ی هنرهای اسلامی به دعوت ریاست سازمان ارسیکا ، پیرامون دو موضوع ۱- هنر خوشنویسی، هنر مشترک کشور های مسلمان ۲- نقش زنان ایرانی در ترویج فرهنگ و هنر با بهره مندی از هنر خوشنویسی
 ۷، سخنرانی و کارگاه خوشنویسی در یزد با عنوان ”از نوشتار تا هنر خوشنویسی“ ، ۱۳۸۶
 ۸، سخنرانی در سمپوزیوم بین المللی زنان خوشنویس در استامبول ترکیه به زبان انگلیسی ، ۱۳۸۹
 ۹، ورکشاپ در کتابخانه مرکزی شهر پکن ۱۳۹۲
 ۱۰، ورکشاپ در ششمین نمایشگاه هنرهای اسلامی در مسجد کبیر کویت ۱۳۹۲-
خرید آثار توسط موزه ها و مراکز هنری

- ۱، موزه ی هنر های معاصر ایران
 ۲، موزه ی هنر های اسلامی و مرکز گفت گوی میان تمدن ها در شارجه
 ۳، موزه هنرهای اسلامی کویت
 ۴، موزه ی شخصی دکتر محمد المر در دبی
 ۵، موزه قرآن تهران
 ۶، نمایشگاه قرآن تهران



بی بی زهره رئیس الساداتی

متولد 1362

تاریخ شروع خوشنویسی: 1379

تاریخ اخذ ممتاز: 1382

استاد علی جافری در نستعلیق و استاد علیرضا کدخدایی در شکسته نستعلیق
تاریخ اخذ فوق ممتاز: 1390 و بهره گیری از راهنمایی های حضرت استاد الاساتید امیر خانی و استاد
مجتبی سبزه

مدرک تحصیلی : لیسانس آمار

کتابت رباعیات خیام نیشابوری

عناوین ورتبه ها

رتبه اول مسابقات دانش اموزی پرسش مهر و یادواره امام خمینی (ره) 1379-1380
رتبه اول جشنواره مجمع انجمن خوشنویسان رشت در دو رشته کتابت و چلیپا بخش جوانان زیر

25 سال 1381

رتبه اول نهمین نمایشگاه بین المللی قران کریم در بخش جوان

رتبه اول جشنواره خوشنویسی میر عماد قزوین بخش جوان 1383

جوانترین کاتب قران در نگارش قران مجید در یک روز 1381

حائز رتبه در مسابقات دانشجویی حکمت مطهر طریق جاوید

رتبه های اول جشنواره های استانی امام علی (ع) در ایینه خوشنویسی استان قدس رضوی بخش جوان-
جشنواره اعتیاد-برگزیده جشنواره شهر بهشت 1384

برگزیده بخش کتابت جشنواره استانهای همجوار خراسان رضوی جشنواره خوشنویسی آب

سبزوار 1386

شرکت در جشنواره های خارجی ترکیه و دبی و بیش از 50 نمایشگاه داخلی

رتبه دوم جشنواره استانی وقف سال 1389

رتبه اول بخش بانوان جشنواره ملی رضوی یزد 1390

رتبه سوم جشنواره ملی کریمه اهل بیت قم 1390

رتبه اول جشنواره ملی قربان تا غدیر 1390

رتبه اول جشنواره استانی وقف 1390

رتبه دوم جشنواره ملی کوثر ورتبه اول بخش ویژه 1390

رتبه سوم جشنواره ملی خطبه غدیر 1390

رتبه برگزیده دومین جشنواره بین المللی دوسالانه قزوین 1391

رتبه برگزیده جشنواره ملی خلیج فارس 1391

رتبه دوم جشنواره وحدت ارومیه 1390



تکتم- وند سفینی

متولد 1360 – آذربایجان شرقی- مراغه

تحصیلات :

لیسانس ارگوتراپی (کاردرمانی) از دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی تهران
کاردرمانگر و مدیر مرکز جامع توا نبخشی بیماران جسمی حرکتی فراز در مراغه

اساتید :

استاد اکبر نیکخو- استاد سعید اصغری - استاد عباس شیخ خانی - سرکار خانم ناهید بوذری
فعالیت در عرصه خوشنویسی به مدت 20 سال
اخذ گواهینامه ممتاز انجمن خوشنویسان : 1385
عضو رسمی انجمن خوشنویسان ایران

فعالیت های هنری

- چاپ اثر در کتاب زنان خوشنویس
- چاپ اثر در نشریه کرانه دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی تهران
- تدریس خوشنویسی در کلاسهای تابستانی خواهران انجمن خوشنویسان شعبه مراغه
- تدریس خوشنویسی در دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی تهران

افتخارات

کسب مقام اول خط شکسته در مسابقات خوشنویسی دانش آموزان سال 75-74 و دریافت جایزه لوح تقدیر- مراغه

کسب مقام اول خط نستعلیق در مسابقات خوشنویسی دانش آموزان سال 78-77 و دریافت جایزه و لوح تقدیر- مراغه

کسب مقام دوم مسابقات خوشنویسی ولایت در سطح دانشجویی در دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی سال 80-79 و دریافت جایزه- تهران

شرکت در جشنواره خوشنویسی به مناسبت سالگرد ارتحال امام خمینی در صدا و سیما - سال 80 - تهران

شرکت در جشنواره های بین المللی خوشنویسی رضوی در سالهای 85، 87، 88، 89 و دریافت لوح تقدیر- یزد

شرکت در اولین جشنواره قرآن و عترت و دریافت لوح تقدیر- مهر ماه 87 - مراغه

شرکت در دومین و سومین جشنواره خوشنویسی گستره جنوب آذربایجان و دریافت لوح تقدیر- مهر ماه 87 و 88 - مراغه

شرکت در سوگواره " آهی و راهی " دانشگاه آزاد اسلامی و دریافت لوح یادمان- دی ماه 88 - مراغه

شرکت در هشتمین جشنواره بین المللی خوشنویسی غدیر و دریافت لوح تقدیر - آذرماه 88 - تبریز

شرکت در جشنواره فرهنگی- هنری کریمه اهل بیت - سال 89 - قم

شرکت در چهارمین جشنواره سراسری خوشنویسی کوثر- سال 89 - تهران



راضیه سپهر

سوابق تحصیلی

مرتبه علمی دانشگاه رشته و گرایش تحصیلی سال اخذ مدرک

کارشناسی آزاد واحد تهران مرکزی زبان و ادبیات فارسی ۱۳۸۱

کارشناسی ارشد آزاد واحد تهران شمال زبان و ادبیات فارسی ۱۳۸۸

دکترای تخصصی آزاد واحد کرج زبان و ادبیات فارسی ۱۳۹۲

زمینه های تدریس

مدیر کارگزینی و امور هیات علمی دانشگاه آزاد واحد تهران غرب

عضو کمیته منتخب هیات ممیزه واحد تهران غرب

دبیر هیات بدوی رسیدگی به تخلفات انتظامی اعضای هیات علمی واحد

سرپرست کانون فرهنگ و ادب و هنر (قند پارسی) در دانشگاه آزاد تهران غرب

عضو هیات تحریریه نشریه ادبی فرهنگی هنری (روناک) دانشگاه آزاد واحد تهران غرب

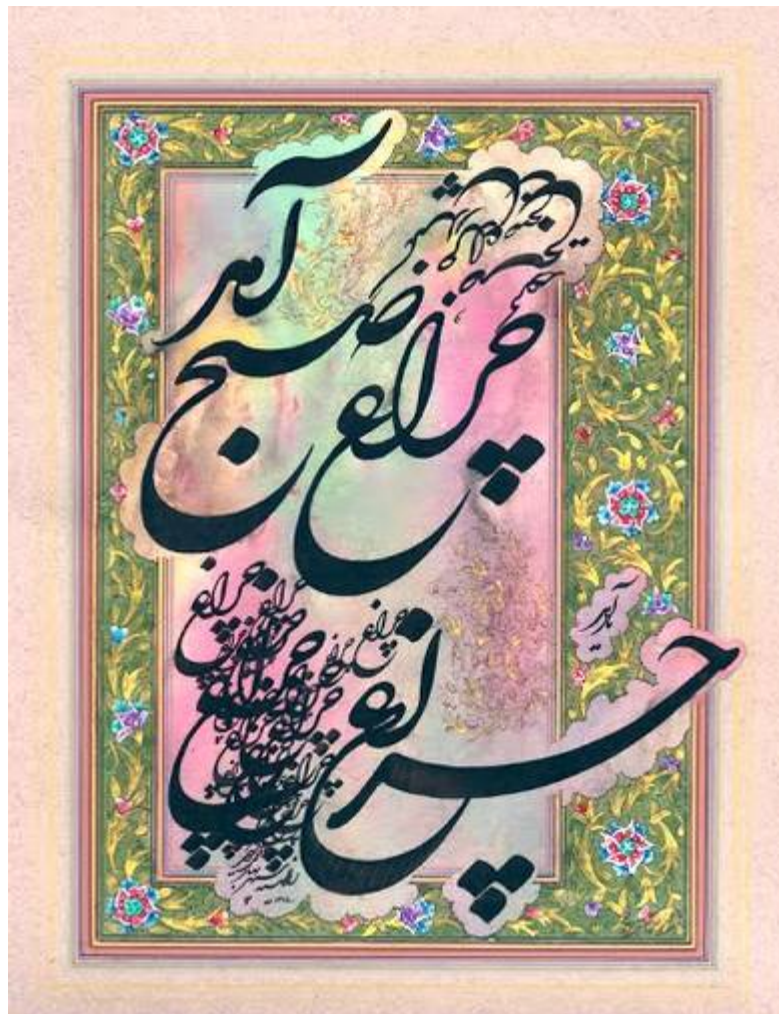
همایش ها و کنفرانس ها

عضویت در هیات تحریریه مجلات علمی و پژوهشی

عضویت در انجمن های علمی

عضو پیوسته انجمن ترویج زبان و ادبیات فارسی ایران

عضو انجمن خوشنویسان ایران - تهران





رویا شهرکی

متولد: ۱۳۴۹ تهران

لیسانس شیمی کاربردی

استادان: استاد علیرضا کدخدایی

جناب آقای علی جعفری . جناب آقای عباس عطاپور . استاد طاهر نبی زاده

اخذ گواهینامه ممتاز انجمن خوشنویسان ایران . ۱۳۷۹

مدیر گروه تذهیب دلشدگان

عضو رسمی انجمن خوشنویسان ایران

افتخارات

۱۳۸۲. ساری. (رتبه چهارم) تذهیب. جشنواره خوشنویسی شمال شرق کشور. تالار هلال احمر

۱۳۸۳. مشهد. (رتبه سوم) خوشنویسی (شکسته نستعلیق). اولین جشنواره خوشنویسی مشهد. مجتمع امام رضا

۱۳۸۵. مشهد. (لوح تقدیر) خوشنویسی. جشنواره میم خاتم

تشکیل گروه تذهیب دلشدگان ۱۳۸۵ (نجمه محمودی - مرضیه مسافر - حمیده محمدیار)

حضور در ۴۰ نمایشگاه گروهی (داخل و خارج کشور) تا سال ۱۳۸۸ از جمله:

۱۳۷۹. تهران. جشنواره بزرگ خوشنویسی امام علی (ع). موزه هنرهای معاصر

۱۳۷۹. شیراز. اولین همایش شکسته نویسان معاصر ایران. نگارخانه ی ملی

۱۳۸۱. تهران. دومین جشنواره بین المللی خوشنویسی جهان اسلام. فرهنگستان هنر

۱۳۸۲. مشهد. اولین جشنواره ی بزرگ خوشنویسی امام رضا (ع). نمایشگاه بین المللی خراسان

۱۳۸۲. دبئی. امارات. دهمین نمایشگاه انفرادی استاد کدخدایی. خانه ی فرهنگ ایران

۱۳۸۲. کابل. افغانستان. یازدهمین نمایشگاه انفرادی استاد کدخدایی. تالار شهرداری

۱۳۸۲. ساریو. بوسنی. دوازدهمین نمایشگاه انفرادی استاد کدخدایی. تالار شهرداری

۱۳۸۲. هرات. افغانستان. سیزدهمین نمایشگاه انفرادی استاد کدخدایی. موزه ی هنر

۱۳۸۳. لاهور. پاکستان. چهاردهمین نمایشگاه انفرادی استاد کدخدایی. گالری الحمراء

۱۳۸۳. لاهور. پاکستان. پانزدهمین نمایشگاه انفرادی استاد کدخدایی. دانشکده هنر

۱۳۸۴. تهران. سیزدهمین نمایشگاه بین المللی قران کریم. مصلای تهران

۱۳۸۵. دبئی. امارات. هفدهمین نمایشگاه انفرادی استاد کدخدایی. گالری زندگی

۱۳۸۵. تهران. جشنواره بزرگ فرهنگی هنری پیام پیامبر. موزه ملی قران

۱۳۸۷. تهران. همنوا با یم. هجدهمین نمایشگاه انفرادی استاد کدخدایی. فرهنگسرای نیاوران

۱۳۸۷. مشهد. طلوعی دیگر. نوزدهمین نمایشگاه انفرادی استاد کدخدایی. گالری استاد کدخدایی

۱۳۸۸. مشهد. تصویر مهر بیست و سومین نمایشگاه انفرادی استاد کدخدایی. خیریه شادی یزدان بخت

۱۳۸۸. مهرگان. چهارمین نمایشگاه هنر جوان استاد کدخدایی. گالری استاد کدخدایی

۱۳۸۸. تهران. هشتمین کاتب بیست و پنجمین نمایشگاه انفرادی استاد کدخدایی. فرهنگسرای صبا

۱۳۸۸. تهران. جشنواره ی بین المللی هنرهای تجسمی فجر. موزه ی هنرهای معاصر

زهرة عباسی



متولد ۱۳۴۹ در شهر کرج و مدرس انجمن خوشنویسان می باشند. ایشان از تعالیم اساتید غلامرضا خلیج یدالله کابلی خوانساری و غلامحسین امیرخانی بهره مند گردیده و از معدود بانوانی هستند که موفق به دریافت درجه استادی از انجمن خوشنویسان ایران گردیده اند
جوایز:

منتخب جشنواره خوشنویسی تهران 1372
 منتخب جشنواره خوشنویسی امام علی و دریافت دیپلم افتخار 1379
 منتخب دومین جشنواره خوشنویسی جهان اسلام 1381

منتخب جشنواره خوشنویسی کیش 1381

سرور سعیدی



متولد 1365
 بطور حرفه ای خوشنویسی را از سال 78 در شهر قزوین آموزش دیدم و در سال 81 توانستم اولین کسی باشم که در سن 16 سالگی موفق به اخذ مدرک ممتاز گردیده ، خوشنویسی را نزد مرحوم استاد ابوالحسن محمص (بنیانگذار انجمن خوشنویسان قزوین) آموزش دیدم و خط شکسته را نزد استاد آقا حسینی آموختم و بعد از اخذ مدرک ممتاز دوره کوتاهی نیز از تجارب استاد پبله چی استفاده کردم .
کسب مقامهای خوشنویسی

رتبه سوم در سال تحصیلی 79-80 در مسابقات خوشنویسی استان قزوین
 رتبه اول در سال تحصیلی 80-81 در مسابقات خوشنویسی استان قزوین
 رتبه دوم در سال تحصیلی 81-82 در مسابقات خوشنویسی استان قزوین
 رتبه دوم در جشنواره دانشجویی طریق جاوید (یادواره امام خمینی "ره") در سال 86

شرکت در طرح تابستانی در سال 79 و 80 به عنوان مربی خوشنویسی فرزندان کارکنان لشکر 16
 زرهی
 آموزش خوشنویسی در دانشگاه علوم پزشکی قزوین در سال 85 و 86 به کارمندان و دانشجویان
 دانشگاه
 دریافت لوح سپاس در سال 83 و 85 بخاطر شرکت در جشنواره سراسری خوشنویسی رضوی یزد
 دریافت لوح سپاس در سال 83 به خاطر شرکت در جشنواره سراسری غدیر
 دریافت لوح سپاس در سالهای 84 و 85 بخاطر شرکت در نمایشگاههای جمعی به مناسبت ولادت
 حضرت علی (ع)
 شرکت در نمایشگاه جمعی خوشنویسان شهرستان ورامین در تهران با عنوان سحر و سحر در سال 89



شهناز ملکی
 متولد 1356 اصفهان

مدرك تحصيلي:

کارشناسی زبان و ادبیات فارسی
 داراي مدرک فوق ممتاز خوشنویسی انجمن خوشنویسان ایران
 مدرس انجمن خوشنویسان اصفهان (شعبه لنجان)

اساتید:

استاد نستعلیق علی فرزانه و استاد ابوالوفا حسینی و استاد قاسم احسنت
 استاد شکسته : استاد حسین گلشنی

مدیر مسوول آموزشگاه آزاد هنری صریر

- رتبه اول خوشنویسی سوگواره یاد یار 1387
- رتبه دوم خوشنویسی سوگواره های اسلامی لنجان 1387
- نفر اول خوشنویسی جشنواره جوان استان اصفهان 1389 و 1390
- نفر برگزیده جشنواره خوشنویسی سیره نبوی 1388 و 1389
- رتبه اول کارگاه خوشنویسی سیره نبوی استان اصفهان 1389
- رتبه دوم مسابقه خوشنویسی تبسم قلم 1387
- رتبه برگزیده جشنواره بین المللی خوشنویسی رضوی 1389
- رتبه برگزیده جشنواره ملی خوشنویسی نینوا (ایلام) 1389
- رتبه برگزیده اولین جشنواره خوشنویسی مشق عشق قزوین 1387
- تقدیری هیات داوران در جشنواره خوشنویسی امام حسین (ع) 1387
- تقدیری هیات داوران در جشنواره خوشنویسی کاتبان وحی (شیراز) 1389
- رتبه برگزیده کارگاه هنری مهر و انتخاب اثر برای موزه جماران 1389

- رتبه برگزیده اولین جشن جهانی نوروز 1390
- نفر برگزیده جشنواره خوشنویسی نینوا در ایلام 1390
- رتبه دوم جشنواره خوشنویسی فاطمه (س) کوثر هستی شهرکرد 1390
- رتبه اول کارگاه نستعلیق نمایشگاه بین المللی قرآن 1390
- رتبه سوم جشنواره خوشنویسی هل اتی (بزرگداشت استاد ابوالوفا حسینی 1390)
- رتبه اول جشنواره خوشنویسی بانوان کشور (کوثر) 1390
- رتبه برگزیده نخستین جشنواره تجسمی آیینه مطهر 1391
- تقدیری بخش تجسمی بیستمین نمایشگاه بین المللی قرآن (رمضان 1391)
- برپایی 3 نمایشگاه انفرادی و شرکت در بیش از 50 نمایشگاه جمعی کشور و ...

فاطمه وصال



تاریخ تولد: 1352/10/9-تهران

نام اساتید :

استاد اخوین-استاد عطار چیان-خانم شرکاء-آقای پارسای نیارکی

سوابق هنری :

تدریس در فرهنگسرای خاوران 1375 تا 1377
 شرکت در همایش نگارش قرآن کریم در یک روز-آذر 1379
 شرکت در جشنواره تکریم حضرت علی(ع)-دی 1379-موزه هنرهای معاصر
 شرکت در نمایشگاه جمعی خوشنویسان معاصر-آذر 1380-نگارستان خط
 نفر برگزیده در نمایشگاه خوشنویسان جوان در رشت-آذر 1380
 شرکت در نمایشگاه جمعی خوشنویسان به مناسبت میلاد حضرت فاطمه زهرا(س)-شهریور 1381-
 دریافت لوح تقدیر موزه میر عماد
 شرکت در همایش بین المللی خوشنویسان جهان اسلام-آبان 1381-دریافت لوح تقدیر
 اولین نمایشگاه انفرادی-فروردین 1382-نگارستان خط
 شرکت در نمایشگاه جمعی بانوان خوشنویس معاصر-موزه میر عماد-مرداد 1382-دریافت لوح تقدیر
 کتابت گلستان سعدی-1382
 شرکت در نمایشگاه چهارصدمین سال صدر نشینی میر عماد-دی 1383-موزه میر عماد وموزه رضا عباسی

فرشته شکاری

تولد: 1346-تهران

نام پدر: محمود

شروع فعالیت هنری: 1367 در کلاسهای انجمن خوشنویسان با تعالیم خانم مینا بهداد فر
مدرک ممتاز خوشنویسی: 1370
گذراندن دوره فوق ممتاز از سال 1370 نزد استاد اخوین
شرکت در امتحانات مدرسی انجمن خوشنویسان در سال 1375 و اخذ رتبه نخست در بین خانمها

فعالیت ها

تدریس خوشنویسی در مرکز کتابت ایران- موسسه قلم - فرهنگسرای خاوران-مدارس تهران وانجمن
خوشنویسان

نمایشگاه ها

شرکت در چند نمایشگاه گروهی از جمله
نمایشگاه بانوان خوشنویس
نمایشگاه های مرکز کتابت ایران
فرهنگسرای خاوران
موسسه قلم
نمایشگاه بزرگداشت میر عماد
شرکت در همایش نگارش قرآن کریم در یک روز
از سال 1377 در مقیم بندرعباس شده و در مراکز مختلف از جمله
دانشگاه هرمزگان-دانشکده پرستاری و مامایی-مجتمع قضایی نیروهای مسلح-تربیت معلم-هلال احمر-
صنایع دستی و آموزشگاه های هنری تدریس داشته اند
اجراء یک سلسله برنامه آموزش خوشنویسی در سیمای مرکز خلیج فارس

محدثه آدمیان



متولد: 1361 تهران

تحصیلات:

کارشناسی اقتصاد بازرگانی

اساتید:

استاد محمود نامجو (نستعلیق) – استاد علی اکبر رضوانی (شکسته)

کسب مدرک فوق ممتاز

قبولی در آزمون مدرسی انجمن خوشنویسان ایران (شعبه مشهد) . 1395
تدریس و دوره های آموزشی

- 1 گذراندن دوره های روش تدریس در فنی حرفه ای
- 2 تدریس در فنی حرفه ای در سالهای 89 تا 90
- 3 تدریس در مرکز آموزشی فرهنگی دانشگاه فردوسی از سال 91
- 4 تدریس خصوصی از سال 87

نمایشگاه ها و جشنواره ها

- نمایشگاه گروهی بانوان ریحانه النبی سال 95
- نمایشگاه انفرادی گنج مقصود سال 94
- تقدیر در جشنواره رضوی سالهای 92-93
- تقدیر نمایشگاه فرهنگ رضوی مشهد سال 90
- برگزیده جشنواره دوسالانه قزوین سالهای 89-91-93
- برگزیده جشنواره فجر سالهای 90-92
- برگزیده در جشنواره کوثر سالهای 90-91
- نمایشگاه گروهی رحمت اللعالمین نگارخانه رضوان سال 93
- نمایشگاه گروهی فصلی دیگر در نگارخانه سلطان علی مشهدی سال 90
- نمایشگاه گروهی شاگردان استاد رضوانی نگارخانه رضوان سال 89

مریم امام وردی



متولد 1358

فوق ممتاز

- برگزاری دو نمایشگاه انفرادی در مشهد و تهران سالهای 91 و 94
- حضور در بیش از 60 نمایشگاه و جشنواره داخلی و خارجی
- برگزیده 4 دوره جشنواره کشوری بانوان
- در حال حاضر هنرجوی استاد بختیاری در تهران



معصومه فریدونی



متولد مشهد 1346

کارشناس ارشد مدیریت آموزشی – کارشناس گرافیک تصویر سازی – کارشناس علوم پایه
ممتاز خوشنویسی از انجمن خوشنویسان ایران
محقق و نویسنده – کارشناس هنری

سوابق حرفه ای

مدرس مراکز آموزش عالی فرهنگیان (تربیت معلم) خراسان رضوی
مدرس دانشگاه آزاد اسلامی گروه علوم تربیتی واحد مشهد
دبیر و هنر آموز رسمی وزارت آموزش و پرورش

بایان نامه ها

بررسی میزان انطباق شیوه موجود در مدیریت کلاسیک دبیران علوم با مولفه های رویکرد
مشارکتی (بر اساس نظریه دیوید جانسون و راجر جانسون 2003) کارشناسی ارشد
بررسی عناصر و ویژگی های بصری در نقش برجسته های دوران هخامنشی و پارتی و کاربرد
آن در تصویر سازی معاصر - کارشناسی

مقالات چاپ شده و ورک شاپها

اهداف آموزش فعال علوم تجربی ، مقایسه دو رویکرد نوین و سنتی -1385 - همایش کشوری چرا
آموزش فعال علوم
کاربرد تعاملی یادگیری مشارکتی ، مبتنی بر همیاری و دیگر متدهای آموزش فعال علوم -1385
همایش کشوری چرا آموزش فعال علوم
خلاقیت و نو آوری و بهره وری نیروی انسانی -1386 - همایش کشوری آموزش و پرورش تبریز
نقش هنر خوشنویسی در تعامل و نزدیکی فرهنگ ها و تمدنها - 1381 - جشنواره بین المللی جهان
اسلام

زنان و توسعه پایدار -1386 - همایش کشوری بروکسل
تفکر سیستمی در سازمانها -1387 - پایگاه اینترنتی مقالات علمی مدیریت
www.job portal.ir - یادگیری مشارکتی ، پاسخگوی تنوع -1383
مهارتهای مطالعه و فنون تحقیق (مطالعه موردی) ترجمه - 1383
نگاهی به زندگی و آثار صادق هدایت -1388

کتاب چاپ شده

فریدونی معصومه - مجموعه شعر (باران که نبودم لایلا) -1382 - انتشارات ضریح آفتاب

مهارتهای هنری

خوشنویسی – نقاشی ، تکنیک های آبرنگ و رنگ روغن – طراحی – تصویر سازی – گرافیک
دیزاین – عکاسی – حجم سازی - نگارگری

نمایشگاه ها و سوابق هنری

نمایشگاه نقطه سر خط - فردی - 1392 - نگارخانه سروش - آثار نقاشی و نقاشی خط

نمایشگاه خاکستری ها - گروهی - 1389 - نگارخانه آسمان - طراحی
 نمایشگاه آثار مدرسین هنر - گروهی - 1386 - نگارخانه رضوان - خوشنویسی
 جشنواره رضوی - گروهی - 1385 - شیراز - تایپوگرافی
 اثر برگزیده جشنواره رضوی - 1383 - مشهد - خوشنویسی
 نمایشگاه کیش - گروهی - 1382 - کیش - خط شکسته نستعلیق
 جشنواره بین المللی خوشنویسی جهان اسلام - 1381 - تهران - ارائه مقاله
 بیوگرافی و اثر خوشنویسی چاپ شده - 1381 - کتاب خوشنویسان ایران



ملیحه سیف آبادی

متولد 1364

تحصیلات:

کاردانی فناوری اطلاعات و کارشناسی مترجمی زبان انگلیسی
 شروع فعالیت نقاشی از سال 1380 نزد استاد اسماعیل شیشه گران
 (شروع فعالیت خوشنویسی در خط کرشمه از سال 1387 نزد استاد احمد آریا منش (مبدع خط کرشمه
 گذراندن دوره ی اصول و مبانی دیزاین نزد استاد حمید شریفیان
 گذراندن دوره های ترکیب مواد نزد استاد توحید خلیل آذر
 اثر تقدیر شده نقاشیخط در مسابقه البرده امارات 1390
 اثر برگزیده نقاشیخط در جشنواره ی استانی قلم در تهران 1389
 نمایش آثار در جشنواره ی هنر های تجسمی امام رضا 1389
نمایشگاه انفرادی

نگارخانه اندیشه تهران 1389

نگارخانه گنجینه تهران 1390

نگارخانه ماندگار اراک 1390

نمایشگاه در موزه هنری شاینگ های چین 1391

نمایشگاه گروهی

سکوی دید باز برج میلاد تهران، نگارخانه گنجینه، نگارخانه دانشگاه تهران، فرهنگسرای ملل، نگار
 خانه اندیشه، انجمن خوشنویسان شعبه الوند، فرهنگسرای نیاوران

ورک شاپ

دانشگاه امیر کبیر

دانشگاه علوم تحقیقات

فرهنگسرای معرفت

فرهنگسرای ملل

فرهنگسرای اندیشه

منیره سادات قریشی



متولد 1364

تحصیلات:

دارای مدرک لیسانس در رشته مهندسی صنایع از دانشکده فنی دانشگاه تهران شروع فعالیت خوشنویسی از سال 1379 و دریافت گواهینامه ممتاز در سال 1382 از انجمن خوشنویسان کرج اساتید: استاد رضا رینه ای در خط نستعلیق و استاد حسین آقائوری در خطوط نستعلیق و ثلث ...

مهدیه علیپور



متولد 1367 اصفهان

تحصیلات:

فارغ التحصیل رشته مهندسی مدیریت اجرایی گرایش عمران کسب مدرک ممتاز در سال 1390 از انجمن خوشنویسان ایران شعبه مشهد مقدس شروع دوره فوق ممتاز در محضر جناب آقای استاد قائم مقامی در آبان ماه 1390 - نستعلیق هنر آموزی نزد آقایان : ضروری - استاد صحافی مقدم - استاد قائم مقامی مسلط به تحریر با هر دو دست کسب دو مقام اولی و دومی در مسابقات فرهنگی و هنری دانشجویی در رشته نستعلیق شرکت در نمایشگاه گروهی هشت بهشت - مشهد - 1390

مینا بهداد فر

فرزند مهدی متولد به سال 1342 تهران

تحصیلات :

دیپلم تجربی- دبیرستان آزادی- تهران- 1360

دانشجوی ادبیات فارسی- دانشگاه پیام نور- تهران- 1375

فوق دیپلم آموزش هنر

سمت ها و مشاغل :

کارمند مرکز نشر دانشگاهی- تهران- 1361 تا 1363

مدرس انجمن خوشنویسان تهران- 1365 تاکنون

مدرس مرکز کتابت و تعلیم ایران- تهران- 1371 تاکنون

دبیر هنرستان موسیقی دختران- تهران- 1373 تاکنون

طی دوره آموزشی تذهیب و نگارگری نزد استاد بیوک احمدی

تدریس هنر نگارگری و تذهیب

استادان :

نستعلیق: استاد عباس اخوین- 1361

شکسته: استاد یداله کابلی

نمایشگاه ها :

مجمع عمومی انجمن خوشنویسان- رامسر- 1366

کنگره بزرگداشت حافظ- شیراز- 1367

مجمع عمومی انجمن خوشنویسان- ساری- 1368

مراسم دهه فجر- ماهشهر- 1371

نمایشگاه به اتفاق همسر (حمید رضا عاطفی)- مرکز کتابت- 1373

مجمع ارشاد- کرمانشاه- 1373

گالری شیو- 1379

و چند نمایشگاه فردی و جمعی در داخل و خارج از کشور

تقدیرها :

لوح تقدیر از معاون وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی به مناسبت ارائه اثر برتر در نمایشگاه های خط-

1373

لوح تقدیر از موزه هنر های معاصر به مناسبت شرکت در نمایشگاه دو سالانه نگارگری- 1374

جزو نفرات برگزیده نخستین جشنواره خوشنویسی فجر- 1373

لوح تقدیر از نخستین جشنواره خوشنویسی جهان اسلام- 1375

آثار :

دیوان پروین اعتصامی- آموزش خط تحریری- مرقعات مختلف خط و صفحاتی از قرآن مجید



- متولد 1359 زاهدان
 استاد: استاد علیرضا کدخدایی
 اخذگواهینامه ممتاز انجمن خوشنویسان ایران ، 1382
 عضو رسمی انجمن خوشنویسان ایران
 هنرجوی دوره فوق ممتاز استاد کدخدایی در آموزشگاه آزاد هنری دانشگان
افتخارات :
 تهران، لوح تقدیر سومین جشنواره سراسری خوشنویسی کوثر، خانه هنرمندان ایران 1388
حضور:
 در 15 نمایشگاه گروهی داخل کشور تا سال 1389
 مشهد. نمایشگاه خوشنویسی هنرجویان انجمن خوشنویسان مشهد . نگار خانه میرک. 1378
 مشهد . نمایشگاه خوشنویسی امام علی در آئینه خوشنویسی . آستان قدس رضوی . 1379
 مشهد . هفتمین نمایشگاه انفرادی استاد علیرضا کدخدایی و هنرجویان دوره های عالی . 1379
 و ممتاز . نگار خانه میرک
 مشهد . هشتمین نمایشگاه انفرادی استاد علیرضا کدخدایی و هنرجویان دوره های عالی و ممتاز . 1380
 نگار خانه میرک
 تهران . دومین جشنواره بین المللی خوشنویسی جهان اسلام . فرهنگستان هنر . 1381
 ساری . جشنواره خوشنویسی شمال شرق کشور . تالار هلال احمر . 1382
 مشهد . دومین جشنواره علوم قرآنی استان خراسان . نمایشگاه بین المللی خراسان رضوی . 1382
 مشهد . اولین جشنواره بزرگ خوشنویسی امام رضا (ع) . نمایشگاه بین المللی خراسان . 1382
 رضوی
 تهران . سومین جشنواره سراسری خوشنویسی کوثر . خانه هنرمندان ایران . 1388
 مهرگان . چهارمین نمایشگاه هنرجویان استاد کدخدایی . گالری استاد کدخدایی . 1388
 مشهد . مسابقه بزرگ خوشنویسی غدیر . انجمن خوشنویسان مشهد . 1388
 بیرجند . پنجمین جشنواره ملی فرهنگی و هنری قربان تا غدیر . اداره ارشاد استان خراسان . 1388
 جنوبی
 مشهد . نمایشگاه خوشنویسی حجاب و عفاف . نگار خانه میرک . 1389
 قزوین . اولین دوسالانه بین المللی خوشنویسی ایران . سرای وزیر . 1389
 قم . طلایعه ظهور . پنجمین جشنواره ملی فرهنگی هنری طلایعه ظهور . اداره ارشاد استان قم . 1389
 اثر چاپ شده : 2 عدد پوستر به مناسبت نیمه شعبان سال 1388
 باسپاس از زحمات بیدریغ استادگرانقدر جناب آقای کدخدایی
استادان :
 جناب آقای عباس عطاپور ، استاد طاهر نبی زاده

باتشکر از لطف بیدریغ دوست عزیزم هنرمند گرامی سرکار خانم رؤیا شهرکی مدیر گروه تذهیب
دلشدگان

عضو گروه تذهیب دلشدگان از سال 1385

افتخار:

- حضور در 11 نمایشگاه همراه با گروه تذهیب دلشدگان تا سال 1389
- تهران . همنوابام . هیجدهمین نمایشگاه انفرادی استاد کدخدایی . فرهنگسرای نیاوران . 1387
- مشهد . طلوعی دیگر . نوزدهمین نمایشگاه انفرادی استاد کدخدایی . گالری استاد کدخدایی . 1387
- تهران . طلوعی دیگر 2 . بیستمین نمایشگاه انفرادی استاد کدخدایی . گالری دریا بیگی . 1387
- مشهد . اسفندگان . بیست و یکمین نمایشگاه انفرادی استاد کدخدایی . گالری استاد کدخدایی . 1387
- مشهد . نگاهی نو . بیست و دومین نمایشگاه انفرادی استاد کدخدایی . مؤسسه پژوهشهای هنری . 1388
- آوای قلم
- مشهد . تصویر مهر . بیست و سومین نمایشگاه انفرادی استاد کدخدایی . خیریه مهندس شادی . 1388
- یزدانبخش
- مشهد . مهرگان . چهارمین نمایشگاه هنرجویان استاد کدخدایی . گالری استاد کدخدایی . 1388
- تهران . هشتمین کاتب . بیست و پنجمین نمایشگاه انفرادی استاد کدخدایی . فرهنگسرای صبا . 1388
- مشهد و حکیم عمر خیام . بیست و ششمین نمایشگاه انفرادی استاد کدخدایی . جهاد . 1389
- دانشگاهی مشهد
- تهران . خیام . بیست و هفتمین نمایشگاه انفرادی استاد کدخدایی . گالری جهان نما . 1389
- کرمان . بیست و هشتمین نمایشگاه انفرادی استاد کدخدایی . کانون صنعتی کرمان . 1389
- آثار چاپ شده :
- آلبوم (منم بنده اهل بیت نبی) به مناسبت بزرگداشت حکیم ابوالقاسم فردوسی . 1385
- آلبوم (همنوابا بم) استاد محمدرضا شجریان به مناسبت برپایی نمایشگاه همنوابام : 1387
- آلبوم (... و حکیم عمر خیام) به مناسبت روز بزرگداشت خیام . 1389



مجموعه گلستان (زنان بزرگ ایران زمین)
مجید بهرام بیگی ۱۴۰۰ (Arya Bâhram)
زنان موسیقی دان و نوازنده بزرگ ایران در طول تاریخ



آریا بهرام

زنان موسیقی دان و نوازنده بزرگ ایران در طول تاریخ

- 30 آتنا اشتیاقی
 33 آذر هاشمی
 35 آذرنوش صدر سالک
 36 ارفع اطرای
 38 آسو کهزادی
 39 افلیا پرتو
 40 افلیا کمباجیان
 41 بهناز ذاکری
 43 پانیذ فریوسفی
 46 پروین صالح
 48 پری برکشلی
 50 پریچهر خواجه
 51 پریسا پیرزاده
 53 حریر شریعت زاده
 54 راتبه نیشابوری
 55 ژابیز زربخش
 56 سپیده خداوردی
 60 سپیده رئیس سادات
 61 ستاره بهشتی
 63 سحر محمدی
 65 سودابه سالم
 67 سوسن اصلانی
 69 سیما بینا
 71 سیمین آقارضی
 73 شادی وحیدی
 74 شهلا میلانی
 75 طلیمه کامران
 77 فخری ملک پور
 79 فرزانه نوایی
 80 فروغ کریمی
 81 فریمه قوام صدوری
 83 فوزیه مجد
 86 فیروزه نوایی
 87 قشنگ کامکار
 88 گلریز زربخش
 89 گلنوش خالقی
 92 لیلا رمضان
 92 مرجان قنبری مهر
 94 مرجان وحدت

- 95 مریم ابراهیم پور
97 مژگان شجریان
99 ملانی آوانسیان
101 ملیحه سعیدی
103 مهربانو توفیق
104 مهسا وحدت
105 مینا افتاده
108 نزهت امیری
109 نگار بوبان
112 نگین زمردی
114 هانا کامکار
117 یلدا عباسی

آتنا اشتیاقی	
	
نام شناسنامه‌ای	آتنا مستعان اشتیاقی
زاده	۱۳۶۸ تهران
سازها	ویولنسل، کنترباس «شهنواز»
همکاری‌های مرتبط	محمدرضا شجریان، شهرام ناظری، کیهان کلهر، همایون شجریان، علیرضا قربانی
اعضای کنونی	ارکستر سمفونیک تهران ارکستر ملی ایران کوارتت مینیاتور
سازهای اصلی	
	ویولنسل
تحصیلات	هنرستان عالی موسیقی

آتنا اشتیاقی (زاده ۳ فروردین ۱۳۶۸ در تهران) نوازنده ویولنسل و کنترباس اهل ایران است.

زندگی هنری

آتنا اشتیاقی (آتنا مستعان اشتیاقی) ۳ فروردین سال ۱۳۶۸ در تهران متولد شد. او در هنرستان موسیقی تهران در رشته نوازندگی تحصیل کرد و ساز ویولنسل را نزد کریم قربانی فراگرفت. پس از آن، تحصیلاتش را در دانشگاه علمی کاربردی ادامه داد اما به دلایلی دانشگاه را نیمه‌کاره رها کرد.

خانواده او از اهالی هنر هستند. پدر بزرگ او رضا هوشمند، مادر بزرگش فرخا هوشمند، مادرش فرشته هوشمند (مشهور به فرشته مهبان) و پدرش بهزاد اشتیاقی بازیگر بوده‌اند.

اشتیاقی در سال ۱۳۹۳ در کنار چند نوازنده دیگر به عنوان برنده تندیس بهترین نوازنده سازهای غربی در دومین جشن سالانه موسیقی‌ما انتخاب شد.



فعالیت‌ها و آثار

آتنا اشتیاقی سابقه همکاری با ارکستر سمفونیک تهران را از سال ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰ در کارنامه خود دارد و از سال ۱۳۸۹ در مقام نوازنده با ارکستر ملی ایران همکاری می‌کند. او همچنین نوازنده «نزدیک‌تر بیا ... نزدیک‌تر ... نزدیک‌تر از این؟!» بود. این پرفورمنس به کارگردانی محمد پرویزی و با بازی پیگاه آهنگرانی در سال ۱۳۹۱ در گالری شیرین اجرا شد. نوازندگی در کنسرت‌های «شهر خاموش» کیهان کلهر به همراه کوارتت «مینیاتور» و همکاری با فریدون بهرامی در آلبوم «آبی دور» منتشر شده به سال ۱۳۹۷، از دیگر فعالیت‌های او بوده‌است. او با «ارکستر زهی پارسیان»، «ارکستر زهی نیاوران»، «ارکستر مجلسی تهران» و «گروه آوازی تهران» نیز همکاری داشته‌است. او همچنین در مهر ۱۳۹۴ در کنسرت محمدرضا شجریان در قونیه با ساز «شهنواز» شرکت داشت و در سال ۱۳۹۵ در تور کنسرت «ناگفته» به خوانندگی شهرام ناظری و حافظ ناظری حضور داشت. اشتیاقی در بسیاری از آلبوم‌های موسیقی ویولنسل یا کنترباس نواخته‌است. برخی از این آثار در جدول زیر آمده‌است.

عنوان آلبوم	آهنگساز	خواننده
دیور تیمنتو	احمد پژمان	
امشب کنار غزل‌های من بخواب	فردین خلعتبری	همایون شجریان
ایران من	سهراب پورناظری	همایون شجریان

عنوان آلبوم	آهنگساز	خواننده
عطار	<u>آرش کامور</u>	<u>وحید تاج</u>
فروغ	<u>سامان صمیمی</u>	<u>علیرضا قربانی</u>
<u>دخت پری‌وار</u>	<u>مهیار علیزاده</u>	<u>علیرضا قربانی</u>
<u>چه آتش‌ها</u>	<u>علی قمصری</u>	<u>همایون شجریان</u>
آرایش غلیظ	<u>سهراب یورناظری</u>	<u>همایون شجریان</u>
چهارشنبه سوری	<u>اولین باغچه‌بان</u>	<u>غزل شاکری</u>
کجاست خانه باد	<u>پیمان خازنی</u>	<u>الهام یاورنژاد گوینده</u>
شب زیبا	<u>جواد بطحایی</u>	<u>سالار عقیلی</u>
بی محابا	ابراهیم طهرانی‌پور	<u>محمد معتمدی</u>
رفته ز دل	<u>پیمان خازنی</u>	مجید حسین‌خانی و آوا عباس‌زاده
حاجیلیتو	<u>امید حاجیلی</u>	<u>امید حاجیلی</u>
همه این روزها	<u>کارن همایون‌فر</u>	
دیروز تا امروز	<u>امین هنرمند</u>	
خروش	<u>مجید درخشانی</u>	مجتبی عسگری

عنوان آلبوم	آهنگساز	خواننده
جرع‌ای دگر	<u>مزدا انصاری</u>	سبحان مهدی‌پور
پناه می‌برم به تو	<u>بیمان خازنی</u>	<u>بیمان خازنی</u> و صبا دارونی
تا همیشه	پویان رضایی	هادی فیض‌آبادی
گرامافون	محمد وکیلی تنظیم	علیرضا پوراستاد
ایماژ	سهیل شیرنگی	
از ارس	سالار زمانیان	

آذر هاشمی



آذر هاشمی

نام شناسنامه‌ای

آبادان، ۱۳۳۲

زاده

ساز	سنتور
اعضای کنونی	خانه موسیقی ایران
سازهای اصلی	
	سنتور

آذر هاشمی (زاده ۱۳۳۲ در آبادان) موسیقی‌دان، نوازنده سنتور و آهنگساز اهل ایران است.

زندگی هنری

آذر هاشمی در سال ۱۳۳۲ در آبادان متولد شد. در ۱۰ سالگی به هنرستان موسیقی ملی وارد شد و هنرستان را تا دریافت مدرک لیسانس ادامه داد. او پس از فارغ‌التحصیل شدن از هنرستان موسیقی به جهت تکمیل تحصیلات خود راهی کشور اتریش، شهر وین شد و در آنجا علوم آهنگسازی و رهبری گروه کر را به مدت ۸ سال فراگرفت. از جمله استادان او می‌توان به توماس کریستین داوید، فرامرز پایور، محمود کریمی، فرهاد فخرالدینی و حسین دهلوی اشاره نمود. وی در سال ۱۳۸۵ موفق به اخذ مدرک درجه یک هنری (معادل دکتری) از وزارت ارشاد شد. او همچنین بازرس خانه موسیقی ایران است. بهمن ۱۳۸۲، در مراسم اختتامیه نوزدهمین جشنواره موسیقی فجر، لوح تقدیر، چنگ زرین و ۱۰ سکه بهار آزادی به آذر هاشمی اهدا شد.

در چهاردهمین جشن خانه موسیقی ایران آذر هاشمی به همراه چند بانوی موسیقی‌دان دیگر مورد تجلیل قرار گرفت.

فعالیت‌های هنری

برخی از فعالیت‌های هنری آذر هاشمی طی سالیان فعالیت او در جایگاه موسیقی‌دان به شرح زیر است:

- سرپرست ارکستر بانوان (ترنم) صدا و سیما
- مدیر هنرستان موسیقی دختران
- دبیر دوره‌های ششم و هفتم «جشنواره گل یاس»
- همکاری با جشنواره‌های موسیقی شهرداری تهران، محله و شمسه
- رئیس کانون مدرسان خانه موسیقی
- بازرس هیئت مدیره خانه موسیقی
- آهنگسازی بیش از ۱۰۰ قطعه موسیقی
- کنسرت در کشورهای مختلف
- مقام برتر «فستیوال کانبرا» ۲۰۰۰ در استرالیا
- اجرا از طرف سازمان یونسکو با ارکستر سمفونیک پاریس
- همکاری با کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان
- تدریس سنتور
- تجلیل از آذر هاشمی به عنوان بانوی پیشکسوت عرصه موسیقی در چهاردهمین جشن خانه موسیقی
- دریافت «چنگ زرین» از نوزدهمین جشنواره موسیقی فجر

- مدیریت مدرسه هنر و ادبیات (موسیقی) سازمان صدا و سیما
- انتشار آلبوم موسیقی ۶ کاسته آموزشی ردیف‌های «ابوالحسن صبا» انتشارات سروش
- انتشار آلبوم موسیقی کودک «کشاورز پیر»
- انتشار آلبوم موسیقی کودک «چهار داستان»
- انتشار آلبوم موسیقی کودک «خرس قهوه ای»

آذرنوش صدرسالک



زاده

۱۳۳۴، تهران

سازها

چنگ پیانو

اعضای کنونی

کانون آهنگسازان سینمای ایران

اعضای پیشین

ارکستر سمفونیک تهران

آذرنوش صدر سالک (زاده ۱۳۳۴ در تهران)، موسیقی‌دان و نوازنده چنگ اهل ایران است. وی همسر مجید انتظامی موسیقی‌دان ایرانی است.

زندگی هنری

آذرنوش صدر سالک در سال ۱۳۳۴ در تهران متولد شد. پدر او «حسن صدر سالک» از شاعران و ترانه‌سرایان روزگار خود بود. او تحصیلات ابتدایی خود را در «مدرسه ژاندارک» طی کرد و به هنرستان موسیقی ملی راه یافت.

در ۱۰ سالگی آموختن ساز پیانو را آغاز کرد و در ۱۲ سالگی شروع به فراگیری نوازندگی ساز چنگ نمود. همچنین او در ۱۲ سالگی به عضویت گروه کر تلویزیون درآمد و در ۱۵ سالگی به گروه کر تالار وحدت پیوست. وی هم‌زمان با گرفتن دیپلم هنرستان موسیقی، به صورت شبانه موفق به اخذ «دیپلم ادبی» از در «دبیرستان طبری» و در رشته حقوق اسلامی دانشگاه تهران مشغول به تحصیل شد. از جمله استادان او در حقوق اسلامی می‌توان به «محمد مفتاح» و «مرتضی مطهری» اشاره نمود. مهم‌ترین استاد هارپ او در هنرستان موسیقی «آرناودوا» از کشور بلغارستان بوده است.

وی از سال ۱۳۵۷ به ارکستر سمفونیک تهران به رهبری «فرهاد مشکات» راه یافت و تا زمان بازنشستگی در این ارکستر مشغول فعالیت بود و پس از آن نیز به صورت مهمان با ارکستر سمفونیک همکاری داشته‌است. وی در سال ۱۳۵۷ با «مجید انتظامی» ازدواج کرد و به عنوان «دستیار آهنگساز» و نوازنده در آثار او همکاری داشته‌است.

آذرنوش صدر سالک از سال ۱۳۷۵ تا ۱۳۷۶ رئیس هنرستان موسیقی ملی دختران بود و در سال ۱۳۹۲ «مدرک درجه یک هنری» را از شورای ارزشیابی آثار هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی دریافت نمود.

آثار

آذرنوش صدر سالک در بسیاری از آلبوم‌های موسیقی سمفونیک و موسیقی فیلم به عنوان نوازنده چنگ فعالیت داشته که به موارد زیر می‌توان اشاره کرد:

- آلبوم موسیقی سوئیت سمفونی انقلاب اثر: مجید انتظامی
- آلبوم موسیقی سمفونی کارون اثر: مجید انتظامی
- آلبوم موسیقی سمفونی ایثار اثر: مجید انتظامی
- آلبوم موسیقی سمفونی پیروزی اثر: مجید انتظامی
- آلبوم موسیقی سمفونی مقاومت اثر: مجید انتظامی
- موسیقی متن فیلم سینمایی دستوروش به کارگردانی محسن مخملباف

ارفع اطرای



۸ تیر ۱۳۲۰ تهران

زاده

سنتور

ساز

خانه موسیقی ایران

اعضای کنونی

ارفع اطرای (زاده ۸ تیر ۱۳۲۰ در تهران) مؤلف و پژوهشگر موسیقی ملی ایران و نخستین بانوی مدرس و نوازنده سنتور اهل ایران است.

زندگی‌نامه

ارفع اطرای در ۸ تیر سال ۱۳۲۰ در تهران متولد شد. در سال ۱۳۳۰ به هنرستان موسیقی ملی راه یافت. از جمله استادان او می‌توان به «روح‌الله خالقی»، «حسین صبا»، «مصطفی کمال پورتراب»، «فرامرز پایور» و «محمود کریمی» اشاره نمود. وی در سال ۳۸-۱۳۳۷ تحصیلات آکادمیک خود را در هنرستان عالی موسیقی به پایان رساند. او از شاگردان ممتاز و مورد تأیید استادانی همچون حسین صبا، و فرامرز پایور بوده‌است.

وی دارای مدرک درجه یک هنری از وزارت فرهنگ است. او در زمینه معرفی و شناساندن ارزش‌های موسیقی اصیل ایرانی خصوصاً ردیف‌ها و دستگاه‌های موسیقی ملی و سنتور نوازی معاصر و همچنین آثار و اندیشه‌های موسیقی‌دانانی نظیر «فرامرز پایور» و «حسین صبا» سال‌ها تلاش نموده و تألیفات و مجموعه آثاری را به جامعه موسیقی کشور ارائه داده‌است.

مهر ۱۳۹۰ در مراسم اختتامیه دوازدهمین جشن خانه موسیقی، از ارفع اطرای به همراه ۸ بانوی هنرمند موسیقی دیگر تقدیر شد و تندیس‌های جشن خانه موسیقی به ایشان اهداء شد.

همچنین در اردیبهشت ۱۳۹۱ بزرگداشت ارفع اطرای تحت عنوان «مراسم نکوداشت مقام نخستین بانوی مدرس موسیقی ایرانی و نوازنده برجسته سنتور» برگزار شد.

آثار

تألیفات

۱. «فرهنگ موسیقی ایران» (۱۳۶۰)، باز نشر ۱۳۷۱
۲. «سنتور و ناظمی» (۱۳۶۳)، باز نشر ۱۳۷۰
۳. «دوازده مقام موسیقی ملی ایران» (۱۳۶۹)
۴. «زندگی و آثار حبیب سماعی» (۱۳۷۱)، باز نشر ۱۳۷۹-
۵. «بوی جوی مولیان: افسانه‌های موسیقی ایران» (۱۳۸۱)
۶. ویرایش «خودآموز سنتور حسین صبا» (۱۳۸۱)
۷. «هفت دستگاه و پنج آواز موسیقی ایرانی» (۱۳۸۲)
۸. «سازشناسی ایرانی» به همراه «محمد رضا درویشی» ۱۳۸۵
۹. «آثار و معارف پایور» (۱۳۸۹)

از جمله فعالیت‌های هنری ارفع اطرائی می‌توان به: نوازندگی با «سنتور کروماتیک» و «سنتور کروماتیک باس» در ارکستر صبا به رهبری حسین دهلوی و سنتور باس در ارکستر فرامرز پایور و «سنتور سل کوک» و «لا کوک» در تکنوازی‌ها و همناوایی‌های متعدد اشاره کرد. وی از سال ۱۳۵۳ سرپرست گروه موسیقی تالار رودکی (وحدت) بوده و با هنرمندانی چون: محمد موسوی، امیرناصر افتتاح، لطف‌الله مجد، نادر گلچین و خاطره پروانه همکاری کرده‌است.

او همچنین به عنوان یکی از زنان نام‌آور ایران از طرف دفتر مشارکت زنان امور ریاست جمهوری شناخته شده‌است؛ و عضو هیئت مدیره اولین دوره کانون پژوهشگران خانه موسیقی ایران و عضو شورای فنی هنرستان موسیقی پسران و دختران و دانشگاه علمی کاربردی می‌باشد. هم چنین وی منتخب «برگزیده جشنواره موسیقی بانوان» مرداد ۱۳۸۴ شورای شهر تهران و منتخب «بازنشسته نمونه ملی» سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور در شهریور ۸۴ و منتخب وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی بعنوان «پیشکسوت نمونه» در شهریور ۱۳۸۴ می‌باشد.

سفرها

وی سفرهای متعددی به جهت اجرای کنسرت و شناساندن ظرافت‌ها و ارزش‌های موسیقی اصیل ایران به کشورهای: پاکستان (۱۳۳۹)، ایتالیا (۱۳۴۲)، افغانستان (۱۳۴۸)، ترکیه (۱۳۴۹)، بحرین (۱۳۵۱)، آمریکا (۱۳۵۴)، عراق (۱۳۵۴)، کرواسی (۱۳۷۳)، یوسنی و هرزگوین (سارایوو) (۱۳۷۳)، و کویت (۱۳۸۶) داشته‌است.

او همچنین مقاله‌هایی پیرامون شناساندن اندیشه و آثار فرامرز پایور نوشته‌است. وی همچنان مشغول تدریس سنتور است و تاکنون شاگردان بسیاری را پرورش داده‌است.

آسو کهزادی



۱۳۶۱

زاده

ویولن

ساز

آسو کهزادی آهنگساز و نوازنده ویولن اهل ایران است که تجربیاتی در زمینه ساخت موسیقی برای تئاتر و فیلم داشته‌است.

زندگی‌نامه

آسو کهزادی متولد ۱۳۶۱ است و فراگیری ویولن را از هشت سالگی آغاز کرده‌است. او تا کنون موفق به کسب رتبه اول نوازندگی ویولن جشنواره موسیقی فجر ۱۳۷۳ و رتبه دوم در سال ۱۳۷۴ شده‌است. کهزادی کارشناس ارشد آهنگسازی از دانشگاه هنر تهران دارد و برنده بهترین قطعه پایان‌نامه آهنگسازی از دانشگاه هنر در سال ۱۳۸۷ است. اجرای «کنترملودی» (قطعات آکوستیک) ۱۳۹۰ تهران، کورس یک ساله موسیقی الکترونیک ۱۳۹۱ هلند، اجرای «ترنج» (الکترونیک) ۱۳۹۲ اسپانیا، اجراهای سالیانه از جمله افتخارات و فعالیت‌های او است.

دونوازی «آکاردئون» و «ویولن» با اجرای «مهرداد مهدی» و «آسو کهزادی» از سری برنامه‌های پژوهشی گرافیک موسیقی در خانه هنرمندان ایران در ۳۰ فروردین ۱۳۹۶ برگزار شد. مهرداد مهدی و آسو کهزادی روز پنجشنبه ۱۷ اسفند ۱۳۹۶ در قالب سلسله اجراهای «موسیقی - تجربه» در تالار رودکی تهران روی صحنه رفتند.

اجرای خیابانی

مهرداد مهدی و آسو کهزادی به مناسبت انتشار آلبوم «دورنادئون» تعدادی از قطعات آن را در محله های مختلف تهران از جمله در محوطه خانه هنرمندان اجرا کردند.

مسدود شدن اینستاگرام

به دستور مقامات قضایی از روز پنجشنبه ۲ خرداد ۱۳۹۸ صفحه اینستاگرام وی، نغمه مهردادآبادی و مهرداد مهدی به اتهام انتشار محتوای مجرمانه توسط پیلز فتا مسدود شد. صفحات آنها در شبکه اینستاگرام، به ترتیب حدود ۱۱۳ هزار، ۲۳ هزار و ۴۰ هزار دنبال کننده داشت.

آثار

آلبوم **درنادئون** در سبک پاپ و نیوایج و شامل بیست قطعه دونوازی آکاردئون و ویولن با نام های «عروس»، «نوان»، «مرغ آتش»، «آشیان سوخته»، «بی آشیانه»، «والس تنهایی»، «پر زاده»، «یادبادک»، «نوجان»، «رقص بادبادک»، «خاتون»، «بازار»، «درنای گنبد نار»، «درناز»، «حنا»، «هزار درنا»، «مرغ مهاجر»، «سرزمین بازگشت»، «جز والس تهران» و «والس تهران» است. تعدادی از قطعات آن را در محله های مختلف تهران اجرا کردند.

افلیا پرتو

۱ دی ۱۳۱۷ تهران

زاده

پیانو

ساز

خانه موسیقی ایران

اعضای کنونی

ارکستر بانوان

اعضای پیشین

افلیا پرتو (زاده ۱ دی ۱۳۱۷ در تهران) نوازنده پیانو و موسیقی دان اهل ایران است.

زندگی هنری

افلیا پرتو ۱ دی سال ۱۳۱۷ در تهران متولد شد. در سن ۱۰ سالگی به هنرستان موسیقی ملی راه یافت. او از هنرمندانی همچون «ابولحسن صبا»، «علینقی وزیری»، «روح‌الله خالقی»، «حسین تهرانی»، «مهدی مفتاح» و «جواد معروفی» بهره برده است. وی سال‌ها نزد «جواد معروفی» پیانو ایرانی را فراگرفت و نخستین زن ایرانی است که «پیانو ایرانی» (اجرای موسیقی ملی ایران با پیانو) نواخته و آموزش داده است.

او فارغ‌التحصیل کارشناسی موزیکولوژی از هنرستان عالی موسیقی ملی و کارشناسی ارشد مدیریت امور فرهنگی موسیقی از دانشگاه فارابی (دانشگاه هنر) می‌باشد. وی پس از پایان دوره کارشناسی‌اش در سال ۱۳۳۶ در اداره هنرهای زیبا در وزارت فرهنگ و هنر مشغول به کار شد. همچنین، تا هنگام بازنشستگی به تدریس موسیقی و نوازندگی پیانو پرداخت

او سالها در وزارت فرهنگ و هنر سابق سرپرست ارکستر بانوان بود. این ارکستر بزرگ از سازهای ایرانی و غربی تشکیل می‌شد که موسیقی ایرانی می‌نواختند و خود او در این ارکستر پیانو می‌نواخت. وی در سال ۱۳۷۷ گروه موسیقی «یاران» را با خوانندگی «خاطره پروانه» تأسیس نمود و کنسرت‌های متعددی با این گروه برای بانوان به صحنه برد. پس از درگذشت «خاطره پروانه» خوانندگی اجراهای گروه «یاران» را «افسانه ملک» بر عهده داشت.

مهر ۱۳۹۰ در مراسم اختتامیه دوازدهمین جشن خانه موسیقی، از افلیا پرتو به همراه ۸ بانوی هنرمند موسیقی دیگر تقدیر شد و تندیس‌های جشن خانه موسیقی به ایشان اهداء شد. همچنین بهمن ۱۳۹۵ در مراسم نکوداشت «جواد معروفی» از افلیا پرتو قدردانی شد.

افلیا کمباجیان

درگذشته ۱۳۹۷

ساز پیانو

اعضای پیشین هنرستان عالی موسیقی تهران

شاگردان علیرضا مشایخی فرمان بهبود فریمه قوام صدری گلریز هاشمی

بنیانگذار گروه موسیقی قرن بیستم

افلیا کمباجیان (زاده تهران - درگذشته دی ۱۳۹۷) نوازنده پیانو و موسیقی‌دان ارمنی‌تبار اهل ایران بود.

زندگی هنری

افلیا کمباجیان زاده تهران و دانش‌آموخته هنرستان موسیقی تهران بود. از استادان پیانو او می‌توان به «تانیا خاراطیان» (اهل روسیه) از استادان هنرستان عالی موسیقی به سرپرستی «غلامحسین مین باشیان» اشاره نمود. پس از پایان تحصیلات در هنرستان موسیقی، تحصیلات تکمیلی و تخصصی خود

را در نوازندگی پیانو در فرانسه پی گرفت و در سال ۱۳۴۱ از «اکول نرمال موسیقی پاریس» فارغ التحصیل شد. پس از آن به ایران بازگشت و در هنرستان عالی موسیقی تهران به تدریس مشغول شد.

او از پیشکسوتان تدریس پیانو در ایران محسوب می‌شد که شاگردان زیادی را پرورش داده‌است. از جمله شاگردان او می‌توان به «علیرضا مشایخی»، «فرمان بهبود»، «فریمه قوام صدری»، «گلریز هاشمی» و ... اشاره نمود. وی ساکن فرانسه بود و تا سال‌های پایانی زندگی همچنان به تدریس پیانو ادامه داد.

در اسفند ۱۳۹۶ هفتمین دوره جشنواره کلاسیک تا معاصر، «بزرگداشت استاد افلیا کمباجیان» به مدت ۵ شب در تالار رودکی تهران برگزار شد.

او در دی سال ۱۳۹۷ درگذشت.

فعالیت‌های هنری

از جمله فعالیت‌های هنری افلیا کمباجیان به موارد زیر می‌توان اشاره نمود:

- تدریس در هنرستان عالی موسیقی تهران
- تدریس در اکول ناسیونال گشان فرانسه
- تأسیس «گروه موسیقی قرن بیستم» به عنوان اولین گروه موسیقی اجرای موسیقی مدرن در ایران با همکاری «علیرضا مشایخی»
- تکنوازی در آلبوم موسیقی «ارکستر موسیقی نو» اثر «علیرضا مشایخی»
- داوری در جشنواره موسیقی باخ (دوسالانه نوازندگی پیانو و موسیقی نو)

بهناز ذاکری



۲ خرداد ۱۳۲۹ تهران

زاده

ساز ها	سنتور تمبک قیچک پیانو
اعضای کنونی	خانه موسیقی ایران

بهناز ذاکری (زاده ۲ خرداد ۱۳۲۹ در تهران) موسیقی‌دان، نوازنده سنتور و آهنگساز ایرانی است.

زندگی هنری

بهناز ذاکری ۲ خرداد سال ۱۳۲۹ در تهران متولد شد. پس از دوران ابتدایی به هنرستان موسیقی ملی راه یافت و ساز سنتور را ابتدا نزد «ارفع اطراپی» و پس از آن نزد «فرامرز پایور» فراگرفت. او همچنین نوازندگی ساز «تمبک» را تحت تعلیم «محمد اسماعیلی» آموخت و نواختن سازهای «پیانو» و «قیچک» را نیز به عنوان ساز دوم در هنرستان موسیقی دنبال کرد.

وی در زمان تحصیل در هنرستان موسیقی همکاری خود را با گروه موسیقی بانوان به سرپرستی «افلیا پرتو» و گروه تمبک به سرپرستی «محمد اسماعیلی» آغاز کرد. او پس از پایان تحصیل در هنرستان موسیقی به دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران راه یافت و تحصیلات عالی موسیقی خود را پی گرفت. پایان‌نامه دانشگاهی او همکاری علمی هنری با «محمدرضا لطفی» بود.

از استادان وی می‌توان به هنرمندانی نظیر «نورعلی برومند»، «داریوش صفوت»، «محمدتقی مسعودیه»، «علیرضا مشایخی»، «شاهین فرهت»، «پیری برکشلی»، «مصطفی کمال پورتراب» و «احمد پژمان» اشاره نمود. او در سال ۱۳۵۰ به همراه ارکستر بزرگ رادیو، چهارمضرب ماهور «درویش خان» با تنظیم «فریدون شهبازیان» را اجرا کرد. وی پس از انقلاب ۱۳۵۷ ایران اولین کنسرت بانوان بدون خواننده را در سال ۱۳۷۱ با دو گروه «سماعی» و «گلبنانگ» سرپرستی کرد. «مسعود لقا» نوازنده «فلوت» و «آزاده لقا» نوازنده «دف» و «نازیلا لقا» نوازنده «ویلن» و «کمانچه» و کامبیز لقا کارشناس ارشد معماری، همسر و فرزندان او هستند.

در چهاردهمین جشن خانه موسیقی ایران بهناز ذاکری به همراه چند بانوی موسیقی‌دان دیگر مورد تجلیل قرار گرفت. همچنین در مرداد ۱۳۹۴ در سومین نشست آموزشی پژوهشی موسیقی دستگاهی ایران توسط سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران، از بهناز ذاکری به همراه مجید کیانی، اسماعیل تهرانی، داریوش سالاری و میلاد کیایی تقدیر به عمل آمد.

فعالیت‌های هنری

از جمله فعالیت‌های هنری بهناز ذاکری به موارد زیر می‌توان اشاره نمود:

تدریس در هنرستان موسیقی، تدریس در دانشگاه جامع علمی کاربردی،

همکاری با گروه موسیقی بانوان به سرپرستی «افلیا پرتو»،

همکاری با گروه تمبک به سرپرستی «محمد اسماعیلی»،

همکاری با ارکستر سازهای ملی به رهبری «مهدی مفتاح»،

همکاری با گروه موسیقی «سماعی» به سرپرستی «محمدرضا لطفی» و «حسن ناهید»،

همکاری با گروه موسیقی «وزیری» سرپرستی «فریدون شهبازیان» و «فرهاد فخرالدینی»،

همکاری با ارکستر ملی ایران به رهبری «فرهاد فخرالدینی»،

سرپرستی گروه موسیقی «سماعی» و «گلبنانگ»،

اجرای کنسرت در کشورهای نظیر «آلمان»، «اتریش»، «رومانی»، «یونان»، «چین»، «سوئیس»، «فیلیپین»، «استرالیا»، «ترکیه»، «ترکمنستان» و «مجارستان»، عضویت در هیئت انتخاب جشنواره موسیقی جوان،

عضویت در هیئت داوران جشنواره سرود و موسیقی شمسه،

عضویت در هیئت داوران جشنواره موسیقی فجر

آثار هنری

برخی از آثار هنری بهناز ذاکری به شرح زیر است:

- آلبوم موسیقی «شور و نوا» به همراهی تمبک «محمد اسماعیلی» ۱۳۸۳
- جزوه اتود برای سنتور
- دوئت‌های شور و اصفهان
- فانتری فلوت و سنتور
- روش نویسی و گسترش کتاب «دستور سنتور» «فرامرز پایور»
- کتاب «پرواز» مجموعه پیش‌درآمد، رنگ و قطعات ضربی، انتشارات چکاد هنر ۱۳۹۱
- کتاب «شور و شیدایی» مجموعه پیش‌درآمد، رنگ و قطعات ضربی، انتشارات چکاد هنر ۱۳۹۱
- آلبوم موسیقی «دونوازی سنتور و تنبک» (اجرای هفت دستگاه و پنج آواز) به همراهی تمبک «کامران یعقوبی» ۴ سی دی مؤسسه فرهنگی هنری نغمه هزار دستان ۱۳۹۲
- کتاب «روش نوین آموزش سنتور» انتشارات موسیقی عارف ۱۳۹۳

پانیز فریوسفی



تهران

زاده

سازها	ویلن ویولا
اعضای کنونی	ارکستر فیلارمونیک تهران
اعضای پیشین	ارکستر سمفونیک تهران

پانیزد فریوسفی (زاده ۴ مهر) نوازنده، موسیقی‌دان، مدرس ویلن و آهنگساز اهل ایران است.

زندگی‌نامه

پانیزد فریوسفی در خانواده‌ای هنرمند در تهران متولد شد. مقدمات موسیقی را نزد پدر شهریار فریوسفی و مادر فهیمه اسماعیلی فرا گرفت و پس از آن به هنرستان موسیقی تهران راه یافت. از استادان او در هنرستان می‌توان به سیاوش ظهیرالدینی و ابراهیم لطفی اشاره نمود.

وی تحصیلات موسیقی خود را در «کنسرواتوار کمیتاس» کشور ارمنستان زیر نظر استادانی چون: سورن حق نظریان، روبن کاسمیان، روبن الکساندروویچ، سورن هاپرا پتویچ، وچسلاو پتروویچ و آرام تالالیان پی گرفت و با دیپلم قرمز (کارشناسی ارشد) فارغ‌التحصیل شد. از دیگر استادان او می‌توان به والودیا تارخانیان، محمدسعید شریفیان، آرام قارابیگیان و ... اشاره کرد.

او همچنین چندین مسترکلاس نوازندگی ویولن با استادان اروپایی گذرانده‌است و دوره ای در خصوص رهبری ارکستر و نوازندگی ویلن به مدت ۲ سال نزد آرام قارابیگیان در کنسرواتوار ارمنستان سپری کرده‌است. برادر وی پیرام فریوسفی نیز از نوازندگان و مدرسان ویلن است.

فعالیت‌های هنری

برخی از فعالیت‌های هنری پانیزد فریوسفی به شرح زیر است:

همکاری با ارکستر فیلارمونیک تهران،

مدیر اجرایی و کنسرت مایستر ارکستر فیلارمونیک تهران،

سرپرست گروه کوارتت زهی نواک،

نوازندگی در ارکستر فیلارمونیک نیویورک با دعوت رسمی این ارکستر،

اجرای دوئت ویلن و ویولا در سی و یکمین جشنواره موسیقی فجر به همراه ستاره بهشتی،

تدریس در دانشکده موسیقی هنرهای زیبای دانشگاه تهران،

تدریس در دانشگاه جامع علمی کاربردی،

تدریس در هنرستان موسیقی دختران،

رهبری ارکستر زهی هنرستان موسیقی دختران،

همکاری با گروه موسیقی «ذاستا» با آهنگسازی فریدین خلعتبری و سرپرستی بهنام ابوالقاسم،

سرپرستی و نوازندگی در گروه «دوئت و تریو ویلون و پیانو»

رتبه سوم بخش موسیقی کلاسیک بیست و پنجمین جشنواره بین‌المللی موسیقی فجر،

سرپرستی و نوازندگی در گروه «دوئت و تریو ویلون و پیانو»

رتبه دوم بخش موسیقی کلاسیک بیست و چهارمین جشنواره بین‌المللی موسیقی فجر،

سرپرستی و اجرا با گروه «کوارتت زهی» در جشنواره ملی جوان ایرانی،
 سرپرستی و اجرا در کنسرت موسیقی «شب شومان» به همراه خاچیک بابایان،
 سرپرست گروه سازهای زهی نمایش موزیکال «شهر نغمه‌ها»،
 سرپرست کوارتت زهی «آرمیران»،
 همکاری با گروه کر و ارکستر «نامیرا»،
 تکنوازی در کنسرت موسیقی آثار علیرضا مشایخی به مناسبت بیستمین سال تأسیس گروه موسیقی
 «تهران»،
 همکاری با ارکستر مجلسی نیاوران،
 همکاری با ارکستر مجلسی ارمنستان به رهبری لوریس چکناواریان

آثار

از جمله آثار موسیقی که پانیز فریوسفی در اجرای آنان حضور داشته‌است به موارد زیر می‌توان اشاره نمود:

- نوازندگی در آلبوم موسیقی «ویولن» به همراه روبن کاسمیان و ارکستر سمفونیک ناسیونال اوکراین
- نوازندگی (تکنواز) در آلبوم موسیقی «سونات‌های ویلن» به آهنگسازی علیرضا مشایخی
- نوازندگی (تکنواز) در آلبوم موسیقی «زمینی» به آهنگسازی علیرضا مشایخی به همراه ارکستر سمفونیک ملی اوکراین
- نوازندگی و انتشار آلبوم موسیقی «خاطرات هنرستان» به همراه آوا نظر
- نوازندگی در آلبوم موسیقی «ملکه» آهنگسازی حسین علیزاده
- نوازندگی در آلبوم موسیقی امشب کنار غزل‌های من بخواب به خوانندگی همایون شجریان و آهنگسازی فردین خلعتبری
- نوازندگی در آلبوم موسیقی «ایماژ» به آهنگسازی سهیل شیرنگی
- نوازندگی در آلبوم موسیقی «فروغ» به آهنگسازی سامان صمیمی و خوانندگی علیرضا قربانی
- نوازندگی در آلبوم موسیقی «ملکه» به آهنگسازی حسین علیزاده
- نوازندگی در آلبوم موسیقی «سایه تنهایی» به آهنگسازی مهدی سالاری نسب و خوانندگی شاهد طباطبایی
- نوازندگی در آلبوم موسیقی «سایه‌ها» به آهنگسازی علیرضا ثنایی، امیراشکان غلامی و خوانندگی امیراشکان غلامی
- نوازندگی در آلبوم موسیقی «کافه‌های تهران» به آهنگسازی فردین خلعتبری و خوانندگی همایون شجریان
- نوازندگی در آلبوم موسیقی «سیلک، نمای شرقی» به آهنگسازی علی رادمان
- نوازندگی در آلبوم موسیقی «صبر کن...» به آهنگسازی مهیار علیزاده و خوانندگی محمد معتمدی
- نوازندگی در آلبوم موسیقی «چهار فصل باغ ایرانی» به آهنگسازی فردین خلعتبری
- «وقتی که آمدی» (آهنگسازی) با صدای آرمین صنایعی
- «گفتگوی زنبور و پروانه»، (آهنگساز و تنظیم کننده)

پروین صالح



زاده	۱۶ تیر ۱۳۱۸ <u>تهران</u>
سازها	<u>قیچک</u> <u>ویلن</u> <u>ویولا</u> <u>قانون</u>
اعضای پیشین	<u>گروه پایور</u>
استادها	<u>حسینعلی ملاح</u> <u>روح‌الله خالقی</u> <u>ابوالحسن صبا</u> <u>حسین تهرانی</u> <u>جواد معروفی</u>

پروین صالح (زاده ۱۶ تیر ۱۳۱۸) موسیقی‌دان و نوازنده قیچک و ویلن اهل ایران است. او نخستین نوازنده قیچک در ارکستر سازهای ملی ایران است.

زندگی‌نامه

پروین صالح ۱۶ تیر سال ۱۳۱۸ هـ. ش در تهران متولد شد. تحصیلات ابتدایی را تا پایان کلاس چهارم، در دبستان ۱۷ دی گذراند. در این مدرسه با دیدن کتابچه تبلیغاتی هنرستان موسیقی، به موسیقی علاقه‌مند شد و با رضایت پدر، از ۱۰ سالگی تحصیلات موسیقی خود را در هنرستان موسیقی ملی آغاز و با پیشنهاد روح‌الله خالقی ساز ویلن را انتخاب کرد. وی نواختن ویلن را ابتدا نزد حسینعلی ملاح آموخت. پس از چند سال، نزد ابوالحسن صبا ردیف موسیقی ایرانی را آموزش دید.

ساز دوم پروین صالح در هنرستان، ساز قانون بود. او سال‌ها در هنرستان موسیقی ملی، با هوشنگ ظریف هم‌کلاس و دوست بود. آنها پیش از فارغ‌التحصیلی به نامزدی یکدیگر درآمدند که این نامزدی در سال ۱۳۳۹ به ازدواج انجامید. در مراسم عقد پروین صالح و هوشنگ ظریف، روح‌الله خالقی که مدیر آنها در هنرستان موسیقی ملی بود به عنوان شاهد عقد حضور داشت. از دیگر استادان پروین صالح در هنرستان موسیقی ملی می‌توان به روح‌الله خالقی، حسین تهرانی و جواد معروفی اشاره کرد.

پروین صالح پس از پایان تحصیل در هنرستان موسیقی در اداره فرهنگ و هنر به تدریس موسیقی مشغول شد. او همزمان به همراه هوشنگ ظریف و با دعوت داوود بیرنیا با ارکسترهای مختلف رادیو، به عنوان نوازنده ویلن و ویولا همکاری خود را آغاز کرد. پس از مدتی به دعوت مرتضی حنانه با ارکستر تلویزیون همکاری کرد و همراه با این ارکستر در افتتاحیه تلویزیون ایران به اجرای برنامه پرداخت. برنامه‌های این ارکستر، هر شب ساعت ۸ به صورت مستقیم پخش می‌شد. او نخستین بار نوازندگی ساز قیچک را در گروه مهدی مفتاح تجربه کرد. پس از آن با پیشنهاد فرامرز پایور در گروه پایور نیز به نوازندگی قیچک مشغول شد و همراه با این گروه کنسرت‌های متعددی در ایران و خارج از ایران برگزار کرد.

این همکاری حدود ۲۰ سال و تا زمان بیماری فرامرز پایور و پایان فعالیت‌های گروه ادامه داشت. از دیگر گروه‌هایی که پروین صالح با آنها همکاری داشت، می‌توان به ارکستر حسن رادمرد، ارکستر محمدعلی بهارلو و ارکستر بانوان به سرپرستی احمد فروتن راد اشاره کرد. پروین صالح سه فرزند با نام‌های شاهین، بابک و کتایون ظریف دارد. او همچنین در دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران نیز تدریس کرده است.

در مهر ۱۳۹۰، در مراسم جشن خانه موسیقی ایران، لوح تقدیر و تندیس خانه موسیقی به پروین صالح اهدا شد. همچنین در شهریور ۱۳۹۴، مراسم بزرگداشت پروین صالح با حضور جمعی از هنرمندان در تالار وحدت تهران برگزار شد.

آثار

از جمله آثار موسیقی منتشر شده که پروین صالح در اجرای آنان حضور داشته‌است به موارد زیر می‌توان اشاره کرد:

- نوازندگی در آلبوم موسیقی گروه نوازی در دستگاه شور و ماهور با آهنگسازی فرامرز پایور
- نوازندگی در آلبوم موسیقی ساز قصه‌گو با آهنگسازی فرامرز پایور و خوانندگی محمدرضا

شجریان

- نوازندگی در آلبوم موسیقی راز دل با خوانندگی محمدرضا شجریان
- نوازندگی در آلبوم موسیقی آثار درویش‌خان ۱ کرشمه
- نوازندگی در آلبوم موسیقی آثار درویش‌خان ۲ پریزاد
- نوازندگی در آلبوم موسیقی آثار درویش‌خان ۳ دلکش
- نوازندگی در آلبوم موسیقی گروه نوازی
- نوازندگی در آلبوم موسیقی هم‌نوازی استادان
- نوازندگی در آلبوم موسیقی عیاران اثر احمد پژمان
- برگزیده گل‌های تازه برنامه شماره ۱۰۳ با خوانندگی عبدالوهاب شهیدی
- هم‌نوازی استادان (۲)

پری برکشلی



زاده	آذر ۱۳۲۴ تهران
ساز	پیانو
همکاری های مرتبط	مدیر اسبق دانشکده هنرهای زیبا دانشگاه تهران
	رئیس کنسرواتوار موسیقی شهر لوسه فرانسه
تحصیلات	پروفسور پیانو
دانشگاه	آکادمی مارگرت لونگ کنسرواتوار امی بین کنسرواتوار عالی موسیقی پاریس
استادها	ایوون لوریو ایوون لوفه بور ژرمن مونیخ

پری برکشلی (زاده آذر ۱۳۲۴ در تهران) نوازنده و مدرس پیانو، موسیقی شناس، موسیقی دان و رئیس سابق کنسرواتوار موسیقی شهر لوسه فرانسه اهل کشور جمهوری اسلامی ایران است.

زندگی هنری

پری برکشلی آذر سال ۱۳۲۴ در تهران متولد شد. پدرش «مهدی برکشلی»، موسیقی دان، فیزیکدان و رئیس دانشکده فیزیک دانشگاه تهران، نخستین معلم موسیقی او بود.

وی آموزش‌های مقدماتی نواختن «پیانو» را نزد «کیتی خسروی» فراگرفت و به هنرستان عالی موسیقی راه یافت. در سن ۱۲ سالگی در «تالار فرهنگ» تهران به اجرای کنسرت پرداخت. پس از پایان دوره اول متوسطه کنسرتی را در شهر پاریس فرانسه برگزار نمود و این شهر را برای تحصیلات عالی موسیقی برگزید.

او ابتدا در «آکادمی مارگرت لونگ» سپس در «کنسرواتوار امی‌ین» و پس از آن در «کنسرواتوار عالی موسیقی پاریس» تحصیلات عالی موسیقی خود را پی گرفت و در مدت ۱۰ سال با درجه ممتاز و دریافت جایزه نخست، فارغ‌التحصیل شد. از جمله استادان پیانو او می‌توان به «ایوون لوریو»، «ایوون لوفه بور» و «ژرمن مونی» اشاره نمود. در همان زمان جایزه «بهترین اجرا کننده باخ» به او اهداء شد و آثار موسیقی «الیویه مسیان» را نزد وی آموخت.

پس از آن به ایران بازگشت و طرح برنامه‌ای با عنوان «شناخت موسیقی کلاسیک» را به تلویزیون ملی ایران ارائه داد. در این سلسله برنامه، پس از معرفی آهنگسازان غربی آثارشان مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار می‌گرفت. پس از آن به دانشگاه تهران دعوت شد و ابتدا به سمت استادیار و سپس با مرتبه دانشیار، به استخدام دانشگاه تهران درآمد. پس از آن به عنوان مدیر دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران برگزیده شد که تا پیش از آن هیچ زن دیگری به این سمت نرسیده بود.

او مدت ۱۲ سال در ایران ماند و کنسرت‌های متعددی را به اجرا درآورد. وی پس از انقلاب سال ۱۳۵۷ ایران مجدداً به فرانسه بازگشت و به سمت استادی در «کنسرواتوار مونتارژی» و «کنسرواتوار سنت نوم لایروتش» دست یافت. او تا پیش از بازنشستگی استاد آموزش هنری، پروفیسور پیانو و رئیس «کنسرواتوار موسیقی شهر لوسه» فرانسه بود.

فعالیت‌های هنری

از جمله فعالیت‌های هنری پری برکشلی به موارد زیر می‌توان اشاره نمود:

همکاری با ارکستر سمفونیک تهران به رهبری «فرهاد مشکات»، «جان گاروی» و «آدرین سان شاین»، همکاری با ارکستر مجلسی رادیو و تلویزیون ملی ایران، همکاری با ارکستر سمفونیک شهر نور فرانسه، تدریس در دانشگاه تهران، تدریس در «کنسرواتوار مونتارژی» فرانسه، تدریس در «کنسرواتوار سنت نوم لایروتش» فرانسه، تدریس در آکادمی تابستانی «پارتونی» فرانسه، مدیر دوره‌های تابستانی کارآموزی پیانو و ارکستر مجلسی در بورگونی، ریاست «کنسرواتوار موسیقی لوسه» فرانسه، اجرای کنسرت‌های متعدد در فرانسه، اتریش و آمریکا، اجرای کنسرت «موسیقی قرن بیستم» در ژانویه ۱۹۹۳ در «کنسرواتوار مونتارژی» با آثاری از آهنگسازان جهانی نظیر «اولیویه مسیان» و «پلابارتوک» و «علیرضا مشایخی»، اجرای کنسرت موسیقی کلاسیک با آثاری از «موتزارت»، «بتهوون» و «علیرضا مشایخی»

آثار هنری

از جمله آثار پری برکشلی به موارد زیر می‌توان اشاره کرد:

- ترجمه کتاب «تئوری کامل موسیقی» اثر «ر. شای» و «ه. شالان» انتشارات دانشگاه تهران ۱۳۶۵
- تألیف مقاله‌هایی به زبان فرانسه پیرامون «الکساندر پیرفانسو ابولی» و آموزش موسیقی
- مقاله‌های موزیکولوژی به زبان‌های فرانسه و فارسی
- کتاب دوجلدی «پیانو لود» (متدی نوین برای آموزش پیانو)
- آثاری در مجموعه «الفاستیل»
- کتاب «دماوند من کجاست؟» (به زبان فرانسوی) انتشارات، ۲۰۱۵ L'Harmattan
- نوازندگی در آلبوم موسیقی «باغ‌های نیشابور» اثر «علیرضا مشایخی» ۱۳۹۲

پریچهر خواجه



زاده

۲۵ تیر ۱۳۵۶ تهران

سازها

قانون پیانو تمبک کمانچه

اعضای کنونی

خانه موسیقی ایران

استادها

سیمین آقارضا حسین دهلوی

محمد اسماعیلی فرهاد فخرالدینی

هوشنگ ظریف

پریچهر خواجه (زاده ۲۵ تیر ۱۳۵۶ در تهران) موسیقی‌دان و نوازنده قانون اهل ایران است.

زندگی هنری

پریچهر خواجه ۲۵ تیر سال ۱۳۵۶ در تهران متولد شد. موسیقی و نواختن قانون را از سال ۱۳۶۷ با ورود به هنرستان موسیقی دختران نزد ملیحه سعیدی آغاز کرد و در کنار این ساز با نواختن پیانو، تمبک و کمانچه نیز آشنا شد. در سال ۱۳۷۴ با رتبه اول از هنرستان موسیقی فارغ‌التحصیل شد و باز با رتبه اول در دانشگاه هنر پایان‌نامه گرفت. سپس به کسب درجه کارشناسی ارشد آهنگسازی نائل آمد و در حال حاضر در همان دانشگاه تدریس می‌کند. از جمله سوابق وی می‌توان به مدیرگروهی دانشکده موسیقی دانشگاه هنر اشاره کرد.

وی تنها مدرس دانشگاهی ساز قانون و عضو هیئت علمی دانشگاه هنر تهران است.

اساتید

وی ضمن برخورداری از آموزش‌های «سیمین آقارضا»، از تعالیم استادانی چون «حسین دهلوی»، «محمد اسماعیلی»، «فرهاد فخرالدینی»، «هوشنگ ظریف»، «هوشنگ کامکار»، «کامبیز روشن روان»، «حسین علیزاده»، «احمد پژمان»، «محمد رضا درویشی»، «علیرضا مشایخی» و بسیاری دیگر بهره گرفته است.

فعالیت‌های هنری

از جمله فعالیت‌های هنری پریچهر خواجه می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

تدریس در هنرستان‌های موسیقی دختران و پسران، تدریس در دانشگاه هنر از سال ۱۳۸۱، تدریس در دانشگاه جامع علمی کاربردی، تدریس در دانشگاه آزاد اسلامی، تدریس در دانشگاه الزهراء، همکاری با ارکستر سازهای مضرابی به رهبری حسین دهلوی، همکاری با ارکستر سمفونیک فرهنگسرای بهمن، همکاری با ارکستر ملی ایران به رهبری فرهاد فخرالدینی، همکاری با کارگاه آموزشی سازهای موسیقی سنتی آسیا (کمیسون ملی یونسکو در ایران)، سرپرست ارکستر بانوان «نیواک» (دانشگاه الزهراء)، سرپرست و آهنگساز ارکستر بانوان «مهر»، همکاری با گروه سنتی «سنا»، همکاری با گروه «هم آوایان» به سرپرستی حسین علیزاده

آثار هنری

برخی از آثار هنری پریچهر خواجه عبارتند از:

- کتاب و سیدی «بیاد ۱» (سی قطعه برای ساز قانون از استادان موسیقی ایران)
- کتاب و سیدی «بیاد ۲» (سی‌وسه قطعه برای ساز قانون از استادان موسیقی ایران)
- «چهل قطعه برای ساز قانون» در ۲ سیدی (آثاری از سیمین آقا رضی و پریچهر خواجه)
- گلنوش (از سیمین آقا رضی)

پریسا پیرزاده



تهران

زاده

ویولن - ویولا - قیچک آلتو

سازها

parisapirzadeh.com

وبگاه

ارکستر سمفونیک تهران

اعضای پیشین

پریسا پیرزاده (زاده ۲۵ شهریور ۱۳۶۸ در تهران) نوازنده ویولن و موسیقی‌دان ایرانی است.

زندگی هنری

پریسا پیرزاده ۲۵ شهریور سال ۱۳۶۸ در تهران متولد شد. در سن ۱۱ سالگی به هنرستان موسیقی راه یافت و تحت نظر «سیاوش ظهیرالدینی» نواختن «ویولن» و «ویولا» را فراگرفت و با درجه کارشناسی از هنرستان عالی موسیقی فارغ‌التحصیل شد. وی تحصیلات عالی موسیقی را در دانشگاه هنر تهران پی گرفت و مدرک کارشناسی ارشد خود را دریافت نمود. او از ۱۷ سالگی همکاری خود را با ارکستر سمفونیک تهران آغاز کرد و با رهبرانی همچون «لوریس چکناواریان»، «نادر مشایخی»، «منوچهر صهبایی»، «شهرداد روحانی»، «علی رهبری» و چند رهبر مهمان در اجرای کنسرت‌های مختلف در داخل و خارج از ایران به نوازندگی پرداخته‌است. برادرش «پوریا پیرزاده» نوازنده پیانو می‌باشد.

او برای نوازندگی در آلبوم موسیقی «وکالیز» موفق به دریافت لوح تقدیر از سی و سومین جشنواره موسیقی فجر شد.

آثار و فعالیت‌های هنری

از جمله آثار و فعالیت‌های هنری پریسا پیرزاده به موارد زیر می‌توان اشاره نمود:

- نوازندگی در کنسرت «وصل یار» به آهنگسازی «ابراهیم اثباتی» ۱۳۹۱
- نوازندگی در آلبوم موسیقی «به زمین و آفتاب» به آهنگسازی «محمدسعید شریفیان» ۱۳۹۲
- نوازندگی در آلبوم موسیقی «دخت پری وار» به آهنگسازی «مهیار علیزاده» و خوانندگی «علیرضا قربانی» ۱۳۹۴
- نوازندگی در آلبوم موسیقی «سمت دور سوی آه» به آهنگسازی «علی قمصری» و خوانندگی «امیر صادقی» ۱۳۹۴
- نوازندگی در «ارکستر سمفونیک البرز» به رهبری «سهراب کاشف» ۱۳۹۴
- نوازندگی در تور کنسرت «هوای گریه» به خوانندگی «همایون شجریان» ۱۳۹۵
- نوازندگی و دستیار «ویولا» در «ارکستر فیلارمونیک چک» به رهبری «علی رهبری» ۱۳۹۵
- نوازندگی در آلبوم موسیقی «ایماز» به آهنگسازی «سهیل شیرنگی» ۱۳۹۵
- نوازندگی در آلبوم موسیقی «از تنهایی گریه مکن» به آهنگسازی «ابوالفضل صادقی‌نژاد» و خوانندگی «سالار عقیلی» ۱۳۹۵
- همکاری با گروه «کوارتت زهی شهرزاد»
- نوازندگی در «نخستین جشن ویلن ایران» ۱۳۹۶
- نوازندگی در کنسرت آثار «کریمستف رضاعی» به سرپرستی «بردیا کیارس» ۱۳۹۶
- انتشار آلبوم موسیقی «وکالیز» به همراه «پوریا پیرزاده» (منتخبی از آثار ویوالدی، راحمانینوف، شوپرت و...) ۱۳۹۶
- نوازندگی در آلبوم موسیقی «امشب کنار غزل‌های من بخواب» به آهنگسازی «فریدین خلعتبری» و خوانندگی «همایون شجریان» ۱۳۹۶
- نوازندگی در کنسرت «فروغ» «علیرضا قربانی» به آهنگسازی «سامان صمیمی» ۱۳۹۶
- نوازندگی در کنسرت تئاتر «شطرنج» به آهنگسازی «علی قمصری» ۱۳۹۷
- انتشار «کنسرتو ویلن باخ در لا مینور» (سولیست ویلن) با همراهی «ارکستر فستیوال وین» ۱۳۹۷
- نویسندگی و انتشار کتاب «قیچک آلتو و ویولا» - انتشارات موسیقی عارف ۱۳۹۷

حریر شریعت‌زاده



پیانو و دف

سازها

حریر شریعت‌زاده (متولد خرداد ۱۳۵۶، تهران) نوازنده ایرانی‌ست. او همسر سالار عقیلی است. سازهای تخصصی او، پیانو و دف هستند.

زندگی

وی از پنج سالگی پیانو را شروع نمود. از کلاس اول راهنمایی تا دوم دبیرستان با اساتیدی چون جواد معروفی، خانم جواهری و خانم فخری ملک پور آموزش دید. سبک استاد محجوبی را فرا گرفت و از آن پس با این سبک ادامه داد. از خانم پریسا ردیف‌های آوازی را فرا گرفت. وی همچنین در دانشگاه سراسری رشته تغذیه تحصیل نمود و سپس در دانشگاه، تحصیلات موسیقی را هم پشت سر گذاشته است. وی یک خواهر و دو برادر دارد. یک برادر و یک خواهر او در آلمان زندگی می‌کنند و برادر دوم ساکن تهران است. پدر بزرگ مادری او سیرجانی‌تبار بوده و صدای خوشی داشته‌است. برادری که در ایران زندگی می‌کند به عنوان پزشک کار می‌کند اما تار را نزد استادانی همچون حمید متبسم و طهماسبی آموخته‌است.

ازدواج با سالار عقیلی

حریر شریعت‌زاده درباره آغاز آشنایی خود با سالار عقیلی می‌گوید:

«در جشنواره موسیقی فجر در سال ۱۳۷۳ با او آشنا شدم. با مادرم به عنوان تماشاچی به جشنواره رفته بودم. ساعات زیادی را در آنجا گذرانده بودیم. اعلام شد که گروه حوزه هنری برنامه دارد. ما خسته بودیم. از مادرم خواستم که برویم. از جا بلند شدیم و در حال حرکت به بیرون از سالن بودیم. هنوز از سالن خارج نشده بودیم که گروه حوزه هنری کار خود را آغاز کرد. صدای سالار سالن را پر کرد. ما در جای خود متوقف شدیم. صدای او تمام سالن را حیرت‌زده کرده بود. او جوانی ۱۶ - ۱۷ ساله و ناشناخته بود و این به حیرت جمع می‌افزود. من که ردیف‌های آوازی را نزد خانم پریسا تمام کرده بودم و با سبک‌ها آشنا بودم به مادرم گفتم فکر می‌کنم این خواننده از شاگردان آقای تعریف است. مادرم با تعجب پرسید من از کجا می‌توانم این را بدانم. گفتم از شیوه خواندن او می‌فهمم. تا آنراکت صبر کردیم و بعد با او صحبت کردیم. به این شکل آشنایی ما شروع شد. پس از آشنایی بیشتر، همکاری هنری خود را آغاز کردیم. با هم کارهای مختلفی با پیانو انجام دادیم. تا اینکه در سال ۱۳۷۹ با هم ازدواج کردیم.»

- نوازندگی پیانو در آلبوم بوی باران با خوانندگی محمد رضا شجریان
- نوازندگی پیانو در آلبوم مایه ناز با خوانندگی سالار عقیلی

راتبه نیشابوری

زاده	۲۵۰-۲۵۱ شمسی / ۲۵۹ هجری قمری ۸۷۲ میلادی
محل زندگی	نیشابور، بغداد
درگذشته	۲۹۶-۲۹۷ شمسی / ۳۰۵ هجری قمری ۹۱۷ میلادی
زمینه کاری	شاعر، موسیقی اسلامی و ایرانی / خواننده و برربط نواز
در زمان حکومت	محمد بن طاهر بن عبدالله

راتبه نیشابوری (۲۵۹-۳۰۵ ق) شاعر، موسیقی‌دان، خواننده و برربطنواز دوران طاهریان است.

نویسنده طبقات ناصری (منهاج السراج) چنین می‌نویسد:

«او از کنیزان محمود وراق از بزرگان نیشابور بود که وقتی محمد بن طاهر بن عبدالله (آخرین پادشاه طاهریان) شنید که او خود غزل می‌گوید و برربط می‌زند، بدو میل پیدا کرد و او را از محمود به بهای تمام خواست؛ ولی محمد به علت دل‌بستگی او و محمود، زرها را به خواجه بخشید و این کار صورت نگرفت.»

ژابیز زربخش



نام شناسنامه‌ای	ژابیز زربخش
زاده	۱۳۶۳ خورشیدی تهران، ایران
پیشه	نوازنده
ساز	ویولنسل
تحصیلات	کارشناس ارشد
دانشگاه	کنسرواتوار دولتی کومیتاس ایروان
استاد	رومان مسروپیان

ژابیز زربخش (زاده ۱۳۶۳ خورشیدی در تهران)، نوازنده ویولنسل اهل ایران است. او پس از فراگیری پیانو با ورود به هنرستان موسیقی دختران، نوازندگی ویولنسل را نزد داوود جعفری امید فراگرفت. زربخش در ۱۳۷۶ (۲۰۰۷ میلادی) در رشته نوازندگی ویولنسل از کنسرواتوار دولتی کومیتاس ایروان در جمهوری ارمنستان، موفق به دریافت مدرک Post- & Master's degree graduate certificate (کارشناسی ارشد)، زیر نظر رومان مسروپیان شد.

او در جشنواره موسیقی فجر سال‌های ۱۳۷۷ و ۱۳۷۹ موفق به اخذ دیپلم افتخار در نوازندگی ویولنسل و در سال ۱۳۸۷ به عنوان عضو آنسامبل نیواک موفق به دریافت رتبه نخست و تندیس این جشنواره شد. زربخش در هشتمین جشنواره بین‌المللی رنسانس موفق به کسب مقام اول شدند. این جشنواره همزمان با بیست و پنجمین سالگرد استقلال جمهوری ارمنستان با شعار «هنر علیه جنگ و ترور» از ۱۰ تا ۲۱ آوریل ۲۰۱۶، زیر نظر، ریتا سارگسیان (مدیر کنسرواتوار دولتی کومیتاس ایروان)، وزارت فرهنگ جمهوری ارمنستان و پروفیسور کارینه آودالیان برگزار شد.

سپیده خداوردی

زمینه فعالیت موسیقی تلویزیون، سینما، تئاتر

تولد ۶ اردیبهشت ۱۳۶۰

تهران، ایران

پیشه بازیگر، نوازنده، مدرس موسیقی، شاعر

سال‌های فعالیت ۱۳۸۲-اکنون بازیگری

فرزند سانیار

مدرک تحصیلی ادبیات نمایشی و کارگردانی

سپیده خداوردی (زاده ۶ اردیبهشت ۱۳۶۰) بازیگر، نوازنده و شاعر ایرانی است. او بازیگری را به‌طور حرفه‌ای با مجموعه بچه‌های خیابان ساخته همایون اسعدیان در سال ۱۳۸۲ آغاز کرد. خداوردی همچنین سال‌ها سابقه فعالیت حرفه‌ای در زمینه موسیقی دارد. او نوازنده گروه‌های موسیقی مختلف مانند ارکستر ملل و ارکستر ملی بوده و در گروه شهناز به همراه محمدرضا شجریان نیز فعالیت کرده‌است.

فهرست فعالیت حرفه‌ای در موسیقی

- فارغ‌التحصیل هنرستان موسیقی تهران
- ساز تخصصی او تار و کنترباس است اما دف، پیانو و تنبک هم می‌نوازد.
- نوازندگی در ارکستر ملی به رهبری فرهاد فخرالدینی و لوریس چکناواریان
- برنده جایزه مین اون فستیوال جاده ابریشم ژاپن، به سرپرستی مجید اخشابی گروه مهر آوا
- نوازنده گروه شهناز به همراهی محمدرضا شجریان در تورهای کنسرت گوناگون در دبی، اروپا، آمریکا و...

- مدرس سازهای موسیقی و تئوری موسیقی مانند پیانو، تار، تنبک، سلفژ و وزن خوانی در آموزشگاه‌های موسیقی
- عضویت در ارکستر البرز به رهبری لوریس چکناواریان و مجید انتظامی
- عضویت در ارکستر ملل به خوانندگی سالار عقیلی
- عضویت در گروه‌های موسیقی بانوان (چکاوک آزاد و تزرو)
- همکاری با ارکستر رودکی و گروه باربد به خوانندگی عبدالحسین مختاباد
- انتشار مجموعه شعر خوانی «سپیدار»، با شعر هوشنگ ابتهاج و آهنگسازی مجید درخشانی ۱۳۹۷

کتاب‌شناسی

کتاب مجموعه اشعار سپیده خداوردی به نام قاصدک سپید توسط انتشارات «نگاه» منتشر و در ۱۸ مهر ۱۳۹۷ در نمایشگاه بین‌المللی فرانکفورت رونمایی شد. قاصدک سپید شامل ۸۹ شعر در قالب وزن آزاد، حاصل تجربیات و احساسات زندگی سپیده خداوردی از نوجوانی تا امروز است که در اختیار علاقه‌مندان شعر قرار گرفت. سپیده خداوردی در مجموعه اشعارش همذات‌پنداری با یک قاصدک سپید داشته‌است.

فیلم‌شناسی

سینما

- بیمان (مجید فهیم‌خواه) - ۱۳۹۰
- یکی از میان همه (ابراهیم شبیبانی) - ۱۳۸۷
- ایستگاه بهشت (نادر مقدس) - ۱۳۸۵

تلویزیون



سپیده خداوردی در اولین جشنواره تلویزیونی جام جم (وسط تصویر)، سال ۱۳۹۰

مجموعه‌های تلویزیونی

سال	نام مجموعه	کارگردان	پخش
۱۴۰۰	<u>کلبه عمو پورنگ</u>	<u>احمد درویشعلی‌پور</u>	<u>شبکه ۲</u>
	<u>صبح آخرین روز</u>	<u>حسین تبریزی</u>	<u>شبکه ۲</u>

سال	نام مجموعه	کارگردان	پخش
۱۳۹۹	<u>بیگانه ای با من است</u>	<u>احمد امینی</u>	شبکه ۲
	<u>خانه امن</u>	<u>احمد معظمی</u>	شبکه ۱
	<u>شاهرگ</u>	<u>سید جلال دهقانی اشکذری</u>	شبکه ۲
۱۳۹۸	<u>ترور خاموش</u>	<u>احمد معظمی</u>	شبکه ۱
	<u>بوی باران</u>	<u>محمود معظمی</u>	شبکه ۱
۱۳۹۶	<u>محکومین</u>	<u>حسین قناعت</u>	شبکه ۱
۱۳۹۵	<u>در قصه‌ها زندگی می‌کنند</u>	<u>داوود بیدل</u>	شبکه ۲
۱۳۹۴	شب‌های سبز	منصور باغبانی	
۱۳۹۲	<u>آوای باران</u>	<u>حسین سهیلی زاده</u>	شبکه ۳
	<u>عصر پاییزی</u>	<u>اصغر نعیمی</u>	شبکه ۱
	<u>پروانه</u>	<u>جلیل سامان</u>	شبکه ۳
۱۳۹۱	<u>به خاطر مونا</u>	<u>مرتضی کوشایی</u>	شبکه ۳
	<u>سهمی برای دوست</u>	<u>مسعود اطمینانی</u>	شبکه ۲
۱۳۹۰	<u>از یاد رفته</u>	<u>فریدون حسن‌پور</u>	شبکه ۱

سال	نام مجموعه	کارگردان	بخش
۱۳۸۸	گیلعداد	<u>حسین سهیلی زاده</u>	شبکه ۲
۱۳۸۲	بچه‌های خیابان	<u>همایون اسعدیان</u>	<u>شبکه پنج</u>

تله فیلم

- راز فانوس (محمد حسن زاده) - ۱۳۹۱
- بومرنگ (اسماعیل فلاح‌پور) - ۱۳۹۰
- جایی بالاتر از ابرها (موسی پایین‌محله) - ۱۳۸۹
- غافل (منوچهر هادی) - ۱۳۸۸
- یک‌گوشه پاک و پر نور (علی موذنی) - ۱۳۸۷
- کابوس (رضا بهشتی) - ۱۳۸۷
- قهوه اسپرسو (رضا بهشتی) - ۱۳۸۵
- مستند حوض ایرانی (پریسا عشقی) - ۱۳۸۳
- فیلم کوتاه هستی
- فیلم کوتاه روزی روزگاری

تئاتر

- تئاتر آنتی‌گونه
- پاریس شهر خوبی برای فراموشی نیست
- هیچ‌کس مثل تو مال این‌جا نیست
- با جانی دپ در فتوشاپ

سپیده رئیس سادات



اطلاعات پس زمینه

زاده	آذر ۱۳۵۹
ساز	سه‌تار
وبگاه	سایت شخصی

سپیده رئیس سادات، (زاده آذر ۱۳۵۹)، خواننده موسیقی سنتی ایرانی و نوازنده سه‌تار است.

زندگی‌نامه

سپیده رئیس سادات در آذر ماه ۱۳۵۹ در [ارسنجان] به دنیا آمد. نه ساله بود که برای درک و دریافت ردیف آوازی محمود کریمی، به محضر شاگردی پریسا مشغول شد و همزمان از رهنمون‌ها و راهنمایی‌های جواد لشکری و میلاد کیایی نیز بهره‌مند شد.

سلفز غربی را نزد ایرج برخوردار و نواختن سه‌تار را نزد ارشد طهماسبی و مسعود شعاری آغاز کرد و در ادامه مسیر خود شانزده ساله بود که آشنایی و درک محضر پرویز مشکاتیان، دریچه تازه‌ای از موسیقی این سرزمین را به رویش گشود. «کنج صبوری» خود محصول همان دوره از زندگی سپیده است که به آهنگسازی و سرپرستی پرویز مشکاتیان و همخوانی علی رستمیان منتشر شد. در همان سال به مدت پنج شب به همراهی گروه نروروز در فرهنگسرای نیاوران به روی صحنه رفت.

وی پس از پایان تحصیل در هنرستان گرافیک در سال ۱۳۸۱ موفق به اخذ مدرک لیسانس با گرایش نقاشی گردید و در سال ۱۳۸۷ از دانشکده ادبیات و فلسفه دانشگاه بولونیا در رشته موزیکولوژی دانش آموخته شد. سپیده همزمان با تحصیل در دانشگاه بولونیا، برای چندین سال متوالی از محضر محمد رضا لطفی نیز بهره برد. او در مدت اقامت شش ساله خود در ایتالیا، به اجرا و همکاری در سازمان‌ها و رسانه‌هایی همچون یونسکو، واتیکان، رای (راديو و تلویزیون ملی ایتالیا) و بی‌بی‌سی طی چندین

کنسرت به همراه نوازندگان ایرانی و غیر ایرانی، به شناساندن موسیقی ایران زمین پرداخت. سپیده هم‌اکنون ساکن کانادا است و در دانشگاه تورنتو، در رشته اتنوموزیکولوژی (موسیقی‌شناسی قومی) تحصیل و پژوهش می‌کند.

آثار

- "طبل بی‌هنگام"، با آهنگسازی رضا قاسمی و اجرای گروه مشتاق (۱۳۹۴)
 - "قسم به نرگس مست"، با همکاری ایمان وزیری، به سبک برنامه گلها (۱۳۹۳)
 - "مونس دیرینه"، با نوازندگی و آهنگسازی ایمان وزیری (تابستان ۱۳۹۰) پاریس
 - "چهارده قطعه برای بازپریدن" آهنگساز رضا قاسمی، اجرای گروه مشتاق (آبان ۱۳۸۹)
- فرانسه
- "انوار، گام‌های عبدالقادر مراغی" بازخوانی تصنیفها و ترانه‌های موسیقیدان بزرگ ایرانی عبدالقادر مراغی (۱۳۸۹)
 - "۲۰ سال با آثار پرویز مشکاتیان" به عنوان همخوان (زمستان ۱۳۸۵) تهران
 - "خنیاگر" به عنوان همخوان، آهنگساز مهدی آذر سینا (۱۳۸۴) تهران
 - "کنج صبوری" به عنوان همخوان، آهنگساز پرویز مشکاتیان (۱۳۷۹) تهران
 - "Fleur 2" composer: Franco Battiato-Universal, 2008

موسیقی فیلم

- "Terra Sancta" (سرزمین مقدس) ساخته سیرو مرلو، کارگردانی فیلم: سرجو ماتزوکی و فابریزیو پالافری، سپیده رئیس سادات: (خواننده، سه‌تار)، گروه کر زکینو دورو به رهبری سابرینا سیمونی، ضبط در بولونیا، ایتالیا، سال ۱۳۸۵؛ نشر سال ۱۳۸۶

ستاره بهشتی



اطلاعات پس‌زمینه	
زاده	تهران
سازها	ویولا و ویلن
اعضای کنونی	هیئت علمی دانشگاه تهران
سازهای اصلی	
	ویولا و ویلن
تحصیلات	دکتری موسیقی
دانشگاه	مینه سوتا-مینیاپولیس کنسرواتوار موسیقی سانفرانسیسکو دانشکده موسیقی تگزاس

ستاره بهشتی (زاده تهران) نوازنده، موسیقی‌دان و مدرس دانشگاه اهل ایران است.

زندگی هنری

ستاره بهشتی در سال ۱۳۷۶ مدرک کارشناسی موسیقی را از دانشکده موسیقی مینه سوتا مینیاپولیس آمریکا دریافت کرد. سپس به کنسرواتوار موسیقی سانفرانسیسکو راه یافت و در سال ۱۳۷۹ با مدرک کارشناسی ارشد فارغ‌التحصیل شد. پس از آن، تحصیلات عالی موسیقی را تا اخذ درجه دکترا از دانشکده موسیقی تگزاس در سال ۱۳۸۲ ادامه داد.

او سابقه نوازندگی در ارکسترهای بین‌المللی نظیر «Aspen» و «Tanglewood» آمریکا و ارکستر فستیوال «Graz» اتریش را دارد. وی پس از پایان تحصیلات به ایران بازگشت و به تدریس در دانشگاه مشغول شد. او عضو هیئت علمی و استادیار دانشگاه تهران و مدرس موسیقی دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران است.

فعالیت‌های هنری

از جمله فعالیت‌های هنری و اجرایی ستاره بهشتی به موارد زیر می‌توان اشاره نمود:

مشاور معاون بین‌الملل دانشگاه تهران (۱۳۹۴-۱۳۹۶)، همکاری با آنسامبل «آواک نو»، همکاری با گروه «کوارتت زهی اروند»، همکاری با آنسامبل «کارگاه موسیقی باروک تهران»، عضویت در هیئت داوران مسابقات گروه نوازی دانشگاه تهران، عضویت در هیئت داوران نهمین جشنواره موسیقی فارس، اجرای «دوئت ویلن و ویولا» در سی و یکمین جشنواره بین‌المللی موسیقی فجر به همراه «پانینو فریوسفی»

آثار

- ترجمه کتاب «آهنگ‌های آسان برای ویولن» (کتاب اول) نوشته «کتی بلکول» و «دیوید بلکول» انتشارات تصنیف ۱۳۸۹
- ترجمه کتاب «آهنگ‌های آسان برای ویولن» (کتاب دوم) نوشته «کتی بلکول» و «دیوید بلکول» انتشارات تصنیف ۱۳۸۹
- ترجمه کتاب «آهنگ برای ویولن» (کتاب سوم) نوشته «کتی بلکول» و «دیوید بلکول» انتشارات تصنیف ۱۳۸۹
- ترجمه کتاب «آهنگ‌های شاد با ویولن» نوشته «دینی گودهارت» انتشارات تصنیف ۱۳۸۹
- گردآوری کتاب «۵۰ تمرین تکنیکی ویولن (برای دست چپ)» نوشته «چارلز دانکلا» انتشارات نای و نی ۱۳۹۴
- ترجمه کتاب «شیوه‌های آرشه‌کشی» نوشته «آگوستین کازورتی» انتشارات نای و نی ۱۳۹۵
- ترجمه کتاب «رویکردی نوین به آموزش مهارت شنیداری در موسیقی» نوشته «لئو کرفت» انتشارات نای و نی ۱۳۹۶
- تألیف کتاب «زبان تخصصی موسیقی» به همراه «امین هنرمند» انتشارات دانشگاه تهران ۱۳۹۶

سحر محمدی



زاده ۱۰ آبان ۱۳۶۷ تهران

سازها تار سه‌تار

وبگاه <https://www.sahar-mohammadi.com/>

اعضای گروه ماهبانو
کنونی

سحر محمدی (زاده ۱۰ آبان ۱۳۶۷ در تهران) خواننده موسیقی کلاسیک ایرانی و نوازنده تار و سه‌تار اهل ایران است.

زندگی هنری

سحر محمدی ۱۰ آبان سال ۱۳۶۷ در تهران متولد شد. او فراگیری آواز ایرانی را نزد «افسانه رثایی» آغاز کرد و در ادامه از آموزش‌های «مهدی فلاح»، «حمیدرضا نوربخش» و «محمد معتمدی» بهره برد. وی همچنین نوازندگی «تار» و «سه‌تار» را نزد «ارشاد طهماسبی»، «محمد رضا لطفی»، «مسعود شعاری» و «سپهر لاجوردی» آموخت و سپس در سال ۱۳۹۲ به عنوان همخوان در تیتراژ پایانی سریال پرده نشین. (به کارگردانی بهروز شعبانی و تهیه‌کنندگی سید محمود رضوی) حضور داشت.

او از اعضای «گروه ماه بانو» به سرپرستی «مجید درخشانی» است و در ترانه‌های این گروه از جمله «ما را بس»، «گلرخ» و «جان عاشق»، از جمله خوانندگان اصلی است. او در ابتدا با پروژه «هیچ سخنی نیست» با همکاری «علی قمصری» به شهرت رسید. در ۱۹ مرداد ۱۳۹۳، اعلام شد که او قصد ضبط کردن یک آلبوم جدید به همراه «بیمان خازنی» را دارد و در این باره اظهار داشت که «این اثر با فرم ارکسترال و با اشعاری از محمدرضا شفیعی کدکنی، هوشنگ ابتهاج، حسین منزوی، رهی معیری و پژمان بختیاری قسمت عمده‌ای از ضبط خود را پشت سر گذاشته‌است و به زودی وارد مرحله نشر خواهد شد».

وی همچنین با گروه موسیقی «هزار آواز» نیز همکاری داشته‌است. او از جمله تک‌خوانان زن ایرانی است که در ایران فعالیت دارد.

او در اجرای موسیقی ایرانی حافظ و اپرای سعدی (در نقش حنونه خواهر منصور حلاج) همکاری داشته‌است. از جمله دیگر فعالیت‌های او، می‌توان به همخوانی با سایر گروه‌های موسیقی و هنرمندان از جمله «گروه هم‌وزان حصار» اشاره کرد. صفحه رسمی وی در اینستاگرام بیشتر از ۱۸۰ هزار دنبال‌کننده دارد.

وی تاکنون آهنگ‌های زیبایی همچون «گل اومد بهار اومد»، «دیلمان»، «مویان و سودا»، «درد دوری (با زبان کردی)»، «ما را بس (با همخوانی حوروش خلیلی)» و را انتشار داده است که ترانه «ما را بس» موجب ایجاد حواشی زیادی برای او و گروهش شد. وی بدلیل محدودیت کنسرت بانوان در ایران، چند بار در پرتغال و فرانسه کنسرت گذاشت.

حواشی

سحر محمدی از نخستین خوانندگان موسیقی ایرانی است که ساخت و انتشار موزیک ویدئوهایی برای او حواشی زیادی به همراه داشته‌است.

در سال ۱۳۹۳ در فضای مجازی چند کلیپ از گروه موسیقی «ماه بانو» منتشر شد که در آن سحر محمدی و حوروش خلیلی به صورت دوصدایی تصنیف می‌خواندند و همراه با آن‌ها چند نوازنده زن به همراه شاهره عندلویی و مجید درخشانی نوازندگی می‌کردند. در این کلیپ‌ها، دختران جوان نوازنده با لباس‌های سنتی با رعایت حجاب و پوشش مطابق قوانین جمهوری اسلامی به نوازندگی مشغول بودند. در خرداد ۱۳۹۴ اعضای گروه «ماه بانو» به اتهام «همکاری گروهی در تهیه و انتشار کلیپ ویدئویی از آوازخوانی دوزن، سحر محمدی و حوروش خلیلی» پشت درهای بسته در دادگاه «فرهنگ و رسانه» محاکمه شدند. در شهریور ۱۳۹۴ گروه ماه بانو از دادگاه حکم تبرئه دریافت نمود. پس از آن سحر محمدی طی گفتگویی اعلام کرد با وجود تبرئه در دادگاه، محرومیت‌ها و ممنوعیت کار و تدریس وی همچنان ادامه دارد.

در سال ۱۳۹۴ اپرای سعدی به کارگردانی بهروز غریب‌پور که قرار بود همزمان با روز بزرگداشت سعدی در شیراز روی صحنه برود، بنا به گفته کارگردان، بر اثر تهدیدهایی که به سبب خوانندگی سحر محمدی در این اثر از سوی گروه‌های فشار روی داده بود، لغو شد.

در فروردین ۱۳۹۵ برخی سایت‌های حامی جمهوری اسلامی مدعی شدند: سحر محمدی در خارج از کشور کشف حجاب کرده و در لندن کنسرتی با تک خوانی خانم‌ها و به پاسداشت زنان خواننده پیش از انقلاب در سالروز روز جهانی زن آواز خوانده‌است.

سودابه سالم	
زاده	۱ بهمن ۱۳۳۳
ساز	پیانو
دانشگاه	دانشکده هنرهای زیبا دانشگاه تهران
علت سرشناسی	فعالیت مستمر در زمینه موسیقی کودکان
بنیانگذار	ارکستر کودکان ایران زمین

سودابه سالم (زاده ۱ بهمن ۱۳۳۳) موسیقی‌دان و آهنگساز اهل ایران است. او از آهنگسازان شناخته شده در زمینه موسیقی کودکان است.

زندگی هنری

سودابه سالم ۱ بهمن ۱۳۳۳ در تهران متولد شد. پس از پایان فراگیری موسیقی در هنرستان موسیقی ملی، تحصیلات موسیقی خود را در دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران پی گرفت. بعد از پایان تحصیلات، همکاری خود را با کانون پرورشی فکری کودکان و نوجوانان آغاز کرد.

او سال‌ها به‌طور مستمر در زمینه موسیقی کودکان با رویکرد استفاده از عناصر موسیقی ایرانی و بومی فعالیت کرده‌است. وی همچنین دوره‌هایی را در زمینه موسیقی درمانی، خلاقیت و آموزش موسیقی در اتریش گذرانده‌است. پشنگ کامکار همسر و نیریز و سیاوش کامکار فرزند وی هستند. او در سال ۱۳۷۷ جایزه بهترین موسیقی را از جشنواره تئاتر دریافت کرد.

مهر ۱۳۹۲، در مراسم جشن خانه موسیقی ایران، از سودابه سالم به همراه چند تن از چهره‌های پیشکسوت موسیقی ایران تجلیل و تقدیر بعمل آمد.

فعالیت‌های هنری

از جمله فعالیت‌های سودابه سالم به موارد زیر می‌توان اشاره کرد:

آموزش موسیقی کودک، آهنگسازی موسیقی کودک، پایه‌گذاری متد آموزشی «بازی‌های آوازی»، تأسیس و سرپرستی «ارکستر کودکان ایران زمین» (۱۳۷۴)، تشکیل و سرپرستی «گروه موسیقی کودکان بم»، تشکیل و سرپرستی گروه موسیقی «ودا»، پروژه موسیقی درمانی (به مدت ۱ سال) با همکاری یونیسف در کانون اصلاح و تربیت، موسیقی درمانی در شهرستان بم پس از زلزله (به مدت ۸ ماه)، همکاری با کانون پرورش فکری کودکان و نوجوان، آموزش موسیقی درمانی، همکاری با مراکز درمانی کودکان استثنایی

آثار هنری

از میان آثار موسیقی سودابه سالم می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- فیلم آموزش ریتم طبلک، ۱۳۹۲
- مجموعه صوتی تصویری ترانه‌های کودکی، ۱۳۹۲

آلبوم موسیقی

- زیر گنبد کیود، ۱۳۹۴
- سه پرده شاهنامه، ۱۳۹۴
- بازی‌های آوازی ۱، با تنظیم کارن همایونفر، ۱۳۹۵
- بازی‌های آوازی ۲، ۱۳۹۵
- بازی‌های آوازی ۳، ۱۳۹۵
- بازی‌های آوازی ۴، ۱۳۹۵
- ترانه‌های چرا چرا؟ (تصویری)، ۱۳۹۶
- ترانه‌های مادر و کودک، ۱۳۹۹

کتاب

- بخوان با من بساز با من ۱، اثر برگزیده شورای کتاب کودک، ۱۳۸۴
- آموزش موسیقی در مدارس دوره ابتدایی، ۱۳۸۶
- بخوان با من بساز با من ۲، ۱۳۸۷
- طبلک (خودآموز موسیقی)، ۱۳۹۰

سوسن اصلانی



نام(های) دیگر	سوسن دهلوی
زاده	۶ بهمن ۱۳۲۶ <u>تهران</u>
ساز	<u>سنتور</u>
تحصیلات	<u>لیسانس موسیقی</u>
دانشگاه	<u>هنرستان عالی موسیقی</u>
استادها	<u>فرامرزی پایور</u> <u>محمد حیدری</u> <u>محمود کریمی</u> <u>حسین دهلوی</u>

سوسن اصلانی (زاده ۶ بهمن ۱۳۲۶ در تهران) موسیقی‌دان، نوازنده سنتور، رهبر ارکستر و آهنگساز اهل ایران است. از وی به عنوان نخستین رهبر زن ارکستر موسیقی ایرانی یاد می‌شود.

زندگی هنری

سوسن اصلانی، ۶ بهمن سال ۱۳۲۶ در تهران متولد شد. پدرش اهل شعر و موسیقی بود و تار می‌نواخت و مادرش نیز تمبک‌نواز بود. او پس از پایان تحصیلات ابتدایی، در سال ۱۳۴۱ به هنرستان موسیقی ملی، با مدیریت مهدی مفتاح، راه یافت و نواختن ساز سنتور را نزد فرامرزی پایور آغاز نمود و در ادامه از آموزش‌های ارفع اطراپی و محمد حیدری در زمینه سنتورنوازی بهره برد. او همچنین ردیف آوازی و همراهی ساز و آواز را از محمود کریمی و درس‌های هارمونی و آهنگسازی را از حسین دهلوی آموخت. پس از مهدی مفتاح، حسین دهلوی به عنوان رئیس هنرستان موسیقی ملی برگزیده شد که به مدت ۱۰ سال به طول انجامید.

در سال ۱۳۴۵، هنگامی که سوسن اصلانی در سال پنجم هنرستان موسیقی مشغول تحصیل بود، با خواستگاری حسین دهلوی، به همسری او درآمد. پس از چند سال، به جهت گذراندن دوره‌های

موسیقی به همراه حسین دهلوی، به آلمان و اتریش سفر کرد و پس از بازگشت به ایران، تحصیلات موسیقی خود را در هنرستان عالی موسیقی ادامه داد. او در آن زمان، در آزمون استخدامی وزارت فرهنگ و هنر شرکت کرد و به عنوان هنرآموز موسیقی به استخدام درآمد. وی از سال ۱۳۵۷ در هنرستان موسیقی تدریس را آغاز نمود و پس از آن به مدت ۲۰ سال در انجمن زرتشتیان، به آموزش موسیقی مشغول بود. وی از سال ۱۳۶۴، کنسرت‌های مختلفی در داخل و خارج از ایران اجرا کرده‌است.

او نخستین گروه موسیقی بانوان پس از انقلاب ۱۳۵۷ را با نام گروه موسیقی «خجسته»، پایه‌گذاری نمود و در سال ۱۳۷۴ به صورت رسمی به صحنه برد. سوسن اصلانی به مدت ۳۳ سال در هنرستان موسیقی به تدریس پرداخت و ۱۰ سال رهبری ارکستر هنرستان را بر عهده داشت. او کنسرت‌های متعددی از آثار هنرمندانی نظیر: ابوالحسن صبا، روح‌الله خالقی و حسین دهلوی را به اجرا گذاشت. وی همچنین عضو هیأت داوران «جشنواره موسیقی آوای مهر» بوده است.

آثار باکلام او با خوانندگانی نظیر: علی رستمیان، بهرام سارنگ، داوود فیاضی، سالار عقیلی، علیرضا گلبنانگ، محسن فتحی، محمود باقری و بهرام تاج آبادی، به اجرا درآمده است. وی دارای مدرک درجه یک هنری از وزارت ارشاد است.

آثار هنری

از جمله آثار سوسن اصلانی، می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

آثار مکتوب:

- کتاب «رقص بهار» (مجموعه قطعات در آواز اصفهان برای آواز و گروه سازهای ایرانی در یازده قسمت)
- کتاب «خسرو و شیرین» (معرفی و آموزش دستگاه و آوازهای شور، بیات ترک و دشتی)
- کتاب «تصانیف و قطعات در دستگاه نوا و راست پنجگاه» (برای سازهای ایرانی و گروه نوازی)
- کتاب «دونوازی سنتور» (به همراه حسین دهلوی)

آثار صوتی:

- آهنگسازی آلبوم موسیقی «بوی پرچین» به خوانندگی علی رستمیان
- آهنگسازی آلبوم موسیقی «خجسته» (تکنوازی سنتور) به همراه تمبک سیامک بنایی
- آهنگسازی آلبوم موسیقی «رقص بهار» با صدای علیرضا گلبنانگ (علیرضا محمدی)
- آهنگسازی آلبوم موسیقی «نگاه گمشده» با صدای علیرضا گلبنانگ
- آهنگسازی آلبوم تصویری «کنسرت نوا و راست پنجگاه» (یادواره محمود کریمی) به خوانندگی بهرام سارنگ
- نوازندگی در آلبوم موسیقی «نوا غربت» به آهنگسازی ملیحه سعیدی و خوانندگی نورالدین رضوی سروستانی

سیما بینا



اطلاعات پس‌زمینه

۱۴ دی ۱۳۲۳

زاده

خوسف، خراسان جنوبیدف، سه‌تار

سازها

وبگاه سیما بینا

وبگاه

سیما بینا (زاده ۱۴ دی ۱۳۲۳) نوازنده، نقاش، آهنگساز و خواننده آوازها و ترانه‌های محلی ایرانی است. او از کودکی در کنار احمد بینا پدری که استاد موسیقی سنتی و شاعر و آهنگساز ترانه‌های اولیه او بود، رشد کرد.

زندگی‌نامه

سیما بینا در شهر خوسف از استان خراسان جنوبی به دنیا آمد. نام مادرش پوران دختر ایران‌نژاد و پدرش احمد بینا بود. سیما در کنار پدری که استاد موسیقی سنتی و شاعر و آهنگساز ترانه‌های اولیه او بود، رشد کرد.

او از سن ۹ سالگی خوانندگی را در رادیو ایران آغاز کرد. ردیف موسیقی ایرانی و تکنیک‌های آوازی را نزد استادانی چون محمد ابراهیم مالکی (استاد موسیقی سنتی خراسان جنوبی)، موسی‌خان معروفی و نصرالله زرین‌پنجه فراگرفت.

سیما بینا پس از فارغ‌التحصیل شدن از دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران در رشته نقاشی در سال ۱۳۴۹ تحصیل موسیقی ایرانی و ردیف را نزد عبدالله دوامی و محمد ابراهیم مالکی ادامه داد. او پس از سال ۱۳۵۷ در کنار تدریس موسیقی و آواز با همراهی محمد ابراهیم مالکی به پژوهش و گردآوری ترانه‌های محلی ایرانی و بازنویسی آهنگ‌های مردمی و روستایی، به‌ویژه موسیقی‌های محلی زادگاهش خراسان، پرداخته‌است. او با سفر به دورافتاده‌ترین نواحی در سرتاسر این ناحیه توانسته‌است

مجموعه‌ای از ترانه‌ها و آهنگ‌های کمیاب و تقریباً فراموش‌شده را جمع‌آوری کند. از سال ۱۳۷۲ سیما بینا برای ارائه گنجینه یافته‌هایش در موسیقی محلی ایرانی به جشنواره‌های موسیقی در کشورهای گوناگون دعوت شده‌است.

او نخستین زنی است که پس از انقلاب ۱۳۵۷ کلاس تعلیم آواز دایر کرد. همچنین نخستین زنی بود که در تالار وحدت به اجرای کنسرت پرداخت. از سال ۱۹۹۳ میلادی تا به امروز به جشنواره‌های جهانی دعوت شده و موسیقی محلی ایران را به گوش علاقه‌مندان رسانده‌است.

کتاب «لالایی‌های ایران» حاصل سی سال پژوهش در سفرهای سیما بینا به شهرها و روستاهای مختلف و ملاقات با مادران پیر و جوان ایرانی است.

آلبوم‌ها

- همدلان
- پریشان
- شولا
- نوایی نوایی
- درنا
- حنایی
- بانو جان
- کلاسیک پارسی
- زلفای یارم
- موسیقی جنوب خراسان
- موسیقی شمال خراسان
- عشق گل
- آوای صحرای ۱
- آوای صحرای ۲
- لاله‌زار
- دلبر
- گل سرخ
- افغانستان
- یا مولا

برخی از آثار

برخی از آثار محبوب و پرفروش او عبارت‌اند از:

- جوونای قلعه پیر
- ای بت چین ای صنم
- عزیز بنشین به کنارم
- بیا تا قدر یکدیگر بدانیم
- شاه صنم، زیبا صنم
- این یار منه که می‌رود سربالا (شفقالوفروش)
- چو مرغ شب خواندی و رفتی
- از خم زلفت دل شیدا شکست

- از این جا تا به بیرجند سه گذاره
- دلبر
- بانو
- عزیزوم بهلوری ام
- ننه گل ممد
- دختر خاله گل ناز من

زندگی شخصی

سیما بینا پس از پایان تحصیل با عزیزالله میتویی ازدواج کرد و ۲ فرزند پسر و دختر به دنیا آورد، اما زندگی مشترکشان به زودی پایان یافت. پسرش آرش میتویی نیز به گیتار (در سبک راک) علاقه‌مند شد. سیما بینا سال‌ها بعد با حسن زارع ازدواج کرد و گاهی در کلن به سر می‌برد و به تهیه آوازهای محلی مشغول است.

سیمین آقارضا



نام شناسنامه‌ای سیمین آقارضا درمنی

زاده آذر ۱۳۱۷ تهران

درگذشته ۲۱ دی ۱۳۸۸ تهران (۷۱ سال)

سازها قانون، ویلن، پیانو، تنبک

تحصیلات فارغ التحصیل هنرستان موسیقی ملی

استادها مهدی مفتاح

آلبوم پرآوازه قانون سیمین

سیمین آقاراضی (۱۳۱۷-۱۳۸۸) موسیقیدان و نوازنده ساز قانون اهل ایران بود. او نواختن ساز را نزد مهدی مفتاح آموخت. وی در بسیاری از آثار خوانندگان مطرح ایران چون محمدرضا شجریان، حمیرا، دلکش، هایده، ایرج، سیما بینا، علیرضا افتخاری، گلیا و ... همکاری داشته‌است.

زندگی‌نامه

سیمین آقاراضی درمنی نوازنده شاخص ساز قانون آذر ۱۳۱۷ خورشیدی در تهران زاده و پس از پایان تحصیلات ابتدایی وارد هنرستان موسیقی ملی شد.

او از ابتدا استعدادی شگرف و عشقی بزرگ به موسیقی داشت و محضر اساتید بزرگی را درک کرد. ابوالحسن صبا در مورد وی گفته بود:

«وی یکی از هنرمندان بزرگ موسیقی ایران خواهد شد».

کلامی که سال‌ها بعد محقق شد. آقاراضی با چند ساز آشنا بود و به خوبی و مهارت آن‌ها را می‌نواخت؛ او ویلون را نزد ابوالحسن صبا، پیانو را نزد جواد معروفی، قانون را از مهدی مفتاح، آواز را از غلامحسین بنان و تمبک را نزد حسین تهرانی فراگرفت و علاوه بر این با نواختن ریاب، بربط، قیچک و کمانچه نیز آشنایی کامل داشت.

فعالیت هنری

سیمین آقاراضی با بسیاری از ارکسترهای بزرگ مانند ارکستر سمفونیک تهران، ارکستر خالقی به رهبری روح‌الله خالقی همکاری داشت و با بسیاری از اساتید همچون پرویز یاحقی، علی تجویدی، حبیب‌الله بدیعی، همایون خرم، حسین تهرانی، یوسف یوسف زاده و ... همکاری و اجرا داشته‌است. چندی هنرآموز هنرستان آزاد موسیقی به سرپرستی محمدعلی امیرجاهد و مدرس «انجمن حمایت از نابینایان» بود و شاگردان بسیاری از کلاس وی بهره گرفتند.

در اواخر دهه ۴۰ به عنوان تکنواز قانون به استخدام رادیو درآمد و در ارکسترهای بزرگی مانند ارکستر گل‌ها و «ارکستر سازهای ملی» مشارکت داشت. مهدی مفتاح که خود از جمله چهره‌های شاخص ساز قانون در ایران به‌شمار می‌رود، درباره آقاراضی گفته‌است که:

«سیمین ساز قانون، این ساز باستانی و اصیل ایرانی را با هنر نوازندگی و استعداد خاص خود دوباره زنده کرد».

از تک نوازی‌های سیمین آقاراضی می‌توان به آلبوم «قانون سیمین» با همراهی تمبک «آبتین اجلالی» اشاره کرد که سال هاست تجدید انتشار می‌شود.

سیمین آقاراضی در اجراهای قبل از انقلاب و بیش‌ترین اجراهای سال‌های پس از انقلاب در انواع موسیقی، موسیقی فیلم، اجرای گروه‌های بزرگ و نام آشنا تا موسیقی‌های مردمی صدای ساز قانونی که شنیده می‌شود، محصول نوازندگی سیمین آقاراضی است.

وی در آلبوم دو بیتی‌های باباطاهر با استاد عبدالوهاب شهیدی همکاری کرد. همچنین در سال ۶۸ در آلبوم گل صحرا به خوانندگی زنده یاد امیرحسین مکوندی که در زمینه موسیقی محلی بختیاری توسط هادی آزر م توسط انتشارات گل‌بانگ بختیاری انتشار یافته بود شرکت داشت!

درگذشت

سیمین آقاراضی دوشنبه بیست و یکم دی ماه ۱۳۸۸ به علت بیماری در سن ۷۱ سالگی درگذشت و در قطعه هنرمندان بهشت زهرا به خاک سپرده شد.

شادی وحیدی



زاده

تهران

سازها

تار، سه تار

استادها

محمدرضا لطفی، داریوش پیرنیاکان

شادی وحیدی (متولد تهران) موسیقیدان ایرانی، آهنگساز، خواننده، نوازنده تار و سه تار است.

زندگی‌نامه

شادی وحیدی موسیقی را با فراگیری ساز پیانو نزد پدر از کودکی آغاز کرد. در نوجوانی دوره مقدماتی سه تار و سپس تار را نزد منوچهر عبداللهی و کمال رضایی فراگرفت و پس از آن همزمان با یادگیری ردیف میرزا عبدالله نزد آذر زرگریان در دانشگاه هنر، به فراگیری سلفژ و صداسازی و ردیف آوازی موسیقی ایرانی نزد ملک بابایی پرداخت. سپس مدت ده سال نزد داریوش پیرنیاکان، ردیف آقاحسینقلی و ردیف دوره عالی علی اکبر شهنازی و آهنگسازی در فرمهای موسیقی ایرانی را فراگرفت. وی پس از آن در کلاس‌های محمدرضا لطفی شرکت کرد و همزمان جذب گروه همنازان شیدا و گروه بانوان شیدا شد.

آثار و فعالیت‌های هنری

شادی وحیدی علاوه بر فعالیت‌های آموزشی، در سال‌های فعالیت خود با گروه‌های مختلفی همکاری و اجرا و ضبط داشته‌است که از مهمترین آنها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

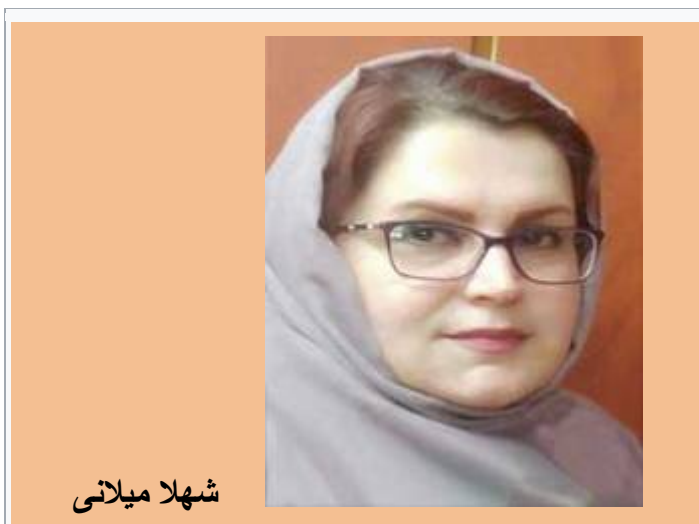
- آلبوم تصویری هنر گام زمان اثر محمدرضا لطفی
- آلبوم جادوی سکوت اثر حمیدرضا مرتضوی
- آلبوم زخمه ساز اثر محمدرضا لطفی
- آلبوم آرش کمانگیر اثر حمید سلطانیه
- آلبوم دل پولادم اثر حمید سلطانیه

همچنین از تک آهنگها و موزیک ویدیوهای تأثیرگذار شادی می‌توان به آهنگ‌های زیر اشاره کرد:

- سفر

- شوق مستی
- فال حافظ
- ساز بهار
- غم عشق
- بازخوانی ترانه مرمر رؤیا
- بازخوانی ترانه ارمنی هو آرک
- بازخوانی ترانه گفتم غم تو دارم

مهمترین اثر شادی وحیدی **آلبوم گاه عشق** می باشد که در سال ۱۳۹۲ در ایران به طور غیررسمی منتشر شد. در این آلبوم که بر روی اشعار **سعدی** ساخته شده است، وی بعنوان خواننده، آهنگساز، نوازنده تار و سه تار و تار ابریشم فعالیت نموده است. در همان زمان اولین موزیک ویدیوی مستقل شادی که بر روی آهنگ آخر این آلبوم به نام **از من چرا رنجیده‌ای** ساخته شده بود پخش شد که بدنبال آن با شکایت پلیس امنیت به دادرسی فرهنگ و رسانه فراخوانده شد. شادی وحیدی در سال ۱۳۹۴ پس از ممنوع کار شدن توسط دادرسی فرهنگ و رسانه، مجبور به ترک کشور شده و در کشور **ارمنستان** ساکن شد. این مهاجرت اجباری، کارنامه کاری درخشانی را برای وی به همراه داشت. همکاری با موسیقیدان‌های مطرح ارمنستان همچون **لوون توانیان** و تجربه‌های اجرایی فراوان او در این کشور آثار باارزشی را در **موسیقی تلفیقی** بجا گذاشت.



شہلا میلانی

سازها	<u>سننور</u> <u>پیانو</u>
اعضای کنونی	خانه موسیقی ایران
نوع صوت	<u>سوپرانو</u>
دانشگاه	<u>دانشگاه تهران</u>
استادها	<u>فاخره صبا</u> <u>اولین باغچه بان</u> لطف یار ایمانوف رومیا کریو او

شهلا میلانی خواننده سوپرانو و مدرس آواز اهل ایران است.

زندگی هنری

شهلا میلانی در کودکی فراگیری موسیقی را نزد پدر که از نوازندگان تار بود آغاز کرد. در سن ۱۰ سالگی به هنرستان موسیقی ملی راه یافت و ساز سنتور را برگزید. از ۱۶ سالگی نواختن پیانو را نزد «هاکوپیان» و «لوست مارتیروسیان» آغاز نمود و همزمان نزد منصوره قصری به فراگیری آواز پرداخت. او دوره‌های تخصصی آواز را در دانشکده هنرهای زیبا دانشگاه تهران تحت نظر استادانی همچون فاخره صبا و اولین باغچه بان پی گرفت. پس از آن به جمهوری آذربایجان سفر کرد و در سال ۱۹۹۵ میلادی دوره‌های تکمیلی آواز را نزد «لطف یار ایمانوف» و «رومیا کریو او» گذراند و همزمان رهبری کر را آموخت. وی همچنین یک دوره تکمیلی آواز را در کشور ایتالیا گذرانده است. وی در سال ۱۳۸۰ دستیار گرگن موسسیان رهبر گروه کر مرکز موسیقی شد. سپس سرپرستی گروه کر دختران مرکز حفظ و اشاعه موسیقی و هنرستان موسیقی دختران را به عهده گرفت. او از سال ۱۳۷۳ به بعد در برنامه‌های هنری داخلی و خارجی، در زمینه آواز کلاسیک، ایرا و آوازهای فولکلوریک ایرانی شرکت نموده است. او دارای مدرک درجه یک هنری از شورای عالی ارزشیابی هنری وزارت ارشاد است.

مهر ۱۳۹۰ در مراسم اختتامیه دوازدهمین جشن خانه موسیقی، از شهلا میلانی به همراه ۸ بانوی هنرمند موسیقی دیگر تقدیر شد و تندیس جشن خانه موسیقی به وی اهداء شد. همچنین مراسم بزرگداشت شش بانوی پیشکسوت آواز کلاسیک، ۸ بهمن ۱۳۹۴ در «سالن استاد جلیل شهناز» خانه هنرمندان ایران برگزار و از شهلا میلانی به همراه پنج هنرمند دیگر تقدیر به عمل آمد.

فعالیت‌های هنری

از جمله فعالیت‌های هنری شهلا میلانی به موارد زیر می‌توان اشاره نمود:

تدریس در دانشگاه هنر، دانشگاه جامع علمی کاربردی و هنرستان موسیقی دختران، سرپرستی و رهبری گروه کر هنرستان دختران، سرپرستی و خوانندگی گروه موسیقی «آواز ملل»، سرپرستی گروه آوازهای کلاسیک، سرپرست گروه آواز دانشگاه هنر تهران، ریاست کانون خوانندگان کلاسیک خانه موسیقی ایران، عضو هیئت داوران جشنواره موسیقی فجر، عضو هیئت داوران انتخاب اعضای گروه کر ارکستر سمفونیک تهران

طلیعه کامران



زاده	۱۳۰۹	تهران
درگذشته	۲۴ اسفند ۱۳۹۵	
ساز	سنتور	
دانشگاه	دانشگاه تهران	
استادها	حبیب سماعی	مرتضی عبدالرسولی
	حسین تهرانی	روح‌الله خالقی
	ابوالحسن صبا	

طلیعه کامران (زاده ۱۳۰۹ در تهران – درگذشته ۲۴ اسفند ۱۳۹۵ در تهران) نوازنده سنتور، نقاش و شاعر اهل ایران بود. به او لقب «مادر سنتورنوازی قدیم ایران» داده‌اند.

زندگی هنری

طلیعه کامران در سال ۱۳۰۹ در تهران متولد و در خانواده‌ای اهل هنر متولد شد. پدر او ویلن می‌نواخت و از شاگردان حسین‌خان اسماعیل‌زاده بود و مادرش نیز، هم با موسیقی آشنا بود و هم به نقاشی مشغول بود. در کودکی، حبیب سماعی که از دوستان پدر طلیعه کامران بود، آموزش سنتور نوازی او را به عهده گرفت. حبیب سماعی از حدود سال ۱۳۲۱، هر دو هفته به آموزش وی می‌پرداخت. او از سال ۱۳۲۶ نزد دیگر شاگرد حبیب سماعی، مرتضی عبدالرسولی به تکمیل آموزه‌های خود پرداخت. طلیعه کامران همچنین، فراگیری ضربی‌های قدیمی و تجربه هم‌نوازی را نزد حسین تهرانی آموخت.

حسین تهرانی او را به روح‌الله خالقی معرفی نمود و پس از آن، بخشی از کنسرت‌های انجمن موسیقی ملی به هم‌نوازی سنتور طلیعه کامران و تمبک حسین تهرانی اختصاص یافت. روح‌الله خالقی در سفری به روسیه، بخشی از اجرای ضبط شده او در دستگاه همایون را به عنوان نمونه هنر بانوان موسیقی‌دان ایران، به آن کشور عرضه نمود. در اواخر دهه ۱۳۲۰ طلیعه کامران با توصیه روح‌الله خالقی، به آموختن نت موسیقی نزد وی و پس از آن نزد ابوالحسن صبا پرداخت. او در حدود سال‌های ۱۳۳۴ و ۱۳۳۵، بخشی از آموخته‌های خود از حبیب سماعی شامل: دستگاه شور، آواز ابو عطا، آواز بیات اصفهان و دستگاه چهارگاه را نت‌نویسی کرد که بعدها در قالب کتاب «بخش‌هایی از ردیف حبیب سماعی به روایت طلیعه کامران» منتشر شد.

او همچنین در نقاشی نیز فعالیت نمود و با تشویق مادرش به دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران راه یافت و لیسانس نقاشی گرفت. وی نخستین نمایشگاه انفرادی خود را در سال ۱۳۴۷ در دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران برگزار نمود. او به منظور تکمیل آموخته‌های خود در زمینه نقاشی به پاریس و رم سفر کرد. آثار نقاشی او در ابتدا تحت تأثیر کمال‌الملک بود اما به مرور به آثار مدرن گرایش پیدا کرد. وی ۱۱ نمایشگاه انفرادی برگزار کرد و در ۴۲ نمایشگاه گروهی در ایران و خارج از ایران شرکت نمود.

طلیعه کامران در زمینه شعر نیز به فعالیت پرداخت. بخش از اشعار او در کتابی با عنوان «بی‌نهایت، نهایت» در سال ۱۳۸۳ منتشر شد.

آثار موسیقی

از جمله آثار هنری طلیعه کامران در حیطه موسیقی، به موارد زیر می‌توان اشاره نمود:

- آلبوم موسیقی «صد سال سنتور»، دستگاه همایون (به همراه آثاری از سنتورنوازان ایرانی) مؤسسه فرهنگی هنری ماهور ۱۳۸۰
- کتاب «بخش‌هایی از ردیف حبیب سماعی به روایت طلیعه کامران»، انتشارات عارف ۱۳۸۸
- آلبوم موسیقی «یادگار حبیب»، سنتور طلیعه کامران، تمبک و آواز حسین تهرانی (حاوی بخش‌هایی از ردیف حبیب سماعی)، ۱۳۹۰

درگذشت

طلیعه کامران به دلیل ابتلا به سرطان، مدتی در بیمارستان بستری بود.^۱ او در ۲۴ اسفند سال ۱۳۹۵ در تهران درگذشت. مراسم تشییع پیکر طلیعه کامران در ۲۵ اسفند ۱۳۹۵ از مقابل موزه هنرهای معاصر تهران برگزار شد و پیکر او در بهشت زهرا به خاک سپرده شد.

فخری ملک پور



نام شناسنامه‌ای فخرالسادات ملک‌پور

زاده ۱ مهر ۱۳۱۴ تهران

سازها پیانو سه‌تار

استادها افلیا کمباجیان احمد عبادی

حسین تهرانی ادیب خوانساری

علی تجویدی عبدالحسین شهنازی

رضا ورزنده مرتضی محجوبی

فخری ملکپور (زاده ۱ مهر ۱۳۱۴) نوازنده پیانو، آهنگساز و موسیقی‌دان اهل ایران است.

زندگی هنری

فخرالسادات ملکپور (فخری ملکپور) ۱ مهر ۱۳۱۴ در تهران متولد شد. پدرش «سیدذبیح الله ملکپور» با هنرمندان بسیاری هم‌نشین بود، به همین سبب از سن ۹ سالگی نواختن پیانو را نزد مرتضی محجوبی آغاز کرد. او به مدت ۱۲ سال ردیف‌سازی و آوازی موسیقی ایران به همراه آثار و سبک نوازندگی مرتضی محجوبی را فراگرفت. وی نواختن ساز سه‌تار را نزد احمد عبادی، آشنایی با آواز را نزد ادیب خوانساری، آشنایی با تمبک را نزد حسین تهرانی و مبانی آهنگسازی را نزد علی تجویدی آموخته‌است. او همچنین مدتی نزد فوزیه مجد موسیقی کلاسیک را فراگرفت. او با هنرمندانی نظیر: پرویز یاحقی، محمود خوانساری، اسدالله ملک، فرهنگ شریف، رضا ورزنده، حسن کسایی، عبدالوهاب شهیدی و محمدرضا شجریان همکاری داشته‌است. او علاوه بر نوازندگی و آهنگسازی سال‌ها به تدریس پیانو نیز مشغول بوده‌است. از وی به عنوان تنها شاگرد و راوی مستقیم مرتضی محجوبی یاد می‌شود.

در شهریور ۱۳۹۶ مراسم تجلیل از مقام هنری فخری ملکپور در تالار وحدت تهران برگزار شد. در دی ۱۳۹۷ در چهارمین جشن موسیقی ما جایزه ویژه نوازندگی به فخری ملکپور اهدا شد و مورد تجلیل قرار گرفت. همچنین در بهمن ۱۳۹۷ در مراسم اختتامیه سی و چهارمین جشنواره موسیقی فجر از فخری ملکپور تجلیل به عمل آمد.



فخری ملکپور در مراسم اختتامیه سی و چهارمین جشنواره موسیقی فجر تالار وحدت تهران
۱۳۹۷/۱۱/۳۰

آثار هنری

از جمله آثار هنری فخری ملکپور به موارد زیر می‌توان اشاره نمود:

- «مشق استاد» (سه لوح فشرده از نواخته‌های فخری ملکپور به همراه دست‌نوشته‌های مرتضی محجوبی)
- «طرب‌انگیز»
- «آه باران» (همنوازی با آواز محمدرضا شجریان)
- «به که مانی» (با آواز مظفر شفیعی)
- «نسیم بهاری»
- «آینه خیال»

فرزانه نوایی



زاده خرداد ۱۳۳۵ اصفهان، ایران

درگذشت ۲۹ اردیبهشت ۱۳۸۳ (۴۷ سال)
برگنتس، اتریش

آرامگاه گورستان شهر برگنتس اتریش

پیشه چنگ نواز

آثار تکنوازی چنگ در قطعه عصیان، ماهور کبیر

عنوان بانوی چنگ ایران

همسر خسرو سلطانی

فرزندان کیان، سارا

فرزانه نوایی (متولد خرداد ۱۳۳۵ در اصفهان - درگذشته ۲۹ اردیبهشت ۱۳۸۳ در برگنتس) نوازنده چنگ ایرانی مقیم اتریش بود.

زندگی‌نامه

فرزانه نوایی در اصفهان متولد شد. در هنرستان عالی موسیقی تهران فراگیری ساز چنگ (هارپ) را آغاز کرد و پس از دریافت دیپلم هنرستان، با بورس تحصیلی وزارت فرهنگ و هنر، رهسپار اتریش

شد. در آکادمی موسیقی و هنرهای نمایشی وین تحصیلات خود را پی گرفت و سپس در کنسرواتوار ملی پاریس دوره‌هایی را گذراند.

به موازات تحصیل در فرانسه، در شهریور ۱۳۵۷ به عنوان تکنواز چنگ، برنامه‌هایی را با ارکستر مجلسی رادیو و تلویزیون ملی ایران (به رهبری ایرج صهبایی) در تئاتر شهر تهران اجرا کرد و در سال ۱۳۵۸ به ایران بازگشت. یک سال را به تدریس چنگ در هنرستان عالی موسیقی و نوازندگی در ارکستر سمفونیک تهران گذراند ولی اقامت‌اش در ایران ممکن نشد.

او مدت کوتاهی در ایران فعالیت داشت و پس از انقلاب اسلامی همراه با همسرش خسرو سلطانی (موسیقی‌دان و نوازنده فاگوت) به اتریش مهاجرت کرد و در آن کشور به فعالیت‌های اجرایی و آموزشی پرداخت. همچنین فرزند وی کیان سلطانی از نوازندگان برجسته ویولنسل است که شهرت جهانی دارد.

آثار

- نوازندگی در آلبوم آوای مهر به آهنگسازی حسین علیزاده
- نوازندگی در آلبوم ماهور کبیر به آهنگسازی خسرو سلطانی

درگذشت

علیرغم چندین سال شیمی درمانی و کوشش پزشکان برای بهبودی این هنرمند، به دلیل پیشرفتگی سرطان معده بی‌ثمر ماند و در ۲۹ اردیبهشت ۱۳۸۳ در سن ۴۷ سالگی در شهر برگنتس، اتریش درگذشت و در گورستان همان شهر به خاک سپرده شد.

- رضا والی (آهنگساز) یکی از آثار خود به نام «کنسرتو برای نی و ارکستر» را به یاد این هنرمند ایرانی ساخته است.

فروغ کریمی



فروغ کریمی جعفرزاده

نام شناسنامه‌ای

۱۳۳۴ تهران، ایران

زاده

ساز	فلوت
وبگاه	وبگاه رسمی فروغ کریمی

فروغ کریمی جعفرزاده (زاده ۱۳۳۴ تهران) موسیقی‌دان و نوازنده فلوت اهل ایران است.

زندگی‌نامه

فروغ کریمی متولد ۱۳۳۴ در تهران است، در هنرستان ملی موسیقی زیر نظر «منوچهر منشی زاده» نواختن ساز فلوت را فرا گرفت. پس از دریافت دیپلم از این هنرستان، در هنرستان عالی موسیقی و در رشته فلوت تا دریافت دانشنامه لیسانس از محضر «یوهان ریستا» بهره گرفت. پس از گذراندن دوره‌ای در ایتالیا، از سال ۱۳۵۷ در وین، و در آکادمی موسیقی وین ادامه تحصیل داد و در رشته‌های تک نوازی فلوت و تعلیم و تربیت فارغ‌التحصیل شد. وی سولیست فلوت و کینوزولوگ در دانشگاه موسیقی و هنرهای نمایشی وین اتریش است.

فعالیت‌ها

وی از زمان اقامت در ایران، تک نواز فلوت در ارکستر بانوان و نوازنده ارکستر انجمن جوانان دوستدار موسیقی ایران (ژونس موزیکال) بود. همچنین در وین با ارکستر مجلسی بانوان وین و ارکستر تئاتر (یوزف اشتادت) همکاری داشته‌است. فروغ کریمی از سال ۱۳۵۹ تا ۱۳۶۲ مدرس فلوت در مجموعه سازمان ملل در وین بوده‌است و در سال ۱۳۶۲ جایزه اول سمینار موسیقی وین را کسب کرد. از سال ۱۳۶۴ تا سال ۱۳۷۰ مدرس فلوت و هم نواز کنسرواتوار فرانتس شوبرت بود و از سال ۱۳۷۰ نیز استاد آکادمی موسیقی وین می‌باشد.

فروغ کریمی در سال ۱۳۸۳ از دانشکده موسیقی دانشگاه هنرهای زیبای وین مدرک پروفیسوری خود را دریافت نمود و سال‌هاست که به‌عنوان پروفیسور فلوت و روش آموزشی موزیک کینزولوژی در دانشگاه هنرهای زیبای وین به تدریس می‌پردازد. ایشان هر از چند گاهی نیز در داخل کشور مستر کلاس‌های فلوت برگزار می‌کنند.

آثار مکتوب

وی دارای آثار متعددی در زمینه آموزش فلوت و کینزولوژی می‌باشند.



فریمه قوام صدری

زاده	۱۳۲۹ تهران
ساز	پیانو
اعضای پیشین	کنسرواتوار تهران
دانشگاه	دانشکده هنرهای زیبا تهران مدرسه اکول نرمال پاریس دانشگاه تمپل فیلادلفیا دانشگاه مک گیل کانادا
استاد	افلپا کمباجیان
بنیانگذار	گروه موسیقی تهران به همراه علیرضا مشایخی

فریمه قوام‌صدری (زاده ۱۳۲۹ در تهران) نوازنده پیانو و موسیقی‌دان اهل ایران است.

زندگی هنری

فریمه قوام‌صدری در سال ۱۳۲۹ در تهران متولد شد. از کودکی فراگیری ساز پیانو را نزد افلپا کمباجیان آغاز کرد. او تحصیلات دانشگاهی خود را با ورود به دانشگاه تهران آغاز نموده و از دانشکده هنرهای زیبا فارغ‌التحصیل شد. وی به جهت ادامه تحصیلات عالی موسیقی، در سال ۱۳۵۲ با دریافت بورسیه تحصیلی راهی کشور فرانسه شد و از مدرسه موسیقی «اکول نرمال» پاریس، در رشته پیانو و موسیقی مجلسی فارغ‌التحصیل شد. او همچنین تحصیلات عالی موسیقی را با گذراندن دوره‌های تخصصی مختلف نظیر: دوره ویژه موسیقی مجلسی در «آکادمی موسیقی کینجا» در سیهنا (ایتالیا)، موسیقی مجلسی در دانشگاه تمپل فیلادلفیا (آمریکا) و تکنوازی پیانو در دانشگاه مک گیل (کانادا) پی گرفت.

فعالیت‌ها

او پس از بازگشت به ایران در سال ۱۳۵۶ در مدرسه عالی موسیقی تهران (کنسرواتوار تهران) تدریس پیانو را آغاز کرد و به عنوان عضو هیئت داوران کنسرواتوار تهران انتخاب شد. وی همزمان به عنوان تکنواز و هم‌نواز در رادیو تلویزیون ملی ایران، دانشگاه تهران، انجمن فیلارمونیک تهران و کنسرواتوار تهران فعالیت‌های هنری خود را ادامه داد.

او سال‌ها در کشورهای ایران، فرانسه، اتریش، ایتالیا و آمریکا به اجرای برنامه پرداخته است. در سال ۱۳۷۲ «گروه موسیقی تهران» را به همراه علیرضا مشایخی بنا نهاد و از آن هنگام به عنوان مدیر هنری، تکنواز و هم‌نواز در ارکستر موسیقی نو مشغول فعالیت بوده و کنسرت‌ها و برنامه‌های پژوهشی و آموزشی گوناگونی را به اجرا درآورده است.

در اختتامیه بیست و نهمین جشنواره موسیقی فجر از فریمه قوام‌صدری با لوح تقدیر و تندیس جشنواره، تجلیل به عمل آمد.

آثار

از جمله آثار و فعالیت‌های هنری فریمه قوام‌صدری به موارد زیر می‌توان اشاره نمود:

- از پایه‌گذاران «گروه موسیقی تهران»
- اجرای کنسرت‌های گوناگون در داخل و خارج از ایران
- برگزاری «جشنواره موسیقی کلاسیک تا معاصر» به همراه علیرضا مشایخی
- عضو هیئت انتخاب و داور «جشنواره موسیقی جوان»
- تدریس پیانو
- آلبوم موسیقی «موسیقی برای پیانو»
- آلبوم موسیقی «شهرزاد»
- آلبوم موسیقی «همراه شوپن»
- آلبوم موسیقی «پروانه کوه‌های زاگرس»
- آلبوم موسیقی «جشن»

فوزیه مجد



زاده

۱۳۱۷ برلین

سازها

پیانو ویلنسل سنتور

اعضای پیشین

مرکز حفظ و اشاعه موسیقی ایران

دانشگاه

مدرسه مورتون هال انگلستان
دانشگاه ادینبورو انگلستان
دانشگاه سوربن فرانسه

استادها

امانوئل ملیک اصلانیان نادیا بولانژه
تران وانکه فرامرز پایور مجید کیانی

بنیانگذار

گروه گردآوری و شناخت موسیقی در
سازمان تلویزیون ملی ایران

جایزه
جایزه باربد بخش موسیقی نواحی سی و
سومین دوره جشنواره موسیقی فجر

فوزیه مجد (زاده ۶ تیر ۱۳۱۷) موسیقی‌دان، آهنگساز، اتنوموزیکولوگ و پژوهشگر موسیقی اهل ایران است.

زندگی هنری

فوزیه مجد ۶ تیر ۱۳۱۷ در برلین متولد شد. او آموختن پیانو را از ۶ سالگی آغاز و تحصیلات ابتدایی را در مدرسه ژاندارک سپری نمود. امانوئل ملیک اصلانیان استاد پیانو و تأثیرگذار بر تفکر موسیقی وی بود. در سال‌های پایانی دهه ۱۳۲۰، برای تحصیل موسیقی به انگلستان رفت و در مدرسه «مورتون هال» مشغول به تحصیل شد.

او اولین اثر آهنگسازی حرفه‌ای خود را در سن ۱۵ سالگی به سفارش مدرسه «مورتون هال» ساخت که در استودیوی کمپانی معروف «هیز مسترز و ویس» ضبط شد. روزنامه «لیورپول دیلی پست» درباره این اثر نوشت:

«رویداد موسیقایی بسیار مهمی در مدرسه مورتون هال نزدیک آروستری به وقوع پیوست ... برنامه با صحنه پاله «امیردخت» که توسط دانشجوی کنونی مدرسه، فوزیه مجد – یک دختر ایرانی پانزده‌ساله – ساخته شده بود به پایان رسید که برای فردی به این جوانی، آینده‌ای چشمگیر را نوید می‌دهد.»

وی پس از پایان تحصیلات متوسطه، موسیقی را در دانشگاه ادینبرا پی گرفت. سپس به ایران بازگشت و در هنرستان عالی موسیقی به تدریس «تاریخ موسیقی غرب» مشغول شد و همزمان در روزنامه کیهان بین‌المللی با نام مستعار «فلورستان» نقد موسیقی می‌نوشت و در صداخانه وزارت فرهنگ و هنر به کار بازبینی موسیقی نواحی ایران می‌پرداخت. او نوازندگی سنتور را نیز نزد فرامرز پایور و مجید کیانی آموخت.

وی در سال ۱۳۴۵ با دریافت بورسیه از دولت فرانسه راهی این کشور شد و نزد نادیا بولانژه آموزش آهنگسازی را پی گرفت. پس از آن در سال ۱۳۴۷ با دریافت بورسیه از سازمان رادیو تلویزیون ملی ایران به تحصیل اتنوموزیکولوژی تحت نظر تران وانکه در دانشگاه سوربن مشغول شد. او در سال ۱۳۵۰ به ایران بازگشت. این زمان مصادف بود با اوج فعالیت‌های موسیقی مرکز حفظ و اشاعه موسیقی ایران، در این مرکز بخشی به پژوهش و گردآوری موسیقی نواحی ایران اختصاص داشت. در آن هنگام وی بر تحقیق و پژوهش در زمینه موسیقی نواحی و موسیقی ردیف متمرکز شد. او با سفر به خراسان، سیستان و بلوچستان، هرمزگان، بوشهر و ... به همراه گروهی که خود بنا نهاده بود، مجموعه‌هایی از موسیقی نواحی، اقوام و ردیفی را گردآوری کرد.

جمع‌آوری ردیف‌های سعید هرمزی، یوسف فروتن، عبدالله دوامی، نورعلی برومند و نمونه‌های موسیقی محلی خراسان مانند: اجراهایی از حسین یگانه، اولیاقلی یگانه، مختار زنبیل باف، حمرا گل فروز، نظر محمد سلیمانی و ...، با یاری مهدی کمالیان از مهم‌ترین دستاوردهای سفرهای پژوهشی او می‌باشد.

او «گروه گردآوری و شناخت موسیقی» را در سازمان تلویزیون ملی ایران تأسیس کرد و با دعوت از برخی موسیقی‌دانان، برنامه‌های مختلفی در شهرهای شیراز (جشن هنر)، مشهد (جشن توس) و تهران (کارگاه نمایش، تأثیر شهر) برگزار نمود. قدیمی‌ترین پژوهش در مورد «موسیقی سوگواری در بوشهر» را نیز او به انجام رسانده است.

فعالیت‌های هنری

فوزیه مجد سابقه تدریس در هنرستان عالی موسیقی و انستیتو موزیکولوژی تهران را در کارنامه خود دارد. از دیگر فعالیت‌های او می‌توان به پژوهش و گردآوری موسیقی نواحی ایران و ردیف دستگامی موسیقی ایران و نگارش مقالاتی در فصلنامه موسیقی ماهور اشاره کرد.

آثار

موسیقی فیلم

- پسر ایران از مادرش بی‌خبر است به کارگردانی فریدون رهنما
- سیاوش در تخت جمشید به کارگردانی فریدون رهنما

کتاب

- «نفیرنامه» - ناشر: مؤسسه فرهنگی هنری ماهور ۱۳۹۰
- «سه ساخته برای پیانو: پایکوبی در دهکده سونات رومانتیک نمایشی» - ناشر: ماهور ۱۳۷۸
- «ایرانا برای ستاره‌ها: گفتگو ۸۸ برای پیانو» - ناشر: ماهور ۱۳۷۷
- «پرما برای پیانو» - ناشر: ماهور ۱۳۹۱
- «شب کوک» ناشر: سوره مهر ۱۳۹۲
- «سوئیت ایرانی برای پیانو» - ناشر: ماهور ۱۳۸۰

آلبوم

- «موسیقی فیلم و نمایش» به رهبری گزنوش خالقی
- «شب کوک»
- «گر بنگری به سویم»
- «شائری در بلوچستان»
- «گوات و ذکر در بلوچستان»
- «موسیقی نواحی ایران - موسیقی نوبان و زار»
- آلبوم موسیقی «موسیقی نواحی ایران - اربعین در بوشهر»
- «موسیقی نواحی ایران - موسیقی تربت جام (۴۲)»
- «موسیقی نواحی ایران - موسیقی شمال خراسان (۶)»
- «موسیقی نواحی ایران - موسیقی شمال خراسان (۳۹)»
- «موسیقی نواحی ایران - موسیقی شمال خراسان-داستان شاهزاده زرین عذار»
- «موسیقی نواحی ایران - موسیقی عاشقی آذربایجان غربی»

جوایز و افتخارات

- آذر ۱۳۸۶، از فوزیه مجد در کنار رامبد صدیف به عنوان پژوهشگر موسیقی، توسط کمیته موسیقی «ایکم»، در خانه هنرمندان ایران تجلیل به عمل آمد.
- در سی و سومین دوره جشنواره موسیقی فجر، جایزه باربد بخش موسیقی نواحی به فوزیه مجد اهداء شد.
- بهمن ۱۳۹۹، در آیین ششمین سال‌نواي موسیقی ایران، از فوزیه مجد، تقدیر به عمل آمد. شریف لطفی در غیاب وی، لوح تقدیر و تندیس «سال‌نوا» را دریافت کرد.

فیروزه نوایی



اطلاعات پس زمینه

زاده	۱۳۳۳ اهواز
ساز(ها)	فلوت
سال‌های فعالیت	۱۳۵۵-اکنون
اعضای کنونی	گروه گر فلوت تهران
اعضای پیشین	ارکستر سمفونیک تهران

فیروزه نوایی (زاده ۱۳۳۳ در اهواز) موسیقیدان، نوازنده فلوت و سرپرست «گروه کر فلوت تهران»، اهل ایران است.

زندگی‌نامه

فیروزه نوایی پس از اتمام تحصیلات در هنرستان عالی موسیقی تهران با اخذ بورس تحصیلی وارد دانشگاه موسیقی وین شد. استادان فلوت او در تهران منوچهر منشی زاده، مرلین سوئینتلا (Merlin Swindler) و مهدی جامعی بودند.

فعالیت هنری

فیروزه نوایی نوازنده و مدرس فلوت و مدیر کر فلوت تهران، نزدیک به ۴۰ سال در اتریش اقامت داشته‌است ولی برای ایجاد همبستگی خانوادگی بیشتر، محل اقامت خود را از دو سال پیش از اتریش به سوئیس تغییر داده و هم‌اکنون ساکن سوئیس و به عنوان معلم موسیقی در اتریش به تدریس اشتغال دارد. همچنین وی دارای «مدرک درجه یک هنری» (معادل دکترا) از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی می‌باشد. «فیروزه نوایی» اولین بانوی فلوتیست ایران است که به عنوان نوازنده «فلوت اول» به ارکستر سمفونیک تهران وارد شد و به استخدام رسمی آن درآمد. نوایی ۳۵ سال در ایران نبود، اما سال ۹۲ دوباره به ایران بازگشت.

او در این مدت، مسترکلاس‌هایی را هم برای علاقه‌مندان این ساز برگزار کرده و در همین راستا «گروه کر فلوت تهران» را به همراه سعید تقدسی (همسر فیروزه نوایی) تشکیل داد. کر فلوت تهران (TCF) به سرپرستی فیروزه نوایی و رهبری سعید تقدسی مجموعه کنسرت‌هایی را در شهرهای زوربخ، قلدکیرش، گراتس و وین در روزهای ۲۳ تا ۲۸ مارس به روی صحنه بردند. در کر فلوت تهران، همسر او سعید تقدسی رهبر، سهیل کوشان پور به عنوان مدیر هنری و احسان تارخ به عنوان مدیر اجرایی و سجاد پورقناد به عنوان مشاور فعالیت می‌کنند.

وی هم‌اکنون رئیس هیئت مدیره «مؤسسه نوای چنگ فرزانه» می‌باشد و نیز مدیر هنری مؤسسه «BOA» در اتریش مشغول فعالیت می‌باشد. پیام تقدسی نوازنده ویولنسل، فرزند فیروزه نوایی و سعید تقدسی است.

قشنگ کامکار



زاده ۲۵ بهمن ۱۳۳۲ سنندج، کردستان

ساز سه تار

وب‌سایت کامکارها

اعضای کنونی گروه کامکارها

اعضای پیشین کانون چاووش

قشنگ کامکار (۲۵ بهمن ۱۳۳۲ سنندج) نوازنده سه‌تار و ویلن و از اعضای گروه کامکارها است. قشنگ کامکار نخستین زنی است که پس از انقلاب اسلامی روی صحنه رفت و به صورت صحنه‌ای موسیقی اجرا کرد.

زندگی

قشنگ کامکار در ۲۵ بهمن سال ۱۳۳۲ در سنندج زاده شد و نوازندگی ویلن و سه‌تار و خوانندگی را آموخت

قشنگ کامکار علاوه بر شرکت در اجراهای گروه کامکاران، به همراه سینا بینا کنسرت‌هایی ویژه بانوان در خارج از ایران اجرا کرده‌است.

وی همسر سابق محمدرضا لطفی بود که از هم جدا شدند.

گلریز زربخش



زاده ۱۳۶۱، تهران

زاده

ویولن

ساز

گلریز زربخش (زاده ۱۳۶۱ در تهران)، موسیقی‌دان و نوازنده ویلن اهل ایران است.

زندگی هنری

گلریز زربخش در سال ۱۳۶۱ در تهران متولد شد. او ساز ویلن را از کودکی در هنرستان موسیقی دختران فرا گرفت. ارسلان کامکار و ابراهیم لطفی از نخستین استادان وی بودند. او در سال ۲۰۰۷ تحصیلات تکمیلی خود را در مقطع کارشناسی ارشد نوازندگی ویلن در کنسرواتوار دولتی کومیتاس ایروان جمهوری ارمنستان به پایان برد. «ویکتور خاچاطوریان» از استادان اصلی او در تحصیلات تکمیلی بوده است.

خواهر او «ژاپیز زربخش»، نوازنده ویلنسل می باشد.

فعالیت‌های هنری

برخی از فعالیت‌های هنری گلریز زربخش به شرح زیر است:

- کسب رتبه نخست در نوازندگی ویلن جشنواره موسیقی فجر - ۱۳۷۵، ۱۳۷۷ و ۱۳۷۹
- کسب رتبه نخست در نوازندگی ویلن جشنواره موسیقی جوان - ۱۳۷۵، ۱۳۷۷ و ۱۳۷۹
- کسب رتبه دوم نوازندگی ویلن جشنواره موسیقی دانشجویان کشور - ۱۳۷۸
- کسب رتبه نخست نوازندگی ویلن جشنواره موسیقی دانشجویان کشور - ۱۳۷۹
- کسب رتبه نخست و تندیس جشنواره بین‌المللی موسیقی فجر به عنوان پایه گذار آنسامبل نیواک - ۱۳۸۷
- انتشار آلبوم آنسامبل نیواک شامل دوئت‌های ویلن و ویلنسل - ۱۳۹۴

- تدریس ویلن تخصصی در دانشگاه علمی کاربردی - ۱۳۸۷-۱۳۸۸
- تدریس ویلن تخصصی در دانشکده صدا و سیما تهران - ۱۳۸۷-۱۳۸۸
- تدریس ویلن تخصصی در هنرستان موسیقی دختران تهران - ۱۳۸۷-۱۳۸۸
- تدریس ویلن تخصصی و اجرای صحنه‌ای در دانشکده موسیقی دانشگاه هنر تهران - ۱۳۹۱-۱۳۹۲
- کسب رتبه نخست فستیوال کنسرواتوار دولتی کومیتاس ایروان - ۱۳۹۵ "

گلنوش خالقی



زاده ۱۷ دی ۱۳۱۹ تهران، ایران

درگذشته ۲۶ بهمن ۱۳۹۹ (۸۰ سال)
واشینگتن، دی.سی.، ایالات متحده

ساز پیانو

تحصیلات کارشناسی ارشد رهبری کر

دانشگاه آکادمی موتزارتتوم سالزبورگ
کالج اوپرلین
دانشگاه ویسکانسین-مدیسن

استادها حسین صبا جواد معروفی
امانوئل ملیک اصلانیان
مصطفی کمال پورتراب

بنیانگذار ارکستر روح‌الله خالقی
کانون هنری روح‌الله خالقی

گلنوش خالقی (۱۷ دی ۱۳۱۹ - ۲۶ بهمن ۱۳۹۹) موسیقی‌دان، آهنگساز، رهبر ارکستر و رهبر گروه کو اهل ایران بود. او فرزند روح‌الله خالقی و نخستین زن ایرانی بود که به‌صورت تخصصی در رشته رهبری موسیقی تحصیل کرده بود. گلنوش خالقی پیش از انقلاب ۱۳۵۷ رهبر گروه کر سازمان رادیو تلویزیون ملی ایران بود. وی در سال ۱۳۵۸ به ایالات متحده آمریکا مهاجرت کرد و در سال ۱۳۶۹ به منظور برگزاری کنسرت، به ایران بازگشت اما به دلیل «زن بودن»، اجازه رهبری و اجرای عمومی در ایران را نیافت و پس از چند ماه ایران را بار دیگر به مقصد آمریکا ترک کرد. گلنوش خالقی در بهمن ۱۳۹۹ در آمریکا درگذشت.

زندگی‌نامه

آغاز زندگی

گلنوش خالقی در ۱۷ دی ۱۳۱۹ در تهران زاده شد. او در سال ۱۳۳۰ به هنرستان موسیقی ملی راه یافت و فراگیری ساز پیانو را آغاز نمود. از استادان وی در هنرستان می‌توان به حسین صبا، جواد معروفی، و مصطفی کمال پورتراب اشاره کرد. وی در سال ۱۳۳۸ پس از دریافت دیپلم هنرستان موسیقی ملی، با رتبه نخست به هنرستان عالی موسیقی راه یافت و تحت تعلیم امانوئل ملیک اصلانیان قرار گرفت. گلنوش خالقی پس از یک سال دیپلم هنرستان عالی موسیقی را نیز با رتبه نخست دریافت نمود. پس از آن به‌عنوان دستیار استاد، به آموزش پیانو و سرایش در هنرستان عالی موسیقی مشغول شد.

مهاجرت از ایران و بازگشت

گلنوش خالقی در سال ۱۳۴۱ برای ادامه تحصیلات موسیقی به اتریش سفر کرد و در آکادمی موتزارتنوم سالزبورگ به تحصیل در رشته رهبری پرداخت و پس از ۳ سال به آمریکا مهاجرت کرد و در کالج اوبرلین (اوهایو) تحصیلات خود را ادامه داد. پس از آن در سال ۱۳۵۳ مدرک کارشناسی ارشد رهبری کر را از دانشگاه ویسکانسین-مدیسن در شهر مدیسن دریافت نمود. در این هنگام با رهبرانی مانند رابرت فاونتن و کورت پرستل همکاری داشت. گلنوش خالقی در دوران زندگی در آمریکا با استفان اکرت، نوازنده هارپسیکورد آشنا شد و با او ازدواج کرد.

گلنوش خالقی در سال ۱۳۵۳ به دعوت رادیو تلویزیون ملی به ایران بازگشت و گروه «هم آواز» را برای اجرای آثار کلاسیک، ویژه گروه کر و ارکستر، بنا نهاد. در هنگام کنسرت هنری گلنوش خالقی در ایران، اکرت نیز با او همکاری می‌کرد. فعالیت «هم آواز» تا زمستان ۱۳۵۷ ادامه یافت. واپسین این گروه، ضبط پنهانی سرود آزادی ساخته گلنوش خالقی با شعری از فریدون مشیری بود. خاطره تلخ فروپاشی گروه «هم آواز»، تا پایان زندگی گلنوش در ذهن او باقی ماند.

پس از انقلاب

گلنوش خالقی پس از انقلاب اسلامی، در سال ۱۳۵۸ دوباره به آمریکا مهاجرت نمود و کارهای هنری خود را در کانون دوستداران فرهنگ ایران آغاز کرد. او در سال ۱۳۶۴ با همکاری شماری از نوازندگان ایرانی و آمریکایی، ارکستر روح‌الله خالقی را با ۲۰ نوازنده در آمریکا بنیان گذاشت و نزدیک به پنج سال آنرا رهبری کرد. کار این ارکستر، بودجه و پشتیبان بسیار دشوار بود و باوجود استقبال خوب از اجراها ادامه کار از سال ۱۳۶۹ دیگر ممکن نشد.

در سال ۱۳۶۹ به ایران سفر کرد و قصد داشت به‌مناسبت بیست و پنجمین سالگرد درگذشت پدرش روح‌الله خالقی، برنامه‌هایی در تهران و شهرستان‌ها برگزار نماید. اما به وی اجازه رهبری ارکستر داده نشد. در این هنگام به ضبط دو آلبوم موسیقی از آثار روح‌الله خالقی به نام می ناب پرداخت و دوباره به آمریکا بازگشت.

گلنوش خالقی پس از بازگشت به آمریکا در سال ۱۳۷۰، دیگر نتوانست رهبری هیچ گروه موسیقی را بدست بگیرد. او کانون هنری روح‌الله خالقی را بنیان گذاشت و در واشینگتن به آهنگسازی و آموزش پیانو مشغول بود.

گلنوش خالقی در اسفند ۱۳۹۷ بیانیه‌ای در دفاع از سرود ای ایران، اثر روح‌اله خالقی، علیه مسئولین آستان قدس رضوی منتشر کرد و نسبت به آنچه که او «سرقت فرهنگی و هنری، دستبرد نابخردانه به یک اثر ملی، دستکاری، و متنی در تبلیغ و مداحی مذهب شیعه و امامانش»، با استفاده از موسیقی متن «ای ایران» توسط این نهاد واکنش نشان داد و آن را محکوم کرد و از مردم خواست اعتراض کنند.

گلنوش خالقی دو فرزند پسر به نام‌های رامین (دیوید) و جولین دارد.

درگذشت

گلنوش خالقی، ۲۶ بهمن ۱۳۹۹ در سن هشتاد سالگی، در واشینگتن، دی.سی. درگذشت.


واکنش‌ها

لوریس چکناواریان ضمن اظهار تاسف از درگذشت گلنوش خالقی، اظهار داشت که «این پدر و دختر خدمت بزرگی به موسیقی ایران کردند» و او یک دوست ارزشمند را از دست داده‌است. وی همچنین از کمک و راهنمایی‌های گلنوش خالقی در خلق ایرانی رستم و سهراب یاد می‌کند و می‌گوید که مدیون او هستم.

فعالیت هنری

از جمله فعالیت‌های هنری گلنوش خالقی به موارد زیر می‌توان اشاره کرد:


- بنیان‌گذاری و رهبری گروه «هم آواز» رادیو و تلویزیون ملی ایران
- همکاری با «کانون دوستداران فرهنگ ایران» در آمریکا
- اجرای کنسرت ترانه‌های محلی ایران به همراه پری زنگنه در شهرهای آمریکا
- بنیان‌گذاری و رهبری «ارکستر روح‌الله خالقی» در واشینگتن
- اجرای کنسرت و تنظیم آثار هنرمندان قدیمی موسیقی ایران همچون: درویش خان، مرتضی نی داوود، علینقی وزیری، روح‌الله خالقی، مرتضی محجوبی و ... به همراه «ارکستر روح‌الله خالقی» در شهرهای آمریکا
- تنظیم، رهبری ارکستر و انتشار آلبوم موسیقی «می ناب ۱» و «می ناب ۲» از آثار روح‌الله خالقی با خوانندگی کاوه دیلمی
- ساخت آثاری برای پیانو، پیانو و آواز و تنظیم ترانه‌های محلی ایران برای پیانو
- نویسندگی و انتشار کتاب ای ایران (۱۳۸۵)
- رهبری ارکستر در آلبوم موسیقی فیلم و نمایش (۱۳۹۲) به آهنگسازی فوزیه مجد
- آثار گوناگونی به ویژه برای پیانو با الهام از موسیقی دستگاهی و محلی ایران

	
لیلا رمضان	
زاده	۱۹۸۳ میلادی تهران، ایران
پیشه ها	موسیقی‌دان، نوازنده پیانو
ساز	پیانو
ناشر	پاراتی

لیلا رمضان (زاده ۱۹۸۳ در تهران) یک موسیقی‌دان و نوازنده پیانو اهل ایران و ساکن سوئیس است. او بیشتر در فرانسه و سوئیس فعالیت می‌کند و با هنرمندانی چون سوتلانا ناواساردیان و جمشید شمیرانی همکاری داشته‌است. اجراهای او از رادیو بین‌المللی فرانسه و سی‌بی‌سی کانادا و چندین شبکه رادیویی مشهور دیگر پخش شده‌است.

او از سال ۲۰۱۴ مشغول تهیه یک آلبوم موسیقی مبسوط، مشتمل بر ۴ لوح فشرده از «صد سال موسیقی ایران برای پیانو» بوده که توسط آرمونیا موندی توزیع خواهد شد و قسمت اول آن به نام «آهنگسازان ایرانی دهه ۱۹۵۰» در سال ۲۰۱۷ منتشر شد. نام سه سی‌دی دیگر، «پدران موسیقی ایرانی برای پیانو»، «علیرضا مشایخی، شهرزاد» و «نسل جدید آهنگسازان ایران» است.

لیلا رمضان همچنین بنیان‌گذار و مدیر هنری «جایزه پیانوی باربد» در شیراز است که به نوازندگان جوان ایرانی اهدا می‌شود.

	
مرجان قنبری مهر	

نام شناسنامه‌ای	بتول قنبری‌مهر
زاده	۱۳۳۰ <u>تهران</u>
سازها	<u>ویولن</u> و <u>ویولا</u>
سال‌های فعالیت	۱۳۴۷-اکنون
اعضای پیشین	<u>ارکستر سمفونیک تهران</u>

مرجان قنبری‌مهر (زاده ۱۳۳۰ تهران) موسیقیدان و نوازنده ویولن کلاسیک اهل ایران است.

زندگی هنری

مرجان قنبری‌مهر در سال ۱۳۳۰ در تهران متولد شد. از کودکی در کنار پدرش ابراهیم قنبری‌مهر، استاد سازنده سازهای موسیقی که در نوازندگی نیز از شاگردان استاد ابوالحسن صبا بود، گوش وی با موسیقی آشنا شد. وی از ده سالگی وارد هنرستان عالی موسیقی شد و در سال ۱۳۵۴ موفق به دریافت درجه لیسانس در رشته ویولن کلاسیک گردید. در دوران تحصیل با اساتیدی چون حشمت سنجری، سرژ خوتسیف، و الودیا تارخانیان و ژرژ مرادیان به کسب تجربه و نوازندگی پرداخت.

او فعالیت خود را در سال ۱۳۴۷ به عنوان نوازنده ویولن کلاسیک در ارکستر مجلسی تلویزیون آغاز کرد، نوازندگی در این ارکستر فرصتی بود تا از وجود رهبران و سولیست‌های خارجی که به شکل مهمان با ارکستر همکاری داشتند بهره برده و به کسب تجربه‌های نو بپردازد. او دارای گواهینامه درجه یک هنری از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی می‌باشد.

در سی‌امین جشنواره موسیقی فجر توسط وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی از مرجان قنبری‌مهر به عنوان «یکی از برجسته‌ترین نوازندگان ویولن کلاسیک» تقدیر به عمل آمد و تندیس جشنواره به وی اهدا شد.

فعالیت‌ها

برخی از فعالیت‌های هنری مرجان قنبری‌مهر در جایگاه موسیقی‌دان و نوازنده به شرح زیر می‌باشد:

- همکاری با ارکستر مجلسی تلویزیون - ۱۳۴۷
- اجرای کنسرت به همراه ارکستر مجلسی تلویزیون در شهرهای مختلف ایران و برخی کشورهای اروپایی
- همکاری با ارکستر سمفونیک تهران - ۱۳۷۴
- تدریس در هنرستان‌های موسیقی دختران و پسران
- تدریس در دانشگاه هنر
- تدریس در دانشگاه تهران - ۱۳۸۳ تا ۱۳۸۵
- عضویت در شورای برگزاری آزمون‌های عملی موسیقی دانشگاه‌های هنر و تهران به مدت ۱۶ سال
- عضویت در هیئت داوران جشنواره موسیقی جوان

- اجرا و سرپرستی کنسرت موسیقی در تالار رودکی با اجرای آثاری از فلیکس مندلسون، دیمیتری شوستاکوویچ و آستور پیاتزولا
- تأسیس آموزشگاه تخصصی ویلن کلاسیک در تهران - ۱۳۸۳
- کارگردانی فیلم مستند بلند «ساز و مهر» به همراه محسن نظری و تهیه‌کنندگی مرتضی پورصمدی

مرجان وحدت



اطلاعات پس‌زمینه

زاده

۱۳۵۵ تهران

ساز اصلی

سه‌تار

مرجان وحدت (زاده ۱۳۵۵) خواننده و نوازنده اهل ایران است. او خواهر مهسا وحدت است.

زندگی‌نامه و فعالیت هنری

مرجان وحدت از کودکی مقدمات موسیقی و ساز پیانو را نزد مینو محبی آغاز کرد. آواز ایرانی سنتی را نزد پری ملکی فراگرفت و نزد مهدی فلاح و سیما بیبا ادامه داد. ساز سه‌تار را نزد رامین کاکاوند آموخت و نزد مسعود شعاری دنبال کرد.

کنسرت‌ها

- ۲۳ فروردین ۱۳۸۷: پاریس، فرانسه. سالن تئاتر شهر.
- ۲۷ مرداد ۱۳۸۶: اسلو، نروژ، کنسرتی به مناسبت چاپ آلبوم «آوازهایی از باغ ایرانی» با همکاری گروه ایرانی و نروژی.
- ۳ تیر ۱۳۸۶: کلیسای قدیمی وارالو، ایتالیا، آواز و دف از مرجان و مهسا وحدت، سه‌تار اتابک الیاسی و نی پاشا هنجانی.
- ۱ تیر ۱۳۸۶: موزه باستان‌شناسی شهر تورین ایتالیا و خرابه‌های «تئاترو رومانو» صحنه برگزاری این کنسرت بود. همانند کنسرت وارالو، در این کنسرت آواز و دف مرجان و مهسا وحدت را سه‌تار اتابک الیاسی و نی پاشا هنجانی همراهی می‌کرد.
- ۷ خرداد ۱۳۸۶: سومین دوسالانه هنر آواز، سیتته دلا موزیک، پاریس، فرانسه. آواز و دف از مرجان و مهسا وحدت و نی از امیر اسلامی.

- ۱۰ تیرماه ۱۳۸۵: اینترنشتال مارگت فستیوال، در ادامه پروژه لالایی‌های محور شرارت، آرنالد، نروژ، به همراه نوت ری پرستروود (گیتار)، آندرس انگن (درامز)، اودن ارلین (گیتار)، دیوید والومرود (کیبورد)، مرجان (آواز و دف) و مهسا وحدت (آواز)
- اول خردادماه ۱۳۸۶: کنسرت «آوازهایی از باغ ایرانی» در باغ سفارت ایتالیا در تهران به نفع کودکان افغان و ایرانی ساکن زاهدان و با حمایت صندوق کودکان سازمان ملل برگزار شد. در این کنسرت یک گروه ایرانی همراه گروه نروژی به رهبری کنوت ریپرستروود، مرجان و مهسا وحدت را همراهی کردند.
- ۳ تیر ۱۳۸۶: کلیسای قدیمی وارالو، ایتالیا، آواز و دف از مرجان و مهسا وحدت و سهار اتابک الیاسی.
- ۱۳۸۲ فستیوال ورلد موزیک اسلو، اسلو، نروژ -- اجرای مشترک با خوانندگان کری برمنس از نروژی، ریم بنا فلسطین، هلابصام از عراق، مهسا وحدت از ایران.
- ۱۳۸۱: فستیوال سپیک مک‌کی، پنجاب، هندوستان - با مهسا وحدت و گروه رومیبه سرپرستی رضا آبابی.
- ۱۳۷۹: فستیوال موسیقی شرقی، تالار من دوپاس، پاریس
- ۱۳۷۸: کنسرت در کلیسای سنت بارتولمه، نیویورک.
- ۱۳۷۷ و ۱۳۷۸: دانشگاه واشینگتن، سیاتل، واشینگتن، دانشگاه آستین، تگزاس، کنسرت و همکاری با رضا درخشانی
- ۱۳۷۶: کلن، مرکز نوا، کنسرت با گروه هم‌نوا به سرپرستی مجید درخشانی
- ۱۳۷۵: فرهنگسرای نیاوران، تهران، کنسرت با گروه خنیا، به سرپرستی پری ملکی

آلبوم‌ها

- آلبوم لالایی‌های محور شرارت
- آلبوم دارم امیدی
- آلبوم دشت آبی
- همکاری با اریک هیل ستا، هنرمند نروژی، در سیدی لالایی محور شرارت. این سیدی شامل آوازهای لالایی از کشورهای ایران، عراق، فلسطین، دانمارک، سوئد و نروژ، در سال ۲۰۰۴ منتشر شد.
- همکاری با فرهاد مرفه در سیدی فرهنگ‌ها به کودکان کمک کنید.
- همکاری با اتابک الیاسی در آلبوم حوامنم



مریم ابراهیم پور

اطلاعات پس‌زمینه	
نام شناسنامه‌ای	مریم ابراهیم پور
زاده	۱۳۴۷ تهران
سازها	ویلن، قیچک
وبگاه	maryamebrahimpour.ir
اعضای کنونی	ارکستر سمفونیک تهران گروه کامکارها
نوع صوت	سویرانو

مریم ابراهیم‌پور (زاده ۱۱ خرداد ۱۳۴۷ تهران -) نوازنده ویلن، قیچک و خواننده موسیقی سنتی ایرانی است. او عضو گروه موسیقی کامکارها و نوازنده ویلن ارکستر سمفونیک تهران است.

زندگی هنری

مریم ابراهیم‌پور در ۱۱ خرداد سال ۱۳۴۷ در تهران زاده شد. پدرش «محمد ابراهیم‌پور» اهل کرمانشاه است و موسیقی سنتی ایران، سازهای موسیقی و آواز را به وی آموخت و مادرش «مه‌جبین» اهل تهران است و او را با اشعار و نوشته‌های نویسندگان بزرگ ایران آشنا کرد. همچنین عموی او فریبرز ابراهیم‌پور از شاعران و نویسندگان مطرح و اهل کرمانشاه بود.

مریم ابراهیم‌پور از چهارسالگی و با شرکت در کلاس‌های «مؤسسه ملی باله پارس»، هنرهای نمایشی را آغاز کرد و ده سال نزد عبدالله ناظمی (بنیانگذار مؤسسه، طراح و استاد رقص) باله آموخت. ساز اصلی خود را ویلن انتخاب کرد و نزد حشمت سنجری آموخت. هنر کلاسیک آواز را نزد بهجت قصری، سویرانوخوان مشهور ایرانی فرا گرفت.

ابراهیم‌پور دانش آموخته زبان ایتالیایی دانشگاه آزاد تهران است و علاوه بر زبان‌های فارسی و کردی به زبان ایتالیایی هم تسلط کامل دارد. او همچنین مدرس ویلن و سلفژ در مؤسسه‌های هنری تهران است.

فعالیت هنری

ابراهیم‌پور در سال ۱۳۷۰ با ارسال کامکار از دواج کرد و وارد گروه کامکارها شد. در سال ۱۳۷۱ نخستین کنسرت را با گروه کامکارها در شهر استکهلم اجرا کرد و از آن پس در کنسرت‌های مختلف از جمله در شهرهای مالمو، یوته‌بوری، کلن، فستیوال‌های فالون، WOMAD به همراهی اش با این گروه ادامه داد. همچنین از سال ۱۳۷۳ عضو ارکستر سمفونیک تهران و نوازنده ویلن این ارکستر است. همچنین کنسرت‌های مستقلی در شهرهای سلیمانیه، اربیل و دهوک در کردستان عراق اجرا کرده‌است.

از آثاری که ابراهیم‌پور در آنها خوانندگی کرده‌است می‌توان به آلبوم‌های «خاک» و «نُه وین»، موسیقی متن فیلم مسیح، و موسیقی‌های مجموعه‌های تلویزیونی ساخته‌ی احمد پژمان، مجید انتظامی و بابک بیات اشاره کرد.

آثار

- خوانندگی در آلبوم «نوراد» به آهنگسازی گروه کامکارها.
- خوانندگی و نوازندگی در آلبوم «کامکارها و خیام» به آهنگسازی گروه کامکارها.
- خوانندگی در آلبوم «آفتاب می‌شود» به آهنگسازی ارسلان کامکار.
- خوانندگی در آلبوم «مستان سلامت می‌کنند» به آهنگسازی تهمورس پورناظری.
- خوانندگی در آلبوم «بیابان بی‌کران» به آهنگسازی گروه کامکارها.
- خوانندگی در «آلبوم دور تا نزدیک» به آهنگسازی هوشنگ کامکار.
- خوانندگی در «آلبوم نیشتمان» به آهنگسازی سهراب پورناظری.
- خوانندگی در آلبوم «ماه» به آهنگسازی «مصباح قمصری».

مژگان شجریان



اطلاعات پس‌زمینه

زاده	۲۷ اردیبهشت ۱۳۴۸ تهران، ایران
ساز	سه‌تار
ناشر	دل‌آواز
همکاری‌های مرتبط	گروه شهنواز

دانشگاه هنر، دانشگاه آزاد اسلامی	دانشگاه
محمدرضا لطفی، حسین علیزاده، پرویز مشکاتیان، مهربانو توفیق	استاد ها

مژگان شجریان (زاده ۲۷ اردیبهشت ۱۳۴۸) طراح گرافیک، نقاش، خواننده و نوازنده سه‌تار است. او فرزند محمدرضا شجریان است.

زندگی و تحصیلات

مژگان شجریان ۲۷ اردیبهشت ۱۳۴۸ در تهران متولد شده است. او فارغ‌التحصیل کارشناسی نقاشی و کارشناسی ارشد ارتباط تصویری (گرافیک) از دانشگاه آزاد اسلامی است و علاوه بر آن نیز کارشناسی موسیقی از دانشگاه هنر دارد.

مژگان شجریان با محمدعلی رفیعی که مدیر برگزاری کنسرت‌های محمدرضا شجریان و بعدتر همایون شجریان بوده ازدواج کرده و صاحب یک دختر به نام مهر رفیعی و دو پسر دوقلو به نام‌های سام و سپهر می‌باشد.

سابقه آموزشی

- فراگیری سه‌تار نزد محمدرضا لطفی و حسین علیزاده در مرحله مقدماتی در سال ۱۳۵۸
- فراگیری ردیف نوازی نزد پرویز مشکاتیان در سال ۱۳۶۰
- فراگیری ردیف نوازی نزد مهربانو توفیق در دانشگاه هنر سال ۱۳۶۸

گروه شهناز

محمدرضا شجریان در سال ۱۳۸۷ یک گروه موسیقی بنیان نهاد و آن را به افتخار جلیل شهناز (نوازنده نامی تار)، گروه شهناز نامید. محمدرضا شجریان به همراه دخترش مژگان شجریان با این گروه فعالیت داشتند.

آلبوم ارغوان

اولین آلبوم مستقل وی در فروردین ۱۳۹۸ با نام ارغوان منتشر شد. آهنگسازی این آلبوم را سورنا صفاتی بر عهده داشته است. در این آلبوم از اشعار شاعرانی چون هوشنگ ابتهاج، محمدرضا شفیعی کدکنی و حافظ استفاده شده است. مژگان شجریان درباره نام این آلبوم می‌گوید: «نام ارغوان حکایت‌گر آلام مردمان سرزمین ماست و نیز آنان که تن به کوچی اجباری داده ولی هرگز از سرزمین مادری ریشه برنکنده‌اند.» با توجه به محدودیت‌های انتشار آلبوم‌های موسیقی با صدای زنان در ایران مژگان شجریان با انتشار نوشته‌ای در شبکه‌های اجتماعی اعلام کرد: «به دلیل قوانین ناعادلانه حاکم بر سرزمینمان امکان انتشار آلبوم ارغوان وجود ندارد و به همین دلیل ارغوان به‌طور رایگان در اینترنت در دسترس علاقه‌مندان در ایران قرار می‌گیرد.»

سابقه فعالیت هنری

- اجرای کنسرت همراه با سیما بینا در سال ۱۳۷۰ در تهران
- طراحی گرافیک آثار محمدرضا شجریان و همایون شجریان از سال ۱۳۷۲

- تکخوانی و هم‌آوایی با استاد شجریان در کنسرت لندن همراه با گروه شهناز (فروردین ۱۳۸۹) (پخش شده به‌صورت رسمی توسط بی‌بی‌سی)
- سه‌تار نوازی در کنسرت محمدرضا شجریان و گروه شهناز در دبئی، کنسرت گروه شهناز در تهران، رندان مست و مرغ خوش‌خوان
- برگزاری کنسرت در سوئد در جشنواره «صدای زن خاورمیانه» در آذر ۱۳۹۸

ملانی آوانسیان



زاده ۲۷ خرداد ۱۳۶۴ / ۱۷ ژوئن ۱۹۸۵
تهران، ایران

ساز ویولنسل

سال‌های فعالیت ۲۰۰۹ / ۱۳۸۸ تاکنون

وبگاه <https://instagram.com/melanie.avanesian>

ملانی آوانسیان (زاده ۲۷ خرداد ۱۳۶۴ در تهران)، خواننده و نوازنده ایرانی ارمنی‌تبار است.

زندگی

او در خانواده موزیسین به دنیا آمده‌است یک برادر به نام استیو و یک خواهر به نام رایسا دارد که آن‌ها نیز در حرفه موسیقی فعالیت می‌کنند. الگوی موسیقی او پدرش بود. ملانی با تشویق پدر و مادرش در سال ۱۳۷۵ تحصیل موسیقی را در «هنرستان موسیقی تهران» شروع کرد و ساز (ویولنسل) را به عنوان ساز تخصصی خود انتخاب کرد، و در سال ۱۳۸۱ فارغ‌التحصیل شد و مدرک دیپلم خود را دریافت کرد و برای ادامه تحصیل به کشور ارمنستان رفت و در «کنسرواتوار کومیتاس ایروان» مشغول به تحصیل شد و مهارت خود را در نوازندگی ساز ویولنسل قوی‌تر کرد، در سال ۲۰۰۷

میلادی کارشناسی ارشد خود در رشته نوازندگی و معلمی ساز ویلنسل دریافت کرد و به ایران برگشت و به مدت تقریباً ۲ سال در «ارکستر سمفونیک تهران» نوازندگی ویلنسل انجام داد.

فعالیت

در سال ۲۰۰۹ میلادی اولین آهنگ، به زبان فارسی به نام «عاشق چشمام» با صدای ملانی پخش شد. آهنگ‌های زیادی با صدای ملانی پخش شده‌است، که معروفترین آنها، آهنگ «بارون بارید» و «چرا من» هستند.

ملانی با گروه‌های زیادی نوازندگی کرده‌است که به گروه «کارمندان» می‌توان اشاره کرد در فستیوال‌های زیادی در کشورهای مختلف شرکت کرده و با نوازندگان بسیاری هم‌نوازی کرده‌است. ملانی همچنین با حمید صفت سابقه همکاری دارد و در موزیک ویدئو هیئات حضور داشت.

دوبلاژ

ملانی سابقه کار دوبله نیز دارد و در دوبله پویانمایی زوتوپیا دوبله چند آهنگ آن را برعهده داشته‌است.

تک آهنگ‌ها

- بگو بیاد
- آسمونی
- بارون
- چرا من!؟
- عاشق‌تر میشم
- هیپنوتیزم
- من نمیخشم
- برقصیم
- مگه نمی‌گفتی!؟
- حال من خوبه
- زوتوپیا
- تو همونی
- تا دنیا دنیااست
- برگرد (با همراهی رایسا)
- دروغه
- عاشق چشمام
- بارون بارید
- آسمون آفتابیه (همراه علیشمس)
- روانی (همراه مجید ادیب)
- دیوونه همراه آرمین ۲ ای اف ام)
- چقد خوبه (همراه آرمین ۲ ای اف ام)
- آره همین جور (همراه ساسی)
- خوشحالم (همراه کامیار)
- خیالاتی (همراه ساسی)

- فازت چیه (همراه علیشمس)
- منو ندید (همراه ساسی)
- برگرد (همراه رایسا)
- من نمیخشمت
- خسارت
- خوشحالم (همراه کامیار)
- بیمار زمینی (همراه ساسی)
- من هنوزم مثل قبلم
- بگو (همراه علی پشتتاز و سمیر)
- محاله دیگه برگردم
- آرام بخش

ملیحه سعیدی



زاده ۱۳۲۷ تهران

سازها قانون، ویولنتحصیلات فارغ التحصیل دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه
تهران

استاد مهدی مفتاح

ملیحه سعیدی (زاده ۱۷ تیر ۱۳۲۷ تهران) موسیقیدان، آهنگساز و نوازنده ساز قانون اهل ایران است.

زندگی نامه

ملیحه سعیدی در ۱۷ تیر ماه سال ۱۳۲۷ در تهران متولد شد. موسیقی را از کودکی در خانواده‌ای اهل هنر آغاز کرد. در زمان ریاست حسین دهلوی از هنرستان موسیقی ملی در رشته ویولن کلاسیک و ایرانی فارغ التحصیل شد. نواختن سازهای ویولن آلتو، قیچک، تمبک، پیانو و قانون را ضمن

تحصیل در هنرستان و دانشگاه فرا گرفت. وی قانون را به عنوان ساز تخصصی خود انتخاب کرد و نزد مهدی مفتاح در هنرستان آموخت.

او در سال ۱۳۴۷ تدریس قانون را در «هنرستان موسیقی ملی» آغاز کرد و در سال ۱۳۵۵ از دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران در رشته موسیقی با ساز تخصصی قانون فارغ تحصیل شد. ملیحه سعیدی در «مرکز حفظ و اشاعه ی موسیقی ملی» از محضر اساتیدی چون: داریوش صفوت، نور علی برومند، محمود حکیمی، یوسف فروتن و سعید هرمزی بهره جست. وی ظرایف موسیقی ایرانی را از اساتید مجرب فرا گرفت و آنها را با ساز قانون انطباق داد.

فعالیت‌ها

ملیحه سعیدی ساز قانون را با لحنی کاملاً ایرانی و هم رنگ با سایر سازهای موسیقی دستگامی از این ساز می نوازد. شیوه نواختن این ساز به‌طور سنتی با دو انگشت اشاره صورت می‌گیرد. در سال‌های اخیر علاوه بر تکنیک دو انگشتی، با ابتکار ملیحه سعیدی شیوه ده انگشتی نوازندگی قانون نیز رونق گرفته‌است. در این روش امکانات زیادی از ساز در اختیار نوازنده و آهنگساز قرار می‌دهد. وی پس از ۲۲ سال تحقیق در سال ۱۳۶۹ کتاب «آموزش ساز قانون» را با نظر و همکاری حسین دهلوی به چاپ رسانید. این کتاب در سال ۱۳۹۰ در ۳ جلد به چاپ رسید و در سال ۱۳۹۷ با تغییراتی به همراه سی دی منتشر شد.

همچنین کتاب «ردیف میرزا عبدالله برای ساز قانون» به همراه شش سی دی با تنظیم و نت نویسی ملیحه سعیدی در سال ۱۳۹۵ منتشر شد.

وی از سال ۱۳۷۴ در دانشکده موسیقی به تدریس مشغول بوده‌است و ساخت قطعه‌های ارکستری و تصنیف و ساخت قطعات موسیقی برای ساز قانون را نیز به سرانجام رسانده است.

ملیحه سعیدی دارای مدرک درجه یک هنری از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است و در سال ۱۳۹۷ از او بزرگداشتی به همت «گروه موسیقی نوا» با همکاری خانه موسیقی ایران و خانه هنرمندان ایران برگزار شد و از وی تقدیر به عمل آمد.

آثار

- آلبوم «استادان قانون» ناشر: مؤسسه فرهنگی-هنری ماهور.
- آلبوم «شب‌نم صحرایی» ناشر: آوای سپهر.
- آلبوم «نوای دل» ناشر: آوای سپهر.
- نوازندگی در آلبوم موسیقی «تنها ماندم» به آهنگسازی «همایون خرم»، تنظیم «کامبیز روشن روان» و خوانندگی «محمد اصفهانی»
- آلبوم «نوای غربت» مشترک با سید نورالدین رضوی سروستانی، ناشر: مرکز موسیقی حوزه هنری
- آلبوم «آهوی وحشی» ناشر: آوای سپهر.
- آلبوم «هزار آوا» ناشر: آوای سپهر.
- آلبوم «نوای قریه» ناشر: آوای سپهر.
- آلبوم «آوای روستا» ناشر: آوای سپهر.



مهربانو توفیق

زاده اسفند ۱۳۲۵، تهران

ساز سه‌تار

مهربانو توفیق (زاده اسفند ۱۳۲۵، در تهران) موسیقی‌دان و نوازنده پیش‌کسوت سه‌تار اهل ایران است.

زندگی‌نامه

مهربانو توفیق در اسفند ۱۳۲۵ در تهران به دنیا آمده‌است. او در سال ۱۳۴۴ دیپلم خود را از هنرستان عالی موسیقی در تهران دریافت کرد. در سال ۱۳۴۸ مدرک کارشناسی خود را در رشته موسیقی از دانشکده هنرهای زیبای تهران دریافت کرد. توفیق در سال ۱۳۵۶ با دریافت بورس از طرف دولت فرانسه برای ادامه تحصیل در رشته موسیقی به آن کشور عزیمت کرد و در سال ۱۳۵۸ با درجه ممتاز از دانشگاه سوربن در مقطع کارشناسی ارشد فارغ‌التحصیل شد. او در سال ۱۳۷۰ عضو هیئت علمی رشته موسیقی دانشگاه هنر تهران شد. وی اولین زن عضو هیئت علمی رشته موسیقی ایرانی است.

یادگیری و آموزش سه‌تار

مهربانو از آغاز به ساز سه‌تار علاقه‌مند بود و در کلاس‌هایی که از طرف انستیتو موزیکولوژی دانشگاه سوربن برای تدریس موسیقی شرق دایر می‌شد به آموزش ساز سه‌تار می‌پرداخت. وی نواختن سه‌تار را در محضر نصرت‌الله ابراهیمی و نصرالله زرین‌پنجه در هنرستان موسیقی ملی شروع کرد. سپس از محضر نورعلی برومند و همچنین احمد عبادی و سعید هرمزی بهره گرفت. توفیق در سال ۱۳۴۵ به استخدام وزارت فرهنگ درآمد و از سال ۱۳۵۰ به تدریس دروس علمی موسیقی در هنرستان عالی موسیقی پرداخت. در سال‌های اخیر، مهربانو توفیق مدرس تخصصی ساز سه‌تار در دانشکده موسیقی دانشگاه هنر تهران است و شاگردان بسیاری را در این عرصه تربیت کرد. از شاگردان برجسته وی در سه‌تار نوازی کارن صباغی را می‌توان نام برد.

افتخارات

مهربانو توفیق نوازندگی سه‌تار در مجموعه ردیف موسیقی ایرانی را در سال ۱۳۵۴ انجام داد. او مسئولیت‌های فراوانی در دانشکده موسیقی دانشگاه هنر داشت و بارها موفقیت‌های بسیاری در عرصه موسیقی کسب و لوح تقدیر، سپاس و نشان درجه یک هنری در رشته نوازندگی دریافت کرده‌است.

مهسا وحدت



زاده ۱۳۵۲ تهران، ایران

سال‌های فعالیت از سال ۱۳۷۴

ناشر شرکت کیرکلیگ کولتورورکستد

وبگاه <http://www.mahsavahdat.com>

سازهای اصلی سه تار

مهسا وحدت (زاده ۱۳۵۲)، خواننده و نوازنده موسیقی سنتی ایرانی است. او خواهر مرجان وحدت است و تاکنون کارهای مشترکی با او انجام داده‌است.

زندگی

مهسا وحدت در سال ۱۳۵۲ در تهران به دنیا آمد. از چهارده سالگی مقدمات موسیقی را با نواختن پیانو (کلاسیک) آغاز کرد. فراگیری آواز ایرانی (سنتی) را نزد پیری ملکی آغاز کرد و نزد مهدی فلاح و مدت کوتاهی هم در کنار محسن کرامتی شیوه دیگر آواز سنتی را فرا گرفت. آموزش ساز سه تار را نزد رامین کاکاوند آغاز نمود و نزد مسعود شعاری ادامه داد. در سال ۱۳۷۸ از دانشکده موسیقی دانشگاه هنر با مدرک لیسانس موسیقی دانش آموخته شد.

استادان آواز

در دانشگاه هنر از راهنمایی استادانی چون شریف لطفی، هوشنگ ظریف، بهنام وادانی، عبدالرضا سجادی، احمد پژمان، هوشنگ کامکار، محمدرضا درویشی، ساسان فاطمی بهره‌مند شد.

- حوا نم - منتشر شده در ۱۱ شهریور ۱۳۸۷
 - لالایی‌های محور شرارت - (عنوان این سی‌دی به جمله جورج دبلیو بوش، رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا، اشاره دارد)
 - ریشه در خاک - تنها آلبومی که توانست در ایران مجوز انتشار بگیرد
 - آوازهایی از باغ ایرانی، منتشر شده در ۱ خرداد ۱۳۸۶.
 - بوی خوش وصل - منتشر شده در آبان ۱۳۸۸؛ هم‌آوایی با مایتی سم مک کلین، جشنواره جهانی موسیقی اسلو، نوامبر ۲۰۰۹.
 - آینه شراب (مهسا وحدت و گروه کُر اسکروک)؛ خرداد و تیرماه ۱۳۸۹. این آلبوم در دو کلیسای یاکوب و ولدا در نروژ (شهر اسلو) ضبط شده‌است.
 - رنگ بی‌تابی با همراهی مایتی سم مک کلین.
 - دارم امیدی به همراهی خواهرش مرجان وحدت.
- آلبوم به طربناکی خاک آفتاب می‌شود

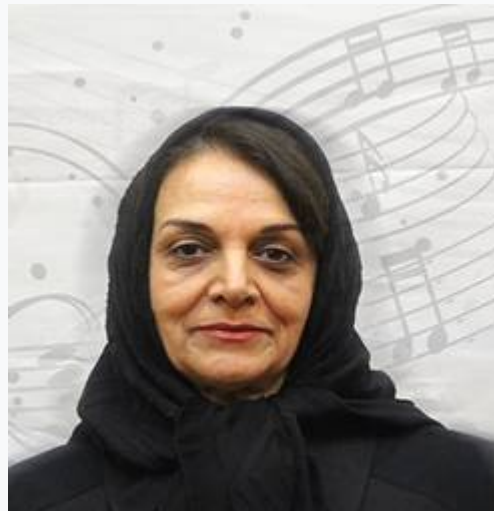
خواننده فیلم

- عیسی می‌آید (۱۳۸۰)
- آتش سبز (۱۳۸۶)

کنسرت‌ها

- ۳ تیر ۱۳۸۶ - کنسرت کلیسای قدیمی وارالو. کلیسای قدیمی وارالو، ایتالیا
- ۲۷ مرداد ۱۳۷۶ - کنسرت آوازهایی از باغ ایرانی. اسلو، نروژ، کنسرتی به مناسبت چاپ آلبوم «آوازهایی از باغ ایرانی» با همکاری گروه ایرانی و نروژی.

مینا افتاده



۱۶ تیر ۱۳۳۳ تهران

زاده

ساز	<u>سنتور</u>
تحصیلات	<u>لیسانس نوازندگی سنتور</u> <u>گواهی نامه درجه یک هنری وزارت فرهنگ</u> <u>و ارشاد</u>
دانشگاه	<u>هنرستان عالی موسیقی تهران</u>
استادها	<u>ارفع اطرائی</u> <u>محمد حیدری</u> <u>حسین دهلوی</u> <u>محمود کریمی</u> <u>فرهاد فخرالدینی</u> <u>مصطفی کمال پورتراب</u> <u>فرامرز پایور</u>

مینا افتاده (زاده ۱۶ تیر ۱۳۳۳ در تهران) نوازنده سنتور و موسیقی‌دان اهل ایران است.

زندگی هنری

مینا افتاده ۱۶ تیر ۱۳۳۳ در تهران متولد شد. برادر بزرگتر او، «محسن افتاده» نوازنده فاگوت در ارکستر سمفونیک تهران بود و خواهرش «مینو افتاده» کمانچه می‌نواخت. سال ۱۳۴۳ در سن ۱۰ سالگی به هنرستان موسیقی ملی راه یافت و در سال ۱۳۵۵ مدرک لیسانس نوازندگی سنتور را دریافت کرد. از استادان او می‌توان به ارفع اطرائی، محمد حیدری، حسین دهلوی، محمود کریمی، فرهاد فخرالدینی و مصطفی کمال پورتراب، شاهین فرهت، پرویز منصوری و احمد پژمان اشاره نمود. وی پس از پایان تحصیلات به مدت ۱۰ سال نزد فرامرز پایور به فراگیری فنون و شیوه اجرای ردیف موسیقی ایران پرداخت. در سال ۱۳۸۳ از سوی وزارت فرهنگ و ارشاد، گواهی نامه درجه یک هنری به او اعطاء شد.

او به سبب پژوهش در زمینه موسیقی، در سومین جشنواره آوای مهر لوح تقدیر دریافت کرد. در تاریخ ۴ آذر ۱۳۹۶ در آیین سومین «سال نوای موسیقی ایران» از «مینا افتاده» تقدیر به عمل آمد و تندیس «سال نوای» و لوح تقدیر به وی اهداء شد. در ۶ بهمن ۱۳۹۷ در جشن نوزدهمین سالگرد تأسیس خانه موسیقی ایران از «مینا افتاده» با اهداء لوح و تندیس خانه موسیقی، تقدیر شد.

فعالیت‌های هنری

از جمله فعالیت‌های هنری مینا افتاده به موارد زیر می‌توان اشاره نمود:

- همکاری با ارکستر صبا به رهبری حسین دهلوی
- همکاری با ارکستر بانوان به سرپرستی افلیا پرتو
- همکاری با گروه سازهای ملی به سرپرستی فرامرز پایور
- همکاری با گروه تمبک نوازان به سرپرستی محمد اسماعیلی
- همکاری با گروه شیدا به سرپرستی محمدرضا لطفی (۱۳۶۳)
- اجرای کنسرت در داخل و خارج از ایران
- سرپرستی گروه سازهای ملی وابسته به انجمن ژونس موزیکال ایران

- تدریس در هنرستان موسیقی (از ۱۳۵۱)
- تدریس در مرکز کارگاه موسیقی کودکان و نوجوانان وابسته به سازمان رادیو و تلویزیون
- عضو هیئت داوران جشنواره موسیقی فجر (۱۳۷۴ تا ۱۳۷۷ و ۱۳۸۷)
- عضو هیئت داوران جشنواره ملی موسیقی جوان
- عضو شورای فنی هنرستان موسیقی دختران از آغاز فعالیت شورا (۱۳۷۲ تا ۱۳۸۹)
- عضو شورای تدوین کتاب درسی (مبانی نظری و ساختار موسیقی ایران)

آثار هنری

از جمله آثاری هنری **مینا افتاده** به موارد زیر می‌توان اشاره نمود:

- ضبط **آلبوم موسیقی «مکتب اصفهان»** به سرپرستی محمدرضا لطفی (۱۳۶۳)
- کتاب:**
- «دوازده پیش‌درآمد و رنگ (از کتاب دستور تار و سه تار دوره متوسطه حسین علیزاده)»
همراه لوح فشرده - مؤسسه فرهنگی هنری ماهور (۱۳۸۳)
 - «چهل قطعه برای سنتور» همراه لوح فشرده - مؤسسه فرهنگی هنری ماهور (۱۳۸۳)
 - «بیست قطعه برای سنتور (از آثار حسین علیزاده)» همراه لوح فشرده - مؤسسه فرهنگی هنری ماهور (۱۳۸۴)
 - «مبانی نظری و ساختار موسیقی ایران» (تألیف هیئت تخصصی مبانی نظری موسیقی ایران) - سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (۱۳۸۶)
 - «مبانی نظری موسیقی ایرانی» (به همراه: حسین علیزاده، هومان اسعدی، علی بیانی، مصطفی کمال پورتراب، ساسان فاطمی) - مؤسسه فرهنگی هنری ماهور (۱۳۸۸)
 - «۳۳ قطعه برای سنتور از آثار استادان موسیقی ایران» همراه لوح فشرده - مؤسسه فرهنگی هنری ماهور (۱۳۷۸)
 - «ردیف استاد ابولحسن صبا برای سنتور چپ کوک» - مؤسسه فرهنگی هنری ماهور (۱۳۹۰)
 - «پیوند (قطعاتی از استاد فرامرز پایور)» - مؤسسه فرهنگی هنری ماهور (۱۳۹۰)
 - «ردیف دوره متوسطه برای سنتور» همراه لوح فشرده - مؤسسه فرهنگی هنری ماهور (۱۳۹۲)
 - «گفتگو (دو نوازی‌های استاد فرامرز پایور)» همراه لوح فشرده - مؤسسه فرهنگی هنری ماهور (۱۳۹۴)
 - «هفت پیکر و رنگ‌های سنتی استاد پایور» - مؤسسه فرهنگی هنری ماهور (۱۳۹۵)
 - «تصنیف‌های استاد فرامرز پایور» - مؤسسه فرهنگی هنری ماهور (۱۳۹۶)



زاده	۲۲ آذر ۱۳۳۹
سازها	پیانو، سه‌تار و سازهای کوبه‌ای
سال‌های فعالیت	۱۳۸۴-اکنون
تحصیلات	کارشناس ارشد رشته آهنگسازی
دانشگاه	دانشگاه تهران کارشناسی دانشگاه هنر کارشناسی ارشد
استادها	حسین دهلوی پرویز منصوری شریف لطفی منوچهر صهبایی

نزهت امیری (زاده ۲۲ آذر ۱۳۳۹ در اهواز)، رهبر ارکستر و از موسیقی‌دانان معاصر ایران است.

از او به عنوان تنها رهبر ارکستر زن ایرانی ساکن ایران، و یکی از اولین بانوان ایرانی در زمینه رهبری ارکستر نام برده می‌شود. امیری همچنین نخستین زنی است، که به عنوان رهبر میهمان ارکستر ملی ایران، این ارکستر را در ۸ شهریور ۱۳۹۷ در تالار وحدت رهبری کرد.

زندگی‌نامه

نزهت امیری در ۲۲ آذر ۱۳۳۹ در اهواز متولد شد. در کودکی با ساز «ملودیکا» متعلق به برادر بزرگترش با موسیقی آشنا شد و پس از مدتی قطعات موسیقی را از طریق شنیدن با این ساز می‌نواخت. در ۱۳ سالگی به تهران آمد. اولین معلم موسیقی او، معلم پیانو «میری» بود. پس از آن به کلاس‌های «پرویز منصوری» راه یافت و سال‌ها از آموزش‌های او در زمینه تئوری موسیقی، هارمونی، کنترپوان و ارکستراسیون بهره برد. «محمدرضا درویشی» در زمینه فرم و آنالیز و «هوشنگ کامکار» در زمینه سلفژ از دیگر استادان او بودند.

پس از پایان تحصیلات متوسطه، با شروع انقلاب فرهنگی و تعطیلی دانشگاه‌ها و مراکز موسیقی، از ادامه تحصیل بازماند. او از سال ۱۳۵۸ یادگیری ساز «سه‌تار» را نزد «فرخ مظهری» آغاز و پس از آن نزد «حسین علیزاده» پی گرفت و در سال ۱۳۶۸ به دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران راه یافت و دوره کارشناسی موسیقی را نزد استادان موسیقی از جمله «فرهاد فخرالدینی» به پایان رساند. امیری با پیشنهاد «شریف لطفی» تحصیلات عالی موسیقی خود را پی گرفت و در سال ۱۳۸۲ در مقطع کارشناسی ارشد رشته آهنگسازی از دانشگاه هنر فارغ‌التحصیل شد. سپس زیر نظر حسین دهلوی به تدریس درس «تلفیق شعر و موسیقی» وی و همچنین «مبانی و اصول اجرا» و «آواز جمعی» در همان‌جا مشغول شد.

او سال‌ها به عنوان معلم موسیقی، در زمینه آموزش موسیقی کودکان نیز فعالیت نموده و در این زمینه، متد آموزش موسیقی به کودکان را گردآوری کرده‌است.

روزنامه‌گاردین در سال ۱۳۹۶ در گزارشی از نزهت امیری با عنوان «زن تابوشکن موسیقی ایران» یاد کرد.

اجراها

- شهریور ۱۳۸۴، رهبر ارکستر مضرابی (به پایه‌گذاری حسین دهلوی) در فرهنگسرای بهمن و تالار وحدت
- ۲۶ دی ۱۳۹۶، رهبر ارکستر «نغمه باران» در جشنواره سی و سوم موسیقی فجر در تالار وحدت
- ۸ شهریور ۱۳۹۷، رهبر میهمان ارکستر ملی ایران در تالار وحدت، به ابتکار «بنیاد رودکی» و فریدون شهبازیان، مدیر هنری ارکستر

نگار بوبان

زاده ۱۳۵۲ تهرانساز عوداعضای کنونی هم‌آوایان

تحصیلات دکتری پژوهش هنر

دانشگاه دانشگاه تهران دانشگاه الزهرااستادها منصور نریمان حسین بهروزی‌نیاآلبوم پرآوازه پیای به‌هنگام

نگار بوبان (زاده ۱۳۵۲) نوازنده عود و آهنگساز اهل ایران است. او استادیار گروه موسیقی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شیراز است.

زندگی‌نامه

نگار بوبان، سال ۱۳۵۲ در خانواده‌ای اهل کردستان، در تهران متولد شد. در هشت سالگی در کلاس پرویز مشکاتیان به نواختن سنتور پرداخت، اما کار جدی او در موسیقی، با ساز بریبط (عود) آغاز شد. حسین بهروزی‌نیا و منصور نریمان از جمله استادان او در نوازندگی عود بودند. از سال ۱۳۷۲ با گروه موسیقی سمعی، فعالیت هنری خود را به‌طور رسمی آغاز کرد. او تا کنون با گروه‌های بهار، حلاج، تذرو، سمعی و ارمغان همکاری کرده و اجراهایی در کشورهای مختلف داشته‌است. در سال ۱۳۷۶ با ورود به گروه بهار به سرپرستی هنگامه اخوان دوران جدیدی از فعالیت هنری او آغاز شد. در بهار ۱۳۸۴ با همراهی بابک بوبان، انجمن دوستداران موسیقی را تشکیل داد. او همچنین با گروه عبدالقادر مراغه‌ای به سرپرستی محمدرضا درویشی همکاری داشت. او همچنین گروه هم‌آوایان به سرپرستی حسین علیزاده را در اجراهای متعدد سال ۱۳۹۲ و انتشار آلبوم باده تویی همراهی کرده و در ضبط موسیقی فیلم‌های در میان ابرها و ماندو به عنوان تکنواز عود، همکاری داشته‌است.

بوبان، به گفته خودش، ابتدا به گیتار کلاسیک علاقه‌مند شد، اما بعد از مدت‌ها گوش دادن به گیتار کلاسیک، به این نتیجه رسید که این ساز را دوست دارد، اما «حرف دل» او نیست. در همین زمان نواری با تکنوازی و خوانندگی عبدالوهاب شهیدی به دستش رسید و بوبان متوجه شد که این همان چیزی است که به دنبال آن می‌گشته‌است. او می‌گوید ترجیح می‌دهم حس‌های امروزی خودم را با ریشه‌های موسیقی سنتی ایران بیان کنم. او می‌گوید:

الهام بخشیدن در زندگی برایم چیز خیلی زیبایی است، چه الهام از دیگران بگیرم و چه بتوانم الهام‌بخش دیگران باشم. اگر موسیقی‌ای که می‌سازم و اجرا می‌کنم، بتواند چنین کاری با شنونده‌اش کند، یعنی یا حسی را به او منتقل کند یا فکری را برایش ایجاد کند، به تعمقی و ادارش کند، لحظه‌ای از او بخواد که بایستد و به خودش یا موضوعی بیرون از خودش بپردازد، آن موقع است که احساس می‌کنم کار خوبی کرده‌ام.

تحصیلات

نگار بوبان دوران دبیرستان را در دبیرستان فرزنانگان تهران گذراند و از دانشگاه تهران در رشته معماری فارغ‌التحصیل شد. او هم‌زمان با تحصیل در رشته معماری در دانشگاه، به مقوله آکوستیک علاقه‌مند شد و طراحی سالن‌های آکوستیک برای تمرین و اجرای موسیقی ایرانی و تدوین طرحی برای کنسرواتوار موسیقی تهران را به عنوان موضوع پایان‌نامه کارشناسی ارشد برگزید. بوبان در سال ۱۳۸۸ موفق به اخذ دکترا در رشته پژوهش هنر از دانشگاه الزهراء شد. رساله دکترا او با عنوان «بنیان مشترک ریتم در موسیقی دستگاهی ایران و زبان فارسی» (به راهنمایی امید طبیبزاده و مشاوره حسین علیزاده) راجع به رابطه وزن در زبان فارسی رسمی و موسیقی سنتی است.

نگار بوبان



فعالیت‌های هنری و پژوهشی

نگار بوبان در گردآوری کتاب‌های چهل و دو قطعه برای عود و ردیف موسیقی ایرانی برای بریط، همکاری داشته‌است. او همچنین در پژوهش‌های مختلف به «بررسی ادوار ایقاعی و تنوع کارکرد موسیقایی آنها در تصانیف منسوب به عبدالقادر مراغه‌ای»، رابطه زبان فارسی و ساختار موسیقی ایرانی، موسیقی اصوات در شعر حافظ، «بازنمایی بصری کمیت‌های هجا و دیرند و ابزار تحلیل تطبیقی ریتم» و «زمان‌بندی واکه‌ها در پاره‌گفتار» پرداخته‌است. نگار بوبان همچنین به عنوان یکی از داوران بخش ساز عود، با جشنواره ملی موسیقی جوان همکاری داشته‌است. او از جمله داوران مسابقات گروه‌نوازی دانشگاه تهران و عضو شورای هنری نخستین جشنواره «موسیقی کلاسیک ایرانی» نیز بوده‌است.

آلبوم‌های موسیقی

آلبوم‌های مستقل

- آلبوم پیاپی، نشر ماهریز، ۱۳۸۷
- به‌هنگام، ۱۳۸۹، نیویورک
- در گذر، ۱۳۹۱، نیویورک
- داستانی نه تازه، ۱۳۹۵-

نوازندگی در آلبوم‌های موسیقی

- چه بی‌تابانه می‌خواهمت، به آهنگسازی بابک بوبان
- شوق‌نامه، با سرپرستی محمدرضا درویشی و خوانندگی همایون شجریان
- رفته‌ای که باز آیی، با آهنگسازی سیروس جمالی و خوانندگی وحید تاج
- عشقیم گل، با آهنگسازی حسین علیزاده و خوانندگی محمد معتمدی
- باده تویی، با آهنگسازی حسین علیزاده و خوانندگی پوریا اخوای، راحله برزگری و صبا حسینی
- می‌رسد باران، با آهنگسازی سیامک جهانگیری و خوانندگی حسین علیشاپور
- خطوط بی‌مکان، گروه «گناه»
- از گلستان عجم، با سرپرستی بهزاد میرزایی
- سرخانه، با آهنگسازی سعید کردمافی، ساسان فاطمی، احسان ذبیحی فر، سعید نایب محمدی و پیام جهانمانی
- لطف تمیک، با آهنگسازی لیلا حکیم الهی
- از خیال کپاچین‌های البرز، با آهنگسازی سیامک جهانگیری و خوانندگی فرهود جلالی
- شیونگ، با آهنگسازی سیامک جهانگیری

کنسرت‌ها

از جمله اجراهای نگار بوبان، به کنسرت‌های زیر می‌توان اشاره نمود:

- کنسرت ارکستر «تذرو» به سرپرستی سرور زرهگر، تالار وحدت ۱۳۸۲-
- کنسرت نگار بوبان، یلژیک، ۲۰۱۸
- اجرا به همراه برندن ترزیک، دانشگاه کلمبیای نیویورک، ۲۰۱۱
- کنسرت عود، فرهنگسرای نیاوران، ۱۳۹۲
- تور کنسرت‌های گروه موسیقی «هم‌آویان» به سرپرستی حسین علیزاده و خوانندگی محمد معتمدی، پوریا اخوای، راحله برزگری و صبا حسینی، ۱۳۹۲

- کنسرت گروه «هم‌آویان» به سرپرستی حسین علیزاده، گوتنبرگ، ۱۳۹۲
- کنسرت گروه «هم‌آویان» به سرپرستی حسین علیزاده و خوانندگی محمد معتمدی، برج میلاد تهران، ۱۳۹۴
- اجرا در «شب ساز ایرانی»، تالار رودکی، ۱۳۹۴
- تور کنسرت‌های گروه موسیقی «هم‌آویان» به سرپرستی حسین علیزاده، ۱۳۹۵
- اجرا در مجموعه کنسرت‌های «چند شب»، تالار رودکی، ۱۳۹۶

تألیفات

- زیر و بم عود، انتشارات هم‌آواز ۱۳۹۶
- عبدالقادر مراغه‌ای، به همراه محمدرضا درویشی (نویسنده اصلی)، سیروس جمالی و بهزاد میرزایی



نگین زمردی

۲ اردیبهشت ۱۳۵۲ تهران، ایران

زاده

پیانو

ساز

۱۳۸۸ - اکنون

سال‌های فعالیت

ناشران
نشر موسیقی هرمس، نشر نوفه، مرکز
 موسیقی بتهوون، مؤسسه فرهنگی هنری
 راوی آذر کیمیا، مؤسسه فرهنگی-هنری
ماه‌ور، مؤسسه مطبوعاتی عطایی

همکاری‌های مرتبط هوشیار خیام، پیمان یزدانیان، رامین صدیقی

وبگاه www.gozaracademy.com

تحصیلات کارشناسی ارشد آهنگ‌سازی

جایزه‌ها مجموعه قطعات سمفونیک با عنوان «فنا» (بیست و هفتمین جشنواره بین‌المللی فجر، ۱۳۹۰)

نگین زمردی (زاده ۲ اردیبهشت ۱۳۵۲ در تهران) آهنگ‌ساز و نوازنده پیانو اهل ایران است.

زندگی و حرفه

نگین زمردی در سال ۱۳۵۲ در تهران به دنیا آمد. نوازندگی پیانو را از کودکی نزد استادان برجسته‌ای چون وسکی او هانسیان و فریمه قوام‌صدری آموخت. پس از اتمام تحصیلاتش در رشته مهندسی نساجی از دانشگاه صنعتی امیرکبیر در سال ۱۳۷۵، به دلیل عشقی که به موسیقی داشت، به سراغ بحث‌های جدی‌تری در زمینه آهنگ‌سازی رفت و در نهایت وارد دانشگاه هنر تهران شد و کارشناسی ارشد خود را در رشته آهنگ‌سازی در سال ۱۳۸۸ با رتبه برتر دریافت کرد. او همچنین دوره‌های تخصصی تئوری و هارمونی را در کنسرواتوار موسیقی تورنتو کانادا (RCM) گذراند و با دیدگاه‌های تازه در این زمینه آشنا شد. از آن پس، آثار مختلفی از او منتشر و در جشنواره‌ها و سالن‌های کنسرت، از جمله تالار رودکی، اجرا شد؛ از جمله آن‌ها قطعه «سایه» برای فلوت و پیانو در جشنواره آهنگ‌سازان معاصر تهران، کوارتت زهی «ناگهان» توسط گروه چهارنوازی ایرانی «چهارگان»، کوارتت زهی «کوچ» توسط «کوارتت رسپینا»، و قطعه «رقص پروانه» در شب پیانوی آهنگ‌سازان معاصر اجرا شد.

نگین زمردی علاوه بر آهنگ‌سازی، دستی در بداهه‌نوازی دارد و در جشنواره «شب‌های موسیقی فرشته» او یک شب از اجراها را به خود اختصاص داد.

از مهرماه ۱۳۸۹ «نشست‌های تخصصی گذر موسیقی» با هدف ارتباط پیوسته نوازندگان، آهنگ‌سازان، استادان، پژوهشگران موسیقی و همچنین ارتقای سطح دانش هنرجویان در ایران به همت او راه‌اندازی شد. او حمایت مادی و معنوی این جلسات را که به صورت ماهانه در شهر کتابهای تهران و در محل آکادمی گذر موسیقی برگزار می‌شود، به عهده گرفته است. زمردی چند سالی در دانشگاه هنر و دانشگاه آزاد اسلامی مشغول تدریس مباحث موسیقی در سطوح کارشناسی و کارشناسی ارشد بود و پس از تأسیس آکادمی موسیقی گذر در سال ۱۳۹۴ مدیریت آن را بر عهده گرفت.

آثار

- کتاب موسیقی اثر من، نوشته کوین آلسون و وین-آن رُسی، ترجمه نگین زمردی، تهران: ماهور، ۱۳۹۵، دو مجلد، رحلی، شابک: ۹۷۹-۹۶-۸۰۲۶۰۴-۴
- قطعه «اتم» در سال ۱۳۹۱ در آلبوم گوش پنج از مجموعه آثار آهنگ‌سازان معاصر، توسط انتشارات ماهریز منتشر شد.

- در سال ۱۳۹۲ کوارتت‌های زهی او در آلبوم رؤیای گریز منتشر و در سالن ارسباران تهران توسط کوارتت زهی ارون اجرا شد.
- آثار پیانویی او در سال ۱۳۹۳ در آلبوم مسیر نگاهت منتشر شد و پارتیتور این قطعات در کتابی به همین نام توسط انتشارات عطایی انتشار یافت.
- از دیگر فعالیت‌های او ترجمه مجموعه کتاب‌های آموزش آهنگسازی به نام موسیقی اثر من است که توسط مؤسسه فرهنگی-هنری ماهور در سال ۱۳۹۴ به چاپ رسید.
- آلبوم کاشفان فروتن فردا، از مجموعه آثار آهنگسازان معاصر ایرانی، که به همت نشر بنهون در سال ۱۳۹۵ انتشار یافت. کوئینتت زهی او با نام «بدرود» که در ارمنستان اجرا و ضبط شده، جزو این آلبوم منتشر شده است.
- بداهه‌نوازی‌های پیانوی او همراه با سازهای سنتی، در سال ۱۳۹۶ در آلبوم سراب و حباب توسط نشر نوفه منتشر شد.
- آلبوم درون کوچ، که توسط نشر هرمس در سال ۱۳۹۷ منتشر شد، مجموعه آثار سمفونیک اوست که در استودیو رادیو و تلویزیون پراگ به رهبری باربد بیات توسط ارکستر متروپولیتن پراگ اجرا و ضبط شد.
- سرپرستی و نوازندگی «آنسامبل گذر موسیقی» در چهارمین کنفرانس همکاری بین‌المللی محک، اسفند ۱۳۹۵.
- قطعه «سراب آخر» (برای پیانو، سه‌تار و موسیقی الکترونیک) از آثار او به‌عنوان اولین ترک آلبوم These are Our Friends Too انتخاب و در شهریور ۱۳۹۸ در لندن منتشر شد.

جوایز و افتخارات

- مجموعه قطعات سمفونیک نگین زمردی به نام «فنا» در سال ۱۳۹۰ برنده جایزه بیست و هفتمین جشنواره بین‌المللی فجر شد.

هانا کامکار

۲۸ مهر ۱۳۵۹ تهران، ایران

زاده

دف

ساز

سال‌های فعالیت	۱۳۷۱ تا کنون
وبگاه	وب سایت کامکارها

هانای کامکار اهل کشور جمهوری اسلامی ایران (متولد ۲۸ مهر ۱۳۵۹ در تهران) بازیگر، عکاس، فعال محیط‌زیست، کارگردان، خواننده و نوازنده دف گروه کامکارها است.

زندگی‌نامه و فعالیت هنری

هانای کامکار، فرزند بیژن کامکار، خواننده اصلی گروه کامکارها و نوازنده دف، ریاب، تار، تمبک و دهل و شیدا صادقی در سال ۱۳۵۹ به دنیا آمد. تولد در خانواده‌ای هنری باعث شد که او از کودکی با موسیقی از نزدیک آشنا شده و به نوازندگی علاقه پیدا کند و از سال ۱۳۸۲ با پیوستن به گروه کامکارها، به‌طور جدی به این حرفه پردازد.

از سال ۱۳۷۱ نوازندگی دایره را آغاز نمود و در چندین کنسرت به سرپرستی سودابه سالم، در "فرهنگسرای بهمن" شرکت نمود. سال‌ها بعد شیوه نوازندگی دف را نزد پدرش، بیژن کامکار فرا گرفت. در اوان کودکی، به مدت ۲ سال ویلن کلاسیک را نزد ارسلان کامکار، فرا گرفت و در دوران نوجوانی به مدت ۲ سال به فراگیری کمانچه نزد اردشیر کامکار پرداخت. علاوه بر آن، در سال‌های ۱۳۷۸ تا ۱۳۸۲ ردیف آوازی را نزد نجمه تجدد فرا گرفت.

هانای، فارغ‌التحصیل کارگردانی سینما از دانشگاه سوره بوده و ساخت سه فیلم کوتاه "آرام"، "سگی که عاشق شد" و پایان‌نامه اش، "شهرزاد" را در کارنامه خود دارد. همچنین مستند بلند چاووش، از درآمد تا فرود را به همکاری آرش رئیس‌پیان (پس از چهارده سال که از زمان تصویربرداری اش می‌گذشت)، در مورد سرگذشت کانون فرهنگی و هنری چاووش، ساختند.

بیشتر نوجوانی اش با سرودن شعر گذشت که منجر به کسب مقام‌ها و جوایز گوناگون منطقه‌ای شد؛ و یک سال در محضر فریدون مشیری نیز هنرجو بود. تا کنون در چند دفتر شعر و دنلوشته‌هایی را گردآوری نموده.

از سال ۱۳۷۹، فنون عکاسی حرفه‌ای را نزد اساتیدی چون بهمن جلالی، محمد حسین فرج و شهریار توکلی فرا گرفت. حاصل تجربیات خود را در چند نمایشگاه انفرادی "من و آسمان"، خرداد ۸۱، "آب آینه" دی ۸۵، "آبگینه ها آبان ۸۹"، "دیگران" خرداد ۹۳ و چند نمایشگاه گروهی "دانشجویان سوره"، "انجمن عکاسان کانادا" و "روژاوا"، به نمایش درآورده.

هانای کامکار از سال ۱۳۸۲ به عضویت گروه کامکارها درآمد و به عنوان خواننده، نوازنده دف، مسوول روابط عمومی و عکاس، در آلبوم‌ها و کنسرت‌های گوناگونی در "تهران" و برخی شهرهای ایران، آسیا، اروپا، کانادا و آمریکا این گروه را همراهی نموده‌است. علاوه بر نوازندگی دف و خواندن در گروه کر آلبوم‌های کامکارها، همخوانی در آلبوم‌های "امشو" کار مشترک "کامکارها" و "عدنان کریم"، "دور تا نزدیک" اثر هوشنگ کامکار، "ترانه‌های کودکی" اثر سودابه سالم و "گروه ایران زمین"، "آفتاب می‌شود" اثر ارسلان کامکار. سال ۷۹ به مدت یکسال در آموزشگاه استاد کشاورز، هنرجوی حمید سمندریان بود.

فعالیت حرفه‌ای نوازندگی و خوانندگی خود را در سال ۱۳۷۷ با نمایش "رویای شب نیمه تابستان دکتر محمود کریمی حکاک، به آهنگسازی "سودابه سالم"، آغاز نمود. سال ۸۰ در نمایش "نیمروز خواب آلود"، به کارگردانی آیت نجفی، در نقش "آناهیتا، ملکه آبها"، نخستین نقش آفرینی و تکخوانی تئاترش را نمود. از سال ۱۳۸۴ به شکل مستقل، طراحی موسیقی چندین نمایش را بر عهده گرفت: "کبوتری ناگهان"، نمایشنامه خوانی "لیرنا شاه"، "روزهایی که به یاد تو گذشت"، "آنکه گفت

آری، آنکه گفت نه"، "بیداری خانه نسوان" و پس از وقفه‌ای چند ساله و دوری از تئاتر، بازیگر-خواننده نقش "مهر" در نمایش "مرغ باران" کار پیری صابری، در سال ۱۳۹۲، تالار وحدت بازی و خوانندگی در موسیقی-نمایش ترانه‌های محلی، سال ۱۳۹۳، سالن اصلی تئاتر شهر (محمد رحمانیان و فردین خلعتبری) که برای این اثر، در جشن بازیگر ۱۳۹۴ خانه تئاتر، مدالیون و لوح بازیگر زن برگزیده سال ۱۳۹۳ را کسب کرد.

بازی و خوانندگی در موسیقی-نمایش سینماهای من کار محمد رحمانیان، تابستان ۱۳۹۴. خوانندگی در موسیقی-نمایش "یرماً کار اشکان صادقی و الهام شکیب، تابستان ۱۳۹۵. طراحی موسیقی نمایش "نامه‌های عاشقانه از خاورمیانه" کار کیومرث مرادی، زمستان ۱۳۹۵ و کاندیدای بهترین موسیقی تئاتر از جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر، بهمن ۱۳۹۵. بازی و خوانندگی در نمایش "نام تمام مادران..." کار محمد رحمانیان، زمستان ۱۳۹۵.

شروع خوانندگی در موسیقی فیلم از سال ۱۳۸۴: «کوهستان سرد» طها کریمی اثر فردین خلعتبری چندین قطعه از آثار سیاوش کامکار، سال ۱۳۸۵ چندین موسیقی فیلم کوتاه و بلند از میلاد موحدی موسیقی فیلم خانواده ار نست اثر علیرضا کهن دیری موسیقی فیلم «کوهستان قندیل» طها کریمی اثر «فردین خلعتبری» موسیقی فیلم «یک روز دیگر» حسن فتحی اثر «فردین خلعتبری» مجموعه «لالایی‌ها» اثر فردین خلعتبری محصول شبکه ماهواره‌ای پویا موسیقی فیلم آی آدمها رخشان بنی اعتماد، اثر سیامک کلانتری موسیقی فیلم فروشنده اصغر فرهادی

همچنین مدیریت هنری گروه دف نوازان تخت جمشید و همخوانی و نوازندگی دف در دو کنسرت تهران این گروه در سال‌های ۱۳۹۰ و ۱۳۹۱ را در کارنامه کاری مستقل خود از گروه کامکارها دارد. در سال ۱۳۹۱ نیز با تشکیل گروه دف و نی به سرپرستی پدرش بیژن کامکار، به نوازندگی دف و خوانندگی کر این گروه در چندین کنسرت شهر تهران پرداخت. پس از شش سال تدریس خصوصی ساز دف، از سال ۱۳۸۶ در آموزشگاه «ودا»، از سال ۱۳۸۹ در آموزشگاه «کامکارها» مشغول به این کار شد.

او عضو شورای سیاستگذاری کارگاه آموزشی ملی یکصد چهره محبوب سینما-تئاتر ایران به ریاست دکتر اکبر عالمی و سرپرستی «هیوا پاشایی» در سال ۱۳۹۵ می‌باشد. از نوجوانی تحت آموزش‌های مادر، «شیدا صادقی» و بانو «مه‌لقا ملاح»، به حفظ محیط زیست علاقمند و تا کنون یکی از فعال‌های جدی محیط زیست است. همچنین سال ۱۳۹۵ با حکم معصومه ابتکار (رئیس سازمان محیط زیست) به عضویت شورای سیاستگذاری نخستین جشنواره موسیقی سبز، درآمد و در بخش موسیقی کودک جشنواره، داور بخش انتخاب گروه برتر بود.

آموختن موسیقی و عکاسی، ورود به دانشگاه

او از سال ۱۳۷۱ نوازندگی دایره را آغاز نمود و سال‌ها بعد شیوه نوازندگی دف را نزد پدرش، بیژن کامکار، فرا گرفت. هانا کامکار در کنار تلاش‌هایش در زمینه موسیقی، در عرصه‌های هنری دیگری چون تئاتر، تلویزیون و عکاسی نیز فعالیت داشته‌است.

وی از سال ۱۳۷۹، فنون عکاسی حرفه‌ای را نزد استادانی چون بهمن جلالی، محمد حسین فرج و شهریار توکلی فرا گرفت و حاصل تجربیات خود را در چندین نمایشگاه گروهی و انفرادی در معرض دید عموم قرار داد. وی برای تحصیل در رشته کارگردانی سینما به دانشگاه سوره تهران راه یافت و در سال ۱۳۸۳ از این دانشگاه فارغ‌التحصیل شد.

عضویت در گروه کامکارها و فعالیتهای موسیقی

هانا کامکار از سال ۱۳۸۲ به عضویت گروه کامکارها درآمد و به عنوان خواننده گروه گر و نوازنده دف در کنسرت‌های مختلفی در داخل و خارج از کشور، این گروه را همراهی کرد. وی در سال‌های ۷۸ تا ۸۲ ردیف آوازی را نزد نجمه تجدد فرا گرفت. وی در کنار همکاری با گروه کامکارها با گروه

تخت جمشید به آهنگسازی پدram درخشانی به عنوان نوازنده، همخوان و مدیر هنری در اجراهای سال ۱۳۹۰ و ۱۳۹۱ همکاری داشته‌است.

در نمایش موزیکال «مرغ باران» به کارگردانی پری صابری و آهنگسازی ارسلان کامکار به عنوان بازیگر و خواننده اجرا داشته‌است. در مجموعه صوتی و تصویری «ترانه‌های کودکی» با آهنگسازی سودابه سالم که در تابستان ۱۳۹۲ در تالار وحدت اجرا شد نیز به عنوان همخوان شرکت داشته‌است. خوانندگی در آلبومهای «آفتاب می‌شود» به آهنگسازی ارسلان کامکار و «دور تا نزدیک» به آهنگ سازی هوشنگ کامکار و همچنین اثر «لالایی» به آهنگسازی فردین خلعتبری از دیگر آثار این هنرمند است. آخرین اجرای صحنه‌ای وی مربوط به کنسرت «دف و نی» در پاییز ۱۳۹۲ در تالار وحدت است که هانا کامکار به عنوان نوازنده دف و همخوان به روی صحنه رفت.

فعالیت در زمینه عکاسی، سینما و تئاتر

با بازی در مجموعه تلویزیونی «آقا و خانم تجربه» در سال ۱۳۸۰ و نمایش «نیمروز خواب آلود» وارد این عرصه شد. سپس عکاسی و دستکاری کارگردانی را در مجموعه تلویزیونی «توپ گرد» را بر عهده داشت و دستیار دوم کارگردان نمایش «از دست رفته» بود. همچنین عکاسی در نمایشهای «چراغ‌ها را خاموش نکنید»، «روی ماه اسم تو را دستی نوشته‌است»، «خانه پدری» و «خانه کاغذی» نیز از دیگر فعالیت‌های وی در زمینه تئاتر می‌باشد. ساخت سه فیلم کوتاه «آرام»، «سگی که عاشق شه» و «شهرزاد» و همچنین فیلم مستند «چاووش» از آثار سینمایی وی می‌باشد. طراحی موسیقی نمایش «کیوتری ناگهان» نیز از جمله آثارش است که وی در جشنواره تئاتر فجر در سال ۱۳۸۴، برای طراحی موسیقی این نمایش مورد تقدیر قرار گرفت. همچنین از جمله دیگر آثار عکاسی وی می‌توان به عکسهای شهر یزد اشاره کرد.

یلدا عباسی



اطلاعات پس‌زمینه

زاده ۱۱ آذر ۱۳۶۶ شیروان، استان خراسان
شمالی

پیشه خواننده نوازنده

سازها دوتار پیانو

تحصیلات فناوری اطلاعات و ارتباطات موسیقی

دانشگاه کنسرواتوار جوزیه وردی، میلان

یلدا عباسی (زاده ۱۱ آذر ۱۳۶۶) خواننده و نوازنده موسیقی نواحی اهل ایران است.

زندگی هنری

یلدا عباسی ۱۱ آذر ۱۳۶۶، در شهرستان شیروان، استان خراسان شمالی، در خانواده‌ای اهل موسیقی متولد و در قوچان بزرگ شد. مادرش «فاطمه اسماعیلیان» با نام هنری گلچهره از هنرمندان رادیو و تلویزیون پیش از انقلاب ۱۳۵۷ ایران است و عمه پدری‌اش با نام «ماهبانو عباسی» ملقب به «بانو شیروانی» از شناخته شده‌ترین خوانندگان موسیقی محلی خراسان بود. یلدا عباسی از سن ۱۱ سالگی نواختن ساز دوتار را نزد هنرمندانی نظیر: مجید احمدی، رمضان سلمانی بردری، محمد یگانه و اباصلت راستگو آموخت و پس از آن، مراحل تکمیلی و پژوهشی مقام‌های دوتار را نزد مجتبی خان قیطاقی سپری نمود. او در حیطه موسیقی آوازی کرمانجی، از کودکی آواز را نزد مادرش و عمه پدری‌اش آموخت. وی همچنین ردیف موسیقی ایرانی را نزد «رضا شاکری» فرا گرفت. از دیگر معلم‌های آواز او می‌توان به حمیدرضا نوربخش و پرواز همای اشاره نمود.

یلدا عباسی در جوانی با گروه‌های دانش‌آموزی و آزاد در قوچان، به عنوان نوازنده همکاری داشت. وی در سال ۱۳۸۵ در بیست و چهارمین جشنواره هنرهای آوایی موفق به کسب مقام برگزیده در رشته تکنوازی شد. او همچنین از «اولین جشنواره ستارگان استان خراسان» تقدیرنامه و لوح افتخار آفرینی دریافت نمود و رتبه اول تکنوازی در جشنواره دانش‌آموزی را به‌دست‌آورد.

او در سال ۱۳۸۷ در فیلم مستند داستانی طرقة به کارگردانی محمدحسن دامن‌زن بازی کرد. این فیلم که برنده جوایز متعددی شد، به زندگی زنان آوازخوان و نوازنده‌ای پرداخته‌است که در زمانه غیرمجاز بودن این هنر برای زنان، همچنان به فعالیت موسیقی خود ادامه داده‌اند. یلدا عباسی در سال ۱۳۹۴ یک گروه موسیقی متشکل از زنان نوازنده را با نام «نازار» تأسیس کرد و با این گروه، در برخی از کشورها به اجرای برنامه پرداخت. وی تحصیلات دانشگاهی خود را در رشته فناوری اطلاعات و ارتباطات در ایران سپری نمود و در کنسرواتوار جوزیه وردی میلان ایتالیا، در رشته آواز کلاسیک باروک به تحصیل پرداخت.

فعالیت‌های هنری

از جمله فعالیت‌های هنری یلدا عباسی، به موارد زیر می‌توان اشاره نمود:

تشکیل گروه موسیقی «نازار»، اجرا در تور کنسرت گروه موسیقی شیلر با عنوان «آرنا تور» به سرپرستی کریستوفر فون دیلن در ایران و آلمان، ۱۳۹۸، سفیر فرهنگی «سازمان ما»، عضو هیئت مدیره مؤسسه انجمن دوستی ایران و ایتالیا، انتشار نماهنگ‌های «لو» و «له یاره» در رابطه با حوادث و جنگ‌های کوبانی، سنجار (شنگال) و ...

آثار هنری

از جمله آثار هنری یلدا عباسی، به موارد زیر می‌توان اشاره نمود:

- آلبوم موسیقی «کوات» (با همخوانی فاطمه اسماعیلیان و محسن میرزازاده) (۱۳۸۹)

- آلبوم موسیقی «کوات ۲» (۱۳۹۱)
- آلبوم موسیقی «در حسرت دیدار» به همراه پرواز همای
- همکاری با گروه موسیقی شیلر در آلبوم موسیقی «صبح دم» (۱۳۹۷)

مجموعه گلستان (زنان بزرگ ایران زمین)
مجید بهرام بیگی ۱۴۰۰ (Arya Bâhram)
زنان دانشمند بزرگ ایران در طول تاریخ



آریا بهرام

زنان دانشمند بزرگ ایران در طول تاریخ

- آرشالویس چکناوریان 123
 آزاده تبا زاده 124
 اعظم ایرجی زاد 125
 افسانه صفوی 126
 آلتوش طریان 127
 الهام کاشفی 133
 انوشه انصاری 134
 پردیس ثابتی 138
 پرین 140
 ترانه رضوی 140
 ثریا دارابی 141
 رکسانا مصلحی 142
 ریحانه سریری 143
 ریحانه صفوی نائینی 146
 ژینا پروانه گدی 146
 سارا زاهدی 147
 سبا ولدخان 148
 ستاره فرمانفرمائیان 148
 سودابه داوران 152
 فرزانه شرفبافی 152
 فریناز کوشانفر 154
 لاله حقوردی 156
 لیلی بقایی راد 157
 ماریا خرسند 158
 مریم جعفرخانی کرمانی 158
 مریم شانه چی 161
 مریم کوچکی نژاد 162
 مریم میرزاخانی 163
 منیژه رازقی 171
 مونا جراحی 171
 مینا بیسل 172
 مینو اخترزند 173

آرشالویس چکناوریان	
زاده	۱۳۱۵ خورشیدی / ۱۹۳۶
	<u>بروجرد</u>
خویشاوندان	لوریس چکناوریان برادر
جایزه	مدال موسس خورناتسی ۲۰۱۳

آرشالویس هایکازی چکناوریان-آسن بوور انگلیسی: Arshalouis Chehnavorian بانوی مهندس ارمنی تبار اهل ایران است.

زندگی نامه

وی در سال ۱۳۱۵ (۱۹۳۶) در بروجرد به دنیا آمد تحصیلاتش را در دبیرستان ژاندارک به پایان برد. سپس در دانشگاه وین به ادامه تحصیل پرداخت و موفق به اخذ لیسانس در رشته شیمی در سال ۱۳۴۰ (۱۹۶۱) و درجه دکتری در عملیات صنعتی و شیمیایی در سال ۱۳۴۶ (۱۹۶۷) شد او مسلط به زبان های انگلیسی فرانسه آلمانی فارسی اسپانیایی می باشد.

در بین سال های ۶۶-۱۳۴۴ (۸۷-۱۹۶۵) مشاغل گوناگویی را بر عهده گرفت که اکثر آنان در ارتباط با بخش های گوناگون سازمان ملل می باشد که از آن جمله می توان ریاست سازمان AFIDE، مسئولیت های مختلف در سازمان UNIDO، معاون قسمت های صنعتی زیست، مدیریت فنی بخش عملیات صنعتی، مدیریت بخش شیمی، ریاست صنایع داروسازی، مدیریت پروژه های صنعتی در صنایع کاغذ، ساختمان سازی، شیمیایی و داروسازی را نام برد.

وی همچنین در سال های ۴۵-۱۳۴۱ (۶۶-۱۹۶۲) به عنوان استادیار شیمی در دانشگاه تهران به تدریس پرداخت و همچنین بین سال های ۴۷-۱۳۴۴ (۶۸-۱۹۶۵) در بانک عمران ایران و شرکت نفت اتریش به خدمت پرداخت.

آرشالویس چکناوریان در سال های ۷۵-۱۳۶۷ (۹۶-۱۹۸۸) ریاست افتخاری گروه زنان UNIDO را بر عهده داشت و همچنین در سال ۱۳۶۱ (۱۹۸۲) موفق به اخذ دکترای افتخاری در داروسازی از کشور رومانی گردید. در سال ۱۳۶۶ (۱۹۸۷) جایزه بهترین انتقال فناوری (Technology Transfer) از کشور تایلند نصیب وی شد.

چکناوریان همچنین در سال ۱۳۶۸ (۱۹۸۸) در کنفرانس تهران موفق به اخذ گواهینامه برای قسمت شیمی و لاستیک شد و همچنین از سوی ۴ کشور غربی برای صنعت دارویی مورد تأیید قرار گرفت.

پس از زمین لرزه سال ۱۳۶۷ (۱۹۸۸) ارمنستان در سال ۱۳۷۱ (۱۹۹۲) آمادگی خود را برای همکاری در بازسازی مناطق زلزله زده اعلام داشت که از سوی دولت ارمنستان مورد استقبال قرار گرفت.

در سال ۱۳۷۴ (۱۹۹۵) موفق به دریافت جایزه UNIDO برای پروتکل نوترال گردید که بالاترین مدال پس از بازنشستگی است.

در سال ۱۳۷۵ (۱۹۹۶) رئیس جمهور کشور مجارستان از سوی دولت این کشور مدالی به وی تقدیم نمود و در همان سال تقدیرنامه صنایع جمهوری اسلامی ایران به ایشان داده شد.

چکناوریان در سال ۱۳۸۰ (۲۰۰۲) موفق به دریافت جایزه USEPA برای هماهنگی در پروتکل نوترال گردید.

آزاده تبازاده



زاده ۱۳۴۶ تهران، ایران

محل زندگی ساکن پاناما

محل تحصیل دانشگاه استنفورد

جایزه(ها) مدال اتحادیه ژئوفیزیک آمریکا ۲۰۰۱
"جایزه ریاست جمهوری" برای دانشمندان و مهندسان ۱۹۹۹

پیشینه علمی

رشته(های) شیمی فیزیک
فعالیت

محل کار ناسا
مرکز تحقیقاتی ایمر

آزاده تبازاده (زاده ۱۳۴۶ خورشیدی در تهران) دارنده PHD شیمی فیزیک از دانشگاه استنفورد کالیفرنیا است. او در هفت سالگی به ایالات متحده مهاجرت کرده است. وی هم‌اکنون استاد دانشگاه استنفورد است و به همراه همسرش روی پروژه‌های تحقیقاتی فعالیت دارد.

جوایز

پروفسور آزاده تبارزاده دارنده جوایز بسیاری از جمله مدال اتحادیه ژئوفیزیک آمریکا در سال ۲۰۰۱ است. او در سال ۱۹۹۹ "جایزه ریاست جمهوری" برای دانشمندان و مهندسان را دریافت کرده است. این جایزه بالاترین افتخار اعطا شده توسط دولت ایالات متحده به دانشمندان و مهندسان برجسته است.

فعالیت ها

- سال ۱۹۸۷ در سن ۲۰ سالگی - B.S. در شیمی (بالاترین افتخارات) دانشگاه کالیفرنیا، لس آنجلس
- سال ۱۹۸۸ در سن ۲۱ سالگی - معاون پژوهشی گروه شیمی، دانشگاه کالیفرنیا، لس آنجلس
- سال ۱۹۹۰ در سن ۲۳ - M.S. شیمی در دانشگاه کالیفرنیا، لس آنجلس
- سال ۱۹۹۱ در سن ۲۴ - معاون پژوهشی گروه جوی علوم، UCLA
- سال ۱۹۹۲ در سن ۲۵ - آموزش دستیار، گروه جوی علوم، UCLA
- در سال ۱۹۹۴ در سن ۲۷ - همکار فوق دکترا، مرکز تحقیقات Ames ناسا
- در سال ۱۹۹۴ در سن ۲۷ - دکتری D. در شیمی فیزیک دانشگاه کالیفرنیا، لس آنجلس
- سال ۱۹۹۷ در سن ۳۰ سالگی - دانشمند محقق علوم زمین، مرکز تحقیقات Ames ناسا
- سال ۲۰۰۲ در سن ۳۵ سالگی - دانشمند محقق ارشد، مرکز تحقیقات Ames ناسا
- سال ۲۰۰۵ در سن ۳۸ - دانشیار دانشگاه Stanford - مهندسی محیط زیست،
- سال ۲۰۰۵ در حال حاضر: استاد مشاور دانشیار ژئوفیزیک

اعظم ایرجی زاد



زاده ۱۳۳۴ رئیس پژوهشکده علوم و فناوری نانو دانشگاه صنعتی شریف و عضو هیئت علمی دانشکده فیزیک این دانشگاه است. ایرجی زاد که دکترای خود را در رشته فیزیک حالت جامد

(با تخصص فیزیک سطح) از دانشگاه ساسکس انگلستان دریافت کرده به خاطر سوابق علمی درخشانش در زمینه نانو تکنولوژی، فیزیک سطح و فیزیک دماهای پائین به عنوان «بانوی نانو تکنولوژی ایران» شناخته می‌شود.

ایرجی زاد سابقه ریاست دانشکده فیزیک دانشگاه صنعتی شریف را در سال‌های ۱۳۷۸ تا ۱۳۸۱ در و برنده جایزه کارنامه دارد و علاوه بر این عضو کمیسیون جهانی اخلاق در علم و فناوری یونسکو علامه طباطبایی از سوی رئیس‌جمهور ایران بوده‌است.

افسانه صفوی	
	
تولد	۱۳۳۴ شیراز
زمینه تحقیق	شیمی

افسانه صفوی (زاده ۱۳۳۴ در شیراز)، شیمیدان اهل ایران است که در ششمین همایش چهره‌های ماندگار، به عنوان چهره ماندگار معرفی شده‌است. وی تحصیلات دوره کارشناسی خود را در رشته شیمی در سال ۱۳۵۰ در دانشگاه شیراز و دوره کارشناسی ارشد را در سال ۱۳۵۷ و دوره دکتری را در سال ۱۳۶۰ در دانشگاه بیرمنگام انگلستان به پایان برد. او به عنوان نخستین زن ایرانی است که در علوم پایه به رتبه استادی رسیده‌است و هم‌اکنون استاد پایه دانشگاه شیراز است. ایشان برگزیده جایزه علمی علامه طباطبایی بنیاد ملی نخبگان در سال ۱۳۹۰ است.

فعالیت علمی

«به نظر من هیچ هدفی مقدس تر از خدمت به وطن نیست و من به عنوان عضوی از جامعه پرافتخار ایرانی در نظام معلمی کوشیده‌ام به نسل جوان دانشجو خدمت کنم و بزرگترین افتخار زندگی علمی ام نیز مشاهده موفقیت دانشجویانم در عرصه های مختلف علمی، اجتماعی و فرهنگی است. ۶ تا ۷ ساعت در دانشگاه درگیر کار هستم و همین میزان را در خانه به کار اختصاص می‌دهم. به غیر از این موارد، در بسیاری از همایش مختلف بین‌المللی در کشورهای اروپایی و نیز همایشهای داخلی شرکت کرده‌ام. همه این‌ها مستلزم حمایت خانواده است که خداوند این نعمت را به من داده است.»

—افسانه صفوی

افسانه صفوی بیش از ۲۷۰ مقاله در مجلات علمی معتبر بین‌المللی منتشر کرده و ۲۵۰ مقاله در کنفرانس‌های داخلی و خارجی نیز ارائه داده‌است. او موفق به دریافت جایزه Medal Lecture از آکادمی جهانی علوم شد. صفوی برنده این جایزه در سال ۲۰۱۸ است. آکادمی جهانی علوم هر ساله جایزه TWAS Medal Lecture را به یک یا دو نفر از اعضای آکادمی به منظور پیشرفت و پیشبرد علوم و فناوری اهدا می‌کند. این آکادمی از سال ۱۹۹۶ در کشورهای در حال توسعه فعالیت می‌کند.

وی همچنین برنده جایزه علمی بین‌المللی پروفیسور عبدالسلام در ایتالیا در رشته شیمی، پرمقاله‌ترین دانشمند زن کشورهای جهان سوم، و برنده نشان دانش (سال ۱۳۸۳-۲۰۰۴) و دارنده عنوان استاد نمونه کشوری و چندین بورس، نشان و جایزه علمی داخلی و خارجی است که از آن جمله می‌توان به بورس هامبوست از کشور آلمان اشاره کرد. از دیگر فعالیت‌های او می‌توان به عضویت در هیئت تحریریه مجلات علوم و فناوری ایران و مجله انجمن شیمی ایران، خدمت‌رسانی در نقش مشاور اداره کل محیط‌زیست استان فارس و داوری مقالات مجلات معتبر بین‌المللی اشاره کرد.

افتخارات

- جایزه Medal Lecture در سال ۲۰۱۸
 - پرمقاله‌ترین دانشمند زن کشورهای جهان سوم
 - چهره ماندگار در سال ۱۳۸۵
 - استاد نمونه کشوری در سال ۱۳۸۰
 - برگزیده جایزه علمی علامه طباطبایی بنیاد ملی نخبگان ۱۳۹۰
 - برنده جایزه علمی بین‌المللی پروفیسور عبدالسلام در ایتالیا
 - نخستین زن ایرانی که در علوم پایه به رتبه استادی رسید.
 - نشان بورس هامبوست از کشور آلمان
- جایزه زنان در علم که نخستین جایزه ویژه زنان پژوهشگر کشور است به استادان، دانشمندان و محققان زنی اعطا می‌شود که سهم به‌سزایی در پیشبرد علم در حوزه تخصصی فعالیت خود داشته باشند. نخستین دوره جایزه "زنان در علم"، در مراسمی ویژه با حضور وزیر علوم، تحقیقات و فناوری، معصومه ابتکار معاون رئیس‌جمهور در امور زنان و خانواده و تعدادی از چهره‌های علمی و دانشگاهی؛ به افسانه صفوی اعطا شد.

آلنوش طریان

مادر نجوم ایران



زاده	۱۸ آبان ۱۳۰۰-۹ نوامبر ۱۹۲۱ تهران، ایران
درگذشت	۱۵ اسفند ۱۳۸۹-۶ مارس ۲۰۱۱ (۸۹ سال) تهران، ایران
ملیت	ایرانی ارمنی‌تبار
تحصیلات	کارشناسی فیزیک از دانشگاه تهران ۱۳۲۶/۱۹۴۷ دکتری فیزیک از دانشگاه سوربن ۱۳۴۵/۱۹۶۶
محل تحصیل	دانشگاه تهران دانشگاه سوربن پاریس-
شناخته‌شده برای	بنیان‌گذار نخستین رصدخانه فیزیک خورشیدی ایران بانوی اختر فیزیک ایران
	پیشینه علمی
شاخه‌ها	فیزیک، اخترشناسی
محل کار	گروه فیزیک دانشکده علوم دانشگاه تهران

آلنوش طریان یا آلنوش تریان (انگلیسی: Alenoosh Terian، زاده ۱۸ آبان ۱۳۰۰ – درگذشته ۱۵ اسفند ۱۳۸۹)؛ فیزیک‌دان ایرانی ارمنی‌تبار بود که به «مادر نجوم» و «بانوی اختر فیزیک ایران» ملقب شده‌است.

زندگی‌نامه

آلنوش طریان، در سال ۱۲۹۹ خورشیدی (۱۹۲۰ میلادی) در یک خانواده ارمنی در تهران متولد شد.

پدر آلنوش، آرتو طریان در جلفای اصفهان و مادرش، وارتو طریان در تهران زاده شد. آرتو طریان دانش‌آموخته بازیگری و نمایش از مسکو و پایه‌گذار دومین مرکز آموزشی هنرهای دراماتیک و تئاتر در ایران بود. پدر طریان پاره‌هایی از شاهنامه را به زبان ارمنی بازگردانی کرده بود. و مادرش در رشته ادبیات و هنر سخنوری در کشور سوئیس تحصیل کرده بود و نخستین زن ایرانی ارمنی بود که شعرهای فارسی را دکلمه کرد.

آلنوش اما راه پدر و مادرش را در هنر پی نگرفت و به دنبال فیزیک رفت. او در خاطراتش گفته است:

«من به پدرم گفتم می‌خواهم کاری کنم که از عهده هرکسی بر نیاید. از بچگی دیده و شنیده بودم که چطور مردم مثلاً می‌گویند: دخترها نمی‌توانند ریاضی بخوانند یا فلان کار را انجام دهند و این همیشه باعث آزرده‌گی من می‌شد و می‌خواستم ثابت کنم که دختر یا پسر بودن فرقی ندارد و اگر انسان استعداد و پشتکار کافی داشته باشد، از عهده هر کاری بر می‌آید و ثابت هم کردم.» آلنوش طریان در شش سالگی وارد مدرسه ارمنیان تهران شد و نه سال در آنجا تحصیل کرد. پس از گذراندن دوره ابتدایی در مدرسه ارامنه و دوره متوسطه در دبیرستان انوشیروان دادگر، برای تکمیل تحصیلات دوره متوسطه، به مدت دو سال نیز در مدرسه انوشیروان دادگر تحصیل کرد. وی در این مورد می‌گوید:

«در آن زمان، در مدارس ارمنیان تنها تا کلاس نهم تدریس می‌شد و من، پس از اتمام دوره نه ساله در مدرسه ارمنیان، برای تکمیل تحصیلات به مدت دو سال به مدرسه انوشیروان دادگر، که متعلق به زرتشتیان بود، رفتم. دلیل انتخاب این مدرسه هم نزدیک بودن آن به منزل ما بود.»

برای ادامه تحصیل وارد دانشگاه تهران شد.

خانم طریان در سال ۱۳۲۶ مدرک لیسانس خود را رشته فیزیک از دانشکده علوم دانشگاه تهران گرفت و پس از مدتی اشتغال در همان دانشکده مدتی به عنوان مسئول آزمایشگاه‌های فیزیک فعالیت کرد.

وی به زبان‌های فارسی، ارمنی و فرانسوی تسلط داشته و با ترکی و انگلیسی آشنایی داشت.

پس از تلاش بی‌نتیجه برای متقاعد کردن استادش، محمود حسابی، برای کمک به اعزام وی به خارج از کشور، در تابستان ۱۳۲۸ به تشویق پدر و با هزینه شخصی خود برای ادامه تحصیل به بخش فیزیک اتمسفر دانشگاه پاریس رفت.

وی در مورد خاطرات دوران تحصیلش در دانشگاه پاریس چنین می‌گوید:

«یکی از بهترین خاطرات من در طی تحصیل در فرانسه آشنایی کوتاه مدت من با ایرن کوری، دختر ماری کوری، دانشمند معروف، بود. ماری کوری از دوران بچگی همواره بزرگترین الگوی من در زندگی بوده است. کار کردن در آزمایشگاه، کنار دختر وی، حتی برای مدتی کوتاه، افتخار بسیار بزرگی برای من محسوب می‌شد.»

وی در سال ۱۳۳۷ (۱۹۵۶) مدرک دکترای خود را از دانشگاه سوربن کسب کرد (خانم طریان دانشنامه دکترای دولتی خود را از دانشکده علوم دانشگاه سوربن فرانسه در سال ۱۳۳۵ (۱۹۵۶) اخذ کرد. او بعد از فارغ‌التحصیلی در رشته دکترای فیزیک از دانشگاه سوربن پاریس، برای خدمت به کشور، پیشنهاد کرسی استادی دانشگاه سوربن را رد کرد و به ایران بازگشت (بانو آلنوش با اتمام تحصیلات خویش در رشته فیزیک و دریافت درجه دکتری در این رشته، در حالیکه امکان ماندن و فعالیت در فرانسه برای وی مهیا بود ترجیح داد تا از تخصص خویش در ایران استفاده نماید.)

و پس از بازگشت به ایران، در دانشگاه تهران تدریس کرد و با سمت دانشیار فیزیک رشته ترمودینامیک در گروه فیزیک مشغول به کار شد. و در سال ۱۳۴۳ در همین دانشگاه به درجه استادی رسید و به عنوان اولین استاد زن، در مؤسسه ژئوفیزیک دانشگاه تهران مشغول به کار شد.

استاد طریان بلافاصله پس از بازگشت به ایران از سوی دانشگاه تهران دعوت به همکاری و تدریس شد. او ابتدا، در سمت دانشیار فیزیک، واحد ترمودینامیک را تدریس می‌کرد اما بعد به منزله استاد واحد فیزیک ستارگان، که پس از ورود دوباره ایشان به دانشگاه افتتاح شده بود، تدریس کرد. وی در این مورد می‌گوید:

«پیش از آنکه من فیزیک ستارگان را در دانشگاه تدریس کنم این درس وارد دانشگاه‌های ایران نشده بود و تنها علم نجوم تدریس می‌شد آن هم نه در رشته فیزیک بلکه ریاضی. زمانی که از من برای تدریس در دانشگاه دعوت کردند، از آنجا که دستیار دکتر روشن بودم، در ابتدا ترمودینامیک تدریس می‌کردم اما پس از مدتی قرار شد برای اولین بار در ایران و به صورت مستقل درس فیزیک ستاره‌ها را برای دانشجویان رشته فیزیک تدریس کنم.»

در سال ۱۳۳۸ دولت فدرال آلمان غربی بورس مطالعه رصد خانه فیزیک خورشیدی را در اختیار دانشگاه تهران قرار داد و طریان برای این بورس انتخاب شد و از فروردین سال ۱۳۴۰ به مدت ۴ ماه به آلمان رفت و بعد از انجام مطالعات به ایران بازگشت.

وی نخستین کسی بود که در رصدخانه دانشگاه تهران فیزیک ستاره تدریس کرد. علاقه او به علم و دانش سبب شد وصیت نامه ای تنظیم کند و منزل مسکونی خود را بعد از مرگ به ارمنه جلفا و دانشجویانی که محل اسکان مناسبی ندارند ببخشد او تا سالهای اولیه انقلاب مشغول فعالیت بود.

آلنوش طریان در دوره خدمت علمی خود به ریاست گروه تحقیقات خورشیدی مؤسسه ژئوفیزیک دانشگاه تهران رسید و نقشی مهم در تأسیس و ادامه کار رصدخانه فیزیک خورشیدی ایفا کرد.

در خرداد ۱۳۴۳ طریان به مقام استادی ارتقا پیدا کرد این فیزیکدان ایرانی برای نخستین بار موضوعات فیزیک خورشیدی و اختر فیزیک را در دانشگاه تهران تدریس کرد.

وی نخستین فیزیکدان زنی بود که در یکی از دانشگاه‌های ایران به این مقام علمی دست می‌یافت و بدین ترتیب او اولین فیزیکدان زن در ایران است که به مقام استادی دست پیدا کرد

وی در سال ۱۳۴۵ به عنوان عضوی از کمیته ژئوفیزیک دانشگاه تهران انتخاب شد و در سال ۴۸ رسماً به ریاست گروه تحقیقات فیزیک خورشیدی مؤسسه ژئوفیزیک دانشگاه تهران منصوب شد و در رصدخانه فیزیک خورشیدی که خود در بنیانگذاری آن نقش عمده ای داشت، فعالیت خود را آغاز کرد.

طریان که اولین کسی بود که در ایران درس فیزیک ستاره‌ها را تدریس می‌کرد.

طریان پس از ۳۲ سال خدمت صادقانه به کشورش و پرورش استادانی ارزشمند در ۱۵ شهریور ۱۳۵۸ به درخواست خود بازنشسته شد. (

محمود احمدی‌نژاد رئیس‌جمهور وقت در مراسمی در تاریخ ۲۶ تیر ۱۳۸۵ از وی تقدیر کرد. این مراسم به مناسبت سالروز ولادت فاطمه زهرا و بزرگداشت مقام زن از زنان نمونه برگزار شده بود

او همچنین از سوی برنامه فرزندگان که به سفارش شبکه اول سیمای جمهوری اسلامی ایران تهیه شده بود به عنوان چهره ماندگار در عرصه علمی معرفی می‌شود و در فیلم مستندی زندگی و فعالیت‌های علمی وی بازگو می‌شود.

در سال ۱۳۸۲ فیلمی مستند از زندگی آرنوش طریان ساخته شد که «سوی خورشید» نام داشت. این فیلم مستند یکی از قسمت‌های برنامه فرزندگان ایران بود که به سفارش شبکه اول سیمای جمهوری اسلامی تهیه شد. روزنامه ابتکار در سال ۸۲ از زندگی طریان فیلمی با عنوان «سوی خورشید» ساخته و در آن زندگی این نخستین بانوی استاد کرسی فیزیک ستاره در دانشگاه تهران به تصویر کشیده شد.

آرنوش طریان کتابخانه شخصی خود را به کتابخانه ملی ایران اهدا و خانه شخصی خود را به نفع دانشجویان ارمنی وقف کرده است.

وی سال‌های پایانی عمر خود را در خانه سالمندان توحید گذراند. در پاییز ۱۳۸۹ مراسم جشن نودمین سالروز تولد آرنوش طریان، در محل باشگاه آارات تهران و به همت انجمن بانوان ارمنه ایران و مؤسسه ترجمه و تحقیق هور برگزار شد. آرنوش طریان در روز شنبه ۱۴ اسفند ۱۳۸۹ در سن ۹۰ سالگی در خانه سالمندان توحید تهران درگذشت. روز دوشنبه، ۱۶ اسفند ۱۳۸۹ (۷ مارس)، مراسم ترحیم آرنوش طریان، در کلیسای مریم مقدس تهران برگزار و پیکر وی از این محل تشییع و در گورستان ارمنه تهران به خاک سپرده شد.

زندگی شخصی

او در سال‌های جوانی به مردی علاقه‌مند بوده است، اما مرگ او سبب شد تا طریان تصمیم بگیرد برای همیشه مجرد باقی بماند.

جوایز و افتخارات

لوح‌های تقدیر اهدا شده به استاد طریان عبارتند از:

- نشان مسروپ ماشتوتس از طرف عالیجناب جاثلیق آرام اول، رهبر مذهبی ارمنیان جهان، حوزه کیلیکیه
- لوح تقدیر از طرف وزارت رفاه و تأمین اجتماعی، به مناسبت کسب عنوان پیشکسوت برجسته کشوری، اهدا شده به دست آقای صادق محصولی
- لوح تقدیر از طرف مدیریت سازمان علوم و ستاره‌شناسی تهران، شهرداری منطقه یک، خانم نیلوفر قاسمی وش
- لوح سپاس از طرف کیوان دواتگران، مدیر کل دفتر امور سالمندان
- لوح تقدیر از طرف دانشکده فیزیک دانشگاه تهران
- لوح تقدیر از طرف انجمن نجوم آماتوری ایران
- لوح تقدیر از طرف ابوالحسن فقیه، رئیس سازمان بهزیستی کشور، به مناسبت روز جهانی سالمندان (۱۳۸۵)
- لوح تقدیر از طرف مؤسسه ژئوفیزیک ایران؛ نبی بید هندی، رئیس مؤسسه ژئوفیزیک (۱۳۸۵)

- لوح تقدیر از طرف دفتر ریاست جمهوری، زهره طیب نوری زاده، مشاور رئیس‌جمهور و رئیس مرکز زنان و خانواده، به مناسبت کسب عنوان بانوی نمونه فرهیخته سال و بزرگداشت هفته زن (تیر ۱۳۸۵)
- لوح تقدیر از طرف انجمن خیریه بانوان ارمنه تهران (۱۳۸۵)
- لوح یادبود از طرف انجمن فرهنگی بیستون (۱۳۸۸)
- دریافت عنوان پیشکسوت نمونه کشور، از طرف سازمان بازنشستگی کشور، در چهارمین همایش پیشکسوتان ایران (آذر ۱۳۸۸)
- لوح سپاس از طرف سازمان اسناد و کتابخانه ملی، آقای علی اکبر اشعری، مشاور رئیس‌جمهور و رئیس سازمان اسناد و کتابخانه ملی (۱۳۸۹ش)
- لوح تقدیر از طرف مؤسسه ترجمه و تحقیق هور و انجمن خیریه بانوان ارمنه تهران (۱۳۸۹).

فعالیت‌ها و خدمات

مهمترین خدمات علمی طریان عبارتند از:

- پایه‌گذاری نخستین رصدخانه فیزیک خورشیدی
 - پایه‌گذاری نخستین تلسکوپ خورشیدی
 - ارائه درس‌های فیزیک خورشیدی و اختر فیزیک برای نخستین بار در ایران
- وی همچنین تحقیقات علمی درباره انرژی خورشید دارد و معتقد است در ایران که ۲۴۱ روز از سال به‌طور کامل از انرژی خورشید برخوردار هستیم می‌توان از این منبع استفاده بسیاری کرد.
- وی بارها در کنفرانس‌ها و مجامع علمی خارج از کشور شرکت کرد. وی همچنین در کنفرانس‌های بین‌المللی از جمله کنفرانس سال ۱۳۴۰ (۱۹۶۱) دانشگاه برکلی کالیفرنیا، در سال ۱۳۴۴ (۱۹۶۵) در یک دوره پژوهش علمی در آلمان و در سال ۱۳۴۹ (۱۹۷۰) در انگلستان شرکت کرد.
- " من دانشجویها را خیلی دوست داشتم و بالطبع دانشجویها هم من را خیلی دوست داشتند و این مسئله باعث شده بود تا کوچکترین ناراحتی‌ای در دوران تدریس احساس نکنم و با دانشجویانم مثل دوست رفتار می‌کردم و اصلاً خودم را نمی‌گرفتم. معلم باید مهربان باشد و مهربانی را باید به دانشجویها و دانش‌آموزانش یاد دهد چرا که این جوانان آینده کشور هستند. اگر اساتید بد اخلاق باشند، نمی‌توانند درس اخلاق بدهند. اساتید باید به طور مرتب مطالعه داشته باشند و باید اطلاعات خود را مطابق با مطالب روز کنند و دانشجویان هم باید خوب درس بخوانند".

الهام کاشفی

تحصیلات دبیرستان ابوریحان

محل دانشگاه صنعتی شریف ایسانس، کارشناسی
تحصیل ارشد
امیرپال کالج لندن دکترتخصصی

وبگاه Elham_Kashefi

پیشینه علمی

شاخه ها رایانش ابری رمزنگاری کوانتومی

محل کار دانشگاه ادینبرو دانشگاه آکسفورد
دانشگاه سوربن

پایان نامه Complexity Analysis and
Semantics for Quantum
۲۰۰۳ Computation

استاد ولاتکو ودرال استیفن ون باخل
راهنما

الهام کاشفی استاد علوم کامپیوتر و دارای کرسی در رایانش کوانتومی در دانشکده انفورماتیک دانشگاه ادینبرو و محقق مرکز ملی پژوهش‌های علمی فرانسه (CNRS) در دانشگاه سوربن است. کار وی شامل کمک به رمزنگاری کوانتومی، تأیید محاسبات کوانتومی و محاسبات کوانتومی ابری است.

سنین جوانی و تحصیل

کاشفی تحصیلات ابتدایی خود را در دبیرستان ابوریحان تهران گذراند. برای ادامه تحصیلات وارد دانشگاه صنعتی شریف شد و در رشته ریاضیات کاربردی مدرک کارشناسی و کارشناسی ارشد را گرفت. او در سال ۲۰۰۳ مدرک دکترا خود را امپریال کالج لندن کسب کرد.

شغل و تحقیق

پس از اتمام دوره دکترا، کاشفی به عنوان پژوهشگر جوان در کلیسای مسیح، آکسفورد انتخاب شد. او روی ساختارهای بنیادی محاسبات کوانتومی کار می‌کرد. پیش از رفتن به مؤسسه فناوری ماساچوست به عنوان دانشمند بازدید کننده، در سال ۲۰۰۵، پژوهشگر مؤسسه محاسبات کوانتومی بود که بر روی پیچیدگی عمق و محاسبات موازی در حال کار بود. کاشفی در سال ۲۰۰۷ به عنوان مدرس دانشگاه ادینبرو انتخاب شد. وی دارای یک دوره همکاری علمی شغلی در محاسبات کوانتومی از شورای تحقیقات مهندسی و علوم فیزیکی (EPSRC)، دارای کرسی شخصی در دانشگاه ادینبورگ و محقق مرکز ملی پژوهش‌های علمی فرانسه (CNRS) در دانشگاه سوربن است.

جوایز و افتخارات

عضو آکادمی جوانان اسکاتلند.

انوشه انصاری



وضعیت مهندس الکترونیک و علوم رایانه

زادروز ۲۱ شهریور ۱۳۴۵ مشهد

مشاغل دیگر مدیریت مؤسسه خیریه بنیاد اهورا (Ahoora Foundation)

شغل فعلی مدیر کل و یکی از مؤسسين شرکت پرودیا سیستمز (Prodea Systems)

مشاغل قبلی مؤسس، رئیس هیئت مدیره و مدیر

عامل شرکت فناوری ارتباط از راه دور تله کام (Telecom Technologies, Inc)	
کاوشگر، فضانورد همراه	درجه
۱۱ روز	طول پرواز فضایی
۱۸ اردیبهشت ۱۳۸۵ (۸ مه ۲۰۰۶)	تاریخ گزینش
سایوز تی-ام ای-۹ پرواز ، سایوز تی-ام ای-۸ فرود	ماموریت
نخستین زن کیهان گرد، اولین فضانورد با اصلیت ایرانی	دستآورد

انوشه انصاری (زاده ۲۱ شهریور ۱۳۴۵ در مشهد)، کاوشگر و رئیس انجمن گردانندگان شرکت فناوری ارتباط از راه دور (TTI) است. انوشه انصاری، اولین زن گردشگر فضایی، اولین ایرانی تبار، دومین فضانورد پارسی زبان پس از عبدالاحد مومند و اولین زن مسلمانی است که به فضا سفر کرده است. و چهارمین نفری است که هزینه سفر فضایی خود را پرداخت کرده است. در سال ۲۰۱۵ میلادی، جامعه ملی فضای آمریکا جایزه «پیشگام فضا» را به انصاری-نخستین زن گردشگر فضایی- اهدا کرد.

زندگی

او، متولد شهر مشهد در ایران است و در سال ۱۳۶۳ خورشیدی (۱۹۸۴ میلادی)، به همراه خانواده اش به آمریکا مهاجرت کرد. انوشه، گواهی نامه کارشناسی خود را در رشته مهندسی الکترونیک و علوم رایانه (EECS)، از دانشگاه جورج میسون و نیز، گواهی نامه کارشناسی ارشد خود را در زمینه مهندسی الکترونیک، از دانشگاه جورج واشینگتن دریافت کرده است.

سفر به فضا

انوشه، همیشه عاشق فضا و فضانوردی و در پی راه یافتن به فضا بوده است. در ۱۸ اردیبهشت ۱۳۸۵ (۸ مه ۲۰۰۶)، سازمان فضایی روسیه به طور رسمی اعلام کرد که انوشه انصاری به عنوان اولین زن گردشگری فضایی در یکی از پروازهای فضایی سایوز، که برای بهار ۱۳۸۵ برنامه ریزی شده بود، به مدار زمین سفر خواهد کرد. اما پس از رد صلاحیت دایسوک انوموتو، داوطلب ژاپنی، به دلایل پزشکی و جا ماندن او از مأموریت سایوز تی-ام ای-۹، قرار شد انوشه انصاری در ۲۳ شهریور ۱۳۸۵ با این گروه همراه شود.

سازمان فضایی ایران، به عنوان متولی بخش فضا در ایران، در آستانه سفر انصاری به ایستگاه فضایی، ضمن حمایت از فعالیتها و خدمات ارزنده او در ترویج و توسعه فناوری فضایی و پرواز به ایستگاه بین المللی به عنوان تنها جایگاه استقرار انسان در فضا را افتخاری غرورآمیز برای تمام ایرانیان، توصیف کرد.

وی، نخستین فضانورد با اصلیت ایرانی در جهان است و نیز، نخستین زن کیهان‌گرد و چهارمین نفری است که هزینه سفر فضایی خود را پرداخت کرده‌است. او همچنین، پس از عبدالاحد مومند فضانورد افغانستان، دومین فضانورد فارسی‌زبان است. انصاری، ترجیح می‌دهد که در مورد خود، از عنوان «فضانورد همراه» به جای واژه «گردشگر فضایی»، استفاده کند. وی، در روی لباس خود، دو پرچم ایران و آمریکا را نقش کرده بود. وی، دلیل این کار را اظهار دین خود به این دو کشور - که در موفقیت وی نقش داشته‌اند -، بیان کرد.

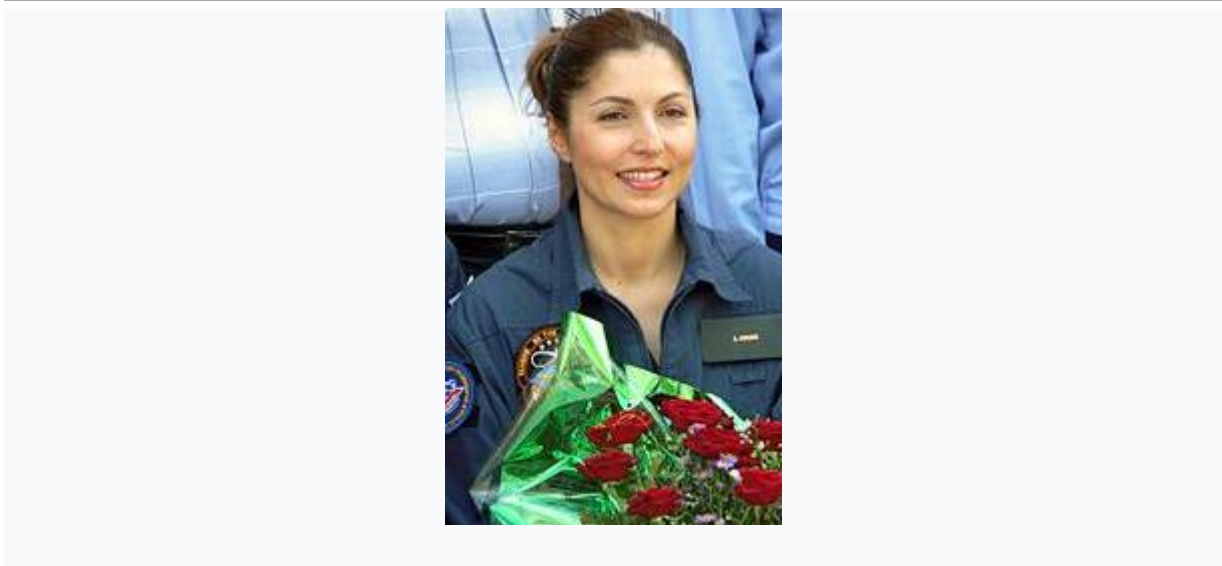
فضاپیمای سایوز حامل انوشه انصاری، فرمانده روسی میخائیل تیورین، و مهندس پرواز اسپانیایی - آمریکایی، مایکل لویز الگریا در صبح روز دوشنبه ۱۸ سپتامبر سال ۲۰۰۶ از پایگاه فضایی بایکونور در قزاقستان به فضا پرتاب شد، و بدین ترتیب مأموریت سایوز تی‌ام‌ای ۹ - آغاز گشت. دو روز پس از قرار گرفتن در مدار زمین، فضاپیمای سایوز در ۲۰ سپتامبر ۲۰۰۶ با موفقیت به ایستگاه بین‌المللی فضایی ملحق شد و اقامت ۹ روزه انوشه انصاری در ایستگاه فضایی آغاز شد.

سرانجام پس از ۹ روز اقامت و پژوهش در ایستگاه بین‌المللی فضایی، انوشه انصاری در سحرگاه ۷ مهر ۱۳۸۵ مصادف با ۲۹ سپتامبر ۲۰۰۶ میلادی به همراه یاول وینوگرادف روسی و جفری ویلیامز آمریکایی، دو تن از فضانوردان ساکن ایستگاه، به زمین بازگشت و پس از فرود وی در ۹۰ کیلومتری شمال آرکالیک در قزاقستان با استقبال گرم خانواده‌اش، از جمله همسرش حمید، و مقامات محلی و مسئولان سازمان فضایی روسیه مواجه شد. وی پس از معاینات پزشکی، با بالگرد برای مراسم خوش‌آمدگویی به شهر قوستانای (در قزاقستان) منتقل شد.

انوشه انصاری در طول ۹ روز اقامت خود در ایستگاه بین‌المللی فضایی مجموعه آزمایش‌های علمی زیر را برای آژانس فضایی اروپا انجام داد:

- پژوهش در مورد علل کم‌خونی؛
- تأثیر تغییرات ماهیچه‌ای بر کمردرد؛
- تأثیر تشعشعات فضایی بر روی فضانوردان ساکن در ایستگاه بین‌المللی فضایی و گونه‌های میکروبی که در آن ایستگاه پرورش داده شده‌اند.

فعالیت‌های انوشه انصاری پس از سفر به فضا



انوشه انصاری پس از بازگشت از فضا تصمیم گرفت در این زمینه تحصیل کند؛ او مدرک فوق لیسانس دوم خود را از دانشگاه سوئین‌بورن در رشته ستاره‌شناسی گرفت. انوشه انصاری مؤسسۀ

خیریه «بنیاد اهورا» (Ahoora Foundation) را همراه برادر همسرش، جمشید انصاری، اداره و حمایت مالی می‌کند.

او همچنین به همراه امیر و حمید انصاری در حوزه خانه دیجیتال (Digital Home)، شرکت پرودیا سیستمز را با هدف راه‌اندازی یک سیستم پیشرفته برای آمیختن و استفاده سهل‌تر از محصولات و فایل‌ها و تولیدات ابزار خانگی دیجیتال مانند ویدئو و صدا و فیلم تأسیس کرد، که در تگزاس و در هندوستان دفاتر رسمی دارد.

انوشه انصاری در کتاب زندگی‌نامه‌اش با عنوان «روپاهای من برای ستارگان» که آن را به کمک یکی از نویسندگان محبوب خود نوشته، توضیح می‌دهد که در دوره آموزشی او را با انواع و اقسام خطرهایی که ممکن است در یک سفر فضایی واقعی با آن‌ها رو در رو شود، آشنا کردند تا اگر نره‌ای تردید یا ناتوانی در وجودش مشاهده شد، از فهرست مسافران حذف شود. علاوه بر این‌ها در کتاب آمده که در دوره آموزشی بارها با موقعیت‌هایی مواجه شده که در حالت عادی هیچ‌گاه انجام دادن‌شان را نمی‌پذیرفت اما در این مورد خاص هیچ مخالفتی نمی‌کند تا یگانه بخت خود برای سفر به فضا را به مخاطره نیندازد.

جایزه ایکس انصاری

انوشه انصاری به همراه برادر همسرش در سال ۲۰۰۳ جایزه ۱۰ میلیون دلاری سالیانه «انصاری اکس-پرایز» (Ansari X-prize) را بنیان نهاد. هدف از این جایزه تشویق بخش خصوصی برای سرمایه‌گذاری و ورود به بازار سفرهای فضایی است که تا پیش از این در انحصار تعداد انگشت شماری از دولت‌ها بوده است.

افتخارها و جایزه‌ها

به جز ماهیت افتخارآمیز سفر به فضا، به عنوان اولین زن گردشگر فضایی دنیا، اولین ایرانی فضانورد و اولین بانو فضانورد، انوشه انصاری بارها از سوی مجامع مختلف مورد تقدیر قرار گرفته است:

- سال ۲۰۰۰ به عنوان کارآفرین برتر از سوی مجله زن شاغل آمریکا
- سال ۲۰۰۱ حضور در فهرست تاجران موفق مجله معتبر فورچون آمریکا
- سال ۲۰۰۹ دریافت اولین جایزه نوآور سیمونز که سالانه توسط NCWIT به کارآفرینان موفق زن در زمینه فناوری داده می‌شود.
- ۲۰ دسامبر ۲۰۱۲ دریافت دکترای افتخاری علوم از دانشگاه جرج میسون
- سال ۲۰۱۵ به پاس خدمات انوشه انصاری به جامعه فضایی، جایزه ملی پیشگامان فضا ایالات متحده به او داده شد.
- فوریه ۲۰۱۷: انوشه انصاری در پی اقدام اصغر فرهادی مبنی بر تحریم فرمان منع مهاجرت هفت کشور مسلمان از جمله ایران که از سوی ترامپ صادر شده بود، در فوریه ۲۰۱۷ جایزه اسکار متعلق به وی را برای فیلم فروشنده دریافت کرد و به‌جای وی سخنرانی نمود.

سینما

- گردشگران فضایی - ۲۰۰۹
- سیبده - ۲۰۱۳

اسکار ۲۰۱۷

پس از انصراف اصغر فرهادی کارگردان فیلم فروشنده از حضور در مراسم اسکار ۲۰۱۷- که در اعتراض به فرمان اجرایی ۱۳۷۶۹ مبنی بر جلوگیری از ورود شهروندان هفت کشور از جمله ایران به خاک آمریکا صورت گرفت؛ وی انوشه انصاری و فیروز نادری را به عنوان نمایندگان برای حضور در مراسم اسکار معرفی کرد. در این مراسم، فیلم فروشنده توانست جایزه اسکار بهترین فیلم خارجی‌زبان را به دست آورد و در پی آن، انوشه انصاری و فیروز نادری، جایزه اسکار را به جانشینی از سوی اصغر فرهادی دریافت کردند. در این مراسم متن سخنان اصغر فرهادی در غیاب او توسط انوشه انصاری خوانده شد.

پرديس ثابتي



زاده	۲۵ دسامبر ۱۹۷۵ تهران، ایران
محل زندگی	اهل فلوریدا و ساکن ماساچوست
محل تحصیل	مؤسسه فناوری ماساچوست کارشناسی دانشگاه آکسفورد کارشناسی ارشد ، پی‌اچ‌دی مدرسه پزشکی هاروارد دکترای پزشکی
جایزه ها	بورسیه رودز از <u>Richard Lounsbery Award</u> طرف آکادمی ملی علوم
رشته(های) فعالیت	پیشینه علمی زیست‌شناسی محاسباتی انسان‌شناسی زیستی بیوانفورماتیک

ژن‌شناسی پزشکی

محل کار دانشگاه هاروارد بنیاد برود

پردیس ثابتی (زاده ۱۹۷۵ (میلادی) / ۱۳۵۴ در تهران) زیست‌شناس محاسباتی، تبارشناس پزشکی و تبارشناس فرگشتی ایرانی-آمریکایی است که روشی آماری بیوانفورماتیکی توسعه داده است که بخش‌های در معرض انتخاب طبیعی را مشخص می‌کند. همچنین الگوریتمی طراحی نموده که اثرات ژنتیک بر تکامل بیماری را نشان می‌دهد.

وی هم‌اکنون استاد تمام دانشگاه هاروارد است و سرپرستی تلاش‌های آمریکا برای خواندن ژنوم انسان و تمام کروموزوم‌های موجود در ویروس ابولا را بر عهده دارد.

زندگی

پردیس ثابتی در ۱۹۷۵ در تهران به دنیا آمد. او فرزند نسرین (نانسی) و پرویز ثابتی، معاون سابق سازمان اطلاعات و امنیت کشور در دوره پهلوی است در آستانه انقلاب سال ۱۳۵۷ در دو سالگی به همراه خانواده به فلوریدا مهاجرت کرد. در ۱۹۹۷ لیسانس زیست‌شناسی خود را از مؤسسه فناوری ماساچوست دریافت کرد و سپس دکترای ژنتیک را در سال ۲۰۰۲ از دانشگاه آکسفورد دریافت کرد. دکترای پزشکی خود را در سال ۲۰۰۶ از دانشکده پزشکی هاروارد دریافت کرد. هم‌اکنون ساکن ماساچوست در ایالات متحده آمریکا است.

موفقیت‌ها

ثابتی از مدرسه پزشکی دانشگاه هاروارد آمریکا با مدارج کامل (به لاتین: Summa Cum Laude) فارغ‌التحصیل شده است. وی در زمینه بررسی ژنوم مالاریا، از بنیاد بیل و ملیندا گیتس بالغ بر ۲ میلیون دلار بودجه تحقیقاتی دریافت کرده است.

پردیس ثابتی اخیراً نیز به عنوان یکی از ۱۰۰ چهره نابغه جهان از سوی گروه بین‌المللی Creators Synectics معرفی شده است. این گروه بین‌المللی پردیس ثابتی را از محققان برجسته دانشگاه‌های معتبری نظیر هاروارد، آکسفورد و ام‌آی‌تی را به عنوان چهره چهل و نهم معرفی کرده است.

شبکه خبری سی‌ان‌ان نیز در سال ۲۰۰۷، ثابتی را به عنوان «یکی از ۸ نابغه‌ای که دنیای ما را متحول خواهند ساخت» عنوان کرده است ثابتی در سال ۲۰۱۲ جایزه نبوغ آمریکایی مجله اسمیتسونین در رده علوم طبیعی دریافت کرد.

فعالیت‌های هنری

پردیس ثابتی، خواننده یک گروه آلترناتیو راک به نام هزار روز (به انگلیسی: Thousand days) نیز می‌باشد که تا به حال سه آلبوم منتشر کرده است.



بانوی دانشمند ایرانی. او دختر کیقباد بود که در سال 924 یزدگردی هزاران برگ از نسخه های اوستا را به زبان پهلوی برای آیندگان از گوشه و کنار ممالک آریایی گردآوری نمود و یکبار کامل آنرا نوشت و نامش در تاریخ ایران زمین رای همیشه ثبت گردیده است. از او چند کتاب دیگر گزارش شده است که به احتمال زیاد در آتش سوزی های سپاه اسلام از میان رفته است

ترانه رضوی



این پزشک ایرانی از معدود افرادی است که گوگل سلامت کارکنانش را به دست آنها سپرده است. وی فارغ التحصیل پزشکی از دانشگاه های معتبر استانفورد و جرج واشنگتن است و در ابتدای شروع فعالیت در مانتن ویو مطبش تنها یک کمد بوده است. به گفته دکتر رضوی کارکنان گوگل آنقدر دقیق هستند که به آسانی زیر بار تشخیص یا تجویز پزشک نمی روند و باید آنها را با ارائه سند و حتی مقالات معتبر قانع کرد

در حالی که سالانه یک میلیون رزومه برای گوگل ارسال می شود، از رضوی برای کار در این شرکت دعوت شده است. او در پاسخ به سوالی در مورد دیدگاه مدیران ارشد گوگل درباره وبلاگستان فارسی گفت که اجازه پاسخ به این سوال را ندارد اما در صحبت هایی که پیش آمده به استفاده هوشمندانه ایرانیان از نت اشاره کرده اند.

ثریا دارابی



ثریا دارابی متولد سال ۱۳۶۲ در تهران است، او از کودکی به هنر علاقمند بود و فارغ التحصیل رشته تاریخ هنر از دانشگاه جروج تاون است.

ثریا دارابی کارش را از نیویورک تایمز به عنوان مدیر امور مشارکت دیجیتال و بازاریابی برای رسانه های اجتماعی شروع کرد. ثریا عاشق غذا بود و در خانواده ای بزرگ شد که همگی آشپزهای ماهری بودند، ایده ای وبسایتش را از دوست توریستش که در بازگشت به سانفرانسیسکو، کلی عکس از غذاهای مختلف داشت که نمی توانست مشخصا بگوید کجا این غذا را خورده است یا نامش چیست! گرفت، بنابراین تصمیم گرفت کتابی گردآوری کند و عکس های غذاها سر از آن کتاب درآوردند. ثریا دارابی که هنوز در مجله تایمز کار می کرد، بسیار از ایده این کسب و کار استقبال کرد، چون فکر می کرد این ایده سه چیز را همزمان در خود دارد: یک ماشین توصیه به مشتریان، نرم افزاری برای پیدا کردن چیزهای جدید و یک فعالیت تعاملی بین کاربران! و البته غذا هم موضوعی بود که برای همه افراد جذاب بود.

او به همراه دو نفر از دوستانش ایده ای تاسیس سایت فود اسپاتینگ را اجرایی کرد و موفقیت اصلی او در همین پروژه رقم خورد. در این وبسایت افراد می توانستند عکس از غذاهای خود با تمام جزئیات و توضیحات آپلود کنند و این پروژه ای جذاب مورد توجه بسیاری قرار گرفت. ثریا دارابی در سال ۲۰۱۰ از سوی نشریه فست کمپانی به عنوان یکی از افراد خلاق برتر معرفی شد و یکی از ۵۰ وب سایت Travel+Leisure Mag برگزیده مجله تایمز شد و به عنوان یک نرم افزار فوق العاده در سفر توسط انتخاب شد فود اسپاتینگ ارتباط تنگاتنگی نیز با فیس بوک و گوگل دارد و به پشتوانه این همکاری ها توانسته است این موفقیت خیره کننده را به دست آورد. ثریا دارابی در حال حاضر استراتژیست در Archtizer کار می کند با ABC News که در زمینه رسانه های جدید است نیز همکاری دارد.

تویتر ثریا دارابی بیش از ۴۲۴ هزار و گوگل پلاس او حدود ۱۴۳ هزار دنبال کننده دارد، او جزو ۱۰۰ زن ثروتمند دنیاست.

رکسانا مصلحی



رکسانا مصلحی (انگلیسی: Roxana Moslehi)، یک هم‌گیرشناس ژنتیکی است. بیش‌تر پژوهش‌های او به مطالعه سرطان و نشانه‌های آغازین آن اختصاص دارد. او در ایران زاده، و در کانادا بزرگ شده‌است. وی هم‌اینک استادیار هم‌گیرشناسی و آمار زیستی در دانشگاه آلبانی، دانشگاه ایالتی نیویورک است؛ جایی که او به‌تدریس دوره‌های متعددی، از قبیل آنچه خودش در ژنتیک و هم‌گیرشناسی مولکولی گسترش داده‌است، اشتغال دارد. از طریق پژوهش‌هایش، او به درک علل ارثی بیماری‌ها و تأثیرات متقابل ژن - محیط بر خطر گسترش بیماری کمک کرده‌است.

آموزش

رکسانا دوره کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری را از دانشگاه پریتیش کلمبیا (UBC) در ونکوور، کانادا دریافت کرد. به دنبال دکترای خود تحت راهنمای فریدمن و استیون نارود، وی بورس تحصیلی پساکترا را در مؤسسه ملی بهداشت (NIH)، بخش اپیدمیولوژی و ژنتیک سرطان (DCEG) تحت نظارت میچل گیل به پایان رساند. وی در حالی که یک دانشجوی دکترا در NIH بود، استادیار کمکی را در دانشگاه جورج واشینگتن (GWU) دریافت کرد، و در آنجا دوره ای را با عنوان «جنجال در اپیدمیولوژی سرطان» با پاول لوین توسعه داد.

جوایز

رکسانا مصلحی دریافت‌کننده جوایز و افتخارات متعددی از جمله جایزه دستیار تدریس در مقطع کارشناسی ارشد در آموزش (UBC)، بورس تحصیلی Biovision از دانشگاه علمی علوم (فرانسه)، دو جایزه برای تعالی پژوهشی از NIH و جایزه سیب طلایی و برای تعالی در تدریس از دانشکده بهداشت در SUNY آلبانی است.

پژوهش‌ها

موضوع اصلی تحقیق رکسانا مصلحی شناسایی و توصیف ژنهای حساس به سرطان بوده‌است. کار با استیون نارود و جی ام. فریدمن، مطالعه وی اولین تحقیق برای تخمین میزان نفوذ جهش‌های BRCA1 و BRCA2 در سرطان‌های پستان، تخمدان و سایر موارد در مطالعه زنان یهودی مبتلا به سرطان تخمدان بود. رکسانا مطالعات خود را در مورد سرطان پستان و تخمدان به سایر جمعیت‌ها، از جمله در خاورمیانه، که در آن زمان برخی از آنها مطالعه نکرده بود، گسترش داد. به عنوان مثال، از طریق همکاری با پزشکان در ایران، مصلحی مطالعاتی را در مورد خانواده‌های سرطانی ارثی پستان و تخمدان در ایران انجام داد که منجر به کشف یک جهش جدید BRCA1 شد.

رکسانا همچنین در تحقیق در مورد اصلاح کننده‌های خطر ابتلا به سرطان پستان و تخمدان مرتبط با BRCA و همچنین درک جنبه‌های مکانیکی و ژنتیکی جمعیتی ژن‌های BRCA که اکنون بیشترین ژن‌های مستعد سرطان ارثی است در ژنوم انسان در یک مطالعه از این دست، وی تأثیر جهش‌ها در ژن‌های BRCA1 و BRCA2 را بر باروری زنان به عنوان یک مکانیسم بالقوه تأثیرگذار بر انتخاب مثبت جهش‌های BRCA بررسی کرد.

فرضیه‌های رکسانا مصلحی فراتر از ژن‌های BRCA و سایر ژن‌ها و اختلالات حساسیت به سرطان است. اخیراً، او مجموعه‌ای از مطالعات در مورد اثرات ناهنجاری‌ها در ترمیم DNA و ژن‌های رونویسی بر تولید مثل و رشد انسان را منتشر کرد. رکسانا بر اساس مشاهدات بالینی جدید خود در خانواده‌های تریکوئیدستروفی (TTD)، این فرضیه را ایجاد کرد که نقص در ژن‌های ترمیم و برداشتن نوکلئوتید و اثرات آن بر رشد جنین و جفت انسان است.

پس از آن، او پیشنهاد اختلال در عملکرد TFIIH با واسطه در رونویسی در جفت به عنوان یک مکانیسم منجر به عوارض حاملگی مانند پره اکلامپسی و ارتباط ژنوتیپ جنین و ناهنجاری دقیق ژنتیکی با این مکانیسم را برجسته کرد.

علاوه بر سرطان پستان و تخمدان، رکسانا در حال انجام تحقیقات ژنتیکی و اپیدمیولوژیک سایر سرطان‌ها و پیش‌سازهای سرطان مانند آدنوم روده بزرگ، سرطان ریه و لنفوم غیر هوچکین است.

ریحانه سریری



زاده ۱۳۳۲ مشهد

محل زندگی رشت، ایران

پیشه استاد (زیست‌شناسی) بیوشیمی

سال‌های فعالیت ۱۹۹۵ تا کنون

سازمان	گروه زیست‌شناسی دانشگاه گیلان
شناخته‌شده برای	بیوشیمی، شیمی پلیمر، شیمی آلی، داروشناسی، سم‌شناسی، فیزیک
آثار	روش‌های شیمی فیزیک لنزهای تماسی بیوشیمی پزشکی فرهنگ مصور و جامع بیوشیمی بیوشیمی اشک روش‌های بیوشیمی و بیوفیزیک بیوشیمی پروتئین‌ها و نوکلئیک اسیدها
جایزه‌ها	جایزه «British Royal Society of Chemistry Research Grant Award» انجمن سلطنتی شیمی انگلستان ۲۰۰۸ و ۲۰۰۹ جایزه مشترک «بهترین پوستر ارائه شده» در همایش BCLA لندن ۱۹۹۳ جایزه «اتمام دوره دکتری تخصصی دانشجویان تحت حمایت دولت ایران در کوتاهترین زمان ممکن» از سفارت ایران در انگلستان ۱۹۹۵ جایزه دولتی «نامزدی میان ۲۰ زن برتر پژوهشگر در ایران» از معاونت پژوهشی ریاست جمهوری ایران ۱۹۹۸ جایزه «نامزدی میان ۲۰ پژوهشگر زن برتر در ایران» از ریاست دانشگاه گیلان ۲۰۰۰
وبگاه	staff.guilan.ac.ir/sariri

ریحانه سریری (زاده ۱۳۳۲ در مشهد)، زیست‌شناس و استاد تمام بیوشیمی ایرانی و برنده دو جایزه و عنوان «Research Grant» از انجمن سلطنتی شیمی بریتانیا (British Royal Society of Chemistry) است. او تا آبان‌ماه سال ۱۳۹۳، مدیر گروه زیست‌شناسی دانشگاه گیلان بوده و در حال حاضر، استاد تمام این گروه و عضو انجمن بیوشیمی جمهوری اسلامی ایران می‌باشد و همچنین، همکاری‌های علمی، پژوهشی و آموزشی با دانشگاه آزاد اسلامی واحد زنجان و دانشگاه آزاد اسلامی واحد لاهیجان دارد.

اخیراً (اواخر سال ۹۲ و اوایل سال ۲۰۱۴) وی در زمینه افزایش وضوح تصویربرداری مولکولی جهت تشخیص سریع سرطان سینه با استفاده از نانو میله‌های طلا، با همکاری دکتر مجتبی صلوتی و دکتر زهرا حیدری، مطالعات مهمی انجام داده و موفق به ساخت یک نانوداروی جدید به عنوان یک عامل کنتراست برای هدفمند جهت تصویربرداری از بافت سرطانی شده‌است.

تحصیلات

- ابتدایی: دبستان آزرمی مشهد (۱۳۳۸-۱۳۴۴)
- متوسطه: دبیرستان آزرم مشهد (۱۳۴۴-۱۳۵۰)
- دیپلم در رشته طبیعی (۱۳۵۰)
- لیسانس شیمی از دانشگاه فردوسی مشهد (۱۳۵۰-۱۳۵۴)
- فوق لیسانس شیمی و تکنولوژی بیوپلیمرها از دانشگاه آستون بیرمنگام انگلستان (۱۳۵۸-۱۳۶۰)
- دکتری تخصصی بیوشیمی از دانشگاه آستون بیرمنگام انگلستان (۱۳۷۰-۱۳۷۴).

سوابق آموزشی و پژوهشی

- استادیاری گروه شیمی دانشگاه گیلان (۱۳۷۴-۱۳۷۶)
- استادیاری گروه زیست‌شناسی دانشگاه گیلان (۱۳۷۶-۱۳۸۰)
- دانشیاری گروه زیست‌شناسی دانشگاه گیلان (۱۳۸۰-۱۳۸۴)
- استادی گروه زیست‌شناسی دانشگاه گیلان (۱۳۸۴ تا کنون)
- راه‌اندازی دوره کارشناسی ارشد بیوشیمی در دانشگاه گیلان (از ۱۳۷۷)
- راه‌اندازی دوره دکترای تخصصی بیوشیمی در دانشگاه گیلان (سال ۱۳۸۳) و پذیرش دانشجو در این مقطع، از نیمسال (ترم) دوم سال تحصیلی (۱۳۸۵-۸۶)

افتخارات

در کم‌تر از ۲ دهه گذشته به همت وی، رشته بیوشیمی در مقطع دکتری و کارشناسی ارشد و رشته‌های دیگری در مقطع کارشناسی در دانشگاه گیلان راه‌اندازی شد.

پروفسور سریری، تنها بانوی ایرانی است که و موفق به دریافت جایزه و عنوان «Research Grant» از انجمن سلطنتی شیمی بریتانیا (British Royal Society of Chemistry) شده و نخستین زن در جهان است که توانسته دو سال پیاپی (۲۰۰۸ و ۲۰۰۹) این عنوان ارزشمند را دریافت نماید. جایزه و عنوان Research Grant، همه ساله به ۵ پژوهشگر و دانشمند برتر کشورهای در حال توسعه اعطا می‌شود که توانسته‌اند دستاوردهای بزرگی در زمینه‌های علمی ارائه نمایند.

جوایز و عناوین دیگر

- جایزه مشترک «بهترین پوستر ارائه شده» در همایش BCLA لندن (۱۹۹۳)
- جایزه «اتمام دوره دکتری تخصصی دانشجویان تحت حمایت دولت ایران در کوتاهترین زمان ممکن» از سفارت ایران در انگلستان (۱۹۹۵)
- جایزه دولتی «نامزدی میان ۲۰ زن برتر پژوهشگر در ایران» از معاونت پژوهشی ریاست جمهوری ایران (۱۹۹۸)
- جایزه «نامزدی میان ۲۰ پژوهشگر زن برتر در ایران» از ریاست دانشگاه گیلان (۲۰۰۰)
- جایزه «پروژه‌های برجسته تحقیقاتی» دانشگاه گیلان از معاونت پژوهشی استان گیلان (۱۹۹۶)
- جایزه «بهترین سخنرانی» دانشگاه گیلان (۲۰۰۲)
- جایزه «پژوهشگر برتر سال» استان گیلان (۲۰۰۵)
- جایزه «پژوهشگر زن برتر سال» استان گیلان (۲۰۰۵)

فهرست آثار

- مقالات و شرکت در همایش‌ها: تألیف و چاپ بیش از ۱۰۰ مقاله علمی، شرکت در دست کم ۲۰ همایش و سخنرانی و ارائه بیش از ۱۴۰ پوستر در همایش‌های علمی کشوری و جهانی
- نتایج کار وی در زمینه افزایش وضوح تصویربرداری مولکولی جهت تشخیص سریع سرطان سینه با استفاده از نانومیله‌های طلا (با همکاری دکتر مجتبی صلوتی و دکتر زهرا حیدری)، در ژانویه، سال ۲۰۱۴، صفحات ۴۰ تا ۴۶) منتشر شده است. *Journal of Photochemistry and Photobiology B: Biology* جلد ۱۳۰، شماره ۱، ماه
- کتاب‌ها (تألیف و ترجمه): زبان تخصصی شیمی، روش‌های شیمی فیزیک، لنزهای تماسی، بیوشیمی پزشکی، ۷۰۰ آزمون زبان تخصصی شیمی و زیست‌شناسی، بیوشیمی ارشد تربیت بدنی، مبانی بیوشیمی برای علوم ورزشی (ترجمه)، فرهنگ مصور و جامع بیوشیمی، بیوشیمی اشک، روش‌های بیوشیمی و بیوفیزیک، بیوشیمی پروتئین‌ها و نوکلئیک اسیدها

ریحانه صفوی نائینی



ریحانه صفوی نائینی" رئیس گروه امنیت اطلاعات در "دانشگاه کالگری است. وی دارای مدرک کارشناسی و کارشناسی ارشد رشته مهندسی برق از "دانشگاه تهران" است. او پس از اخذ مدرک کارشناسی ارشد خود برای ادامه تحصیلات به خارج از کشور مهاجرت نمود و پس از آن مدرک دکترای خود در رشته مهندسی برق نظریه کدگذاری را از "دانشگاه واترلو کانادا" اخذ کرد. پیش از آنکه وی در سال ۲۰۰۷ رئیس گروه امنیت اطلاعات "دانشگاه کالگری" شود، استاد علوم رایانه دانشکده انفورماتیک "مؤسسه تحقیقات فناوری اطلاعات و ارتباطات دانشگاه ولونگونگ استرالیا بود. نائینی در برنامه‌ها و کنفرانس‌های مهم علمی رمزنگاری و امنیت اطلاعات نقش مهمی را ایفا کرده است. در حال حاضر، او علاوه بر سمت ریاست گروه امنیت اطلاعات "دانشگاه کالگری"، مدیر "آزمایشگاه امنیت اطلاعات نیز است

ژینا پروانه کدی



ژینا پروانه کدی مهندس و کارآفرین ایرانی-کانادایی است. کدی سال ۱۹۵۷ در ایران متولد شد. در سال ۱۹۷۸، کدی مدرک کارشناسی خود در رشته مهندسی ساختمان را از "دانشگاه صنعتی شریف" اخذ کرد. در سال ۱۹۷۹ او ایران را به قصد تحصیل مقطع کارشناسی ارشد در کانادا ترک کرد. در

آنجا وی موفق به اخذ مدرک کارشناسی ارشد مهندسی برق از "دانشگاه کنکور دیا شد. پس از کارشناسی ارشد وی موفق به دریافت مدرک دکترای مهندسی ساختمان از "دانشگاه کنکور دیا" شد. ژینا پروانه گدی نخستین زنی بود که موفق به اخذ مدرک دکترای مهندسی ساختمان از این دانشگاه شد.

دکتر کدی در حال حاضر عضو شورای حکام، کمیته مدیریت و رئیس کمیته برنامه ریزی املاک و شورای صنعتی دانشگاه کنکور دیا است. در سال ۲۰۱۸، دکتر کدی مبلغ ۱۵ میلیون دلار به دانشکده مهندسی و علوم کامپیوتر "دانشگاه کنکور دیا" اهدا کرد. به افتخار موفقیت‌های بسیار و سخاوت او، نام دانشکده مهندسی کامپیوتر و علوم کامپیوتر این دانشگاه را به نام او یعنی دانشکده "ژینا گدی" تغییر نام دادند. این نخستین دانشکده مهندسی در کانادا و یکی از اولین مؤسسات بین‌المللی است که به نام یک زن نامگذاری شده است.

سارا زاهدی



سارا زاهدی ریاضیدان جوان ایرانی است که سال گذشته موفق به دریافت جایزه معتبر انجمن ریاضی اروپا شد. این جایزه هر چهار سال یک بار به ریاضیدانان جوان اروپایی تعلق می‌گیرد. زاهدی بیشتر به دلیل تحقیقات خود روی توسعه سیستم شبیه‌ساز رایانه‌ای برای رفتار مایعاتی که با یکدیگر مخلوط نمی‌شوند، شناخته می‌شود.

زاهدی به عنوان یکی از 10 برنده زیر 35 سال این جایزه، تنها بانویی است که موفق شده است تا امسال این جایزه را به خود اختصاص دهد. سارا زاهدی از جمله 9 خانمی است که موفق شده این جایزه را که اهدای آن از سال 1992 شروع شده است، تصاحب کند.

سارا زاهدی متولد 1360 تهران است و در 10 سالگی توسط مادر راهی اروپا و کشور سوئد شد. وی شد که هم‌اکنون نیز در آن به تدریس KTH پس از پایان تحصیلات خود راهی انستیتو سلطنتی فناوری می‌پردازد. تخصص زاهدی در زمینه آنالیز اعداد است که کاربرد آن در بهینه‌سازی و بالا بردن صحت انجام شبیه‌سازی‌های رایانه‌ای است. همانطور که اشاره کردیم، وی موفق شده تا شبیه‌سازی را برای مایعاتی که با یکدیگر مخلوط نمی‌شوند، توسعه دهند. از جمله این مایعات می‌توان به آب، نفت و گاز اشاره کرد. نتیجه تحقیقات زاهدی می‌تواند در کاهش خطرات زیست و محیطی ناشی از پخش شدن قطرات نفت بسیار موثر واقع شود.

صبا ولدخان



صبا ولدخان (ولدخانی) دانشمند ایرانی برجسته زیست‌شناسی مولکولی مقیم آمریکا است.

او که فارغ‌التحصیل دکترا از دانشگاه علوم پزشکی ایران و دانشگاه کلمبیا است، اکنون کرسی استادی دانشگاه کیس وسترن رزرو را بر عهده دارد.

صبا ولدخان برنده جایزه سال ۲۰۰۵ انجمن پیشبرد علوم آمریکا گردید و جایزه مقاله برتر مجله ساینس سال ۲۰۰۴ را نیز ربود.

او همچنین از مدافعان حقوق زنان در ایران است. او در مورد مهاجرین ایرانی گفته از موفق‌ترین مهاجرین به ایرانیان می‌شود اشاره کرد. او نیز در مورد خودش این‌گونه می‌گوید برای اهداف با اعتماد به نفس به دنبال کارها می‌روم و اندیشه‌های جدید و نو را پیگیری می‌کنم که بعضاً پاسخ‌های مثبتی را هم دریافت کردم این نیز برای موفقیت کافی است. دانشگاه‌های بسیاری به صبا ولدخان پیشنهادهایی در خصوص فعالیت حرفه‌ای او داشته‌اند.

ستاره فرمانفرمانیان



زاده

زمستان ۱۲۹۹ یا ۱۳۰۱ شیراز

درگذشت	۳ خرداد ۱۳۹۱ (۹۱ سال) <u>لس آنجلس کالیفرنیا</u>
تحصیلات	فوق لیسانس مددکاری اجتماعی
محل تحصیل	<u>کالیفرنیا جنوبی</u>
پیشه	از فعالان امور اجتماعی ایران و جهان
آثار	«دختری از ایران»
عنوان	مادر مددکاری اجتماعی ایران
همسر(ها)	Arun Chaudhuri هندی
فرزند	میترا
والدین	<u>عبدالحسین میرزا فرمانفرما</u> ، معصومه
خویشاوندان	<u>مریم فیروز خواهر</u> ، <u>خداداد میرزا فرمانفرمایان</u> ، <u>منوچهر فرمانفرمایان</u> برادران ، <u>فیروز میرزا پدر بزرگ</u> ، <u>محمد مصدق پسر عمه</u> ،

ستاره فرمانفرمایان (زاده ۱۲۹۹ یا ۱۳۰۱ - درگذشته ۳ خرداد ۱۳۹۱) مادر مددکاری اجتماعی ایران، فرزند عبدالحسین میرزا فرمانفرما از شاهزادگان و شخصیت‌های با نفوذ قاجار بود. او اولین دانشجوی ایرانی دانشگاه کالیفرنیا جنوبی بود که لیسانس جامعه‌شناسی گرفت و پس از آن برای گرفتن فوق لیسانس در مددکاری اجتماعی به دانشگاه شیکاگو رفت. او در سال ۱۳۳۷ مدرسه عالی مددکاری اجتماعی تهران را تأسیس کرد.

دانشگاه هاروارد نام ستاره فرمانفرمایان را به عنوان یکی از زنان پیشرو در علم مددکاری در لیست زنان تأثیرگذار تاریخ آمریکا قرار داده است. او خاطرات زندگی و کار حرفه‌ای خود را در کتابی با عنوان دختری از ایران منتشر کرد که این کتاب در ایران بارها تجدید چاپ شد.

زندگی‌نامه

عبدالحسین میرزا فرمانفرما پدر ستاره، نوه عباس میرزا بود. اولین همسر او عزت‌الدوله دختر مظفرالدین شاه قاجار و مادر ستاره به نام معصومه همسر سومش بود. دکتر مصدق نیز خواهرزاده فرمانفرما بود. او همچنین خواهر ناتنی کوچکتر مریم فیروز، فعال سیاسی و رهبر زنان حزب توده ایران پیش و پس از انقلاب بود.

ستاره تا سنین نوجوانی در ایران تحصیل کرد و پس از فوت پدر و با اجازه برادر و مادر خود برای ادامه تحصیل راهی آمریکا شد. در آنجا به تحصیل در رشته جامعه‌شناسی روی آورد و پس از پایان تحصیلات در همان‌جا ماند. سپس با یک دانشجوی هندی ازدواج کرد و آن‌ها دارای فرزندی به نام میترا شدند. همسر او که شغلی در آمریکا نیافت به هند بازگشت و پس از مدتی از ستاره جدا شد. این تنها ازدواج ستاره بود.

ستاره به مدت ده سال در آمریکا ماند و سپس به ایران بازگشت و توانست با کمک عده‌ای از درباریان و خانواده خود مؤسسه‌ای را در ایران تأسیس کند. از فعالیت‌های مؤسسه آن‌ها تربیت مددکاران و فرستادن آن‌ها به خارج از کشور برای ادامه تحصیل و تأسیس خانه‌های سالمندان و دیگر مراکز بهزیستی در ایران بود. وی در راه احقاق حقوق زنان ایرانی بسیار تلاش نمود و حتی ملاقاتی نیز با محمدرضا پهلوی داشت. تصویب «لایحه ملی تنظیم خانواده» با تلاش او ممکن شد.

از دیگر اقدامات ماندگار او تأسیس «مراکز رفاه» در محله‌های فقیرنشین تهران و حاشیه تهران بود که به کودکان و خانواده‌ها کمک می‌کردند. او همچنین اولین کسی است که سیستم آموزشی در مهدکودک‌ها در ایران را براساس اصول تربیتی مدرن تغییر و تحول داد.

«مدرسه عالی مددکاری اجتماعی» بعد از چند سال فعالیت با مجوز وزارت علوم به دانشگاه ارتقا یافت و از طریق کنکور سراسری در دو مقطع لیسانس و فوق‌لیسانس دانشجو جذب می‌کرد. این مدرسه و شاگردان ستاره فرمانفرمایان خدمات اجتماعی و حمایتی بسیاری را در پرورشگاه‌ها، محله‌های فقیرنشین، مدارس، زایشگاه‌ها و درمانگاه‌ها تعریف و اجرایی کردند.

شاگردان فرمانفرمایان با نظارت او در محله روسپی‌خانه‌های تهران، شهرنو درمانگاه و محل‌های ویژه‌ای برای ارائه خدمات بهداشتی و درمانی به زنان روسپی راه‌اندازی کرده بودند و در آتش‌سوزی بزرگ این محله در دهه چهل، در مهار آتش به مأموران آتش‌نشانی کمک کردند.

ستاره فرمانفرمایان در سال‌های دهه ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ میلادی به دعوت سازمان ملل متحد برای اجرای طرح‌های مددکاری اجتماعی در خاورمیانه به عراق و پس از آن به مصر، سوریه و لبنان سفر کرده بود.

دانشگاه هاروارد نام ستاره فرمانفرمایان را به عنوان یکی از زنان پیشرو در علم مددکاری در لیست «زنان تأثیرگذار تاریخ آمریکا» قرار داده است. او خاطرات زندگی و کار حرفه‌ای خود را در کتابی با عنوان «دختری از ایران» منتشر کرد که این کتاب در ایران بارها تجدید چاپ شد.

رویکرد به مددکاری اجتماعی

ستاره فرمانفرمایان منتقد تلاش برای مددکاری اجتماعی از راه تغییرات سیاسی بود و بر این تأکید داشت که مددکار اجتماعی باید به بستر جامعه رفته و فعالیت‌های مددکارانه خود را در روستاها و مناطقی که دستخوش آسیب اجتماعی هستند انجام دهد. جمله زیر نقل قول شناخته‌شده‌ای از اوست و رویکردش را در این باره نشان می‌دهد:

مددکار باید به هر کاری تن بدهد تا اجتماعش را بهتر کند. این آدم‌ها اشتباه می‌کنند که فکر می‌کنند با تغییر حکومت یا دولت و از راه سیاست باید جامعه را بهتر کرد. نه، این درست نیست. باید رفت و از ته جامعه شروع کرد. باید ریشه‌های درد را شناخت و گرنه یک روز قاجار، یک روز پهلوی یک روز هم جمهوری... در اتاق‌های تهران نشستن فایده ندارد. هیچ اتاقی فایده ندارد، میز آدم را تنبل می‌کند. باید رفت در این حلبی‌آبادها در جائی که پشتی ندارد نشست و از این مرد جوان پرسید چرا این قدر بچه درست می‌کند. باید به زن‌ها نه گفتن را یاد داد. باید به مردها یاد داد که محبت و مردانگی به سلی نیست که به گوش زن و بچه‌شان می‌زنند. برای این کار اگر لازم است باید در مسجد نشست، اگر لازم است باید به شهرنو رفت، باید نترسی اگر تمام تنت شپش بگذارد، اگر نگذارد که نمی‌فهمی شپش یعنی چی. اگر روغن شیطان نمالیده باشی بر پوست کسی چه می‌دانی سوزش یعنی چه؟!!

— ستاره فرمانفرمائیان ، مقاله سفر دراز ستاره فرمانفرمائیان نوشته مسعود بهنود

کسانی زیادی از او در دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی مددکاری اجتماعی را آموختند. وی در شکل‌گیری سپاه دانش و سپاه بهداشت مؤثر بود و «ده‌ها هزار از جوانان در آن بسترها آماده حضور در زندگی بهتر شدند.»

پس از انقلاب

در شروع انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ که روزهای آغازین اعدام‌های پس از انقلاب نیز بود، دسته‌ای از دانشجویان افراطی برای وی پرونده‌ای شامل ۱۱ اتهام تهیه کردند؛ بسیاری از این دانشجویان کسانی بودند که مؤسسه ستاره به آن‌ها بورس تحصیل در خارج از کشور نداده بود یا در امتحانات پایان ترم به آن‌ها نمره قبولی داده نشده بود برخی از این اتهامات اختلاس، همکاری با اسرائیل، همکاری با دربار و ... ولی وی به کمک سید محمود طالقانی از مرگ رهایی یافت و توانست به کمک وی از کشور گریخته و به انگلستان و سپس به آمریکا برود.

ستاره سال‌ها بعد کتابی با عنوان دختری از ایران را نوشت و در این کتاب به زندگی خود و خانواده‌اش و مسائل سیاسی و اجتماعی ایران در زمان پدرش پرداخت. این کتاب روایتی است که از قلم دختری از طبقه اشراف نوشته شده که نگاهی به جامعه و اوضاع و احوال ایران در آن زمان دارد.

درگذشت

وی ساعت ۱۲:۳۶ روز چهارشنبه ۳ خرداد ۱۳۹۱ (۲۳ می ۲۰۱۲)، در لس آنجلس، کالیفرنیا و در سن ۹۱ سالگی درگذشت.

کتابشناسی

ستاره فرمانفرمائیان بخشی از تحقیقات خود و شاگردانش را به صورت کتاب به منتشر کرد:

- مددکاری اجتماعی در مقام توسعه اجتماعی: یک تاریخچه (۱۳۷۵)
- آن سوی دیوار چین (۱۳۵۶)
- ازدواج زود هنگام و حاملگی در سنین پایین در جامعه سنتی و اسلامی (۱۳۵۴)
- معضل فحشاء در شهر تهران (۱۳۴۸)
- کودکان و معلمان (۱۳۴۵)
- شرحی گزیده از رفاه اجتماعی و تنظیم خانواده در ایران (۱۳۴۴)
- نیازهای کودکان (۱۳۳۹)

سودابه داوران



سودابه داوران استاد شیمی و محقق متولد ۱۳۴۴ / تبریز است. او به عنوان یکی از برندگان چهارمین دوره جایزه کمک به علوم و فناوری نانو در سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی ملل متحد (یونسکو) برگزیده شد. وی مدیر دپارتمان نانوفناوری پزشکی دانشکده داروسازی دانشگاه علوم پزشکی تبریز و استاد بیومواد دارویی و نانوتکنولوژی دارویی این دانشگاه است. مدال طی مراسمی در مقر یونسکو واقع در پاریس به او اهدا شد.

فرزانه شرفبافی



رئیس هیئت مدیره و مدیر عامل هواپیمایی جمهوری اسلامی ایران "هما"

مشغول به کار

مهر ۱۳۹۶ – اردیبهشت ۱۳۹۸

حسن روحانی

رئیس‌جمهور

پس از	فرهاد پرورش
پیش از	تورج دهقانی زنگنه
اطلاعات شخصی	
زاده	۱۳۵۲ تهران، ایران
اقامتگاه	تهران
محل تحصیل	دانشگاه شریف
پیشه	مدیر
دین	اسلام شیعه
جایزه	بانوی بصیر کشور

فرزانه شرفبافی متولد ۱۳۵۲ در تهران است. وی دارای مدرک دکتری مهندسی هوافضا از دانشگاه شریف است.

او عضو هیئت مدیره هما بوده است و همچنین مسئولیت‌هایی مانند مدیرکل پژوهش و بهسازی منابع انسانی هما، ریاست مرکز آموزش و بهسازی منابع انسانی هما، ریاست ارشد تضمین کیفیت در مهندسی و تعمیرات هما و همچنین دبیری انجمن علمی حمل و نقل هوایی کشور را در کارنامه خود دارد. فرزانه شرفبافی در اردیبهشت ماه ۱۳۹۸ در حکمی از سوی غلامحسین مظفری، مدیرعامل سازمان منطقه آزاد کیش، به سرپرستی شرکت هواپیمایی کیش ایر منصوب شد.

مدیر عامل هواپیمایی ملی ایران

عباس آخوندی وزیر راه و شهرسازی دوره یازدهم، در حکمی فرزانه شرفبافی را به عنوان سرپرست جدید شرکت هواپیمایی جمهوری اسلامی ایران (ایران ایر) منصوب کرد. فرزانه شرفبافی در تاریخ ۱۲ مهر ۱۳۹۶ با تصویب هیئت دولت به عنوان عضو هیئت مدیره و مدیرعامل شرکت هواپیمایی جمهوری اسلامی ایران منصوب شد و در تاریخ ۱۵ اردیبهشت سال ۱۳۹۸ جای خود را به تورج دهقانی داد.

سوابق تحصیلی

مقطع تحصیلی	نام دانشگاه	رشته تحصیلی
دکتری مهندسی	دانشگاه صنعتی شریف	مهندسی هوافضا، گرایش سازه‌های هوایی

مهندسی مکانیک، گرایش هوافضا	دانشگاه صنعتی شریف	کارشناسی ارشد
مهندسی مکانیک، گرایش هوافضا	دانشگاه صنعتی شریف	کارشناسی

سوابق تدریس فرزانه شرفبافی

1. آنرودینامیک
2. طراحی سازه‌های هوایی
3. مواد و روش‌های ساخت
4. شکست، خستگی و خزش
5. تعادل و پایداری هواپیما
6. ارابه‌های فرود
7. موتورهای جت
8. سیستم سوخت رسانی هواپیما
9. سیستم تهویه مطبوع هواپیمای فوکر ۱۰۰
10. هیدرولیک و نیوماتیک هواپیمای فوکر ۱۰۰
11. تحلیل سازه‌های هوایی
12. قوانین و مقررات هوایی
13. فاکتورهای انسانی در صنعت هوانوردی
14. سیستم مدیریت ایمنی
15. اصول ممیزی هوایی
16. مدیریت ریسک‌های هوایی
17. مدیریت ریسک حراست هوایی

فریناز کوشانفر



زاده	۱۹۷۷ تهران، ایران
محل زندگی	سن دیگو، کالیفرنیا
محل تحصیل	دانشکده مهندسی برق دانشگاه صنعتی شریف دانشگاه کالیفرنیا در لس آنجلس دانشگاه برکلی
شناخته شده برای	طراحی نوعی از میکروتراشه‌ها
جایزه	جایزه مخترع جوان سال ۲۰۰۸
شاخه(ها)	پیشینه علمی مهندسی الکترونیک
محل کار	دانشگاه رایس دانشگاه کالیفرنیا در سن دیگو

فریناز کوشانفر (زاده ۱۹۷۷ در تهران) پژوهش‌گر و استاد تمام دانشگاه کالیفرنیا در سن دیگو، است. زمینه پژوهشی و مطالعاتی او مهندسی کامپیوتر و الکترونیک می‌باشد.

زندگی‌نامه

کوشانفر از پدری پزشک اهل شمال ایران و مادری تهرانی در تهران زاده و بزرگ شد. وی دوره راهنمایی و دبیرستان را در مدرسه فرزندگان تهران گذرانده است. از کودکی، کوشانفر تحت تأثیر پدر بزرگ مادری خود که پزشک و از درجه‌داران ارتش شاهنشاهی ایران بود، قرار داشت. پدر بزرگ کوشانفر او را ترغیب به پیگیری «علوم جدید» کرد و با تصویری که از ماری کوری، دانشمند زن فرانسوی، در ذهن داشت، فریناز را به پیگیری فیزیک هسته‌ای تشویق می‌کرد.

او در سال ۱۹۹۸ از دانشکده مهندسی برق دانشگاه صنعتی شریف در رشته مهندسی برق موفق به دریافت درجه کارشناسی شد و پس از آن برای ادامه تحصیل راهی ایالات متحده آمریکا شد. وی دانش‌آموخته مقطع کارشناسی ارشد دانشگاه کالیفرنیا، لس آنجلس در رشته برق و کامپیوتر است. پس از آن کوشانفر در در ژانویه سال ۲۰۰۱ راهی دانشگاه برکلی شد و دکترای خود را در برق و کامپیوتر از این دانشگاه دریافت کرد و در همان حال در رشته آمار و احتمال نیز در مقطع کارشناسی ارشد، ادامه تحصیل داد.

وی هم‌اکنون مقیم سن دیگو در کالیفرنیا است، و پس از کسب رتبه استادی در دانشگاه رایس اکنون در دانشگاه کالیفرنیا، سن دیگو مشغول به تدریس است.

افتخارها

فریناز کوشانفر در سال ۲۰۰۸، جایزه مخترع جوان سال (TR35) را دریافت کرد. این جایزه هر ساله از سوی مجله «تکنولوژی ریویو» دانشگاه ام‌آی‌تی به یکی از ۳۵ مخترع برتر جوان دنیا داده می‌شود. او به خاطر طراحی نوعی از میکروتراشه‌ها که کاربردهای بسیار گسترده‌ای در صنایعی همچون طراحی و تولید پخش‌کننده‌های چندرسانه‌ای دارد، موفق به دریافت این جایزه شد.

لاله حق وردی



جایزه اروین شرودینگر

شناخته‌شده برای

پیشینه علمی

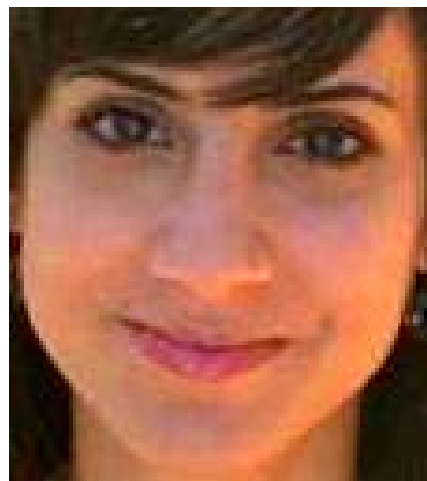
فیزیک

شاخه

لاله حق وردی فیزیکدان ایرانی و برنده جایزه اروین شرودینگر است.

فعالیت‌ها

لاله حق وردی در انستیتوی هلمهولتز در مونیخ به فعالیت مشغول است و به همراه استادان راهنما و مشاور تز دکترای خود، فابین تایز (ریاضی‌دان)، تیم شرودر (زیست‌شناس) و کارستن مار (فیزیکدان) برای طراحی و ارائه راهکارها و الگوریتم‌های جدید مطالعه مکانیسم تقسیم وظایف سلول‌ها در فرایند تقسیم سلول‌های بنیادی جایزه شرودینگر را از آن خود کردند.



لیلی متولد اصفهان هست. او کارشناسی مهندسی الکترونیک از «دانشگاه کانتربری»، کارشناسی ارشد «مهندسی الکترونیک از «دانشگاه آیداهو» و دکترای این رشته را از «دانشگاه استنفورد» دارد. لیلی از سال 2013 تا 2015 «1392 تا 1394» بعنوان مدیر ساخت بخش کروم و مدیر محصول بخش اندروید شرکت مایکروسافت فعالیت کرده هست

بعد از آن به شرکت «یاهو» رفت و بعنوان رهبر بخش مدیریت محصول یاهو کارش را شروع کرد. او از یک سال پیش بعنوان مدیر محصول ارشد در شرکت فیسبوک کار می‌کند و مسئول جست و جوی رسانه ای «تصویر، فیلم و...» هست

لیلی علاوه بر مدرک دکترای مهندسی برق از "دانشگاه استنفورد دارای گواهی کارآفرینی از "دانشکده بازرگانی استنفورد" نیز است. "لیلی بقایی راد" به مدت ۲ سال و طی سالهای ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۵ مدیر محصول شرکت گوگل بود. وی از سال ۲۰۱۵ تا سال ۲۰۱۸ مدیر ارشد محصول در فیس بوک بود و در آنجا به بهبود و پیشرفت فناوری ویدئوی زنده و جستجوی رسانه متمرکز بود اما در حال حاضر وی مدیر ارشد محصول در "اینستاگرام" است. لیلی علاوه بر علاقه‌مندی به کار در شرکت‌های بزرگی مانند "فیسبوک" و "گوگل"، به کارآفرینی اجتماعی نیز علاقه‌مند است. او امیدوار است تا یک روز عشق و محبت خود را نسبت به تکنولوژی و کارآفرینی ترکیب کند و یک کسب و کار نوین در جهت کمک به رشد و توسعه کودکان به حداکثر توانایی خود، بویژه در خانواده‌های فقیرنشین ایجاد کند



ماریا خرسند (متولد ۲۲ خرداد ۱۳۳۶ در ساری) دانشمند رایانه و مدیر ارشد اجرایی ایرانی اهل سوئد است. او در مدتی که مدیر عامل شرکت اریکسون در سوئد بود، موفق شد به یکی بنیان‌گذاران فناوری بلوتوث بدل شود. خرسند در حال حاضر مدیریت تولید سخت‌افزار شرکت دل در سوئد را بر عهده دارد.

زندگی‌نامه

ماریا خرسند در سال ۱۹۵۷ (۱۳۳۶) در شهر ساری متولد شد و در ۱۵ سالگی به همراه خانواده‌اش جهت ادامه تحصیل به لس آنجلس مهاجرت کرد. او در ابتدا وارد رشته روانشناسی شد اما پس از مدتی در رشته کامپیوتر ادامه تحصیل و مدرک فوق لیسانس خود را از دانشگاه ایالتی کالیفرنیا در فولرتون دریافت کرد. او در زمان دانشجویی، با یک دانشجوی سوئدی ازدواج کرده و باهم به سوئد برگشتند.

مریم جعفرخانی کرمانی



زاده	۲۸ ژوئن ۱۹۷۱ کرمان، ایران
تحصیلات	زیست‌فناوری گیاهی
شناخته‌شده برای	اختراع رز ابری و پروتکل تولید انبوه دویپایه سیب رقم‌های مالینگ، و فرایند تولید ارقام گیاهی با روش افزایش میزان ماده وراثتی، و فرایند تکثیر انبوه ۱۵ رقم تجاری رز از طریق کشت بافت، و ایجاد ارقام جدید رز با بکارگیری روش‌های کلاسیک و مدرن بیوتکنولوژی
دین	اسلام

مریم جعفرخانی کرمانی دارای دکتری بیوتکنولوژی گیاهی، عضو هیئت علمی مؤسسه تحقیقات بیوتکنولوژی کشاورزی ایران و مدیر تولید و توسعه یافته‌های تحقیقاتی پژوهشکده بیوتکنولوژی کشاورزی است. او از سال ۱۳۸۴، تا کنون به عنوان عضو هیئت علمی در پژوهشکده بیوتکنولوژی کشاورزی ایران و هماهنگ‌کننده شبکه بیوتکنولوژی کشاورزی ECO مشغول به کار است. مریم جعفرخانی کرمانی به عنوان محقق و پژوهشگر نمونه زن کشور، سال ۱۳۸۷ در زمینه فعالیت‌های تحقیقات بیوتکنولوژی از رئیس‌جمهوری ایران لوح تقدیر دریافت کرد. مریم جعفرخانی کرمانی در اولین انتخابات انجمن گل و گیاهان زینتی ایران در اردیبهشت سال ۱۳۹۲ به عنوان عضو هیئت مدیره انجمن گل و گیاهان زینتی ایران برگزیده شد و به عنوان خزانه دار هیئت مدیره این انجمن مشغول به کار است. وی در دومین انتخابات انجمن گل و گیاهان زینتی ایران نیز، از سوی اعضای «انجمن گل و گیاهان زینتی ایران» برای عضویت در هیئت مدیره این انجمن مجدداً منتخب شد. «انجمن گل و گیاهان زینتی ایران» فعالیت‌های خود را «زیر نظر وزارت علوم، تحقیقات و فناوری» در دستبندی علوم پایه، به انجام می‌رساند.

جعفرخانی کرمانی در سال ۱۳۹۳ دبیر علمی اولین همایش ملی گل و گیاهان زینتی ایران بود، این کنگره تاکنون (سال ۱۳۹۷ هجری شمسی) پی در پی با هدف ارتقاء دانش و ایجاد ارتباط بین متخصصین و محققین داخلی ایرانی و مطرح بین‌المللی و معرفی پژوهش‌ها و دستاوردهای جدید در زمینه‌های مختلف علوم و تولیدات تجاری گل و گیاهان زینتی با تعیین محورهای مختلف در حوزه گل و گیاهان زینتی برگزار شده و در سال ۱۳۹۷ نیز «دومین کنگره بین‌المللی» و «سومین کنگره ملی» گل و گیاهان زینتی ایران با همکاری مجری طرح توسعه گلخانه‌های ایران (معاونت باغبانی وزارت جهادکشاورزی) در محلات برگزار شد.

ارائه تازه‌های علمی، همکاری‌های نوین و تشریح رویکرد توسعه گلخانه‌های کشور ایران، در زمینه گل و گیاهان زینتی از ویژگی‌های این کنگره هستند، جعفرخانی کرمانی سردبیر مجله علمی ترویجی گل و گیاهان زینتی ایران نیز است. مجله علمی ترویجی گل و گیاهان زینتی، توسط پژوهشکده ملی گل و گیاهان زینتی و باهدف اطلاع‌رسانی پیشرفت‌ها و گسترش علوم مربوطه منتشر می‌شود؛ و فرایند پذیرش مقاله بدین شکل است که ابتدا مقاله توسط مؤلف فرستاده می‌شود و پس از مطرح شدن در هیئت تحریریه و در صورت تأیید برای داوران منتخب ارسال خواهد شد؛ و نتایج داوری و در صورت لزوم پیشنهادات اصلاحی برای مؤلف ارسال و پس از انجام اصلاحات و در صورت تأیید داور نهایی مورد پذیرش چاپ قرار خواهد گرفت.

فعالیت‌ها

از فعالیت‌های مریم جعفرخانی کرمانی می‌توان به تحقیقات گسترده او و تیم تحقیقاتی همکارش بر روی به نژادی و اصلاح ارقام گل رز که منجر به ایجاد ارقام جدید شده‌است اشاره نمود. او برای «اولین بار» دانش فنی «تولید انبوه نهال‌های سالم سیب با بکارگیری فناوری کشت بافت» را ایجاد نموده‌است، با دانش فنی تولید نهال برتر به روش کشت بافت، افزایش ۳۰ درصدی در عملکرد سیب محقق شد و تحولی بزرگ در عملکرد سیب درختی رخ داد.

وی مجری طرح تولید انبوه واریته گل رز در پژوهشکده بیوتکنولوژی کشاورزی ایران واقع شده در کرج است و با هدف کاهش نیاز بازار کشور ایران به ارقام گل رز خارجی، در این پژوهشکده بیوتکنولوژی کشاورزی، اقدام به تهیه "پروتکل تولید انبوه رز با روش کشت بافت" کرده‌است. کشت بافت روشی آزمایشگاهی است که به وسیله آن می‌توان انبوه گیاه در حد میلیون‌ها شاخه را در مدت زمان کوتاهی تولید کرد و مزیت اصلی آن در قیاس با روش‌های سنتی تکثیر، تهیه گل و گیاهانی عاری از هرگونه بیماری و آلودگی است، و در این روش گیاهان در شرایط آزمایشگاهی در درون شیشه قرار گرفته و با تنظیم هورمون‌های رشد و املاح و نمک‌ها در شرایط محیطی کنترل شده در تمام فصل‌های سال قابل تکثیر هستند و گیاهان کشت بافتی پس از ریشه دار شدن به گلخانه‌های سازگار و در نهایت به گلخانه‌های تجاری برای تولید گل شاخه بریده منتقل می‌شوند.

دانش فنی تولید انبوه گل رز با روش کشت بافت برای ارقام بازار پسند توسط محققان پژوهشکده بیوتکنولوژی کشاورزی تهیه شده‌است.

ایجاد تحول با تولید نهال‌های باغات سیب به روش کشت بافت

افزایش ۳۰ درصدی عملکرد باغات سیب از طریق تولید نهال‌های برتر به روش کشت بافت، از جمله نتایج فعالیت‌های مریم جعفرخانی کرمانی در پژوهشکده بیوتکنولوژی کشاورزی است و به گزارش خبرگزاری ایسنا، با انتقال دانش فنی تولید نهال سیب مالینگ از طریق کشت بافت به بخش خصوصی ایران شرکت‌های دریافت‌کننده این دانش فنی اقدام به تولید نهال‌های سالم و شناسنامه‌دار کرده‌اند و با عرضه این فناوری می‌توان بازسازی نهالستان‌ها را در طی ۸ تا ۹ سال کامل کرده و تولید سیب کشور ایران را با حفظ سطح زیر کشت، تا میزان ۲ برابر (یعنی افزایش ۱۰۰ درصدی) افزایش داد. با دانش فنی تولید نهال برتر به روش کشت بافت و افزایش ۳۰ درصدی در عملکرد سیب تحولی بزرگ در عملکرد سیب درختی ایران رخ داد.

مریم جعفرخانی کرمانی، مجری این طرح که برای اولین بار دانش فنی «تولید تولید انبوه نهال‌های سالم سیب با بکارگیری فناوری کشت بافت» را ایجاد نموده و آن را به شرکت‌های بخش خصوصی منتقل کرد، در گفتگو با خبرگزاری ایسنا اظهار کرد، انتظار می‌رود با بازسازی باغات قدیمی و احداث باغ‌های جدید در جهت کم کردن فاصله عملکرد سیب ایران، از ۱۶ تن در هکتار در بهمن ۱۳۸۷ به ۳۲ تن در هکتار در وضعیت ایدئال دست یافت.

دستاوردهای علمی

- تولید ۴ رقم جدید رز (دو تتراپلوئید از گیاهان دیپلوئید: 'Thérèse Bugnet' و 'Pink Surprise' و دو هگزاپلوئید از گیاهان تریپلوئید: 'Alister Stella Gray x Abraham Darby' و 'New dawn') که در حال حاضر در کمپانی دیپوید آستین در برنامه‌های اصلاح رز مورد استفاده قرار می‌گیرند. (سال: ۲۰۰۱)
- تولید ۱ رقم جدید رز (گیاه هگزاپلوئید از گیاه تریپلوئید 'Iceberg').
- ثبت اختراع «پروتکل تولید انبوه دویپایه سیب رقم‌های مالینگ مرتون ۱۰۶ و ۱۱۱ (MM111) and MM106) از طریق کشت بافت» در سازمان علمی، پژوهش‌های صنعتی
- ثبت اختراع «فرایند تولید ارقام گیاهی با روش افزایش میزان ماده وراثتی»

- ثبت اختراع «فرایند تکثیر انبوه ۱۵ رقم تجاری رز از طریق کشت بافت»
 - کشف گونه جدید رز با نام R. abrica و ثبت آن در مجله رستنی‌ها (به عنوان همکار)
 - تدوین پروتوکل تولید انبوه نهال‌های سالم سیب با بکارگیری فناوری کشت بافت
- دستاوردهای در سطح پایلوت یا تولید آزمایشگاهی**

- تدوین پروتوکل تولید انبوه عناب با بکارگیری فناوری کشت بافت
- جوایز**

- دریافت جایزه زن نخبه و برگزیده از رئیس‌جمهور برای تدوین پروتوکل تولید انبوه پایه‌های سیب و انتقال آن به بخش خصوصی در سال ۱۳۸۷
- دریافت تقدیر نامه از وزیر جهاد کشاورزی برای دستیابی به پروتوکل تولید انبوه ارقام تجاری و بازار پسند رز از طریق تکنیک کشت بافت در سال ۱۳۹۰
- کسب عنوان پژوهشگر برتر وزارت جهاد کشاورزی در سال ۹۰

مریم شانه‌چی



زاده ۱۹۸۱

محل زندگی ایالات متحده آمریکا 🇺🇸

پس‌زمینه‌های علمی

دانشگاه تورنتو، مؤسسه فناوری ماساچوست

عنوان پایان‌نامه
Real-time brain-machine interface architectures: neural decoding from plan to movement

سال دفاع ۲۰۱۱

مریم شانه‌چی دانشمند، مهندس و متخصص اعصاب است که روش‌های رمزگشایی فعالیت مغز را برای کنترل رابط‌های دستگاه مغز مطالعه می‌کند. در سال ۲۰۱۴ به عنوان یکی از مبتکران زیر ۳۵ سال ام‌آی‌تی تکنالژی ریویو و یکی از ده دانشمند برتر ساینس نیوز در سال ۲۰۱۹ انتخاب شد.

اوایل زندگی و شغل

شانه‌چی در ایران زاده شد و در سن ۱۶ سالگی به همراه خانواده به کانادا مهاجرت کرد. او لیسانس خود را در رشته مهندسی از دانشگاه تورنتو در سال ۲۰۰۴ گرفت و سپس وارد دانشگاه MIT شد و مدرک کارشناسی ارشد خود را در مهندسی برق و علوم کامپیوتر در سال ۲۰۰۶ و دکترای خود را در سال ۲۰۱۱ به دست آورد. وی قبل از انتقال به دانشگاه کالیفرنیا، برکلی، در سال ۲۰۱۲، دکتری فوق تخصص خود را در دانشکده پزشکی هاروارد به اتمام رساند. او پیش از رفتن به دانشگاه کالیفرنیا، جنوبی در دانشکده مهندسی ویتربی یواس‌سی، نیز در مقام استاد بود است.

پژوهش

شانه‌چی در طی دوره فارغ‌التحصیلی خود در MIT، به رمزگشایی مغز یعنی ایده خواندن معنی اصلی از سیگنال‌های مغز علاقه‌مند شد. او یک الگوریتم تهیه کرد تا از قابلیت مغز یک میمون که در آن حیوان می‌خواست مکان‌نما را بر روی نمایشگر رایانه بگذارد، تعریف کرد. او بعداً با رمزگشایی با سرعت بالا، کار خود را بهبود بخشید، یعنی رمزگشایی بیش از چند میلی‌ثانیه اتفاق افتاد، و نه هر ۱۰۰ میلی‌ثانیه، که استاندارد برای روش‌های سنتی است.

در سال ۲۰۱۳ او یک روش رمزگشایی مغز ایجاد کرد که می‌تواند به‌طور خودکار کنترل میزان بیهوشی را که برای بیمار تجویز می‌شود، کنترل کند. آنها قادر به کنترل عمق کما ناشی از پزشکی در جوندگان بودند که به‌طور خودکار براساس فعالیت مغزی کنترل می‌شوند.

جوایز

- ده دانشمند برتر ساینس نیوز، ۲۰۱۹
- ده استعداد درخشان پایبولار ساینس، ۲۰۱۵
- نوآوران زیر ۳۵ سال ام‌آی‌تی تکنالژی ریویو، ۲۰۱۴

مریم کوچکی‌نژاد



مریم کوچکی نژاد متولد گیلان دانش‌آموخته دانشگاه صنعتی شریف در میان ۴۰ استاد برتر جوان زیر
چهل سال در دنیا در رشته مدیریت انتخاب شد. این انتخاب بر اساس رده بندی سایت
(Poets & Quants)

انجام شد

در ماه مارس هر سال یک کمیته از افراد متخصص مسئولیت انتخاب لیست چهل نفر نهایی برای
معرفی اساتید جوان برتر رشته مدیریت را برعهده دارد. معیار انتخاب بر اساس مهارت‌های تدریس و
کیفیت مقالات تحقیقاتی اساتید است. مطابق آمار وبسایت برای رقابت سال ۲۰۲۰ بیش از ۲۰۰۰
کاندیداتوری برای ۱۶۰ استاد رشته مدیریت از سراسر دنیا داشته‌اند که از این میان ۴۰ استاد به عنوان
لیست نهایی انتخاب شد

مریم کوچکی نژاد دانش‌آموخته رشته کارشناسی و کارشناسی ارشد فیزیک در دانشگاه صنعتی شریف
بوده و علاقمند به رشته رفتار سازمانی و روانشناسی است. الهام بخش وی در این مسیر دکتر فیض
بخش در دانشگاه صنعتی شریف بوده است

وی دکتری رفتار سازمانی را از دانشگاه یوتا و پس‌ادکتری را در مرکز دانشگاه هاروارد دریافت کرده
است و در سال ۲۰۱۴ به دانشگاه نورت وسترن پیوسته است جایی که در آن تحقیقات تأثیرگذاری در
مورد رفتار انسان انجام داده و در حال حاضر دانشیار دانشکده مدیریت این دانشگاه است

تمرکز اصلی تحقیقات وی در زمینه درک ماهیت پویای تصمیم‌گیری‌های اخلاقی و چگونگی تجربه
روانی افراد از نظر روانشناسی در برخورد‌های اخلاقی روزمره است

یافته‌های وی علاوه بر اینکه در بسیاری از مجلات پژوهشی دانشگاهی به چشم می‌خورد، در رسانه
های مهم از جمله نیویورک تایمز، وال استریت ژورنال و هافینگتون پست و ... به نمایش در آمده است

مریم میرزاخانی



۲۲ اردیبهشت ۱۳۵۶


تهران، ایران

زاده

۲۳ تیر ۱۳۹۶ (۴۰ سال)

ایالات متحده آمریکا

درگذشت

علت درگذشت	<u>سرطان پستان</u>
محل زندگی	<u>یالو آلتو، کالیفرنیا</u>
محل تحصیل	<u>دبیرستان فرزندگان تهران</u> <u>دانشگاه صنعتی شریف لیسانس</u> <u>دانشگاه هاروارد دکترا</u>
شناخته شده برای	مدال طلای المپیاد جهانی ریاضی اولین نمره کامل در المپیاد جهانی ریاضی بین دانش آموزان شرکت کننده از ایران اولین ریاضی دان زن برنده مدال فیلدز
همسر	یان واندراک
فرزند	آناهیتا
جایزه ها	جایزه بلومنتال ۲۰۰۹ جایزه تحقیقاتی کلی ۲۰۱۴ مدال فیلدز ۲۰۱۴ 
پیشینه علمی	
رشته(های) فعالیت	<u>ریاضی</u>
محل کار	<u>دانشگاه پرینستون</u> <u>دانشگاه استنفورد</u>
استاد راهنما	<u>کورتیس مکمولن</u>

مریم میرزاخانی (۲۲ اردیبهشت ۱۳۵۶ – ۲۳ تیر ۱۳۹۶) ریاضی دان ایرانی و استاد دانشگاه استنفورد بود. میرزاخانی در سال ۲۰۱۴ به دلیل کنشگری در زمینه «دینامیک و هندسه سطوح ریمانی و فضاهای پیمانه‌ای آن‌ها» برنده مدال فیلدز شد که بالاترین جایزه در ریاضیات است. وی تنها زن و اولین ایرانی برنده مدال فیلدز است.

زمینه تحقیقاتی او مشتمل بر نظریه تائشمولر، هندسه هذلولوی، نظریه ارگودیک و هندسه سیمپلکتیک بود.

مریم میرزاخانی در دوران تحصیل در دبیرستان فرزندگان تهران، برنده مدال طلای المپیاد جهانی ریاضی در سال‌های ۱۹۹۴ (هنگ‌کنگ) و ۱۹۹۵ (کانادا) شد و در این سال به‌عنوان نخستین

دانش‌آموز ایرانی نمره کامل را به دست آورد. وی نخستین دانش‌آموز ایرانی بود که دو سال مدال طلا گرفت. او سپس در سال ۱۹۹۹ مدرک کارشناسی خود را در رشته ریاضی از دانشگاه شریف و دکترای خود را در سال ۲۰۰۴ از دانشگاه هاروارد به سرپرستی کور تیس مکمولن، از برندگان مدال فیلدز، گرفت.

از مریم میرزاخانی به‌عنوان یکی از ده ذهن جوان برگزیده سال ۲۰۰۵ از سوی نشریه پایبولار ساینس در آمریکا و ذهن برتر در رشته ریاضیات تجلیل شد. میرزاخانی برنده جوایزی چون جایزه ستر از انجمن ریاضی آمریکا در سال ۲۰۱۳ و جایزه کلی بود. وی از یازدهم شهریور ماه ۱۳۸۷ (اول سپتامبر ۲۰۰۸) در دانشگاه استنفورد استاد دانشگاه و پژوهشگر رشته ریاضیات بود. پیش از این، او استاد دانشگاه پرینستون بود.

سالروز تولد مریم میرزاخانی ۲۲ اردیبهشت (دوازدهم مه) از سوی اتحادیه بین‌المللی انجمن‌های ریاضی جهان با پیشنهاد کمیته بانوان انجمن ریاضی ایران به عنوان روز جهانی زن در ریاضیات نام‌گذاری شد.

اوایل زندگی و تحصیلات

مریم میرزاخانی در ۲۲ اردیبهشت ۱۳۵۶ (۱۲ مه ۱۹۷۷) در تهران به دنیا آمد. پدرش احمد میرزاخانی مهندس برق و رئیس هیئت مدیره مجتمع آموزشی نیکوکاری «رعده» بود. پدر مریم میرزاخانی اهل روستای فشدک طالقان استان البرز می‌باشد. او با اتمام تحصیلات ابتدایی با شرکت در آزمون ورودی مدارس سمیاد وارد دبیرستان فرزانگان تهران شد. وی در مورد تأثیر مثبت محیط این دبیرستان بر زندگی علمی خود می‌گوید: «من به دبیرستان ممتاز فرزانگان در تهران رفتم و در آنجا اساتید بسیار خوبی داشتم.»

مریم میرزاخانی در سال‌های ۱۳۷۳ و ۱۳۷۴ (سال سوم و چهارم دبیرستان) از دبیرستان فرزانگان تهران موفق به کسب مدال طلای المپیاد ریاضی کشوری شد و بعد از آن در سال ۱۹۹۴ در المپیاد جهانی ریاضی هنگ کنگ با امتیاز ۴۱ از ۴۲ مدال طلای جهانی گرفت. سال بعد، در المپیاد جهانی ریاضی کانادا میرزاخانی با نمره کامل، رتبه اول طلای جهانی را به دست آورد.

مریم میرزاخانی به همراه رؤیا بهشتی اولین دخترانی بودند که به تیم المپیاد ریاضی ایران راه یافتند. مریم میرزاخانی اولین دختری بود که در المپیاد ریاضی ایران طلا گرفت. وی اولین کسی بود که دو سال مدال طلا گرفت و اولین دانش‌آموز شرکت‌کننده از ایران بود که در آزمون المپیاد ریاضی نمره کامل گرفت.

به محض اینکه [میرزاخانی] در هاروارد شروع کرد، مشخص بود که کارش خوب است. مشخص بود که تز دکترایش یک تز انقلابی است.

بهرنگ نوحی، استاد دانشگاه کوئین مری

میرزاخانی دوره کارشناسی را در دانشگاه صنعتی شریف طی کرد. در این دوره، میرزاخانی اثبات ساده‌ای برای قضیه شر یافت که در ماهنامه انجمن ریاضی آمریکا چاپ شد.

مریم سپس به دانشگاه هاروارد رفت و آنجا بر سر کلاس‌های کور تیس مکمولن (از برندگان جایزه فیلدز) حاضر می‌شد. مکمولن او را در این دوران این‌طور به یاد می‌آورد که بر سر کلاس‌هایش سوال‌های زیادی می‌پرسید و با عجله به فارسی یادداشت برمی‌داشت. او سرانجام در سال ۲۰۰۴ از دانشگاه هاروارد و به سرپرستی مکمولن دکترای گرفت.

بعد از اخذ دکترا، میرزاخانی با عنوان استادیار در دانشگاه پرینستون به تدریس مشغول شد. یک سال بعد در سال ۲۰۰۵ نشریه یابیولار ساینس آمریکا او را به عنوان یکی از ۱۰ ذهن جوان جهان برگزید. میرزاخانی تا سال ۲۰۰۸ در پرینستون ماند و در این مدت به درجهٔ استاد تمامی ارتقا یافت. سپس او به استنفورد رفت، و از اول سپتامبر ۲۰۰۸ در ۳۱ سالگی به عنوان استاد تمام در این دانشگاه به کار مشغول شد.

فعالیت‌ها و اختراعات

او به همراه ۹ محقق برجستهٔ دیگر در چهارمین نشست ۱۰ استعداد درخشان نشریه یابیولار ساینس در آمریکا مورد تقدیر قرار گرفت. به نوشتهٔ یواس‌ای تودی این فهرست ۱۰ نفره، شامل محققان و نخبگان جوانی است که در حوزه‌های ابتکاری مشغول به فعالیت هستند و با این حال معمولاً از چشم عموم پنهان مانده‌اند. این فهرست بر اساس پیشنهادهای ارائه شده از سوی سازمان‌های گوناگون، رؤسای دانشگاه‌ها و ناشران انتشارات علمی برگزیده شده‌اند. این محققان برجسته جوان در حوزه‌های گوناگونی از گرافیک رایانه‌ای تا ریاضیات و علوم رباتیک، افق‌های تازه‌ای در مرزهای جهان اطراف ما گشوده‌اند که مریم میرزاخانی ریاضیدان ۳۹ سالهٔ ایرانی یکی از آنها است.

میرزاخانی در سال ۱۹۹۹ میلادی موفق شد راه‌حلی برای یک مشکل ریاضی پیدا کند. ریاضی‌دانان مدت‌های طولانی است که به دنبال یافتن راه عملی برای محاسبه حجم رمزهای جایگزین فرم‌های هندسی هذلولوی بوده‌اند و در این میان مریم میرزاخانی جوان در دانشگاه پرینستون نشان داد که با استفاده از ریاضیات شاید بتوان بهترین راه را به سوی دست یافتن به راه‌حلی روشن در اختیار داشت: محاسبهٔ عمق حلقه‌های ترسیم شده بر روی سطوح هذلولوی. میرزاخانی در تلاش است تا معمای ابعاد گوناگون فرم‌های غیرطبیعی هندسی را حل کند. در صورتی که جهان از قاعده هندسه هذلولوی تبعیت کند، ابتکار وی به تعریف شکل و حجم دقیق جهان کمک خواهد کرد. در واقع مشکل این است که برخی از این اشکال هذلولوی همچون دونات یا آمیب دارای ظاهری بسیار نافرمان هستند که محاسبهٔ حجم آنها را به معمایی جدی برای ریاضی‌دانان مبدل کرده‌است. اما میرزاخانی با یافتن راهی جدید در واقع دست به یک ابتکار عمل بزرگ زد و با ترسیم یک سری از حلقه‌ها بر روی سطح این گونه اشکال پیچیده به محاسبهٔ حجم آنها پرداخت. کاربردهای عملی اندکی برای پژوهش او وجود دارد ولی اگر مشخص شود که جهان توسط هندسه هذلولوی اداره می‌شود، کار او می‌تواند به تعریف دقیق شکل و حجم آن کمک کند.

میرزاخانی در سال ۲۰۰۹ به خاطر دستاوردهایش در ریاضیات برنده جایزه بلومنتال شد. در اعلامیه‌ای که انجمن ریاضی آمریکا به مناسبت برنده شدن این جایزه برای میرزاخانی منتشر کرد، دلیل گرفتن این جایزهٔ مهم ریاضی، "خلاقیت استثنایی، و تز (دکترای) مبتکرانه که در آن، ابزارهای گوناگونی از هندسه هذلولوی گرفته تا روش‌های کلاسیک فرمهای اتومورفیک و تقلیل سیمپلکتیک برای به‌دست آوردن نتایجی در سه مسئلهٔ مهم ترکیب شده‌اند" عنوان شد. در این اعلامیه، این سه مسئله مهم به شرح زیر آمده‌اند:

1. یک رابطه بازگشتی برای حجمهای وایل-پترسون در فضای پیمانهای رویه‌های ریمانی.
2. یافتن تقریبی مجانبی برای تعداد ژنودزیک‌های ساده بسته بر روی رویه‌های ریمانی هذلولوی

با طول داده شده . تعداد این ژنودزیک‌ها، بر اساس نتایج میرزاخانی، برای طول‌های

کمتر یا مساوی ، رشدی مجانبی همانند دارند. در این فرمول، منظور از گونه رویه ریمانی مورد نظر است. این نتیجه، پیامدی از محاسبه حجمهای وایل-پترسون گفته شده در مورد ۱ است.

3. اثباتی نو از حدس ویتن که پیش از آن توسط ماکسیم کانتسویچ در سال ۱۹۹۲ ثابت شده بود. میرزاخانی در اثبات جدیدش تفسیری نو از شمارش ژئودزیک‌ها در فضاهاى پیمانه‌ای به دست می‌دهد.

در سال ۲۰۱۰، میرزاخانی، حدس «شار زلزله» ویلیام ترستن بر روی فضاهاى تایشمولر را که مدت‌ها پرسشی باز و بی‌پاسخ در ریاضی بود به اثبات رساند. این حدس می‌گوید که چنین شاری لزوماً ارگودیک می‌باشد.

میرزاخانی در سال ۲۰۱۴ به همراه الکس اسکین و امیر محمدی ثابت کرد که ژئودزیک‌های مختلط و بستارهای آنها، بسیار منظم هستند و نه بر خلاف انتظار نامنظم یا فراکتالی. به عبارت دیگر، بستارهای چنین ژئودزیک‌هایی جبری هستند و بنابراین، ویژگی‌هایی از جمله صلبیت را دارا می‌باشند. اتحادیه جهانی ریاضی در مطلبی با نام «کار مریم میرزاخانی» این نتایج را چنین توصیف کرد: «یافتن این حقیقت، شگفت‌انگیز است که تصلب در فضاهاى همگن، چگونه انعکاسی در فضاهاى ناهمگنی همچون جهان فضای پیمانه‌ای دارد».

عدد اردیش او ۳ است.

دریافت جایزه فیلدز

او در سال ۲۰۱۴ برنده مدال فیلدز شد که بالاترین نشان علمی رشته ریاضیات است و هر چهار سال یکبار به دانشمندان برگزیده زیر ۴۰ سال اهدا می‌شود و از آن به نوبل ریاضیات نیز تعبیر می‌شود. وی نخستین زن و نخستین ایرانی بود که موفق به دریافت این جایزه گشت.

- توصیف رسمی کمیته مدال فیلدز: «چیره‌دست در گستره قابل توجهی از تکنیک‌ها و حوزه‌های متفاوت ریاضی، او تجسم ترکیبی کمیاب است از توانایی تکنیکی، بلندپروازی جسورانه، بینش وسیع و کنجکاوی ژرف.»
- حسن روحانی، رئیس‌جمهور وقت ایران، در تاریخ ۲۲ مرداد ۱۳۹۳ در پیامی که در صفحه فیسبوک وی نیز منتشر شد، ضمن تقدیر از میرزاخانی، دریافت مدال فیلدز را به وی تبریک گفت.
- رضا فرجی‌دانا، وزیر علوم، تحقیقات و فناوری، علی اکبر صالحی رئیس سازمان انرژی اتمی ایران و محمدرضا عارف رئیس بنیاد پیشبرد علم و فناوری ایران در پیام‌های جداگانه‌ای موفقیت مریم میرزاخانی را در کسب برترین جایزه ریاضیات در جهان را به وی تبریک گفتند.
- جیمز کارلسون از انستیتو ریاضیات کلی (به انگلیسی: Clay Mathematics Institute) می‌گوید:

میرزاخانی در یافتن ارتباطات جدید، عالی است. وی می‌تواند به سرعت از یک مثال ساده به دلیل کاملی از یک نظریه ژرف و عمیق برسد.

- رامین تکلو، استاد ریاضی دانشگاه ایلینوی شیکاگو، گفت: «مریم میرزاخانی حتی بدون گرفتن فیلدز هم در میان معروفترین ریاضی‌دانان جهان بوده‌است.»
- ریچارد داوکینز در حساب توئیترش کسب جایزه فیلدز را به وی تبریک گفت.
- یورگ کرامر، رئیس اتحادیه ریاضی‌دانان آلمان، و گونتر زیگلر، استاد ریاضی دانشگاه آزاد برلین، به میرزاخانی تبریک گفتند. همچنین نشریات آلمانی چون اشپیگل، فرانکفورتر آگماپنه تسایتونگ، زودویچه تسایتونگ، تاگس اشپیگل و برخی رسانه‌های دیگر در مطالب جداگانه‌ای به این موضوع پرداختند.

عضویت در آکادمی ملی علوم آمریکا و فرهنگستان هنر و علوم

مریم میرزاخانی در مه سال ۲۰۱۶ به عضویت در آکادمی ملی علوم برگزیده شد. او نخستین زن ایرانی است که به عضویت در این آکادمی برگزیده می‌شود.

وی در آوریل سال ۲۰۱۷ میلادی به عضویت آکادمی علوم و هنر آمریکا درآمد. مراسم معارفه او قرار بود در اکتبر همان سال برگزار شود.

زندگی شخصی

میرزاخانی علاقه‌ای به قرار گرفتن زیر ذره‌بین رسانه‌ها نداشت و مصاحبه‌های زیادی از او منتشر نشده‌است.

سلیقه سینمایی میرزاخانی بازتابی از ذات بدون مرز پژوهش اوست، که درگیر کاویدن «خصوصیات اشکال هندسی نامعمول» است. او می‌گوید: «گاهی مواقع احساس می‌کنم در یک جنگل بزرگ هستم و نمی‌دانم به کجا می‌روم؛ ولی به طریقی به بالای تپه‌ای می‌روم و می‌توانم همه چیز را واضحتر ببینم. آنچه آن گاه رخ می‌دهد، واقعاً هیجان انگیز است.»

فیلم مورد علاقه او، داگویل، نگاهی خشن به آمریکای دوران رکود بزرگ است. وی گفته که در کودکی آرزو داشته نویسنده شود. او گفت: «وقتی که بچه بودم رویایم این بود که نویسنده شوم. هیجان‌انگیزترین لحظاتم را به خواندن رمان می‌گذراندم، در واقع هر چیزی را به دستم می‌رسید می‌خواندم.» در سال ۱۳۸۴ با همسرش پیان واندراک از دواج کرد، پیان نیز دانشیار ریاضی دانشگاه استنفورد، و پژوهشگر سابق علوم رایانه نظری مرکز تحقیقات آی‌بی‌ام و اهل جمهوری چک است و از او دارای یک فرزند به نام آناهیتا می‌باشد.

حادثه تصادف

در اسفند ۱۳۷۶، اتوبوس حامل دانشجویان ریاضی شرکت‌کننده در بیست و دومین دوره مسابقات ریاضی دانشجویی از اهواز، محل برگزاری مسابقه، راهی تهران بود. تیم متشکل از میرزاخانی، ایمان افتخاری و حسین نمازی در مسابقه رتبه اول کشور را کسب کرده بودند. در حادثه‌ای که پیش آمد، اتوبوس به دره سقوط کرد. شش دانشجوی ریاضی دانشگاه شریف، که اغلب از برگزیدگان المپیادهای ریاضی ملی و بین‌المللی بودند، جان باختند. مریم میرزاخانی از جمله بازماندگان این سانحه بود.

بیماری و درگذشت

در تیر ۱۳۹۶ اعلام شد میرزاخانی به دلیل ابتلا به سرطان در بیمارستانی در آمریکا بستری شده‌است. میرزاخانی از چهار سال پیش‌تر به سرطان پستان مبتلا بوده و این سرطان به مغز استخوان وی سرایت کرده بود. پدر و مادر وی برای مراقبت از او به آمریکا رفتند. وی در ۲۳ تیر ۱۳۹۶ در ۴۰ سالگی در بیمارستانی در کالیفرنیا درگذشت.

مریم میرزاخانی در بین ۷ زنی که دنیا را تغییر دادند

نهاد زنان سازمان ملل در سال ۱۳۹۸ به معرفی ۷ دانشمند زن تأثیرگذار دنیا پرداخت که در میان آن‌ها نام «مریم میرزاخانی» ریاضی‌دان ایرانی هم به چشم می‌خورد.

نامگذاری‌های افتخاری

ایران

تالار میرزاخانی خانه ریاضیات اصفهان کتابخانه دانشکده ریاضیات دانشگاه شریف

کتابخانه دانشکده ریاضیات دانشگاه صنعتی شریف به نام مریم میرزاخانی نامگذاری شده است.

ساختمان آمفی‌تئاتر و کتابخانه دبیرستان فرزنانگان ۱ تهران

به افتخار مریم میرزاخانی، دانش‌آموخته این مرکز، در تیر ماه سال ۱۳۹۶ نام یکی از ساختمان‌های این دبیرستان موسوم به ساختمان آمفی‌تئاتر و کتابخانه، به ساختمان پروفیسور مریم میرزاخانی تغییر یافت.

خانه ریاضیات اصفهان

هیئت امنای خانه ریاضیات اصفهان، در بیستم مرداد ۱۳۹۵ تصویب کرد تالار همایش‌ها و کنگره‌هایش در شهر علم اصفهان بنام مریم میرزاخانی، نامگذاری شود.

تالار اجتماعات دبیرستان بین‌الملل و تطبیقی پسران تهران

از دی‌ماه ۱۳۹۹، تالار اصلی اجتماعات مجتمع آموزشی بین‌الملل و تطبیقی پسران تهران، به نام «تالار مریم میرزاخانی» نامگذاری شده است.

خارج از ایران

- در ۲ فوریه ۲۰۱۸ استلاچیک، شرکتی فعال در زمینه تصویربرداری و تحلیل دیدبانی زمین، میکروماهواره‌ای از سری گنوست (به اسپانیایی: NuSat) را به فضا پرتاب کرد که به افتخار مریم میرزاخانی نامگذاری شده است.
- سیارک ۳۲۱۳۵۷ میرزاخانی به یاد او نامگذاری شد. نامگذاری افتخاری رسمی توسط مرکز بررسی ریزسیاره‌ها منتشر شد.

روز تولد مریم میرزاخانی، روز جهانی زن در ریاضیات نامگذاری شد

روز تولد مریم میرزاخانی بیست و دوم اردیبهشت (دوازدهم مه) از سوی اتحادیه بین‌المللی انجمن‌های ریاضی جهان با پیشنهاد کمیته بانوان انجمن ریاضی ایران به عنوان روز جهانی زن در ریاضیات نامگذاری شد.

جایزه مریم میرزاخانی مرزهای نو

در چهارم نوامبر ۲۰۱۹ بنیاد جایزه بریکترو اعلام کرد که جایزه جدیدی به نام جایزه مریم میرزاخانی مرزهای نو را ایجاد کردند که به زنان پیشتاز در علم ریاضی تقدیم خواهد شد. این جایزه به مبلغ ۵۰،۰۰۰ دلار هر ساله به زنان ریاضیدان تازه‌کار که دکترای خود را در دو سال قبل از تقدیم جایزه گرفته‌اند پرداخت می‌شود. جایزه ممکن است به دونفر تعلق گیرد.

نام «مریم میرزاخانی» بر یکی از خیابان‌های برلین

در ۸ مارس و به مناسبت روز زن نام «مریم میرزاخانی» دانشمند ایرانی به پیشنهاد دانشجویان «دانشگاه فنی برلین» بر یکی از خیابان‌های این شهر گذاشته شد.

نام «مریم میرزاخانی» بر خیابانی در شهر مون‌پلیه فرانسه

نام مریم میرزاخانی مدتی است که بر تابلوی یکی از خیابان‌های شهر «مون‌پلیه» فرانسه قرار گرفته است. جالب است که در صورتجلسه انجمن شهری مون‌پلیه آمده که این نامگذاری به پیشنهاد اعضای انجمن بوده است.

نام «مریم میرزاخانی» بر خیابانی در شهر لیون فرانسه

نام مریم میرزاخانی بر روی خیابانی در کنار دانشگاه معروف «اکول نرمال» در شهر لیون فرانسه گذاشته شد.

فیلم مستند

تاکنون دو فیلم مستند در مورد زندگی مریم میرزاخانی ساخته شده است:

- «دختر جبر» توسط فرزاد کاظمزاده از BBC فارسی
- "The Mathematical Vision of Maryam: Secrets of the Surface" Mirzakhani (اسرار رویه‌ها: ژرف‌بینی ریاضی مریم میرزاخانی) توسط George Csicsery از MSRI (مؤسسه پژوهش علوم ریاضی)

آثار در مورد مریم میرزاخانی

- مریم میرزاخانی ملکه ریاضی ایران برنده جایزه فیلدز، نویسنده: علیرضا برادران، ناشر فیدیبو
- دختری از تبار ما نوشته: کامران شهبازی، ناشر نقد فرهنگ
- زندگی‌نامه و خدمات علمی و فرهنگی پروفیسور مریم میرزاخانی، نویسندگان: نادره جلالی، کاوه خورابه، ناشر: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی

جوایز و افتخارات

- مدال طلا. المپیاد جهانی ریاضی (هنگ‌کنگ ۱۹۹۴)
- مدال طلا (با نمره کامل). المپیاد جهانی ریاضی (کانادا ۱۹۹۵)
- همکار پژوهشگاه دانش‌های بنیادی، تهران، ایران از ۱۹۹۵ تا ۱۹۹۹
- جایزه افتخاری دانشگاه هاروارد در سال ۲۰۰۳
- جایزه برترین فارغ‌التحصیلان دانشگاه هاروارد در سال ۲۰۰۳
- جایزه پژوهشگر برتر بنیاد ریاضیات کلی در سال ۲۰۰۴
- جایزه ای‌ام‌اس بلومنتال در سال ۲۰۰۹
- دعوت به کنگره بین‌المللی ریاضیات در سال ۲۰۱۰ برای سخنرانی در مورد «توپولوژی و سیستم‌های پویا و معادله دیفرانسیل معمولی»
- جایزه ستر از طرف انجمن ریاضی آمریکا در سال ۲۰۱۳
- انتخاب به عنوان یکی از ده فرد مهم سال ۲۰۱۴ از سوی مجله نیچر
- جایزه بنیاد ریاضیات کلی در سال ۲۰۱۴
- سخنران مدعو کنگره بین‌المللی ریاضی (۲۰۱۴)
- مدال فیلدز سال ۲۰۱۴ سنول
- عضویت در فرهنگستان علوم فرانسه در سال ۲۰۱۵
- عضویت در مجمع فیلسوفان آمریکا در سال ۲۰۱۵
- عضویت در آکادمی ملی علوم آمریکا در سال ۲۰۱۶
- عضویت در فرهنگستان هنر و علوم در سال ۲۰۱۷

منیژه رازقی



پروفسور منیژه رازقی متولد اصفهان است و هم‌اکنون در دانشگاه نورت‌وسترن آمریکا در زمینه فیزیک و فناوری نیمه‌رساناها تدریس می‌کند. وی تحصیلاتش را در رشته فیزیک تا اخذ مدرک دکتری در دانشگاه پاریس سپری کرد و بین سال‌های 1981 تا 1985 دانشمند محقق ارشد در پروژه تامسون در «ارسی» فرانسه فعالیت داشته و در سال 1991 ریاست آزمایشگاه مواد اکتشافی را بر عهده گرفت. دکتر رازقی یکی از دانشمندان برجسته در رشته علوم و فناوری نیمه‌رساناها است، از پیشگامان MOMBE, GASMBE, MBE, و «III» برای رشد درجه کامل ترکیبی نیمه‌رساناهای ترکیبی VPE, MOCVD «دیوارهای کوانتومی» است

وی موفق به ساخت قوی‌ترین لیزر نیمه‌رسانا در جهان موسوم به لیزر کوانتوم آبخاری شده است که به لحاظ قدرت و کارایی رکورد لیزرهای قبلی را شکسته است. این استاد و محقق ایرانی که سرپرست تیم تحقیقاتی این پروژه را در مرکز ابزار یا کوانتومی و یا به اختصار انگلیسی (CQD)

در دانشگاه نورث‌وسترن آمریکا بر عهده داشت، همچنین توانسته کارایی و نفوذ دو شاخه توکار لیزر یعنی توانایی تغییر انرژی الکترونیکی به نور را در این لیزر افزایش دهد. لیزر آبخاری کوانتوم نوعی لیزر نیمه‌رسانا است که دارای تابش در بخش میانه تا انتهای مادون قرمز طیف الکترومغناطیسی است. دکتر رازقی نویسنده پنج کتاب و نویسنده یا دستیار نویسنده بیش از هزار مقاله است و برای شرکت در بیش از ۳۰۰ سخنرانی دعوت شده است. منیژه رازقی که ۵۰ اختراع را نیز به ثبت رسانده است، از پاییز سال ۱۹۹۱ به هیات اساتید دانشگاه نورت‌وسترن ملحق شده است. وی همچنین به عنوان رئیس مرکز جدید ابزار کوانتوم در این دانشگاه فعالیت دارد. رازقی تاکنون ریاست چندین کنفرانس بین‌المللی را نیز در زمینه مفاهیم فیزیک ماده برای کاربردهای ابزار نوری الکترونیکی بر عهده داشته است. را کسب کرد و در سال ۱۹۹۵ موفق به اخذ IBM رازقی در سال ۱۹۸۷ جایزه علوم فناوری اروپای جایزه از «انجمن مهندسان زن» شد.

مونا جراحی



مونا جراحی متولد 1356 در سن ۲۱ سالگی از دانشگاه صنعتی شریف در رشته مهندسی الکترونیک فارغ‌التحصیل شد و فوق‌لیسانس خود را از دانشگاه استنفورد در سال ۲۰۰۳ و مدرک دکتری‌اش را نیز در سال ۲۰۰۷ از همین دانشگاه گرفت. وی همچنین مقطع پسادکتری خود را در دانشگاه کالیفرنیا و تنها ایرانی است که مدال افتخار UCLA برکلی گذراند. او هم‌اکنون استاد دانشگاه ایالتی کالیفرنیا «استعداد برتر حرفه‌ای جوان سال» را دریافت کرده است

پروفسور مونا جراحی در سال 2013، در مراسمی که در کاخ سفید برگزار شد، نشان «استعداد برتر حرفه‌ای جوان سال» را از باراک اوباما به دلیل تحقیقات و پروژه‌های خلاقانه وی در گسترش دانش پلاسمونیک در ساخت وسایل نانوالکترونیک و نانوفتونیک و صنعتی کردن فناوری «تراهرتز» دریافت کرد. فناوری «تراهرتز» در صنایع پزشکی، دارویی و ماشین‌آلات کاربرد دارد

تنها جراحی ایرانی‌تبار حاضر در بین ۱۰۲ استعداد برتر سال بود که مفتخر به گرفتن این نشان شد جراحی که تاکنون جایزه‌های متعددی را برده است که می‌توان به جایزه پیشگامان مهندسی از آکادمی ملی بنیاد مهندسی، جایزه پیشرفت شغلی زود هنگام از بنیاد ملی علوم، جایزه محققان جوان از دفتر تحقیقات نظامی آژانس پروژه‌های دفاعی پیشرفته مرکز تحقیقات نظامی (دارپا) اشاره کرد

مینا بیسل



تهران

زاده

مدرسه پزشکی هاروارد
دانشگاه کالیفرنیا، برکلی

محل تحصیل

زیست‌شناس

پیشه

پژوهش درباره سرطان

شناخته‌شده برای

جایزه ارنست اورلاندو
لاورنس، کمک‌هزینه گوگنهايم، جایزه
پتزکولر

جایزه ها

مینا بیسل (انگلیسی: Mina Bissell) زیست‌شناس ایرانی آمریکایی است. شهرت وی به خاطر پژوهش دربارهٔ سرطان سینه است. وی در سال ۲۰۰۷ موفق به دریافت جایزه پنزکولر شد. این جایزه به خاطر نتایج پژوهش وی در زمینه توانایی زیرمحیط‌های تغییرات سلولی، تبدیل شدن آنها به تومورها و امکان استفاده از یک سلول سرطانی برای رفتارهای عادی سلول‌ها به وی اهدا شد. بیسل نیز مدتی رئیس انجمن بیولوژی سلولی آمریکا بود.

زندگی‌نامه

مینا بیسل در تهران متولد شد. پس از اتمام دوره دبیرستان به تشویق یکی از دوستانش به آمریکا رفت و پس از رفتن به کالج برین مایر و کالج رادکلیف در رشته شیمی تحصیلات کارشناسی خود را به پایان رساند. وی پس از آن در مدرسه پزشکی هاروارد به تحصیل در رشته میکروبیولوژی و ژنتیک مولکولی در مقطع دکتری پرداخت.

بیسل در سال ۱۹۷۲ به آزمایشگاه ملی لارنس برکلی پیوست و در آنجا در سال‌های متمادی به عنوان کارشناس ارشد بیوشیمی، دانشمند ارشد، مدیر بخش زیست‌شناسی سلولی و مولکولی، مدیر بخش علوم زندگی، و دانشمند برجسته فعالیت کرد. در سال ۲۰۲۰ او برنده جایزه معتبر گاردینر شد.

او عضو فرهنگستان هنر و علوم آمریکا است و برنده جوایزی همچون جایزه ارنست اورلاندو لاورنس، کمک‌هزینه گوگنهایم و مدال افتخاری انجمن سرطان آمریکا شده است.

مینو اختر زند



زادهٔ ۱۰ آذر ۱۳۳۵-۱ دسامبر ۱۹۵۶
تهران

تحصیلات کارشناسی ارشد مهندسی برق

محل تحصیل مؤسسه سلطنتی فناوری کی تی اچ

کارهای برجسته	عضو هیئت رئیسه دانشگاه سودرتورن در استکهلم مدیر عامل شرکت راه آهن سوئد بان ورکت (از فوریه ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۰) مدیر عامل شرکت تولید انرژی واتن فال مدیرکل شورای استانی کار در شهر اویسالا سوئد
منصب	استاندار یونشوپینگ سوئد از سپتامبر ۲۰۱۰
همسر	متاهل
فرزند	یک پسر
جایزه	برنده نشان ممتاز افتخاری بی بی خشت در سال ۲۰۰۸

مینو اختر زند (متولد ۱۳۳۵ در تهران)، استاندار یونشوپینگ در کشور سوئد و عضو هیئت رئیسه دانشگاه سودرتورن در استکهلم است.

وی دانش‌آموخته سال ۱۹۷۸ در رشته مهندسی برق از مؤسسه سلطنتی فناوری استکهلم است. از جمله سمت‌های قبلی وی، مدیریت عامل شرکت تولید انرژی واتن فال، مدیرکل شورای کار در شهر اویسالا سوئد و مدیریت عامل شرکت راه آهن سوئد (بان ورکت) است.

مینو اختر زند برنده نشان ممتاز افتخاری بی بی خشت در سال ۲۰۰۸ است. این جایزه در سوئد هر ساله به بانوان مدیری داده می‌شود که در طی سال به پرقدرت‌ترین پست مدیریت کشور ترفیع مقام پیدا کرده باشد.

اختر زند در ماه مه سال ۲۰۱۰ به سمت استانداری یونشوپینگ سوئد منصوب شد. او نخستین ایرانی بود که سمت استانداری را در سوئد به عهده می‌گرفت.

مجموعه گلستان (زنان بزرگ ایران زمین)
مجید بهرام بیگی ۱۴۰۰ (Arya Bâhram)
زنان بزرگ سیاسی و جنگی ایران در طول تاریخ



آریا بهرام

زنان بزرگ سیاسی و جنگی ایران در طول تاریخ

- 178 آتوسا دختر کوروش
 187 آرتادخت
 187 آرتامیس
 188 آریاتس
 188 آزرمی دخت
 192 آسیه خانم مادر فتحعلیشاه
 193 اشرفالملوک فخرالدوله
 199 بوران دخت
 204 بی بی مریم بختیاری
 208 پانته آ
 210 پروانه اسکندری
 213 تاج السلطنه دختر ناصرالدین شاه
 215 دینگ همسر یزدگرد دوم
 217 زینب پاشا
 222 سورا
 223 سیده ملک خاتون
 227 شیرین معاضد
 229 کاساندان
 231 گردیه
 234 گوهرشاد بیگم
 236 مریم فیروز
 238 ملک تاج نجم السلطنه
 241 مهرانگیز دولتشاهی
 244 مهرانگیز منوچهریان

آتوسا



شهبانوی بانوان ایران
شاهدخت پارسی



نام او تئوسه به شکل فارسی باستان

ملکه مادر

۴۸۶ - ۴۷۶ پ.م.

تصدی

۴۸۶ پ.م.

تاج‌گذاری

کاساندان

پیشین

امستریس

جانشین

ملکه هخامنشیان

۵۲۰ - ۴۸۶ پ.م.

تصدی

۵۲۰ پ.م.

تاج‌گذاری

۵۵۰ پ.م. یاسارگاد

زاده

درگذشته	۴۷۶ پ.م. <u>پارسه</u>
آرامگاه	<u>نقش رستم</u> <u>آرامگاه داریوش بزرگ</u>
همسر	<u>داریوش بزرگ</u>
فرزندان	<u>ماندانه خشایارشا</u> <u>ویشتاسب</u> <u>ماسیشته</u> <u>هخامنش</u>
<u>خاندان</u>	<u>هخامنشیان</u>
پدر	<u>کوروش بزرگ</u>
مادر	<u>کاساندان</u>
دین و مذهب	<u>مزدیسنا</u>



سردیس سنگی دوران هخامنشی کشف شده در اطراف تخت جمشید؛ این سردیس را به آتوسا منتسب کرده‌اند.

آتوسا یا هتوسه (حدود ۵۵۰ پ.م – ۴۷۵ پ.م) دختر کوروش بزرگ، شهبانوی پادشاه هخامنشی داریوش بزرگ، و مادر خشایارشا بود. به گواهی مورخین یونانی، آتوسا تأثیرگذارترین همسر داریوش بزرگ بوده. به گفته مورخین یونانی، آتوسا خصلت‌های نظیر قدرت‌طلبی، درایت و اقتدار داشت.

اگرچه پسر ارشد آتوسا، خشایارشا، پسر ارشد داریوش بزرگ نبود، ولی به‌دلیل زیرکی و نسب پدری او (کوروش بزرگ)، توانست که پسرش را جانشین همسرش کند. روایت هرودوت در مورد او، گرچه ممکن است افسانه‌ای باشد، ولی بازتابی از روایت‌های پارسی‌ها در مورد قدرت او است. گرچه در منابع تاریخی سخنی از مذهب آتوسا نیامده، لیکن نام او نمودی از نام زرتشتی هتوسه است که نشان

می‌دهد، بایستی او پیرو آیین زرتشت می‌بوده‌است. هرودوت، با روایت داستانی، اولین جنگ بین ایرانیان و یونانیان را به آتوسا و پزشک محرم او، دموکدس مربوط می‌سازد.

نام

هوتوسا (زرتشتی: Hutaosā؛ در زبان پهلوی Hudōs، در روایات سنتی متاخر، خواهر و همسر ویشتاسب) یکی از افرادی است که نامش در لیست یشت ۱۳، آیه ۱۳۹، در بین افراد مرتبط احتمالی با زرتشت، قرار دارد. در اوستا، فروهر «هوتوسا (هوتوس، آتوسا) ی پاکدین» را ستوده است. در حالی که زرتشت، در گاهان، بارها از حامی خود ویشتاسب، نام برده، ولی کوچکترین اشاره‌ای به هوتوسا نکرده است. آموزگار و تفضلی (به استناد «گوش‌یشت») بر این باورند که هوتوسا پیش از همه به دین زرتشت گرویده، و احتمالاً به توصیه او، شوهرش کی‌گشتاسب نیز پیرو این دین شده است.

در گوش‌یشت، زرتشت، تنها نیایش می‌کند تا هوتوسای نیک و شریف، به آیین او برگردد و سبب شهرت نیکی برای او شود. در روایات پهلوی چنین روایت شده که روان گشتاسب در پی بی‌هوشی به بهشت رفته و ارجمندی پذیرفتن دین را، به او می‌نمایند. پس آن‌گاه وقتی که گشتاسب به هوش آمد، به هوتوس بانگ می‌زند که زرتشت کجاست تا به دین او درآییم. زرتشت بانگ را می‌شنود، پیش می‌رود و گشتاب ایمان می‌آورد. در دینکرد و زراتشت‌نامه، هوتوس پیش از شاه آئین زرتشت را می‌پذیرد. در هر حال، گرچه در گاهان زرتشت نامی از هوتوسا نیامده، اما برای پیروان زرتشت اسطوره هوتوسا به مرور ایجاد گشته و جان گرفته است. او در مقام یکی از نخستین کسانی که به زرتشت ایمان آورده، از منزلتی خاص برخوردار است. در گزیده‌های زادسپرم هوتوس بزرگترین یاور زرتشت است.

در اوستا، مادر اسفندیار، Hutaosā (در متون تفسیری پهلوی: Hutōs، طبری نام وی را کتوس و بلعمی، «خطوس» ثبت کردند) از خاندان نوذر است. در آیادگار، گشتاب سخن از «هتوس، خواهر و همسر، که از من ۳۰ پسر به دنیا آورده است» می‌کند. با این وجود، حقیقی، نام مادر اسفندیار را ناهید، دختر سزار (قیصر) «که گشتاسب‌شاه او را کتایون می‌نامد» ثبت کرده است. فردوسی و ثعالبی نام او را فقط کتایون می‌دانند. بنابر گزارش این دو، او دختر پادشاه روم بود و با گشتاسب ازدواج کرد، در حالی که گشتاسب از سرزمینش به «سرزمین سزار» تبعید شده بود.

منبع‌شناسی زندگانی

شکی نیست که بهترین منبع یافته شده در مورد زندگانی آتوسا، هرودوت است؛ گرچه، تمام اطلاعات تاریخ هرودوت در مورد آتوسا، برای تاریخ‌نگاری مفید نیست. در ایرانیان اثر آشیل، هم نام آتوسا ذکر شده است. با توجه به الواح تخت جمشید، می‌توان گفت که تا سال ۴۹۳ پیش از میلاد (زمانی که کتیبه مذکور نگاشته شده)، او هنوز به قدرت برجسته‌ای دست نیافته بود و احتمالاً در زمان تاج‌گذاری خشایارشا بوده که او این قدرت را کسب کرده است.

نام آتوسا، به صورت ایلامی Udusana در دو قطعه از گل‌نیشته‌های تخت‌جمشید که تا کنون رمزگشایی و منتشر شده، اشاره شده است. در این لوح‌ها، به سپرده شدن سهمیه آتوسا به دو تن از کارگزاران وی اشاره شده است:

- PF 162: چهارصد بار (= برابر با ۱۰ کوارت) kurrusam tarmu (غله) به صورت kem (امانت) در حساب هکیشتیبر برای آتوسا اندوخته شده است. سال بیست و دوم.
- PF 163: ده بار hadatiš tarmu (غله)، ۱۵۰ بار kurrusam (غله) tarmu) در (حساب) مدّشَب اندوخته شده است. سال بیست و دوم. این برای آتوسا است.

زندگی‌نامه

مشهورترین شخصیت تاریخی که آتوسا نام داشته در میان سال‌های ۵۵۰ تا ۴۷۵ پیش از میلاد می‌زیسته و دختر کوروش بزرگ و کاساندان بوده‌است. اما سرانجام، داریوش بزرگ مالکیت حرم‌سرا را به دست گرفته و با آتوسا ازدواج می‌کند و او را همسر اصلی خود و ملکه هخامنشیان می‌کند. داریوش با پیوستن به خانواده کوروش، به مشروعیت جانشینی تضمینی خاندان هخامنشی دست یافت. بنابراین گزارش هرودوت، او داریوش را تشویق می‌کرد تا با یونان وارد جنگ شود، چرا که می‌خواست آتیک، آرگیو و کورینثیان را خراج‌گذار کند. به علاوه، آتوسا از همسرش، کنیزهایی از سرزمین لکونی، آرگیو، آتیک و کورینثیان طلب کرد. بر عقیده احمدی، این گزارش هرودوت ناشی از آن است که هرودوت، جهت مشروعیت دادن به اندیشه یونانیان در مورد زنان هخامنشی (که این افراد، دسیسه‌گر و فتنه‌گر بودند) این گزارش را نوشته‌است، در حالی که داریوش، به منظور تلافی مداخله آتن در تاراج سارد و به آتش کشیدن معبد ایزدبانوی بومی سیبله، به یونان لشکر کشیده بود.

به روایت هرودوت، دمکدس، پزشک یونانی که پس از معالجه داریوش، به سمت پزشک خصوصی او منصوب شده بود، می‌توانست از شاه تقاضای هر چیزی به جز بازگشت به وطن داشته باشد. کمی بعد، غده‌ای بدخیم در سینه آتوسا پدیدار می‌شود. او بیماری خود را با دمکدس در میان می‌گذارد، و دمکدس که شوق دیدار میهن را داشت، محرمانه از او می‌خواهد تا در صورت موفقیت در معالجه، تقاضای او را به شرطی که زینانی برایش نداشته باشد، بپذیرد. آتوسا می‌پذیرد و درمان می‌شود. دمکدس از او می‌خواهد که شاه را با این یادآوری که جوان، ثروتمند و نیرومند است، برای حمله به یونان ترغیب کند. آتوسا به داریوش می‌گوید جنگ با یونان از یک سو بر آوازه و قدرت او نزد پارسی‌ها می‌افزاید و از سوی دیگر، چون آنان را سرگرم می‌سازد، از فرصت ایجاد مزاحمت می‌کاهد.

داریوش جواب می‌دهد که قصد جنگ با سکاها را دارد، اما آتوسا جواب می‌دهد که چیره شدن بر سکاها هر لحظه ممکن است ولی او آرزوی تصرف یونان را در سر دارد. به ویژه که راه‌آشنایی مثل دمکدس در دسترس است. داریوش می‌پذیرد و دموکدس را به همراه جاسوسان پارسی برای به دست آوردن اطلاعات به سواحل یونان می‌فرستد. پارسی‌ها وظیفه داشتند که از فرار پزشک یونانی جلوگیری کنند. بر اثر تحریک او، لشکر پارسی‌ها سواحل یونان را شناسایی کردند و نیروی دریایی یونان را هم بررسی کردند و با راهنمایی‌های دموکدس کروتونی، پزشک خصوصی او و داریوش هدایت شدند. گرچه لشکرکشی موفقیت‌آمیز بود، دموکدس موفق شد فرار کند. رجبی گرچه در صحت کل روایت هرودوت شک دارد، اما جزئی از روایت را می‌پذیرد، چرا که آن را حامل برداشت معاصرین هرودوت از دربار ایران، اعتبار ملکه و علت یکی از بزرگترین جنگ‌ها میان پارس و یونان می‌داند.

فرزندان و جانشینی

آتوسا چهار پسر از داریوش داشت: خشایارشا یکم، ویشتاسپ، ماسیشته و هخامنش. خشایارشا بزرگترین فرزند بود؛ ویشتاسپ، فرماندار نیروهای خشایارشا در باختر و سکاها بود؛ ماسیشته، یکی از فرماندهان خشایارشا بود، و هخامنش، دریاسالار ناوگان مصر بود. آتوسا به خاطر تبار و زیرکی خود، تأثیر زیادی بر شوهرش و دربار هخامنشی داشت. در سال ۴۸۷ پ. م در دعوی حرم‌سرا، او حمایت داریوش را با جانشینی خشایارشا به دست آورد. خشایارشا اولین پسرش بود ولی اولین فرزند داریوش نبود. داریوش سه پسر دیگر از اولین زنش، دختر گوبریاس داشت. انتصاب خشایارشا به عنوان فرمانده کل ارتش پارسی به او قدرتی برای جانشینی در آینده داد.



تندیس خشایارشا، شاهزاده هخامنشی به همراه ملازمش. در زمان یورش مقدونی‌ها یا در دوره‌های بعدی، به صورت خشایارشا آسیب وارد کردند.

جابه‌جایی قدرت بعد از داریوش به خشایارشا، باید به سبب اقتدار بزرگ آتوسا و چرا که آتوسا بیش از نیمی از لشکریان و تمام درباریان داریوش را در دست داشته باشد این عمل جانشینی انجام شد. آتوسا در مدت حکومت پسرش، او جایگاه والای ملکه مادر را به دست آورد. هنگام درگیری میان آرتوبازان (Artobazane؛ پسر همسر داریوش بزرگ) و خشایارشا، به سبب اینکه خشایارشا در هنگام پادشاهی پدرش به دنیا آمده بود، تخت پادشاهی را از آن خود کرد. هرودوت اظهار می‌دارد که حتی بدون این دلیل هم، پادشاهی از آن خشایارشا بود، چرا که «تمام قدرت در دست‌های آتوسا بود». اما احمدی، جانشینی خشایارشا را تصمیم قاطعانه داریوش می‌داند، چرا که با سپردن ولی‌عهدی به دیگر پسرانش (از همسرانی غیر از تبار هخامنش)، زمینه جاه‌طلبی و باج‌گیری آنها را میسر می‌کرد.

دومین سند احمدی، گزارش هرودوت است که روایت می‌کند در آستانه لشکرکشی داریوش به مصر، پسرانش بر سر جانشینی به کشمکش پرداختند که با مداخله آتوسا، به نفع خشایارشا پایان پذیرفت، اما حقیقت آن است که در در برجسته‌نگاری‌های داریوش و خشایارشای جوان، بر روی چهارچوب‌های دروازه جنوبی تالار اصلی تَچَر و نبشته سه زبانه روی برجسته‌نگاری چهارچوب شرقی آن (XPk)، خشایارشا بر خلاف سنت دیرینه شاهان هخامنشی، خود را به صراحت شاه خوانده‌است. این کتیبه نماینگر این است که خشایارشا، در زمانی بسیار زودتر (از گزارش هرودوت) و به صراحت، به جانشینی پدرش برگزیده و معرفی شده بود.

مذهب

فیلیپ کیپر مدت‌ها پیش اظهار داشت که نام‌های هیشتاسپ (پدر و همچنین نوادگان داریوش بزرگ)، آتوسا (هوتوسا، دختر ارشد کوروش بزرگ و شاهدخت‌های متعدد پارسی)، پیسوتنس (Pišišyaοθana، شاهزاده پارسی، پسر ویشتاسپ)، داماسپ (فرم فارسی باستان جاماسب، شاهزاده هخامنشی) و سپنددات (Spəntōdāta، نام شاهزاده پارسی که کتسیاس، بر بردیای دروغین گذاشته بود) نشان می‌دهند که هخامنشیان به دین زرتشت‌شناسی داشته و سنت زرتشت را گرامی می‌داشتند. با کشف کتیبه‌های ایلامی در تخت جمشید، و دیدن نام‌های چندگانه اوستایی، این فرضیه برای پژوهشگران مستند شد.

مرگ

آیسخولوس (آشیل) در نمایشنامه ایرانیان حکایت کرده که زمانی که خشایارشا به یونان تاخت، آتوسا هنوز زنده بود. در حقیقت نام هم در لوح‌های استحکامات پرسیولیس دیده نشده است، ولی ثابت نمی‌کند (آنگونه هینتس ادعا می‌کند) که در آن موقع مرده است.

از پایان عمر آتوسا اطلاعی در دست نیست. ژوستین می‌گوید خشایارشا در حال خشم او را به قتل رسانده است. ظاهراً تابوت او و خواهرش، آرتستونا در آرامگاه داریوش و در کنار تابوت خود داریوش قرار گرفته بود. احتمالاً بنایی که امروزه کعبه زرتشت خوانده می‌شود، به دستور آتوسا که می‌خواست همانند مادرش آرامگاهی باشکوه داشته باشد ساخته شده است، اما چون بعداً داریوش آرامگاه خود را به وسعتی ساخت که همه بلندپایگان خانواده‌اش در آن جای گیرند، کعبه زرتشت به ملکه‌های کهنتر و شاهزادگان اختصاص یافت.

آتوسا در نمایشنامه‌های یونانی



شبح داریوش در پیشگاه آتوسا، نقاشی جرج رامنی



سردیس تنیس در موزه لوور

ظاهراً آتوسا در بیرون از مرزهای ایران باستان نیز زنی پرآوازه بوده است. او یکی از سه شخصیت اصلی نمایشنامه ایرانیان آیسخولوس بوده که خود در جنگ ماراتن و سالامیس شرکت کرده بود. در سراسر این نمایشنامه آتوسا در مقام زنی میهن‌پرست، مدبر و مسئول و هوشیار و همچنین مادری دلسوز و مهربان روی صحنه می‌آید. و شخصیت باوقارش قلب نمایش است. بررسی دیالوگ‌های

آتوسا، هر چند افسانه‌ای است، برای بررسی مقام زن در ایران باستان یا برداشت غیر ایرانیان از زن پارسی جالب توجه است. آشیل که خود در جبهه دشمن قرار داشته‌است، از آتوسا به استثنای چند مورد چهره‌ای قهرمان می‌سازد.

آتوسا در طی دوران فرمانروایی پسرش، خشایارشا (۴۸۶-۴۶۵ پ. م)، مقام برجسته «مادر شاه» را داشت. آشی، که آتوسا را حلقه شاه پیشین و شاه کنونی پارس می‌دانسته‌است، در نمایشنامه پارسیان، بدون نام بردن از آتوسا، از او با القابی چون «شهبانو؛ بلندپایه‌ترین بانوی پارس؛ مادر ارجمند خشایارشا و همسر داریوش؛ همسر خداوندگار پارسیان و مادر خدایگانی دیگر» یاد کرده و یکی از نقش‌های اصلی این داستان را بر عهده او نهاده‌است. با این حال، شخصیت‌پردازی آتوسا در نمایشنامه پارسیا صرفاً در پی تحقق منظور و هدف خاصی در این داستان است.

در این تراژدی، آتوسا به صورت مادری دلواپس و نگران برای پسرش خشایارشا، که طبق این داستان اقدام به لشکرکشی بی‌خرادنه و شومی علیه یونانی‌ها کرده‌است، توصیف شده‌است: خشایارشا جوانی سخت ماجراجو و بدنهاد است، اما آتوسا (که نقطه مقابل او تصویر شده)، بانویی سالخورده و خردمند است که رفتاری باوقار و شاهانه، اما نه واقعاً پارسی، دارد؛ بنابراین، هیچ نشانه‌ای دال بر اینکه آشیل، به اطلاعات روشنی درباره این شهبانوی پارسی دسترسی داشته، موجود نیست.

این حقیقت که نمایشنامه ایرانیان آشیل، نامی از آتوسا یا عنوان خانوادگی وی نمی‌برد، به عنوان نشانه‌ای از تخیلی بودن آتوسا ذکر شده‌است. در آتن سال ۴۷۲ پ. م، [آتوسا] حتی «کمتر از یک نام» بود و می‌شد بدان به دیده دراماتیک نگریست. بسیاری ممکن بود با این دیدگاه موافق باشند که «به راستی... ویژگی‌های حقیقتاً پارسی در رفتار وی وجود ندارد.» و اینکه وی نقش «مادر» دلسوز را بازی می‌کند. شاید «چیزی» درون «نگرانیش» برای فرزند خود، و با ناآگاهی از «ابعاد سیاسی شکست ملتش» اشاره به این می‌کند که ملکه نقشی همانند آنچه در تئیس آمده‌است بازی می‌کند: ناتوانی آتوسا در جلوگیری از بروز خشم خشایارشا یا ناتوانی در درمان آن، شرم خشایارشا را افزوده و مرگ خشایارشا را به نمایش می‌گذارد. دیگران اما روی تاریکی از ملکه را گزارش کرده‌اند. ت. هریسون آتوسا را «خودخواه، سطحی، و ترشرو» توصیف می‌کند؛ جرج نیز او را «از دیدگاه اخلاقی سالم» و «باهوش» خطاب می‌کند، اما در نهایت وی را زنی «مردانه» می‌داند که با فضایی زنانه درآمیخته شده تا وارونگی نقش‌های جنسیتی مرسوم در ایران باستان را به نمایش بگذارد.

آتوسا در منابع اسلامی

به گمان احمدی، شخصیت اسطوره‌ای «هُما» (اوستایی Humāiīā؛ فارسی باستان Humāya؛ فارسی میانه Humāy)، یکی از شاهان کیانی در اساطیر ایران، همتای شخصیت تاریخی آتوسا است. آتوسا، بانویی است که در روایات عامیانه، یونانی‌محور «صاحب قدرتی مطلق» دانسته شده‌است و احتمال آن می‌رود که بر مبنای همین صفت منتسب به وی، از او تلقی یک «شاه» شده و سپس با نهادن نام دختر و پستاسپ «هما» و در نتیجه دادن پیوند و صبغه دینی (زرتشتی) به او، در ردیف یکی از شاهان کیانی جای داده شده باشد. احتمال دارد که در دورانی که در آن هم سنت‌های یونانی و هم سنت‌های زرتشتی پررنگ و تأثیرگذار بوده‌اند، این درآمیختگی رخ داده‌باشد. لقب کهن هما، یعنی «شهرزاد» که صورتی پارتی دارد، می‌تواند شاهی بر این ادعا باشد.

در اساطیر و حماسه ملی ایران، «هما/همای/خمای»، دختر، همسر و جانشین بهمن پسر اسفندیار و مادر دارای یکم است. بخش عمده‌ای از شخصیت هما، شهبانوی دودمان اسطوره‌ای کیانی، تجلی و انعکاسی از یادواره‌های تاریخی آتوسا، شهبانوی پارسی در اذهان ایرانیان است. احمدی روایت مسلمانان را با گزارش هرودوت و گفتاوردهای داریوش بزرگ اینگونه مقایسه کرده‌است:

- ثعالبی از او چنین روایت می‌کند:

او بزرگترین شهبانوی جهان و گرانبمایترین آنها است. چون بهمن، درگذشت، همای بر تخت شاهی نشست. پرده‌ای پرنیایی و زربفت در برابرش آویختند و به خاص و عام اجازت حضور داد. والیان و امیران مناطق نزد او، هدایا آوردند. او از پس پرده سخت بهجا و نیکو سخن می‌راند. او چنین گفت: خداوند این کشور را از سر مهر به ما سپرد و بر ماست که در دادگستری و پاپمردی تا آخرین حد توان بکوشیم و پسندیده‌ترین خوی‌ها و منش‌ها را رواج دهیم و ستوده‌ترین راه و روش را برگزینیم. همگان به سخن‌اش شادمان گشتند و او را نماز بردند. او به تنهایی در آراستن کشور بکوشید و در نگاه‌داشت کشور و آبادانی آن و به‌آیین درآوردن مرکز و شهرستان‌ها، چه دور و نزدیک، بر بسیاری از شاهان بزرگ، پیشی جست. دلاوران و لشکریان را برای جنگ با دشمنان و سرکوبی مخالفین گسیل می‌داشت و همیشه از پیروزی برخوردار بود. همواره بر مردم خویش به دیده‌ای نیکو می‌نگریست. پیوسته به ساختن باروی شهرها و افزودن بر آبادانی‌ها و بخشش به نیازمندان فرمان می‌داد. مردم از پی‌آمدهای نیک کارهایش در دوران او بهره‌وری می‌یافتند و از میوه‌های شیرین آن برخوردار می‌گشتند و او را سخت دوست می‌داشتند و از خداوند می‌خواستند که زندگانی‌اش دراز و پادشاهی‌اش پابرجا باشد.

• طبری درباره‌ی هما می‌نویسد:

او را به پاس نیکویی‌های پدر و هم به سبب کمال عقل و جمال و سوارکاری و دلیری که داشت، به پادشاهی برداشتند... و خمانی به فارس رفت و شهر استخر را بنیاد کرد و پیاپی سپاه به جنگ روم (یونان) فرستاد و فیروزی یافت و دشمنان را بشکست و از دست‌اندازی به مملکت خویش بازداشت، و رعیت در ایام پادشاهی او در رفاه و ارزانی بود. وقتی خمانی سپاه به جنگ روم فرستاد و اسیران بسیار برای وی آوردند، بگفت تا بنایان رومی در آن میان بودند و در هر گوشه از حوزه استخر بنایی بلند و شگفت‌آور به سبک روم بسازند، یکی از بناها در شهر استخر و دیگری در راه دارابگرد در یک فرسنگی شهر و سومی در چهار فرسنگی شهر در راه خراسان بود و خمانی در طلب رضای خدای عزوجل، سخت بکوشید و نصرت و ظفر یافت و خراج از رعیت برداشت و مدت پادشاهی او، سی سال بود.

• حمزه اصفهانی توضیحات بیشتری می‌دهد:

[همای] به بلخ می‌نشست، و یک بار لشکریان وی با روم جنگیدند و گروه بسیاری را اسیر گرفتند و هما بنایان ایشان را به ساختن بناهای موسوم به «مصانع اصطخر»، که به فارسی هزارستون (تخت جمشید) گویند، برگماشت. این بناها، سه ساختمانی در سه مکان بود. در اصفهان نیز، در روستای موسوم به تیمره (گلیایگان امروزی)، شهری زیبا و شگفت‌آور ساخت که این شهر به دست اسکندر ویران شد.

• نویسنده مجمل‌التواریخ و القصص می‌افزاید:

[همای] اندر عهد خویش بفرمود که بر نقش زر و درم نوشتند: «بخور [ای] بانوی جهان، هزار سال نوروژ و مهرگان». و چون پسر (دارا) را بازیافت، [تخت] به وی سپرد و هم به زمین پارس بمرد.

آتوسا زن آسمانی و زمینی ایران قدیم

در ایران قدیم ازدواج خواهر و برادر مرسوم بود و علت آن هم نگه داشتن ثروت در خانواده سلطنتی بود. هوتوسا کیانی و آتوسا هخامنشی نخستین کسانی هستند که با خویشاوندان خود ازدواج کرده‌اند. هوتوسا علاقه مند به ازدواج با گشتاسب بود. با او ازدواج کرد و چندین فرزند به دنیا آورد. او اولین شخصی بود که به دین زرتشت گروید. زرتشت ادعا کرد که هوتوسا به آیین مزدیسنا گرویده‌است. سپس هوتوسا از شوهر خود گشتاسب درخواست کرد که دین زرتشت را بپذیرد. از این پس دین زرتشت به طور رسمی پذیرفته شد. از اینجا هوتوسای افسانه‌ای به عنوان یک زن سیاسی و با نفوذ و

با قدرت معرفی شد. از آن پس به خاطر احترام به وی پارسیان نام او را بر دختران خود می‌گذاشتند. از میان آن دختران مهم‌تر از همه آتوسا دختر کورش بود. خواهر و همسر اردشیر دوم و همسر اردشیر سوم زنان دیگری هستند که آتوسا نام داشتند.

پس از آن‌هایتا او دومین کسی بود که لقب بانو که یک عنوان مذهبی بود، گرفت. زیرا اینچنین لقبی کمتر به ملکه‌ها داده می‌شد. آشیلوس نمایشنامه نویس قرن پنجم پیش از میلاد در یکی از نمایشنامه‌های خود تحت عنوان «ایرانیان» که اختصاص به جنگ خشایار شاه با یونانیان دارد از آتوسا به عنوان بانوی بانوان یاد می‌کند. آتوسا خواندن و نوشتن را به خوبی می‌دانست، و نقش تصمیم‌گیرنده در آموزش خود و دیگر درباریان داشت. کمبوجیه عاشق خواهر خود آتوسا شد و مغ‌های زرتشتی را جمع کرد و از آنها خواست که این ازدواج را برای او قانونی کنند. پس از درگذشت کمبوجیه در راه بازگشت از مصر، داریوش یکم با آتوسا ازدواج می‌کند. این ازدواج چند دلیل داشته‌است

ازدواج با آتوسا که از سلاله هخامنشی بود حکومت او را قانونی جلوه می‌داد. از آنجا که آتوسا باهوش، با فرهنگ، با قدرت و تفکر سیاسی بود در موقع لزوم کمک خوبی برای داریوش شاه به حساب می‌آمد. از آنجا که آتوسا زنی جاه‌طلب و قدرت‌طلب بود از طریق این وصلت می‌توانست به آرزوهای خود جامه عمل بپوشاند.

هرودوت می‌گوید آتوسا از قدرت فوق‌العاده‌ای برخوردار بود و در دوره جنگ با یونان که به توصیه او انجام شده بود، داریوش یکم همواره از نصیحت‌های او بهره می‌جست. او حتی علاقمند بود که در میدان کارزار نیز شوهرش را همراهی کند. هرودوت از قول آتوسا نقل می‌کند که به داریوش شاه گفته

چرا نشسته‌ای و عازم جنگ نمی‌شوی و سرزمین‌های دیگر را تسخیر نمی‌کنی پادشاهی به جوانی و ثروتمندی تو شایسته‌است که عازم جنگ شود و به پیروزی‌هایی نایل شود تا به ایرانیان ثابت شود مرد قابل‌ی بر آن‌ها حکمرانی می‌کند.

اگر گفته هرودوت اغراق‌آمیز هم باشد باز هم بیانگر نفوذ آتوسا بر شوهرش است. گفته شده‌است که آتوسا به خوبی از اوضاع فرهنگی زمان خود آگاه بود، و از حضور یونانیان و دیگر ملیت‌ها به دربار بسیار بهره می‌برد.

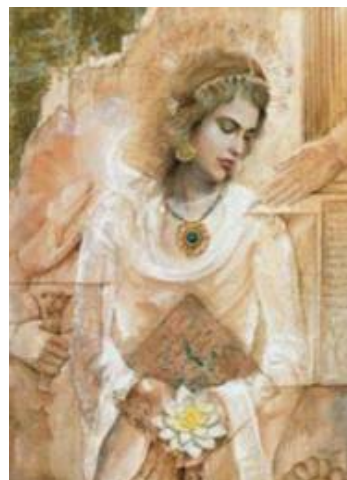
آتوسا از صلب داریوش شاه دارای چهار فرزند شد، که بزرگترین آن‌ها خشایار شاه بود. اما آتوسا همسر اول داریوش یکم نبود، و داریوش از همسر اولش دارای پسرانی بود که همگی از خشایار شاه بزرگتر بودند. مطابق قانون سلطنت پسر بزرگ شاه پس از او به سلطنت می‌رسید. اما آتوسا آن قدر بر شوهر خود نفوذ داشت که توانست خشایار شاه را پس از داریوش به سلطنت برساند.

در زمان سلطنت خشایار شاه آتوسا به عنوان مادر پادشاه در امور دولت دخالت می‌کرد. آشیلوس در نمایشنامه خود همواره از او به عنوان بانوی بانوان یاد می‌کرده‌است. می‌توان گفت که در نمایشنامه آشیلوس پس از خشایار، آتوسا بیشترین نقش را بازی می‌کند.

از زمان مرگ او هیچ اطلاعی در دست نیست. تنها می‌دانیم تا زمانی که خشایار از جنگ یونان بر می‌گردد زنده بوده‌است. احتمالاً آرامگاه او در کنار آرامگاه داریوش کبیر در نقش رستم قرار دارد.

آتوسا، یکی از شخصیت‌های کلیدی در شاهکار گور ویدال، یعنی کتاب آفرینش است. اعتبار این کتاب در بحث درباره چگونگی به سلطنت رسیدن داریوش بزرگ است.

آرتادخت



آرتادخت (سده سوم میلادی) اقتصاددانی بود که در دوره اردوان چهارم (آخرین پادشاه اشکانی که به دست اردشیر پاپکان کشته شد) به‌طور مستقیم در امور مالیات و خرج و دخل کشور دخالت داشت (در واقع نقش وزیر دارایی امروز را داشت). و در فارسی یعنی دختر مقدس وزیر خزانه داری، در زمان اشکانیان (پارتها) بود.

او بی آنکه فشاری بر مردم بیاورد و باج و خراج را افزون نماید ، کشور را به توانگری می‌رساند. چنانچه برآمده است ، از کارهای بزرگ او در گردآوری دارایی کشور، یکی جلوگیری از هزینه‌های بیهوده به ویژه درباریان و دیگری گرفتن باج و خراج از درآمد توانگران بوده‌است.

آرتمیس



آرتمیس یا آرتمیز از زنان بنام زمان هخامنشیان که فرماندهی یکی از ناوگانهای خشایار شاه را در جنگ ایران و یونان به عهده داشت در حالی که بسیاری از ناوگانهای دیگر که تحت فرماندهی مردان بود از دشمن شکست خورد، ناوگان تحت فرماندهی آرتمیس بر یونانیان پیروز شد

آریاتس



دین و مذهب

مزدیسنا

پیشه

فرمانده نظامی

آریاتس یکی از فرماندهان نظامی ایران هخامنشی بود. تاریخ‌نگاران یونانی در چندین جا نامی از او به میان آورده‌اند.

آزرمی‌دخت



شهبانوی شهبانوان ایرانشهر



سکه آزرمی‌دخت با تصویر پدرش خسرو پرویز در سمت چپ

شهبانوی شاهنشاهی ساسانی

سلطنت ۶۳۰-۶۳۱ میلادی

پیشین

شاپور شهروراز

جانشین

بوران‌دخت

درگذشته

۶۳۱ میلادی تیسفون

خاندان

خاندان ساسان

پدر

خسرو پرویز

دین و مذهب

مزدیسنا

نام

آزرمی‌دخت (به پارسی میانه: *Āzarmīgdukht*) یا آزرم در شاهنامه، شهبانوی ایران ساسانی (بانیشن) از سال ۶۳۰ تا ۶۳۱ میلادی بود. او دختر خسرو پرویز (حکومت از ۵۹۰ تا ۶۲۸) و دومین شهبانوی ساسانی بود. خواهرش بوران‌دخت پیش و پس از او حکومت کرد. آزرمی‌دخت پس از برکناری پسر عمویش شاپور شهروراز توسط انجمن پارسیگ به رهبری پیروز خسرو، به قدرت رسید. گرچه او سال بعد توسط رستم فرخ‌زاد به تلافی کشته شدن پدرش، کشته شد. سپس بوران‌دخت جانشین او شد.

آزرمی‌دخت یکی از سه زنی در تاریخ ایران است که توانسته بر ایران حکومت کند. خواهرش بوران‌دخت (حکومت در دو دوره در ۶۳۰ و همچنین از ۶۳۱ تا ۶۳۲ میلادی) و موزا، شهبانوی اشکانی (حکومت از ۲ پیش از میلاد تا ۴ میلادی)، دو زن دیگر هستند

نام

«آزرمی‌دخت» نام او در فارسی نو است که توسط پژوهشگران استفاده می‌شود. نام اصلی وی در پارسی میانه آزرمیگدوخت (*Āzarmīgdukht*) به معنی «دختر فرد بزرگوار» است که به پدرش خسرو پرویز (حکومت از ۵۹۰ تا ۶۲۸) اشاره دارد.

فردوسی در شاهنامه از او به نام آزر م یاد کرده است. نام او در منابع امروزی گاه به صورت آذر می دخت نوشته می شود. برخی از منابع از او به نام آذر مین دوست یاد کرده اند و این در حالی است که پسوند دوست برای نام دختران برخلاف دخت، رایج نبوده است. با توجه به این واقعیت می توان حدس زد این دو حرف به یکدیگر مبدل شده اند.

پیشینه و اوایل زندگی



سکه خسرو پرویز

آذر می دخت دختر واپسین شاه برجسته ایران، خسرو دوم، معروف به خسرو پرویز است که در سال ۶۲۸ توسط پسر خود شیرویه (قباد دوم) سرنگون و اعدام شد. شیرویه همچنین اقدام به کشتن همه برادران و برادران ناتنی خویش، از جمله ولی عهد، مردانشاه، کرد. این کار چنان ضربه سنگینی به امپراتوری وارد کرد که امپراتوری دیگر هرگز نتوانست دوباره به پا خیزد. گفته می شود که آذر می دخت و خواهرش بوران دخت از اقدامات وحشیانه شیرویه انتقاد کرده و او را سرزنش کرده اند و او در آخر از کارهایش ابراز پشیمانی کرده است.

سقوط خسرو پرویز با یک جنگ داخلی به مدت چهار سال به اوج خود رسید که با استقلال کامل خاندان های ممتاز مقتدر و ایجاد دولت های تازه ای همراه بود. در این میان، درگیری ها میان خاندان های ممتاز پارسی (پارسیگ) و پارتی (پهلوی) نیز از سر گرفته شد که باعث بدتر شدن اوضاع شد. چند ماه بعد، طاعونی ویرانگر استان های غربی ساسانیان را فرا گرفت و نیمی از جمعیت آن مناطق را از جمله شیرویه، به کشتن داد. پس از شیرویه پسر هشت ساله اش، اردشیر سوم، جانشین وی شد، اما او نیز دو سال بعد توسط شهربراز، سپهبد برجسته ایرانی، کشته شد که خود او نیز چهل روز بعد در کودتایی به رهبری فرخ هرمز، رهبر پهلوانان، به قتل رسید. فرخ هرمز به بوران دخت کمک کرد تا بر تخت سلطنت بنشیند. اما او نیز سال بعد از سلطنت خلع شد و پسر عمه اش شاپور شهروراز (که او نیز پسر شهربراز بود) جانشین او شد. حکومت او حتی کوتاه تر از فرمانروای پیش از خود بود و او نیز کمتر از یک سال توسط انجمن پارسیگ به رهبری پیروز خسرو از قدرت برکنار شد و آذر می دخت به جای او بر تخت سلطنت نشست.

فرمانروایی



سکه فرخ هرمز

آذر می دخت هنگامی که شهبانوی ایران شد بیان کرد که مدیریت کشور همانند مدیریت پدرش، خسرو پرویز، خواهد بود. آنگاه فرخ هرمز برای تقویت اقتدار خود و ایجاد یک قرار موقت میان پهلوانان و پارسیگ ها، به آذر می دخت (که از پارسیگ ها بود) درخواست ازدواج داد. گرچه آذر می دخت این

درخواست را رد کرد. فرخ‌هرمز پس از رد پیشنهادش دیگر عدم تمایل خود را به سلطنت نشان نداد و اعلام کرد «امروز من رهبر مردم و ستون کشور ایران هستم». وی همچنین به همان شیوه سلطنتی شروع به ضرب سکه، به ویژه در استخر پارس و نهادند در ماد، کرد. ظاهراً آزر می‌دخت برای مقابله با فرخ‌هرمز، با سیاوخش از خاندان مهران، که نوه بهرام چوبین، سپهبد و شاه کوتاه‌مدت ایران بود، متحد شد. آزر می‌دخت با کمک سیاوخش توانست بر فرخ‌هرمز غلبه کند و او را از بین ببرد.

رستم فرخ‌هرمز (فرخزاد)، فرزند فرخ‌هرمز، که در آن زمان در منطقه شمال شرقی خراسان مستقر بود، جانشین فرخ‌هرمز به عنوان رهبر پهلوها شد. وی به خون‌خواهی پدرش، خود را به تیسفون، پایتخت امپراتوری ساسانی، رسانید و در راه هر ارتشی از آزر می‌دخت را که دید، شکست داد. وی سپس نیروهای سیاوخش را در تیسفون شکست داد و شهر را تصرف کرد.

مرگ

رستم فرخ‌هرمز اندکی پس از تصرف تیسفون، آزر می‌دخت را کور و سپس به قتل رسانید. به گفته تئوفانس او ۷ ماه، به گفته فردوسی ۶ ماه و طبق نظر سبئوس ۲ سال حکومت کرده‌است. بیشتر منابع بر کشته شدن او اتفاق نظر دارند اما طبق نظر طبری او به دلیل بیماری از دنیا رفته‌است. پس از مرگ آزر می‌دخت، بوران دخت دوباره به تخت بازگردانده شد و مرکز قدرت امپراتوری احتمالاً به سمت شمال شرقی کشور پیش رفت؛ جایی که سرزمین مادری پهلوها بود و یزدگرد سوم، واپسین شاهنشاه ساسانی، برای کمک یافتن علیه حمله اعراب به ایران، بدان‌جا فرار کرده بود.

ضرب سکه و ایدئولوژی شاهنشاهی



سکه‌ای از آزر می‌دخت با تصویر خسرو پرویز

آزر می‌دخت در دوران کوتاه سلطنت خود، سکه‌هایی با تصویر پدرش در جلو، با نوشته خوره ابزود (khwarrah abzūd، فر افزود) و تاج بالدار نشان‌دهنده بهرام، خدای پیروزی، ضرب کرد. در پشت این سکه‌ها، محراب آتش متاخر ساسانیان با دو نگهبان وجود دارد. دلیل او برای قرار دادن تصویر پدرش نه به دلیل جنسیت خود، بلکه به دلیل عدم اهمیت او در مقایسه با پادشاهان بزرگ ساسانی، به ویژه خسرو پرویز که آخرین پادشاه اصلی و قانونی کشور محسوب می‌شد، بود. دلیل دیگر آزر می‌دخت برای ضرب سکه‌هایی با تصویر پدرش، بازیابی تصویر او و خاندان ساسانیان بود، تلاشی که در آغاز توسط خواهرش، بوران دخت، انجام شد، هرچند او از تصویر پدرشان استفاده نکرد و در عوض در متن روی سکه به او ادای احترام کرد. با این حال، ممکن است در زمان به تخت نشستن آزر می‌دخت، متن روی سکه برای این اهداف کافی نبوده‌باشد و او در نتیجه تصویر خسرو پرویز را بر جلوی سکه‌ها قرار داده‌است.

شخصیت، ظاهر و موفقیت‌ها

منابع اسلامی آزرمی‌دخت را زنی باهوش و بسیار فریبنده توصیف می‌کنند. حمزه اصفهانی، تاریخ‌نگار قرن دهم، در کتاب گمشده صور ملوک بنی‌ساسان آزرمی‌دخت را زنی «بنشسته بر تخت، پیراهن گلدوزی شده به رنگ سرخ و شلواری به رنگ آسمان به تن، در دست راستش تبرزینی زرین و در دست چپش شمشیری ظریف گرفته» توصیف کرده‌است. لقب او «دادگر» بود. طبق مجم‌التواریخ ساخت کاخی در اسداباد به نام «آزرمی‌دخت اندر هامون» و آتشکده‌ای در آبخاز به او نسبت داده شده‌است. منابع مسیحی نیز سلطنت او را ثبت و نام وی را به راه‌های مختلفی تحریف کرده‌اند.

ملکه آزرمی‌دخت، آزرم، آزرمی، ۶۳۰م یا ۶۳۱م، ؟ به معنی دختر پیر نشدنی شاهنشاه زن ایرانی و سی و دومین شاهنشاه ساسانی، دختر پرویز پسر هرمز پسر انوشیروان ملقبه به عادل که پس از خواهر خویش پوران‌دخت لشکریان او را در تیسفون بیادشاهی برداشتند. فرمانروای خراسان، سپهبد فرخ‌هرمز که یکی از مدعیان جدی سلطنت بود، ملکه را به همسری خواست. در حالی که آزرمی‌دخت علناً وعده‌ی ازدواج به او داد، در نهان تدارک قتلش را دید بنا به فرهنگ معین چون "چون آزرمی‌دخت نمی‌توانست علناً مخالفت کند". رستم، پسر فرخ‌هرمز، به خون‌خواهی پدرش لشکر به پایتخت کشید و پس از سرنگونی آزرمی‌دخت، ملکه ساسانی را نابینا کرد. آزرمی‌دخت چهار ماه پادشاهی کرد. از کیفیت وفات این ملکه اطلاعی در دست نیست

آسیه خانم عزالدین‌لو قاجار

پیشین	جیران خانم
جانشین	گلین خانم
درگذشته	۱۲۱۷ قمری، تهران
همسران	<u>حسینقلی خان قاجار</u> ۱۱۸۲ تا ۱۱۸۹ هجری قمری درگذشت همسر <u>آقامحمدخان قاجار</u> ۱۱۹۳ تا ۱۲۱۱ هجری قمری درگذشت همسر
فرزند	<u>فتحعلی‌شاه قاجار</u>
خاندان	<u>قاجاریان</u>
دین و مذهب	اسلام شیعه

آسیه خانم عزالدین قاجار (درگذشته ۱۲۱۷ قمری) همسر حسینقلی خان قاجار و آقامحمدخان قاجار بود او همچنین ملکه مادر فتحعلی‌شاه قاجار (از ۱۱۷۶ تا ۱۲۱۳ خورشیدی) شد.

زندگی

آسیه خانم، دختر محمدخان عزالدین لوی (عضدانلو) قاجار از طایفه آشاقه باش بود. او در سال ۱۱۸۲ به عقد حسینقلی خان جهانسوز، برادر آقامحمد خان و حاکم دامغان درآمد و یک سال بعد نخستین فرزندشان، فتحعلی، در دامغان متولد شد. پس از به قتل رسیدن حسینقلی خان قاجار، به فرمان کریم خان زند، آسیه خانم و دو پسرش توسط آقا محمدخان به ایل برگردانده شدند. پس از فرار آقا محمدخان از شیراز آسیه خانم به او پیوست و با او ازدواج کرد. پس از تصرف تهران آقا محمدخان او و پسرانش را به تهران آورد. آسیه به همراه میرزا محمد زکی مستوفی الممالک توسط شاه مأمور شد تا سایر سران ایل قاجار در استرآباد را با دادن هدایا به اتحاد با شاه درآورد. در سال ۱۰۲۴ فتحعلی، پسر آسیه، ولیعهد آقا محمد خان شد. او در ۱۲۰۷ به عتبات عالیات رفت و استخوان‌های محمدحسن خان قاجار و حسینقلی خان جهانسوز را در نجف دفن کرد. تا به حکومت رسیدن فرزندش آسیه خانم، از تاج و تخت و ثروت پادشاهی حفاظت می‌کرد.

زمانی که فتحعلی شاه بر تخت نشست، پسر دیگر آسیه، حسینقلی خان، بر علیه برادر شورش کرد که با میانجیگری آسیه بین آن دو صلح ایجاد می‌شود. در سال ۱۲۱۶ او بار دیگر به عتبات می‌رود و سنگ قبر آقا محمدخان را نیز با خود می‌برد. تعمیرات مدرسه حکیم هاشم از موقوفات او است به همین دلیل این مدرسه به نام مادرشاه نیز معروف است. او در سال ۱۲۱۷ در تهران درگذشت و در نجف دفن شد. آسیه خانم در طول زندگی‌اش مابین فرزند دیگرش و فتح‌علیشاه وساطت می‌کرد اما پس از مرگ او فتح‌علیشاه برادرش را کور کرد.

لقب

آسیه خانم ملقب به ام الخاقان و مهد علیا بود. او نخستین کسی بود که در دوره قاجار لقب مهد علیا را داشت، پس از او همسر دیگر فتحعلی شاه ننه خانم بارفروش این لقب را داشت و سپس همسر عباس میرزا و بعد از مادر ناصرالدین شاه این لقب را گرفتند. پس از مادر ناصرالدین شاه کسی به این لقب خوانده نشد.

اشرف الملوک (فخرالدوله)



۱۲۶۱ خورشیدی تبریز، ایران

زاده

درگذشته	دی ۱۳۳۴ تهران، ایران
آرامگاه	گورستان ابن بابویه
همسر	محسن امین‌الدوله
فرزندان	حسین امینی غلامحسین امینی محمود امینی <u>علی امینی</u> محمد امینی احمد امینی <u>ابوالقاسم امینی</u> رضا امینی معصومه امینی
پدر	<u>مظفرالدین‌شاه</u>
مادر	<u>سرور السلطنه</u>

اَشْرَفُ الْمُلُوكِ (فخرالدوله) (۱۲۶۱ خورشیدی - دی ماه ۱۳۳۴) شاهزاده قاجار، دختر مظفرالدین شاه و سرور السلطنه، خواهرزاده عبدالحسین میرزا فرمانفرما، دختر خاله محمد مصدق و مادر علی امینی بود. او زنی با درایت و نیکوکار بود. فخرالدوله واسط بین رضا شاه و خاندان قاجار بود و با آرام نگاه داشتن ایل قاجار تلاش کرد تا از وقوع خونریزی‌ها جلوگیری کند.

زندگی‌نامه

فخرالدوله در چهارده سالگی به عقد محسن خان امین‌الملک (بعدها ملقب به امین‌الدوله) پسر علی خان امین‌الدوله درآمد. قبل از این ازدواج نجم‌السلطنه خواهر سرور السلطنه و خاله فخرالدوله، او را برای پسر خود محمد مصدق خواستگاری کرده بود، اما شاه تمایل داشت دخترش با خاندان قدرتمندتری وصلت کند و به این جهت دختر خود را به امین‌الدوله داد. از طرف دیگر علی خان امین‌الدوله که با محسن خان مشیرالدوله دوستی دیرینه داشت و حتی نام پسر خود را به پیروی از نام مشیرالدوله انتخاب کرده بود، امین‌الملک را واداشت دختر مشیرالدوله را که از کودکی به نامزدی او گزیده شده بود و چندی قبل از خواستگاری از فخرالدوله به ازدواجش درآمده بود، طلاق دهد تا راه ازدواج با دختر شاه هموار گردد. ازدواج فخرالدوله با امین‌الملک باعث رنجش نجم‌السلطنه از سرور السلطنه شد و مشیرالدوله نیز کینه از امین‌الدوله به دل گرفت.

زمانی که امین‌الدوله از صدارت عزل شد، گمان می‌رفت مانند بسیاری از صدراعظم‌های معزول قاجاریه، سرنوشت ناگواری چون تبعید یا قتل در انتظار او باشد. به همین دلیل فخرالدوله از ابتدا کوشش کرد تا او را گزندهای احتمالی مصون دارد. علی امینی، فرزند فخرالدوله، در خاطرات خود از قول مادرش چنین نقل می‌کند:

«روز بعد از حرکت پدر شوهر و شوهرم از اندرون شاه به من خبر دادند که احتمال می‌رود که شوهر و پدر شوهر شما را از قزوین به اردبیل ببرند و جانشان در معرض خطر باشد. با شنیدن این اخبار، بلافاصله به قزوین حرکت کردم و شبانه وارد آنجا شدم. پدر شوهر و شوهرم، از این ورود ناگهانی من تعجب کردند، ولی ابراز مطالبی که شنیده بودم نکردم. فقط گفتم که من مصمم هستم تا رشت با شما بیایم و بعد مراجعت خواهم کرد. فردای آن روز، قاصدی از تهران رسید که به امر شاه باید فخرالدوله

به تهران مراجعت کند. من زیر بار نرفتم و به همین جهت اقامت ما چند روز در قزوین طول کشید و قاصدهای متعددی آمدند و مأیوسانه برمی‌گشتند کار به جای رسید که معتمدالحرم خواجه‌باشی به قزوین فرستاده شد و مادرم [= فخرالدوله] را تهدید کرده بود که شاه فرموده‌اند، اگر اطاعت نکنید و مراجعت نفرمایید، مأمورم به زور شما را برگردانم. مادرم به این تهدید تن در نداد و حتی خواجه‌باشی را تهدید کرده بود که با کتک و پس‌گردنی بیرون می‌کنم. بالاخره دربار تسلیم شد و مادرم به اتفاق تبعید شدگان به رشت رفت و در املاک خودش در لشته‌نشاء ساکن شد.»



فخرالدوله. این عکس در سال ۱۳۱۳ در راه قاهره به مکه برداشته شده‌است.

پس از مرگ امین‌الدوله در لشت‌نشاء، به دلیل دشمنی محمدعلی شاه با خاندان امینی، کاری به امین‌الملک رجوع نشد. در استبداد صغیر امین‌الملک آزادیخواهانی را که در یارک امین‌الدوله پناه جسته بودند، تسلیم مستبدین کرد و در سفری به لشت‌نشاء توسط مجاهدان نهضت جنگل دستگیر شد و به دست فخرالدوله نجات یافت. این حوادث باعث شد امین‌الملک خود را در عرصه سیاست ناتوان بباید و انزوا اختیار کند. فخرالدوله که شاهد وضع همسرش بود تصمیم گرفت خود اداره زندگی همسر و فرزندانش را برعهده بگیرد. او در کودتای ۱۲۹۹ شوهر و فرزندانش را به قم برد و خانه‌ای در نزدیکی حرم معصومه گرفت تا امکان بست نشینی سریعاً در دسترس باشد. او مدتی بعد به تهران رفت تا با سردار سیه ملاقات کند و در نتیجه توانست املاک همسرش را در لشت‌نشاء که مدتها بین چند مدعی مورد نزاع بود، پس بگیرد. او از آن پس تلاش خود را صرف آبادانی لشت‌نشاء کرد به طوری که این املاک در مدت کوتاهی ارزش زیادی یافتند.



محله الهیه در تهران که زمانی باغ بیلاقی فخرالدوله بود

فخرالدوله بنیانگذار نخستین مؤسسه تاکسیرانی در تهران بود. او قصد تأسیس یک مؤسسه بورس ملی را در ایران داشت که به علت فراهم نبودن شرایط موفق نشد.

فخرالدوله سرپرستی تعدادی فرزند یتیم را بر عهده گرفته بود و امکان تحصیل برای آنان فراهم کرده بود. در هنگام وفات او تعداد آنان ۲۸ تن بودند.

فخرالدوله در اواخر عمر بر اثر از دست دادن پسرش حسین امینی، دچار اندوه فراوان شده بود. او پس از این واقعه اوقات خود را در باغ الهیه می‌گذراند و از مرادیه با اشخاص خودداری می‌کرد. او در آخرین سفرش به عتبات آرامگاهی در نجف خریداری کرده بود، اما مدتی پیش از فوتش به اطرافیان گفت او را گورستان ابن بابویه در ری در کنار مدفن پسرش به خاک سپارند. او در دی ماه ۱۳۳۴ در سن هفتاد و سه سالگی بر اثر سکته قلبی درگذشت.

فخرالدوله مورد تحسین رجال سیاسی زمان خود بود. مشهور است که رضاشاه درباره او گفته:

«قاجاریه یک مرد و نیم داشت، مردش فخرالدوله، و نیم‌مردش آقا محمد خان بود.»

در سال ۱۳۲۸ ساخت مسجد فخرالدوله به همت او در نزدیکی خانه‌اش به پایان رسید.

نگارخانه



مسجد فخرالدوله، تابستان ۱۳۹۴



آرامگاه اشرف الملوك امینی (فخرالدوله) در گورستان ابن بابویه، شهر ری

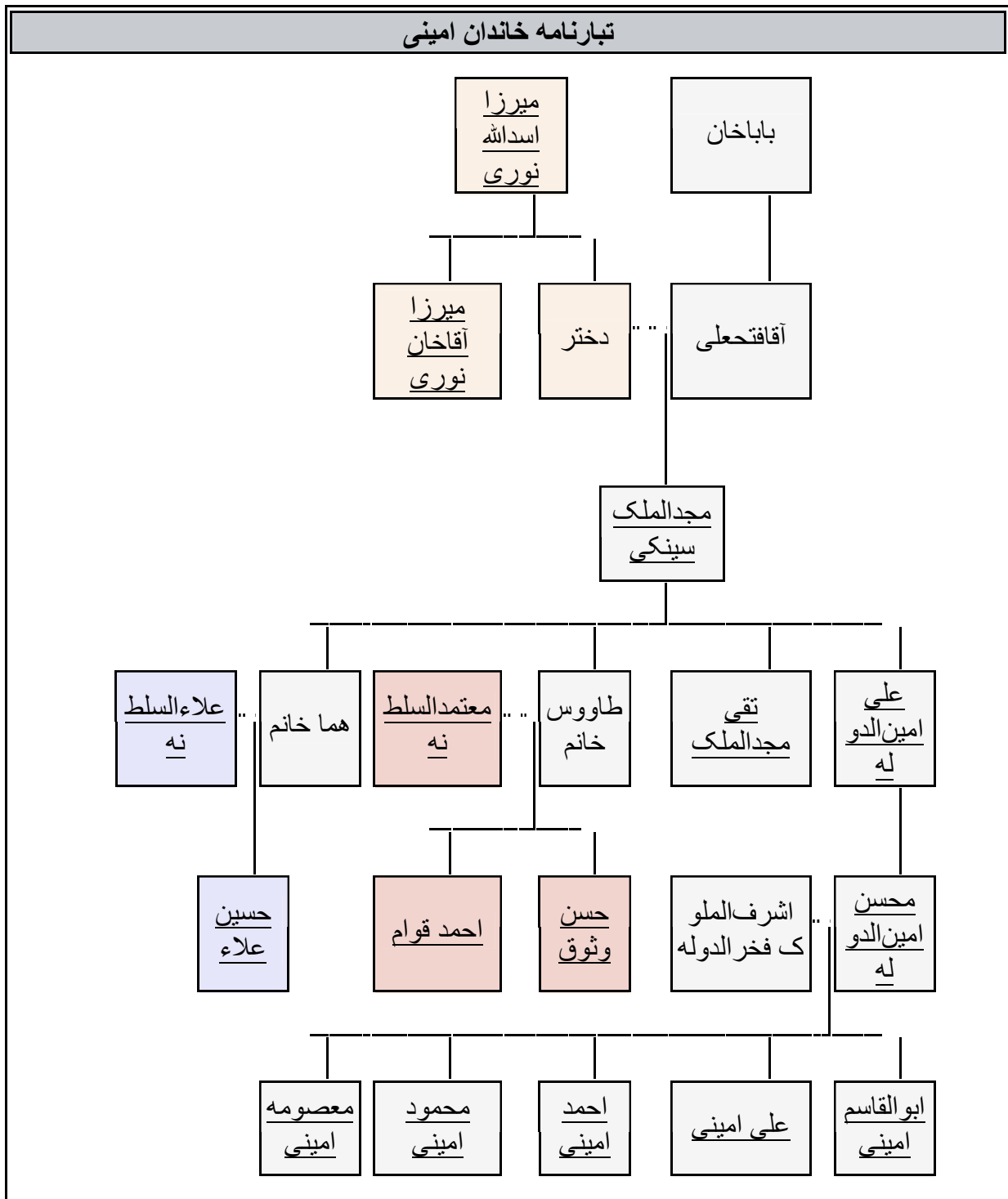


خانه فخرالدوله در تهران

دودمان

گسترش دودمان اشرف الملوک فخر الدوله

تبارنامه



بوران دخت

شهبانوی شهبانوان ایرانشهر
بازگرداننده نژاد خدایان



تصویر بازسازی شده بوران دخت از روی سکه‌هایش

نخستین دوره فرمانروایی

سلطنت ۱۷ ژوئن ۶۲۹ – ۱۶ ژوئن ۶۳۰

تاج‌گذاری ۱۷ ژوئن ۶۲۹

پیشین جوانشیر

جانشین گشتاسب
شاپور شهروراز

دومین دوره فرمانروایی

سلطنت ۶۳۱-۶۳۲

تاج‌گذاری ۶۳۱

پیشین آزرمی دخت

جانشین بزدگرد سوم

زاده	۵۹۰
درگذشته	ژوئن ۶۳۲ <u>تیسفون</u>
همنشین	<u>شیرویه</u>
خاندان	<u>خاندان ساسان</u>
پدر	<u>خسرو پرویز</u>
مادر	<u>مریم</u>
دین و مذهب	<u>مزدیسنا</u>

بوران دخت، پوران دخت یا بوران (به پارسی میانه: **بوران**) شهبانوی ایران ساسانی (بانشین) از سال ۶۳۰ تا ۶۳۲ میلادی با گسستی چندماهه بود. او دختر خسرو پرویز (حکومت از ۵۹۰ تا ۶۲۸) و مریم، شاهزادهٔ بیزانسی، بود. وی دومین و یکی از تنها سه زنی در تاریخ ایران است که توانسته بر ایران حکومت کند. دو زن دیگر موزا، شهبانوی اشکانی، و خواهر بوران، آزرمی دخت، هستند.

خسرو پرویز در سال ۶۲۸ توسط پسرش، شیرویه (قباد دوم)، سرنگون و کشته شد. شیرویه همهٔ برادران و برادران ناتنی بوران را نیز اعدام کرد و این کار باعث آغاز دوره‌ای از جناح‌بندی در شاهنشاهی شد. شیرویه چند ماه بعد درگذشت و پسر هشت ساله‌اش اردشیر سوم، جانشین وی شد، که او نیز پس از یک دوره حکومت تقریباً دو ساله، توسط اسپهبد ایرانی شهربراز، ربوده و کشته شد. بوران اندکی بعد با کمک فرمانده نظامی فرخ هرمز، شهربراز را از حکومت کنار زد و خود بر تخت سلطنت نشست. او و خواهرش آزرمی دخت در آن زمان تنها وارثان قانونی بودند که می‌توانستند بر کشور حکومت کنند. بوران میراث‌دار امپراتوری رو به زوالی شده بود که درگیر جنگ داخلی میان دو خاندان بزرگ پارسی (پارسیگ) و پارتی (پهلوی) بود. او متعهد به احیای یاد و اعتبار پدرش بود که در دوران سلطنتش شاهنشاهی ساسانی به اوج گستردگی سرزمینی خود رسیده بود.

دیری نپایید که بوران دخت نیز از سلطنت کنار زده شد و پسر عمه‌اش به نام شاپور شهروراز، که حتی از او نیز کمتر سلطنت کرد، جانشین او شد. شاپور نیز با آزرمی دخت که نماینده انجمن پارسیگ بود جایگزین شد. او نیز پس از مدت کوتاهی سرنگون شد و توسط پهلوها به فرماندهی رستم فرخ هرمز (فرخ زاد)، فرزند فرخ هرمز، کشته شد که این کار باعث بازگشت بوران دخت به سلطنت برای دومین بار شد. در دوره دوم سلطنت او، قدرت بیشتر در دست رستم بود، که این وضعیت باعث نارضایتی پارسیگ‌ها و شورش آن‌ها شد که در طی آن بوران با خفه‌سازی کشته شد. پس از او برادرزاده‌اش یزدگرد سوم حکومت را در دست گرفت که با حمله اعراب به ایران و سرنگونی شاهنشاهی ساسانی، وی به آخرین حکمران این امپراتوری تبدیل شد.

اگرچه دو دورهٔ حکومت بوران دخت کوتاه‌مدت بود، او تلاش کرد با اجرای قوانین عادلانه، بازسازی زیرساخت‌ها و کاهش مالیات و ضرب سکه، ثبات را در ایران به ارمغان آورد. او از نظر دیپلماتیکی خواستار روابط خوب با همسایهٔ غربی، یعنی بیزانس، بود و یک فرستاده را به نزد امپراتور هراکلیوس (حکومت از ۶۱۰ تا ۶۴۱) فرستاد که از سمت او با احترام پذیرفته شد.

نام

نام بوران دخت بر روی سکه‌هایش بوران عنوان شده که فیلیپ ژینیو تاریخ‌نگار فرانسوی آن را کوتاه‌شده اسم *بئوراسپا («دارنده اسب‌های زیاد») می‌داند. فردوسی شاعر ایرانی در اثر حماسی خود شاهنامه از او به عنوان پوران دخت یاد می‌کند. پسوند دخت (دوخت در زبان پارسی میانه) به معنای «دختر» است که در زبان‌های ایرانی برای تمایز دادن میان نام‌های دختران و پسران ایجاد شده است. این پسوند را نباید عیناً در نظر گرفت. از او در آثار ابوعلی بلعمی در سده چهارم هجری با نام توران دخت یاد شده، سبئوس، تاریخ‌نگار سده هفتمی ارمنی، او را شهبانو بُر و سیف بن عمر، تاریخ‌نگار صدر اسلام عرب، او را دخت زبان نامیده است.

نام بورانی، پیش‌غذای ایرانی، ممکن است از بوران دخت گرفته شده باشد.

پیش‌زمینه و اوایل زندگی



سکه خسرو پرویز

بوران دخت دختر واپسین شاه برجسته ایران، خسرو دوم، معروف به خسرو پرویز (حکومت از ۵۹۰ تا ۶۲۸) و مریم، شاهزاده بیزانسی، بود. او در سال ۵۹۰ و اندکی پس از تاجگذاری پدرش در تیسفون زاده شد. بوران دخت یکی از ۶ شاهزاده‌ای بود که در تیسفون زندگی می‌کرد.

خسرو پرویز در سال ۶۲۸ توسط پسر خود شیرویه، که به نام قباد دوم نیز شناخته می‌شود، سرنگون و اعدام شد. شیرویه همچنین اقدام به کشتن همه برادران و برادران ناتنی خویش، از جمله ولی‌عهد، مردانشاه، کرد. این کار چنان ضربه سنگینی به امپراتوری وارد کرد که امپراتوری دیگر هرگز نتوانست دوباره به پا خیزد. گفته می‌شود که بوران دخت و خواهرش آزر می‌دخت از اقدامات وحشیانه شیرویه انتقاد کرده و او را سرزنش کرده‌اند و او در آخر از کارهایش ابراز پشیمانی کرده است. طبق گزارش رویدادنامه خوزستان، بوران دخت همچنین همسر شیرویه بود که این نشان‌دهنده آیین زرتشتی خویدوده یا ازدواج با خویشاوندان است.

سرنگونی خسرو پرویز با جنگ داخلی ۶۲۸ تا ۶۳۲ ساسانیان به اوج خود رسید که با استقلال کامل خاندان‌های ممتاز مقتدر و ایجاد دولت‌های جدید همراه بود. در این میان، درگیری‌ها میان خاندان‌های ممتاز پارسی (پارسیگ) و پارتی (پهلوی) نیز از سر گرفته شد که باعث بدتر شدن اوضاع شد. چند ماه بعد، طاعونی ویرانگر استان‌های غربی ساسانیان را فرا گرفت و نیمی از جمعیت آن مناطق را از جمله شیرویه، به کشتن داد. پس از شیرویه پسر هشت ساله‌اش، که اردشیر سوم نامیده شد، جانشین وی شد. تاجگذاری اردشیر توسط هر دو انجمن پهلوی و پارسیگ و همچنین سومین انجمن بزرگ به نام نیمروزی پشتیبانی می‌شد. با این وجود، در سال ۶۲۹، نیمروزی‌ها حمایت خود را از شاه پس گرفتند و با کمک سپهبد برجسته ایرانی شهربراز، برای سرنگونی او توطئه کردند.

پهلوها به رهبری فرخ‌هرمز از خاندان ممتاز اسپهبد، شروع به حمایت از بوران دخت به عنوان شاهنشاه جدید ایران کردند و از آن پس او ضرب سکه را در مناطق پهلوی امل نیشاپور، گرگان و ری آغاز کرد. در ۲۷ آوریل ۶۳۰ اردشیر سوم توسط شهربراز کشته شد، که او نیز به نوبه خود، پس از چهل روز سلطنت، در کودتایی توسط فرخ‌هرمز به قتل رسید. سپس فرخ‌هرمز در اواخر ژوئن ۶۳۰ به بوران دخت در رسیدن به سلطنت کمک کرد. به احتمال زیاد به قدرت رسیدن بوران دخت به

این دلیل بود که او در کنار آزرمی‌دخت تنها وارثان قانونی باقی‌مانده از شاهنشاهی بودند که می‌توانستند بر کشور حکومت کنند.

نخستین دوره پادشاهی



سنگ‌نگاره تاج‌گذاری خسرو پرویز، پدر بوران‌دخت، در کنار آناهیتا و اهورامزدا در طاق‌بستان

بوران‌دخت نخستین شهبانویی بود که بر شاهنشاهی ساسانی حکومت می‌کرد؛ هرچند پیش از او حضور زنان سلطنتی در مقام‌های مدیریتی کشور امری غیرمعمول نبود و زنان بسیاری پیش از بوران به مناصب بالایی رسیده بودند. برای نمونه شهبانوی بزرگ سده پنجمی ساسانی به نام دینگ از سال ۴۵۷ تا ۴۵۹ در طول مبارزه دودمانی برای تاج‌وتخت میان پسرانش هرمز سوم (حکومت از ۴۵۷ تا ۴۵۹) و پیروز یکم (حکومت از ۴۵۹ تا ۴۸۴) به عنوان نایب‌السلطنه امپراتوری از پایتخت آن، تیسفون، بر کشور حکومت کرده بود.

تاریخ‌نگار آلمانی یوزف ویزه‌هوفر نیز نقش زنان نجیب‌زاده را در ایران ساسانی برجسته می‌داند و اظهار می‌کند که «مدارک ایرانی سده سوم (کتیبه‌ها، نقش‌برجسته‌ها، سکه‌ها) نشان می‌دهد که اعضای زن خانواده سلطنتی مورد توجه و احترام غیرمعمولی قرار گرفته‌اند.» داستان شهبانوی افسانه‌ای کیانیان به نام همای چهرزاد و احترام به آناهیتا، ایزدبانوی ایرانی، نیز احتمالاً به تأیید حکومت بوران‌دخت کمک کرده است.

بوران‌دخت در سن ۳۹ یا ۴۰ سالگی تاج‌گذاری کرد و فرخ‌هرمز را به عنوان وزیر ارشد (وزرگ فرمذار) شاهنشاهی گماشت. وی سپس با اجرای قوانین عادلانه، بازسازی زیرساخت‌ها، کاهش مالیات و ضرب سکه سعی در ایجاد ثبات در ایران کرد. حکومت او توسط اشراف و روحانیون پذیرفته شد که این امر با سکه‌های ضرب‌شده به نام او در استان‌های پارس، خوزستان، ماد و ابرسهر مشهود است. هیچ اثری مبنی بر مخالفت با جنسیت وی یافت نشده است. با این حال، او در سال ۶۳۰ از سلطنت کنار گذاشته شد و پسر عمه‌اش شاپور شهروراز، پسر شهربراز، شاه ایران شد. او نیز هنگامی که توسط انجمن پارسیگ به رهبری سپهبد مقتدر پیروز خسرو به رسمیت شناخته نشد، از سلطنت برکنار و آزرمی‌دخت، خواهر بوران‌دخت، جانشین او شد.

دومین دوره پادشاهی

فرخ‌هرمز، به منظور تقویت اقتدار خود و ایجاد یک قرار موقت میان خاندان‌های پهلوی و پارسیگ، به آزرمی‌دخت (که نماینده پارسیگ‌ها بود) درخواست ازدواج داد. آزرمی‌دخت که توان رد درخواست را نداشت، با کمک سیاوخش نجیب‌زاده از خاندان مهران، که نوه بهرام چوبین، اسپهبد معروف و شاه کوتاه‌مدت ایران بود، فرخ‌هرمز را کشت. رستم فرخ‌هرمز (فرخزاد)، پسر فرخ‌هرمز، که در آن زمان در خراسان مستقر بود، جانشین پدرش به عنوان رهبر پهلوی‌ها شد. وی به خون‌خواهی پدرش، خود را به تیسفون، پایتخت امپراتوری ساسانی، رسانید و به گفته سیف بن عمر در راه هر ارتشی از آزرمی‌دخت را که دید، شکست داد. وی سپس نیروهای سیاوخش را در تیسفون شکست داد و شهر را تصرف کرد. آزرمی‌دخت اندکی بعد توسط رستم کور و سپس کشته شد و این کار باعث بازگشت

دوباره بوران دخت به سلطنت در ژوئن ۶۳۱ شد. بوران دخت از رستم در مورد وضعیت نابسامان و رو به زوال شاهنشاهی شکایت کرد. گفته می‌شود در این دوره که بوران دخت رستم را برای اداره امور کشور دعوت کرده و به او اجازه داد تا قدرت کلی را به دست گیرد.

به گفته سیف میان خاندان بوران دخت و رستم توافقی انجام شد؛ بدین ترتیب که ملکه می‌بایست حکومت را برای ده سال به رستم بسپارد و در آن زمان اگر یک زاده پسر از خاندان ساسان پیدا می‌شد، حاکمیت باید به او و اگر پیدا نمی‌شد به یکی از زنان خاندان بازگردد. بوران دخت این توافق را مناسب پنداشت و انجمن‌های کشور (از جمله پارسیگ‌ها) را احضار و رستم را به عنوان رهبر کشور و فرمانده نظامی آن اعلام کرد. انجمن پارسیگ با این شرایط موافقت کرد و پیروز خسرو نیز در اداره کشور در کنار رستم شریک شد.

پارسیگ‌ها به دلیل شکنندگی و زوال ایران و همچنین به دلیل اینکه خاندان مهران، متحدان آن‌ها، موقتاً از رستم شکست خورده بودند، موافقت کردند که با پهلوها کار کنند. با این حال، همکاری میان پارسیگ‌ها و پهلوها کوتاه مدت بود؛ چرا که با تصویب بوران دخت میان دو انجمن شرایط نابرابری حاکم بود و انجمن رستم یک بخش بسیار مهم‌تری از قدرت را در دست داشت. بوران دخت خواستار برقراری رابطه خوب با امپراتوری بیزانس بود و بنابراین یک فرستاده را به رهبری جاثلیق پشوع یهب دوم و دیگر بزرگان کلیسای ایران، به نزد امپراتور هراکلیوس (حکومت از ۶۱۰ تا ۶۴۱) فرستاد. این فرستاده با استقبال دوستانه هراکلیوس روبرو شد و حامل صلیب مقدسی بود که پدرش در جنگ با رومیان به غنیمت گرفته بود.

مرگ

در سال بعد شورشی در تیسفون آغاز شد. در حالی که ارتش شاهنشاهی به امور دیگری مشغول بود، پارسیگ‌ها که از سلطنت رستم ناراضی بودند، خواستار سرنگونی بوران دخت و بازگشت بهمن جادویه، شخصیت برجسته پارسیگ، بودند که توسط بوران دخت اخراج شده بود. بوران دخت اندکی بعد کشته شد. طبق رویدادنامه‌های سریانی ناشناس و رویدادنامه سیرت، او را خفه کردند. این کار احتمالاً به دست پیروز خسرو بود. در آثار دیگری از جمله شاهنامه پایان پادشاهی او با مرگ طبیعی‌اش عنوان شده است.

برخی از تاریخ‌نگاران سلطنت او را یک سال و چهار ماه و برخی دیگر آن را یک سال و شش ماه عنوان می‌کنند. سبئوس آن را دو سال می‌داند. بورن احتمالاً در پاییز سال ۶۳۱، در سومین سال تقویمی حکومتش که نمی‌توانست بیش از یک و نیم سال را در قدرت باشد، درگذشت.

پس از مرگ بوران دخت، ستیزه میان دو انجمن از سر گرفته شد. چندی نگذشت که رستم و پیروز خسرو توسط افراد خود که از اوضاع رو به زوال کشور نگران شده بودند، تهدید شدند. آن دو سپس توافق کردند که یک بار دیگر با هم کار کنند و برادرزاده بوران دخت و نوه خسرو پرویز را به نام یزدگرد سوم (حکومت از ۶۳۲ تا ۶۵۱) بر تخت سلطنت نشانده و به جنگ داخلی پایان دهند. به گفته طبری (درگذشته ۹۲۳ میلادی) بوران دخت مجموعاً شانزده ماه سلطنت کرد.

ضرب سکه و ایدئولوژی شاهنشاهی



سکه نقره بوران دخت



سکه طلای بوراندخت

در زمان سلطنت بوراندخت، سکه‌ها به یاد گذشته و احترام شخصی او به پدرش، به طرحی که پدرش استفاده می‌کرد برگردانده شد. او همچنین دارای سکه‌هایی با طرح‌های رسمی‌تر بوده که برای استفاده عمومی در نظر گرفته نمی‌شدند. بر روی سکه‌های بوراندخت از او به عنوان بازگرداننده میراث خود، یعنی نژاد خدایان، یاد شده است. در نوشته روی سکه‌های وی چنین آمده است: «بوران، بازگرداننده نژاد خدایان» (پارسی میانه: Bōrān ī yazdān tōhm winārdār). ادعای از تبار خدایان بودن شاهان ساسانی از سده سوم و زمان شاپور دوم (حکومت از ۳۰۹ تا ۳۷۹) دیگر استفاده نشده بود.

واحد اصلی پول بوراندخت، همچون سایر حاکمان ساسانی، درهم (پارسی میانه: drahm) نقره بود. به نظر می‌رسد بوراندخت تنها حاکمی در دوره سلطنت خسرو پرویز تا یزدگرد سوم بوده که سکه‌های مفرغی ضرب کرده است. فقط یک نسخه سکه طلایی از بوراندخت شناخته شده است که در موزه هنرهای زیبای بوستون نگهداری می‌شود. روی درهم و سکه‌های مفرغی بوراندخت، تصویر نیم‌رخ راست او را نشان می‌دهد و در پشت آن آتشکده زرتشتیان به همراه دو نفر از خدمه تصویر شده است. در سکه‌های طلای بوراندخت تصویر او به جای نیم‌رخ، از روبرو است.

در سکه‌های نقره‌ای و مفرغی بوراندخت، دو یا سه ردیف گلوله تصویر او را دربر گرفته‌اند و نشانه‌های نجومی ماه و ستاره در حاشیه خارجی آن قرار گرفته‌اند. بوراندخت با یک کلاه گرد با سه نگین و یک دیپیم به تصویر کشیده شده است. گیسوهایی آراسته به جواهرات او نیز از زیر کلاه افتاده‌اند. دیپیم شامل دو ردیف گلوله، احتمالاً مروارید، است که بخش‌های پدیدار آن به دور پیشانی بوراندخت گره خورده است. بالای تاج او به یک جفت بال پرداز وجود دارد که نشان‌دهنده الوهیت زرتشتی بهرام، ایزد جنگاوری و پیروزی، است. یک هلال و کره زمین میان بال‌های پرداز به تصویر کشیده شده است. نشانه‌های نجومی بیشتری در سمت راست (یک ستاره و هلال) و سمت چپ (یک ستاره) بالای تاج به تصویر کشیده شده‌اند.

بی‌بی مریم بختیاری



سردار مریم بختیاری در سال ۱۳۱۳ خورشیدی

زاده	۱۲۵۳
	سورشجان-چهارمحال بختیاری
درگذشت	۱۳۱۶ اصفهان
آرامگاه	<u>تخت فولاد</u> ، تکیه بختیاری‌ها
یادمان‌ها	۳ قلعه در سورشجان(اوایل انقلاب تخریب شده اند)
شناخته‌شده	از زنان مبارز عصر <u>مشروطیت</u>
عنوان	سردار مریم بختیاری
دوره	<u>دوران مشروطه</u>
جنبش	<u>جنبش مشروطه</u>
دین	<u>اسلام</u>
مذهب	<u>شیعه</u>
همسر ها	علیقلی‌خان چهارلنگ فتح‌الله‌خان سردار ارشد
فرزندان	<u>علی‌مردان خان</u> محمدعلی‌خان مصطفی‌قلی‌خان سهراب‌خان
والدین	<u>حسینقلی خان ایلخانی</u>
خویشاوندان	<u>علیقلی خان سردار اسعد</u> برادر <u>نجفقلی صمصام‌السلطنه</u> برادر
جایزه	نشان پادشاهی آلمان

بی‌بی مریم بختیاری (زاده ۱۲۵۳ سورشجان چهارمحال بختیاری- درگذشت ۱۳۱۶ اصفهان) مشهور به سردار مریم بختیاری، نویسنده ایرانی و از زنان فعال در انقلاب مشروطه بود. خانواده بی‌بی مریم از بانفوذترین خاندان‌های ایرانی دوره قاجار به‌شمار می‌آمد؛ پدرش، حسینقلی خان ایلخانی، از خوانین ایل بختیاری و برادران او؛ علیقلی خان سردار اسعد (از رهبران انقلاب مشروطه) و نجفقلی

صمصام‌السلطنه (دو دوره رئیس‌الوزرای ایران) و نیز عموزادگان وی، از رجال شناخته‌شده دوران قاجار و پهلوی محسوب می‌شدند. او مادر علیمردان خان بختیاری بود. بی‌بی‌مریم از پیشگامان مطالبات حقوق زنان و از مدافعان ملی سرزمین ایران، در خلال جنگ جهانی اول به‌شمار می‌آمد

زندگی‌نامه

بی‌بی‌مریم بختیاری، دختر حسینقلی خان ایلخانی در سال ۱۲۵۳ در منطقه بختیاری زاده شد. او از زنان باسواد و روشنفکر عصر خود بود، که همزمان با وقوع انقلاب مشروطه، به طرفداری از حقوق زنان برخاست. وی فنون اردوگشی نظامی و لشکر داری را از پدر و برادرانش آموخت و آموزه‌ها را در زمان نبردهای انقلاب مشروطه؛ در فتح تهران و نیز فتح اصفهان، همچنین در جنگ جهانی اول به کار بست. وی از سرمایه مادی و معنوی خانواده خود برای تشکیل یک هنگ از سواران بختیاری، برای مبارزه با اشغال‌گران روس و انگلیس، در جنگ جهانی اول استفاده کرد.

فتح تهران

بی‌بی‌مریم، یکی از مشوقان اصلی سردار اسعد بختیاری برای فتح تهران محسوب می‌شد. وی طی نامه‌ها و تلگراف‌های مختلف بین سران ایل بختیاری و سخنرانی‌های مهیج، افراد ایل را جهت مبارزه با استبداد صغیر در زمان محمدعلی‌شاه قاجار، آماده می‌کرد و همواره به عنوان یکی از شخصیت‌های ضد‌استعماری و استبدادی عصر قاجار مطرح بود.

بی‌بی‌مریم بختیاری، پیش از فتح تهران، مخفیانه با عده‌ای سوار وارد تهران شد و در خانه پدری حسین تقفی، منزل کرد. به مجرد حمله سواران بختیاری به فرماندهی علی‌قلی‌خان سردار اسعد، به تهران، پشت بام خانه را که مشرف به میدان بهارستان بود، سنگربندی کرد و با عده‌ای سوار بختیاری، از پشت سر با قزاق‌های طرفدار محمدعلی‌شاه، مشغول نبرد شد. در این رویداد، او شخصاً تفنگ به دست گرفت و با قزاقان جنگید. نقش او در فتح تهران، میزان محبوبیتش را در ایل بختیاری و مجاهدین مشروطه‌خواه، افزایش داد و طرفداران بسیاری یافت، به طوری که به لقب سرداری مفتخر شد.

انقلاب مشروطه

منزل بی‌بی‌مریم، پناهگاه بسیاری از آزادی‌خواهان عصر مشروطه بود. به طوری که هنگام فتح اصفهان، توسط روس‌ها در جنگ جهانی اول، فن کاردف؛ کاردار سفارت آلمان، به خانه بی‌بی‌مریم بختیاری پناه برد و مدت ۳ ماه و نیم در پناه او بود. کاردف پس از شکست بختیاری‌ها از روس‌ها و کشته شدن ۵۸ نفر از سواران بختیاری، راهی کرمانشاه شد و از آنجا به برلین رفت.

به پاس حمایت‌های بی‌بی‌مریم از کاردار سفارت آلمان در خلال جنگ جهانی اول، ویلهلم دوم (امپراتور آلمان) کمان تمثال میناکاری و الماس‌نشان و نیز صلیب آهنین، که در آن هنگام، مهم‌ترین نشان امپراتوری آلمان بود، را برای او ارسال کرد. جریان مبارزات سردار مریم بختیاری با بریتانیایی‌ها در طی قرارداد ۱۹۱۹ و نیز کودتای ۱۲۹۹ همچنان ادامه یافت، به طوری که محمد مصدق، حاکم وقت فارس، در زمان کودتای ۱۲۹۹، پس از مخالفت و عزل از اصفهان، راهی منطقه بختیاری شد و مدت‌ها مهمان بی‌بی‌مریم بود.

محمدابراهیم باستانی‌پاریزی؛ از مورخین معاصر، در خصوص بی‌بی‌مریم می‌نویسد:

در این کوهستان زنی می‌زیسته که برابر ۱۰۰ مرد، در سرنوشت تاریخ معاصر ایران دخیل بوده‌است. منظورم بی‌بی‌مریم بختیاری است، که وقتی در جنگ بین‌الملل اول، ایرانیان وطن‌خواه ابتدا از اولتیماتوم روس و بعد از هجوم انگلیسی‌ها، ناچار به مهاجرت و آواره کوهستان شدند، این زن نامدار، همه آنان را پناه داد.

روزنامه خاطرات

بی‌بی‌مریم زنی باسواد و روشنفکر بود و از معدود زنان زمان خویش بود، که حوادث عصر خویش را می‌نوشت. کتاب خاطرات بی‌بی‌مریم سال‌ها پس از درگذشتش، منتشر شد، که در آن درباره‌ی دوران کودکی و نوجوانی، شرح زندگی و حوادث سیاسی تا پایان دوره مشروطیت را نوشته‌است. خاطرات، به قلمی ساده و روان، از سال ۱۲۹۶ هجری شمسی ثبت شده‌است.

بی‌بی‌مریم در ابتدای خاطراتش اینطور نوشته‌است:

به امید خداوند که امیدوارم فرصت بدهد به بنده که یک زن ایرانی و از ایل بختیاری می‌باشم، روزنامه خاطرات خود را ساده و مختصر بنویسم. به تاریخ ماه شعبان المبارک ۱۳۳۶ هجری قمری.

خانواده ایلخانی

پدر بی‌بی‌مریم، حسینقلی خان ایلخانی بود، که در زمان حیات، به مدت ۳۰ سال حاکم بلامنازع ایل بختیاری بشمار می‌آمد. بی‌بی‌مریم دارای ۶ برادر و ۱۱ خواهر، از همسران متعدد پدرش بود. برادران وی که هر کدام به نحوی در تاریخ معاصر ایران نقش آفرین بودند عبارتند از: اسفندیار خان، نجفقلی صمصام‌السلطنه، امیرقلی خان، علیقلی خان سردار اسعد، خسروخان سردار ظفر و یوسف خان امیر مجاهد.

خانواده بی‌بی‌مریم که به خاندان ایلخانی شهرت داشتند، در اواخر دوره قاجار سمت‌های گوناگونی را در مقاطع مختلف بر عهده داشتند. پس از انقلاب مشروطه، برادران و عموزادگان او در مناصبی چون وزارت، نمایندگی مجلس شورای ملی و رئیس‌الوزاری (نجفقلی صمصام‌السلطنه برادر بزرگتر او) حضوری فعال داشتند. بسیاری از رجال سیاسی و نویسندگان آزادی‌خواه ایرانی همچون علی‌اکبر دهخدا، ملک الشعرای بهار و وحید دستگردی با خانواده بی‌بی‌مریم و نیز با خود او، ارتباط و معاشرت داشتند. در دوره پهلوی اول و دوم نیز نسل‌های بعدی خاندان ایلخانی در محیط سیاسی و اجتماعی حضوری فعال داشتند، که می‌توان به افرادی چون: جعفرقلی خان بختیاری، ثریا اسفندیاری، تیمور بختیار و شاپور بختیار، اشاره کرد.

درگذشت

سردار مریم بختیاری، در سال ۱۳۱۶ خورشیدی، ۳ سال پس از اعدام فرزند ارشدش؛ علی‌مردان خان در شهر اصفهان درگذشت. او در تکیه میرفندرسکی تخت فولاد، در اصفهان به خاک سپرده شد.

در فرهنگ عامه

زندگی بی‌بی‌مریم سوژه سریال تلویزیونی، بانوی سردار، ساخته پرویز شیخ‌طادی، از شبکه سوم سیما، پخش شده‌است.

او از زنان تحصیل‌کرده زمان مشروطه بود که به حمایت از آزادی‌خواهان برخاست و حتی به تهران لشکرکشی کرد. به واسطه زندگی در ایل بختیاری و پدرش که خان ایل بود تیراندازی و سوارکاری می‌دانست.

می‌گویند او از مشوقان اصلی برادرش علیقلی خان سردار اسعد برای فتح تهران بوده است. پیش‌تر در زمان استبداد صغیر، افراد ایل را به مبارزه علیه استعمار تشویق می‌کرده است. قبل از فتح تهران، همراه سواران مخفیانه وارد پایتخت شد و شبانه روی سقف خانه‌ای که رو به روی مجلس بهارستان بود سنگربندی کرد تا بعد از ورود سردار اسعد بختیاری با قزاق‌ها بجنگد.

بعد از این ماجرا در ایل بختیاری به بی‌بی‌مریم، لقب سردار دادند. او در خاطراتش درباره دلایل اینکه زنان در جامعه عقب مانده‌اند نوشته " ... تمام بدبختی‌های ما از خودمان می‌باشد، زیرا که نه علم داریم و نه حقوق خود را می‌دانیم، اگر ما هم بدانستیم که برای چه خلقت شدیم، البته در اطراف حقوق خود جان فشانی‌ها می‌کردیم

ما حالا فکر می‌کنیم فقط برای رفع شهوت مردها خلق شده‌ایم یا برای اسارت و کنیزی خلق شده‌ایم. ما می‌توانستیم برای حقوق انسانی خود به تمام ملل عالم تظلم بکنیم و حقوق خود را برقرار بکنیم ... اما ما زن‌های ایرانی ابدًا از عالم انسانیت خارجیم

سال ۱۲۹۵ هم که یک افسر آلمانی با سربازانش در کنار عشایر جنوب ایران علیه انگلیسی‌ها مبارزه می‌کرد، سردار مریم بهترین نیروهای خود را برای همراهی با او به تنگستان فرستاد

گفته می‌شود که در دوران جنگ جهانی اول خانه او در اصفهان پناهگاهی بوده است برای فعالان سیاسی و فرهنگی مانند علی‌اکبر دهخدا، ملک‌الشعرا بهار و در مقطعی در سال ۱۲۹۹ پناهگاهی برای محمد مصدق. سایه‌ای از زندگی پارتیزانی و مقاومت‌های بی‌بی‌مریم بختیاری، بعدها در سرنوشت فعالان چپ دیده می‌شد. زنانی مانند مریم فیروز و اشرف دهقانی که الگوی بسیاری از زنان چپ در ایران بوده‌اند

پانته‌آ



یک ریزنگاشت از پانته آ

پانته‌آ (در لغت‌نامه دهخدا به صورت پانته‌آ آمده) بانوی بسیار زیاد جذاب و زیبایی از اهالی شوش بود که به اسارت کوروش کبیر در آمد و بعد از ماجراهایی کوروش او را به شوهرش آبراداتاس که فرماندار شوش و در تابعیت بابل بود، رساند. آبراداتاس هم پس از مشاهده جوانمردی کوروش کبیر به او پیوست و در راه دفاع از او جان خود را فدا نمود. کوروش آرامگاهی برای این زوج - پانته‌آ و آبراداتاس - بنا نهاد که گفته می‌شود بقایای آن هنوز در عراق باقیست. بر ستونی که به خط بابلی نام آن زن و شوهر حک شده‌است، نوشته‌اند «علم داران».

Pan Teh A- a Persian word meaning a strong Beauty (God of Beauty) or guardian of the person of the mighty. Original Greek: it means a unity with God ... or the wages

داستان

هنگامی که مادها پیروزمندانه از جنگ شوش برگشتند، غنائمی با خود آورده بودند که بعضی از آنها را برای پیشکش به کورش بزرگ عرضه می‌کردند. در میان غنائم زنی بود بسیار زیبا و به قولی زیباترین و جذابترین زن شوش که او را پانته‌آ می‌نامیدند حداقل می‌توان گفت یکی از زیباترین و جذابترین زنان جهان بود چرا که همه زنان شوش زیبایی فوق‌العاده‌ای در میان زنان جهان داشتن به همین دلیل وی زیباترین زن شوش در میان تمام زنان هست و این ثابت می‌کرد که او زیباترین زن جهان است وی در هنگام اسارت همسرش به نام «آبراداتاس» برای انجام دادن مأموریتی از جانب شاه خویش (نبونه اید شاه بابل) رفته بود. چون وصف زیبایی پانته‌آ را به کورش گفتند، کورش درست ندانست که زنی شوهردار را از همسرش بگیرد.

مادی‌ها اصرار داشتند که کورش حداقل یک بار زن را ببیند تا شاید نظرش عوض شود و کورش گفت: می‌ترسم او را ببینم و عاشقش شوم و نتوانم او را به شوهرش بسپارم. پس او را تا بازآمدن همسرش به یکی از ندیمان که مردی به نام آراسپ - هم بازی کودکی کورش- بود سپرد اما آراسپ خود عاشق پانته‌آ شد و خواست از او کام بگیرد، پانته‌آ به ناچار از کورش کمک خواست. کورش که مطلع شد از عجز و زبونی آراسپ که خود را در برابر عشق رویین تن می‌دانست به خنده درآمد و آرتاباس سردار خود را به همراه خواجه‌ای نزد وی فرستاد و به او تأکید کرد، آراسپ را تهدید نماید که مبادا از راه جبر و عنف به زن پاکدامنی چون پانته‌آ تجاوز کند، ولی به آرتاباس اجازه داد که با وی صحبت کند و از او خواست با تندوی و شدت عمل با آراسپ برخورد کند و تا جایی که می‌تواند رعب و ترس در دلش ایجاد کند. آراسپ مرد نجیبی بود، به شدت شرمنده شد.

پانته‌آ پس از مشاهده رفتار جوانمردانه کورش قاصدی را مأمور ساخت تا به تاخت به سوی سرزمین باکتریان رفته و آبراداتس را از مآوقع کارها با خبر سازند. هنگامی که آبراداتاس به ایران آمد و از موضوع با خبر شد، به پاس جوانمردی کورش بر خود لازم دید که در لشکر او خدمت کند. خویشین داری کورش، چشم پوشیدنش از یک زن اسیر، آن هم به زیبایی و جذابیت پانته‌آ، کاری غیرمنتظره و دور از حدس و گمان کمتر کسی بود. تا آن روزگار کسی به خاطر نمی‌آورد که پادشاهی از غنیمت جنگی خود صرف نظر نماید، حال آنکه آن غنیمت زنی به زیبایی پانته‌آ باشد. می‌گویند هنگامی که آبراداتاس به سمت میدان جنگ روان بود پانته‌آ از طلاهای خود برای او کلاه خود و دستبندها و بازوبندهایی از طلا و همچنین بالا پوشی ارغوانی که تا قوزک پای او را می‌پوشاند و منگوله‌ای بزرگ با پر عقاب که بالای کلاه خود می‌گذازند به اندازه لباس‌ها و کلاه خود او تهیه دیده بود پیش آورد و بر او پوشاند و گفت: «تو بهترین زینت و زیور من خواهی بود.» سپس پانته‌آ دستان او را گرفت و در حالی که اشک از چشمانش سرازیر بود گفت:

«ای آبراداتاس، اگر در دنیا زنانی باشند که همسر خود را بیش از خود دوست و گرامی داشته باشند، به یقین یکی از آنان من خواهم بود، آیا حاجتی است که آن را به ثبوت برسانم؟ سوگند به عشقی که من به تو دارم و عشقی که تو به من داری... من هم همان طور که که تو برای زندگانی با شرافت آفریده شده‌ای، جز به زندگانی با عزت و افتخار تن نخواهم داد. کورش شایسته این است که ما تا جان در بدن داریم در راه سپاسگزاری اش بکوشیم، او نسبت به ما حق بزرگی دارد. من در دست او اسیر بودم، اما نه تنها رفتاری که با بردگان و کنیزان معمول است در حق من روا نداشت، بلکه حتی نیت کوچکترین اهانت در برابر آزاد کردن من نیز به خاطرش خطور نکرد. مرا برای تو پاک نگه داشت، چنانکه گویی برای برادرش نگاه می‌داشت. کدام پادشاهی تا کنون چنین رفتاری با اسیر خود داشته است؟»

آبراداتاس در جنگ مورد اشاره کشته شد و پانته‌آ بر سر جنازه او رفت و شیون و زاری کرد. کورش که این خبر را بشنید آهی پر سوز کشید و بی درنگ بر اسب خویش سوار شد و با هزار نفر سوار به آن محل ماتم رو آورد. به گاداتس و گوبریاس امر داد که فاخرترین و مجلل‌ترین تزئینات را با خود بردارند تا جنازه آن مرد شریف را که شجاعانه جان خود را فدا کرده بود ببوشانند. سپس فرمان داد گله داران گاو و گوسفند فراوان به آن محل منتقل نمایند تا بر سر مزارش قربانی کنند.

کورش به محض این که پانته آ را دید که بر خاک نشسته و سر شوهرش را بر روی زانوی خود نهاده است، اشک در چشمانش حلقه زد، با حالی زار بگریست و بانگ برآورد: «دریغ، دریغ ای روح باوفا و شجاع که رفتی و ما را ترک گفتی. دریغ، دریغ ای آبراداتس برادر من.» آن گاه زانو بر زمین زد و دست آن یار دلیر را گرفت. ولی دست مرده در کفش باقی ماند، چون دشمنان با بی رحمی و شقاوت آن را از بدن جدا نموده بودند. درد و الم کورش از این اتفاق مضاعف شد. پانته آ شیون کنان دست بریده را از کورش گرفت، آن را بوسید و سعی کرد به بدن شوهرش ملحق کند. کوروش به ندیمان پانته‌آ سفارش کرد که مراقب او باشند، اما پانته‌آ در یک لحظه از غفلت ندیمان استفاده کرد و خنجری که به همراه داشت را در سینه خود فرو کرد و در کنار جسد همسر به خاک افتاد. کورش به محض این که از عمل پانته‌آ اطلاع یافت سراسیمه به آن محل دوید تا اگر به کمکی احتیاج بود مبادرت ورزد. خواجهگان پر محبت و با وفا و دایه نیز چون این صحنه را بدیدند هر چهار نفر خنجرهای خود را از نیام برکشیدند و در همان محلی که بانویشان مقرر نموده بود بایستند، سینه خود را سوراخ کردند و به خاک در غلتیدند.

پیکر آن دو دل‌داده و خدمه وفادارشان را با هزاران گل و سبزه‌های معطر پوشاندند و در میان حزن و اندوه همگان آن‌ها را در درون تابوتشان و در آرامگاه ابدیشان قرار دادند. - ایرانیان رسم به خاک کردن مردگان را نداشتند - بنا به دستور کورش نام آن دو عاشق وفادار بر ستون آرامگاهشان به زبان بابلی حک شد. می گویند این بنا که به یادگار آن دو همسر با وفا و خواجهگانشان به دست کورش ساخته شد هنوز بر پاست، بر ستونی که به خط بابلی نام آن زن و شوهر منقور است، نوشته اند «علم داران». در یک روز از سال تمام زن و شوهران و هر زوج عاشقی به محل دفن آن‌ها آمده به آن‌ها ادای احترام کرده و یاد و خاطره آن زوج عاشق و پاکدامن را گرمی می دارند. اطلاعات کاملی از داستان پانته‌آ و کورش بزرگ در کتاب کورشنامه گزنفون قابل دسترسی است.

پان ته آ - به لغت ایرانی به معنی نگهبان نیرومند (گرد آفرید) یا نگهبان فرد نیرومند را می‌دهد. اصل یونانی آن، یعنی دارای وحدت وجود با خدا یا تمام مزد... جاودان-پایدار.



پروانه اسکندری

زاده	۲۹ اسفند ۱۳۱۷ تهران
درگذشت	۱ آذر ۱۳۷۷ (۵۹ سال) تهران
پیشه	عضو حزب ملت ایران فعال سیاسی
همسر	داریوش فروهر
فرزندان	پرستو فروهر آرش فروهر
والدین	احمد اسکندری (پدر) نصرت‌الزمان دارابیان (مادر)

پروانه اسکندری یا پروانه فروهر (۲۹ اسفند ۱۳۱۷-۱ آذر ۱۳۷۷)، متولد تهران، از رهبران جنبش دانشجویی و سپس حزب ملت ایران و جبهه ملی ایران بود. وی نخستین زنی بود که به عضویت شورای مرکزی جبهه ملی ایران درآمد. پروانه فروهر مدیر مسئول نشریه جبهه ملی ایران بود. وی در سالهای ۱۳۷۰-۱۳۷۷ به همراه همسرش داریوش فروهر، به چهره‌های برجسته اپوزیسیون دگرگون خواه درون کشور تبدیل شده بودند. وی به همراه همسرش در شب یکم آذر ۱۳۷۷ به طرزی فجیع در جریان قتل‌های زنجیره‌ای ایران به قتل رسید.

زندگی سیاسی

پروانه اسکندری در ۲۹ اسفند سال ۱۳۱۷ در تهران دنیا آمد. وی برای اولین بار در دوازده سالگی به علت شعارنویسی بر روی دیوار سفارت شوروی در اعتراض به اشغال شهرهای قفقاز توسط آن کشور، بازداشت شد. وی که از طرفداران مصدق بود، در سالهای پس از کودتای ۲۸ مرداد، به فعالیت در انجمن فرهنگی «آناهیتا» که سازمان همگام حزب ملت ایران بود پرداخت. وی که اینک عضو حزب ملت ایران بود، در سال ۱۳۳۸ بازداشت شد. در روز ۱۶ آذر ۱۳۳۹، در اولین مراسمی که به مناسبت کشته شدن سه دانشجو در ۱۶ آذر ۱۳۳۲ برگزار شد، پروانه اسکندری سخنرانی و این روز را به عنوان روز دانشجو اعلام کرد. این مراسم و این سخنرانی، اولین حرکت دانشجویی در ایران از سال ۱۳۳۲ به این سو بود. در بهمن ماه همین سال و در پی یک سخنرانی دیگر در دانشگاه، وی بار دیگر بازداشت شد. وی در همان زمان که دانشجو بود به آموزگاری نیز اشتغال داشت و در همان سال به نمایندگی از فرهنگیان، به عضویت کمیته ۵ نفری فرهنگیان درآمد. تلاش‌های وی در این کمیته، بار دیگر منجر به دستگیری وی گردید. وی که در این سالها به یکی از محبوبترین فعالان دانشجویی کشور و اعضای حزب ملت ایران و جبهه ملی ایران تبدیل شده بود، در سوم اردیبهشت ماه ۱۳۴۰ با هم‌زم سیاسی‌اش داریوش فروهر ازدواج کرد.

پروانه فروهر که عضو کمیته استان تهران جبهه ملی بود، سخنران تظاهرات سی‌تیر ۱۳۴۰ بود. وی بلافاصله پس از این سخنرانی توسط نیروهای امنیتی دستگیر شد. پروانه فروهر در همین سال، به همراه چهار دانشجوی دیگر از جمله ابوالحسن بنی‌صدر و حسن حبیبی، به نمایندگی از طرف دانشجویان برای مذاکره با علی‌امینی نخست‌وزیر وقت انتخاب شد. وی اولین زنی بود که به نمایندگی دانشجویان کشور انتخاب می‌شد. پروانه اسکندری در سال ۱۳۴۱، اولین نماینده زنی بود که در کنگره جبهه ملی شرکت جست. پروانه فروهر از همان سالها به عنوان شخص شماره دوی حزب ملت ایران و

زن شماره یک جبهه ملی ایران شناخته می‌شد. وی در سال ۱۳۴۹ از حق تدریس در دبیرستانهای کشور محروم شد. از سال ۱۳۵۶ و با آغاز انتشار نشریه «خبرنامه جبهه ملی ایران» که به صورت پنهانی صورت می‌گرفت، پروانه فروهر مسئولیت آنرا بر عهده گرفت.

پس از انقلاب، پروانه فروهر مدیر مسئول نشریه جبهه ملی، ارگان سیاسی جبهه ملی ایران شد. در پی الغای قانون حمایت از خانواده، پروانه فروهر از معدود فعالان مطرح سیاسی کشور بود که با نوشتن مقالاتی به اعتراض به لغو این قانون پرداخت. در سال ۱۳۵۸، پروانه فروهر تنها همسر یک وزیر دولت وقت ایران بود که حجاب نداشت. در سال ۱۳۵۸ پروانه فروهر نامزد انتخابات مجلس شورای ملی شد. در پی اعتراض به تقلبات صورت گرفته در انتخابات، پروانه فروهر به همراه حزب ملت ایران، دور دوم این انتخابات در آغاز سال ۱۳۵۹ را تحریم کردند و از آئمان، در هیچ‌یک از انتخابات برگزار شده شرکت نکردند.

قتل

در پاییز ۱۳۷۷ پروانه و داریوش فروهر در خانه شخصی خود در «خیابان سعدی، خیابان هدایت، کوچه مرادزاده، پلاک ۱۸» طی قتل‌های سیاسی موسوم به قتل‌های زنجیره‌ای با ضربات متعدد چاقو به قتل رسیدند.

قاتلان که به عنوان دانشجو-خبرنگار و با حربه «مصاحبه برای نشریه دانشجویی» به خانه‌شان رفته بودند، «ابتدا گردن، دهان و دست‌شان را گرفتند، سپس با ضربات پیاپی چاقو سینه‌هایشان را دریدند و در نهایت اجسادشان را به سمت قبله قرار دادند».

متهمان که از کارمندان وزارت اطلاعات بودند، در اعتراف‌های خود، قتل را «حذف فیزیکی» خوانده‌اند که از طرف وزارت اطلاعات به آنها ابلاغ شده و نوشته‌اند که جزو «وظایف سازمانی» آنان بوده است و بر اساس دستور و روال‌های از پیش مشخص شده عمل کرده‌اند. علیرضا داوودی معروف به امیر اکبری، کارمند وزارت اطلاعات در دادگاه مورخ ۱۳۷۹/۳/۴ می‌گوید: «اتهام را قبول ندارم. این امور در تشکیلات اطلاعات بسیار عادی است. تمام برادران در هر کاری که شرکت کنند با وضو بوده و با ذکر مأوریت انجام می‌دهند.» قاتلان گفته‌اند که ابتدا داریوش فروهر را با ۱۴ ضربه کارد به قتل می‌رسانند و آن گاه با فریادهای «بیا زهرا» ۲۴ ضربه بر پیکر پروانه می‌زنند.

اشعار



به همراه همسرش داریوش فروهر

پس از مرگ پروانه فروهر، دخترش پرستو فروهر اقدام به گردآوری مجموعه‌ای از شعرهای برگزیده وی نمود و در قالب کتابی با نام «شاید یک روز» در سال ۱۳۷۹ از طریق انتشارات جامعه ایرانیان به چاپ رساند. سیمین بهبهانی در یادداشت آغازین کتاب، اینگونه نوشته: «با شعر پروانه فروهر پس از فاجعه قتلش آشنا شدم. پیش از آن می‌دانستم که شعر می‌گوید، اما هیچ‌گاه از زبان خودش نشنیده بودم پس که فروتن بود.» بهبهانی در این یادداشت سه درونمایه اصلی شعر او را عشق، وطن‌پرستی و مبارزه در راه حق و آزادی برشمرده است.

کتاب‌شناسی

شاید یک روز (برگزیده اشعار). سروده پروانه فروهر؛ با یادداشت‌هایی از سیمین بهبهانی، پرستو فروهر و علی دهباشی. تهران: جامعه ایرانیان: نشر شهاب، ۱۳۷۹. شابک ۹۶۴-۵۹۲۵-۵-۳۵

تاج السلطنه

شاهزاده قاجاری



زاده (اواخر سال ۱۳۰۱ قمری) (۱۸۸۴ میلادی (۱۲۶۲ هجری شمسی)

درگذشته ۱۳۵۴ قمری
احتمالاً ۲۵ ژانویه ۱۹۳۶ میلادی
۱۳۱۵ هجری شمسی، 52 سال
تهران

آرامگاه گورستان ظهیرالدوله، تجریش

همسران	حسن‌خان شجاع‌السلطنه از ۱۳۱۱ قمری تا اندکی پس از ۱۳۱۷ قمری قوللر آقاسی باشی از ۱۳۲۶ قمری عیسی‌خان مجدالسلطنه
نام کامل	زهره خانم
پدر	ناصرالدین شاه
مادر	توران السلطنه

تاج‌السلطنه دختر ناصرالدین شاه قاجار (۱۳۰۱ هجری قمری - ۱۳۵۴، تهران) از مدافعان انقلاب مشروطه و عضو انجمن حریت نسوان بود و به نوشتن خاطرات خود علاقه داشت. بخش‌هایی از خاطرات او به نام «خاطرات تاج السلطنه» برجا مانده که وسعت اطلاعات او را نشان می‌دهد و منبع تاریخی بااهمیتی است. وی از مشروطیت، حقوق زنان، آزادی، برابری و قانون دفاع کرده و انتقادهایی جدی به وضعیت حکومت و سلطنت برادرش، مظفرالدین‌شاه قاجار داشت و بسیاری از مشکلات کشور را حاصل عدم کفایت شاهان قاجار می‌دانست. همچنین با شاعران آزادی‌خواهی همچون میرزاده عشقی ارتباط داشت و عارف قزوینی در ابیاتی او را ستوده است.

زندگی

تاج‌السلطنه در اواخر سال ۱۳۰۱ هجری قمری (برابر با ۱۸۸۴ میلادی) متولد شد و والدینش توران‌السلطنه و ناصرالدین‌شاه بودند. تاج‌السلطنه در هفت سالگی به مکتب رفت. علاوه بر تسلط بر زبان فارسی، عربی و فرانسه را نیز به خوبی آموخت. او در ده سالگی از دواج ناموفقی با حسن خان سردار شجاع، پسر شجاع‌السلطنه داشت و دخترانش از او گرفته شدند و نزد پدر و نامادری ماندند.

تاج‌السلطنه در زمان حیات پدرش، ناصرالدین شاه، بسیار مورد توجه او بود اما بعد از مرگ پدرش مورد نفرت مظفرالدین شاه قرار گرفت چرا که از مشروطه‌خواهان طرفداری می‌کرد و از روش تربیت در دربار و اختلاف طبقاتی دوران قاجار و رفتار درباریان انتقاد می‌کرد.

او در عرصه حقوق زنان پیشگام بود و در کتاب خاطرات خود بر موضوعاتی همچون حق تحصیل و کار زنان و اهمیت این نکات در بهروزی جامعه میبپردازد. وی همچنین از بنیانگزاران مهم انجمن حریت نسوان بود، انجمنی که مخفیانه با هدف پیشبرد برابری حقوق زنان تشکیل یافته بود. تاج‌السلطنه به صورت پنهانی در جلسات این گروه حضور میافت و یک دفعه راه پیمایی زنان را به مجلس ایران رهبری کرد. او از حامیان پر و پا قرص جنبش مشروطه بود.

تاج‌السلطنه یک نویسنده، نقاش و روشنفکر بود که هفته‌ای یک بار در خانه خود مجالس ادبی برگزار میکرد. او به شدت منتقد نظام سلطنتی از جمله پدر خود ناصرالدین شاه و برادر خود مظفرالدین بود و شاهان بی کفایت را برای بسیاری از معضلات ایران مقصر میدید. او به عنوان زنی صریحا تغییر خواه و دموکراسی طلب جایگاهی یگانه داشت.

خاطرات او اولین بار ۶۰ پس از مرگش منتشر شدند. هم اکنون دست نوشته‌های او در کتابخانه ملی ایران نگهداری میشوند و کتاب خاطراتش به زبان انگلیسی ترجمه و چاپ شده است.

به غیر از کتاب «خاطرات تاج‌السلطنه» که به شکل نسخه خطی بوده و در مدت اندکی پس از نگارش آن، نسخه‌برداری و در سطح جامعه پراکنده شده، کتاب دیگری از او نیز با عنوان «سرگذشت شاهزاده

خانم ایرانی» در سال ۶۱ منتشر شد البته این کتاب قبل از انتشار، در سال ۱۳۰۶ به شکل پاورقی در روزنامه کوشش منتشر شده بود.

کتاب خاطرات تاج السلطنه

بخش‌هایی از کتاب خاطرات تاج السلطنه («تاریخ حالات ایام زندگانی خانم تاج السلطنه») در ۱۳۶۲ با نظارت منصوره اتحادیه و سیروس سعدوندیان در تهران منتشر شده‌است. او در این خاطرات، عقاید خود را نوشته‌است که وسعت اطلاعات او را نشان می‌دهد. وی از مشروطیت، حقوق زنان، آزادی، برابری و قانون دفاع کرده‌است. کتاب خاطرات تاج السلطنه ارزش تاریخ‌شناختی زیادی نیز دارد زیرا اطلاعات روشنی دربارهٔ پنج سال آخر سلطنت ناصرالدین شاه و دربار ناصری و مظفری دارد و دربارهٔ رویدادهای مهمی مانند واقعه رژی، قتل ناصرالدین شاه، غار خزانه پس از او، سلطنت مظفرالدین شاه، نقش سیدجمال الدین اسدآبادی و امین السلطان نوشته‌است. از این کتاب دو نسخه خطی در دست است که نسخه قدیمی‌تر به خط حاج یمین‌الملک است و در سال ۱۳۳۲ قمری، یعنی مدت کوتاهی پس از نگارش خاطرات توسط تاج السلطنه، از روی نسخه اصلی استنساخ شده است. بخش‌هایی از متن اصلی کتاب تا کنون پیدا نشده‌است.

موسیقی

تاج السلطنه به فراگرفتن موسیقی هم علاقه‌مند بود پیانو را از مفخم‌الممالک، نوازندهٔ تار و پیانو آموخت. تصنیف «نادیده رُخت» در بیات اصفهان از او به جا مانده‌است.

دینگ





مهر دینگ

شهبانوی شهبانوان ساسانی نایب السلطنه

۴۵۷-۴۵۹ م

سلطنت

۴۵۷ م

تاج‌گذاریبزدگرد دوم

پیشین

هرمز سوم

جانشین

هرمز سوم

شریک سلطنت

شهبانوی شاهنشاهی ساسانی

۴۴۰-۴۵۷ م

سلطنت

۴۴۰ م

تاج‌گذاریبزدگرد دوم

هم‌نشین

هرمز سوم پیروز یکم

فرزندان

بلاش یکم زریرخاندان ساسانخاندانمزدیسنا

دین و مذهب

دینگ (یاری میانه: Dēnag) (سلطنت: ۴۵۷-۴۵۹ میلادی) همسر یزدگرد دوم، شاهنشاه ساسانی و مادر **هرمز سوم**، **پیروز سوم** و **بلاش یکم** از دودمان ساسانیان بود. ملکه دینگ زنی بسیار قدرتمند و بانفوذ بود و در زمان جنگ داخلی میان پسرانش به عنوان نایب‌السلطنه بر کشور فرمان می‌راند.

زندگی

ریشه دینگ ناشناخته است، اگرچه با توجه به اینکه نام وی پیشتر توسط شاهزادگان ساسانی استفاده می‌شده‌است، او ممکن است عضوی از خانواده سلطنتی بوده باشد.

وقتی یزدگرد یکم در سال ۴۵۷ به مرگ طبیعی درگذشت، **هرمز سوم** که در **سگستان** حکومت می‌کرد، به عنوان جانشین پدرش در **ری** به تخت نشست. برادر کوچک‌ترش **پیروز یکم**، با پشتیبانی بزرگ **خاندان مهران**، **رهام مهران**، به شمال شرقی کشور گریخت و شروع به جمع‌آوری ارتش کرد تا تاج‌وتخت را از آن خود کند. بدین ترتیب شاهنشاهی ساسانی درگیر یک مبارزه دودمانی و دچار چندپارگی شد و در این مدت دینگ، مادر این دو برادر، به عنوان نایب‌السلطنه از **تیسفون** بر کشور فرمان می‌راند. پیروز سرانجام در مبارزه پیروز و به پادشاه جدید شاهنشاهی ساسانی تبدیل شد. **هرمز** و سه نفر دیگر از اعضای خانواده‌اش نیز کشته شدند.

مهر

مُهری از دینگ بر جای مانده‌است که تصویر نیم‌تنه او با اسم و لقبش **بانیشنان بانیش** (شهبانوی شهبانوان) به حروف **پهلوی** در آن کنده شده‌است. این بانو با چهره‌ای زیبا و مصمم، تاجی بر سر دارد که برفراز آن گیسوانش به‌شکل گویی با نوار کوچکی بسته شده‌است. گوشواره‌ای که دارای سه مروارید است در گوش و گلوبند مرواریدی در گردنش دیده می‌شود و گیسوان مجعدش به چندین رشته بافته و فروافتاده‌است. تاج مدور او دارای لبه‌ای است که با جواهرات مزین شده‌است.

پژوهشگران در مورد مالکیت این مهر اختلاف نظر دارند. بیشتر محققان آن را متعلق به **دینگ** **بابکان** می‌دانند. **علیرضا شاپور شهبازی**، **ارنست هرتسفلد** و **فیلیس اکرمناز** جمله کسانی هستند که این مهر را از آن دینگ همسر یزدگرد دوم و مادر **هرمز** و **پیروز** می‌دادند.

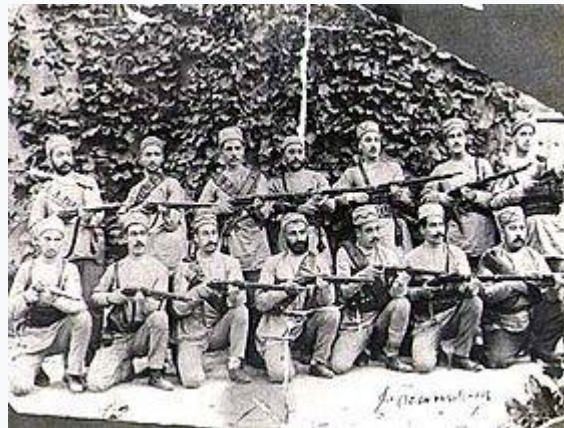
زینب پاشا



زینب پاشا از جمله زنان مبارز تبریزی است که در مبارزات نهضت تنباکو فعال بوده است. او با شرکت کردن در نهضت تحریم توتون و تنباکو و در گشودن انبارهای محترکان تبریز در زمان قحطی نان پیشگام بوده است.

زندگی و مرگ در فاصله سال‌های ۱۲۳۰ تا ۱۳۰۰ خورشیدی

جنبش مشروطه



عده‌ای از اعضای گروه فوج نجات تبریز.
سال ۱۹۰۹ میلادی.

شاهان قاجار

نام	دوره پادشاهی
<u>آقامحمد خان</u>	۱۱۶۱-۱۱۷۵
<u>فتحعلی شاه</u>	۱۱۷۶-۱۲۱۳
<u>محمدشاه</u>	۱۲۱۳-۱۲۲۷
<u>ناصرالدین شاه</u>	۱۲۲۷-۱۲۷۵
<u>مظفرالدین شاه</u>	۱۲۷۵-۱۲۸۵
<u>محمدعلی شاه</u>	۱۲۸۵-۱۲۸۸
<u>احمدشاه</u>	۱۲۸۸-۱۳۰۴

مقدمه

زینب معروف به «بی‌بی شاه زینب»، «زینب باجی» و «ده‌باشی زینب»، در محله عموزین الدین، یکی از محله‌های قدیمی تبریز در یک خانواده کشاورز به دنیا آمده است. پدرش شیخ سلیمان، کشاورزی بود که مانند دیگر کشاورزان به سختی روزگار می‌گذرانیده است.

زینب پاشا زنی تنومند و قوی هیکل بود که دو گوشه چادر خود را به کمر می‌بست. در آن زمان که در تبریز بیشتر خانم‌ها روبندی به صورت خود می‌زدند؛ این خانم با صورت باز و بدون روبند؛ رفت‌وآمد می‌کرده است. قبل از مشروطیت و در دوران استبداد؛ چون در ایران نظم و امنیتی وجود نداشت، محترکان در تابستان غله سالانه مردم را به قیمت ارزان خریده و در انبارها نگه می‌داشتند و در فصل

زمستان قحطی مصنوعی، به وجود آورده و کالای احتکار شده خود را به چندین برابر قیمت، به مردم فقیر می‌فروختند.

تقریباً در سال ۱۳۱۳ هجری قمری و در دوره سلطنت ناصرالدین شاه این قحطی مصنوعی، به اوج خود رسیده بود و افراد فقیر شهر در تنگنای بزرگی گرفتار شده بودند، تا جایی که قیمت یک من نان از ۱۲ شاهی به ۱۵ شاهی ترقی کرده بود. در چنین شرایط سخت اجتماعی، «زینب پاشا» چماق خود را که پوشیده از میخ و فلز بود، به دست گرفته و عده‌ای از زنان را به دور خود جمع کرده و علیه محتکران با سلاح سرد خود قیام نمود. زینب پاشا غیر از بستن بازار و حمله به مقر حکومت و سنگباران کردن آن، عده‌ای از بقال‌های محتکر و ناوایان گران‌فروش را نیز به زیر چماق خود انداخته بود.

علل قیام زینب پاشا

او تقریباً یک قرن و اندی پیش، برای اولین بار در تاریخ ایران با چهل نفر از زنان تبریز علیه ستم پیشگان که نظام فئودالی و دیدگاه‌های سنتی بر زنان تحمیل کرده بود، به جنگ مسلحانه و پارتیزانی دست می‌زند. یکی از عوامل مهم جنبش زنان تبریز به رهبری زینب، ستمگری بیش از حد برخی شاهزادگان و حکام دوره قاجار در آذربایجان بود.

در عرصه اجتماعی و سیاسی این دوره همچنین مشکلات و مسایل مهمی مانند «بحران نان» و «امتیاز تنباکو» نیز مطرح گردید که این دو عامل نیز از جمله مهم‌ترین عواملی بود که جنبش زنان تبریز به رهبری زینب پاشا را موجب گردید. یکی از بزرگ‌ترین معضلات اقتصادی- اجتماعی دوره قاجار مشکل کمبود و گرانی نان بود که زنان برای مواجهه با این معضل به پا خاستند.

از جمله کارهای معروف «زینب پاشا» و یاران وی نیز حمله به انبارهای احتکار غله و تقسیم آن بین فقرا و گرسنگان در شهر تبریز بوده است. از یاران نزدیک «زینب پاشا» می‌توان به «بیوز باشی خاور»، «نایب کلثوم»، «آتلی شاه به بیغم»، «فاطمه نساء»، «سلطان بیگم»، «جانی بیگم»، «خیر النساء» و «ماه بیگم» اشاره کرد.

نهضت تنباکو

زینب پاشا پس از واقعه تنباکو شهرت پیدا کرد. موقعی که ناصرالدین شاه امتیاز توتون را به انگلیس‌ها داده بود اما مردم آذربایجان، تصمیم به توقف این جریان داشتند. در آن ایام جواد مجتهد تبریزی، روحانی سیاسی مریدان خود را به بازار اعزام و مردم را دعوت کرده بود که دکان خود را ببندند و مردم هم اطاعت کرده بودند. حکومت پس از چند روز مردم و بازاریان را تهدید و ترسانده و عرصه را به آنان تنگ نموده بود. در چنین روزگاری ناگهان زنان مسلح و با چادر نمازی که گوشه‌های آن را به کمر بسته بودند در بازار تبریز ظاهر شده دست به اسلحه برده و بازار را مجدداً بستند. پس از این واقعه هر زمان که ظلم و ستم حکومت از حد می‌گذشت، دسته زن‌ها به سرپرستی زینب پاشا وارد عمل شده و پس از آن از نظرها پنهان می‌شدند و کسی هم به هویت آنان پی نمی‌برد.

سرانجام در اثر مخالفت شدید مردم، ناصرالدین شاه، مجبور به عقب‌نشینی شده و امتیاز تنباکو را لغو می‌کند، اما مبارزه زنان تبریز و زینب پاشا کماکان بدون وقفه ادامه می‌یابد. زینب هر از گاهی به همراه دیگر زنان رزمجو در کوچه و بازار و محل ازدحام مردم ناگهان ظاهر شده و مردان را به مبارزه و کندن ریشه ظلم تشجیع و تشویق می‌کرد. او در جایی می‌گوید: «اگر شما مردان جرئت ندارید جزای ستم پیشگان را کف دستشان بگذارید، اگر می‌ترسید که دست دزدان و غارتگران را از مال و ناموس و وطن خود کوتاه کنید، چادر ما زنان را سرتان کنید و در کنج خانه بنشینید و دم از مردی و مردانگی نزنید، ما جای شما با ستمکاران می‌جنگیم» سپس زینب روسری خود را به سمت مردان پرتاب کرده و در میان بهت و حیرت حاضران از دیده‌ها ناپدید شد.

بحران نان در تبریز

گرانی نان، از جمله مهم‌ترین و حیاتی‌ترین مشکلات اقتصادی مردم در دوره قاجاریه بود، تا جایی که منابع تاریخی قاجار؛ به ویژه از دوران ناصری تا اواخر حکومت این سلسله، مملو از اعتراض مردم به کمبود و گرانی نان است. قحطی و خشک‌سالی، آزمندی و طماعی دولت‌مردان و متمولان، مهم‌ترین عامل کمبود نان بود زیرا آن‌ها در فصل خرمن، غلات را به قیمت نازلی از روستاییان خریداری و در انبارها احتکار می‌کردند تا در فصل زمستان، با اتمام ذخایر آرد مردم، آن را به بهای گزاف به فروش برسانند. با این اقدام بیشتر اوقات، ضمن تشکیل صف‌های طویل، در جلو نانوايي‌ها، نان، همواره به سختی و به قیمت گران به دست مردم می‌رسید. زنان اغلب در اعتراض به وضع بحرانی نان پیش قدم بودند. نمونه‌ای از این عملیات «زینب پاشا» و یارانش در قحطی اواخر دوره ناصرالدین شاه دیده شد که این قحطی در اثر احتکار گندم به وجود آمده بود؛

محتکرین، مجتهد تبریز، مباشرین، ولیعهد و حاکم تبریز بودند. زنان تصمیم به تظاهرات گرفتند. در حدود سه هزار زن چوب به دست، در بازارها به راه افتادند و کسبه را به بستن دکان و پیوستن به راهپیمایان مجبور کردند. حکومت، قشون مراغه را خبر کرد، دستور تیراندازی داده شد. در دم پنج زن و یک سید کشته شدند. در این‌جا روحانیت معترض هم علیه مجتهد بزرگ به زنان پیوست، و در کنسولگری روس تحصن کردند و سه یار از فرار ملائی که می‌خواست صحنه را ترک کند ممانعت کردند و با او به خشونت تمام رفتار نمودند. فردای همان روز تظاهرات را از سر گرفتند. این بار نیز سه زن کشته و تعدادی زخمی شدند. شعار نان تبدیل به شعار سیاسی و علیه سلطنت قاجارها شد. حکومت هراسید و بار دیگر عقب‌نشینی کرد.

مصادره انبار میرزا عبدالرحیم قائم مقام

یکی دیگر از کارهای مهم «زینب پاشا» و یارانش، مصادره انبار میرزا عبدالرحیم قائم مقام پیشکار وقت آذربایجان بوده است. چون تخت حکومت در تبریز خالی شده بود، قائم مقام را به عنوان والی انتخاب کردند. خودش چنین میلی نداشت ولی شانس و اقبالش وی را حکمران نمود. پس از والی شدن او، در شهر قحطی و گرانی به وجود آمد و شهر شلوغ شد. در این وضعیت نابسامان چون از مردان حرکتی دیده نشد، لذا زنان همت کرده و وارد میدان کارزار شدند. یاران زینب پاشا معتقد بودند که تا کی باید صبر کرد و از صبح تا شب جان کند، در این بین «ده باشی زینب» به بیوه زنان خبر داد که مسلح شوند و به بازار «دلاله زن» هجوم ببرند و ببینند که آیا وی می‌تواند «راسته بازار» را به تعطیلی بکشاند یا نه. زینب فرمان داد و زنان چماق‌هایشان را آماده کردند و بازاریان از ترس، سراسر بازار را تعطیل کردند و همگی فرار کردند.

چون زنان «راسته بازار» را بستند، به سوی پل قاری در نزدیکی خانه قائم مقام حرکت نمودند و چون فریاد و صداهای آنان به گوش «قائم مقام» رسید، وی که بسیار ترسیده بود و از تاراج خانه‌اش نگران بود، به اوباشان و مزدوران خود دستور داد تا به سوی جمعیت شلیک کنند. آن مزدوران هر کدام اسلحه‌ای برداشته و به بالای بام رفتند و مردم را به گلوله بستند. قتل و عام خونینی رخ داد و معترضین زیادی کشته شدند. در این موقع به ولیعهد مظفرالدین میرزا خبر دادند که مردم خانه «قائم مقام» را مورد حمله قرار داده و زیر و زبر کرده‌اند و از گلوله و کشته شدن نیز ترسی ندارند؛ ولیعهد پیامی به مردم فرستاد که امروز را صبر و حوصله کنند تا خود فردا چاره کار را بیابم؛ و نرخ‌ها را دوباره عادلانه سازم. اما «زینب ده باشی» به این حرف‌ها گوش نداده و به جمعیت اعلان کرد که دوباره به پا خیزند و نشان بدهند که بر سر قول و قرار خود هستند.

حمله به انبار نظام‌العلماء

گفته می‌شود که نظام‌العلمای تبریزی از شاه اجازه داشت که غله خود را هر وقت دلش خواست بفروشد. زینب پس از شناسایی محل انبار، نقشه حمله را آماده می‌کند. و در موقع حمله، زینب پاشا

چادر خود را از سر برمی‌دارد و از آن پرچمی می‌سازد و پیشاپیش مردم حرکت می‌کند، خانه و انبار انباشته از گندم نظام‌العلماء را گرفته و به مردم گرسنه می‌دهد.

میراث

آخرین خبرهایی که از زندگی و سرنوشت زینب پاشا در دست است به زمانی بر می‌گردد که او همراه با کاروانی عازم زیارت کربلا می‌شود و در آن زمان با آن که زنی سالخورده محسوب می‌گردید، اما روحیه مبارزه‌جویانه خود را از دست نداده بود. زینب با عده‌ای زوار به زیارت کربلا می‌رود. در خانقین مأمورین عثمانی که برای تفتیش زوار آمده بودند، سخت‌گیری می‌کنند. زینب پاشا از این رفتار آزرده شده و دست به عصیان می‌زند و دیگران را هم به دنبال خود می‌کشاند؛ به مأمورین حمله می‌کند و آن‌ها ناگزیر به فرار می‌شوند و زوار به سوی کربلا می‌روند. به نوشته اکثر منابع بعد از این واقعه از زینب پاشا دیگر خبری به دست نیامده است. به نظر می‌رسد که «زینب پاشا» در این آخرین سفر خود، در گذشته است و پیکرش نیز هیچ‌گاه به شهرش تبریز و زادگاهش «عموزین الدین» منتقل نشده و در کربلا دفن شده است.

شعر مردم برای زینب پاشا

شاعری به نام میرزا فرخ که خود شاهد مبارزات زینب بوده شعری دارد که آن روزها ورد زبان مردم تبریز بوده. او به زبان ترکی سروده بود:

حکم ایله دی زینب پاشا جمله انات و فراشا
سبز بازاری باسون دگنگی باغلیوم گلیم
داشا

پاتاوامی باغلیوم گلیم

ترجمه شعر ترکی به فارسی:

فرمان بداد زینب پاشا به شیرزنان و فراشا
بازار به سنگ بندید شما من چماقو حاضر کنم
پاتابه را پیچم به پا

میرزا فرخ از نخستین شاعرانی است که در وصف قهرمانی زینب پاشا سرود. شعر او در مورد حمله زینب پاشا به خانه میرزا عبدالرحیم قائم‌مقام، پیشکار آن دوران آذربایجان بود. شعر او ۲۲ بیت داشت و با این بیتها شروع می‌شد:

قالدی تبریزده چون تخت حکومت خالی
گتیریب ائيله ديلر قائم مقامی‌والی....

در پایان این شعر میرزا فرخ در شعر خود به شجاعت و جسارت زینب پاشا و زنان همراهش که در آن شرایط سخت از رویارویی با نیروهای استبداد نمی‌هراسیدند نیز اشاره دارد و ابیاتی از این شعر می‌گوید که در این روز خود این حقیر، یعنی میرزا فرخ در وحشت از اختناق حاکم از منزل خود خارج نشده است.

تأثیر سخنان زینب پاشا در قیام مردان

زینب پاشا سخنرانی‌های آتشین در کوچه و بازار ایراد می‌کرد و مردان را به قیام فرا می‌خواند. نمونه‌ای از سخنان زینب پاشا است که گفت:

«اگر شما مردان جرئت ندارید جزای ستم پیشگان را کف دستشان بگذارید، اگر می‌ترسید که دست دزدان و غارتگران را از مال و ناموس و وطن خود کوتاه کنید، در کنج خانه بنشینید، ما به جای شما با ستمکاران می‌جنگیم.»

این حرکات و سخنان باعث برانگیخته شدن مردان می‌شد؛ و نوشته‌اند که حتی گروه زینب برای انگیزتن مردان به اعتراض لچک‌های خود را به سوی مردان پرتاب می‌کردند.

سورا	
	
<u>دودمان</u>	<u>خاندان اشکانی</u>
پدر	<u>اردوان پنجم</u>
دین و مذهب	<u>آیین زرتشتی</u>

سورا (مرگ در ۲۲۴ میلادی) دختر **اردوان پنجم** (حکومت از ۲۱۳ تا ۲۲۴ میلادی)، واپسین شاهنشاه اشکانی، و یک فرمانده جنگی بود. گفته می‌شود که او مشاور پدرش بوده‌است.

طبق گزارش‌ها، **کاراکالا** امپراتور روم، به شاهنشاه اردوان پنجم پیشنهاد داده که برای اتحاد دو امپراتوری او با دختر اردوان ازدواج کند. اردوان با این استدلال که چنین عروسی «بربری» برای امپراتور روم مناسب نیست و این دو فرهنگ برای متحد شدن بیش از حد متفاوت هستند، از وقوع این ازدواج خودداری کرد. مطابق **دیون کاسیوس**، این پیشنهاد فقط بهانه‌ای برای حمله رومی‌ها به ایران بود. هویت این شاهدخت مشخص نیست و ممکن است همین سورا یا یکی دیگر از دختران اردوان، اگر چندین دختر داشته باشد، باشد. در کل زنان اشکانی نسبتاً کمتر شناخته شده‌اند.

از کارهای سورا پس از شورش **اردشیر بابکان** (حکومت از ۲۲۴ تا ۲۴۰ میلادی) که اردوان را سرنگون و شاهنشاهی ساسانی را بنیان نهاد، یاد شده‌است. پدرش اردوان در یک جنگ کشته شد.

شاهدخت سورا پس از مرگ پدرش، فرماندهی نیروهای وفادار به پدرش را به دست گرفت و برای انتقام پدرش، جنگ‌های چریکی را به سمت نیروهای اردشیر آغاز کرد. او سرانجام در سال ۲۲۴ میلادی در یک جنگ کشته شد.

سیده ملک خاتون



ارباب فرمانروایان بوییان

سلطنت	۳۸۵-۴۰۷
تاج‌گذاری	۳۸۷
پیشین	<u>فخرالدوله دیلمی</u>
جانشین	<u>مجدالدوله دیلمی</u> و <u>شمس‌الدوله دیلمی</u>

ملکه اعظم بوییان

سلطنت ۳۸۰-۳۸۷

شاهدخت باوندیان

زاده	نامشخص (سده ۱۰ میلادی) طبرستان
درگذشته	۱۰۲۹ <u>شهری</u>
هم‌نشین	<u>فخرالدوله دیلمی</u>

نام کامل	
شیرین دخت اسپهبد رستم طبری	
خاندان	آل باوند
پدر	اسپهبد رستم باوندی
دین و مذهب	شیعه

سیده ملک خاتون یا شیرین دخت اسپهبد رستم طبری معروف به ام‌الملوک ملکه و از فرمانروایان آل بویه بود. او اولین زن حکومت‌گر شیعی مذهب در تاریخ ایران و از خاندان باوندیان طبرستان بود. وی همسر فخرالدوله دیلمی و همچنین مادر دو تن از شاهان آل بویه به نام‌های شمس‌الدوله دیلمی و مجدالدوله دیلمی بود. پس از مرگ همسرش در شعبان ۳۸۷ قمری، دو پسر او به پادشاهی ری و همدان رسیدند و به سبب اینکه هنوز در سنین خردسالی به سر می‌پرند، اداره امور و نیابت سلطنت به ملکه فخرالدوله واگذار شد. او از شعبان ۳۸۵ تا مرگ اش در ۴۰۷ هجری قمری رسماً حکومت را کامل در دست داشت و به‌صورت قانونی بر بوییان حکومت می‌کرد.

زندگی

سرآغاز قدرت سیاسی خاندان «باوندی» در طبرستان را می‌توان به زمان اسپهبد قارن باوندی (قرن سوم هجری) مربوط دانست. از این زمان، آنان را «ملک الجبال» لقب دادند. شیرین دختر رستم بن شروین بن رستم بن قارن بود. «نام او شیرین بود بنت سپهبد [رستم بن] شروین و نیاکان سیده همه پادشاهان طبرستان و دیلم بودند». فخرالدوله، از شاهان آل بویه در ارتباط با خاندان «باوندی»، با شیرین ازدواج کرد و او سیده خاتون لقب گرفت.

محمود غزنوی در مدتی که ملکه سیده خاتون زمام کارها را در دست داشت، اندیشه تسخیر ری را داشت و یک بار با نامه و پیام از وی درخواست تا در ری خطبه و سکه به نام سلطان کند اما جواب سنجیده وی او را ازین درخواست خویش منفعّل کرد و از اندیشه درگیری با پیرزنی که شکست از او مایه رسوایی بود و پیروزی بر او هم چنان‌که خود وی در جواب سلطان خاطر نشان کرده بود، افتخاری نداشت، منصرف کرد.

اما زمانی که شوهر او فخرالدوله دیلمی در قلعه طبرک درگذشت، سیده خاتون جانشین او شد و بر بخشی از مناطق شمالی و مرکزی ایران از جمله ایالت ری فرمانروایی کرد. فرزند آن‌ها ابوطالب رستم، لقب مجدالدوله دیلمی گرفت.

دوره حکومت و توانایی در سیاست

جنبه‌های مثبت شخصیت سیده خاتون در ابعاد فرهنگی، مذهبی، سیاسی و مدیریتی مورد توجه مورخین قرار گرفته‌است. عنصر المعالی درباره سیده خاتون می‌نویسد: «زنی ملک‌زاده و عقیقه و زاهد بود.» آنچه سیده خاتون را بیش از هر چیز دیگری مورد توجه مورخان قرار داده، نقش سیاسی او در دوره حکومت همسرش فخرالدوله و فرزندش مجدالدوله‌است. فخرالدوله در طول دوران اولیه حکومتش، بر اندیشه سیاسی و مدیریت صاحب بن عباد، وزیر مشهور شیعی مذهب، متکی بود و پس از مرگ صاحب در ۳۸۵ هجری، سیده خاتون سمت تنها مشاوره شاه را بر عهده گرفت. هرچند امور دربار و دیوان به دو تن از کارگزاران که افراد سیده خاتون بودن سپرده شد و اداره ایالت‌ها و لشکر نیز به دو تن دیگر که سیده خاتون با آنها رابط دوستان داشت رسیده بود، و سیده خاتون بر هر چهارتن نظارت کامل و مستقیم داشت و در واقع بجای شوهرش به جلسات دیوانی و درباری می‌رفت و خود

شخصاً امپراتوری آل بویه را اداره میکرد، و فخرالدوله این بار در امور سیاسی و مدیریتی کاملاً به سیده خاتون تکیه کرد.

نظارت سیده خاتون به امور سیاسی و نظامی محدود نمی‌شد. او بر امور مالی و خراج نیز نظارت کامل داشت و کلید خزاین فخرالدوله تا هنگام مرگ در اختیار سیده خاتون بود و وی به تنهایی بر این امور رسیدگی می‌کرد. به گواهی تاریخ، او بهتر از فخرالدوله مملکت را اداره می‌کرد و در حفظ و توسعه آن موفق بود. پس از مرگ فخرالدوله در ۳۸۷ هجری، سیده خاتون فرزندش ابوطالب رستم مجدالدوله را جانشین پدر کرد. پسر دیگرش، ابوطاهر شاه خسرو، ملقب به شمس‌الدوله، را نیز به حکومت همدان فرستاد و حکومت اصفهان را به پسر دیگرش ابوشجاع بویه عین‌الدوله، که هفت ساله بود، سپرد. به همین علت، سیده خاتون از آن پس «ام‌الملوک» لقب گرفت. سیده خاتون با توجه به سن کم فرزندش، مجدالدوله و با برخورداری از حمایت برادرش، اسپهبد طبرستان، امور حکومت ری، یعنی حکومت شاخه جبال آل بویه را در دست گرفت. سیده خاتون بر تمام امور حکومتی مسلط بود. دستورهای حکومتی با صلاحدید او صادر می‌گردید. ابن اثیر می‌نویسد: «مادر مجدالدوله همچنان فرمان می‌راند و نامه شهریاران بدو می‌خواندند و او بدیشان پاسخ می‌فرستاد.»

مجدالدوله دیلمی در هنگام خردسالی به امارت ری نشست و اوقات خود را بیشتر در مطالعه و تفریح به سر می‌برد و امارت واقعی تمام قلمرو او و برادرش شمس‌الدوله در حقیقت به دست ملکه سیده خاتون بود، با این حال مجدالدوله یک بار در سال ۳۹۷ قمری در همان سال‌های کودکی به تحریک اطرافیان بر ضد مادر برانگیخته شد. سیده خاتون با اقتدار تمام و با کسب حمایت از تمام حاکمان ولایت‌ها و مقتدران محلی و اکثر لشکریان و کارگزاران دیوان و دربار، که با آنان رابطه خویشاوندی و دوستانه نیز داشت، توانست شورش‌های برخی از فرماندهان سپاه و توطئه چندتن از کارگزاران دیوانی و درباری را فرونشاند. به قول عتبی، او «کافله ملک بود.» نقش فعال او در مسائل سیاسی و نظامی دوره مجدالدوله تا آنجا پیش رفت که وقتی پسرش، مجدالدوله، به کوشش وزیرش سعی در کوتاه کردن دست سیده خاتون از امور حکومتی داشت و برای این منظور حمایت بعضی از سرداران سپاه را نیز کسب کرده بود، سیده خاتون به یاری بدرحسویه، حاکم کرد دینور، ری را تسخیر کرد و مجدالدوله را برکنار نمود و برادرش شمس‌الدوله را به جای او نشاند.

چندی بعد با او دوباره بر سر مهر آمد و او را به امارت ری بازگرداند و شمس‌الدوله را به همدان فرستاد. به گفته عتبی، مادر مجدالدوله معتضد به کثرت اقارب و شوکت عشایر [بود] و از سر تحکم و تغلب در حل و عقد و امر و نهی ملک با لشکر دیلم سخن می‌راند و میان او و مادر بدین سبب وحشت افتاد. هر چند سیده خاتون بلافاصله پس از مدتی کوتاه - چون شمس‌الدوله را نسبت به مجدالدوله سرکش‌تر یافت - مجدداً حکومت را به مجدالدوله بازگرداند، اما مسلماً این نوع تغییرات سیاسی، آن هم با سرعتی اینچنین، نیاز به اقتدار سیاسی فراوان و حمایت نظامی و سیاسی و مذهبی قدرتمندانه و درایت و کیاست فوق‌العاده داشت که سیده خاتون آن را دارا بود.

گردش امور درباری و دیوانی و لشکری و تمام قلمرو به دست یک زن در ایران دوره اسلامی تا زمان سیده خاتون سابقه نداشت و او یک زن شیعی مذهب بود که با تدبیر سیاسی، قلمرو وسیعی از ایران را تحت سلطه گرفته بود و بر آن حکومت می‌کرد. مهم‌ترین نقش سیده خاتون در حکومت شاخه جبال آل بویه، حفظ قلمروش از تهدید و حملات نظامی قدرتمندترین امیر منطقه در آن زمان، سلطان محمود غزنوی، بود. سلطان محمود غزنوی، که همزمان با حکومت مشترک مجدالدوله و مادرش، فتوحات بسیاری در خراسان و هند و غزنه داشت، در ادامه توسعه طلبی‌های خود به جانب ری کشیده شد و از سیده خاتون خواست تا نسبت به او اعلام اطاعت کند و در صورت استنکاف، او را تهدید به لشکرکشی به ری نمود. پاسخ سیده خاتون حکایت از تدبیر سیاسی او داشت و همین جواب مانع پیشروی سلطان محمود در آن زمان به ری گردید.

عنصر المعالی می‌نویسد:

سیده خاتون جواب داده بود: «تا شوی من زنده بود مرا اندیشه آن بود که تو را مگر این راه بود و قصد ری کنی. چون وی فرمان یافت و شغل به من افتاد، مرا این اندیشه از دل برخاست، گفتم: محمود پادشاهی عاقل است، داند که چون او پادشاهی را به جنگ زنی نباید آمدن. اکنون اگر بیایی خدای آگاه است که من نخواهم گریخت و جنگ را ایستاده‌ام، از آنچه در دو بیرون نباشد: از دو لشکر یکی شکسته شود؛ اگر من تو را بشکنم، به همه عالم نویسم که سلطان محمود را بشکستم که صد پادشاه را شکسته بود، مرا هم فتح‌نامه بود و رسد و هم شعر فتح [و اگر تو مرا بشکنی چه توانی نوشت؟ گویی زنی را بشکستم؟ تو را نه فتح‌نامه رسد و نه شعر فتح] که شکستن زنی بس فخر نباشد؛ گویند که سلطان محمود زنی را بشکست».

محمود با پاسخ مدبرانه سیده خاتون قانع شد و تا او زنده بود به ری لشکر نکشید. هر چند بیهقی، مورخ دوره غزنویان، به گونه‌ای دیگر به قصد محمود غزنوی برای فتح ری در زمان سیده خاتون اشاره کرده‌است و به نقل از خواجه احمد می‌نویسد:

«امیر ماضی در خلوت با من حدیث ری بسیار گفتی که آنجا قصد باید کرد و من گفتمی: رأی، رأی، رأی خداوند است که آن ولایت را خطری نیست و والی آن زنی است. بخندیدی و گفتمی: آن زن اگر مرد بودی ما را لشکر بسیار بایستی داشت به نیشابور».

ولی این‌ها از ارزش تدابیر سیده خاتون در حفظ قلمرو حکومتی همسر و فرزندش چیزی نمی‌کاهد. با مرگ سیده خاتون در ۴۱۹ هجری (تاریخ درگذشت وی را ۴۰۷ ه ق بیشتر ثبت نموده‌اند)، ضعف مجدالدوله آشکارتر شد و چون سپاهیان با او راه مدارا در پیش نگرفتند، نامه‌ای به سلطان محمود نوشت و از او دعوت کرد تا به ری آید. سلطان محمود در همان سال به ری لشکر کشید و آن را فتح کرد. مجدالدوله دستگیر شد و به قتل رسید و شاخه جبال حکومت آل‌بویه پس از سیده خاتون دوام نیاورد. محمود کتابخانه معروف ری را به آتش کشیده و صدها نفر از اندیشمندان و متفکران آنجا را به جرم زندیق و ملحد بودن به دار آویخت.

منابع تاریخی اشاراتی نیز به خدمات فرهنگی سیده خاتون دارند؛ از جمله انتخاب استادان صاحب‌نام و عالم برای فرزندش مجدالدوله. احمد بن فارسی همدانی، عالم لغوی، از جمله استادان مجدالدوله به‌شمار می‌رفت. سیده خاتون علاوه بر مسائل سیاسی، چون مادری دلسوز، زمینه آموزش‌های مذهبی و علمی را برای فرزندش مجدالدوله فراهم آورد. مجدالدوله با کیاست و درایت مادر، در محضر استادان دانشمند و شیعه‌مذهب از فلسفه و کلام بهره گرفت. ابوعلی سینا، دانشمند و فیلسوف نامی ایران، نیز مدتی از عمرش را نزد سیده خاتون و مجدالدوله گذراند. او، که نزد سامانیان به امر مطالعه و تحقیق مشغول بود، با قدرت یافتن محمود غزنوی و مخالفت او با شیعیان، مجبور شد از خراسان خارج شود. پس در فرار از مقابل سپاهیان غزنوی و ضعف بسیاری از مخالفان محمود غزنوی به ری رفت و به خدمت سیده خاتون و مجدالدوله رسید و مورد لطف و محبت آنان قرار گرفت و ایشان چون حالات نفسانی او را شنیده بودند، در تعظیم او کوشیدند. کتابخانه مجدالدوله چنان غنی بود که ابن سینا، فیلسوف معروف شیعی مذهب، مدت‌ها در دربار او اقامت کرد و از کتاب‌هایش، که بیشتر در علم نجوم و حکمت بود، استفاده کرد.

آرامگاه سیده ملک خاتون واقع در جاده خاوران تهران که به زیارتگاه امامزاده سیده ملک خاتون معروف است هر ساله مورد بازدید هزاران نفر قرار می‌گیرد.

شیرین فضیلت‌کلام



زاده	۱۳۲۴ <u>کرمانشاه، ایران</u>
درگذشته	۶ اردیبهشت ۱۳۵۳ <u>تهران، ایران</u>
حزب سیاسی	<u>سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران</u>
خویشاوندان	اسماعیل‌خان معاضدالملک جد پدری هوشنگ معاضد پدر عباس فضیلت‌کلام پدرخوانده مهدی فضیلت‌کلام برادر ناتنی انوشه فضیلت‌کلام برادر ناتنی
تحصیلات	کارشناس <u>جامعه‌شناسی</u>
پیشه	مبارزه مسلحانه علیه رژیم محمدرضا پهلوی

شیرین معاضد (فضیلت‌کلام) (۱۳۲۴ در کرمانشاه - اردیبهشت ۱۳۵۳ در تهران) معلم، چریک، فعال سیاسی و عضو سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران بود.

زندگی

شیرین معاضد در سال ۱۳۲۴ در کرمانشاه به دنیا آمد. پدرش هوشنگ معاضد در کرمانشاه روزنامه نگار و کارگردان تئاتر بود و یک گروه تئاتر به نام گروه تئاترال معاضد را تا سال ۱۳۳۲ اداره می‌کرد. جد پدری او اسماعیل‌خان معاضدالملک کارگزار و نماینده وزارت فرهنگ در کرمانشاه و

نماینده این شهر در دوره دوم مجلس شورای ملی بود، و به سبب تأسیس مدرسه‌ای دخترانه به نام مدرسه معاضد در سبزه میدان این شهر توسط تندروان مذهبی ترور شده بود.

شیرین معاضد به همراه خانواده‌اش به تهران آمد و در این شهر به تحصیل پرداخت. وی پس از دریافت دیپلم وارد دانش‌سرای تربیت معلم شد و پس از پایان تحصیلاتش در دانش‌سرا، به عنوان معلم در مدارس جنوب شهر تهران به تدریس پرداخت. او در یک دبستان دخترانه در چهارراه «عباسی‌پایین» که عباسی‌خاکی نامیده می‌شد (خیابان شهید ابراهیمی کنونی) تدریس می‌کرد. شیرین معاضد در این دوران همزمان با معلمی، تحصیل در رشته جامعه‌شناسی را نیز آغاز می‌کند و از سال ۱۳۴۵ به دانشگاه می‌رود.

فعالیت سیاسی

شیرین معاضد فعالیت سیاسی خود را به عنوان عضوی از سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران احتمالاً از اسفند ۱۳۴۹ آغاز کرد و وارد مبارزه مسلحانه علیه حکومت پهلوی شد. عباس فضیلت کلام پدر ناتنی شیرین معاضد که خود فعال سیاسی کمونیست و عضو حزب توده بود و بعداً به سازمان چریک‌های فدایی خلق پیوست، در رابطه با پیوستن شیرین به سازمان می‌نویسد:

«پس از جریان سیاه‌کل با پخش‌نامه‌هایی که شیرین به همراه خود آورد و به من نشان داد، دریافتم که او با سازمان همکاری دارد.»

با این حال گفته می‌شود که شیرین معاضد در سال ۱۳۴۶ برای گذراندن یک دوره رزمی مخفیانه از ایران خارج شده است. عباس فضیلت کلام نوشته است:

«به همه بستگان گفت می‌خواهم برای یک دوره آموزش زبان به کشور فرانسه بروم، ولی به من گفت پدر من برای مطالعه دیگری به بیرون از ایران می‌روم با گذرنامه دست‌کاری شده... این نکته تاکنون برای من ناشناخته مانده که چه سازمانی او را به بیرون از ایران فرستاد.»

در روز ۲ مرداد ماه سال ۱۳۵۱ خانه تیمی چریک‌های فدایی خلق ایران مورد حمله نیروهای امنیتی حکومت پهلوی قرار گرفت. در این ماجرا محمد صفاری آشتیانی که قبلاً از پایگاه خارج شده بود در درگیری جان باخت، اما شیرین معاضد به همراه حمید اشرف -که هر دو از ناحیه پا دچار جراحت شده بودند- با شکستن حلقه محاصره ساواک موفق به فرار شدند. شیرین معاضد چگونگی این فرار را در گزارشی تحت عنوان فرار از محاصره خانه تیمی خیابان سلیمانیه ثبت کرده است.

چند روز پس از این ماجرا و کشته شدن صفاری آشتیانی، یکی دیگر از خانه‌های تیمی سازمان در فرح‌آباد ژاله مورد محاصره قرار گرفته و طی آن مهدی فضیلت کلام برادر ناتنی شیرین معاضد (فضیلت کلام) به همراه فرخ سپهری و فرامرز شریفی کشته می‌شوند. انوشه فضیلت کلام دیگر برادر ناتنی شیرین معاضد نیز در بهمن ۱۳۵۵ در درگیری مسلحانه با مأموران امنیتی حکومت پهلوی کشته می‌شود.

شیرین معاضد در بخش انتشارات سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران نیز فعالیت داشت و همچنین به همراه مرضیه احمدی اسکویی، مسوولیت محفلی در آذربایجان را نیز عهده‌دار بود که به جز این دو یوسف کیشی‌زاده و فرزاد کریمی نیز در آن عضویت داشتند.

دستگیری و مرگ

در بهار ۱۳۵۳ دو تن از اعضای فعال چریک‌های فدایی به نام‌های ابراهیم محجوبی نمین و بهجت محجوبی نمین دستگیر شدند و قرار مهمی که اینان در تاریخ ۶ اردیبهشت ۱۳۵۳ با شیرین معاضد (فضیلت کلام) و مرضیه احمدی اسکویی که دو عضو شاخص دیگر سازمان بودند لو رفت. مأمورین امنیتی حکومت پهلوی تصمیم گرفتند به جای بازداشت، آنان را تا خانه تیمی و مقر اصلی‌شان تعقیب نمایند. در حالی که ساواک تدارک وسیعی برای یورش به خانه تیمی چریک‌ها دیده بود، تعقیب

از خیابان حافظ آغاز شد و در طول خیابان شاهرضا (انقلاب کنونی) به سمت میدان شهناز (فوزیه، امام حسین کنونی) ادامه یافت.

در همین حین، اعضای گروه مارکسیست منشعب از سازمان مجاهدین خلق ایران که تحت رهبری تقی شهرام فعالیت می‌کرد، از طریق دستگاه‌ها و رادیوهای خود متوجه این تعقیب شده و به سرعت موضوع را به چریک‌های فدایی اطلاع داده‌بود. حمید اشرف شخصاً به صحنه رفت و از درون یک وانت بار، علامت لازم را به منظور هشدار به شیرین معاضد و مرضیه احمدی اسکویی ارسال کرد. این دو که متوجه اوضاع شده بودند، در حوالی میدان شهناز از یکدیگر جدا شدند. مرضیه احمدی اسکویی از طریق خیابان شهباز و میدان ژاله (شهدای کنونی) به سمت سهراب امین حضور و خیابان ری تغییر مسیر داد و در حوالی میدان شاه (قیام کنونی) مورد یورش مأموران ساواک قرار گرفت و با استفاده از کپسول سیانور جان داد. شیرین معاضد نیز جلوی مسجد امام حسین مورد حمله مأموران قرار گرفت و در همان محل میدان شهناز با خوردن کپسول سیانور دست به خودکشی زد. در مورد مرگ او دو روایت در دست است. عده‌ای مرگ او را در همان مکان قطعی قلمداد می‌کنند، اما عده‌ای دیگر معتقدند که او زنده به دست ساواک افتاده و ساواک با تجربه از گذشته وی را به بیمارستان برده و پس از شستشوی معده و کارهای پزشکی زنده نگاه داشته‌است و او بعداً در زیر شکنجه ساواک کشته شده‌است.

تاریخ و محل دفن

بنا بر نوشته روزنامه اطلاعات، شماره ۱۵۸۶۳، مورخ ۲۹ اسفند ۱۳۵۷ خورشیدی در صفحه ۵ در مورد تاریخ و محل دفن شیرین معاضد و مرضیه احمدی اسکویی، تاریخ دفن این دو ۱۱ اردیبهشت ۱۳۵۳ خورشیدی و محل آن قطعه ۳۳ گورستان بهشت زهرا، ردیف ۹۰ شماره ۲۵ و ۲۶ نوشته شده‌است.

کاساندان



شهبانوی بانوان ایران

شاهدخت پارسی

شهبانوی ایران

ملکه آسیا



تصویری قدیمی از مقبره احتمالی کاساندان در محوطه
باستانی یاسارگاد زندان سلیمان تصویر متعلق به سال
 ۱۹۰۶ میلادی برگرفته از کتاب *Persia past and*
 present by A. V. Williams Jackson (1906)

سلطنت ۵۵۹ تا ۵۳۸

تاج‌گذاری ۵۵۹ پیش از میلاد

پیشین ماندانا

جانشین آتوسا

نقب‌ها شاهدخت کاساندان
 شهبانو کاساندان ملکه آسیا

درگذشته ۵۳۸ پیش از میلاد

آرامگاه زندان سلیمان، یاسارگاد

همنشین کوروش بزرگ

فرزندان کمبوجیه دوم بردیا آتوسا
رکسانا آرتیستون

خاندان هخامنشی

پدر فرناسپ

کاساندان، کاسادان یا گساندان همسر رسمی و محبوب کوروش بزرگ، از تبار هخامنشی بود.
 کاساندان شهبانوی ۲۸ کشور آسیائی و معروفترین شهبانوی دربار و تنها همسر کوروش بزرگ به

حساب می‌آید و در نزد کوروش بسیار مورد احترام بود و با قدرت مطلق شهبانوی ایران در کنار کوروش بزرگ بر جهان پادشاهی می‌کرد و به طور مستقل دومین فرد قدرتمند و سیاستمدار حکومت بود هر چند که دخالت زنان در پادشاهی جایز نبود اما کوروش بزرگ همواره از همسرش مشاوره های فراوانی می‌گرفت و عملاً او را در کنار خود در سیاست دخالت می‌داد و همراه وی به رتق و فتق امپراتوری می‌پرداخت. کاساندان صاحب پنج فرزند بود: کمیوجیه، بردیا، آتوسا، آرتیستون و دختری که نامش ذکر نشده است. به گفته داندامایف، دختر سوم احتمالاً رگسانا بوده است کاساندان قبل از این که همسرش کوروش بزرگ بمیرد از دنیا رفت و کوروش دستور داد تا همه درباریان برای وی عزاداری کنند و این عزاداری به مدت یک سال طول کشید و ادامه داشت.

بنا بر نوشته هروودت، کوروش بزرگ وی را بسیار دوست داشته و هنگامی که وی درگذشت دستور داد تا تمام اتباع شاهنشاهی برای وی عزاداری بزرگی برپا کنند. این گزارش در سالنامه نیونید آمده است که وقتی همسر پادشاه فوت کرد، در بابل از ۲۷ آدار تا ۳ نیسان (۲۱-۲۶ مارس سال ۵۳۸) عزاداری عمومی برپا شد. بسیار محتمل است که مرگ کاساندان باعث آن عزاداری باشد. بویس حدس می‌زند وی در بنایی که به آن زندان سلیمان می‌گویند، در پاسارگاد به خاک سپرده شده باشد.

مقبره کاساندان در پاسارگاد، در کنار آرامگاه کوروش بزرگ می‌باشد.

گردیه



نام گردیه

نام‌های دیگر گردیک، کردیه، گرویه

منصب فرمانده و سپس شهبانو

دودمان خاندان مهران

آئین زرتشتی

زادگاه	ری
خانواده	
نام پدر	بهرام گشنسب
همسران	بهرام سیاوشان، ویستهم و سپس خسرو پرویز
فرزندان	جوانشیر
برادران	بهرام چوبین، گردوی

گردیه یا **گردیا** (همین‌طور گردویه، گردیگ) که در داستان‌های ملی ایران و شاهنامه نام وی ذکر شده‌است از زنان اشراف‌زاده ایرانی و زنی جنگاور از خاندان مهران بود. او خواهر سپهبد بهرام چوبین؛ همسر بهرام سیاوشان سپس همسر ویستهم دائی خسرو پرویز، و در آخر همسر خسرو پرویز بود. وی همچنین مادر جوانشیر پسر خسرو بود. پسرش جوانشیر در دوران هرج و مرج بعد از کشته شدن پدرش خسرو پرویز، مدت کوتاهی سلطنت کرد.

پیش‌زمینه

گردیه از خاندان مهران، یکی از هفت خاندان پارتی، بود. این خاندان پارتی در ری در جنوب تهران مستقر بودند. پدر او بهرام گشنسب، یک افسر نظامی بود که در جنگ ایران و بیزانس و لشکرکشی به یمن در زمان حکومت خسرو انوشیروان (حکومت از ۵۳۱ تا ۵۷۹) شرکت داشت. پدر بزرگ او، گرگین میلاد، نیز از ۵۷۲ تا ۵۷۴ در ارمنستان به عنوان مرزبان (ارتشبد یک استان مرزی، «مارگراف») فعالیت داشته‌است. گردیه دارای سه خواهر و برادر به نام‌های گردویه، مردان‌سینا و از همه شناخته‌شده‌تر، بهرام چوبین، بود. گرچه مشخص نیست که آن‌ها خواهر و برادر تتی بوده‌اند یا نه.

یادکرد از گردیه

در سال ۵۹۰ میلادی، خسرو پرویز در تیسفون تاج بر سر نهاد. نخستین سال پادشاهی خسرو با قیام بهرام چوبین مصادف بود.

در جنگی که بین خسرو پرویز و بهرام چوبین بر ساحل رود نهروان درگرفت، بهرام خسرو پرویز را مورد بدزبانی و توهین قرار داد. گردیه که بمردی چون برادرش بود، بهرام را بخاطر این بدزبانی سرزنش کرده و از او خواست که به اطاعت از شاه درآید، اما بهرام پیشنهاد او را نپذیرفت.

بعد از شکست در این نبرد، خسرو پس از مشورت با پدرش هرمز چهارم مصمم شد که به روم رفته و از موریکیوس امپراتور بیزانس تقاضای کمک کند.

در سال ۵۹۱ میلادی بهرام چوبین بعد از شکست در نبرد نهایی با خسرو و سپاهیان‌ش، همراه با باقیمانده سپاهش به سوی ترکان گریخت و با مهربانی تمام از سوی خان ترک پذیرفته شد. در مآخذ پارسی از این خان ترک نامی برده نشده‌است. گمان می‌رود این خان یون بوللیق یا دولان خان، فرمانروای خاقانات شرقی ترک باشد که با خاقانات غربی ترک جنگ داشتند و شاید به همین سبب، بهرام را پناه داد.

خسرو با هدایایی که برای خاتون، همسر خان ترک فرستاد، موجبات کشته شدن بهرام را فراهم کرد. خاقان ترک که از مرگ بهرام، غمگین شده بود، از گردیه خواست که به همسری برادر خاقان، نظر درآید. گردیه پاسخی نرم داد و نظر را بازگرداند سپس همه سپاهیان را که همراه برادرش بهرام، به دیار ترکان آمده بودند، از دیار ترکان بیرون آورد و به حدود دیار پارسیان رساند. نظر با دوازده هزار سپاه به تعقیب او برخاست. سرانجام گردیه، در طی نبردی که در افتاد، نظر را به دست خود کشته و به راه ادامه داد.

در راه گستهتم (ویستهتم) دائی خسرو پرویز نزد گردیه آمد و در مرگ بهرام غمخواری کرد و از رفتن نزد خسرو پرویز بر حذرش داشت و سپس او را به همسری خود درآورد. اما خسرو که از گستهتم بیمناک بود به دستگیری گردوی برادر بهرام و نامه‌ای که به توسط زن او، برای گردیه فرستاد، گردیه را به کشتن گستهتم فرمان داد و گردیه شبی پنهانی، گستهتم را کشت و واقعه را به خسرو پرویز نوشت.

گردیه، به غیر از بهرام، برادر دیگری داشت، بنام گردوی (کردی) که در خدمت خسرو بود و به همراهی سپاه خسرو با برادر خود بهرام جنگیده بود، گردیه از گردوی خواست که برای وی، از خسرو امان بگیرد و چون به نزد خسرو رسید، خسرو به پاس خدماتش با وی ازدواج کرد.

حاصل این وصلت جوانشیر بود. بعد از قتل عام خانواده سلطنتی ساسانی، جوانشیر که جان سالم بدر برده بود، مدت کوتاهی بعد از شهربراز سلطنت کرد.

ازدواج‌ها و خانواده

گردیه نخست، زن بهرام پسر سیاوش (بهرام سیاوشان) یکی از سرداران ایران در زمان هرمز چهارم بود که به همراه بهرام چوبینه به جنگ با ترکان هیاطله فرستاده شد و به همراه او هم بشورید و بعد از جلوس بهرام چوبینه به تخت؛ بندوی که در فراری دادن خسرو به روم نقش داشت اسیر گشت و نزد بهرام سیاوشان زندانی بود تا اینکه بندوی موفق شد او را فریب داده و از دست بهرام سیاوشان بگریزد و برای کمک به خسرو و گرد آوردن نیرو به آذربایجان برود؛ بهرام چوبینه به این علت بهرام سیاوشان را اعدام کرد. از آنجا که همسر بهرام سیاوشان را خواهر بهرام چوبینه دانسته‌اند اکنون باید دانست که زن بهرام سیاوشان همان گردیه خواهر مشهور بهرام چوبینه بوده‌است (که به اشتباه عنوان یا تحریف شده که او همسر برادرش بهرام چوبینه بوده). از همه قراین برمی آید که گردیه شاید به همین دلیل کشته شدن شوهرش، با بهرام چوبینه ناسازگار شد اما همچنان در اطاعت برادرش و همراه او ماند.

در پی کشته شدن چوبینه، گردیه که اکنون فرماندهی سپاه طرفدار برادرش را عهده‌دار شده بود با مشورت آنان و برای بازگشت به ایران و طلب بخشش به خسرو پرویز، شاه وقت، نامه نوشت اما خسرو پاسخی به نامه گردیه نمی‌دهد. و چون حکومتش بعد از آشوب‌ها قدری ثبات پیدا کرده، دایی‌اش بندوی را به بهانه آنکه در قتل پدرش شرکت داشته می‌کشد و دایی دیگر او گستهتم نیز که می‌داند به دست خسرو کشته خواهد شد، سر به شورش برمی‌دارد و با سپاهش به گردیه ملحق می‌شود و از کردار خسرو می‌گوید که حتی به دایی‌اش هم رحم نمی‌کند، تا برسد به آنان.

گردیه چاره‌ای جز آن نمی‌بیند که به سپاه گستهتم بپیوندد و حتی به همسری او درآید. از آنجا که وی با برادرش بهرام نیز مخالفت می‌کرد که نباید بر پرویز بشورد، طبیعتاً باید ازدواج گردیه و گستهتم را از روی ناچاری و بی‌پاسخ ماندن نامه وی از سوی پرویز قلمداد کرد. بعد از چند نبرد میان سپاهیان خسرو و سپاه طرفدار گستهتم، خسرو از طریق برادر دیگر گردیه، گردوی که از ابتدا در خدمت و وفادار به خودش بود، برای گردیه نامه می‌فرستد و از او می‌خواهد که گستهتم را بکشد و در ازای آن به همسری او درآید. گردیه پنهانی از پرویز پیمان کتبی می‌طلبد و پس از دریافت پیمان از وی که به وی و بهرامیان آسیبی نرساند، گستهتم را در خواب می‌کشد و به این ترتیب سپاه گستهتم نیز از هم می‌پاشد و شورش فرو می‌خوابد.

خسرو پرویز نیز به پاس این خدمت کردیه وی را به همسری رسمی خود درمی‌آورد و از مجازات مردم ری که در این شورش‌ها از بهرامیان حمایت کرده بودند چشم‌پوشی می‌کند. حاصل این ازدواج پسری به نام جوانشیر است که بعداً مدت کوتاهی نیز به سلطنت می‌رسد.

ازدواج بهرام چوبین با گردیه

این سخن هیچ‌گونه سند تاریخی ندارد و بیشتر به شایعه ای برای ترویج بدبینی می‌باشد.

گوهرشاد آغا بیگم



زاده	۱۳۷۶ سمرقند
درگذشته	۱۴۵۷ (۸۱ سال) <u>هرات</u>
آرامگاه	آرامگاه گوهرشاد <u>هرات</u>
همسر	<u>شاهرخ تیموری</u>
فرزندان	<u>الغ بیگ</u> <u>ابراهیم میرزا</u> <u>بایسنقر میرزا</u> <u>محمد جوکی</u> <u>مریم سلطان</u> <u>سعادت سلطان</u>
نام کامل	مهدعلیا گوهرشادبیگم آغا
<u>خاندان</u>	<u>تیموریان</u>
پدر	غیاث الدین ترخان
مادر	<u>خانزاده بیگم</u>

گوهرشاد بیگم (۷۸۰ - ۹ رمضان ۸۶۱ ه.ق) معروف به گوهرشاد آغا و مهدعلیا، از زنان اشرافی خراسان و از سیاستمداران دوره تیموریان است. او زنی بسیار قدرتمند، نیکوکار، ثروتمند، ادب دوست، هنرپرور و خردمند بود.

گوهرشاد بیگم همسر سلطان شاهرخ تیموری بود که پس از پدرش امیر تیمور، به مدت ۴۳ سال بر مناطق وسیعی از ایران و افغانستان حکمرانی کرد و توسط او در سال ۱۴۰۵ م پایتخت تیموریان از سمرقند به هرات منتقل شد.

خانواده

پدر گوهرشاد آغا، «غیاث‌الدین ترخان» بود که از بزرگان خاندان تیموری به‌شمار می‌آمد و در جنگ‌های بزرگی شرکت داشت و لقب «ترخان» به او داده شده بود. ترخان یا آغاجی یا آغجی، عنوان منصب خاصی در دستگاه امرای ماوراءالنهر و خراسان بوده‌است که دارنده این منصب، واسطه میان سلطان و مردم بوده، و به خاطر حشمت و نفوذی که داشته، بدون التزام به رعایت نوبت و رخصت، نزد سلطان بار می‌یافته‌است. در دوره ایلخانی، اغلب برای متصدی عنوان «آغاجی» از لقب «ترخان» استفاده می‌کرده‌اند.

مادر او «بانو خانزاده بیگم» بود که در ماه رجب سال ۸۱۴ ه.ق در مشهد درگذشت و در جوار آرامگاه رضا مدفون است.

زندگی و فعالیت‌ها

گوهرشاد همراه با برادرش امیر قره یوسف (۷۹۰ - ۸۰۲ ه.ق) که در دربار تیموریان در هرات وزیر بود نقش مهمی در تاریخ اوایل دوره تیموری ایفا کردند.

تحت حمایت او، زبان فارسی و فرهنگ ایرانی به عنصر اصلی در دربار تیموریان ارتقاء یافت. او و همسرش سلطان شاهرخ تیموری، نوعی رنسانس فرهنگی، از طریق صرف حمایت بی‌دریغ خود از هنر و جذب هنرمندان، معماران، فیلسوفان و شاعران به دربار خود به‌وجود آوردند. عبدالرحمن جامی یکی از مشهورترین هنرمندانی بود که تحت حمایت ایشان قرار گرفت. گوهرشاد به تاریخ و ادبیات علاقه‌مند بود و مه‌ری هروی، از زنان شاعر نامدار قرن نهم، مصاحب و ندیمه او بود. بسیاری از نمونه‌های بدیع معماری دوره تیموری در هرات هنوز باقی است و امروزه آثار معماری، مینیاتور، کتب خطی، آثار خوشنویسی و دیگر هنرهای صنایع به‌جا مانده از آن دوران، از ممتازترین آثار هنری در جهان محسوب می‌شوند.

از آثار و بناهای خیریه‌ای که توسط گوهرشاد خاتون بنا شد، مسجد جامع، مدرسه و خانقاه شهر هرات افغانستان و مسجد جامع مشهد در ایران بیش از همه اهمیت دارند که در هر دو شهر به نام «مسجد گوهرشاد» موسوم و مشهور می‌باشند و از شاهکارهای هنر معماری و کاشی کاری قرن نهم هجری به‌شمار می‌روند. همچنین او آثار ارزنده‌ای در حرم امام رضا و اطراف آن پدیدآورد، از جمله دو رواق «دار الحافظ» و «دار السیاده» را بنا کرد. معمار این دو رواق و دو مسجد در هرات و مشهد، قوام‌الدین شیرازی بود.

در سال ۸۵۰ ه. ق/۱۴۴۷ م شاهرخ میرزا با وجود بیماری، به تشویق گوهرشاد برای سرکوبی نوه‌اش سلطان محمد بایسنقر به اصفهان لشکرکشی کرد و در همان‌جا درگذشت. شاهرخ جمعی از سادات، بزرگان و علمای آن شهر را به اتهام همکاری با سلطان محمد دستگیر و تبعید نمود و به تحریک گوهرشادخاتون، «شاه علاء‌الدین محمد» که از سادات و بزرگان و نقبای اصفهان بود به دار آویخته شد.

پس از مرگ شاهرخ، گوهرشاد با کشمکش‌ها و نزاع‌های فراوان، نوه مورد علاقه خود را به تاج و تخت نشاند و برای ده سال عملاً فرمانروای امپراتوری بزرگی بود که از دجله تا مرزهای چین امتداد داشت.

پسران او الغ بیگ در سمرقند، سلطان ابراهیم میرزا در شیراز و بایسنقر میرزا در هرات نه تنها حاکمانی گشاده‌دست در حمایت از هنرها و علوم بودند بلکه خود هنرمندانی قابل و دانشمندانی کم‌نظیر به‌شمار می‌روند.

مرگ

گوهرشاد پس از سن ۸۰ سالگی در نهم رمضان سال ۸۶۱ هـ. ق/ ۱۹ ژوئیه ۱۴۵۷ م در جریان قیام میرزا ابوالقاسم بابر در دوره سلطنت سلطان ابوسعید، به دسیسه جمعی از امرا و مشاوران سلطان ابوسعید به دستور آن پادشاه در شهر هرات کشته شد و در کنار قبر فرزندش شاهزاده بایسنقر میرزا و همسرش سلطان شاهرخ تیموری در مجموعه مدرسه و مسجد گوهرشاد هرات به خاک سپرده شد که آرامگاه او هنوز باقی است.



آرامگاه گوهرشادبیگم، هرات، افغانستان

مریم فیروز (مریم فرمانفرمائیان)



زاده	۱۲۹۲ خورشیدی (۱۹۱۴ میلادی)
	<u>کرمانشاه، ایران</u>
درگذشته	۲۲ اسفند ۱۳۸۶ (۹۴ سال) <u>تهران، ایران</u>
همسران	<u>عباسقلی اسفندیاری</u> <u>نورالدین کیانوری</u>
<u>دودمان</u>	<u>قاجار</u>
پدر	<u>عبدالحسین میرزا فرمانفرما</u>
مادر	بتول

مریم فیروز (زاده ۱۲۹۲ – درگذشته ۲۲ اسفند ۱۳۸۶) یکی از چهره‌های شاخص سیاسی ایران در دوران پهلوی دوم، از مخالفان رژیم سلطنتی و عضو حزب توده، مؤسس سازمان زنان حزب توده ایران و از فعالان حقوق زنان در ایران بود.

او دختر شاهزاده عبدالحسین میرزا فرمانفرما، نخست‌وزیر ایران در دوران احمدشاه و همسر نورالدین کیانوری از رهبران حزب توده ایران بود.

مریم فیروز مدتی پس از انقلاب ۱۳۵۷ ایران، در ۱۷ بهمن ۱۳۶۱ به اتهام جاسوسی دستگیر و زندانی شد.

زندگی

مریم فیروز خواهر نصرت الدوله فیروز و دختر عبدالحسین فرمانفرما (نوه عباس میرزا، حاکم، وزیر و رئیس‌الوزرای معروف دوره قاجار و از متمولین طراز اول ایران) و بتول کرمانشاهی بود. در سال ۱۲۹۲ هجری شمسی در کرمانشاه به دنیا آمد و در مدرسه ژاندارک و دارالمعلمات تحصیل نمود و در سال ۱۳۰۸ دیپلم گرفت. در همین سال در سن ۱۶ سالگی بنا بر تصمیم پدرش به عقد سرهنگ عباسقلی اسفندیاری (تحصیل کرده مدرسه نظامی سن سیر فرانسه) فرزند محتشم السلطنه اسفندیاری درآمد و خیلی زود صاحب دو دختر به نام‌های افسانه و افسر شد؛ ولی در سال ۱۳۱۸ اندکی بعد از مرگ پدرش فرمانفرما از همسرش جدا شد و به خانه پدری بازگشت.

از آن به بعد منزل او محفل شاعران، ادیبان و نویسندگان و مرکزی برای توسعه افکار سوسیالیستی شد. همچنین گفته شده وی با رهی معیری ارتباط صمیمانه و عاشقانه ای داشت اما علی‌رغم این عشق، مریم فیروز زندگی سیاسی با نورالدین کیانوری را انتخاب کرد.

او علی‌رغم زندگی در یک خانواده اشرافی دوره قاجار، از طریق خانواده ایرج اسکندری در جلسات حزب توده ایران شرکت می‌نمود و سپس به عضویت آن درآمد. نسبت اشرافی مریم فیروز و اقدام جسورانه او در پیوستن به «جنبش توده‌ای» با جنجال و سروصدای زیادی همراه شد، تا جایی که نشریات خارجی از او به عنوان «شاهزاده سرخ» نام می‌بردند. وی در سال ۱۳۲۳ با نورالدین کیانوری ازدواج کرد و یک عمر زندگی پرهیاهو و پرکشمکش را آغاز نمود.

وی و همسرش کیانوری در پی کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ پس از چهار سال زندگی مخفیانه در سال ۱۳۳۶ ایران را ترک کردند و به شوروی سفر کردند و دو سال بعد به آلمان شرقی رفتند و به فعالیت سیاسی خود ادامه دادند. در آن سال‌ها او به‌طور غیابی به اعدام محکوم شده بود. مریم فیروز با محمد

مصدق، نسبت فامیلی داشت (مصدق پسر عمه او بود) و مریم فیروز در روزهای بحرانی ۲۵ و ۲۸ مرداد سال ۳۲، رابط اندرونی مصدق با رهبری حزب توده بوده است. مصدق در روز کودتا نیز در تماسی با مریم فیروز از او می‌خواهد که هر آنچه می‌تواند در مقابل کودتا انجام دهند.

پس از انقلاب ایران (۱۳۵۷) و سقوط حکومت پهلوی، مریم فیروز و کیانوری بعد از ۲۶ سال در اردیبهشت ۱۳۵۸ به ایران بازگشتند و از آن تاریخ در ایران ساکن شدند.

مریم فیروز افزون بر چند ترجمه و مقاله، کتابی به‌نام چهره‌های درخشان نگاشته است که شرحی است از فداکاری‌ها و حمایت مردم عادی از افراد سیاسی تحت تعقیب حکومت کودتا. او در این کتاب، از این چهره‌های گمنام قدردانی می‌کند. کتاب دیگری نیز به نام «خاطرات مریم فیروز» در اواخر دهه هفتاد شمسی منتشر شد که به نظر می‌رسد سفارش وزارت اطلاعات باشد. محمدعلی عمویی، یکی از اعضای حزب توده ایران که چون او سال‌ها زندانی بود، می‌گوید که او خود این کتاب را قبول نداشته و در جواب انتقادهای وی به صراحت گفته است که این نوشته دیگران است به نام من.



مقبره خانوادگی فرمانفرمایان در بهشت زهرا؛ محل دفن مریم فیروز

مریم فیروز در ۲۲ اسفند ۱۳۸۶ در تهران درگذشت. او در هنگام مرگ ۹۵ سال داشت. پیکر مریم فیروز در گورستان بهشت زهرا به خاک سپرده شد.

ملک‌تاج نجم‌السلطنه



زاده ۱۲۷۱ ه.ق تهران

زاده

درگذشت ۱۳۱۱ ه.ش تهران

درگذشت

آرامگاه	شهر نجف
شناخته شده برای	مادر دکتر محمد مصدق
والدین	فیروز میرزا نصرت الدوله فرمانفرما
خویشاوندان	برادر: <u>عبدالحسین میرزا فرمانفرما</u>

ملک تاج فیروز ملقب به نجم السلطنه (زاده ۱۲۳۳ ش؛ تهران، درگذشته ۱۰ دی ۱۳۱۱) از زنان نیکوکار ایرانی، پایه‌گذار بیمارستان نجمیه تهران و مادر نخست‌وزیر معروف ایران محمد مصدق بود.

زندگی‌نامه

ملک تاج خانم نوه عباس میرزا ولیعهد قاجار، و دختر فیروز میرزا نصرت الدوله بود و در سال ۱۲۷۰ ق / ۱۲۳۳ ش متولد شد. مادر او حاجیه همایون سلطان (هما) خانم، دختر بهمن میرزا بهاء الدوله و واقفه مسجد و مدرسه شاهزاده خانم (مسجد الزهراء کنونی) در گذر وزیر دفتر (جنب خیابان شاهپور سابق و وحدت اسلامی کنونی) بود. ملک تاج بزرگترین فرزند خانواده و دارای دو خواهر به نامهای ماه سماء خانم و سرور السلطنه (همسر مظفرالدین شاه) بود و تنها یک برادر تنی به نام عبدالحسین میرزا فرمانفرما داشت.

خواندن و نوشتن را با خواهرانش نزد معلم‌های خانگی فراگرفت و در سن شانزده سالگی با مرتضی‌قلی خان نوری، وکیل الملک و حاکم کرمان از خاندان اسفندیاری، (۱۲۸۴ تا ۱۲۹۶ هـ. ق) که از او بسیار بزرگتر و دارای همسر و اولاد بود ازدواج کرد. نجم السلطنه از این ازدواج صاحب دو دختر به نامهای ملوک ملقب به عشرت الدوله و فاطمه ملقب به شوکت الدوله شد. اندکی بعد، وکیل الملک به تهران خوانده شد و آنجا درگذشت.

در سال ۱۲۶۰ هـ. ش نجم السلطنه با میرزا هدایت‌الله وزیر دفتر آشتیانی ازدواج کرد. حاصل این ازدواج هم دو فرزند بود، آمنه دختر الملوک و محمد مصدق که بعدها نخست‌وزیر و یکی از چهره‌های معروف تاریخ ایران شد. بعد از درگذشت وزیر دفتر، نجم السلطنه سرپرستی دو فرزندش را برعهده گرفت. او دو سال بعد به ازدواج فضل‌الله خان وکیل الملک از سادات طباطبایی و منشی باشی مظفرالدین شاه درآمد. این ازدواج نیز در سال ۱۲۸۵ هـ. ش با مرگ میرزا فضل‌الله خان پایان یافت و حاصل آن فرزندی بود به نام ابوالحسن دیبا (ملقب به ثقه الدوله).

در عهد سلطنت مظفرالدین شاه عبدالحسین میرزا فرمانفرما، برادر نجم السلطنه، به دستور شاه به عتبات تبعید شد. در این مدت نجم السلطنه اداره امور برادرش را برعهده گرفت و اندکی بعد برای دیدن او به عتبات رفت و از آنجا عازم حج شد.

احداث بیمارستان نجمیه



ورودی بیمارستان نجمیه در تهران

نجم السلطنه از سال ۱۳۰۷ش به ساخت و وقف بیمارستانی در محل سکونت خود، خیابان دروازه یوسف آباد (حافظ امروزی)، همت گمارد که این موقوفه به نام بیمارستان نجمیه تهران تا به امروز باقی است. نجم السلطنه برای مخارج این بیمارستان درآمد چندین ملک خود را اختصاص داد و تا زمانی که خود زنده بود نظارت بر امور آن را برعهده داشت. پس از آن طبق وقف نامه، تولیت به دست دکتر محمد مصدق و بعد از وی به میرزا ابوالحسن خان ثقه الدوله دیبا و پس از این دو پسر به فرزندان بزرگشان تعلق می‌گرفت. او همچنین نظارت بر این بیمارستان را به دخترانش؛ فاطمه خانم شوکت‌الدوله، ملوک خانم عشرت‌الدوله و آمنه دفتری (دفترا الملوک) واگذار کرد. این بیمارستان در ۱۵ آذر ۱۳۰۸ افتتاح شد و همچنان به فعالیت خود ادامه می‌دهد.

پشتکار و علاقه‌ای که نجم السلطنه به راه‌اندازی این بیمارستان از خود نشان داد تا بدانجا بود که در طول چند سالی که بیمارستان ساخته می‌شد، با وجود کهولت سن در خانه کوچکی در همان باغ می‌زیست و شخصاً به امور ساختمان سرکشی می‌کرد و هر غروب اجرت کارگران را خود می‌پرداخت. سال‌ها بعد از مرگ او در گوشه‌ای از ضلع جدیدی که محمدحسن شمشیری (صاحب چلوکبابی معروف در بازار) بر بیمارستان افزود، روی پلاکی مسین سیاه جمله‌ای که نجم السلطنه همیشه بر زبان می‌راند حک شده‌است: «هرکس آن درود عاقبت کار که کشت». بیمارستان نجمیه از نخستین بیمارستان‌های مدرن تهران به‌شمار می‌رود.

درگذشت

حاجیه ملک تاج خانم نجم‌السلطنه در ۱۰ دی ۱۳۱۱ در تهران درگذشت و در نجف اشرف به خاک سپرده شد.

مشخصات فردی



عبدالحسین میرزا فرمانفرما به همراه خواهرش ملک تاج نجم‌السلطنه

نجم‌السلطنه زنی مقتدر و سخت کوش و به قول یکی از دختران فرمانفرما، عمه پیر ۸۰ ساله اش: «زن مسن و کوچک اندامی بود. چادر سیاه بر سر داشت و از در بیرونی وارد اتاق پدرم می‌شد و با حرکت سر جواب تعظیم ما را می‌داد و به سرعت به طرف برادر روانه می‌شد. چهره‌ای سفید داشت با چشمانی درشت و برآمده به رنگ میثی روشن... با وجود کهولت سن، اما جلد و چابک بود. فکری روشن و گفتاری تند و تا حدی خشن داشت، ولی اغلب شاهزادگان مسن آن دوره آهنگی با تحکم و گفتاری نسبتاً درشت داشتند. در آن سن شخصاً مشغول نظارت بر ساخت ساختمان بیمارستانی بود که به نام «بیمارستان نجمیه» پای برجاست. زندگانی او ساده و بی‌آلایش بود و ثروتش را با انرژی بسیار و ایمان راسخ صرف ساختن اولین بیمارستان خصوصی و مدرن تهران کرد».

جملات آغازین یکی از نامه‌های ملک تاج خانم نجم‌السلطنه به برادرش عبدالحسین میرزا: «قربانت بگردم شاهزاده جان خودم، انشاءالله احوال نازنینت خوب است. اگر از احوال من بخواهید شکر خدا نعمت سلامتی داریم، والله بالله دلم یک خرده شد برای شما، گور پدر دنیا کرده، کاش من جای شما بودم، خدمت جناب سیدالشهدا. قربانت شما را به خدا قسم التماس دعا دارم، کاش مرا بخواهد بیایم. قربانت از غصه شما دلم خون شد، چه طهران مرده شور ببرد. نه نون، نه آب، روزگار تلخ‌تر از زهر...»

مهرانگیز دولتشاهی



<u>سفیر ایران در دانمارک</u>	
مشغول به کار ۱۳۵۴ - ۱۳۵۷	
<u>محمدرضاشاه پهلوی</u>	پادشاه
پرویز سهدی	پس از
<u>عباس امیرانتظام</u>	پیش از
<u>نماینده دوره‌های ۲۱، ۲۲ و ۲۳ مجلس شورای ملی</u>	
<u>کرمانشاه</u>	حوزه انتخاباتی
<u>اطلاعات شخصی</u>	
۱۲۹۶ خورشیدی <u>اصفهان، ایران</u>	زاده
۲۹ مهر ۱۳۸۷ (۸۸ سال) <u>پاریس، فرانسه</u>	درگذشته
<u>صادق هدایت دایی</u>	روابط
<u>دانشگاه روپرشت-کارلز هایدلبرگ</u> <u>دانشگاه هومبولت برلین</u>	<u>محل تحصیل</u>
فعال حقوق زنان، نویسنده و سیاستمدار	پیشه
اولین سفیر زن ایران	تخصص
<u>اسلام</u>	دین

مهرانگیز دولتشاهی (۱۲۹۶ اصفهان - ۲۹ مهر ۱۳۸۷ پاریس) دیپلمات ایرانی، سفیر ایران در دانمارک، سه دوره نماینده مجلس شورای ملی و فعال حقوق زنان بود. او از نخستین گروه زنان راه یافته به مجلس شورای ملی و نخستین زن سفیر در تاریخ معاصر ایران بود.

اوایل زندگی

در مورد زادروز و زادگاه دولتشاهی گزارش‌های متناقضی وجود دارد که توسط وی بیان شده‌است. عباس میلانی بیان می‌کند که او دو سال ۱۲۹۶ و ۱۲۹۸ را به عنوان سال تولد خود معرفی کرده‌است. او همچنین در مورد زادگاه دولتشاهی به دو شهر تهران و اصفهان اشاره می‌کند. خانواده او مالک زمین‌های بسیاری در کرمانشاه بودند.

مهرانگیز دختر محمدعلی میرزا مشکوه‌الدوله، نماینده مجلس و وزیر پست و تلگراف و تلفن در حکومت پهلوی، و اخترالملک، دختر هدایت‌قلی خان، بود. خواهر او مهین دولتشاهی همسر مظفر فیروز، وزیر کار در کابینه احمد قوام، بود. او عضوی از دودمان قاجار بود. مهرانگیز همچنین دختر عموی عصمت دولتشاهی، آخرین همسر رضاشاه، بود.

تحصیلات

مهرانگیز دولتشاهی تحصیلات دانشگاهی خود را در آلمان گذراند. او مدرک کارشناسی خود را از دانشگاه هومبولت برلین دریافت کرد و موفق به کسب مدرک دکترا در رشته علوم اجتماعی از دانشگاه هایدلبرگ شد.

فعالیت‌های اجتماعی

دولتشاهی در سازمان خدمات اجتماعی و انجمن حمایت از زندانیان کار می‌کرد. او پیش از سفر کاری به دانمارک، جامعه راه نو را تأسیس کرد، که بعداً به بخشی از سندیکای بین‌المللی زنان تبدیل شد. این جامعه به زنان آموزش می‌داد و از حقوق برابر برای آن‌ها دفاع می‌کرد. وی همچنین برنامه‌های سوادآموزی بزرگسالان را در جنوب تهران راه‌اندازی کرد. در سال ۱۳۳۰ او با صفیه فیروز، فعال زنان، به دیدار محمدرضا پهلوی رفت تا در مورد حقوق انتخاباتی زنان در ایران بحث کند. وی مدیر کمیته مشورتی در امور بین‌المللی سازمان زنان ایران بود. او در سال ۱۳۵۲ به عنوان رئیس شورای بین‌المللی زنان برگزیده شد و تا سال ۱۳۵۵ در این سمت باقی ماند.

او برای اینکه به روحانیت آن زمان نشان دهد فعالیت این جمعیت در جهت بی‌بندوباری زنان جامعه نیست، با تنی چند از روحانیان برجسته زمان من جمله آیت‌الله بروجردی و امام موسی صدر دیدارهایی داشت. وی یکی از مبتکران قانون حمایت خانواده بود که حق طلاق را برای زنان به رسمیت می‌شناخت و اختیار همسر دوم را توسط مرد منوط به اجازه همسر اول می‌کرد. کتاب جامعه، دولت و جنبش زنان ایران از آخرین نوشته‌های مهرانگیز دولت‌شاهی است.


فعالیت‌های سیاسی

دولتشاهی از حوزه انتخابیه کرمانشاه به مدت سه دوره از سال ۱۳۴۲ تا ۱۳۵۴ در مجلس شورای ملی حضور یافت و جزو نخستین زنانی بود که به این مجلس راه می‌یافتند. او در تدوین قانون حمایت خانواده در سال ۱۳۴۶ و اصلاحات آن در سال ۱۳۵۴ نقش بسیاری داشت. وی همچنین به عنوان اولین وزیر امور زنان خدمت کرد. در دوره وزارت عباسعلی خلعتیری در وزارت امور خارجه ایران، از او برای تصدی سفارت ایران در دانمارک دعوت به عمل آمد (۱۳۵۴) و وی به عنوان اولین سفیر زن عازم سفارت ایران در دانمارک شد و تا زمان پیروزی انقلاب ۱۳۵۷ به این مأموریت ادامه داد.

سال‌های آخر و مرگ

دولتشاهی در زمان رخداد انقلاب اسلامی در دانمارک بود و پس از آن دیگر به ایران بازنگشت. او در سال ۲۰۰۲ کتاب جامعه، دولت و جنبش زنان ایران را منتشر کرد. وی سرانجام در ۲۹ مهر ۱۳۸۷ در سن ۹۱ سالگی در پاریس درگذشت.

جوایز و افتخارات

- صلیب بزرگ نشان دانبروگ دانمارک (۱۴ فوریه ۱۹۷۹)  دولتشاهی در سال ۱۹۹۷ به عنوان زن سال بنیاد مطالعات زنان ایرات در ایالات متحده آمریکا معرفی شد.

مهرانگیز منوچهریان



نماینده دوره‌های چهارم، پنجم و ششم مجلس سنا

مشغول به کار
۱۳۴۲ - ۱۳۵۱

حوزه تهران
انتخاباتی

اطلاعات شخصی

زاده

۱۲۸۵ مشهد

درگذشته

۱۴ تیر ۱۳۷۹ (۹۴ سال) تهران

پیشه

وکیل پایه یک

دادگستری، حقوقدان، موسیقی‌دان و سیاستمدار

مهرانگیز منوچهریان (زاده ۱۲۸۵ در مشهد - درگذشته ۱۴ تیر ۱۳۷۹ در تهران) حقوقدان، موسیقی‌دان و سیاستمدار اهل ایران بود. او نخستین سناتور زن مجلس سنای ایران طی دوره‌های چهارم، پنجم و ششم بین سال‌های ۱۳۴۲ تا ۱۳۵۱ بود.

زندگی‌نامه

منوچهریان در سال ۱۲۸۵ در مشهد به دنیا آمد. او در سال ۱۳۲۵ همراه با ۱۳ دختر دیگر از نخستین دانشجویان دانشکده حقوق دانشگاه تهران بود. منوچهریان این رشته را تا کسب دکترا ادامه داد. او از سال ۱۳۴۲ تا ۱۳۵۱ سناتور انتصابی مجلس سنا بود. پروانه وکالت مهرانگیز منوچهریان پس از انقلاب ۱۳۵۷ باطل شد.

کار

منوچهریان هم نخستین زن وکیل ایران و هم نخستین زن سناتور ایران بود. وی در طول سناتوری خود در گسترش حقوق زنان بسیار فعالیت کرد. وی با استفاده از تجربه وکالت خود قانون حمایت خانواده را تنظیم کرد که به موجب آن حقوق خانوادگی برای زنان اعطا می‌شد. تعدادی از عناصر در قانون پیشنهادی توسط برخی از منتقدان انتخاب و درباره آن‌ها مبالغه شد. این امر منجر به این شد که این قانون مورد بحث و گفتگوی عمومی گسترده‌ای در رسانه‌ها قرار گیرد. برخی از روحانیون کشور نیز ادعا کردند که این قانون با اسلام سازگار نیست و از موازین اخلاقی ضعیف حمایت می‌کند. حتی برخی منوچهریان را به عنوان مرتد معرفی کردند. منوچهریان از ترس امنیت خود برای مدتی از تهران گریخت. این قانون بعداً در پی انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ لغو شد.

بعدها منوچهریان پس از اختلاف با نخست‌وزیر جعفر شریف امامی درباره سفر زنان به خارج از کشور بدون اجازه شوهرشان از سمت خود در سنا استعفا داد. شریف امامی به دلیل قوانین اسلامی مخالف طرح آن در مجلس بود و منوچهریان با توجه به اساسنامه داخلی خواستار طرح و به رای گذاری آن. شریف امامی در هنگام بحث در سنا با او بی‌ادبانه رفتار کرد و منوچهریان به نشانه اعتراض مجلس را ترک کرد. شریف امامی با رفتن به خانه وی از او به‌طور خصوصی عذرخواهی کرد اما منوچهریان خواستار عذرخواهی عمومی شد که شریف امامی از انجام آن خودداری کرد و در نتیجه، منوچهریان از سمت خویش استعفا داد.

وی برای فعالیت خود در زمینه ارتقا حقوق زنان در سال ۱۹۶۸ جایزه سازمان ملل در زمینه حقوق بشر را دریافت کرد.

منوچهریان همچنین به عضویت شورای مرکزی سازمان زنان ایران درآمد.

درگذشت

او در ۱۴ تیر ماه سال ۱۳۷۹ در تهران درگذشت و در قطعه ۷۴، ردیف ۱۱۸، شماره ۷۸ بهشت زهرا به خاک سپرده شد.

میراث

منوچهریان در بهبود وضع حقوق زنان در ایران نقش بسیار مهمی داشته‌است. کتابی در مورد زندگی او به نام «سناتور: کار سناتور مهرانگیز منوچهریان در مبارزه برای حقوق قانونی زنان» برنده جایزه کتاب لطیفه یارشاطر در سال ۲۰۰۴ شد.

جایزه‌ها و افتخارات

- ۱۹۶۸ (میلادی) - «جایزه سازمان ملل متحد در زمینه حقوق بشر»
- ۱۹۷۱ (میلادی) - «جایزه صلح مرکز صلح جهانی از طریق حقوق»

مجموعه گلستان (زنان بزرگ ایران زمین)
مجید بهرام بیگی ۱۴۰۰ (Arya Bâhram)
بزرگترین شعرای زن ایران در طول تاریخ



آریا بهرام

بزرگترین شعرای زن ایران در طول تاریخ

- 249 آیدا عمیدی
 251 پروین اعتصامی
 269 توران شهریاری
 271 جهان ملک خاتون
 272 حمیده سپهری
 272 رابعه بلخی
 278 رزا جمالی
 281 روجا چمن کار
 284 رویا زرین
 285 ژاله اصفهانی
 289 ژاله قائم مقامی
 290 سارا محمدی اردهالی
 292 سپیده کاشانی
 294 سیما یاری
 295 سیمین بهبهانی
 302 طاهره صفارزاده
 304 فخر عظمی ارغون
 307 زندهخت شیرازی (فخرالملوک)
 309 فرزانه میلانی
 310 فروغ فرخزاد
 319 گراناز موسوی
 321 مریم جعفری آذرمانی
 324 مریم حیدرزاده
 330 مستوره کردستانی
 334 مهری هروی
 336 مهستی گنجوی

آیدا عمیدی



آیدا عمیدی متولد 24 دی ماه 1360 در تهران، دارای مدرک کارشناس ارشد شیمی فیزیک و شاعر معاصر ایرانی است

عمیدی از تازه‌ترین سروده‌های خود می‌گوید: یک مجموعه با نام «مکاشفات سلیمانیه» دارم که برای انتشار به نشر مروارید سپرده‌ام، یک مجموعه دیگر هم در دست تهیه دارم که احتمالاً اواخر بهار یا اوایل تابستان به ناشر تحویل دهم، چون هنوز تمام نشده با هیچ نشری برای چاپ آن صحبت نکرده‌ام

وی اظهار کرد: امیدوارم شعر بتواند تریبونی به دست آورد تا حداقل مخاطب بتواند از آنجا وضعیت شعر امروز را پیگیری کند و وضعیت از این از هم گسیختگی بیرون بیاید

از آیدا عمیدی چند مجموعه شعر به نام‌های «زیبایی‌ام را پشت در می‌گذارم» توسط موسسه انتشاراتی آهنگ دیگر، «لشگر شکست‌خورده کلمات» و «مکاشفات سلیمانیه» از طرف انتشارات مروارید منتشر شده است که برای مجموعه شعر «لشگر شکست‌خورده کلمات» به عنوان شاعر برگزیده دوره قبل جایزه شاملو انتخاب شد.

نمونه ای از شعر از آیدا عمیدی:

زیرا خون وقتی بر خاک می‌ریزد
به چیز دیگری بدل می‌شود
« چرا نگفتی او جوان افتاد؟ »

جسم کشته سنگین و فرار است
جوان بودم
نمی‌دانستم تن چگونه دریده می‌شود در خواب و بیداری
نمی‌دانستم تن باری است بر دوش خودش
سنگین بودم
از ایستادم صدای برخورد موج و صخره می‌آمد
و پاهایم وقت راه رفتن
تا زانو در ماسه فرو می‌رفت
همچنان که به سختی گام برمی‌داشتم
از حافظه‌ها می‌پریدم
« * چرا نگفتی او جوان افتاد؟ »

ما به ناچار بر بلندی‌ها ایستاده بودیم
به ناچار گفتیم خدا بزرگتر از آن است که وصف شود

گفتیم و کلمات در هم فرو رفتند
گفتیم و همه‌چیز چون نيزه‌ای ما را به هم دوخت
اکنون
ساکنان ذرات غباریم
... مالکان خیابان‌ها

به یاد بیاور آن دست‌های فرزانه را
که از لمس اصواتِ خون‌ریز برگشته بودند
و بگو
بگو از رودخانه‌ها چه می‌دانی؟
از پل‌هایی که بر دوش می‌کشند؟
و از آنچه در حافظه‌ی گل‌آلودشان دفن کرده‌اند؟

رودخانه می‌گذرد و انکار می‌کند خودش را
نباید دست در رودخانه می‌شستم
نمی‌دانستم رودخانه کلمات را از زیر پوست انگشت‌هایم بیرون می‌کشد
نمی‌دانستم فراموش می‌شوی جانا
و روح وحشیت
در دره‌های عقیم آواره خواهد شد

بنویس علیه فراموشی
علیه رفتن بوی باروت از جان پیراهن
علیه دل‌کندن کفش‌های دونه‌مان از خیابان‌ها
... علیه تردید
« * چرا نگفتی او جوان افتاد؟ »

دست در خون خودم شسته بودم
بر پاهای فراموشکار خودم ایستاده بودم
می‌لرزیدم و چنگ بر حافظه‌ی تهی می‌زدم
می‌لرزیدم و اخبار وطن تکه تکه می‌کرد
می‌لرزیدم و میخ صلح در استخوانم فرو می‌رفت
« * چرا نگفتی او جوان افتاد؟ »

طوفان آتش است اینکه از شش جهت می‌وزد
گندم است اینکه در دشت بریان می‌کنند
آیا رودخانه روزی از بوی خون تهی خواهد شد؟

چیزی به حافظه‌ام اضافه کن جانا
چیزی شبیه شعور نور
وقتی که بر نقش‌های پیچیده می‌تابد



پروین اعتصامی

نام اصلی	رخشنده اعتصامی
زاده	۲۵ اسفند ۱۲۸۵ ۱۷ مارس ۱۹۰۷ <u>تبریز</u>
محل زندگی	<u>تبریز و تهران</u>
درگذشته	۱۵ فروردین ۱۳۲۰ (۳۴ سال) ۴ آوریل ۱۹۴۱ <u>تهران</u> از <u>حصبه</u>
آرامگاه	قِم، حرم فاطمه معصومه، صحن امام رضا، آرامگاه خانوادگی
تخلص	پروین
زمینه کاری	شعر و ادبیات
تحصیلات	مدرسه ایران کلیسا
جوایز مهم	برندهٔ جایزهٔ ادبی لُفن برگ
سبک نوشتاری	شعر مناظره‌ای <u>قطعه</u>
کتاب‌ها	دیوان اشعار

حوزه	کتابخانه دانشسرای عالی تهران
استاد	یوسف اعتصامی آشتیانی، علی اکبر دهخدا، ملک الشعرای بهار
همسر	فضل الله اعتصامی
پدر و مادر	یوسف اعتصامی آشتیانی اختر شوری بخشایشی

رخشنده اعتصامی (۲۵ اسفند ۱۲۸۵ - ۱۵ فروردین ۱۳۲۰) معروف به **پروین اعتصامی**، شاعر ایرانی است که به عنوان «پروین آوازترین شاعر زن ایران» از او یاد شده است. پروین از کودکی فارسی، انگلیسی و عربی را نزد پدرش آموخت و از همان کودکی زیر نظر پدرش و استادانی چون **دهخدا** و **ملک الشعرای بهار** سرودن شعر را آغاز کرد. پدر وی **یوسف اعتصامی آشتیانی**، از شاعران و مترجمان دوران خود بود که در شکل‌گیری زندگی هنری پروین و کشف توانایی‌ها، و ذوق و گرایش وی به سرودن شعر نقش مهمی داشت.

او در بیست و هشت سالگی از دواج کرد، اما به دلیل اختلاف فکری با همسرش، پس از چندی از او جدا شد. پروین پس از جدایی، برای مدتی در کتابخانه دانشسرای عالی تهران به شغل کتابداری به کار پرداخت. پروین پیش از چاپ دومین نوبت از دیوان اشعارش، بر اثر بیماری **حصه** در سی و پنج سالگی در تهران درگذشت و در حرم **فاطمه معصومه**، در آرامگاه خانوادگی‌اش، به خاک سپرده شد. زادروز پروین (**بیست و پنجم اسفندماه**)، «روز بزرگداشت پروین اعتصامی» نام‌گذاری شده است.

تنها اثر چاپ و منتشر شده از پروین، دیوان اشعار اوست، که دارای ۶۰۶ شعر شامل اشعاری در قالب‌های **مثنوی**، **قطعه** و **قصیده** است. پروین بیشتر به دلیل به کار بردن **سبک شعری مناظره** در شعرهایش معروف است. شعرهای پروین پیش از چاپ به صورت مجموعه و کتاب، در **مجله بهار** و منتخبات آثار از **ضیاء هشترودی** و **امثال و حکم** از دهخدا، چاپ می‌شدند. موفقیت اولین چاپ دیوان اشعار او سبب پیدایش زمینه برای چاپ‌های بعدی شعرهای او شد.

پروین اعتصامی از پیروان «جریان تلفیقی» است. مضامین و معانی اشعار پروین، توصیف‌کننده دل‌بستگی عمیق وی به پدر، استعداد و شوق فراوان او به آموختن دانش، روحیه ظلم‌ستیزی و مخالفت با ستم و ستمگران و حمایت و ابراز همدلی و همدردی با محرومان و ستم‌دیدگان است. اشعار پروین اغلب از حوادث و اتفاقات شخصی و اجتماعی خالی‌اند. در میان اشعار او، شعری وجود ندارد که با کمک آن بتوان صراحتاً شخص شاعر را شناخت. شعر پروین از دیدگاه طرز بیان مفاهیم و معانی، بیشتر به صورت «مناظره» و «سؤال و جواب» است. در دیوان او بیش از هفتاد نمونه مناظره آمده که وی را از این لحاظ در میان شاعران فارسی برجسته ساخته است. این مناظره‌ها نه تنها میان انسان‌ها و جانوران و گیاهان، بلکه میان انواع اشیاء - از قبیل سوزن و نخ - نیز اتفاق می‌افتد. پروین در بیان مقاصد خود از هنرهای «**شخصیت‌بخشی**» و «**تخیل**» و «**تمثیل**»، با شیوایی کم‌نظیری استفاده بسیار کرده است.

درباره زندگی پروین اعتصامی، کتاب‌های فراوان، آثار و مقالات مختلفی آمده است. این آثار در طی سال‌های پس از مرگش و همچنین پیش از آن، توسط افراد مختلفی نوشته شده است.

منابع دست اول برای شناخت زندگی پروین اعتصامی، کتاب‌ها و اسناد منتشر شده از خانواده و نزدیکان اوست که از میان آن‌ها می‌توان به «تاریخچه زندگانی پروین اعتصامی» اثر ابوالفتح اعتصامی، برادر پروین، اشاره کرد. از دیگر منابع دست اول، می‌توان به کتاب «مجموعه مقالات و قطعات و اشعار» اشاره کرد که یک سال پس از مرگ پروین نوشته و در سال ۱۳۲۳، برای نخستین بار چاپ شده است. همچنین به دلیل این‌که شعرهای پروین در قالب مناظره و با زبانی صمیمی و کودکانه هستند، نویسندگانی مانند مهناز بهمن که نویسنده گروه سنی کودک و نوجوان هستند، زندگانی پروین را در قالب کتاب نوشته‌اند.

منابع دیگر برای شناخت زندگانی پروین عبارتند از «دائرةالمعارف بزرگ اسلامی» اثر «علی اصغر دادبه»، «با چراغ و آینه» اثر «محمد رضا شفیعی کدکنی» و «دائرةالمعارف کودکان و نوجوانان» اثر قاسم قالیباف؛ که فقط در بخش‌هایی از خود به شرح زندگی پروین پرداخته‌اند. مقالات زیادی نیز در مورد شرح زندگی پروین وجود دارد، نظیر مقاله پروین اعتصامی نوشته غلامعلی حداد عادل است که در «دانشنامه جهان اسلام» منتشر شده است. همچنین مقدمه‌هایی که برای دیوان پروین اعتصامی نوشته شده‌اند نیز بخش‌هایی از زندگی‌نامه وی را نگاشته‌اند که از مقدمه‌های مشهور دیوان پروین، می‌توان به مقدمه چاوش اکبری برای چاپ سوم و مقدمه انتشارات اقبال در چاپ‌های بعدی اشاره کرد.

زندگی‌نامه

کودکی و خانواده



عکسی از کودکی که برای ایفای نقش پروین در فیلم در نظر گرفته شده بود

پروین اعتصامی با نام اصلی «رخشنده» در ۲۵ اسفند ۱۲۸۵ هجری خورشیدی، مطابق با ۱۷ مارس ۱۹۰۷، در تبریز زاده شد. او فرزند یوسف اعتصامی آشتیانی ملقب به اعتصام‌الملک (زاده ۱۲۵۴ تبریز) نویسنده و مترجم معاصر ایرانی و اخترالملوک اعتصامی است. اخترالملوک اعتصامی دختر عبدالحسین مقدم‌العداله، از شاعران دوره قاجاریه و متخلص به «شوری بخشایشی» (اهل شهر بخشایش در آذربایجان شرقی) بود. او تخلص «پروین» را برای خود انتخاب کرد که تا آن زمان نامی مرسوم برای دختران نبود. بعدها پروین نام خود را از رخشنده به پروین تغییر داد؛ چنانچه در شناسنامه‌اش مشاهده می‌شود. پروین بعدها مجبور شد در شعری، توضیح بدهد که پروین، نامی دخترانه است:

مرد پندارند پروین را، چه برخی زاهل فضل
این معما گفته نیکوتر که پروین مرد نیست

پروین آخرین فرزند خانواده بود و سه برادر بزرگتر از خود به نام‌های ابوالحسن، ابوالفتح و ابوالنصر داشت.

یوسف اعتصامی، در سال ۱۲۸۸ هجری خورشیدی به عنوان نماینده مردم تبریز در مجلس شورای ملی انتخاب شد. به همین دلیل در سال ۱۲۹۱ هجری خورشیدی در هنگامی که پروین ۶ سال داشت، به همراه خانواده‌اش از تبریز به تهران مهاجرت کرد. پروین از کودکی با مشروطه‌خواهان و چهره‌های فرهنگی آشنا شد و ادبیات را در کنار پدر و از استادانی چون دهخدا و ملک الشعرای بهار آموخت. در دوران کودکی، زبان‌های فارسی و عربی و انگلیسی را زیر نظر پدرش در منزل آموخت و پس از آن به مدرسه آمریکایی ایران کلیسا (به انگلیسی: Iran Bethel) رفت و در سال ۱۳۰۳ تحصیلاتش را در آنجا به پایان رسانید. او در تمام سال‌های تحصیلش از دانش‌آموزان ممتاز بود و حتی مدتی در همان مدرسه به تدریس زبان و ادبیات انگلیسی پرداخت. او هم‌زمان با تحصیل، شعر نیز می‌سرود.

اشعار کودکی و نوجوانی



تصویری از شناسنامه پروین اعتصامی

مهناز بهمن می‌نویسد: نخستین شعرهای پروین اعتصامی در هفت سالگی بوده‌است و برخی از زیباترین شعرهایش مربوط به دوران نوجوانی (۱۱ تا ۱۴ سالگی) او هستند. از کودکی پدرش در زمینه وزن و شیوه‌های یادگیری به او کمک می‌کرد. گاهی شعری از شاعران قدیم ایران مانند سعدی یا حافظ را به او می‌داد تا بر اساس آن شعر دیگری بسراید؛ وزن آن را تغییر دهد یا قافیه‌ای نو برایش پیدا کند. همین تمرین‌ها و تلاش‌ها زمینه‌ای شد که با ترتیب قرارگیری کلمات و استفاده از آن آشنا شود و در سرودن شعر تجربه کسب کند.

همچنین پدرش گاهی قطعه‌هایی زیبا و لطیف از کتاب‌های خارجی (انگلیسی، فرانسوی، ترکی و عربی) جمع می‌کرد و پس از ترجمه آن‌ها به فارسی، پروین را تشویق می‌کرد تا آن را به صورت شعر درآورد. برای نمونه، یوسف اعتصامی شعر «قطرات سه‌گانه» از تریللو را ترجمه و در مجله بهار چاپ کرد. سپس پروین با الهام از این سروده، شعرهای «گوهر و اشک» و «دو قطره خون» را سرود. از معروف‌ترین شعرهایی که او در این سنین سروده‌است می‌توان به شعرهای گوهر و سنگ، ای مرغک، اشک یتیم، کودک آرزومند، صاعقه ما ستم اغنیاست، سعی و عمل و اندوه فقر اشاره کرد.

به نوشته بهمن، شعرهایی که پروین در سنین کودکی می‌سرود بیشتر دارای محتوایی کودکانه، ساده و تخیلی بودند. یکی از شعرهای او در ۸ سالگی، منظره‌ای بین «نخود و لوبیا» است:

نخودی گفت لوبیایی را کز چه من گردهم این چنین، تو دراز؟
گفت: ما هر دو را ببايد پخت چاره‌ای نیست، با زمانه بساز

یا شعری دیگر، مناظره‌ای بین «سیر و پیاز» است:

سیر یک روز طعنه زد به پیاز که تو مسکین چه قدر بدبویی
گفت: از عیب خویش بی‌خبری زان ره، از خلق عیب می‌جویی

پروین شعرهایش را در حضور شاعران و دانشمندانی مانند علی اکبر دهخدا، ملک الشعرای بهار، عباس اقبال آشتیانی، سعید نفیسی و نصرالله تقوی که از دوستان یوسف اعتصامی بودند و گاهی اوقات به خانه او می‌آمدند، می‌خواند و مورد تشویق آن‌ها قرار می‌گرفت. پروین اعتصامی در هجده سالگی فارغ‌التحصیل شد. او در تمام دوران مدرسه‌اش دانش آموزی ممتاز بود البته پیش از ورود به مدرسه فارسی، انگلیسی و عربی را نزد پدر آموخت.

او حتی می‌توانست داستان‌های مختلفی را به زبان انگلیسی بخواند. او به دانستن علاقه داشت و سعی می‌کرد در حد توان خود از همه‌چیز آگاهی پیدا کند؛ به همین دلیل در مدرسه قبل‌اش ادبیات فارسی و انگلیسی تدریس می‌کرد. شولر، رئیس مدرسه آمریکایی، پروین را در یادگیری درس بسیار مشتاق توصیف می‌کند. او همچنین می‌گوید که پروین در طول زمان تحصیلاتش، با دختری آمریکایی به نام «هلن کالینز» مکاتبه داشته؛ و این مکاتبه را تا آخر عمر ادامه داده‌است.

سخنرانی در جشن فارغ‌التحصیلی

در خرداد ۱۳۰۳، جشن فارغ‌التحصیلی پروین در مدرسه برپا شد. او در آن جشن درباره بی‌سوادی و بی‌خبری زنان ایران حرف زد. اعتصامی در بخش‌هایی از سخنان‌اش که به «اعلامیه زن و تاریخ» معروف است، می‌گوید:

« داروی بیماری مزمن شرق، منحصر به تربیت و تعلیم است. تربیت و تعلیم حقیقی که شامل زن و مرد باشد و تمام طبقات را از خوان گسترده معرفت مستفید نماید. ایران، وطن عزیز ما که مفاخر و مآثر عظیمه آن زینت‌افزای تاریخ جهان است. ایران که تمدن قدیمش اروپای امروز را رهین منت و مدیون نعمت خویش دارد. ایران با عظمت و قوتی که قرن‌ها بر اقطار و ابصار عالم حکمروا بود، از مصائب و شداید شرق سهم وافر برده، اکنون دنبال گمگشته خود می‌دود و به دیدار شاهد نیکبختی می‌شتابد. پیداست برای مرمت خرابیهای زمان گذشته، اصلاح معایب حالیه، و تمهید سعادت آتیه، چه مشکلاتی در پیش است. ایرانی باید ضعف و ملالت را از خود دور کرده، تند و چالاک این پرتگاه‌ها را عبور نماید. امیدواریم به همت دانشمندان و متفکرین، روح فضیلت در ملت ایجاد شود و با تربیت نسوان اصلاحات مهمه اجتماعی در ایران فراهم گردد. در این صورت بنای تربیت حقیقی استوار خواهد شد و فرشته اقبال در فضای مملکت سیروس و داریوش بال‌گشایی خواهد کرد.»

ازدواج



عکسی از پروین اعتصامی، پیش از ۱۳۲۰ خورشیدی

پروین اعتصامی در ۱۹ تیرماه ۱۳۱۳ با پسر عموی پدرش «فضل‌الله اعتصامی گرکانی» ازدواج کرد و چهار ماه پس از عقد و ازدواج به همراه همسرش برای زندگی به کرمانشاه رفت. همسر پروین از افسران شهربانی و هنگام ازدواج با او رئیس شهربانی در کرمانشاه بود. پروین پس از تقریباً دو ماه زندگی با همسرش به خانه پدرش بازگشت و ۹ ماه بعد، در ۱۴ مرداد ۱۳۱۴، از وی جدا شد. ابوالفتح اعتصامی، برادر پروین، علت جدایی پروین اعتصامی از همسرش را اختلافات روحی و اخلاقی پروین با همسرش و «ناسازگاری روحیه نظامی همسر با روح لطیف و آزاد پروین» دانسته‌است.

پروین تا پایان زندگی‌اش با هیچ‌کس درباره این ازدواج ناموفق سخن نگفت و فقط غزلی در این باره سرود که سه بیت نخست آن با این ابیات آغاز می‌شود:

ای گل تو ز جمعیت گلزار چه دیدی؟ جز سرزنش و بدسری خار چه دیدی؟
 رفتی به چمن لیک قفس گشت نصیبت غیر از قفس ای مرغ گرفتار چه دیدی؟
 ای شمع دل‌افروز تو با این همه پرتو جز مشتری سفته به بازار چه دیدی؟

چاپ دیوان اشعار و کتابداری چاپ و انتشار اشعار

یوسف اعتصامی پیش از ازدواج پروین، با چاپ مجموعه اشعار او مخالف بود و این کار را با توجه به اوضاع و فرهنگ روزگار، نامناسب می‌دانست. او فکر می‌کرد دیگران چاپ اشعار یک زن جوان را، راهی برای پیدا کردن همسر به حساب آورند. اما پس از ازدواج پروین و جدایی از همسرش به این کار رضایت داد. پیش از نخستین چاپ دیوان پروین، بعضی از اشعار پروین در مجله بهار، «منتخبات آثار» از «سید ضیا هشترودی» و «امثال و حکم» از دهخدا چاپ شده بودند.

از انتشار نخستین چاپ دیوان او در سال ۱۳۱۴ هجری خورشیدی توسط چاپخانه مجلس شورای ملی که همراه با مقدمه از ملک‌الشعراى بهار بود، بسیار استقبال شد. سعید نفیسی در روزنامه ایران به معرفی دیوان پروین پرداخت و وزارت معارف برای تقدیر از پروین، به او نشان علمی اهدا کرد. این باعث خارج شدن پروین از انزوای پس از طلاقش شد. نخستین مجموعه شعر پروین، شامل اشعاری بود که وی تا پیش از ۳۰ سالگی سروده بود و بیش از ۱۵۰ قصیده، قطعه، غزل و مثنوی داشت. البته

دیوان پروین شامل همه اشعار سروده شده توسط او نیست، زیرا او چند سال پیش از مرگش، قسمتی از اشعارش را که مطابق میلش نبوده را سوزانده است.

کتابداری



نامه پروین اعتصامی به عیسی صدیق،
مدیر دانشسرای عالی (چپ) موافقت با
درخواست پروین اعتصامی (راست)

پروین اعتصامی پس از نخستین چاپ دیوان اشعارش، در زمانی که عیسی صدیق بر دانشسرای عالی ریاست داشت، به عنوان مدیر کتابخانه آن از خردادماه ۱۳۱۵ مشغول به کار شد. علت این کار این بود که پروین فضای دانشسرای عالی و کتابخانه آن را با روحیه خود سازگارتر می‌دانست. نظم و ترتیب پروین در کتابخانه زبانزد دانشجویان و استادان بود. علاوه بر این، پروین بر پشت جلد برخی کتاب‌ها اظهار نظرهایی می‌نوشت که شاید هنوز باقی باشد، البته آن کتاب‌ها به کتابخانه ادبیات دانشگاه تهران منتقل شده‌اند. اما انزو اطلسی پروین باعث شد او به کار خود در دانشسرای عالی ادامه ندهد و پس از ۹ ماه و از آغاز سال ۱۳۱۶ هجری خورشیدی، به کار خود در آنجا پایان دهد.

دعوت به دربار

در زمان حیات پروین اعتصامی، دولت به دانشمندان، علما و بزرگان علم و ادب، مدال‌های لیاقت یا نشان‌های دولتی اعطا می‌کرد؛ مدالی که نشانه سپاس و احترام دولت از خدمات علمی و فرهنگی فرد مورد نظر است، و سپس دولت آن‌ها را در مراسمی خاص مورد قدردانی قرار می‌داد. در سال ۱۳۱۵، مدال درجه سه لیاقت به پروین داده شد ولی او این مدال را قبول نکرد. او حتی پیشنهاد رضانشاه را برای تدریس ملکه و ولیعهد نپذیرفت زیرا به گفته خودش، اعتقاداتش در مورد ایستادگی در برابر استبداد، به او اجازه نمی‌داد در چنین مکان‌هایی حاضر شود. او پس از رد کردن مدال لیاقت، شعر «صاعقه ما ستم اغنیاست» را سرود.

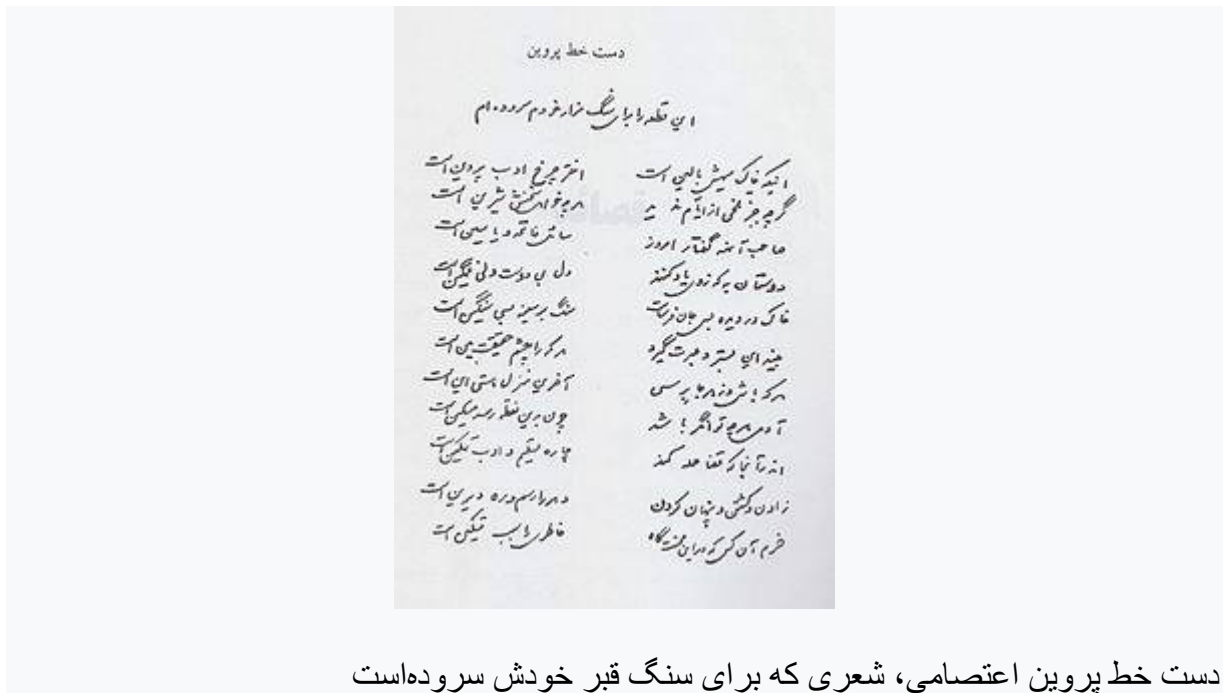
برزگری پند به فرزند داد
مدت ما جمله به محنت گذشت
کای پسر، این پیشه پس از من تراست
نوبت خون خوردن و رنج شماست.
خرمی مزرعه، ز آب و هواست.
کشت کن آنجا که نسیم و نمی است.

مرگ پدر

مرگ پدر پروین در دی ماه ۱۳۱۶ در سن ۶۳ سالگی او را مدتی از کار ادبی‌اش بازداشت. پروین پس از مرگ پدرش، بسیار منزوی شد و تنها مکاتباتی با سرور مه‌کامه محصل لاهیجانی و رفت و آمدهای اندکی با خانواده سیمین بهبهانی داشت. در آن زمان از طرف وزارت معارف از پروین درخواست شد که به مناسبت «هفتصدمین سال تصنیف گلستان و بوستان»، قطعه‌ای در ستایش مقام

سعدی بسراید. هر چند عبدالحسین زرین‌کوب این دوران زندگی پروین را «دوران تلخی و حسرت» توصیف کرده‌است.

مرگ



دست خط پروین اعتصامی، شعری که برای سنگ قبر خودش سروده‌است

پروین اعتصامی در فروردین ۱۳۲۰ به بیماری حصیه مبتلا شد. این در زمانی بود که برادر وی، ابو الفتح اعتصامی، دیوان او را برای دومین چاپ آماده می‌کرد. اما وخیم بودن وضعیت پروین باعث می‌شود که او در ۳ فروردین در خانه بستری شود. گفته شده سهل‌انگاری پزشک او در معالجه پروین سبب مرگ او شده‌است؛ زیرا در شب ۱۴ فروردین وضعیت پروین بسیار وخیم می‌شود. خانواده او کالسکه‌ای به دنبال پزشک معالجش می‌فرستند اما او نمی‌آید. و سرانجام پروین اعتصامی در تاریخ ۱۵ فروردین ۱۳۲۰ (۴ آوریل ۱۹۴۱) در سن ۳۴ سالگی در تهران درگذشت و در حرم فاطمه معصومه در قم در آرامگاه خانوادگی به خاک سپرده شد. او در هنگام مرگ، در آغوش مادرش، جان سپرد. پس از مرگش، قطعه‌ای با عنوان «این قطعه را برای سنگ مزار خودم سروده‌ام» از او یافتند که مشخص نیست او چه زمان برای سنگ مزار خود سروده بود؛ که آن قطعه را بر سنگ مزارش نقش کردند.

پس از مرگ پروین، مراسم رسمی دولتی به مناسبت بزرگداشت برگزار نشد. مدیر کانون زنان ایران، به دلیل برخی مسائل سیاسی، از برگزاری مجلس یادبود برای پروین در آن کانون خودداری کرد. از پاسخ محرمانه فرمانداری قم در تاریخ هجدهم فروردین ۱۳۲۰ به تلگراف وزارت کشور در باب «موضوع حمل جنازه دختر اعتصام‌الملک»، به روشنی می‌توان دریافت که دستگاه امنیتی رضاشاه نسبت به او حساسیت داشته‌است. این حساسیت می‌تواند ریشه در رد کردن نشان لیاقت توسط پروین داشته باشد. اما پس از برکناری رضاشاه از قدرت و به حکومت رسیدن محمدرضاشاه، دوستان و علاقه‌مندان پروین به مناسبت نخستین سالگرد مرگ او در فروردین ۱۳۲۱، مجلس یادبودی برای وی برپا کردند و با سرودن اشعار نسبت به سکوت و بی‌مهری دوران استبداد در حق پروین واکنش نشان دادند.

شخصیت و اندیشه



تندیس پروین اعتصامی در جلوی پلکان خانه‌اش در تبریز

در طول زندگی پروین، عواملی چون پدر وی، دوستان پدرش، مدرسه آمریکایی و از همه مهم‌تر تحولات سیاسی و اجتماعی جامعه ایران، بر شخصیت و اندیشه پروین تأثیرگذار بوده‌اند. یوسف اعتصامی به دلیل شغل مترجمی و همچنین انتخاب شدن به عنوان نماینده مجلس، چهره‌ای سیاسی به‌شمار رفت و همین باعث آشنایی پروین با ادبیات کلاسیک غربی شد. محافل ادبی یوسف اعتصامی که از محتوایی عمیق برخوردار بودند در شکل‌گیری دیدگاه سیاسی پروین نقش مهمی داشتند. همچنین حضور پروین در مدرسه آمریکایی ایران باعث آشنا شدن وی با اندیشه‌های غربی و مسائل زنان در غرب شد.

تأثیر مسائل اجتماعی روزگار بر شعر پروین

دوران زندگی پروین با صدور فرمان مشروطیت، فروپاشی حکومت قاجار، بر تخت نشستن رضا شاه و استبداد بیست ساله او و جنگ جهانی اول همراه بود که تمامی این رویدادها باعث آگاه شدن پروین به مسائل روزگار خود و حساس شدن او به این رویدادها شد. پروین در دورانی زندگی می‌کرد که هر دو یا سه سال تحولی سیاسی رخ می‌داد. به علت کمبود روزنامه و دیگر وسائل ارتباط جمعی در آن زمان، تنها راه آشنایی پروین با مسائل سیاسی، پدرش بود. شعر پروین شامل مسائلی چون ستمی، فقر ستمی، عدالت‌خواهی و آرمان‌خواهی است علی‌اصغر دادبه مدعی است که همین علت بسیاری پروین را از معماران تاریخ و اندیشه سیاسی ایران دانسته‌اند.

بعد ادبی ادبیات کهن فارسی

در شکل‌گیری بعد ادبی شخصیت پروین، ادبیات کهن فارسی و ادبیات نوین غربی نقش داشته‌اند. در مورد نقش ادبیات کهن، مهم‌تر از همه سروده‌های شاعران بین قرن‌های ۵-۸ هجری قمری است که این مورد تأثیر گرفته از محافل ادبی یوسف اعتصامی و اعضا تشکیل دهنده آن است. برای نمونه قطعه «اشک یتیم» متأثر از یکی از سروده‌های انوری است. همچنین شعرهایی چون «پایمال آز»، «ژوئیه خدا»، «مست و هشیار» و «لطف حق» یادآور قصه‌های مثنوی معنوی و لحن و طرز فکر مولانا است. یا شعرهایی مانند «کعبه دل»، «جامه عرفان» و «صید پریشان» دارای لحنی مانند شعرهای عطار هستند.

ادبیات غرب

در مورد نقش ادبیات غرب، مهم‌تر از همه پیروی پروین از سروده‌های شاعران آمریکایی، انگلیسی و فرانسوی مانند هراشیو اسمیت، لافونتن، آرتور بریزبان و ازوپ است. بیشتر این سروده‌ها، سروده‌هایی بودند که به‌وسیله یوسف اعتصامی ترجمه می‌شدند و در در مجله بهار چاپ می‌شدند. برای نمونه، پروین با مطالعه شعرهایی چون «به یک مومیایی»، «خروس و مروارید»، «زنجره و مورچه» و «نغمه پیراهن» تصمیم گرفت که با تقلید از برخی از آن‌ها شعر دیگری بسراید. به عنوان

نمونه، شعر «یاد یاران» پروین اقتباسی از یک قطعه معروف هراشیو اسمیت است که اصل آن را پدرش، از فرانسوی به فارسی ترجمه و منتشر کرده بود. یا شعر «ژوئیه خدا» با الهام از مقاله «عزم و نشاط عنکبوت» اثر آرتور بریزبان، نویسنده آمریکایی، پدید آمده است، که پیش از آن توسط یوسف اعتصامی ترجمه و در مجله بهار منتشر شده بود.

سبک شعری



سنگ مزار پروین اعتصامی

به نوشته علی اصغر دادبه پس از انقلاب مشروطه در ایران، دو جریان فکری در ایران به نام‌های «جریان تلفیقی» و «جریان نیمایی» به وجود آمد. جریان تلفیقی عبارت است از ترکیب سبک شعر سنتی و اندیشه‌های تازه. می‌توان گفت که جریان تلفیقی، ادامه سبک «بازگشت ادبی» است اما قالبی امروزی‌تر دارد. سبک شعری پروین تحت تأثیر تفکر جریان تلفیقی قرار داشت.

ملک الشعرای بهار در مقدمه دیوان پروین درباره سبک شعری چنین می‌نویسد:

« این دیوان ترکیبی است از دو سبک و شیوه لفظی و معنوی آمیخته با سبکی مستقل، و آن دو یکی شیوه خراسان است خاصه استاد ناصر خسرو قبادیانی و دیگر شیوه شعرای عراق و فارس است به ویژه شیخ مصلح الدین سعدی شیرازی علیه الرحمه و از حیث معانی نیز بین افکار و خیالات حکما و عرفا است، و این جمله با سبک و اسلوب مستقلی که خاص عصر امروزی و بیشتر پیرو تجسم معانی و حقیقت جوئی است ترکیب یافته و شیوه‌ای بدیع و فاضلانه به وجود آورده است.»

ویژگی‌ها

سبک ادبی پروین از چهار دیدگاه قابل بررسی است:

لفظی و زبانی

دیدگاه لفظی، شامل سبک شاعران خراسانی و استفاده از واژه‌ها و اصطلاحات قدیمی است؛ مانند «مانا»، «خلقان»، «گفتا»، «شنیدستم»، «سرخ گل»، «بوریا» و «می‌خمید». از همین جهت می‌توان در شعر پروین از ویژگی‌های لفظی و زبانی سخن گفت.



بازدید محمدرضا پهلوی در دوران ولیعهدی از کتابخانه دانشسرای عالی در سال ۱۳۱۶. سمت راست، پروین اعتصامی، رئیس کتابخانه است.

نحوی و ساختاری

“روح دیوان پروین، قطعه‌های اوست. این قطعه‌ها خستگی خواننده که ممکن است از مطالعه قصاید به وجود آمده باشد را به‌طور کامل برطرف می‌کند.”

ملک‌الشعراى بهار در مقدمه دیوان پروین

ویژگی ساختاری، شامل به کار بردن زبان گفتاری در نوشته‌است که بیشتر به دلیل گویا و روان ساختن متن به کار می‌رود. تلفیق دیدگاه ساختاری و دیدگاه لفظی با وجود وفادار بودن به دیدگاه لفظی، در شعرهای پروین بسیار مشاهده می‌شود. این کار بیشتر در قطعه‌ها و مثنوی‌های پروین مشاهده می‌شود و در قصیده‌ها زیاد به چشم نمی‌خورد. تلفیق ویژگی ساختاری و لفظی، که در قطعه معمول‌تر است، باعث شده تا قطعه‌های پروین نسبت به قصیده‌هایش بسیار مشهورتر باشند. پروین را از لحاظ سبک جزو شاعران کهن‌سرا قرار می‌دهند، هرچند در برخی شعرهای او ابتکارهایی برای دست یافتن به قالب‌های تازه مشاهده می‌شود.

دیدگاه بلاغی

در شعرهای پروین می‌توان ویژگی‌های بلیغ زبان را به وضوح یافت. بهار «اوج بلاغت و سخن‌دانی پروین» را قطعه‌های او می‌داند اما قزوینی قصیده‌های پروین را «اوج فصاحت و متانت او» می‌داند. در بیشتر شعرهای پروین آرایه‌های معنوی از نوع مناظره (سؤال و جواب)، مَثَل، خلاف‌آمد، تشخیص و تمثیل است. دیوان پروین، شامل ۲۳۸ قطعه شعر است، که از آن میان ۶۵ قطعه به صورت مناظره است. این مناظره‌ها میان اشیاء، جانوران و گیاهان وجود دارد. «مَثَل» نیز صنعتی در شعرهای پروین است که یوسف اعتصامی به کار بردن این صنعت را در شعرهای پروین، بی‌شمار می‌داند. «خلاف‌آمد»، که در ادبیات جدید با نام متناقض‌نما شناخته می‌شود، صنعتی است که در آن نویسنده یک نماد آرمانی (مثل ضرب‌المثل) را بر خلاف معنی همیشگی توضیح می‌دهد و به کار می‌برد. «تشخیص» نیز در شعرهای پروین به ویژه در مناظره‌هایش، به وفور دیده می‌شود. همچنین تمثیل را که داستانی از زبان انسان یا حیوانات است و در انتها با پیامی اخلاقی به پایان می‌رسد، در شعر پروین مشاهده می‌شود.

دیدگاه فکری-فلسفی

علی اصغر دادبه می‌گوید بر خلاف دیدگاه منتقدان که در دیوان پروین نظمی منسجم نمی‌بینند، بسیاری از محققان عقیده دارند که دیوان پروین، مجموعه‌ای است یکپارچه با خصوصیت‌های سبک شناختی و هماهنگ است. بعضی نیز این دیوان را نماینده فرهنگ و تمدن ایرانیان می‌دانند. همچنین دادبه دیدگاه فکری-فلسفی در شعرهای پروین را به دو دسته تقسیم می‌کند: اول، حوزه نظری؛ که شامل مفاهیمی مانند عشق حقیقی، تجلی مذهب، قضا و قدر و تأکید پروین بر جنبش و حرکت و عمل هستند.

دوم، حوزه عملی؛ که شامل تهذیب اخلاق در شعرهای پروین است. پروین در شعرهایش کوشیده‌است تا با شیوه‌ای تازه، خصوصیات‌های بد اخلاقی را در نظر خوانندگان خوار و فضیلت‌های اخلاقی را در نظر آنان، زیبا جلوه دهد.

اشعار پروین در نظر دیگران

نقدهای مثبت

به‌طور کلی نقدهایی که اشعار پروین دریافت کرده‌اند، مثبت هستند. از پروین به عنوان «مشهورترین شاعر زن ایران» یاد می‌شود. در دو و سه دهه اول پس از مرگ پروین، او و شعرش چندان مورد علاقه روشنفکران و نوپردازان نبودند. علی اصغر دادبه می‌نویسد که تعداد بسیار زیادی از منتقدان ادبی، پروین را شاعری بزرگ می‌دانند و او را با شاعران تراز اول ایران مقایسه می‌کنند. حداد عادل در مقاله خود، نصرالله تقوی را یکی از منتقدان معرفی می‌کند که پروین را با شاعران تراز اول مقایسه می‌کنند. ملک‌الشعرا بهار دیوان او را «گلدسته‌ای از ازهار نوشکفته» توصیف می‌کند. او نیز اضافه می‌کند که اگر تنها شعر «سفر اشک» از دیوان او منتشر می‌شد، جایگاه والایی در علم و ادب فارسی پیدا می‌کرد. پدر پروین، یوسف اعتصامی، نیز پروین را «روح جامعه» می‌خواند.

همچنین او گفته شخصی گمنام را که گفته‌است: «در این کهنه زمین گاه سعدی و گاه پروین به ظهور می‌رسد» تأیید کرده‌است. محمد قزوینی پروین را «رابعه دهر» و «ملکه‌النساء الشواعر» توصیف می‌کند و قصاد او را با قصاد ناصر خسرو برابر می‌داند. نادر نادری پروین را نخستین زنی می‌داند که به معنای واقعی شاعر بوده‌است. محمدعلی جمال‌زاده، شعر او را از لحاظ استقلال و اصالت از حافظ و صائب تبریزی بهتر می‌داند. محمدعلی اسلامی ندوشن نیز پروین را بزرگترین شاعر زن در ادبیات فارسی می‌داند. غلامحسین یوسفی، عبدالحسین زرین‌کوب، و سعید نفیسی پروین را شاعری ارجمند و بلندمرتبه دانسته‌اند. همچنین محمد حسین شهریار در شعری بلند در سبک شعر نو درباره پروین سروده‌است:

به راستی که یکی از نوابغ ادب است	میان شاعرها تاکنون نظیرش نیست
به یادم است که او شاعر شهیری بود	قصادش به مجلات منتشر می‌شد
از آن پس من و او آشنای هم بودیم	خیال می‌کنم که او بیست سال کمتر داشت
هزار و سیصد و دو یا سه، او محصل بود	هنوز کالج و دارالمعلمین می‌دید
کتاب زیربغل داشت، در ورود از در	به زیر چادر مشکی و پیچه، ماهی بود

محمدرضا شفیعی کدکنی در کتاب با چراغ و آینه، پروین را شاعری با شیوه خاص خود و او را «مستقل‌ترین شاعر دوره شعر فارسی پس از مشروطیت» می‌داند. او همچنین معنی و مضمون شعرهای پروین را دارای تازگی می‌داند و از نظر او همین ویژگی، او را به مستقل‌ترین شاعر مکتب قدیم شعر فارسی در قرن اخیر تبدیل کرده‌است. کدکنی قالب قطعه‌های پروین را بازگشت نقش تاریخی

از دست رفته در دوره سلجوقی و شعر او را «شعر خرد و عاطفه» می‌داند. علاوه بر این، کدکنی ظهور پروین را در شعر پس از دوران مشروطیت، «یک واقعه بزرگ ادبی» توصیف می‌کند

او شاعران هم‌دوره پروین یا حتی مسن‌تر از او را متأثر از شعرهای پروین می‌داند؛ به عنوان نمونه، کدکنی شعرهای سال‌های ۱۳۰۶-۱۳۱۶ نیما یوشیج (مانند شعرهای «خروس ساده»، «کرم ابریشم»، «اسب‌دوانی»، «کچی. کچی دیدعقابی خودسر...»، «خروس و بوقلمون»، «پرندۀ منزوی» و «دود») را تأثیر پذیرفته از شعرهای پروین می‌داند.

سید علی خامنه‌ای در ۲۲ شهریور ۱۳۹۳، در حالیکه در بیمارستان بستری بود و عده‌ای از فرهیختگان به عیادت او آمده بودند، به مقایسه پروین اعتصامی با شاعرانی مانند فروغ فرخزاد پرداخت و از کسانی که پروین را «شاعر نخود و لوبیا» می‌دانند، انتقاد کرد. او همچنین پروین را «شاعری که سعی می‌شود چهره‌اش پوشانده شود» عنوان کرد و معتقد است که منتقدان برای بالا بردن جایگاه ادبی فروغ فرخزاد، پروین را کنار زدند.

نقد‌های منفی



پروین اعتصامی

منتقدان شعرهای پروین به دو دسته تقسیم می‌شوند: گروه اول، گروهی هستند که پروین اعتصامی را نه شاعر می‌دانند و نه ناظم. آن‌ها اشعار منسوب به پروین را متعلق به شاعر دیگری مانند پدرش می‌دانند. آن‌ها همچنین صحبت درباره پروین را صحبت درباره «شاعری» نمی‌دانند؛ بلکه صحبت درباره «تهمت شاعری» می‌دانند. این گروه ملک‌الشعراى بهار را نیز به دلیل تعریف از شعرهای پروین و نوشتن مقدمه‌ای برای دیوان او، مورد انتقاد قرار دادند. البته ملک‌الشعراى بهار این منتقدان را «طرفداران سید ضیاء‌الدین طباطبائی» می‌داند و این اتهامات را «دروغ‌های دلالان استعمار» توصیف می‌کند. گروه دوم، گروهی هستند که پروین را شاعر نمی‌دانند اما او را «ناصر خسروی مؤنث» یا «لافونتن مؤنث» خطاب می‌کنند زیرا اعتقاد دارند که پروین فقط نظم‌دهنده‌ای بر تمثیل‌های حیوانی است.

اشعار معروف

مضامین شعرهای پروین



ترسیمی از چهره پروین اعتصامی، نقاشی شده در ۱۲ ژانویه ۲۰۱۲، با آبرنگ

مضامین و معانی اشعار پروین، توصیف‌کننده دلبستگی عمیق وی نسبت به پدر، استعداد و شوق فراوان او به آموختن علم و دانش، روحیه ظلم‌ستیزی و مخالفت با ستم و ستمگران و حمایت و ابراز همدلی و همدردی با محرومان و ستم‌دیدگان است. اشعار پروین از حوادث و اتفاقات شخصی و اجتماعی تقریباً خالی‌اند. البته به‌جز قطعه «در تعزیت پدر» که پس از مرگ پدرش سروده، شعری که برای سنگ مزار خود سروده و نیز شعر «نهال آرزو» که برای جشن فارغ‌التحصیلی کلاس خود در خرداد ۱۳۰۳ گفته‌است.

در میان اشعار او شعری بتوان صراحتاً به شناخت شخص شاعر کمکی کند، وجود ندارد. شعر پروین از دیدگاه طرز بیان مفاهیم و معانی، بیشتر به صورت «مناظره» و «سؤال و جواب» مشاهده می‌شوند. در دیوان او بیش از هفتاد نمونه مناظره آمده که وی را از این لحاظ در میان شاعران فارسی‌مشهور کرده‌است. این مناظره‌ها نه تنها میان انسان‌ها و جانوران و گیاهان، بلکه میان انواع اشیاء از قبیل سوزن و نخ نیز اتفاق می‌افتد و پروین در بیان مقاصد خود از هنر «شخصیت بخشی» و «تخیل» و «تمثیل»، بسیار استفاده کرده‌است.

تعداد زیادی از اشعار پروین، بیان‌گر انتقاد پروین از شاهان و ظلم و ستم قدرتمندان است. پروین در شعر «صاعقه ما ستم اغنیاست» «ظلم» را نماد وقاحت و بی‌شرمی شخص ظالم توصیف می‌کند. در شعر «ای رنجبر» زحمتکشانش را به انقلاب در برابر ستمگران فرا می‌خواند، در شعر «تیره بخت» فقر را به تصویر می‌کشد و در شعر «اشک یتیم» مشروعیت سیاسی دولت را مورد شک و تردید قرار می‌دهد. از این رو، شعر پروین رنگ و بوی سیاسی نیز به خود می‌گیرد و چون تعداد این‌گونه اشعار در دیوان او زیاد است، بعضی از منتقدان، شعر او را شعر «سیاست و اخلاق» نامیده‌اند. البته باید توجه داشت که این اشعار در زمان استبداد رضاشاه با شاعران آزادی‌خواه، سروده شده‌اند.

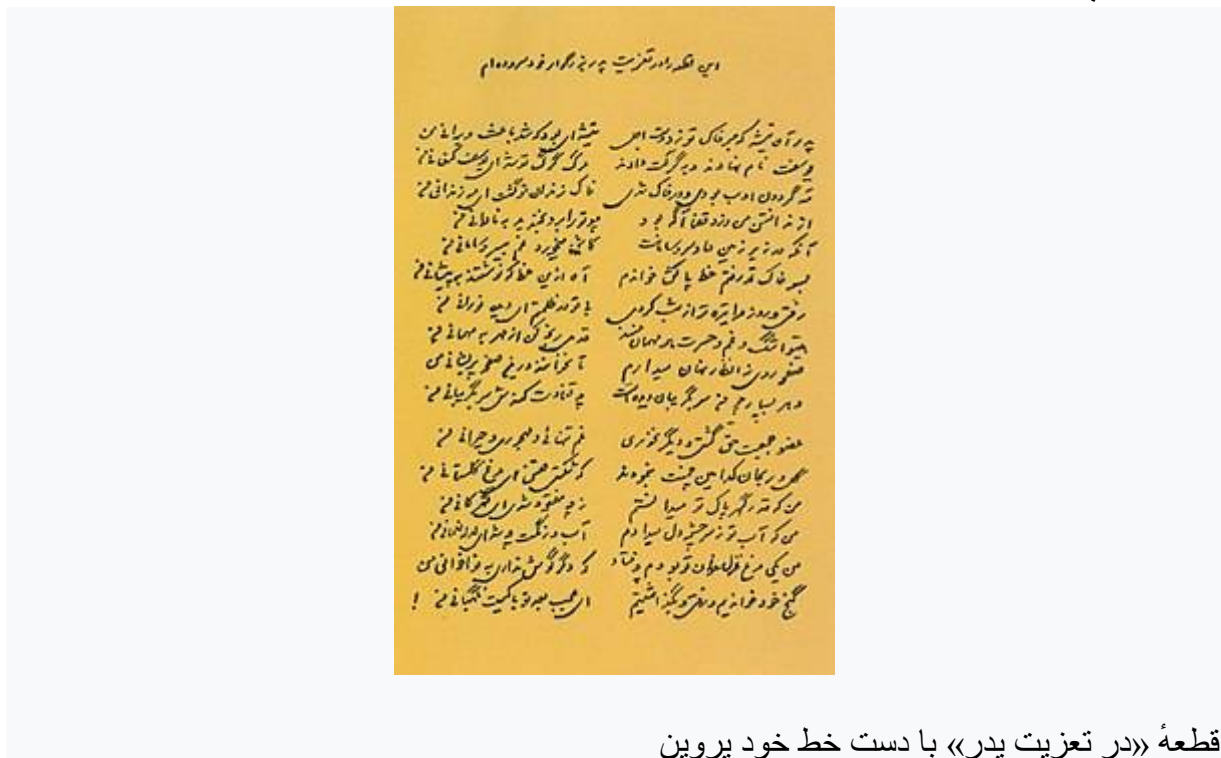
بعضی اشعار معروف

اشعار پروین اعتصامی به دلیل محتوای پندآموز و زبان گویا و روان خود، از پیش از انقلاب تاکنون، در کتاب‌های ادبیات مقاطع مختلف تحصیلی ایران نگاشته شده‌اند. تعداد زیادی از شعرهای پروین، دارای محتوای داستانی هستند که پروین در این‌گونه شعرها مناظره دو چیز را در قالب داستان آورده‌است.

اشک یتیم

یکی از معروفترین اشعار وی که تا سال‌ها در کتاب فارسی سال پنجم دبستان قرار داشت قطعه «اشک یتیم» است در داستان این شعر، پیرزنی در حال تماشای گذر پادشاه است. این شعر، تحت تأثیر شعر انوری، که در سال ۱۹۲۱ سروده شده، قرار گرفته‌است که از این روی نمی‌تواند اشاره مستقیم به رضاشاه داشته باشد؛ زیرا شعر انوری (با نام: نغمه صبح) در ابتدای قدرت‌گیری رضاشاه سروده شده بود و به نظر نمی‌رسد مرتبط به دوران ترور در آن مقطع زمانی باشد. اما جدا از تأثیرپذیری «اشک یتیم» از شعر نغمه صبح، که جهت‌گیری خاصی نسبت به رضاشاه نداشت، به ظاهر با فضای خفقان آن دوره در ارتباط است.

در تعزیت پدر



قطعه «در تعزیت پدر» با دست خط خود پروین

پدر او نقش بسیار زیادی در گرایش پروین به شعر سرودن، آگاهی او از تحولات سیاسی روزگار و مشهور شدن پروین داشت. مرگ او در دی ماه ۱۳۱۶، بر انزوای پروین پس از طلاقش، افزود و مدتی او را از فعالیت ادبی‌اش بازداشت. او دو قطعه درباره مرگ پدرش و تأثیر آن بر زندگی‌اش، سروده‌است که «در تعزیت پدر» و «بی پدر» نام دارند. بخشی اندک از آنچه که پروین در «در تعزیت پدر» سروده‌است:

پدر آن تیشه‌ای بود که بر خاک تو زد دست اجل
پدر آن تیشه‌ای بود که شد باعث ویرانی من
یوسف نام نهادند و به گرگت دادند
مرگ، گرگ تو شد، ای یوسف کنعانی من
مه‌گردون ادب بودی و در خاک شدی
خاک، زندان تو گشت، ای مه زندانی من

پروین در شعر «بی پدر» نیز به مرگ پدرش اشاره کرده‌است:

به سر خاک پدر، دخترکی
صورت و سینه به ناخن می‌خست
که نه پیوند - و نه مادر دارم
کاش روحم به پدر می‌پیوست

-۱۲۳-

از سالنامه دبیرستان شاهدخت پهلوی رضایه

اثر طبع شادروان پروین اعتصامی

سال تحصیلی ۱۳۱۵-۱۶

به ناصیبت رفع حجاب

زن در ایران پیش از این ز افراد ایرانی نبود
زندگی و مرگش اندر کنج عزت میگذشت
کس چو زن اندر سیاهی قرن ها منزل نکرد
در عدالتخانه انصاف زن شاهد نداشت
دادخواهی های زن میماند عمری بی جواب
بس کسان را جامه و چوب شبانی بود لیک
از برای زنت بیدانت فراخ زندگی
نور دانش را ز چشم زن نهان می داشتند
زن کجا بافته میشد بی نخ و دوک هنر
میوه های دکه دانش فراوان بود لیک
در قفس می آرمید و در قفس میداد جان
بهر زن تقلید قید فتنه و چاه بلاست
آب و رنگ از عالم می بایست شرط برتری
جلوه یک پر نیان چون یک قبای ساده نیست
ارزش پوشنده کفش و جامه را ارزنده کرد
سادگی و پاکی و پرهیز یک یک گوهرند
از زرد زبور چه سود آنجا که نادانست زن
عیبها را جامه پرهیز پوشانده است و بس
زن سبکساری نه بیند تا اگر انسک است و پاک
زن چو گنجور است و عفت گنج و حرص و آزدزد
اهرمن بر سئمه تقوی نمیشد میهمان
پا بر راه راست باید داشت کاندرا راه کج
چشم و دل را برده میبایست اما از عفاف
خسروا دست توانای تو کرد این شاهکار
شه نمیشد گر در این گم گشته کشتی ناخدای

باید این انوار را پروین بچشم عقل دید

مهر روشن را نباید گفت نورانی نبود

پروین در طول عمر خود درباره ارتقاء رتبه و مقام زن کوشید و حتی شعری نیز به نام «زن در ایران» در این باره سروده است. به نوشته حداد عادل، سرودن «زن در ایران» به مناسبت دستور رفع حجاب توسط رضاشاه بوده است. به عقیده او، گرچه در ابیات اولیه اشاره به ظلم‌ها و محدودیت‌هایی دارد که در آن روزگار برای زنان وجود داشته، اما بیشتر شامل نصیحت به زنان است که در بند ظاهر و زینت و لباس نباشند و ساده زیستی و تقوا و دانش دوستی را پیشه کنند؛ از این رو با اوضاع زنان متجدد آن روزگار انطباق کامل ندارد. با این حال این شعر تنها شعر دیوان پروین است که در آن یکی از کارهای رضاشاه مورد تأیید پروین قرار گرفته و به سبب تأیید کشف حجاب و مذمت چادر موجب ناخشنودی عده‌ای شده است. همچنین پروین در این شعر، به تیرمروزی زنان و وضعیت بد حقوق آنان در جامعه مانند منع زنان از سوادآموزی، پرداخته است. او همچنین زن را اسیر نادانی و پریشانی اوضاع جامعه می‌داند. این قصیده در حقیقت ۲۶ بیت دارد؛ اما از چاپ سوم دیوان پروین به بعد، چهار بیت آخر این شعر به دلیل مغایرت با احکام اسلام در مورد حجاب، حذف شده است و تنها ۲۲ بیت اول، ذکر می‌شود.

چشم دل را پرده می‌بایست اما از عفاف	چادر پوشیده بنیاد مسلمانی نبود
خسروا دست توانای تو آسان کرد کار	ورنه در این کار سخت امید آسانی نبود
شه نمی‌شد گر در این گمگشته کشتی ناخدای	ساحلی پیدا از این دریای طوفانی نبود
باید این انوار را پروین به چشم عقل دید	مهر رخشان را نشاید گفت نورانی نبود

پند و نصیحت

«پند و نصیحت» شعری است که در قالب قطعه که در کتاب متوسطه سوم دوره اول (سوم راهنمایی پیشین) چاپ شده است و محتوایی اندرزگونه دارد. این قطعه، ۸ بیت دارد که در آن به پنجهایی چون «دوری از خودشیفتگی»، «غنیمت شمردن دوران جوانی»، «بردباری و صبر»، «نگاه به همه چیز به عنوان یک آموزگار» و «انتخاب راه درست در زندگی» اشاره می‌شود

جوانی که کار و شایستگی‌ست گه خود پسندیدو پندار نیست
ای مرغک

ای مرغک، از معروفترین شعرهای پروین است که وی در دوازده سالگی سروده است. قالب این شعر «اعنات» است، یعنی علاوه بر حفظ قافیه در مصراع‌های زوج، در مصراع‌های فرد نیز کلمات قافیه مانند آورده شده است. به‌طور مثال کلمات «پیریدن» و «چمیدن» کلمات قافیه هستند اما در مصراع‌های فرد نیز کلمات «آشپانه» و «کودکانه»، هموزن و قافیه مانند هستند. این شعر در کتاب درسی اول راهنمایی یا متوسطه اول دوره اول قرار دارد. همچنین پیروی پروین از سبک شعری و اصطلاحات سعدی، به خوبی دیده می‌شود. به عنوان نمونه، مصراع آخر این شعر این‌گونه است: «بر مردم چشم دیدن آموز» که معنی کلمه مردم در اینجا، مردمک چشم است که در شعرهای سعدی نیز بیشتر جاهایی که کلمه مردم به کار رفته، منظور مردمک چشم است.

آرزوی پرواز

شعر «آرزوی پرواز»، مناظره‌ای در قالب مثنوی بین جوجه کبوتر و مادرش است که در کتاب فارسی پایه هفتم با نام علم زندگانی، قرار دارد. سبک شعری این مثنوی نشان دهنده پیروی پروین از سبک مولانا است؛ زیرا در این شعر، آرایه ادبی تمثیل دیده می‌شود که اغلب سبک شعرهای مولانا است. در این شعر جوجه کبوتر با خودسری شروع پرواز می‌کند اما چون هنوز پرواز را بلد نیست، از پا می‌افتد و مادرش شروع به نصیحت کردن جوجه کبوتر می‌کند؛ و در پایان شعر به مفهوم «باتجربه شدن در سایه سعی و تلاش» اشاره می‌شود.

متاع جوانی

شعر متاع جوانی در کتاب سال اول دبیرستان یا متوسطه اول دوره دوم چاپ شده است که مناظره‌ای بین جوان و پیرمرد است. محتوای این شعر، استفاده از تجربه‌های دیگران و غنیمت شمردن دوران جوانی است. قالب این شعر، غزل است و دارای ۷ بیت است.

جشنواره‌ها

جایزه ادبی پروین اعتصامی



مقبره پروین اعتصامی، واقع در یکی از حجره‌های صحن اتابکی واقع در حرم فاطمه معصومه.

جایزه ادبی پروین اعتصامی در سال ۱۳۸۳ به تلاش معاونت فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، در دفتر مجامع و فعالیت‌های فرهنگی آغاز به کار کرد. نخستین دوره این جشنواره، در ۱۵ مرداد همان سال برگزار شد. این جایزه، با هدف تقدیر از خدمات و شخصیت پروین اعتصامی، پیشرفت خلاقیت‌ها و آثار ادبی زنان، ایجاد همبستگی بین ادبیات ملت‌ها به ویژه در حوزه جهان اسلام، معرفی چهره‌های شاخص زنان ادیب و پژوهشگر و تقدیر از زنان در عرصه ادبیات فارسی، توسط «دبیرخانه جوایز سال» به زنان نویسنده اهدا می‌شود.

این جایزه در روز بیست‌وپنجم اسفندماه، مطابق با روز بزرگداشت پروین اعتصامی، با مشارکت معاونت امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و مؤسسه خانه کتاب، در مراسمی به همین نام به برندگان اهدا می‌شود. این جایزه در بخش‌های مختلف شعر، ادبیات داستانی، ادبیات نمایشی، ادبیات پژوهشی، شعر کودک و نوجوان، داستان کودک و نوجوان و بخش جنبی برگزار می‌شود و از برندگان مشهور این جایزه می‌توان به افرادی همچون مریم زندی، رؤیا صدر، بهناز علیپور گسگری، ترانه علیدوستی، فریبا کلهر، گیتا گرکانی و عرفان نظر آهاری و فریبا یوسفی اشاره کرد.

جشنواره فیلم پروین اعتصامی

جشنواره فیلم پروین اعتصامی، هر سال به برخی زنان فیلم‌ساز که دارای فیلم بلند سینمایی هستند، جایزه اهدا می‌کند. این جشنواره بر اساس طرحی از «مازیار رضاخانی» در دی ماه ۱۳۸۳ تشکیل شد و تاکنون هر ساله برگزار می‌شود. موضوعات فیلم‌های این جشنواره، نقش زنان در تحکیم بنیان خانواده، نقش زنان در تنظیم اقتصاد خانواده و زنان سرپرست خانوار است. این جشنواره تاکنون در ۸ دوره برگزار شده و توانسته ۸۴۴ فیلمساز زن را شناسایی و معرفی کند.



تابلوی ورودی خانه پروین اعتصامی در تبریز

بیست و پنجم اسفندماه در تقویم رسمی ایران، به مناسب سالروز تولد پروین اعتصامی، «روز بزرگداشت پروین اعتصامی» نامگذاری شده است. دانشسرای عالی پس از انقلاب فرهنگی ایران، به دانشگاه خوارزمی تغییر نام یافت و امروزه پروین اعتصامی از مفاخر آن دانشگاه محسوب می‌شود. همچنین تعداد زیادی تندیس از پروین اعتصامی در سراسر ایران وجود دارد که از مشهورترین آن‌ها می‌توان به مجسمه پروین در برج میلاد تهران، مجسمه پروین در میدان اعتصامی شهرک ولیعصر تبریز و تندیس پروین در ابتدای پلکان خانه‌اش در تبریز اشاره کرد.

خانه

خانه پروین اعتصامی در تبریز، خیابان عباسی، جنب مسجد میرآقا، کوچه ساوجبلاغی، پلاک ۶ واقع شده است. ساخت بنای خانه پروین در تبریز به دوران پهلوی اول برمی‌گردد. در تاریخ ۲۸ اسفند ۱۳۸۵، این خانه به‌عنوان یکی از آثار ملی ایران با شماره ۱۸۶۸۱ به ثبت رسید. هم‌اکنون این خانه به موزه پروین اعتصامی تبدیل شده است و برخی از لوازم شخصی و کتاب‌های اعتصامی در آنجا نگهداری می‌شود.

توران شهریاری



۱۳۱۰ خورشیدی کرمان

زاده

پیشه	وکیل
زمینه کاری	شعر، وکالت
در زمان حکومت	پهلوی، جمهوری اسلامی
کتاب‌ها	گوهر، نگار زن و...
دیوان اشعار	دیوان توران
همسر	کیخسرو بهرامی
پدر	شهریار میرزا پدر

توران شهریاری (بهرامی) (زاده ۱۳ آبان ۱۳۱۰ در کرمان)، شاعر برجسته زرتشتی اهل ایران است.

عمده شهرت شهریاری به خاطر اشعار ملی‌گرایانه‌ای است که با استحکام و کمال قابل توجهی سروده شده‌اند. وی از بنیان‌گذاران اتحادیه زنان حقوق‌دان ایرانی و نخستین زن از اقلیت‌های دینی است که به عضویت در هیئت مدیره کانون وکلای دادگستری ایران رسیده است.

زندگی‌نامه

توران شهریاری (بهرامی) در ۱۳ آبان ۱۳۱۰ خورشیدی در یک خانواده زرتشتی و در یکی از محله‌های قدیمی کرمان به نام محله خواجه خضر پا به عرصه وجود گذاشت. پدرش شهریار میرزا از بازرگانان معتبر کرمان بود که در سرای چهارسوق به حرفه تجارت اشتغال داشت. پدر بزرگ وی نیز میرزا بهرام از جمله ثروتمندان نیکوکار کرمان بود که در دوران حیات خویش در امر دستگیری و کمک به مستمندان و بینوایان اعم از مسلمان و زرتشتی دریغ نمی‌نمود و کمک‌های نقدی و جنسی مستمری به صورت پنهانی به خانواده‌های واقعا مستمند ولی آبرومند مسلمان و زرتشتی می‌نمود.

تحصیلات

وی تحصیلات ابتدایی خود را در «دبستان شهریاری کرمان» و تحصیلات متوسطه را «دبیرستان دخترانه بهمنیار» همین شهر سپری کرد و سپس برای ادامه تحصیل به تهران عزیمت نمود. او تحصیلات دانشگاهی خود را در زمانی که در سراسر ایران تنها یک دانشگاه بود در دانشکده حقوق دانشگاه تهران به سال ۱۳۳۴ به پایان رساند و در سال ۱۳۴۲ نیز پروانه وکالت خود را از کانون وکلای دادگستری ایران دریافت نمود. در آن زمان وی پنجمین زن ایرانی بود که موفق به دریافت پروانه وکالت می‌گردید. شهریاری در همان حین به تحصیلات عالی خویش نیز ادامه داد و از دانشکده حقوق دانشگاه ملی (دانشگاه شهیدبهبشتی امروزی) به دریافت درجه فوق لیسانس نائل گشت.

فعالیت‌های اجتماعی و ادبی

وی نویسنده‌گی و سرودن شعر را از سال ۱۳۳۲ آغاز کرد و از همان زمان در کارهای اجتماعی، فرهنگی و ادبی حضوری فعال و گسترده داشت، حضوری که تا به حال نیز تداوم دارد. از جمله، وی در چند دوره به عضویت در انجمن زرتشتیان تهران و نیز در هیئت مدیره انجمن زنان زرتشتی درآمده است.

توران شهریاری «بهرامی» همچنین در اردیبهشت‌ماه سال ۱۳۴۲، با راهنمایی و ریاست شادروان خانم دکتر منوچهریان (نخستین دانشجوی زن دانشگاه تهران و نخستین زن استاد دانشگاه کشور و نخستین زن وکیل ایرانی)، اتحادیه زنان حقوقدان ایرانی وابسته به اتحادیه بین‌المللی زنان حقوقدان را در تهران بنیان نهاده و در عین حال با سابقه ۴۱ سال وکالت، در ۱۸ اسفندماه ۱۳۸۴ از سوی کانون وکلای دادگستری ایران، به عنوان یکی از ۱۷ نفر اعضای هیئت مدیره این کانون برگزیده شده است. او اولین فرد از اقلیت‌های دینی است که به عضویت در این هیئت مدیره رسیده و ضمناً نامبرده تنها زن اقلیت دینی است که از سوی دفتر مشارکت امور زنان وابسته به نهاد ریاست جمهوری در شمار ۶۰ نفر زن نام‌آور سراسر ایران قرار گرفته و از سوی وزیر فرهنگ لوح افتخار دریافت نموده است.

مضامین اشعار

اشعار «توران شهریاری» بیش‌تر دارای مضامین اخلاقی، فرهنگی، اجتماعی و ملی می‌باشد که به طور ساده و تا حد امکان به فارسی روان سروده شده‌اند. وی یکی از معدود شاعران زن ایرانی است که بهترین و بیشترین سروده‌های ملی و میهنی را درباره ایران و فرهنگ دیرینه این سرزمین، از خود به یادگار نهاده است و این از عشق سرشار او به ایران و فرهنگ درخشان آن سرچشمه گرفته است. دکتر باستانی‌پاریزی درباره اشعار او، در مقدمه «دیوان توران» می‌نویسد:

«شعر خانم شهریاری در عین استحکام و کمال بسیار روان و درخور فهم همه طبقات سروده شده و علاوه بر جنبه‌های ادبی، حاوی مسائل روز و سرگذشت‌های اجتماعی نیز هست. مثنوی‌های کوتاه و داستان‌های کوچک ذکر شده در دیوان او حاوی نکاتی آموزشی است که ضمناً تأثیر ادبیات گذشته ایران را نشان می‌دهد... و سرانجام اینکه خانم توران شهریاری یکی از شعرای سخن‌سنج و آگاه و توانای معاصر است که سبک خود را دارد و اشعارش پیام موزون دارد و بر دل می‌نشیند.»

آثار

- **گوهر**، اولین اثر این بانوی شاعر می‌باشد که در سال ۱۳۴۵ چاپ و منتشر شده و تجدید چاپ آن نیز در آمریکا صورت گرفته است.
- **نگار زن**، در سال ۱۳۵۲ از سوی سازمان بین‌المللی زنان چاپ و منتشر شده است. در این کتاب تصویر چهل و هشت زن ایرانی در ادوار مختلف تاریخ پنج هزار ساله ایران انتخاب شده و چهل و هشت رباعی برای این تصاویر سروده شده است.
- **دیوان توران** در سال ۱۳۷۹ چاپ و منتشر گردیده و در حجمی متجاوز از ۵۰۰ صفحه، مشتمل بر قصاید، قطعات، مثنوی‌ها، غزلیات، دوبیتی‌های پیوسته، آفرین بادها و سوگنامه‌ها و چکامه‌های وی می‌باشد.

جهان ملک خاتون

درگذشت بعد از ۷۸۴ قمری

پیشه	چامه سرا
دوره	نیمه دوم قرن هشتم هجری
والدین	<u>جلال الدین مسعودشاه</u>

جهان ملک خاتون دختر **جلال الدین مسعودشاه بن شرف الدین محمودشاه اینجو** بانوی شاعر (چامه‌سرا) ایرانی است که در نیمه دوم سده هشتم هجری می‌زیست.

او هم دوره با **حافظ** و **عبید زاکانی** بود و با **عبید زاکانی** مشاعره و رودررویی داشته‌اند.

وفات جهان‌ملک خاتون بعد از سال **۷۸۴ (قمری)** اتفاق افتاده‌است.

بر خاک آستان تو سر می‌نهد جهان
فکری ز طعن اهل جهان نیست در دلم
ز آنش نظر به جانب تاج و سریر نیست
همچو سروم سایه‌ای بر من فکن
زان رو که محتسب نکند فکر از عسس
تا جهان گردد از آن رو با نظام

حمیده سپهری

تولد 1295 ق ، شاعر، خطاط و نقاش. در خانواده‌ای درباری و روشنفکر تربیت شد. او همسر **ملك‌المورخین**، پسر ارشد **محمدتقی لسان‌الملک سپهر**، نویسنده‌ی «مرآت الوقایع مظفری» و «ناسخ التواریخ» بود. از روزگار کوکی هوش و حافظه‌ی نیرومندی داشته و تاریخ، ادبیات، خط و نقاشی را نزد همسر خود فراگرفت. وی هم‌دوره‌ی پروین اعتصامی بود و در سرودن شعر طبع موزونی داشت

رابعه بلخی (رابعه بنت کعب قزداری)



مدفن	مزار شریف (افغانستان)
محل زندگی	بلخ (خراسان بزرگ)
پیشه	شاعر
سال‌های فعالیت	قرن چهارم هجری قمری
سبک	خراسانی
عنوان	مادر شعر پارسی، زین العرب، مگس رویین
دوره	همزمان با دوره حکومت سامانیان
پدر	کعب قزداری

رابعه دختر کعب قزداری که به رابعه بلخی هم شناخته شده است، شاعر پارسی‌گوی نیمه نخست سده چهارم هجری (۹۴۳-۹۱۴ میلادی) است. وی طبق اسناد موجود، نخستین شاعر زن پارسی‌گوی است. پدرش کعب قزداری، از عرب‌های کوچیده به خراسان و فرمانروای بلخ و سیستان و قندهار و بست بود. از تاریخ ولادت و مرگ رابعه اطلاعات درستی در دست نیست. آنچه قطعیت آن است که او هم‌دوره با سامانیان و رودکی بوده و به استناد گفتار عطار نیشابوری با رودکی دیدار و مشاعره داشته است. زمان مرگ رابعه به احتمال قریب به یقین پیش از مرگ رودکی بوده است، بنابراین تاریخ مرگ او را می‌توان پیش از سال ۳۲۹ هجری قمری در نظر گرفت.

زندگی رابعه کودکی و نوجوانی

از تولد و دوران کودکی و نوجوانی رابعه اطلاعی در دست نیست. تنها مدرک مستند از زندگی رابعه، روایتی است که عطار نیشابوری در حکایت بیست و یکم کتاب الهی‌نامه خویش در بحر هزج مسدس محذوف، در چهارصد و اندی بیت آورده است. آنچه از این روایت برمی‌آید آنست که رابعه دختر کعب قزداری، والی بلخ بوده و برادری بنام حارث داشته است. کعب علاقه خاصی به رابعه داشته و در پرورش و تعلیم او کوشا بوده است و به جهت توانایی‌های بی‌نظیر او در هنر و فنون، او را با لقب زین العرب (زینت قوم عرب) خطاب می‌کرد. رابعه به استناد گفتار عطار، در سرودن شعر و هنر نقاشی به‌غایت توانمند و در شمشیرزنی و سوارکاری بسیار ماهر بوده است.

دیدار با بکتاش

پس از مرگ کعب، حارث بر تخت پدر می‌نشیند و در یکی از بزم‌های شاهانه او، رابعه با بکتاش، از کارگزاران نزدیک حارث دیدار می‌کند. عطار جایگاه بکتاش در دربار را کلیددار خزانه عنوان کرده است. رابعه بی‌درنگ دل به بکتاش می‌بازد و در نهایت دایه رابعه که از علاقه رابعه به بکتاش

آگاه می‌شود، میان آن دو واسطه می‌شود. رابعه خطاب به بکتاش نامه‌ای می‌نویسد و تصویری از خویش ترسیم کرده و پیوست آن نامه می‌کند و بدست دایه می‌سپارد تا بدو رساند. چون بکتاش نامه رابعه را می‌خواند و تصویر او را می‌بیند بدو دل می‌بازد و نامه‌اش را پاسخ می‌دهد. این نامه‌نگاری های پنهانی ادامه پیدا می‌کند و رابعه اشعار فراوانی خطاب به بکتاش ضمیمه نامه‌ها کرده و برای او می‌فرستد. ظاهراً روزی بکتاش رابعه را در دهلیزی می‌بیند و آستین او را می‌گیرد که «چرا مرا چنین عاشق و شیدا کردی اما با من بیگانگی می‌کنی؟» رابعه از او آستین می‌افشاند که «عشق من به تو بهانه‌ایست بر عشقی عظیم‌تر» و او را بخاطر افتادن در دام شهوت نکوهش می‌کند.

رابعه در میدان نبرد

بر اساس روایت عطار، روزی لشکر دشمن به حوالی بلخ می‌رسد و بکتاش به همراه سپاه بلخ به نبرد می‌رود. رابعه که تاب بی‌خبری از وضعیت بکتاش را ندارد، با لباس مبدل و روی پوشیده، پنهانی در پس سپاه بلخ به میدان جنگ می‌رود. بکتاش در گیرودار نبرد زخمی می‌شود و رابعه که جان بکتاش را در خطر می‌بیند، شمشیر کشیده و به میانه میدان می‌رود و پس از کشتن تعدادی از سپاهیان دشمن پیکر نیمه جان بکتاش را بر اسب کشیده از مهلکه نجات می‌دهد:

بگفت این و چو مردان برنشست او	از آن مردان تنی را ده بخت او
بر بکتاش آمد، تیغ در کف	وز آنجا برگرفتش برد با صف
نهادش پس نهان شد در میانه	کس‌اش نشناخت از اهل زمانه

رابعه و رودکی

در روایت عطار، رابعه روزی در راه با رودکی که عازم بخارا بوده دیدار می‌کند. رودکی شیفته توانایی رابعه در سرودن شعر می‌شود و او را تحسین می‌کند و با او به صحبت و مشاعره می‌نشیند. عطار آن واقعه را این‌گونه در الهی‌نامه می‌آورد:

نشسته بود آن دختر دلفروز	براه و رودکی می‌رفت یک روز
اگر بی‌تی جو آب زر بگفتی	بسی دختر از آن بهتر بگفتی
بسی اشعار گفت آن روز استاد	که آن دختر مجاب‌اتش فرستاد
ز لطف طبع آن دل‌داده دمساز	تعجب ماند آنجا رودکی باز

رودکی پس از آن راهی بخارا می‌شود و در بزمی در دربار امیر سامانی شعری که از رابعه به یادداشت بازگو می‌کند که بسیار مورد پسند امیر می‌افتد و چون از آن سؤال می‌کنند، رودکی داستان آشنایی‌اش با رابعه و عشق او به بکتاش را برای شاه بازگو می‌کند، غافل از اینکه حارث نیز در آن بزم حاضر است و از آن داستان باخبر می‌شود. حارث بسیار خشمگین می‌شود، به بلخ بازمی‌گردد و پس از یافتن صندوقی حاوی اشعار رابعه در اتاق بکتاش، به گمان ارتباط نامشروع آنان، فرمان می‌دهد بکتاش را در زندان افکند و رابعه را به گرمابه برده و رگ دستان او را بگشاید و در گرمابه را به سنگ و گچ مسدود کنند. روز بعد چون در گرمابه را می‌گشایند، پیکر بیجان رابعه را مشاهده می‌کنند که با خون خویش اشعاری را خطاب به بکتاش با انگشت بر دیواره گرمابه نگاشته است. بکتاش پس از آن، به نحوی از زندان می‌گریزد و شبانه سر از تن حارث جدا می‌کند، سپس بر مزار رابعه رفته و جان خویش را می‌گیرد.

رابعه در منابع ادب پارسی

رابعه ظاهرأ نخستین زن شاعر در تاریخ ادبیات خراسان بزرگ می‌باشد که شعری از او به ثبت رسیده. محمد عوفی در کهن‌ترین تذکره شعر پارسی، لیاب الالباب، وی را چنین توصیف نموده:

رابعه بنت کعب القزداری، دختر کعب، اگرچه زن بود، اما به فضل بر مردان جهان بخندیدی، فارس هر دو میدان و والی هر دو بیان، بر نظم تازی قادر و در شعر پارسی به‌غایت ماهر و با غایت ذکاء خاطر و حدت طبع، پیوسته عشق باختی و شاهدبازی کردی و او را «مگس رویین» خواندندی و سبب این نیز آن بود که وقتی شعری گفته بود:

خبر دهند که بارید بر سر ایوب ز آسمان، ملخان و سر همه زرین
اگر بیارد زرین ملخ بر او از صبر سزد که بارد بر من یکی مگس رویین

نقل شده چون ابوسعید ابوالخیر داستان زندگی او را شنید فرمود:

من این جانب رسیدم و از حال دختر کعب پرسیدم که عارف بوده‌است یا عاشق؟ جواب دادند اشعاری که بر زبان او جاری بوده دلیل این است که در عشق مجازی، ایجاد اینقدر سوز و گداز ممکن نیست، در شعر او هزل اصلاً وجود ندارد بلکه در همه جا او ذات قدیم (جلّ شأنه) را خطاب کرده‌است.

عطار نیشابوری نیز داستان زندگی رابعه را در الهی‌نامه خویش در چهارصد و اندی بیت به نظم آورده و نقل قول ابوسعید ابوالخیر درباره رابعه بلخی و عرفان وی را چنین بازگو می‌کند:

ز لفظ بوسعید مهنه دیدم که او گفتست: من آنجا رسیدم
بیرسیدم ز حال دختر کعب که عارف بود او یا عاشقی صعب؟
چنین گفت او که معلوم چنان شد که آن شعری که بر لفظش روان شد،
ز سوز عشق معشوق مجازی بنگشاید چنین شعری به بازی
نداشت آن شعر با مخلوق کاری که او را بود با حق روزگاری
کمالی بود در معنی تمامش بهانه بود در راه آن غلامش

عطار توانایی رابعه در سرودن شعر را چنین توصیف می‌کند:

بلطف طبع او مردم نبودی که هر چیزی که از مردم شنودی،
همه در نظم آوردی به یک دم بپیوستی چو مروارید در هم
چنان در شعر گفتن خوش زبان بود که گوئی از لبش طعمی در آن بود

خاتم الشعرا، شیخ عبدالرحمن جامی، در تذکره نفحات الانس از رابعه در بخش زنان صوفی نام می‌برد و باز با استناد به گفتار شیخ ابوسعید ابوالخیر می‌گوید:

شیخ ابوسعید ابوالخیر قدس الله تعالی سرّه گفته‌است که: «دختر کعب عاشق بود بر آن غلام، اما پیران همه اتفاق کردند که این سخن که او می‌گوید نه آن سخن باشد که بر مخلوق توان گفت. او را جای دیگر کار افتاده بود.» روزی آن غلام آن دختر را ناگاه دریافت، سر آستین وی گرفت. دختر بانگ بر غلام زد گفت: «ترا این بس نیست که من با خداوندم و آنجا مبتلایم، بر تو بیرون دادم که طمع می‌کنی؟»
شیخ ابوسعید گفت: «سخنی که او گفته‌است نه چنان است که کسی را در مخلوق افتاده باشد»

رضاقلی خان هدایت، داستان رابعه را تحت عنوان بکتاش نامه در کتاب منظوم گلستان ارم خویش در دوهزار و ششصد و اندی بیت به نظم درآورده. مبنای داستانی که رضاقلی خان نقل می‌کند، همان شعر عطار است که تصرفاتی در داستان کرده و قصه پرداز می‌نموده‌است و بخش‌هایی از ذوق خویش بدان افزوده. وی در مجمع الفصحاء درباره رابعه بلخی چنین می‌گوید:

رابعه مذکوره، در حسن جمال و فضل و کمال و معرفت و حال، وحیده روزگار و فریده هر ادوار، صاحب عشق حقیقی و مجازی و فارس میدان تازی و فارسی بوده‌است. احوالش در نفاتح الانس مولانا جامی در ضمن نسوان عارفان مسطور است و در یکی از مثنویات شیخ عطار، جمعی از حالاتش نظماً مذکور. او را میلی به بکتاش غلامی از غلامان برادر مفرد به هم رسیده و انجامش به عشق حقیقی کشیده، بالاخره به بدگمانی، برادر او را کشته و حکایت او را فقیر نظم کرده و نام آن را گلستان ارم نهاده، معاصر آل‌سامان و رودکی بوده و اشعار نیکو می‌فرموده.

اشعار رابعه

از رابعه جز هفت (به روایتی یازده) غزل و قطعه در دست نیست. ظاهراً تمامی اشعار وی بدست برادرش حارث معدوم گردیده و الباقی در گذر زمان از بین رفته‌است. اما قلیل اشعار بازمانده از وی بیانگر ذوق سرشار وی و تسلط او بر سرایش شعر است. رابعه را مادر شعر پارسی خوانده‌اند. او بحور و اوزانی را وارد شعر پارسی نموده که تا پیش از آن کسی در آن اوزان شعر نمی‌سروده‌است. به عنوان مثال شمس قیس رازی در کتاب المعجم فی معاییر اشعار العجم عقیده دارد که دختر کعب در بیت زیر بحری بر بحور پارسی افزوده‌است (بحر مسدس مخنق):

ترک از درم درآمد، خندانک آن خو بروی چابک، مهمانک

همچنین از اوست:

چه حجت آری پیش خدای عزوجل	مرا بعشق همی متهم کنی به حیل
بذنبم اندر طاغی همی شوی بمثل	به عشقت اندر عاصی همی نیارم شد
که بی تو شگر زهر است و با تو زهر عسل	نعیم بی تو نخواهم جحیم با تو رواست
به سنبل اندر پنهان کنند نجم زحل	بروی نیکو تکیه مکن که تا یکچند
فمن تکبر یوماً فبعد عز ذل	هر آینه نه دروغ است آنچه گفت حکیم

هم از اوست:

دعوت من بر تو آن شد کایزدت عاشق کناد	بر یکی سنگین دل نامهربان چون خویشتن
تا بدانی درد عشق و داغ هجر و غم کشی	چون بهجر اندر بیچی پس بدانی قدر من

و این غزل نیز بدو منسوب شده‌است:

ز بس گل که در باغ ماوی گرفت	چمن رنگ ارتنگ مانی گرفت
صبا نافه مشک تبت نداشت	جهان بوی مشک از چه معنی گرفت
مگر چشم مجنون به ابر اندر است	که گل رنگ رخسار لیلی گرفت
به می‌ماند اندر عقیقین قدح	سرشکی که در لاله ماوی گرفت

قدح گیر چندی و دنیی مگیر
سر نرگس تازه از زرّ و سیم
چو رهبان شد اندر لباس کبود
که بدبخت شد آنکه دنیی گرفت
نشان سر تاج کسری گرفت
بنفشه مگر دین ترسی گرفت

و نیز:

عشق او باز اندر آوردم به بند
عشق دریایی کرانه ناپدید
عشق را خواهی که تا پایان بری
زشت باید دید و انگارید خوب
توسنی کردم ندانستم همی
کوشش بسیار نامد سودمند
کی توان کردن شنا ای هوشمند
بس بباید ساخت با هر ناپسند
زهر باید خورد و انگارید قند
کز کشیدن تنگتر گردد کمند

عرفان رابعه

در عارف بودن رابعه دیدگاه‌ها متفاوت است. تمام منابعی که به عرفان رابعه اشاره کرده‌اند، به گفتار شیخ ابوسعید ابوالخیر استناد کرده‌اند، که این‌جای تأمل دارد.

رضا اشرف‌زاده در کتاب خود **حکایت رابعه** بر اساس بازمانده اشعار او و گفتار ابوسعید، چنین استدلال می‌کند که «ذوق تیز و لطیف ابوسعید، اصولاً هر بیتی و شعری را می‌تواند تاویل عرفانی نماید» و داستان شنیدن بیتی از **عمارہ مروزی** و رفتن ابوسعید به زیارت قبر او را گواهی بر این مدعا می‌داند. و نتیجه می‌گیرد که گفتار شیخ لزوماً به معنی عرفان رابعه نیست. او همچنین در همین کتاب عنوان می‌کند که آمدن داستان رابعه در الهی‌نامه و «... حکایت و جانبازی دختر در راه این عشق عُذری، او را به موجودی پاک و باصفا تبدیل می‌کند که با پاکی عشق و دامانی پاک در خون می‌غلند و جان می‌بازد و [...] توهم عشق عارفانه را در سر و ذهن ما می‌اندازد». او هم‌نامی رابعه بلخی با **رابعه عدویه** و **رابعه شامیه** - که هر دو از زنان عارف بوده‌اند - را نیز یکی از دلایل ایجاد شائبه عرفان رابعه عنوان کرده‌است.

سلیمان راوش نیز در مقاله خویش **رابعه بلخی یا حمامه‌ای در حمام خون نؤیان خرد** معتقد است که عرفایی چون عطار و ابوسعید ابوالخیر، در حقیقت بجهت حفظ نام و آثار رابعه از گزند کوتاه‌فکران، به وی نسبت تصوف و عرفان داده‌اند:

حضرت عطار، عارفانه، [...] جهت غفلت کافران عشق و منکران انسان شمردن زن و حفظ آبروی رابعه، به نوعی عشق انسانی او را مطابق شریعت منکران عاطفه‌های انسانی، عمداً پیوند واژگونه به جایی دیگر می‌دهد [...] حضرت عطار نیشابوری چنان‌که ابوسعید ابوالخیر، در حق رابعه الطاف نمود و با بهانه اینکه رابعه نه عاشق بکتاش، بل عاشق الله بوده [...] جسد و مرقد مبارک رابعه را از شر تکفیر و تازیانه نوازی و ویرانی کافران و منکران نجات داد [...] ذکر خیر رابعه از سوی عارف بزرگ و نامی ابوسعید ابوالخیر هم در نهایت، عارفانه و هشیارانه، برای به سکوت و اداشتن کافران عشق و منکران ارزش‌های انسانی زنان به عمل آمده‌است.

لیلی رشیتا، نویسنده افغان معتقد است:

«برعکس آنچه که عرفاً عشق او را به بکتاش، حقیقی نه بل مجازی می‌پنداشته‌اند، اشعارش محض بازگوی احساس‌اش نسبت به بکتاش بوده‌است. از هفت قطعه شعر رابعه که بجا مانده‌است، پنج‌تای آن در وصف عشق ناسوتی و دو‌تای آن در وصف زیبایی طبیعت سروده شده‌است.»



رزا جمالی

۲۸ آبان ۱۳۵۶ تبریز

زاده

شاعر، نمایش‌نامه‌نویس، مترجم، منتقد ادبی

پیشه

سال‌های فعالیت از سال ۱۳۷۴ تا امروز

رزا جمالی (۲۸ آبان ۱۳۵۶ در تبریز) شاعر، نمایش‌نامه‌نویس، منتقد ادبی و مترجم ایرانی است.

پس زمینه و سبک ادبی

رزا جمالی متولد ۲۸ آبان ۱۳۵۶ در تبریز است. دانش آموخته کارشناسی ادبیات نمایشی از دانشگاه هنر و کارشناسی ارشد ادبیات انگلیسی از دانشگاه تهران. فعالیت ادبی خود را از ابتدای دهه ۱۳۷۰ آغاز کرد. در کتاب «کارنمای زنان کارای ایران» او شاعری متفاوت خوانده شده است که زبان و فضاهای جدیدی را ارائه می‌دهد و پسامدرن است. شاعری که در میانه دهه ۱۳۷۰ از اعضای جوان کارگاه شعر رضا براهنی بود و انتشار نخستین کتابش، «این مرده سیب نیست یا خیار است یا گلابی»، در سال ۱۳۷۷، به سبب عنوان و اشعار متفاوت اش، بازتاب‌های فراوانی برانگیخت. بعد از آن، تا سال ۱۳۸۰، او دو مجموعه دیگر از اشعارش را، به همراه تعدادی یادداشت و مقاله و مصاحبه در روزنامه‌ها و مجلات آن سال‌ها به چاپ رساند و، به این طریق، خود را به عنوان شاعری پرکار و مطرح تثبیت کرد.

با در نظر گرفتن تم کهن الگویی غالب، نقش محوری الهه رویش، و درهم تنیدگی انکارناپذیر ایماژ با اسطوره رویش به مثابه یک ژانر در مجموعه «این ساعت شنی که به خواب رفته است»؛ باید اذعان نمود که شعر خانم جمالی در معنای کهن الگویی کلمه زنانه و قابل تحلیل است.

کتاب "بزرگراه مسدود است" گزیده‌ای از شعرهای موفق پنج دفتر اوست. محور افقی در اغلب شعرها رعایت نمی‌شود و شاعر در پی پیوند و برقرار کردن ارتباط منطقی و زبانی میان سطرها و بندهای سروده خود نیست. مجموعه شعرهای اخیر او به نوعی ادامه همان شیوه در شاعری است که وی از ابتدا آن را دنبال می‌کرد؛ اما او در این شیوه به نوعی پختگی دست یافته است. شعرهای او به

زبان‌های انگلیسی، فرانسه، ایتالیایی، ترکی، عربی، بنگالی، هندی، چک، سوئدی، آلمانی، اسپرانتو، کردی و... ترجمه شده‌است و در معتبرترین گلچین‌های ادبی شعر پیشرو جهان منتشر شده‌است. کتاب‌های او از محدود عناوینی ست که به چندین چاپ رسیده و در تیراژ بالا عرضه می‌شود. منتقدان ادبی او را از شاعران مهم، تأثیرگذار و جریان‌ساز سه دهه اخیر می‌دانند؛ شعر او پُر از پیشنهادهای تازه برای شعر خلاق فارسی بوده‌است. تجربه‌هایی در حوزه فرم و محتوای شعر امروز که از آن‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: بازی‌های زبانی، تصویرسازی خلاق، خلق استعارات نو، آشنایی زدایی از زبان متداول، دوری از کلیشه‌های بیانی، به وجود آوردن نشانه‌شناسی تازه ای از کلمات، چندصدایی، استفاده از لحن و زبان محاوره، بی واسطه نویسی، عرفان اشیاء، بازآفرینی مضامین شعر کلاسیک فارسی... شعر او دارای نظامی هندسی ست و معماری تنظیم شده‌ای دارد. واگویی‌های چند ساحتی که بسیاری از شعرهایش را به آثاری چند صدایی بدل کرده‌است. تخیل سیال از دیگر ویژگی‌های شعری اوست.

آثار

شعر

- این مرده سیب نیست یا خیار است یا گلابی (انتشارات ویستار، ۱۳۷۷)
- دهن کجی به تو (انتشارات نقش هنر، زمستان ۱۳۷۷)
- برای ادامه این ماجرای پلیسی قهوه‌ای دم کرده‌ام (انتشارات آرویح، زمستان ۱۳۸۰)
- این ساعت شنی که به خواب رفته‌است ... (نشر چشمه، تابستان ۱۳۹۰) (چاپ دوم: ۱۳۹۴)
- بزرگراه مسدود است (گزینه اشعار، بوتیمار ۱۳۹۲) (چاپ چهارم: ۱۳۹۷)
- اینجا نیروی جاذبه کمتر است (مهر و دل، ۱۳۹۸)
- این رسم‌الخط فارسی نیست (در دست انتشار)

نمایش‌نامه

- سایه (این نمایشنامه در سال ۱۳۹۵ به کارگردانی لیلی تقی پور بر صحنه اجرا شده‌است و اجرای رادیویی دیگری از آن با صدای شهک غلامی موجود است) (نشر سیب سرخ، ۱۳۹۸)

ترجمه

- لبه، گلچین شعر انگلیسی زبان، این کتاب در بر گیرنده شعرهایی از ویلیام باتلر ییتس، تی. اس. الیوت، سیلویا پلات، تد هیوز، هنری وادزورث لانگفلو، آدرین ریچ، راجر مگاف، جوزف برودسکی، آلن گینزبرگ، اما لازاروس، والت ویتمن، رابرت فراست، ازرا پاوند، روپرت بروک، کارل سندبرگ، جان اشبری و... است. (مهر و دل، ۱۳۹۸)
- ترجمه رمان خانه ادیسی‌ها به انگلیسی، کتاب کارما، نیویورک
- زبان منشوری ست، گزینه ای از شعرهای امیر اور (نشر مهر و دل، ۱۳۹۹)
- درخت کاج، هانس کریستین آندرسن (نشر هشت، ۱۳۹۸)
- دریانوردی به سمت بیزنس، گزینه شعرهای ویلیام باتلر ییتس (نشر ایهام، ۱۳۹۹)
- لاله‌ها، گلچینی از شعرهای ده شاعر زن انگلیسی زبان که به این شاعران می‌پردازد: لوئیز گلایک، هیلدا دولیتل، استیوی اسمیت، امیلی دیکنسون، ناتاشا تروتوی، ادیت سیتول، سولماز شریف، آدرین ریچ، اما لازاروس و سیلویا پلات (نشر ایهام، ۱۳۹۹)
- فردا و فردا و فردا، صد قطعه از ویلیام شکسپیر (نشر ایهام، ۱۴۰۰)
- برج، آنتولوژی جامع شعر انگلیسی از دیرباز تا امروز (بر اساس گزینه دانشگاهی نورتون) (نشر ورا، ۱۴۰۰)

نقد

- مکاشفاتی در باد (مقالات متعددی در تحلیل شعر که بیشتر در نشریات ادبی نظیر نامه کانون نویسندگان ایران، کارنامه، آدینه، دنیای سخن، جهان کتاب، بیدار، عصر پنج شنبه و... منتشر شده بودند.) (نشر هشت، ۱۴۰۰)

داوری جوایز شعر

- جشنواره شعر نیاوران و جایزه شعر ملی جم
- جشنواره دومین جشنواره ترجمه ادبی ترجمیک

نمونه شعر

"هفت طبقه بودم گیاهی مخصوص به تن داشتم؛ در جشنی شبیه مراسم ختم شرکت کرده بودم
سنگ بر پیشانی برگشتم؛ بر سرزمین مادری ام باردیگر نگریستم و گریستم
پدرم سیمرغ بود؛ مادرم الهه ای بی تاب درشوش و هگمتانه و مقبره مردخای
و خدا با من بود

این چشم‌ها دوربین من شده‌اند در تاریکی محض، مطلق

و من اسطوره گنگ بر خورد قاشق‌ها با چنگال بوده‌ام در لحظه شام

ایزد بانوی بزرگراه نواب من ام، به قبرستان می‌روم

در منتهی‌الیه شرقی این شهر

این که مطلق باریده بر فرق سرت، این چیست؟ این پلشتی آرام چیست؟ به چه می‌ماند؟ چیست؟

فرشتگان بر موهای تاریکم لانه کرده بودند به ناچار

و من پریان را شسته بودم، لکه‌گیری کرده بودم، شبیه برنج دم کرده بودم

ساعت را می‌دانستی در لحظه ای که کش می‌آمد و خمیازه می‌کشید، آن لحظه منجمد و خاموش

وقتی با چنگال‌های زخمی ام بر اجاق گاز سر می‌رفتم

وقتی تمام صحن میدان انقلاب را فراگرفته بودم و فوران می‌کردم

و با وایتکس صورتم را سفید نگه داشته بودم انگار."

برنامه‌های بین‌المللی

- مهمان بنیاد فرهنگ و شناخت در رتردام هلند: سپتامبر ۲۰۰۶.

- مهمان جشنواره شعر گوتنبرگ، تدریس ادبیات خلاقه به زبان انگلیسی در آکادمی هنرهای زیبای سوئد و سخنرانی در اتحادیه ی نویسندگان سوئد در استکهلم به زبان انگلیسی در باب شعر ایران: سپتامبر ۲۰۱۳
- شرکت در برنامه ی شعر و جهان امروز؛ شعر خوانی در مراکز مطالعات زبان فارسی آمریکا؛ واشینگتن، نیویورک، آرکانزاس، کالیفرنیا و شیکاگو: آوریل ۲۰۱۴
- نوشتن در ایران با نیم نگاهی به گذشته در کتابخانه ملی بریتانیا: فوریه ۲۰۱۵
- شرکت در همایش محیط زیست و ادبیات؛ هند: دسامبر ۲۰۱۵
- سخنرانی انگلیسی در همایش شعر فارسی پس از انقلاب، دانشگاه سنت اندروز اسکاتلند: مارس ۲۰۱۷
- نماینده ی شعر ایران در بی بینال شعر آسیا: فوریه ۲۰۱۹
- جشنواره بین المللی شاعران برتر جهان در کوزوو: سپتامبر ۲۰۲۰

روجا چمن کار



نام اصلی	روجا(آنر) چمن کار
زاده	۲۰ اردیبهشت ۱۳۶۰ برازجان، استان بوشهر
زمینه کاری	شعر، نمایشنامه، فیلمنامه، کارگردانی
تحصیلات	کارشناسی ارشد سینما، دکترای ادبیات شرق
کتابها	رفته بودی برایم کمی جنوب بیاوری،

مردن به زبان مادری،
سنگ‌های تهِ ماهه،
با خودم حرف می‌زنم،
همیشه دری باز به دربه‌دری بودم،
عاشقانه‌های ناکجا

نمایشنامه‌ها

«نهمین روز دریا»
«با خودم حرف می‌زنم»

فیلم‌نامه‌ها

«می‌خواهم مجسمه باشم»
«پیش از طلوع»
«به خواب من بیا»

دلیل سرشناسی

شاعر و نویسنده

روجا چمن کار (زاده ۱۳۶۰، برازجان) نویسنده و شاعر ایرانی است.

وی در سال ۱۳۹۰ برنده جایزه کتاب سال شعر جوان (به نام قیصر امین‌پور) از سوی وزارت ارشاد ایران گردید که مورد انتقاد وبگاه فارس نیوز قرار گرفت.

تحصیلات

چمنکار تحصیلات دانشگاهی خود را در رشته سینما در دانشگاه هنر (تهران) آغاز کرد، در دوره کارشناسی ارشد به تحصیل در رشته ادبیات نمایشی در همان دانشگاه پرداخت و سپس به فرانسه رفت و به تحصیل در رشته زبان‌های شرق (ادبیات معاصر فارسی) در مقطع دکترا و نیز سینما در مقطع کارشناسی ارشد مشغول شد.

فعالیت

چمنکار علاوه بر سرودن شعر به نویسندگی و نمایشنامه‌نویسی و فیلمنامه‌نویسی نیز مشغول است. اولین سروده‌های او در ده سالگی در نشریات شیراز به چاپ رسید.

آثار چمنکار توسط روزنامه‌ها و نشریه‌های ادبی معتبری چون آدینه، کارنامه، نافه، نگاه نو، رودکی و گوهران منتشر شده و بارها کاندیدا و برگزیده انجمن‌های ادبی مختلفی چون: کاندیدای سومین دوره جایزه شعر امروز ایران (کارنامه)، برگزیده چهارمین دوره جایزه شعر امروز ایران (کارنامه)، برنده دومین دوره شعر زنان ایران (خورشید) شده است.

اولین مجموعه شعر او «رفته بودی برایم کمی جنوب بیاوری» در سال ۱۳۸۰ منتشر شد و «همیشه دری باز به دربه‌دری بودم» دفتر شعری اخیر اوست.

از دیگر فعالیت‌های او باید به مسئولیت انجمن شعر و ادب دانشگاه هنر در ۱۳۸۱؛ شرکت در چندین فستیوال شعری در شهرهایی چون گوتنبرگ، وین، پاریس، استراسبورگ، نانت؛ داور سایت‌های ادبی ماه مگ (۱۳۸۵) و مانیفست (۱۳۸۶)؛ مدرس اولین کارگاه مجازی شعر در سایت نویسش و همکاری

با گروه موسیقی لیان در زمینه ترانه اشاره کرد. وی در سال ۱۳۸۴ به دعوت کشور فرانسه در دو سالانه بین‌المللی شعر فرانسه برای شعرخوانی در شهرهای پاریس و نانت شرکت کرد.

زندگی و نقد اشعار روجا چمنکار در کتابهایی چون «عاشقانه‌ترین‌ها» (علی باباچاهی)؛ «سیر تحول در شعر امروز» (کاظم کریمیان)؛ «شعر امروز، زن امروز» (علی باباچاهی)؛ «رها ز منت باران» (گزیده شعر و زندگی شاعران دشتستان به سعی محمد غلامی) مورد بررسی قرار گرفته‌است.

سبک

شعر چمنکار زبانی ساده دارد؛ پر از تصاویر بدیعی است که از تجربه‌های زیست شده و اندیشه شاعر نشأت می‌گیرد. او از تجربه‌ها و کشفهای متفاوت زبانی برای رسیدن به روابط ذهنیاش استفاده می‌کند. وی اتفاقات زندگی را در شعرهایش به تصویر میکشد، و از زادگاهش دریا را به شعر می‌آورد و به قول خودش دریا در شعرش نشئت می‌کند. تحصیل در رشته سینما او را به سوی قابلیت‌های تصویری در شعرش سوق داده است. چمنکار با اینکه شاعر تکنیکی نیست اما از تکنیک در شعرهایش بهره مناسب و هنرمندانه‌ای میبرد. فضا سازی، استفاده از دیالوگ، نور و صدا از دیگر ویژگی‌های آثار اوست.

آثار

مجموعه شعر

- «رفته بودی برایم کمی جنوب بیاوری» اولین اثر شعری (۱۳۸۰ / نشر ثالث/ ایران)
- «سنگ‌های نُه ماهه» (۱۳۸۱ / نشر ثالث/ ایران)
- «با خودم حرف می‌زنم» (۱۳۸۷ / نشر ثالث/ ایران)
- «مردن به زبان مادری» (۱۳۸۹ / نشر چشمه/ ایران)
- «همیشه دری باز به دربه‌دری بودم» آخرین دفتر که توسط نشر ناکجا (پاریس) برای اولین بار به چاپ رسیده است.
- «راه رفتن روی بند» آخرین دفتر که توسط نشر باران میشان (تهران) در سال ۱۳۹۲ منتشر شده‌است.

نمایشنامه

- «نهمین روز دریا»
- «با خودم حرف می‌زنم»

فیلمنامه بلند

- «می‌خواهم مجسمه باشم»
- «پیش از طلوع»
- «به خواب من بیا»

فیلم کوتاه

- «فضه»
- «یادها، بوسه‌ها، خنجرها»، مستندی از زندگی و شعر منوچهر آتشی



رؤیا زرین

زاده ۱۳۵۱ الیگودرز

پیشه شاعر مترجم

زندگی

رؤیا زرین در سال ۱۳۵۲ در شهرستان الیگودرز متولد شد. وی دارای مدرک کاردانی زبان فرانسه از دانشگاه شهید چمران اهواز است. رؤیا زرین از سال ۱۳۶۵ به عضویت انجمن ادبی الیگودرز درآمد. رؤیا زرین، شاعری را با قالب‌های متعدد شعر کلاسیک آغاز کرده و با عبور از شعر کلاسیک به نیمایی و سپس به سپید روی آورد. زرین، در سال ۱۳۸۲ با چاپ مجموعه شعر «زمین به اوراد عاشقانه محتاج است» نام خود را به عنوان یکی از شاعران جوان موفق کشور به ثبت رساند.

وی علاوه بر شاعری، چندین کتاب با موضوع فلسفه برای کودکان را از زبان فرانسه به فارسی ترجمه کرده است. زرین، در دی ماه ۸۷ با کتاب «می‌خواهم بچه‌هایم را قورت بدهم» نام خود را به عنوان برنده اولین دوره جایزه خورشید (فروغ) ثبت و لوح این جشنواره را از دست‌ان سیمین بهبهانی دریافت نمود.

زرین از سال ۱۳۹۲ به کشور سوئد مهاجرت کرده و در این کشور ساکن می‌باشد.

کتاب‌شناسی

شعر

- می‌خواهم بچه‌هایم را قورت بدهم
- من از کنار برج بابل آمده‌ام
- زمین به اوراد عاشقانه محتاج است
- شیوه‌های دلپذیر آوریل
- به خاطر دنیای جدید
- کرگدن چوبی
- روزی که زمین مادر است.

ترجمه

- زندگی دسته جمعی یعنی چه؟

- عشق و دوستی
- خوب و بد یعنی چه؟
- زندگی یعنی چه

جوایز

- برنده نخستین دوره جایزه شعر زنان ایران برای کتاب «می‌خواهم بچه‌هایم را قورت بدهم»
- برنده کتاب سال جایزه کنگره ایوار برای کتاب می‌خواهم بچه‌هایم را قورت بدهم
- برنده اولین دوره جایزه نیما برای شعرهایی از کتاب منتشر نشده بلقیس در وضعیت تله زنگ.
- برنده جایزه شعر خبرنگاران برای کتاب شیوه‌های دلیذیر آوریل.



ژاله اصفهانی

زاده ۱۳۰۰ خورشیدی / ۱۹۲۱ میلادی

تیران، اصفهان، ایران

درگذشت ۷ آذر ۱۳۸۶ / ۲۸ نوامبر ۲۰۰۷

لندن، انگلستان

محل زندگی اصفهان، مسکو، لندن

دیگر نام‌ها مهناز طوسی

عنوان شاعر امید

همسر شمس‌الدین بدیع تبریزی

www.jalehesfahani.com

وبگاه

ژاله اصفهانی با نام اصلی اطل سلطانی (زاده ۱۳۰۰ خورشیدی - درگذشته ۷ آذر ۱۳۸۶)، شاعر ایرانی که به «شاعر امید» معروف بود.

زندگی‌نامه

اطل سلطانی در سال ۱۳۰۰ خورشیدی در تیران زاده شد. وی اولین شعرش را در هفت سالگی سرود و در سیزده سالگی نام خویش را به «ژاله» تغییر داد. وی در سال ۱۳۲۳ در دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران به تحصیل پرداخت. او نخستین مجموعه شعرش با عنوان «گل‌های خود رو» را در دوران دانشجویی در سن ۲۲ سالگی منتشر کرد.

در ۲۵ سالگی همراه همسرش، «شمس‌الدین بدیع تبریزی» که عضو حزب توده بود به اتحاد شوروی مهاجرت کرد. سپس مدرک لیسانس در رشته ادبیات فارسی را از دانشگاه دولتی آذربایجان اتخاذ نمود؛ و در سال ۱۳۴۰ در مسکو از دانشگاه لمانوسوف مدرک دکترای گرفت؛ و به مدت بیست سال در «آکادمی بین‌المللی ادبیات ماکسیم گورکی» به تحقیق پرداخت.

در سال ۱۳۵۹ بعد از انقلاب، در سن ۶۰ سالگی به ایران بازگشت و مدتی را در زندان اوین گذراند اما مجبور شد به لندن مهاجرت کند.

ژاله اصفهانی دوازده مجموعه شعر منتشر نمود که مهمترین آنها عبارتند از: «زنده‌رود»

(۱۳۴۴ - مسکو)، «البرز بی‌شکست» (۱۳۶۲ - لندن)، «خروش خاموشی» (۱۳۷۰ - لندن).

ژاله اصفهانی که به دلیل روح اشعارش به «شاعر امید» معروف بود، روز ۷ آذر ۱۳۸۶ برابر ۲۸ نوامبر ۲۰۰۷ در سن ۸۶ سالگی، در بیمارستانی در شهر لندن درگذشت.

آثار

اشعار

- گل‌های خود رو، تهران، ۱۳۲۴
- زنده‌رود، مسکو، ۱۳۴۴
- زنده‌رود، چاپ دوم، تهران، ۱۳۵۸
- کشتی کبود، تاجیکستان، ۱۳۵۷
- نقش جهان، مسکو، ۱۳۵۹
- اگر هزار قلم داشتم، تهران، ۱۳۶۰
- البرز بی‌شکست، لندن، ۱۳۶۲
- البرز بی‌شکست، چاپ دوم، واشینگتن، ۱۳۶۵
- ای باد شرطه، لندن، ۱۳۶۵
- خروش خاموشی، سوئد، ۱۳۷۱
- سرود جنگل، لندن، ۱۳۷۲
- ترنم پرواز، لندن، ۱۳۷۵
- موج در موج، تهران، ۱۳۷۶

گزیده‌ای از اشعار او با نام پرنندگان مهاجر (Migrating Birds) به زبان انگلیسی انتشار یافته‌است.

سایر آثار

- نیما یوشیج: پدر شعر نو.
- عارف قزوینی: شعر و موسیقی مبارزش.
- هر گل بویی دارد: ترجمه اشعار خارجی به فارسی، لندن ۱۳۶۵
- ترجمه چند نمایشنامه از زبان آذری
- آثار تحقیقی و تطبیقی درباره شعر معاصر ایران، افغانستان و تاجیکستان
- سایه‌های سال، خاطرات.

دیگر افتخارات

ژاله اصفهانی بعد از پروین اعتصامی اولین زنی بود که کتاب شعرش را که شعرهای آن را در دوران دبیرستان سروده بود، به چاپ رساند.

شصت سال پیش در «نخستین کنگره نویسندگان ایران» به ریاست ملک‌الشعراى بهار و با شرکت فروزانفر و صادق هدایت و بسیاری دیگر، ژاله اصفهانی به عنوان یک زن شاعر یکی از شرکت‌کنندگان در این کنگره بود.

در ژوئن ۲۰۰۲ در «کنفرانس سالانه بنیاد پژوهش‌های زنان» که در کلرادو برگزار شد، ژاله اصفهانی به عنوان «زن برگزیده سال» انتخاب شد.

نمونه اشعار

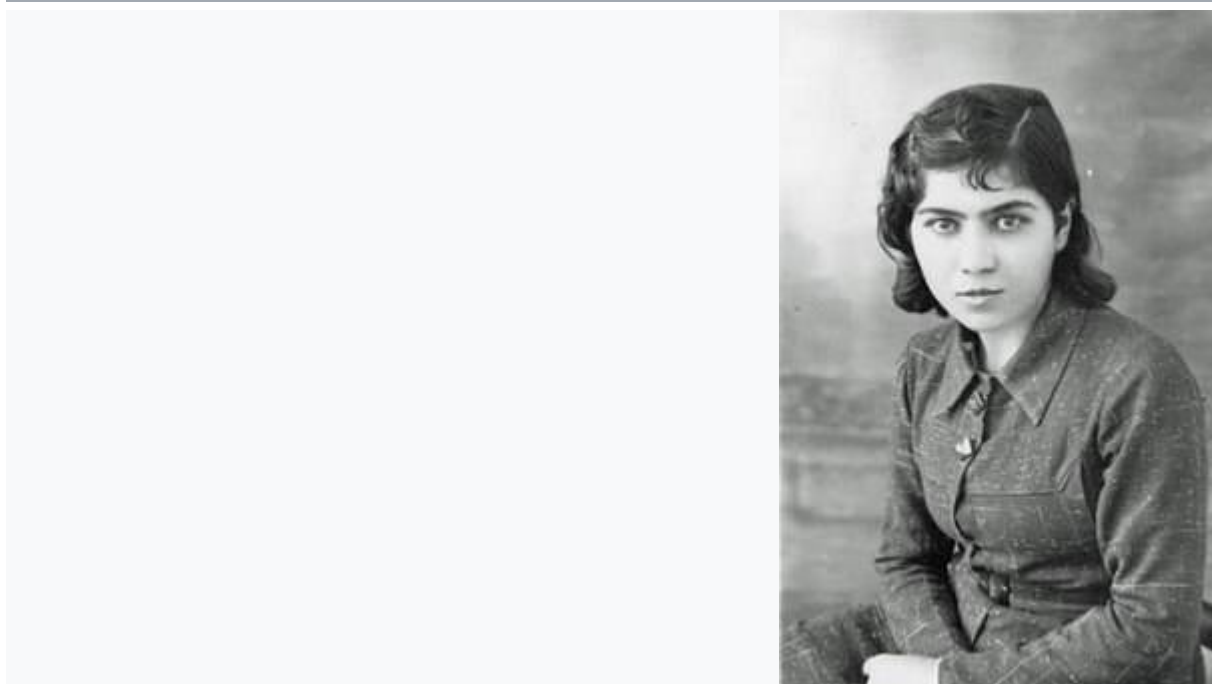
- بشکفد بار دگر لاله رنگین مراد، غنچه سرخ فروبسته دل باز شود / من نگویم که بهاری که گذشت آید باز، / روزگاری که به سر آمده، آغاز شود. / روزگار دگری هست و بهاران دگر
 - شاد بودن هنر است، / شاد کردن هنری والاتر / لیک هرگز نپسندیم به خویش، / که چو یک شکلک بی‌جان / شب و روز، / بی‌خبر از همه، / خندان باشیم. / بی‌غمی درد بزرگی است، / که دور از ما باد!
 - یاد تو / قطره قطره می‌چکد از چشمم / روی تو / رفته رفته می‌رود از یادم
 - «نه برکه، نه رود»:
- مرا بسوزانید / و خاکسترم را / بر آبهای رهای دریا برافشانید، / نه در برکه، / نه در رود: / که خسته شدم از کرانه‌های سنگواره / و از مرزهای مسدود.

زندگی صحنه یکتای هنرمندی ماست

دل من دیر زمانی ست که می‌پندارد
دوستی نیز گلی ست ... مثل نیلوفر و ناز
ساقه‌ی ترد ظریفی دارد
بی‌گمان سنگ‌دل است آنکه روا می‌دارد
جان این ساقه‌ی نازک را دانسته بیازارد

در زمینی که ضمیر من و توست
 از نخستین دیدار؛ هر سخن هر رفتار
 دانه‌هایی ست که می‌افشانیم؛ برگ و باری ست که می‌رویانیم
 آب و خورشید و نسیمش مهر است
 گر بدان گونه که بایست به بار آید
 زندگی را به دل‌انگیزترین چهره بیاراید
 آنچنان با تو درآمیزد این روح لطیف
 که تمنای وجودت همه او باشد و بس
 بی‌نیازت سازد از همه چیز و همه کس
 زندگی گرمی دل‌های به هم پیوسته است
 تا در آن دوست نباشد همه درها بسته است
 در ضمیرت اگر این گل ندمیده است هنوز
 عطر جان پرور عشق؛ گر به صحرای نهادت نوزیده است هنوز
 دانه‌ها را باید از نو کاشت
 آب و خورشید و نسیمش را از مایه‌ی جان خرج می‌باید کرد
 رنج می‌باید برد... دوست می‌باید داشت
 زندگی صحنه یکتای هنرمندی ماست
 هر کسی نغمه‌ی خود خواند و از صحنه رود
 صحنه پیوسته بجاست
 خرم آن نغمه که مردم بسپارند به یاد

ژاله قائم‌مقامی



عالم‌تاج قائم‌مقامی متخلص به ژاله (اسفند ۱۲۶۲، فراهان - ۵ مهر ۱۳۲۶، تهران) شاعر ایرانی بود. وی مادر حسین پژمان بختیاری می‌باشد.

زندگی‌نامه

ژاله در اسفندماه ۱۲۶۲ خورشیدی در فراهان زاده شد. مادرش مریم یا گوهر ملک دختر معین الملک بود و پدرش میرزا فتح‌الله، نبیره قائم‌مقام فراهانی. او در پنج سالگی خواندن فارسی و عربی را نزد یک شیخ آغاز کرد و تا پانزده سالگی دروس دیگر را آموخت.

در پانزده سالگی همراه خانواده اش به تهران رفت و در سال ۱۳۱۷ ق. با دوست پدرش، علی‌مرادخان بختیاری (علی‌مراد خان میرپنج بختیاری، خواهرش همسر سردار اسعد بود) که در خدمات لشکری و نظامی بود - و دخترانش از ژاله بزرگتر بودند - به ناچار ازدواج کرد و پسرش، حسین پژمان بختیاری را به دنیا آورد. ازدواج آن‌ها پس از دو یا سه سال به جدایی انجامید. پژمان ابتدا تحت سرپرستی پدرش بزرگ شد و با مرگ علی‌مرادخان سرپرستی او بر عهده علی‌قلی خان سردار اسعد و جعفرقلی خان سردار اسعد درآمد تا آن که در ۲۷ سالگی نزد مادرش رفت و تا پایان عمر ژاله با وی بود.

ژاله ۲۳ ساله بود که نهضت مشروطه به وقوع پیوست، اما او بیشتر شاعری بود درون گرا، چنان که حتی به دلیل شرایط تاریکی که در آن می‌زیست و اشعار زنانه و سنت شکنی که سروده بود شاعری خود را از دیگران و حتی از فرزندش مخفی می‌کرد.

به گفته پژمان، ژاله اواخر عمر را با خواندن کتاب‌های ادبی، تاریخ و نجوم سپری کرد و در ۵ مهر ۱۳۲۵ ساعت یک بعدازظهر در سن ۶۳ سالگی درگذشت و در امامزاده حسن در جنوب غرب تهران به خاک سپرده شد.

نمونه اشعار

بسته در زنجیر آزادیست سر تا پای من برده‌ام ای دوست و آزادی بود مولای من

...

از تو گر برتر نباشد جنس زن مانند توست
 در ره احقاق حق خویش و حق نوع خویش
 گم شد جوانیم همه در آرزوی عشق
 از حجب و از غرور دل خرده سنج من
 چه می شد آخر ای مادر اگر شوهر نمی کردم
 گر از بدبختیم افسانه خواند داستان گویی
 مگر بار گران بودیم و مشت استخوان ما
 بر آن گسترده خوان گویی چه بودم؟ گربه ای کوچک
 که غیر از لقمه ای نان خواهش دیگر نمی کردم
 زر و زیور فراوان بود و زیر منتم اما
 گرم چون خوش قدم مطبخ نشین می ساختی بی شک
 ای ذخیره کامرانیهای مرد
 تن فروشی باشد این یا ازدواج؟
 مردسیما ناجوانمردی که ما را شوهر است
 آن که زن را بی رضای او به زور و زر خرید
 گو، خلاف رای مغرور تو باشد رای من
 رسم و آیین مدارا نیست در دنیای من
 اما رهی نیافتم آخر به کوی عشق
 شد بهره ور ز عشق ولی ز آرزوی عشق
 گرفتار بلا خود را چه می شد گر نمی کردم
 به بدبختی قسم کان قصه را باور نمی کردم
 پدر را پشت خم می کرد اگر شوهر نمی کردم
 من مسکین تمنای زر و زیور نمی کردم
 چو او می کردم از خدمت ازو بهتر نمی کردم
 چند باید برده آسا زیستن؟
 جان سپاری باشد این یا زیستن؟
 مر زنان را از هزاران مرد نامحرم تر است
 هست نا محرم به معنی، ور به صورت شوهر
 است

سارا محمدی اردهالی



سارا محمدی اردهالی (زاده دی ۱۳۵۴ در تهران) شاعر، کارشناس پژوهشگری علوم اجتماعی دانشگاه شهید بهشتی و کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه علامه طباطبایی است. او یکی از بنیانگذاران وبگاه آینه است و بعضی شعرهایش را در وبلاگ خود، پاگرد منتشر می‌کند

آثار منتشر شده :

روباہ سفیدی که عاشق موسیقی بود - آهنگ دیگر - ۱۳۸۷

برای سنگ‌ها - نشر چشمه - ۱۳۹۰

خندد - انتشارات مروارید - ۱۳۹۲ بیگانه می

نمونه ای از اشعار :

دلم مرد می‌خواهد

دلم
مرد می‌خواهد
نابینا
خط بریل بداند
فصل به فصل
تتم را بخواند
بازی‌های ادبی‌ام را کشف کند
دستش را بگیرم
بازو به بازو
دنیا را برایش تعریف کنم
چشمش شوم
عصایش
و تمام زشتی‌های جهان را
برای او
از قلم بیندازم

=====

آرامم شکل تورهای کتان

آرامم
شکل تورهای کتان لباس‌های خواب
شکل یک آباژور کم نور
در سالنی متروک
آرامم
شکل چمدان لباس‌های زمستانی
شکل یک رومیزی که هزاربار
در ماشین لباس‌شویی شسته شده
روی بند خشک شده
روی میز پهن شده
آرامم

شکل مدادهای سفید مداد رنگی‌ها
آرامم
و به اشک‌هایم کاری ندارم

سپیده کاشانی



زاده مرداد ۱۳۱۵ کاشان

درگذشت ۲۴ بهمن ۱۳۷۱ سرطان روده

دیگر نام‌ها «سرور اعظم باکوچی»

پیشه شاعر

سرور اعظم باکوچی معروف به سپیده کاشانی (مرداد ۱۳۱۵ در کاشان - ۲۴ بهمن ۱۳۷۱ لندن) شاعر، ترانه‌سرا و مقام‌دار فرهنگی اهل ایران بود.

زندگی نامه

سرور اعظم باکوچی مشهور به سپیده کاشانی در سال ۱۳۱۵ خورشیدی در شهر کاشان متولد شد. سپیده کاشانی از سال ۱۳۴۷ همکاری خود را با مطبوعات کشور آغاز کرد. پس از آن، بیشتر مجله‌هایی که صفحات ادبی پربراری داشتند، اشعار او را به چاپ رساندند.

او از ۱۶ سالگی با اقامت در تهران به عرصه شعر و ادبیات ایران وارد شد و در سال ۱۳۵۲ نخستین مجموعه اشعارش را با نام «پروانه های شب» منتشر کرد.

بنا به نقل قول آشنایان؛ در پاسخ به مشتاقانی که تکرار چاپ «پروانه های شب» را از او می‌خواستند، پاسخ می‌داد: «من شعر دیروز خود را قبول ندارم. از چاپ این کتاب که یک سال گذشته است!»

بسیاری از شاعران بزرگ همچون مشفق کاشانی، یاور همدانی و... از آشنایان و همکاران او بودند.

او در سال ۱۳۵۸ خورشیدی، به سازمان رادیو دعوت شد و نخستین شعرش در رادیو (خاک آزادگان) خوانده شد. شعر خاک آزادگان او را در فارسی درس یازدهم پایه ی دهم نظام جدید آموزشی، نیز آورده اند.

فرزندان او سعید، سودابه، علی (سیامک) هستند.

نمونه شعر

خاک آزادگان

به خون گر کشتی خاک من، دشمن من
 بجوشد گل اندر گل از گلشن من.
 تنم گر بسوزی، به تیرم بدوزی
 جدا سازی ای خصم، سر از تن من.
 کجا می‌توانی، ز قلبم ربایی
 تو عشق میان من و میهن من.
 مسلمانم و آرمانم شهادت
 تجلی هستی ست، جان کندن من.
 مپندار این شعله افسرده گردد
 که بعد از من افروزد از مدفن من.
 نه تسلیم و سازش، نه تکریم و خواهش
 بتازد به نیرنگ تو، توسن من.
 کنون رود خلق است دریای جوشان
 همه خوشه خشم شد خرمن من.
 من آزاده از خاک آزادگانم
 گل صبر می‌پرورد دامن من.
 جز از جام توحید هرگز ننوشم
 زنی گر به تیغ ستم گردن من.
 بلند اخترم، رهبرم، از در آمد

بهار است و هنگام گل چیدن من

اواخر عمر

سپیده کاشانی به دو شیوه کلاسیک و نو شعر می سرود و سروده های او پس از وفاتش در دو کتاب « سخن آشنا » و « هزار دامن گل سرخ » به چاپ رسید. او در سن ۵۶ سالگی دارفانی را وداع گفت و در بهشت زهرای تهران به خاک سپرده شد.

محل خاکسپاری این شاعر پارسا، مقبره ۹۵۳، جنب قطعه ۲۶ بهشت زهرا (س) است.

آثار

- پروانه های شب
- هزار دامن گل سرخ
- سخن آشنا
- آنان که بقا را در بلا دیدند
- گزیده آثار

سیما یاری



سیما یاری شاعره معاصر در سال 1959 میلادی (1338) در تهران متولد شد. مهمترین ویژگی شعرهای سیما یاری سادگی آنهاست. اما مفهوم سادگی، خود مقوله بسیار پیچیده ای است. اگر چه بسیاری از شاعران معاصر این سادگی را هدف خود قرار داده اند، اما کمتر اثری از میان کارهای آنها بعنوان نمونه ای موفق بیاد مانده است. مرز میان سادگی و ابتذال (بمعنی تکراری بودن و توضیح و اضحات) آنقدر باریک است که شاعر یا نویسنده با کوچکترین لغزشی تلاش هایش بی ثمر می ماند در آثار سیما یاری ما شاهد چنین خطائی نیستیم. بگفته صاحب نظران، نگاه دقیق این شاعر هر چند روزمره ترین و عمومی ترین حوادث قابل دسترس همه آدمیان را می بیند، اما در نحوه بیان و گزینش این صحنه ها چنان تیزبینی بکار می برد که در کمتر اثر ادبی تا به امروز دیده شده است. مثلاً در شعر بسیار کوتاه " سعادت " دو واژه ابلیس و خیانت این بار معنایی تازه را هوشمندانه بر دوش می کشند.

هر چند این شاعر در هر چهار مجموعه چاپ شده شعرهایش از بکار بردن صنایع لفظی سنتی در شعر اجتناب می کند، اما با درک دستاوردهای جنبش شعر مدرن فارسی، سعی در گسترش این دستاورد ها دارد. در مجموع، سیما یاری را می توان شاعر امپرسیون نامید. اما تصویر لحظه های روزمره او، گویی، بی نهایت را در خود نهفته دارد. حضور انسان واقعیت فعالی است که در این آثار جلوه گر می شود. بعنوان موجودی که تاثیر می گذارد و تاثیر می پذیرد و بنا به این ارتباط است که

تعریف می‌شود و هستی می‌یابد. یکی از مهمترین آثار این شاعر منظومه "بینایی" در کتاب کلید است که بررسی آن به فرصتی دیگر موکول می‌شود. سیما یاری علیرغم جسارت در مظالمین بدیع، در عرصه زبان حرکتی محتاطانه (محافظه کارانه) دارد.

زبان در این آثار وسیله ارتباط بین مولف و جامعه تلقی شده است و به این دلیل است که از دخل و تصرف های خودسرانه در زبان این شاعر اثری دیده نمی‌شود. در این آشفته بازار انواع تجربه های بی ثمر، پروراندن زبان ساده شعری و پافشاری بر آن، کار آسانی نیست. اما باید اذعان کرد که این شاعر بخوبی از عهده این مهم برآمده است. نگاهی حتی گذرا بر شعرهای سیما یاری، او را بعنوان صدائی تازه و مستقل در شعر فارسی نشان می‌دهد. این حضور دلنشین بر علاقمندان شعر امروز فارسی مبارک باد. تا کنون چهار مجموعه شعر به ترتیب: آفتاب مهتاب در سال 1377، کلاغ پَر در سال 1379، صدف و قهوه در سال 1382 و بالاخره منظومه کلید در سال 1384، از سیما یاری به چاپ رسیده است.

این آثار که همگی نایابند، مدت هاست که در انتظار مجوز تجدید چاپ از وزارت ارشاد اسلامی هستند و مجوز پخش کتاب کلید که همراه با سی دی صدای شاعر است، لغو شده است. همچنین مجموعه های سال عسل، جدایی و دست آخر (در چهار جلد) و یک جلد داستان های کوتاه شاعر نیز آماده چاپ است. امیدواریم که همه کارهای سیما بزودی در دسترس علاقمندان شعر فارسی قرار بگیرد. همه ی اشعار تازه ی سیما (از سال 1386)، مجموعه های شبانه (سال 1386)، چشمک (سال 1387) و مجموعه سال زنبق (1388)، به طور کامل در این وب سایت شخصی ایشان در دسترس عموم قرار دارد. مجموعه گندم زار (1389)، نیز منظمأ در این وب سایت منتشر می‌شود.

سیمین بهبهانی



سیمین خلیلی

نام اصلی

۲۸ تیر ۱۳۰۶ تهران

زاده

محل زندگی	تهران
درگذشته	۲۸ مرداد ۱۳۹۳ (۸۷ سال)
آرامگاه	گورستان بهشت زهرا آرامگاه شماره ۷۲
لقب	«بانوی غزل» «نیمای غزل» «شاعر ملی» «شیرزن ایران»
پیشه	نویسنده و شاعر
زمینه کاری	غزل سرا
در زمان حکومت	پهلوی - جمهوری اسلامی
جوایز مهم	جایزه انجمن بین‌المللی قلم مجارستان جایزه سیمون دوبوار برای آزادی زنان جایزه یک عمر فعالیت ادبی جایزه شعر خبرنگاران
سال‌های فعالیت	۱۳۱۸ تا ۱۳۹۳
دلیل سرشناسی	شاعر، غزل سرا و فعال حقوق بشر و جنبش زنان.
تأثیرپذیرفته از	نیما یوشیج
همسرها	حسن بهبهانی منوچهر کوشیار
فرزندان	علی / حسین / امید (دختر)
پدر و مادر	عباس خلیلی / فخر عظمی ارغون
گفتاورد	دوباره می‌سازمت وطن اگرچه با خشت جان خویش

سیمین خلیلی معروف به سیمین بهبهانی (زاده ۲۸ تیر ۱۳۰۶ تهران - درگذشته ۲۸ مرداد ۱۳۹۳ تهران)، نویسنده، شاعر غزل‌سرای معاصر ایرانی و از اعضای کانون نویسندگان ایران بود. سیمین بهبهانی در طول زندگی‌اش بیش از ۶۰۰ غزل سرود که در ۲۰ کتاب منتشر شده‌اند. شعرهای سیمین بهبهانی موضوعاتی همچون عشق به وطن، زلزله، انقلاب، جنگ، فقر، تن‌فروشی، آزادی

بیان و حقوق برابر برای زنان را در بر می‌گیرند. او به خاطر سرودن غزل فارسی در وزن‌های بی‌سابقه به «نیمای غزل» معروف است.

زندگی شخصی

سیمین خلیلی معروف به سیمین بهبهانی در بیست و هشتم تیر ۱۳۰۶ خورشیدی برابر با ۲۰ ژوئیه ۱۹۲۷ میلادی در تهران به دنیا آمده بود. وی فرزند عباس خلیلی (شاعر و نویسنده و مدیر روزنامه اقدام) بود. میرزا حسین میرزاخلیل مشهور به میرزا حسین خلیلی تهرانی که از رهبران مشروطه بود، عموی پدر او و علامه ملاعلی رازی خلیلی تهرانی پدر بزرگ اوست. پدرش عباس خلیلی (۱۲۷۲ نجف - ۱۳۵۰ تهران) به دو زبان فارسی و عربی شعر می‌گفت و حدود ۱۱۰۰ بیت از ابیات شاهنامه فردوسی را به عربی ترجمه کرده بود و در ضمن رمان‌های متعددی را هم به رشته تحریر درآورد که همگی به چاپ رسیدند.

مادر او فخر عظمای ارغون (۱۲۷۷-۱۳۴۵ ه.ش) دختر مرتضی قلی ارغون (مکرم السلطان خلعتبری) از بطن قمر خانم عظمت السلطنه (فرزند میرزا محمد خان امیرتومان و نبیره امیر هدایت الله خان فومنی) بود. فخر عظمی ارغون فارسی و عربی و فقه و اصول را در مکتبخانه خصوصی خواند و با متون نظم و نثر آشنایی کامل داشت و زبان فرانسه را نیز زیر نظر یک مربی سوئیسی آموخت. او همچنین از زنان پیشرو و از شاعران موفق زمان خود بود و در انجمن نسوان وطن‌خواه عضویت داشت و مدتی هم سردبیر روزنامه آینده ایران بود. او همچنین عضو کانون بانوان و حزب دموکرات بود و به عنوان معلم زبان فرانسه در آموزش و پرورش خدمت می‌کرد.

پدر و مادر سیمین که در سال ۱۳۰۳ ازدواج کرده بودند، در سال ۱۳۰۹ از هم جدا شدند و مادرش با عادل خلعتبری (مدیر روزنامه آینده ایران) ازدواج کرد و صاحب سه فرزند دیگر شد.

زندگی خانوادگی

سیمین بهبهانی در سال ۱۳۲۵ با حسن بهبهانی ازدواج کرد و به نام خانوادگی همسر خود شناخته شد. وی از این ازدواج دو پسر با نام‌های علی و حسین، و یک دختر به نام امید دارد. ابوالحسن تهامی‌نژاد دویلور و صدائیشه ایرانی، داماد اوست. سیمین بهبهانی در سال ۱۳۴۹ از حسن بهبهانی جدا شد و در همان سال با منوچهر کوشیار، که در دوران دانشجویی با او آشنا شده بود، ازدواج کرد. منوچهر کوشیار تیرماه ۱۳۶۳ در اثر عارضه قلبی درگذشت.

زندگی حرفه‌ای

او سال‌ها در آموزش و پرورش با سمت دبیری کار کرد. سیمین بهبهانی سی سال (از سال ۱۳۳۰ تا سال ۱۳۶۰) تنها به تدریس اشتغال داشت و شغلی مرتبط با رشته حقوق را قبول نکرد.

در سال ۱۳۴۲ خورشیدی او از اعضای اصلی انجمن ادبی ایران درآمد و جزو معدود زنان عضو این انجمن قرار گرفت.

در ۱۳۴۸ به عضویت شورای شعر و موسیقی درآمد. سیمین بهبهانی، هوشنگ ابتهاج، نادر نادریور، یدالله رویایی، بیژن جلالی و فریدون مشیری این شورا را اداره می‌کردند. سیمین بهبهانی پیش از انقلاب اسلامی مدتی عضو شورای موسیقی رادیو و تلویزیون ملی ایران بود. او برای رادیو ترانه هم شعر می‌سرود. او در سال ۱۳۵۷ عضویت در کانون نویسندگان ایران را پذیرفت.

خوانندگان بسیاری چون شجریان، لیلا فروهر، الهه، اکبر گلپایگانی، داریوش، ایرج، عارف، سپیده، کورس سرهنگزاده، رامش، عهديه، سیما بینا، پوران، دلکش و مرضیه و... سروده‌های وی را خوانده‌اند.

در ۱۳۷۸ سازمان جهانی حقوق بشر در برلین مدال کارل فون اوسی یتسکی را به سیمین بهبهانی اهدا کرد. در همین سال سازمان دیدبان حقوق بشر نیز جایزه لیلیان هیلمن / داشیل هامت را به وی اعطا کرد. در سال ۲۰۰۸ (۱۳۸۶) نخستین دوره جایزه بینا برگزار و جایزه به سیمین بهبهانی اهدا شد.

در هفتم شهریور سال ۱۳۹۲ (۲۹ اوت ۲۰۱۳) جایزه یانوش یانونیوش (Janus Pannonius) از سوی انجمن قلم مجارستان، در شهر پیچ کشور مجارستان با حضور سیمین به وی اهدا شد. این جایزه شامل تندیس و پنجاه هزار پوند بود. در این مراسم، فرزانه میلانی مترجم آثار سیمین به زبان انگلیسی نیز حضور یافت.

سیمین شعر معروف «دوباره می‌سازمت وطن» را در سال ۱۳۵۹ سرود. این ترانه توسط داریوش اقبالی خواننده ایرانی اجرا شد و همچنین شعر امشب اگر یاری کنی با صدای لیلافروهر در سال ۱۳۹۱ اجرا شد.

باراک اوباما رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا در پیامی تلویزیونی به ایرانیان به مناسبت فرارسیدن نوروز ۱۳۹۰، ترجمه‌ای انگلیسی از غزل دوباره می‌سازمت وطن سیمین بهبهانی را خواند.

قدمعلی سرامی از دوستان سیمین بهبهانی شعر ایشان را اینگونه توصیف کرده است: «سیمین همان‌طور که نتوانست از شعر اجتماعی و غزل یکی را برگزیند و ناگزیر غزل خود را به اجتماع پیوند زد، نتوانست از میان نو و کهن نیز یکی را برگزیند؛ بنابراین کوشید تا این دو را نیز در هم بیامیزد و این آمیزش در غزل‌های او با ظرافت صورت گرفته است، منتهی در غزل‌های این دو مجموعه‌ی پسین، سیمین قالب را از قدما وام گرفت و محتوا و اندیشه‌ها و مضامین را از روزگار خویش. او به جای اینکه قالب این خشت را در آتش بیفکند و خشت نو از قالب دیگر بزند، قالب کهنه را نگه داشت؛ اما خشت نو زد، به همین دلیل غزل‌های او به غزل‌های شاعران نوپرداز می‌همچون نادرپور، توللی و سایه نزدیک‌تر است تا به غزل‌های کهنه‌سرایان این سال و زمانه.»

فعالیت‌های اجتماعی

سیمین بهبهانی در سال ۱۳۶۷ و در بحبوحه قتل‌عام زندانیان سیاسی شعری سرود تحت عنوان ای مادران.

سیمین بهبهانی در تجمع اعتراضی جنبش زنان ایران در پارک دانشجو مورد حمله مأموران نیروی انتظامی قرار گرفت. وی از مأموری که او را مورد ضرب و شتم قرار داده بود، به قوه قضائیه شکایت کرد اما در نهایت به گفته نسرين ستوده، وکیل سیمین بهبهانی «پرونده بسته شد».

سیمین بهبهانی در تاریخ ۱۰ شهریور ۱۳۸۷، در اعتراض به «لایحه حمایت از خانواده» به همراه جمعی از فعالان حقوق زنان در مجلس شورای اسلامی حضور یافت و خطاب به نماینده‌ای گفت: «آقا جان من به شما رای ندادم، چون اصلاً مجلس شما را قبول ندارم، اما آمده‌ام این‌جا به شما بگویم که به مردمی که به‌تان رای داده‌اند، خیانت نکنید و اجازه ندهید مجلس لایحه‌ای را تصویب کند که به ضد زنان ایران است».

بهبهانی، در روز ۱۷ اسفند ۱۳۸۸، هنگامی که قرار بود برای انجام معالجات پزشکی و سخنرانی در روز جهانی زن به پاریس برود، با ممانعت مأموران امنیتی روبرو شد. مأموران با توقیف گذرنامه‌اش در فرودگاه، به او اعلام کردند که «ممنوع‌الخروج است».

وی تا هنگام مرگ ریاست افتخاری هیئت امنای کتابخانه صدیقه دولت‌آبادی را بر عهده داشت.

بیماری و درگذشت



مقبره سیمین بهبهانی واقع در آرامگاه خانوادگی وی

سیمین بهبهانی که به علت مشکلات تنفسی و قلبی در بیمارستان یارس تهران بستری بود، از پانزدهم مرداد در کما به سر می‌برد و سرانجام ساعت یک بامداد روز سه‌شنبه، ۲۸ مرداد ۱۳۹۳ خورشیدی برابر با ۱۹ اوت ۲۰۱۴ میلادی، در سن ۸۷ سالگی درگذشت. پیکر او با حضور مردم و ادیبان و هنرمندان از مقابل تالار وحدت تشییع شد و در بهشت زهرا در مقبره خانوادگی و کنار پدرش به خاک سپرده شد.

تشییع و خاکسپاری

سخنان حافظ موسوی در بزرگداشت سیمین بهبهانی

بزرگداشت از خانم بهبهانی، تجلیل از شعر است و شعر با وجود پیشرفت هنرهای دیگر هنوز برای ما ایرانیان گویاترین آیین احساس است. این موضوع حتی شاید جای تأسف داشته باشد؛ چراکه در جوامع مدرن عکس این موضوع اتفاق می‌افتد. خانم بهبهانی به‌نوعی عصاره شعر و دنباله سنت شعر فارسی هستند. شعر ایشان تاریخ‌نگاری روح جمعی ما ایرانیان است. نیما درباره شعر حافظ گفته است: «شعر حافظ موسیقی روح ایرانی است»، شعر خانم بهبهانی هم با روح و روان و اتفاق‌های اجتماعی ما تنظیم شده است و این دلیل مقبولیت ایشان است. در غزل‌های ایشان تنوع مضمون و تکرار موضوعی دیده می‌شود. اساساً غزل برای چنین ظرفیت‌هایی ساخته نشده است و ایشان این ظرفیت‌ها را ایجاد کردند. علی‌محمد حق‌شناس، که خدایش بیامرزد، درباره ایشان گفتند: نیمای غزل؛ سیمین

صبح جمعه ۳۱ مرداد ۱۳۹۳ در مراسم تشییع و خاکسپاری سیمین بهبهانی جمعیت بزرگی از دوستان و طرفدارانش به تالار وحدت آمده بودند. در این مراسم شخصیت‌های شناخته‌شده‌ای همچون محمود دولت‌آبادی، جواد مجابی، محمد رضا شجریان، شهرام ناظری، همایون شجریان، صدیق تعریف، ابوالحسن تهامی‌نژاد (دوبلور و داماد سیمین بهبهانی) و علی بهبهانی پشت تریبون رفتند و درباره او سخنانی گفتند. شهرام ناظری غزل «دوباره می‌سازمت وطن» و همایون شجریان غزل «رفت آن سوار کولی» سیمین بهبهانی را به آواز خواندند. در این مراسم حاضران بارها سرودهای «مرغ سحر» «مرا ببوس» را با هم خواندند و در برخی مواقع با صدای دست، شعار «سیمین بهبهانی در دل ما می‌مانی» و «سیمین بهبهانی هویت ایرانی» را سر دادند. پیکر سیمین بهبهانی سرانجام در آرامگاه شماره ۷۲ بهشت زهرا (آرامگاه خاندان پدرش) به خاک سپرده شد.

به ادعای داماد بهبهانی، او در وصیتش گفته بود مرا یا در امامزاده طاهر کنار شوهر و نوهام یا در آرامگاه خانوادگی کنار گور پدرم در بهشت زهرا به خاک بسپارید و فرزندانش گزینه دوم را انتخاب کردند.

اما بنا بر ادعای فریبرز رئیس‌دانا پس از مرگ سیمین بهبهانی در بامداد روز سه شنبه، فرزندان او برای انجام وصیتش که دفن شدن در کنار همسر و نوه‌اش در گورستان امامزاده طاهر بود تلاش فراوان کردند. اما اجازه دفن سیمین بهبهانی در این مکان که برخی اعضای کانون نویسندگان ایران همچون محمد مختاری و احمد شاملو نیز در آن آرمیده بودند به وسیله شهرداری کرج و دولت داده نشد. تلاش‌ها برای اجرای وصیت سیمین بهبهانی باعث شد تا پیکر او سه روز در بیمارستان بماند و روز جمعه ۳۱ مرداد ۱۳۹۳ از مقابل تالار وحدت تشییع و در بهشت زهرا دفن شود در حالی که پسر او قبلاً به خبرگزاری‌ها گفته بود سیمین بهبهانی از مقابل درب خانه‌اش تشییع خواهد شد.

با یادداشتی که فریبرز رئیس‌دانا با ادعای انعکاس نظر کانون نویسندگان ایران در صفحه فیس‌بوک خود منتشر کرد، اعضای کانون مراسم تشییع سیمین بهبهانی را تحریم کردند. خبر تشییع پیکر سیمین بهبهانی از تالار وحدت باعث شد که تعدادی از شاعران سرشناس عضو کانون نویسندگان همچون سید علی صالحی و محمد علی سپانلو در مراسم تشییع و خاکسپاری شرکت نکنند. رئیس دانا در جایی از نوشته خود مدعی شده بود: «سخنرانان در مراسم تشییع سیمین بهبهانی تعیین شده‌اند و از کانون نویسندگان کسی اجازه سخنرانی در این مراسم را ندارد.» او همچنین افزوده بود: «من و تقریباً همه دوستان کانون به انتخاب خودشان با تو از همین‌جا بدرود می‌گوییم و به احترام نام بلندت که خاتون غزل آزادی و از سرداران کانون نویسندگان ایران بودی در مراسم فردا و هیچ‌یک از مراسم تحمیلی ریاکارانه از این دست شرکت نخواهیم کرد.»

رئیس دانا در مصاحبه بعد خود گفت که در این مورد نظر شخصی خود را گفته و نماینده نظر کانون نبوده‌است. او افزود که می‌دانم که تصمیم نهایی در این مورد با خانواده محترم ایشان است اما قرار محل تشییع و تدفین بدون مشورت با اعضای کانون گذاشته شده و آگهی گردیده‌است.

حواشی

در گزارش مراسم تشییع سیمین بهبهانی ادعاهایی مبنی بر عدم رعایت پاره‌ای شئون اسلامی از سوی رسانه‌های منتسب به حکومت جمهوری اسلامی مطرح شد. حامد داراب و افسین شاگرد سیمین بهبهانی به این حواشی پاسخ داده است.

نمونه شعر

دوباره می سازمت وطن	دوباره می سازمت، وطن!
دوباره می‌بومیم از تو گل	ستون به سقف تو می‌زنم
دوباره می‌شویم از تو خون	دوباره می‌بومیم از تو گل
دوباره یک روز روشنا	دوباره می‌شویم از تو خون
به شعر خود رنگ می‌زنم	سیاهی از خانه می‌رود
اگرچه صدساله مرده‌ام	ز آبی ی آسمان خویش
که بر درم قلب اهرمن	به گور خود خواهم ایستاد
کسی که «عظم رمیم» را	ز نعره آن چنان خویش
	دوباره انشا کند به لطف

چو کوه، می بخشدم شکوه	به عرصه امتحان خویش
اگرچه پیرم، ولی هنوز	مجال تعلیم اگر بود
جوانی آغاز می‌کنم	کنار نوباوگان خویش
حدیث «حُبُّ الْوَطَنِ» ز شوق	بدان روش ساز می‌کنم
که جان شود هر کلام دل	چو برگشایم دهان خویش
هنوز در سینه آتشی	به جاست کز تاب شعله اش
گمان ندارم به کاهشی	ز گرمی ی دودمان خویش
دوباره می‌بخشی ام توان	اگر چه شعرم به خون نشست
دوباره می‌سازمت به جان	اگر چه بیش از توان خویش

این شعر از مشهورین غزل‌های سیمین بهبهانی است. بهبهانی این شعر را اسفند سال ۱۳۶۰ سرود و به بانوی قصه فارسی، سیمین دانشور پیشکش کرد. این غزل در دفتر «دشت ارژن» سیمین بهبهانی به چاپ رسیده است. در سال ۱۳۸۲ داریوش اقبالی ابیاتی از این شعر را به آواز خواند که اثری بسیار موفق شد.

• یک متر هفتاد صدم

یک متر هفتاد صدم افراشت قامت سخنم	یک متر و هفتاد صدم از شعر این خانه منم
یک متر و هفتاد صدم پاکیزگی ساده دلی	جان دل‌آرای غزل جسم شکیبایی زنم
زشت است اگر سیرت من خود را در آن	هیها که سنگم نرنی آینه ام می‌شکنم
می‌نگری	
از جای برخیزم اگر پر سایه ام بیدبم	بر خاک بشینم اگر فرش ظریفم چمنم
یک مغز و صد بیم عصص فکر است در چارقدم	یک قلب و صد شور هوس شعر است در پیرهنم
بر ریشه ام تیشه مزن! حیف است افتادن من	در خشکساران شما سروم، بلوطم، چمنم
ای جملگی دشمن من! جز حق چه گفتم به سخن؟	پاداش دشنام شما آهی به نفرین نزنم
انگار من زادمتان کژتاب بدخوی و رمان	دست از شما گر بکشم مهر از شما برنکنم
انگار من زادمتان ماری که نیشم بزند	من جز مدارا چه کنم با پاره جان تنم
هفتاد سال این گل جا ماندم که از کف نرود	یک متر هفتاد صدم: گورم به خاک وطنم

کتاب‌شناسی

- سه‌تار شکسته (۱۳۳۰/۱۹۵۱)
- جای پا (۱۳۳۵/۱۹۵۴)
- چلچراغ (۱۳۳۶/۱۹۵۵)
- مرمر (۱۳۴۱/۱۹۶۱)
- رستاخیز (۱۳۵۲/۱۹۷۱)
- خطی ز سرعت و از آتش (۱۳۶۰/۱۹۸۰)
- دشت ارژن (۱۳۶۲/۱۹۸۳)

- گزینه اشعار (۱۳۶۷)
- درباره هنر و ادبیات (۱۳۶۸)
- آن مرد، مرد همراهم (۱۳۶۹)
- کاغذین جامه (۱۳۷۱/۱۹۹۲)
- کولی و نامه و عشق (۱۳۷۳)
- عاشق‌تر از همیشه بخوان (۱۳۷۳)
- شاعران امروز فرانسه (۱۳۷۳) [ترجمه فارسی از اثر پیر دوبادفر، چاپ دوم: ۱۳۸۲]
- با قلب خود چه خریدم؟ (۱۳۷۵/۱۹۹۶)
- یک دریچه آزادی (۱۳۷۴/۱۹۹۵)
- مجموعه اشعار (۲۰۰۳)
- یکی مثلاً این که (۲۰۰۵)
- با مادرم همراه - زندگی‌نامه خود نوشت (۱۳۹۰)
- شعر زمان ما (۱۳۹۱)
- مجموعه اشعار سیمین بهبهانی (۱۳۹۱)



طاهره صفارزاده

زاده	۲۷ آبان ۱۳۱۵ <u>سیرجان</u>
درگذشته	۴ آبان ۱۳۸۷ (۷۲ سال) ضایعه مغزی بیمارستان ایران مهر <u>تهران</u>
پیشه	<u>شاعر</u> ، پژوهشگر و مترجم
جوایز مهم	<u>شاعر</u> برگزیده جشنواره بین‌المللی شعر فجر سال ۱۳۸۵
کتاب‌ها	<u>ترجمه قرآن</u>
دیوان اشعار	رهگذر مهتاب طنین دل‌تا سفر پنجم بیعت با بیداری دیدار صبح
همسر	<u>عبدالوهاب نورانی وصال</u>

طاهره صفارزاده، (۲۷ آبان ۱۳۱۵، سیرجان - ۴ آبان ۱۳۸۷، تهران)، شاعر، پژوهشگر و مترجم ایرانی قرآن بود. او برگزیده اولین دوره جشنواره بین‌المللی شعر فجر در بخش نو (سپید و نیمایی) بود. زبان و ادبیات انگلیسی را در دانشگاه تهران خوانده و در آمریکا در رشته‌ی نقد تئوری علمی در ادبیات جهان به تحصیل پرداخته بود. به‌جز مجموعه‌های شعر و ترجمه، چند کتاب هم در زمینه‌ی نقد ترجمه از او به‌چاپ رسیده‌اند.

وی نخستین کسی است که ترجمه‌ای دوزبانه از قرآن به انگلیسی و فارسی را انجام داد.

زندگی‌نامه

صفارزاده در ۲۷ آبان ۱۳۱۵ در سیرجان استان کرمان زاده شد. وی پس از کسب مدرک لیسانس در رشته زبان و ادبیات انگلیسی، برای ادامه تحصیل به خارج از کشور رفت. در سال ۱۳۷۱ از سوی وزارت فرهنگ و آموزش عالی، عنوان استاد نمونه به وی اعطا شد و در سال ۱۳۸۰ پس از انتشار ترجمه قرآن به انگلیسی و فارسی عنوان «خادم‌القرآن» را کسب کرد.

او در سال ۲۰۰۵، از سوی انجمن نویسندگان آفریقایی و آسیایی در مصر، به عنوان برترین زن مسلمان برگزیده شد. وی همسر عبدالوهاب نورانی وصال، از اساتید نامی ادبیات شیراز و سومین نسل از خاندان وصال بود.

درگذشت

طاهره صفارزاده پنجم مهرماه سال ۱۳۸۷ به‌علت ضایعه مغزی در بیمارستان ایرانمهر تهران بستری و جراحی شد، حدود ساعت ۹:۳۰ صبح روز ۴ آبان در همان بیمارستان در سن ۷۲ سالگی درگذشت. وی در امامزاده صالح تجریش به خاک سپرده شد.

نامگذاری خیابان

احمد مسجدجامعی در جلسه شورای شهر در مورخ ۴ آبان ۸۹، با بزرگداشت یاد و خاطره طاهره صفارزاده، تسریع در نامگذاری خیابان یا مکانی فرهنگی به نام این شاعر و مترجم فقید قرآن را خواستار شد. در اسفند ۹۹ خیابان فتح در حاشیه بزرگراه صدر تهران، به نام طاهره صفارزاده تغییر نام یافت.

کتاب‌شناسی

مجموعه شعر

- رهگذر مهتاب (۱۳۴۱)
- چتر سرخ (به انگلیسی) (۱۳۴۷)
- طنین در دلنا (۱۳۴۹)
- سد و بازوان (۱۳۵۰)
- سفر پنجم (۱۳۵۶)
- حرکت و دیروز (۱۳۵۷)
- بیعت با بیداری (۱۳۶۶)
- مردان منحنی (۱۳۶۶)
- دیدار با صبح (۱۳۶۶)

ترجمه‌پژوهی

- اصول و مبانی ترجمه: تجزیه و تحلیلی از فن ترجمه ضمن نقد عملی آثار مترجمان (۱۳۵۸)
- ترجمه‌های نامفهوم (۱۳۸۴)

ترجمه قرآن

- ترجمه مفاهیم بنیادی قرآن مجید (فارسی و انگلیسی) (۱۳۷۹)
- ترجمه قرآن حکیم (سه زبانه؛ متن عربی با ترجمه فارسی و انگلیسی) (۱۳۸۰)
- ترجمه قرآن حکیم (دو زبانه؛ متن عربی با ترجمه فارسی) (۱۳۸۲)
- ترجمه قرآن حکیم (دو زبانه؛ متن عربی با ترجمه انگلیسی) (۱۳۸۵)



فخر عظمی ارغون

نام اصلی	فخر عادل خلعتبری
زاده	۱۲۷۷
درگذشته	۱۳۴۵ و اشینگتن دی‌سی
آرامگاه	<u>گورستان ابن بابویه</u>
پیشه	معلم، روزنامه‌نگار، شاعر
زمینه کاری	معلم، روزنامه‌نگار، شاعر
دلیل سرشناسی	سردبیر روزنامه آینده ایران، عضو حزب دموکرات ایران
فرزندان	سیمین، عادل‌نژاد، عادل‌فر، ترانه
پدر و مادر	پدر: مرتضی‌قلی خان ارغون مادر: قمر خانم معروف به عظمت‌السلطنه

فخر عظمی ارغون (فخر عادل خلعتبری) (۱۲۷۷-۱۳۴۵) روزنامه‌نگار و از شاعران صاحب‌نام ایران و مادر سیمین بهبهانی بود.

فخر عظمی از زنان پیشرو جنبش زنان ایران و از شاعران موفق زمان خود بود و در انجمن نسوان وطن‌خواه عضویت داشت (۱۳۰۴-۱۳۰۸). از سال ۱۳۱۱ سردبیر روزنامه آینده ایران بود و در سال ۱۳۱۴ مجله بانوان را منتشر کرد. او همچنین در زمان رضاشاه عضو فعال کانون بانوان و از شهریور ۱۳۲۰ از اعضای حزب دموکرات ایران بود.

او در تأسیس مدارس دخترانه نیز نقشی چشمگیر داشت و خود زبان فرانسه تدریس می‌کرد و آموزگار رسمی آموزش و پرورش بود. سال‌ها در دبیرستان‌های ناموس، دارالمعلمات و نوباوگان تهران تدریس نمود تا اینکه در سال ۱۳۳۷ بازنشسته شد و برای سرپرستی فرزندانش به آمریکا رفت.

زندگی

فخر عظمی در سال ۱۲۷۷ ه.ش (۱۳۱۶ ه.ق) به دنیا آمد. پدرش مرتضی قلی خان ارغون ملقب به مکرم السلطان از خاندان خلعتبری بود و مادرش قمرخانم معروف به عظمت السلطنه فرزند میرزا محمد خان امیرتومان فرزند فتحعلی خان امین‌الملک (ایشیک آغاسی باشی دربار فتحعلی شاه قاجار و بیگلربیگی آذربایجان) فرزند امیر هدایت‌الله خان فومنی (حکمران نامدار و مقتدر گیلان در دوره زندیه و قاجاریه) بود.

فخر عظمی ارغون فارسی و عربی و فقه و اصول را در مکتب‌خانه خصوصی خواند و با متون نظم و نثر آشنایی کامل داشت و زبان فرانسه را نیز زیر نظر یک مربی سوئیسی آموخت و گواهی‌نامه پایان تحصیلات مدرسه ژاندارک و مدرسه آمریکایی را هم اخذ نمود. او موسیقی سنتی ایرانی را هم نزد یک بانوی کلیمی به نام خانم جان مشاق فراگرفت.

او در سال ۱۳۰۳ ه.ش با عباس خلیلی (مدیر روزنامه اقدام) ازدواج کرد. سرآغاز این آشنایی یک غزل انقلابی با مطلع زیر بود که فخر عظمی برای روزنامه فرستاده بود:

مُلک را از خون خائن لاله‌گون باید نمود جاری از هر سوی کشور جوی خون باید نمود

فخر عظمی از عباس خلیلی دارای یک دختر به نام «سیمین» شد که با نام سیمین بهبهانی نامبردار گردیده‌است ولی این ازدواج در سال ۱۳۱۰ به جدایی انجامید.

فخر عظمی ارغون چندی بعد با عادل خلعتبری (مدیر روزنامه آینده ایران) ازدواج کرد و نام خود را به خواسته همسرش به «فخر عادل» تغییر داد و از همسر دوم خود صاحب سه فرزند به نام‌های عادل نژاد (غوغا) و عادل دخت (ترانه) و عادل فر (سهراب) شد.

فخر عظمی ارغون در سال ۱۳۴۵ در سن ۶۸ سالگی بدرود حیات گفت و مطابق وصیتش در گورستان ابن‌بابویه در جوار شیخ صدوق به خاک سپرده شد.

صد و پنجاه شعر از او (غزل، رباعی، قصیده و ترجیع‌بند) که در نشریات آن زمان چاپ شده بود موجود است.

صبا ز قول من این نکته را بپرس از مرد چرا ضعیفه در این ملک نام من باشد

اگر ضعیفه منم از چه رو به عهده من

وظیفه پرورش مرد پیلتن باشد

...

به چشم «فخری» دانش ز بس که شیرین است

همیشه در طلبش همچو کوهکن باشد

هر وکیلی را که شد با زور و با زر انتخاب

از درون مجلس شورا برون باید نمود

نخستین زن شاغل

در زمانی که استخدام زنان در پست‌های اداری معمول نبود و هیچ زنی به فکر اشتغال در ادارات و پست‌های اداری و دولتی نبود، فخر عظمی ارغون نخستین زن شاغل بود که در سال ۱۳۱۶ شمسی با سمت معاونت تعلیمات نسوان در وزارت فرهنگ و معارف وقت استخدام شد و در مدت یک سال فعالیت خود، تعدادی از زنان را برای همکاری در این حوزه انتخاب کرد. البته او به علت علاقه‌ای که به تدریس داشت از این کار دولتی استعفا داد و دوباره به شغل معلمی روی آورد و به مدت سه سال در دبیرستان پسرانه پهلوی زبان عربی تدریس کرد.

فعالیت‌ها

در سال ۱۳۰۳، فخر عظمی و گروهی از زنان روشنفکر مانند نورالهدی منگنه، محترم اسکندری، ملوک اسکندری و فخر آفاق پارسا هسته مرکزی «انجمن نسوان وطنخواه» را تأسیس کردند. هدف از این کار به دست آوردن حقوق برابر با مردان و امکان آموزش و پرورش دختران بود. در همین ایام انجمن توانست تعدادی از زنان با سواد را که مشتاق خدمت بودند به خدمت و عضویت بگیرد و هر کدام در انجمن مسئولیتی به عهده گرفتند.

در آن زمان سه یا چهار مدرسه دخترانه در تهران بیشتر نبود و ارغون در دو مدرسه دخترانه «ناموس» و «دارالمعلمات» زبان فرانسوی درس می‌داد و اوقات فراغتش را به خدمت رایگان در انجمن اختصاص داد.

علاوه بر سوادآموزی، آموزش نقاشی، گلدوزی، آشپزی، خیاطی و سایر کارهای هنری، کمک به زنان بی‌سرپرست، تهیه جهیزیه برای دختران نیازمند، دادن وام به افراد مستمند از دیگر فعالیت‌های انجمن بود. بعد از تعطیل شدن انجمن نسوان وطنخواه، فخر همراه با صدیقه دولت‌آبادی، هاجر تربیت، فخر آفاق پارسا، فاطمه سیاح، مه‌کامه محمص، بدرالملوک بامداد، همکاری خود را با کانون بانوان ادامه داد.

فخر عظمی سالها مدیریت مدرسه بزرگسالان را به عهده داشت و با وجود مشکلات فراوان و هزینه‌های سنگین مدرسه هرگز راضی نمی‌شد مدرسه را تعطیل کند. او حتی با فروختن وسایلی که از خانه پدری برایش به ارث مانده بود تلاش می‌کرد مدرسه را حفظ کند.

دختر وی سیمین بهبهانی می‌گوید:

«عجیب آنکه مادر با اصرار تمام از خوردن و خوراک و پوشاک ما می‌کاست و مخارج مدرسه را می‌پرداخت.»

فخر عظمی ارغون علاوه بر این کار در هر ماه یک تئاتر هم در این مدرسه راه‌اندازی می‌کرد. بازیگران تئاتر خود خانم‌ها بودند و نمایشنامه را هم خودشان می‌نوشتند. فخری مدتی هم مسئولیت

سردبیری روزنامه «آینده ایران» را داشت. او بعد از سالها تدریس در مدارس تهران، در سال ۱۳۳۷ بازنشسته شد و برای سرپرستی فرزندانش به آمریکا رفت.

شعر و موسیقی

فخر عظمی هنر موسیقی را از دایی‌اش ارفع‌الملک به ارث برده بود. او هم شعر می‌گفت و هم تار می‌نواخت. ارغنون نزد خانم جان مشاق، ضمن آموزش تار هفت دستگاه موسیقی را فراگرفت سپس به پیشنهاد ارفع‌الملک نزد عبدالله دوامی معروف به عبدالله خان دودانگه رفت.

عبدالله خان دودانگه هفته‌ای یک روز می‌آمد و در اتاق مجاور که به اتاق دیگر راه داشت می‌نشست و گوشه‌ها و تصنیف‌ها را می‌خواند و فخر در اتاق خود همه را با تار می‌نواخت و اگر اشتباه می‌کرد، استاد از اتاق مجاور اشتباه او را یادآور می‌شد و به این ترتیب پس از مدتی با موسیقی آن‌چنان در آمیخت که در روزگار انزوا و تنهایی پناهگاه روحی و مونس تنهایی‌اش شد.

فخر عظمی در سال ۱۲۹۶، در حالی که ۱۹ سال بیشتر نداشت تصنیف زیر را سرود و عبدالله دوامی در دستگاه سه‌گاه روی آن آهنگ ساخت :

زلف پر خم و چین را بر رخ از چه افکندی جمع یک جهان دل را از چه رو پراکندی
با تبسم شیرین زان لبان چون یاقوت رونق شکر بردی شور در دل افکندی
چون به دامنت جانا دست می‌نیارم زد چاره نیست جز مردن، اندر آرزومندی...

فخر بیشتر متناسب با شرایط اجتماعی روز شعر می‌نوشت و یادآور سروده‌هایش شاعران انقلاب مشروطه بودند که شور و هیجان زیادی در آن وجود داشت.

زندخت شیرازی



زاده ۱۲۸۸ خورشیدی شیراز،

درگذشته ۱۳۳۱ (۴۳ سال)

لقب فخر الملوك

پیشه

روزنامه‌نگار، شاعر، نویسنده

دلیل سرشناسی از پیشگامان جنبش زنان در ایران

زندخت (زنددخت) شیرازی (۱۲۸۸-۱۳۳۱) روزنامه‌نگار، شاعر، نویسنده و از پیشگامان جنبش زنان در ایران بود.

او «مجمع انقلابی نسوان» را در سال ۱۳۰۶ در سن ۱۸ سالگی تأسیس کرد و نشریه‌ای به نام «دختران ایران» را در ۱۳۱۰ با هدف آگاهی دادن به زنان در شیراز منتشر کرد. پس از چند سال به دلیل نامناسب بودن شرایط از شیراز به تهران رفت و بدون داشتن امکانات مادی کافی در میدان فردوسی اتاقی اجاره کرد و انتشار نشریه دختران ایران را پی گرفت. شعرهای زندخت نمونه‌ای از گرایش‌های فمینیستی رادیکال در ایران بود. او علاوه بر نوشتن مقاله در دختران ایرانی، در روزنامه‌هایی همچون حبل‌المتین نیز می‌نوشت.

زندگی و فعالیت

فخرالملوک متخلص به «زنددخت» در ۱۲۸۸ در خانواده‌ای از طبقات بالا در شیراز زاده شد. پدر او مردی تحصیل کرده از بازماندگان خاندان سلطنتی قدیمی زند بود و مادرش تحصیلات کمی داشت اما به دخترش در فعالیت‌هایش کمک می‌کرد. زندخت ابتدا در خانه آموزش دید و بعداً در تهران به مدرسه رفت. او در ۱۰ سالگی مجبور به ازدواج اجباری شد که به طلاق انجامید.

زندخت در سال ۱۳۰۶ پس از پایان تحصیلات متوسطه، در سن ۱۸ سالگی مجمع انقلابی نسوان را در شیراز بنیان نهاد که هدف‌های آن رهایی زنان، دستیابی به حقوق زنان و رفع حجاب اسلامی بود. دولت رضاشاه به زندخت فشار آورد که نام این انجمن را به «نهضت نسوان» تغییر دهد ولی با وجود این تغییر نام، انجمن پس از ۹ ماه توسط دولت غیرقانونی اعلام شد.

در سال‌های ۱۳۱۰-۱۳۱۱ زندخت شیرازی دست به انتشار نشریه دختران ایران زد. در این نشریه اخباری از فعالیت‌های فمینیستی سایر کشورهای دنیا، مطالب ادبی و سرمقاله‌هایی از زندخت چاپ می‌شد. او در مقالاتش نظریه‌های فرودستی بیولوژیک زنان را رد می‌کرد و همچنین زنان را تشویق می‌کرد خواسته‌ها و حقوق خود را با جسارت بیان و پی‌گیری کنند. این نشریه پس از ۷ ماه توقیف شد و حملات و نقدهای شدیدی بر زندخت شد. او به تهران رفت و انتشار نشریه را از سر گرفت.

در همان زمان زنددخت به تدریس در مدرسه‌های دخترانه نیز مشغول بود و مدت کمی هم در وزارت فرهنگ وقت استخدام شد.

شعرهای زندخت نمونه‌ای از گرایش‌های فمینیسم رادیکال در ایران بود که به طرز عجیبی در منابع فارسی نادیده گرفته شده و به ندرت به آنها اشاره شده‌است. به عنوان یک نمونه تیبیک می‌توان به شرح حال زندخت در کتاب «زنان سخنور» اشاره کرد که از وی به عنوان شاعری غیرسیاسی یاد شده‌است. استثنایی بر این امر، شرح حال وی نوشته طلعت بصاری است که بر شعر و نثر فمینیستی رادیکال زندخت تأکید کرده‌است.

او در یک غزل به اوضاع اجتماعی نامطلوب آن دوره اشاره کرده و از ضعف عمومی حاکم بر پیکر جامعه شکوه می‌کند و انتظار ظهور یک مصلح اجتماعی نیرومند را دارد تا مشکلات به نیروی او حل

شود و آنگاه به مردان عتاب می‌کند که به جای سخن گفتن از ضعف زن، از مردی خود بگویند. در غزلی دیگر از عقب‌ماندگی زن روزگار خویش می‌نالد و از اینکه زنان هم‌دوره او امکان عرضه هنرها و بروز استعداد‌های انسانی و حضور زنده را در جامعه ندارند، زبان به گله و شکایت باز می‌کند.

مخالفت‌های شدیدی که علیه او می‌شد منجر به ناامیدی طولانی مدت وی شد و در کنار عوامل جسمی و مالی، موجب افسردگی او شده بود که در نهایت به مرگ وی انجامید. زندخت شیرازی در سال ۱۳۳۱ در ۴۳ سالگی درگذشت.

نمونه شعر

کار تجارت از چه معنی کار زن نیست؟
کار صنعت با چه منطق کار من نیست؟
کفش زنان را از چه رو زن خود ندوزد؟
زن از چه جراح و طبیب جان و تن نیست؟
پس خواهرانم تا به کی بیکاره هستید؟
تنها برای تخم‌گیری خلق گشتید؟
تنها برای عشق مردان چیره دستید؟

فرزانه میلانی



زاده ۱۹۴۷ تهران

زاده

استاد دانشگاه
شاعر و نویسنده

پیشه

فرزانه میلانی نویسنده، شاعر و استاد ادبیات فارسی و مطالعات زنان در دانشگاه ویرجینیا است. از جمله جوایز او می‌توان به دریافت جایزه فرهنگی لطیفه یارشاطر اشاره کرد.

زندگی

فرزانه میلانی در تهران زاده شد و پیش از انقلاب ۱۳۵۷ ایران به ایالات متحده آمریکا رفت. وی در سال ۱۹۷۹ موفق به کسب مدرک دکترا در رشته ادبیات تطبیقی از دانشگاه ایالتی کالیفرنیا در لس آنجلس شد و پس از مدتی شروع به تدریس در دانشگاه ویرجینیا کرد. او در سال‌های ۱۹۹۴ تا ۱۹۹۶ مدیریت انجمن مطالعات زنان خاور میانه در آمریکا را بر عهده داشت. کتاب او حجاب و قلم: پدیداری صدای زنان نویسنده ایرانی که در سال ۱۹۹۲ میلادی چاپ شد، بیش از شانزده بار تجدید چاپ شده است. او همچنین شعر برخی از شاعران ایرانی را نیز از فارسی به انگلیسی برگردانده است، از جمله اشعار سیمین بهبهانی. میلانی بیش از صد مقاله پژوهشی به زبان‌های فارسی و انگلیسی در کارنامه دارد و با مجله ایران شناسی همکاری مداوم داشته است.

کتاب‌ها

کتاب‌های نوشته شده به دست فرزانه میلانی:

- قلم‌ها نه شمشیرها: زنان نویسنده ایرانی و جنبش آزادی، انتشارات دانشگاه سیراکیوز، ۲۰۱۱
- An Iranian Icarus: The Life and Poetry of Forugh Farrokhzad
- The Gender of Modernity and Counter-Modernity in Iran
- یک فنجان گناه: گزیده‌هایی از اشعار سیمین بهبهانی با همکاری کاوه صفا، انتشارات دانشگاه سیراکیوز، ۱۹۹۹
- حجاب و قلم: پدیداری صدای زنان نویسنده ایرانی، انتشارات دانشگاه سیراکیوز، ۱۹۹۲

فروغ فرخزاد



فروغ زمان فرخزاد عراقی

نام اصلی

زاده	۸ دی ۱۳۱۳ / ۲۹ دسامبر ۱۹۳۴ <u>تهران</u>
محل زندگی	<u>تهران</u>
درگذشته	۲۴ بهمن ۱۳۴۵ / ۱۳ فوریه ۱۹۶۷ <u>تهران</u> (۳۲ سال) بر اثر سانحه رانندگی خود خواسته
پیشه	<u>شاعر</u> و <u>کارگردان</u> و <u>نویسنده</u>
زمینه کاری	ادبیات
زمان حکومت	پهلوی
سال‌های فعالیت	۱۳۲۹-۱۳۴۵
دیوان اشعار	<u>اسیر</u> / <u>دیوار</u> / <u>عصیان</u> / <u>تولد دی دیگر</u> <u>ایمان بیاوریم به آغاز فصل سرد</u>
تأثیرپذیرفته از	نیما
همسر	<u>پرویز شاپور</u> / <u>طلاق</u>
شریک زندگی	<u>ابراهیم گلستان</u>
فرزندان	کامیار شاپور (۲۹ خرداد ۱۳۳۱ - ۲۵ تیر ۱۳۹۷) حسین منصوری (فرزندخوانده)
پدر و مادر	محمد فرخزاد / توران وزیری‌تبار
	<u>فیلم</u>
	• <u>خانه سیاه است</u>
	آثار درباره فروغ
	• <u>فروغ فرخزاد</u>

•	<u>جام جان</u>
•	<u>اوج موج</u>
•	<u>سرد سبز</u>

فروغ‌زمان فرخزاد عراقی (۸ دی ۱۳۱۳ - ۲۴ بهمن ۱۳۴۵) معروف به فروغ فرخزاد و فروغ، شاعر نامدار معاصر ایران است. وی پنج دفتر شعر منتشر کرد که از نمونه‌های شایان شعر معاصر فارسی اند. فروغ فرخزاد در ۳۲ سالگی بر اثر واژگونی خودرو درگذشت.

فروغ با مجموعه‌های اسیر، دیوار و عصیان در قالب شعر نیمایی کار خود را آغاز کرد. سپس آشنایی با ابراهیم گلستان، نویسنده و فیلم‌ساز سرشناس ایرانی، و همکاری با او، موجب تحول فکری و ادبی در فروغ شد.

وی در بازگشت دوباره به شعر، با انتشار مجموعه تولدی دیگر، ستایش گسترده عمومی را برانگیخت. سپس مجموعه ایمان بیاوریم به آغاز فصل سرد را بیرون داد تا جایگاه خود را در شعر معاصر ایران به‌عنوان شاعری بزرگ تثبیت کند. آثار و اشعار فروغ به زبان‌های انگلیسی، ترکی، عربی، چینی، فرانسوی، اسپانیایی، ژاپنی، آلمانی، کردی و عبری ترجمه شده‌اند.

زندگی‌نامه

فروغ در ظهر روز شنبه، ۸ دی‌ماه ۱۳۱۳ هجری شمسی در تهران، خیابان عین‌الدوله (خیابان ایران فعلی)، کوچه مهدیه، از پدری تفرشی و مادری کاشانی به دنیا آمد. پوران فرخزاد، خواهر بزرگتر فروغ، چندی پیش اعلام کرد فروغ روز هشتم دی‌ماه متولد شده و از اهل تحقیق خواست تا این اشتباه را تصحیح کنند. فروغ فرزند چهارم توران وزیری‌تبار و سرهنگ محمد فرخزاد است. از دیگر اعضای خانواده او می‌توان برادر کوچک‌ترش، فریدون فرخزاد و خواهر بزرگ‌ترش، پوران فرخزاد را نام برد. فروغ با مجموعه‌های اسیر، دیوار و عصیان در قالب چهارپاره کار خود را آغاز کرد.

ازدواج با پرویز شاپور



فروغ فرخزاد و همسرش پرویز شاپور که بعد از وی جدا شد

فروغ فرخزاد در سال‌های ۱۳۳۰ در ۱۶ سالگی با پرویز شاپور، طنزپرداز ایرانی که پسرخاله مادر وی بود، ازدواج کرد. این ازدواج در سال ۱۳۳۴ به جدایی انجامید. حاصل این ازدواج، یک پسر به نام کامیار (۲۹ خرداد ۱۳۳۱-۲۵ تیر ۱۳۹۷) بود. فروغ پیش از ازدواج با شاپور، با وی نامه‌نگاری

های عاشقانه‌ای داشت. این نامه‌ها به همراه نامه‌های فروغ در زمان ازدواج این دو و همچنین نامه‌های وی به شاپور پس از جدایی از وی، بعدها به دست کامیار شاپور و عمران صلاحی در کتابی به نام «اولین تپش‌های عاشقانه‌ی قلبم» منتشر شد.

سفر به اروپا

پس از جدایی از شاپور، فروغ فرخزاد، برای گریز از هیاهوی روزمرگی، زندگی بسته و یکنواخت روابط شخصی و محفلی، به سفر رفت. او در این سیر و سفر، کوشید تا با فرهنگ اروپا آشنا شود. با آنکه زندگی روزانه‌اش به سختی می‌گذشت، به تئاتر و ایرا و موزه می‌رفت. وی در این دوره زبان ایتالیایی، فرانسه و آلمانی را آموخت. سفرهای فروغ به اروپا و آشنایی‌اش با فرهنگ هنری و ادبی اروپایی، ذهن او را باز کرد و زمینه‌ای برای دگرگونی فکری در او فراهم کرد.

آشنایی با ابراهیم گلستان و کارهای سینمایی

آشنایی با ابراهیم گلستان، نویسنده و فیلمساز سرشناس ایرانی، و همکاری با او موجب تغییر دیدگاه‌های اجتماعی و در نتیجه تحول فکری و ادبی در فروغ شد. نامه منتشرشده فروغ برای ابراهیم گلستان نشانگر وجود رابطه عاشقانه بین این دو است.

در سال ۱۳۳۷ سینما توجه فروغ را جلب می‌کند؛ و در این مسیر با ابراهیم گلستان آشنا می‌شود و این آشنایی مسیر زندگی فروغ را تغییر می‌دهد. این دو چهار سال بعد یعنی در سال ۱۳۴۱ فیلم خانه سیاه است را در آسایشگاه جذامیان باباباگی تبریز می‌سازند. فروغ در سال ۱۳۴۲ در نمایشنامه شش شخصیت در جستجوی نویسنده اثر لوئیجی پیراندلو به کارگردانی پری صابری بازی چشمگیری از خود نشان می‌دهد. در زمستان همان سال خبر می‌رسد که فیلم خانه سیاه است برنده جایزه نخست جشنواره اوبر هاوزن شده و باز در همان سال انتشارات مروارید مجموعه تولدی دیگر را با تیراژ بالای سه هزار نسخه منتشر کرد.



فروغ در سال ۱۳۴۳ به آلمان، ایتالیا و فرانسه سفر کرد. سال بعد در دومین جشنواره سینمای مؤلف در یزارو شرکت می‌کند که تهیه‌کنندگان سوئدی ساختن چند فیلم را به او پیشنهاد می‌دهند و ناشران اروپایی مشتاق نشر آثارش می‌شوند. پس از این دوره، وی مجموعه تولدی دیگر را منتشر کرد. اشعار وی در این کتاب تحسین زیادی برانگیخت؛ پس از آن مجموعه ایمان بیاوریم به آغاز فصل سرد را منتشر کرد.

ابراهیم گلستان در مصاحبه‌ای با سعید کمالی دهقان از روزنامه گاردین در بهمن سال ۱۳۹۵ - پنجاه سال پس از درگذشت فروغ - گفت که رابطه او با فروغ دوطرفه بوده است. او درباره این‌که آیا فروغ تبدیل شده بود به یک عضو خانواده، گفت: «خانواده چیست؟ اصلاً خانواده معنی ندارد. [تبدیل شده بود به] یک عضو شخصیت من.»

در میان سال‌های ۱۳۴۲-۴۳ فروغ یکبار دست به خودکشی زد. او یک جعبه قرص گاردنال خورد ولی خدمتکارش در هنگام غروب متوجه شد و او را به بیمارستان البرز برد.

پایان زندگی



آرامگاه فروغ فرخزاد، گورستان ظهیرالدوله، تهران.

فروغ فرخزاد، در ساعت ۴:۳۰ بعد از ظهر دوشنبه ۲۴ بهمن، ۱۳۴۵ هنگام رانندگی خودروی جیب ابراهیم گلستان، در مسیر بین دروس و قلهک خیابان شهید کما سایی چهارراه شهید سوری کشته شد.

به گفته ابراهیم گلستان فروغ قرار بود برای امور فنی فیلمی را به استودیو من (که اکنون در اختیار سیمافیلم است) ببرد. تصادف در مسیر برگشت و در صد متری استودیو اتفاق می‌افتد. مستخدمی که همراه فروغ بوده گلستان را خبر می‌کند و او را به بیمارستان هدایت که در بیست متری استودیو بود می‌برند اما به این علت که او بیمه کارگری ندارد در آن بیمارستان پذیرفته نمی‌شود و در نهایت او را به بیمارستان رضا پهلوی (بیمارستان شهدای تجریش) می‌برند که در آن بیمارستان فروغ فوت می‌کند.

روز چهارشنبه ۲۶ بهمن جسد او را در امامزاده اسماعیل (زرگنده) شستشو دادند و با حضور خانواده، دوستان و علاقه‌مندان در گورستان ظهیرالدوله به خاک سپردند. صادق چوبک، ابوالقاسم انجوی شیرازی، جلال آل احمد، مهدی اخوان ثالث، احمد شاملو، هوشنگ ابتهاج، سیاوش کسرایی، بهرام بیضایی، نجف دریابندری، احمد رضا احمدی و بسیاری دیگر از هنرمندان و نویسندگان در این مراسم حاضر بودند.

برخورد با آثار و سانسور

فروغ فرخزاد در دوران زندگی‌اش در دوره حکومت محمدرضا شاه پهلوی، سانسور نشد، اما پس از مرگش آثار او در دوره‌های مختلفی سانسور شدند.

آرزوی فروغ از زبان خودش:

آرزوی من آزادی زنان ایران و تساوی حقوق آنها با مردان است... من به رنج‌هایی که خواهرانم در این مملکت در اثر بی‌عدالتی مردان می‌برند، کاملاً واقف هستم و نیمی از هنرم را برای تجسم دردها و آلام آنها به کار می‌برم. آرزوی من ایجاد یک محیط مساعد برای فعالیت‌های علمی هنری و اجتماعی زنان است.

با توجه به این که تطور احوال وجودی فروغ در طی دوران کوتاه زندگی خود به ما نشان می‌دهد که او به تقدیر و سرنوشت از پیش‌شکل‌گرفته برای خود راضی نبود و با جسارت و آزادی اراده در جهت تغییر ماهیت و نحوه تفکر و شخصیت خود گام برداشت، با توسل به اصل محوری اصالت وجود بر ماهیت مکتب آگزیستانسیالیسم و اشعار مکتوب او در دفاتر پنجگانه‌اش می‌توان خوانشی آگزیستانسیالیستی از زیست جهان فروغ داشت.

سالشمار زندگی فروغ



فروغ فرخزاد به همراه فرزندخوانده‌اش «حسین منصوری»

- ۱۳۳۶ سفر به آلمان و ایتالیا
- ۱۳۳۸ سفر به انگلستان جهت مطالعه سینما و امور تشکیلاتی فیلم
- ۱۳۳۹ بازی در فیلمی مستند، درباره مراسم خواستگاری، به سفارش مؤسسه فیلم ملی کانادا.
- ۱۳۳۹ تهیه سومین قسمت فیلم آب و گرما.
- ۱۳۴۰ سفر مجدد به انگلستان جهت مطالعه امور سینمایی – بازگشت به ایران و تهیه یک فیلم کوتاه برای مؤسسه کیهان با همکاری سهراب سپهری
- ۱۳۴۱ سفر به تبریز جهت مقدمات فیلمی درباره جذامی‌ها.
- ۱۳۴۱ سفر مجدد به تبریز همراه سه تن، اقامت در تبریز به مدت ۱۲ روز و تهیه فیلم خانه سیاه است، درباره جذامی‌ها.
- ۱۳۴۲ تهیه فیلم‌نامه برای فیلمی که هرگز ساخته نشد.
- ۱۳۴۳ همکاری در فیلم خشت و آینه ساخته ابراهیم گلستان.
- ۱۳۴۳ ترجمه نمایشنامه ژان مقدس اثر برنارد شاور درباره زندگی ژاندارک که قرار بود به روی صحنه بیاید و فروغ عهده‌دار نقش ژاندارک باشد.
- ۱۳۴۳ ترجمه سیاحت‌نامه هنری میلر در یونان به نام ستون سنگی ماروسی. (چاپ نشد)

- ۱۳۴۳ چاپ برگزیده اشعار فروغ
- ۱۳۴۵ سفر مجدد به ایتالیا و شرکت در دومین فستیوال مؤلف.

فروغ در آثار دیگران



نقاشی‌ای از فروغ فرخزاد

ناصر صفاریان در سال ۱۳۸۱ سه فیلم مستند با نام‌های جام جان، اوج موج و سرد سبز درباره فروغ ساخت که در آن با افراد زیادی همچون کاوه گلستان، بهرام بیضایی، فریدون مشیری، امیرمسعود فرخزاد (برادر فروغ)، مادر فروغ و کسان دیگری گفت‌وگو شده‌است. همچنین در این فیلم عکس‌های منتشر نشده بسیاری از فروغ به نمایش گذاشته شده‌است.

غادة السمان، شاعر مشهور سوری، گفته «معتقد است از فروغ در اشعارش الهام گرفته‌است».

فروغ در نگاه دیگران

- ابراهیم گلستان در بهمن سال ۱۳۹۵ به مناسبت پنجاهمین سالگرد درگذشت فروغ فرخزاد با سعید کمالی دهقان خبرنگار گاردین گفت‌وگوی مفصلی کرد. وی در این مصاحبه گفت: «فروغ با این راه افتاد که شعری می‌گفت که باب طبع حسیات ساده مردم بود. گنه کردم گناهی پر ز لذت. به‌به یک زنی می‌گوید گناه کردم چقدر هم کیف کردم، قفل در را این باز کرده برایشان، ولی از یک پرش رهاشونده و رهاکننده‌ای حکایت می‌کند، ولی آیا این همه حرف اوست؟ نه. وقتی می‌آید جلو، یک مقدار ساده است، خیلی هم ساده است. بعد که به شعرهای بعدی‌اش می‌رسی، می‌بینی که داستان دارد عوض می‌شود. راجع به چیزهای دیگر گفته می‌شود و آن چیزهای دیگر بیشتر در ذهن شما می‌تواند جا بگیرد؛ ولی خواننده با چیزهای دیگر راه افتاده.»
- مهدی اخوان ثالث شاعر هم‌عصر فروغ درباره وی گفته‌است: «او زنی معترض به ستمی که بر زنان می‌رفت بود و می‌خواست به ظلمی که به نیمی از افراد جامعه می‌شد اعتراض کند. این را در کتاب‌هایش می‌توانیم ببینیم، از «اسیر» گرفته تا «دیوار» و زندگی و طرز فکر خیامی‌اش را در «عصیان». بعد هم که خواست اسلوب و کار تازه‌ای را ارائه دهد بسیار لطیف و پرشور و حال

شعر می‌گفت. او شاعر خوبی بود، به‌خصوص شعرهای آخرش بسیار لطیف و پرشور و حال بود، شعر ناب و نجیب بود».

• احمد شاملو شاعر معاصر دربارهٔ فروغ می‌گوید: «شاعری که پس از تولد دوبارهٔ خویش بیش از پنج یا شش سال نزیست، اما با مجالی که بی‌رحمانه اندک بود توانست به صورت یکی از درخشان‌ترین چهره‌های شعر امروز تثبیت شود. با مرگ او موسیقی درخشانی که خاص شعر معصومانه‌اش بود غیرقابل تقلید ماند و از گسترش باز ایستاد».

• عبدالعلی دستغیب در کتاب «پری کوچک دریا: نقد و تحلیل شعر فروغ فرخزاد (۱۳۸۵)» می‌نویسد: «اشعار نخستین فروغ؛ به رغم داوری خویش، دارای اهمیت‌اند هم از این رو که راه کمال‌یافتگی شعری او را نشان می‌دهند و هم از این جهت که در فضای زندگانی آن روزها، شورمندی‌های جسم و جنس را با بی‌پروایی بیان می‌دارند. درست است که اشعار نخستین او نه در قالب و نه در ساخت وزن و قافیه و تعابیر، نوآوری ویژه‌ای نداشت، اما مضامین و لحن بیان اشعار، جرأت و جسارتی می‌خواست که دیگران نداشتند یا اگر داشتند، مصلحت نمی‌دیدند آن را بیان کنند. این اشعار بین دو قطب مرگ و زندگانی، بین تمنای وصل و بیزاری نوسان می‌کند. شعر ظلمت در کتاب «عصیان»، تحول تازهٔ فروغ را خوب نشان می‌دهد. این شعر با اشعار دیگر این دورهٔ شعر سرایی او از سویهٔ قالب، وزن و تصویر، تفاوت دارد و نفس کشیدنی است در جو شعر نیمایی و آزاد شدن از قالب چهارپاره و محتوا و غالباً احساساتی و سادهٔ آن. شعر فروغ، سویه‌های دیگری نیز دارد: توجه به زیبایی و عشق»

• محمدرضا شفیعی کدکنی شاعر معاصر: «می‌بینیم که فروغ با گسترشی که در کیفیت افاعیل قائل شده‌است بیش‌تر از نیما که اغلب به توسعه کمی افاعیل گراییده بود وزن شعر را گسترش داده‌است و یکی از خصوصیات فراموش‌شده شعر قرن چهارم را که به علت کلیشه‌وار شدن زبان شعری در دوره‌های بعد فراموش‌شده بود زنده کرد و از حد رایج و مشخص آن هم توسعه بیش‌تری بخشید».

• سیروس نیرو، شاعر و پژوهشگر ادبیات فارسی: «فروغ شعر فارسی نگفته، چیزهایی برای خودش گفته که قشنگ هم هست، ولی با فرهنگ ما این‌ها شاعر نیستند. شعر ما همان شعر حافظ است که نمی‌توان یک کلمه از آن را جابه‌جا کرد».

• سید علی خامنه‌ای در سال ۱۳۸۹ از فروغ فرخزاد یاد کرد و گفت وی «عاقبت به خیر شده‌است» وی در جلسه‌ای که با شعرای جوان داشت از آنان خواست که عفاف و حجاب را در شعر هایشان رعایت کنند و برهنگی برخی از اشعار فرخزاد را ناشی از شرایط زمانی خاص وی دانست.

• محمدرضا واعظ شهرستانی خوانشی فلسفی و آگزیستانسیالیستی از شعر و زیست جهان فروغ داشته‌است.

آثار

- ۱۳۳۱ - اسیر، شامل ۴۳ شعر
- ۱۳۳۵ - دیوار، شامل ۲۵ قطعه شعر
- ۱۳۳۶ - عصیان، شامل ۱۷ شعر

- ۱۳۴۱ - تولدی دیگر، شامل ۳۵ شعر
- ۱۳۴۲ - ایمان بیاوریم به آغاز فصل سرد، شامل ۷ شعر

ترجمه آثار فروغ



فروغ فرخزاد و دوستعلی خان معیرالممالک (نویسنده و نوه ناصرالدین شاه)

- عربی: محمد الامین - غسان حمدان
- آذری: صمد بهرنگی
- انگلیسی: شعله ولپ-علی سلامی- حسن جوادی و سوسن سالیی- جاشکا کیسلر و امین بناتی-
- فرزانه میلانی- دیوید مارتین
- فرانسوی: مهشید مشیری و سیلویا میلر
- آلمانی: آنه ماری شیمل
- ایتالیایی: دومینیکو اینگینیتو
- کردی: حیدر خضری
- ترکی: هاشم خسروشاهی
- اردو: فهمیدا ریاض
- ازبک: خورشید داورن

ترانه‌شناسی

- عاشقانه (از دفتر تولدی دیگر)، آلبوم پنجره، معین.
- این چه عشقیست (دیدار تلخ، از دفتر اسیر)، آلبوم پرواز، معین.
- اندوه، فرزاد فتاحی.
- فروغ، علیرضا قربانی.
- کجاست خانه باد، پیمان خازنی
- نگاه کن، امید نعمتی (گروه پالت).
- رمیده، شکیلا.
- به علی گفت مادرش روزی (از دفتر تولدی دیگر)، آلبوم نقاب، علی هاتف.
- هستی (تولدی دیگر از دفتر تولدی دیگر)، هاله غفوری

گراناز موسوی



تولد	تهران
والدین	پروین چگینی فراهانی هاشم موسوی
محل زندگی	استرالیا
پیشه	شاعر، فیلمساز و بازیگر

گراناز موسوی (زاده ۱۳۵۴ در تهران) شاعر و فیلمساز معاصر ایرانی است. او به جز سرودن شعر به نوشتن نقد کتاب، ویراستاری ادبی، ترجمه، فیلمنامه‌نویسی، کارگردانی سینما و بازیگری نیز پرداخته‌است.

زندگی‌نامه

پدر گراناز، هاشم موسوی صدابردار با سابقه تلویزیون و سینما و مادرش پروین چگینی فراهانی کارشناس نودال تلویزیون بودند.

پس از سپری کردن دوران دبستان در مدرسه رازی و پس از گرفتن دیپلم دبیرستان هدف، بین سال‌های ۱۳۷۰ تا ۱۳۷۳ در کلاسهای بازیگری تئاتر حمید سمندریان و مهین اسکوئی شرکت کرد. همزمان تحصیلات دانشگاهی خود را در رشته شیمی در دانشگاه الزهرا آغاز نمود که بعداً با مهاجرت به استرالیا در سال ۱۳۷۶ آن را رها کرده، در رشته سینما در دانشگاه فلیندرز و سپس مدرسه فیلم، تلویزیون و رادیوی استرالیا (AFTRS) به ادامه تحصیل پرداخت. پایان‌نامه دکترای وی در دانشگاه سیدنی "زیبایی‌شناسی سینمای شاعرانه" بوده و او مشغول به تدریس پاروقت در دو دانشگاه در استرالیا است.

وی دانش‌آموخته رشته سینما در مقطع دکتراست و کارگردانی اولین فیلم بلند داستانی اش بنام تهران من، حراج را که محصول مشترک ایران - استرالیا، است در سال ۲۰۰۸ در تهران انجام داد. این فیلم

منتخب رسمی جشنواره‌های بین‌المللی فیلم تورنتو، روتردام، پوسان (۲۰۰۹)، موزه هنر مدرن نیویورک و برنده جایزه بهترین فیلم مستقل سال استرالیا است. گراناز از کودکی شعر می‌سرود. در ۱۲ سالگی برنده جایزه شعر دانش‌آموزی منطقه ۳ تهران شد و در ۱۷ سالگی نخستین آثارش را در مجله‌های آدینه، دنیای سخن و چاووش به چاپ رساند. سپس یکسال بعد نوشتن نقد کتاب و ویراستاری ادبی را در مجله دنیای سخن آغاز کرد.

از گراناز موسوی تا کنون سه مجموعه شعر در ایران به چاپ رسیده است. نخستین دفتر شعرش «خط خفی روی شب» در سال ۷۶ توجه اهل قلم و جامعه ادبی ایران را به خود جلب کرد. همان سال، م. آزاد، شاعر و منتقد برجسته، در نقدی بر این مجموعه در مجله آدینه از کشف استعدادی تازه در شعر معاصر خبر داد. در سال ۱۳۷۹ دومین دفتر شعرش، «یابره‌نه تا صبح» (نشر سالی) را منتشر کرد که برنده نخستین دوره جایزه شعر امید ایران، «کارنامه» شد و به چاپ چهارم رسید. سومین کتابش «آوازهای زن بی‌اجازه» (نشر سالی) در سال ۱۳۸۱ در تهران، و چهارمین کتابش نیز

"Les rescapés de la patience" در پی بورسیه ادبی در فرانسه، به شکل مجموعه دوزبانه در سال ۲۰۰۵ در این کشور به چاپ رسید. آخرین اثر او «حافظه قرمز» نام دارد که در سال ۱۳۹۰ در استرالیا منتشر شده است.

شعرهای او تا به حال به زبانهای انگلیسی، فرانسوی، اسپانیایی، پرتغالی، سوئدی، ایتالیایی، آلمانی، ترکی و کردی در کتابها و منظومه‌های گوناگون به چاپ رسیده است. او همچنین از داوران جایزه ادبی والس بوده است. در سال ۲۰۰۲ پژوهشی با عنوان «دنیای نمادین گراناز موسوی و سبک نوشتاری آن» (L'univers symbolique et son écriture chez Granaz Musavi) در دانشگاه سوربن روی کارهای وی منتشر گردید. او در سمینارها و کنگره‌های مختلفی در فرانسه، بریتانیا، آمریکا، آلمان، استرالیا، ایتالیا، سوئد، اسپانیا، لوگزامبورگ و کانادا شعرخوانی و به دعوت دانشگاه استنفورد، دانشگاه کالیفرنیا و دانشگاه لندن سخنرانی داشته است.

گراناز در ۱۷ سالگی در فیلم «به خاطر همه چیز» به کارگردانی رجب محمدین (۱۳۶۹) بازی کرد. در سال ۱۳۷۲ نیز در فیلم «جاده عشق» از همین کارگردان به ایفای نقش پرداخت. وی در فیلم «لاکپشت‌ها هم پرواز می‌کنند» دستیار و تدوینگر دیجیتال فیلم بوده است. در سال ۲۰۰۶ وی برنده جایزه بهترین طرح فیلم‌نامه سال (تهران من، حراج) در استرالیا شد و در جشنواره فیلم کن حضور یافت. در سال ۲۰۰۹ این فیلم برنده بهترین فیلم مستقل سال در این کشور شد.

گراناز موسوی کارگردانی اولین فیلم بلندش «تهران من، حراج» «My Tehran For Sale» منتخب رسمی جشنواره بین‌المللی فیلم تورنتو (۲۰۰۹)، موزه هنر مدرن نیویورک موزه هنر مدرن موزه هنر مدرن و برنده جایزه «Inside Film Awards 09» که محصول مشترک ایران و استرالیا است را در سال ۲۰۰۸ در تهران انجام داده است.

عضو هیئت ژوری

- جشنواره بین‌المللی فیلم مانهایم-هایدلبرگ آلمان ۲۰۱۱
- جایزه سالانه فیلم استرالیا IF awards ۲۰۱۱

جوایز داخلی

گراناز موسوی در سال ۱۳۷۹ برای کتاب «یابره‌نه تا صبح» برنده جایزه شعر کارنامه یا جایزه شعر امروز ایران شد.

آثار

شعر

- ۱۳۷۶ - خط خطی روی شب
- ۱۳۷۹ - یابرهنه تا صبح
- ۱۳۸۲ - آوازهای زن بی اجازه
- ۲۰۰۶ - Les rescapés de la patience
- ۱۳۹۰ - حافظه قرمز

فیلمسازی

- فیلمهای کوتاه
- فیلم بلند «تهران من، حراج» «My Tehran For Sale» برنده سال جایزه «Inside Film Awards» استرالیا در بخش فیلم مستقل، منتخب رسمی جشنواره بین المللی فیلم تورنتو (۲۰۰۹)، جشنواره بین المللی فیلم پوسان (۲۰۰۹)، جشنواره بین المللی روتردام (۲۰۱۰)، جشنواره بین المللی فیلم ونکوور (۲۰۰۹)، ادلید (۲۰۰۹) و جشنواره بین المللی فیلم مانهایم-هایدلبرگ آلمان (۲۰۰۹)، منتخب موزه هنر مدرن نیویورک موزه هنر مدرن، موزه های هنر بوستون و هوستون و جشنواره های بین المللی لاس پالماس اسپانیا، سیدنی تراولینگ، فیوفاست پراگ، کپنهاگ دانمارک، مکزیک، حقوق بشر HRAFF، دالاس، کلیولند، برنده بهترین فیلم تریمدیاکلرادو، پام اسپرینگز، مدیترانه ای رم، فوکوئوکا ژاپن و گفتگوی فرهنگها نیویورک ...

بازیگری

- آب (رجب محمدین، ۱۳۸۰)
- جاده عشق (رجب محمدین، ۱۳۷۲)
- به خاطر همه چیز (رجب محمدین، ۱۳۶۹)

مریم جعفری آذرمانی



۵ آذر ۱۳۵۶ تهران

زاده

محل زندگی	تهران
پیشه	شاعر، پژوهشگر، مترجم، منتقد ادبی
سبک	غزل نو، غزل مدرن

مریم جعفری آذرمانی، (زاده ۱۳۵۶) شاعر اهل ایران است.

زندگی

مریم جعفری آذرمانی در ۵ آذر ۱۳۵۶ در تهران متولد شد. او از سال ۱۳۷۵ به‌طور جدی سرودن شعر را بیشتر در قالب غزل آغاز کرد. تا کنون آثار متعددی از او منتشر شده است: «سمفونی روایت قفل‌شده»، «پیانو»، «هفت»، «زخمه»، «۶۸ ثانیه به اجرای این اپرا مانده‌است»، «قانون»، «صدای ارّه می‌آید»، «تریون»، «مذاکرات»، «دایره»، «ضربان»، «معنای دیگر»، «راویه»، «بایسته‌های پژوهش در شعر معاصر»، «نواحی»، «تشریح»، «تو رها باش و دوست داشته باش».

بیشتر شعرهای او دارای مضامین اجتماعی و سیاسی است. او در اواخر سال ۱۳۹۳ از پایان‌نامه ارشد خود با عنوان «بررسی معانی ثانویه صد غزل از حسین منزوی بر اساس نظریه تحلیل گفتمان گرایس» دفاع کرده‌است. از این شاعر ترجمه‌هایی از شعر معاصر فرانسه و مقاله‌های متعددی درباره شعر امروز ایران به ویژه غزل در سایت‌های مختلف و نشریاتی مثل روزنامه ایران، تهران امروز، کارگزاران، اعتماد ملی، مثلث، مهرنامه، ماهنامه گزارش و... منتشر شده‌است.

سبک شعری

مریم جعفری آذرمانی با وجود احترام به موسیقی غزل سنتی و بیت‌مداری خاص شعر کلاسیک، به دلیل جزئی‌نگری و عینی‌گرایی اش، غزل می‌سراید که بازتاب نگاهی مدرن به شعر است. از دیدگاه حمیدرضا شکارسری، «جعفری» توان وزن عروضی و چارچوب تغییرناپذیر غزل را کشف می‌کند و توسعه می‌بخشد. از جمله این ظرفیت‌ها این‌که علی‌رغم بیت‌اندیشی، غزل می‌تواند به یک قطعه شعر تبدیل شود. سودایی که اساس تلاش غزل فرم، پست مدرن و... در دهه هفتاد و با شکلی تعدیل یافته‌تر در دهه هشتاد را تشکیل می‌دهد. او در آن واحد، هم از یوئیکای غزل سنتی فارسی و هم از مختصات غزل آوانگارد امروز آشنایی‌زدایی کرده‌است؛ به هر کدام نزدیکی‌هایی داشته‌است اما در ادامه از آن‌ها فراروی کرده‌است.

او با انتخاب وزن‌ها و بحرهای دشوار و درهم‌ریختن موسیقی طبیعی غزل می‌کوشد سابقه شنیداری مخاطب را به هم بریزد تا شعرش را به نثر نزدیک کند.

محمدعلی بهمنی نوشته‌است: «مریم جعفری آذرمانی در آثارش، پنجره‌های بسته غزل را باز کرده‌است و با زبان شعر به این نکته پرداخته که شعر در قالب نمی‌گنجد. کارهای او بی‌نظیر است و فضاهای فراوانی را برای فردای شعر و غزل باز کرده‌است.»

بیشتر شعرهای جعفری آذرمانی دارای مضامین اجتماعی سیاسی و اعتراض بود. او از سال نود و هفت به مضامین عاشقانه نیز روی آورد و کتاب تو رها باش و دوست داشته باش حاصل این تغییر است.

مجموعه شعرها

- سمفونی روایتِ قفل‌شده - نشر مینا - بهار ۱۳۸۵
- کتاب پیانو - نشر مجنون - زمستان ۱۳۸۵
- کتاب هفت - نشر مجنون - پاییز ۱۳۸۷
- کتاب زخمه - نشر مجنون - پاییز ۱۳۸۷
- ۶۸ ثانیه به اجرای این اپرا مانده‌است - انتشارات فصل پنجم - پاییز ۱۳۸۹
- قانون - انتشارات داستان‌سرا - پاییز ۱۳۹۰
- کتاب صدای ارّه می‌آید - انتشارات فصل پنجم - بهار ۱۳۹۱
- تریبون - انتشارات فصل پنجم - پاییز ۱۳۹۱
- مذاکرات - انتشارات شانی - زمستان ۱۳۹۲
- کتاب دایره - انتشارات فصل پنجم - زمستان ۱۳۹۳
- ضربان - انتشارات فصل پنجم - زمستان ۱۳۹۴
- راپیه - انتشارات فصل پنجم - زمستان ۱۳۹۵
- نواحی - انتشارات فصل پنجم - زمستان ۱۳۹۶
- تشریح (پنجاه و هشت غزل نو) - انتشارات فصل پنجم - پائیز ۱۳۹۷
- تو رها باش و دوست داشته باش (پنجاه و پنج غزل عاشقانه) - انتشارات فصل پنجم - پاییز ۱۳۹۷
- زنان دل‌شده (پنجاه غزل عاشقانه و اجتماعی و هشت مسمط) - انتشارات تمدن علمی - ۱۳۹۸

پژوهش‌ها

- معنای دیگر (بررسی معانی ضمنی در شعر حسین منزوی بر اساس نظریه تحلیل گفتمان پل گرایس) - انتشارات فصل پنجم - زمستان ۱۳۹۴
- بایسته‌های پژوهش در شعر معاصر (راه‌کارهایی برای شناخت سیر واقعی تحولات شعر فارسی در دهه‌های اخیر) - انتشارات فصل پنجم - زمستان ۱۳۹۶

جوایز

- برگزیده سومین دوره جایزه ادبی پروین اعتصامی برای کتاب پیانو - ۱۳۸۷
- برگزیده هفتمین دوره جایزه ادبی پروین اعتصامی برای کتاب دایره - ۱۳۹۵

نمونه اشعار

دنیا پر از سگ است جهان سر به سر سگی‌ست
 غیر از وفا تمام صفات بشر سگی‌ست
 لبخند و نان به سفره امشب نمی‌رسد
 پایان ماه آمد و خلق پدر سگی‌ست
 از بوی دود و آهن و گل مست می‌شود
 در سرزمین من عرق کارگر سگی‌ست

...

آدم بیا و از سر خط آفریده شو
 دیگر لباس تو به تن هر پدر سگی‌ست

مریم حیدرزاده



زاده	۲۹ آبان ۱۳۵۶	تهران
محل زندگی		تهران
پیشه	شاعر، ترانه‌سرا، نویسنده، نقاش	
زمینه کاری	ادبیات، هنر	

مریم حیدرزاده (متولد ۲۹ آبان ۱۳۵۶) نقاش، نویسنده، شاعر و ترانه‌سرای ایرانی است.

زندگی و فعالیت هنری

حیدرزاده که بینایی خود را بر اثر چند عمل جراحی در کودکی از دست داد، در اواخر دهه ۷۰ با نوشتن شعرهایی به سبک محاوره‌ای و با به‌کارگیری کلمات ساده و روان شهرت یافت.

بسیاری از خوانندگان داخل کشور و همچنین خوانندگان فارسی‌زبان در بیرون از ایران از ترانه‌های او در آهنگ‌هایشان استفاده کرده‌اند. مریم حیدرزاده دانش‌آموخته حقوق قضایی از دانشگاه تهران است. پدر او بازنشسته ارتش و مادر او هم کارمند بود ولی به خاطر نگهداری از وی مدت هاست که فعالیت بیرون از منزل ندارد. مریم حیدرزاده ساکن سعادت‌آباد تهران است.

مریم حیدرزاده با خوانندگانی مانند مهستی، لیلا فروهر، داریوش، هنگامه، شادمهر، محسن چاوشی، محسن ابراهیم‌زاده، کامران و هومن و شهاب‌تیام همکاری داشته است.

آثار

خواننده	نام ترانه	آهنگساز	تنظیم
مهستی	از خدا خواسته	شادمهر عقیلی	شادمهر عقیلی
مهستی	طاقت	شادمهر عقیلی	شادمهر عقیلی
مهستی	امتحان	شادمهر عقیلی	شادمهر عقیلی
مهستی	شب عید	شادمهر عقیلی	شادمهر عقیلی
مهستی	وقتی رفتم	شادمهر عقیلی	شادمهر عقیلی
لیلا فروهر	ماه من	رامین زمانی	واچیک، هووی
لیلا فروهر	به جون تو	رامین زمانی	شهرام آذر
لیلا فروهر	خیلی سخته	رامین زمانی	رامین زمانی
لیلا فروهر	مگه میشه	رامین زمانی	دنیا شاهین
لیلا فروهر	بهانه	رامین زمانی	پوریا نیکان
لیلا فروهر	آرزوی من این است	رامین زمانی	رامین زمانی/خشایار احمدیه
عارف	به تو هدیه میکنم	رامین زمانی	خشایار بندار
داریوش	وعد ما لب دریا	رامین زمانی	رامین زمانی
هنگامه	نقاشی	رامین زمانی	رامین زمانی

هنگامه	بی تو هرگز	رامین زمانی	شهرام آذر
هنگامه	سفر	رامین زمانی	شهرام آذر
هنگامه	اجازه	رامین زمانی	رامین زمانی
هنگامه	یا تو یا هیچکس دیگه	رامین زمانی	رامین زمانی
هنگامه	بهبونه	رامین زمانی	رامین زمانی
هنگامه	دعا	رامین زمانی	رامین زمانی
هنگامه	وقتی رفت	رامین زمانی	رامین زمانی
هنگامه	معجزه	رامین زمانی	رامین زمانی
هنگامه	وقتی اومدی تو قلبم	رامین زمانی	افشین خواجه نژاد
هنگامه	خالکوبی	رامین زمانی	افشین خواجه نژاد
<u>مهرداد آسمانی</u>	تخت جمشید	مهرداد آسمانی	برایان وی
کامران و هومن	بهترینی	کامران و هومن	پیام شمس
کامران و هومن	اگه دنیا دست من بود	کامران و هومن	پیام شمس
کامران و هومن	فرشته نجات	رامین زمانی	رامین زمانی
کامران و هومن	وقتی کسی رو دوست داری	رامین زمانی	رامین زمانی

کامران و هومن	مال تو	پیام شمس	پیام شمس
کامران و هومن	حسودی	فرهاد زند	رامین زمانی
کامران و هومن	خالی	رامین زمانی	رامین زمانی
کامران و هومن	دارم دیوونه میشم	عارف شکوری	عارف شکوری
کامران و هومن	از تو انتظار نداشتم	کامران و هومن	عارف شکوری
<u>کامران و هومن / ابی</u>	مگه فرشته هم بده	رامین زمانی	رامین زمانی
<u>بتی</u>	یادته	پرویز قدرخانی	پرویز قدرخانی
<u>سپیده</u>	میخوام برات بمیرم	رامین زمانی	<u>شوبرت آوکیان</u>
سپیده	یادت میاد	رامین زمانی	شوبرت آوکیان
<u>سامان</u>	شمعدونیا	سامان	<u>منوچهر چشم آذر</u>
سامان	نامه	سامان	فردمیرزا
سامان	قناری	سامان	سامان
<u>خشایار اعتمادی</u>	ترانه تا قیامت	<u>تورج شعبانخانی</u>	<u>شادمهر عقیلی</u>
خشایار اعتمادی	گفتگو	تورج شعبانخانی	شادمهر عقیلی
خشایار اعتمادی	مثل هیچکس	تورج شعبانخانی	شادمهر عقیلی

شادمهر عقیلی	تورج شعبان خانی	به خاطر من	خشایار اعتمادی
<u>فردین خلعتبری</u>	تورج شعبان خانی	ترانه به خاطر تو	خشایار اعتمادی
فردین خلعتبری	تورج شعبان خانی	خلوت یک شاعر	خشایار اعتمادی
فردین خلعتبری	تورج شعبان خانی	یک سبد آرزوی کال	خشایار اعتمادی
فردین خلعتبری	تورج شعبان خانی	نامه های بی جواب	خشایار اعتمادی
فردین خلعتبری	تورج شعبان خانی	زیر درخت آرزو	خشایار اعتمادی
<u>فؤاد حجازی</u>	تورج شعبان خانی	ترانه هوای رفتن	خشایار اعتمادی
فرخ آهی	اورانیوم	اگه تو مال من بودی	<u>محمد محبیان</u>
شادمهر عقیلی	شادمهر عقیلی	دیوونتم	<u>فریده</u>
پدرام کشتکار	پدرام کشتکار	ساز مخالف	<u>مجتبی کبیری</u>
افشین شاهوران	<u>آرتین شاهوران</u>	من تو رو می خوام	<u>آرتین شاهوران</u>
پدرام کشتکار	پدرام کشتکار	بی تو هرگز	مجتبی کبیری
پدرام کشتکار	پدرام کشتکار	دویدم	مجتبی کبیری
پدرام کشتکار	پدرام کشتکار	منو ببخش	مجتبی کبیری
پدرام کشتکار	پدرام کشتکار	التماس مخملی	مجتبی کبیری

پدرام کشتکار	پدرام کشتکار	دلخوشی	مجتبی کبیری
پدرام کشتکار	پدرام کشتکار	دروغ ساده	مجتبی کبیری
پدرام کشتکار	پدرام کشتکار	بی‌قراری	مجتبی کبیری
محسن چاوشی	محسن چاوشی	نفرین	<u>محسن چاوشی</u>
محسن چاوشی	محسن چاوشی	راه دشوار	محسن چاوشی
محسن چاوشی	محسن چاوشی	غریب مادر	محسن چاوشی
محسن چاوشی	محسن چاوشی	غزل خون	محسن چاوشی
الکس عابدی	پدرام کشتکار	به عشق من نگاه نکن	تارا
پوریا نیاکان	پوریا نیاکان	حادثه	<u>شهاب تیام</u>
پوریا نیاکان	پوریا نیاکان	تقدیر	شهاب تیام
<u>مصطفی مؤمنی</u>	محسن ابراهیمزاده	قهرمان بی ادعا	<u>محسن ابراهیمزاده</u>
<u>مصطفی مؤمنی</u>	محسن ابراهیمزاده	بوی بارون	محسن ابراهیمزاده
<u>مصطفی مؤمنی</u>	محسن ابراهیمزاده	شب‌های دیوونگی	محسن ابراهیمزاده

آلبوم و قطعات دکلمه

توضیحات	آهنگساز	دکلمه و ترانه سرا	عنوان	سال انتشار
---------	---------	----------------------	-------	---------------

خواننده : <u>خشایار اعتمادی</u>	<u>تورج</u> <u>شعبانخانی</u>	مریم حیدرزاده	مثل هیچکس	۱۳۷۷
تنظیم کننده : <u>فردین خلعتبری</u> / <u>شادمهر عقیلی</u>	آرتین شاهوران		یاتو یا هیچکس	۱۳۷۸
تهیه کننده: <u>علی مهدیزاده</u> / <u>نوازندگان</u> : کریم قربانی و <u>مهران سراجیان</u>	<u>فریبرز</u> <u>لاجینی</u>		به خاطر تولدت	۱۳۷۹
تهیه کننده: <u>مهدی گرد</u> / این یک <u>قطعه به هادی</u> <u>نوروزی</u> تقدیم شد.	بردیا صدر		سال تحویل	۱۳۹۵
تهیه کننده : <u>مهدی گرد</u>	انتخابی		آبرنگ	۱۳۹۶

مجموعه اشعار

1. پروانه ات خواهم ماند / ۱۳۷۷
2. ماه تمام من / ۱۳۷۸
3. تقصیر من نبود / ۱۳۷۹
4. من او ندارم / ۱۳۸۰
5. نامه هایی که پاره کردم / ۱۳۸۰
6. نامه هایی که پاره کردی / ۱۳۸۱
7. دیگه میذارمت کنار / ۱۳۸۲
8. اون یکی جز من داشت / ۱۳۸۴
9. تو را در حضور همه دوست دارم / ۱۳۹۳
10. قهوه ات یخ نکند / ۱۳۹۹



پیکره مستوره کردستانی در سنندج، ساخته هادی ضیاءالدینی

نام اصلی ماهشرف خانم مستوره کردستانی

زاده	۱۱۸۴ خورشیدی ۱۸۰۵ میلادی <u>سنندج</u>
محل زندگی	سنندج
درگذشته	۱۲۲۷ خورشیدی ۱۸۴۸ میلادی ۴۳-۴۲ ساله <u>سلیمانیه</u>
لقب	مستوره کردستانی
پیشه	شاعر، نویسنده و <u>تاریخ‌نگار</u>
زمینه کاری	تاریخ نویسی
ملیت	<u>ایرانی</u> ، <u>کردتبار</u>
کتاب‌ها	<u>تاریخ اردلان</u> - دیوان اشعار مستوره
دیوان اشعار	دیوان مستوره
دلیل سرشناسی	اولین زن تاریخ نویس
همسر	<u>خسروخان اردلان</u>
پدر و مادر	ابوالحسن بیگ

ماه‌شرف خانم مستوره کردستانی، (زاده ۱۱۸۴ در سنندج - درگذشته ۱۲۲۷ در سلیمانیه) نخستین زن تاریخ‌نگار ایران و جهان، شاعر و نویسنده کرد ایرانی بود.

مستوره در شهر سنندج در غرب ایران چشم به جهان گشود و از شاهزادگان دربار اردلان به مرکزیت سنندج بود. زبان‌های کردی، فارسی و عربی را نزد پدرش ابوالحسن بیگ قادری آموخت. همسرش خسروخان اردلان حاکم عمارت اردلان بود و با مرگ وی عمارت اردلان دچار دخالت‌های قاجار شد. با هجوم قاجار به عمارت اردلان در سده ۱۹، مستوره همراه با خانواده‌اش به عمارت بابان در سلیمانیه به اجبار به خاطر امنیت جانی کوچ کردند. پسرش رضا قلی‌خان، جانشین خسروخان اردلان پس از شکنجه و تجاوز و گرداندن بر روی الاغ در مسیر شهرهای ایران به علت عدم تابعیت از دولت مرکزی ایران و رابطه پنهانی با روس‌ها و دولت عثمانی توسط قاجارها به زندان افتاد.

دویستمین سالگرد وی در اپریل در طی جشنواره‌ای به یاد وی برگزار شد. علاوه بر نوشته‌های تاریخی و مذهبی‌اش، از وی شعرهایی به کردی و فارسی به جا مانده‌است.

ابوالحسن بیگ پدر ماه شرف خانم از سوی پدر از خوانین درگزین همدان بود که جد بزرگ آنان قادر نام زمان شاه سلطان حسین صفوی (۱۷۲۲-۱۶۹۳ / ۱۱۳۵-۱۱۰۵) از همدان به سنج مجرت کرده است. میرزا عبدالله رونق این مهاجرت را در سال ۱۱۲۰ هـ. ق مطابق ۱۷۰۸ میلادی نوشته است، بخش دیگری از درگزینی‌ها به سلیمانیه عراق کوچ کردند و امروز محله درگزین به نام آنان است. حاج رجبعلی کلانتر جد بزرگ مستوره در زمان احمد خان فرزند سبحان وردی خان مصادف با حکومت نادر شاه (۱۷۴۳-۱۷۴۰ / ۱۱۵۶-۱۱۵۳) مرد با نفوذی در دستگاه حکومت اردلان‌ها بوده است. محمد آقای ناظر کردستانی پدر بزرگ مستوره یکی از شخصیت‌های بلند مقام بود که پنجاه سال هم‌عصر با چند تن از والیان مسئولیت آرامش داخلی و مرزهای کردستان و دخل و خرج و اداره ولایت را بر عهده داشته و در تمام جنگ‌ها به همراه خسروخان بزرگ اردلان به جنگ و پیکار مشغول بوده است.

زندگی

ماه شرف در سال ۱۲۲۶ قمری (برابر با ۱۱۸۴ خورشیدی و ۱۸۰۵ میلادی)، زمان حکومت امان‌الله خان والی اردلان در خانواده اهل فرهنگ قادری در سنندج به دنیا آمد و به تحصیل و تربیتش همت گماشتند و بر خلاف سنت دیرین و جاری زمان، او را هم‌سطح با مردان به آموختن علوم متداول زمان تشویق و ترغیب نمودند. دیری نگذشت که این ماه شرف در ردیف ادیبان و سخن‌سنان قرار گرفت. مستوره با ذوق و قریحه شعریش توانست با سرودن قصائد نغز و غزلیات آبدار با شاعران نامدار زمان خود مقابله کند و در تاریخ‌نویسی پایه‌پای مورخین جلوه نماید. میرزا علی‌اکبر منشی دیوان غزلیات مستوره کردستانی را بیست هزار بیت دانسته است.

میرزا علی‌اکبر وقایع‌نگار در شرح حال او می‌نویسد: سزاوار است نام مستوره به خاطر فضل و کمال و خط و ربط و شعر و تاریخ‌نگاری‌اش در ردیف زنان برجسته و مورخین نامدار قرار گیرد. ماه شرف در هفده سالگی رابطه دوستی مخفیانه با یکی از خانزاده‌های کلهر بنام قاسم خان داشت ولی به اجبار به عقد و ازدواج خسرو خان فرزند امان‌الله خان بزرگ درآمد اما حتی در زمان اقامت در کردستان عراق آن رابطه پا برجا بود. میرزا علی‌اکبر منشی در این باره می‌نویسد: «مستوره چون شأن و شایستگی خود را برابر با مردان روزگار می‌دانست از این مواصلت و مزاجت امتناع داشت تا این که خسروخان پدر و جد او را همراه چند تن از بستگان به زندان انداخت و ابوالحسن بیگ را مجبور به پرداخت جریمه سی هزار تومان نمود و شرط استخلاص آنان را منوط به عقد مستوره نمود. مستوره به ناچار بدین مزاجت تن درداد ولی روح و جسمش نزد خانزاده کلهر قاسم خان بود و جز تسلیم در مقابل استخلاص پدر و جدش راه دیگری نداشت در حالی که خسروخان پیش‌تر با حسن جهان خانم بیست و یکمین دختر فتح‌علی شاه قاجار ازدواج کرده بود و از او سه پسر به نام‌های رضاقلی خان، امان‌الله خان و احمد خان و سه دختر به نام‌های خانم‌خانم‌ها که زن اردشیر میرزا، برادر محمد شاه قاجار بود و دیگری عادل‌خانم همسر حسین خان، والی شیراز و سومی آغ‌خانم داشت.»

حسن جهان خانم زنی بود ادیب و شاعر و سیاست‌مدار و صاحب قدرت و مسلط بر زندگی خسروخان بود. مستوره بیشتر اوقات خود را به مطالعه و سرودن شعر و نوشتن تاریخ می‌گذراند و چون خسرو خان نیز شاعر بود بیشتر او را بدین کار تشویق می‌نمود، رفته‌رفته مستوره به خسروخان علاقه‌مند شد. ماه شرف در میان شاعران فارسی‌زبان با یغمای جندقی ارتباط شعری داشت و با سید عبدالرحیم مولوی که از بزرگان مکتب شعر گورانی است آشنا بود زیرا هر وقت سید عبدالرحیم مولوی به دیدار دوستانش غلامشاه خان اردلان و رضاقلی خان اردلان به سنندج می‌آمد با مستوره نیز ملاقات می‌کرد و او را تشویق می‌نمود که شعر کردی گورانی بگوید. اشعار مستوره به علت پختگی و استحکام و زیبایی

در کردستان بایان دست‌به‌دست می‌شد، نالی شاعر معروف کرد سورانی‌سرا در اشعارش ضمن ستایش مستوره با گوشه و کنایه و طنز می‌خواست از حرمت او بکاهد اما برخلاف میلش موجب اشتهار و معروفیت مستوره در شعر و ادب گردید.

برخی بر این عقیده‌اند که برخی از شعرای سورانی‌سرا این دلیل که مستوره شعر کردی نمی‌گفت ناراحت بودند و غزلی را سروده به او نسبت دادند به این مطلع:

گرفتارم به نازی چاوه‌کانی مهستی فهتانت بریندارم به زخمی سینه‌سوزی تیری موژگان

در منطقه کردستان اردلان تا آن تاریخ و بعدها سرودن شعر کردی سورانی مرسوم نبود

البته برخی آن غزل را از مستوره می‌دانند و آن را نمادی برای درهم‌شکستن آداب و رسوم مردسالاری آن زمان می‌دانند.

به باور منتقدان با سفارش‌هایی پیاپی سید عبدالرحیم مولوی به مستوره برای سرودن اشعار کردی، بعید به نظر می‌رسد که مستوره از قول و گفته او سرپیچی نموده و شعر کردی گورانی سروده باشد. به باور این منتقدان بعید نیست که هنوز اشعار کردی‌ای از مستوره در زوایای منازل یا بیاض‌ها و جنگ‌ها و اوراق پراکنده قدیمی موجود باشد.

دوران خوشبختی و آرامش روحی — و به قول مستوره، روزگار اعتبارش — چندان طولانی نبود، زیرا خسرو خان اردلان در سال ۱۲۵۰ هـ. ق به بیماری کبدی دچار شد و دو ماه بعد در بیست‌ونهمسالگی درگذشت. مرگ همسر و داغ از دست‌دادن برادر جوان ناکامش ابوالمحمد که در بیست‌ودوسالگی درگذشته بود، علاوه بر سلب نشاط و شادابی جوانی از مستوره، ضربات روحی زیادی که دو ماه پرستاری و شب‌زنده‌داری از همسرش تحمل کرده بود، او را به انزوا و عزلت و مطالعه کتب دینی و تألیف کتاب عقاید کشانید.

مستوره سالیانی را به تنهایی در میان خانواده جانشینان خسروخان گذرانید. میرزا عبدالله رونق در شرح حال وی می‌نویسد: «در سنه ۱۲۶۳ به علت فترت ولایت، با خویش و عشیرت که یکی از آنها حقیر بود جلائی وطن اختیار و در ملک بابان و خاک روم سکونت قرار داده و بار سفر آخرت را در آن مقام گشاده‌دست اجل گریبان حالش را گرفته به سوی گلشن جنان کشید و در جوار زهرا آرمید.» در یک تذکره شعرای کردی چاپ عراق آمده: «جنازه مستوره را از سلیمانیه به نجف انتقال دادند». ممکن است کلمه‌ای از نوشته میرزا عبدالله رونق در این‌جا ترک و از قلم افتاده باشد و منظور آن باشد: «در جوار زوج زهرا آرمید.»

مهدی بیانی به نقل از مجمع‌الفصحا او را از خوش‌نویسان خط نستعلیق دانسته‌است

آثار

مستوره اردلان چندین کتاب شعر نوشت. تاریخ اردلان او به عنوان یکی از متون شیوای فارسی شناخته شده‌است. اشعار پراکنده‌ای نیز به گویش گورانی زبان کردی از او بجا مانده‌است.

آثار مستوره عبارت‌اند از:

- دیوان اشعار که به فارسی سروده شده و در حدود دو هزار بیت است و سه بار به چاپ رسیده است. چاپ اولش در سال ۱۳۰۴ خورشیدی به همت حاج شیخ یحیی معرفت «اعتضاد الاسلام» و

اسدالله خان کردستانی در تهران انجام گرفته است. چاپ دوم به کوشش احمد کرمی در «نشریات ما» در سال ۱۳۶۳ در تهران. چاپ سوم به وسیله آقای صدیق صفی‌زاده بوره که بیست و یک غزل کردی سورانی را به نام مستوره در پایان اشعار فارسی بدان افزوده که جز یک غزل منسوب یادشده بقیه‌ی اشعار برای مردم کردستان ناآشنا و فاقد اعتبار علمی و تحقیقی است. محمد علی قره داغی در سال ۱۳۸۹ تعدادی از اشعار مستوره را از بیاض‌ها و نسخ خطی جمع‌آوری کرده و با نام دیوان مستوره انتشار داده‌است. این کتاب مشتمل بر دو غزل سورانی، ده مثنوی بلند هورامی و دو دوبیتی فارسی است.

- تاریخ اردلان: این کتاب معروفیت و ارزش علمی و اجتماعی مستوره را دو چندان نموده زیرا تا اواخر قرن نوزدهم میلادی در تمام خاورمیانه در عرصه تاریخ‌نویسی خصوصاً کردشناسی در میان زنان جز مستوره کسی به این کار نپرداخته‌است، این اثر ارزشمند در سال ۱۹۴۷ میلادی مطابق ۱۳۲۶ شمسی به وسیله مرحوم ناصر آزادپور در سنندج به چاپ رسید.
- عقاید مستوره: این کتاب که رساله کوچکی از عقاید مستوره در مذهب اهل سنت شافعی است بر ارزش شخصی و عقاید دینی وی می‌افزاید و به جرات می‌توان گفت در میان زنان تا این زمان کسی به چنین تألیفی نپرداخته‌است.

در زمستان ۸۵ در اریل عراق کنگره بزرگداشت مستوره اردلان برگزار شد و در آنجا ده کتاب منتشر شد. کتاب مستوره برگهایی از تاریخ سر به مهر نوشته جمال احمدی آئین و ترجمه کردی آن از عدنان برزنجی و کتاب شریعت مستوره با تصحیح جمال احمدی آئین و مقدمه نوید نقشبندی و ترجمه کردی آن از نوید نقشبندی از این کتاب‌ها بود.

مهری هروی	
زاده	قرن نهم هجری هرات
دیگر نام‌ها	مهرالنساء
عنوان	مهری، مهریه هراتیه و مهری هروی
دوره	تیموری

مهری هروی یکی از شاعران زبان فارسی در قرن نهم هجری بود.

به افتخار او هم‌اکنون نام یک لیسه (دبیرستان) را در هرات «لیسه مهری هروی» گذاشته‌اند.

زندگی

مهری هروی در شهر هرات به دنیا آمد. نام اصلی‌اش مهرالنساء بود و به نام‌های مهری، مهریه هراتیه و مهری هروی مشهور بود. او از شاعران شوخ‌طبع و ظریف هرات به‌شمار می‌رود.

مهری هروی ندیم و هم صحبت گوهرشاد بیگم همسر شاهرخ میرزای تیموری بود. ملکه گوهر شاد به او لقب زن فاضل و شیرین سخن داده بود.

مهری هروی با خواجه عبدالعزیز یکی از طیبیان خاص شاهرخ میرزا ازدواج کرد. خواجه عبدالعزیز فردی کهنسال بود. نقل شده است که مهری به این مرد علاقه‌ای نداشت این احساس او را می‌توان در شعر زیر دید

شوی زن نوجوان اگر پیر بود تا پیر شود همیشه دلگیر بود
ضرب المثلی است این که زنان می‌گویند در پهلوی زن تیر به از پیر بود

و در جای دیگری شعر زیر را فی البداهه سروده است

مرا با تو سر یاری نمانده سر مهر و وفاداری نمانده
ترا از ضعف و پیری قوت و زور چنانکه پای برداری نمانده

گفته می‌شود که مهری در مصاحبت بود با مسعود ترخان خواهر زاده گوهر شاد آشنا می‌گردد و عاشق او می‌شود.

سرانجام مهری هروی در بند کشیده می‌شود

نمونه اشعار

مهری هروی شاعری بسیار جسور بود. او با بی‌پروایی از جامعه مرد سالار آن دوره به شرح آمال و امیال خود می‌پرداخت.

یک نمونه از اشعار مهری هروی

پرده نشینان هری

یاد باد آنکه سر کوی توام منزل بود	دیده را روشنی از خاک درت حاصل بود
حل این نکته که بر پیر خرد مشکل بود	آز مودیم به یک جرعه می حاصل بود
گفتم از مدرسه پرسم سبب حرمت می	در هر کس که زدم بیخود و لایعقل بود
خواستم سوز دل خویش بگویم با شمع	داشت او خود به زبان آنچه مرا در دل بود
در چمن صبحدم از گریه و از زاری من	لاله سوخته خون در دل و پا در گل بود
آنچه از بابل و هاروت روایت کردند	سیح چشم تو بدیدم همه را شامل بود
دولتی بود تماشای رخت مهری را	حیف و صد حیف که این دولت مستعجل بود



مهستی گنجه‌ای

زاده	۴۹۰ ه.ق گنجه
درگذشته	گنجه ۵۷۷ ه.ق
آرامگاه	گنجه، آذربایجان
پیشه	دبیر
زمینه کاری	شعر، موسیقی
در زمان حکومت	غزنویان، سلجوقیان
سبک نوشتاری	رباعی
دیوان اشعار	رباعیات
اثر گذاشته بر	لسانی شیرازی
همسر(ها)	ابن خطیب گنجه

مهستی گنجوی یا مهستی گنجه‌ای یا مهستی گنجوی شاعر فارسی‌سرای که در سده پنجم و ششم هجری قمری می‌زیسته است. مهستی متشکل از دو واژه «مه» (ماه) و «ستی» (خانم) برابر با واژه «ماهبانو» است. مهستی پس از خیام، برجسته‌ترین رباعی‌سرای ایران به‌شمار می‌آید و او را پایه‌گذار مکتب شهر آشوب در قالب رباعی می‌دانند.

زندگی

زادگاه مهستی شهر گنجه بوده است و هم‌دوره با غزنویان بود. رشید یاسمی معتقد بود که «مهستی» متشکل از دو کلمه «مه» به معنی بزرگ و «ستی» به معنی خانم بوده و جمعاً این کلمه به معنی

«خانم‌بزرگ» است. در چهار سالگی پدرش او را به مکتب‌خانه فرستاد و چون استعدادی سرشار داشت در ده‌سالگی با ادب زن دانشمند بیرون آمد. او چنگ و عود و تار را به زیبایی می‌نواخت. شهرت او بیشتر به خاطر رباعیاتش است. وی در سروده‌هایش زنی فتنه‌گر و زیبا بوده‌است که عشاق فراوانی داشته، از جمله امیر احمد تاج‌الدین بن خطیب که فرزند خطیب گنجه بوده و عاقبت به عقد او در می‌آید. ابن خطیب مانند همسرش طبع شعر داشته و رباعیاتی نیز از او باقی مانده‌است.

از زندگی مهستی آگاهی چندانی در دست نیست، و آنچه هست اقوال تذکره‌نویسانی چون دولت‌شاه سمرقندی، امین احمد رازی و آذر بیگدلی است که همه نقل از یکدیگر، و آمیخته به افسانه‌نگاری و داستان‌های ساختگی است. دیوان اشعار او نیز به جا نمانده و رباعی‌هایی به نام او در نزهة‌المجالس (تألیف در قرن هفتم)، مونس‌الاحرار (تألیف در قرن هشتم) و مجموعه‌ها و تذکره‌ها به دست آمده‌است.

علی‌رغم اینکه در هیچ‌یک از منابع کهن، زمان مشخص و دقیقی از ولادت و مرگ مهستی به دست داده نشده، با این همه برخی از معاصران، ولادت وی را ۴۹۰ و مرگش را ۵۷۷ ه.ق ذکر کرده‌اند.

البته قدیم‌ترین مأخذی که از زمان حیات وی خبر داده، کتاب تاریخ گزیده نوشته حمداالله مستوفی است که به سال ۷۳۰ هجری قمری تألیف شده‌است. در این کتاب (صفحه ۷۱۸) ذیل (ابن خطیب گنجه) که شوهر مهستی است می‌خوانیم: «ابن خطیب گنجه: و هو، تاج‌الدین احمد، معاصر سلطان محمود غزنوی بود. اشعار خوب دارد؛ به ویژه مناظرات او با منکوحه‌اش مهستی شیرین باشد.»

کتابی ظاهراً از قرن هفتم شامل مناظرات مهستی با امیر احمد و رباعی‌هایی که خطاب به هم سروده‌اند (مشمول بر ۱۸۵ رباعی از زبان پورخطیب و حدود ۱۱۰ رباعی از زبان مهستی) در دست است (نسخه‌های کتابخانه سنایی سابق و ملی تبریز). احمد سهیلی خوانساری آن را کتاب قصه‌ای مجعول و حاوی اشعار سست و ناخوش می‌داند. بر اساس ترانه‌های موجود در همین کتاب، فریتز مایر شرق‌شناس آلمانی کتابی به نام «مهستی زیبا» فراهم آورده‌است (چاپ آلمان: ۱۹۶۳). طاهری شهاب در «دیوان مهستی» (تهران: ۱۳۳۶) و احمد سهیلی خوانساری در «رباعیات مهستی دبیر» (تهران: ۱۳۷۱) رباعی‌های مهستی را گردآوری کرده‌اند. در نزهة‌المجالس (تألیف در قرن هفتم) ۶۱ رباعی به نام مهستی آمده که کهن‌ترین و موثقی‌ترین مجموعه ترانه‌های مهستی است.

آثار

امروزه از مهستی، دیوانی بر جای نمانده‌است؛ دیوانی از وی تا اوایل قرن دهم در هرات بر جای بوده که در حمله عبیدالله خان از یک به هرات از بین رفته‌است و تنها اشعاری پراکنده از او در کتاب‌های قدیم باقی مانده‌است. مهستی به علت ابتکاری که در انتخاب موضوع ترانه‌های خود و وصف صاحبان پیشه‌های گوناگون و سرگرمی‌های مختلف مردم روزگار خود به کار برده، پیشرو نوع خاصی از شعر شناخته می‌شود که بعدها در عصر صفوی رواج بیشتر یافته و شهر آشوب نام گرفته‌است.

اشعار او بیان عشق و شیدایی، شوخ‌طبعی و رعنائی، صداقت و زیبایی است و سرشار از نشاط و به دور از غم و اندوه است. برخی تذکره‌نویسان و تاریخ‌پردازان بر اثر ناآشنایی با شهر آشوب، اشعار مهستی را نتوانسته‌اند بفهمند و با تصوراتی نادرست، او را لابلایی دانسته و در خلال سخن وی را نکوهیده‌اند؛ حال آنکه مهستی با امکانات زبانی و شوق سرشاری که در اختیار دارد، صاحبان جرف و صنعت عصر خویش را زیبارویانی دل‌فریب می‌نمایاند و بدین طریق امکانی پدیدمی‌آورد تا آیندگان را از پیشه‌وران عصرش آگاهی‌ای حاصل آید.

این رباعی منسوب به اوست:

ما را به دم پیر نگه نتوان داشت
در حُجره دلگیر نگه نتوان داشت
آن را که سر زلف چو زنجیر بُود
در خانه به زنجیر نگه نتوان داشت

مجموعه گلستان (زنان بزرگ ایران زمین)
مجید بهرام بیگی ۱۴۰۰ (Arya Bâhram)
زنان نویسنده بزرگ ایران در طول تاریخ



آریا بهرام

زنان نویسندگان بزرگ ایران در طول تاریخ

- 343 امیربانو کریمی
 344 بدرالزمان قریب
 347 بلقیس سلیمانی
 349 بنفشه حجازی
 351 بی‌بی‌خانم استرآبادی
 355 پروچیستا خاکپور
 356 پروین دولت آبادی
 358 پرینوش صنیعی
 359 پوران فرخزاد
 361 رزا جمالی
 365 زندخت شیرازی
 366 زویا پیرزاد
 369 سپیده شاملو
 370 سعیده قدس
 372 سیمین دانشور
 382 شکوه قاسم‌نیا
 383 شهرنوش پارس‌پور
 386 شیوا ارسطویی
 387 طاهره صفارزاده
 389 عرفان نظرآهاری
 392 غزاله علیزاده
 395 فتانه حاج سیدجوادی
 396 فرخنده آقایی
 397 فرخنده حاجی‌زاده
 401 فرشته توانگر
 402 فرشته ساری
 403 فریبا کلهر
 412 فریبا وفی
 414 فهیمه رحیمی
 415 فیروزه دوما
 416 گلی ترقی
 418 لیلی ایمن
 419 لیلی گلستان
 424 منصوره شریف‌زاده
 424 منیرو روانی‌پور
 427 منیژه آرمین
 429 مهستی شاه‌رخ
 430 نازی صفوی
 432 ناهید طباطبایی
 433 نسیم مرعشی
 434 هلن اولیایی‌نیا

امیربانو کریمی

همسر مظاهر مصفافرزندان علی مصفا کیمیا مصفا
گلزار مصفا امیر اسماعیل مصفاپدر و مادر سید کریم امیری فیروزکوهی

امیربانو کریمی (زاده ۱۳۱۰ خورشیدی در تهران)، فرزند کریم امیری فیروزکوهی، استاد ادبیات فارسی و متخصص در سبک هندی و صائب‌شناسی است. در همایش چهره‌های ماندگار سال ۱۳۸۳ به عنوان چهره ماندگار برگزیده شد.

زندگی

امیربانو کریمی نخستین فرزند کریم امیری فیروزکوهی، شاعر در تهران زاده شد. با پایان تحصیلات متوسطه به کار تدریس پرداخت و تحصیلات خود را تا مقطع دکترای زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه تهران ادامه داد و در همان دانشگاه مشغول به تدریس ادبیات شد. وی در زمینه سبک هندی و صائب‌شناسی متبحر است.

در چهارمین همایش چهره‌های ماندگار در سال ۱۳۸۳ به عنوان چهره ماندگار زبان و ادبیات فارسی برگزیده شد.

همسر او مظاهر مصفا، شاعر و استاد دانشگاه تهران بود که ۸ آبان ۱۳۹۸ درگذشت. پسرش علی مصفا، بازیگر است.

امیربانو کریمی برای همدردی با مصیبت‌دیدگان سرنگونی هوایم مسافربری اوکراین توسط سپاه پاسداران در دی ۱۳۹۸، از شرکت در جایزه کتاب سال جمهوری اسلامی انصراف داد. او با انتشار یادداشتی کوتاه در تاریخ ۲۳ دی ۱۳۹۸، ضمن اعلام انصراف از شرکت در جایزه کتاب سال، دلیل دیگر این تصمیمش را «تسکین شرمساری خود» از سال‌ها تدریس «پرهیز از دروغ و نامردمی» به دانشجویان و نیز سال‌ها تنفس در «فضای مسوم دروغ و ریا در دانشگاه تهران» عنوان کرد. امیربانو کریمی یادداشت خود را با این تیتر آغاز کرده است: «کار ملک از نابسامانی ز میزان درگذشت».

آثار شناسی

کتاب‌ها

- «تصحیح انتقادی قسم دوم و سوم جوامع الحکایات و لوامع الروایات» (۴ جلد)، ۱۳۵۹، ۸، ۷، ۴، ۳
- جمع‌آوری و حاشیه‌نویسی و تعلیق دیوان امیری فیروزکوهی در ۲ چاپ، بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۵
- «طرح دو بیت و دو بیت و یک غزل از دیوان صائب تبریزی»، انتشارات زروار، ۱۳۶۸
- «تصحیح دیوان حکیم فیاض لاهیجی»، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۲
- «منتخب حدیقه الحقیقه حکیم سنایی»، انتشارات زروار، ۱۳۷۴

مقاله‌ها

برخی از مقاله‌های او در مجله‌های ادبی گوهر، آینده، سخن عبارتند از

- منابع گم‌شده جوامع الحکایات
- حلاج سکه دو رویه
- تجلی زن در شعر فارسی
- بیماری صبا

بدرالزمان قریب گرکانی



زاده ۱ شهریور ۱۳۰۸ تهران

درگذشت ۷ مرداد ۱۳۹۹ (۹۰ سال) تهران

مدفن مقبره خانوادگی قریب در حرم شاه عبدالعظیم

پیشه زبان‌شناس و عضو فرهنگستان

سازمان	فرهنگستان زبان و ادب فارسی
آثار	فرهنگ سُغدی، تحلیل ساختار فعل در زبان سُغدی و ...
خویشاوندان	شمس‌العلمای قریب گرکانی
جایزه ها	نشان درجه یک  کتاب سال جمهوری اسلامی ایران ۱۳۶۵ و ۱۳۷۴ جایزه انجمن آثار و مفاخر فرهنگی ۱۳۷۷ کتاب جشن‌نامه بدرالزمان قریب چهره‌های ماندگار ۱۳۸۱ جایزه ادبی تاریخی بنیاد موقوفات محمود افشار ۱۳۸۷

بدرالزمان قریب گرکانی (زاده ۱ شهریور ۱۳۰۸ در تهران – درگذشته ۷ مرداد ۱۳۹۹ در تهران) زبان‌شناس ایرانی، تنها زن از اعضای پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی، چهره ماندگار و مشاور رئیس این فرهنگستان بود.

خانواده

بدرالزمان قریب در سال ۱۳۰۸ در تهران زاده شد. او اصالتاً اهل روستای گرکان، شهرستان آشتیان، استان مرکزی و از نوادگان شمس‌العلمای قریب گرکانی بود.

تحصیل

بدرالزمان قریب تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در همین شهر با گرفتن دیپلم علوم طبیعی به پایان برد. پس از آن از ادامه تحصیل در آن رشته طبیعی باز ماند. تا اینکه فرصتی پیش آمد و به ادبیات فارسی علاقه‌مند شد. او در ۱۳۳۳ در آزمون ورودی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران پذیرفته شد. بدرالزمان قریب در سال ۱۳۳۶ مدرک کارشناسی زبان و ادبیات فارسی گرفت و یک سال بعد برای تحصیل در زبان‌های باستانی ایران با گرفتن بورس تحصیلی از دانشگاه پنسیلوانیا به ایالات متحده آمریکا رفت. او از گروه زبان‌شناسی و خاورشناسی دانشگاه پنسیلوانیا مدرک کارشناسی ارشد گرفت و برای یک سال نیز در دانشگاه میشیگان مشغول به تحصیل آواشناسی شد. در این مدت علاوه بر زبان سانسکریت، زبان‌شناسی هند و اروپایی را نیز آموخت. قریب در سال ۱۳۴۰ (خورشیدی) با استفاده از بورس تحصیلی شاگردان اول، به دانشگاه کالیفرنیا، برکلی وارد شد و با راهنمایی والتر هنینگ به پژوهش پرداخت و پایان‌نامه دکترای خود را با عنوان تحلیل ساختاری فعل در زبان سُغدی نوشت.

استادی دانشگاه

بدرالزمان قریب پس از بازگشت به ایران پس از یک سال در دانشگاه شیراز با رتبه استادیاری به مدت چهار سال و نیم به آموزش زبان فارسی باستان، زبان پهلوی، و تاریخ زبان فارسی پرداخت. پس از آن، بار دیگر با دریافت فرصت مطالعاتی به آمریکا رفت و همزمان با پژوهش، مدتی را به عنوان

استاد مدعو در دانشگاه یوتا زبان فارسی درس داد و یک ترم نیز به عنوان پژوهشگر در دانشگاه هاروارد پژوهش کرد و بار دیگر به دانشگاه شیراز بازگشت.

بدرالزمان قریب در سال ۱۳۵۰ (خورشیدی) به دانشگاه تهران منتقل شد

فرهنگستان زبان فارسی

بدرالزمان قریب در سال ۱۳۷۷ (خورشیدی) به عنوان عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی و در سال ۱۳۷۸ (خورشیدی) به سمت سرپرست گروه گویش‌شناسی این فرهنگستان انتخاب شد. او در سال ۱۳۸۳ (خورشیدی) نیز مدیریت گروه زبان‌های ایرانی فرهنگستان را به عهده گرفت. بدرالزمان قریب تنها عضو پیوسته زن فرهنگستان زبان و ادب فارسی بود.

بدرالزمان قریب بیش از دو دهه عضو شورای علمی مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی بود.

جوایز و بزرگداشت

بدرالزمان قریب در همایش دوم، جزء چهره‌های ماندگار (۱۳۸۱) ایران شناخته شد. دو کتاب زبان‌های خاموش (۱۳۶۵) و فرهنگ زبان سُغدی (۱۳۷۴) از آثار بدرالزمان قریب به عنوان کتاب سال جمهوری اسلامی ایران از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برگزیده شده‌اند.

بدرالزمان قریب برنده جایزه انجمن آثار و مفاخر فرهنگی (۱۳۷۷) بود.

در دی ۱۳۸۷، هفدهمین قالیچه ابریشم جایزه ادبی تاریخی بنیاد موقوفات محمود افشار به بدرالزمان قریب اهدا شد.

کتاب "جشن‌نامه بدرالزمان قریب" به کوشش زهره زرشناس و ویدا نداف با مقالاتی از کسانی چون ژاله آموزگار، ابوالقاسم اسماعیل‌پور، ایرج افشار، و منوچهر ستوده، از سوی نشر طهوری برای بزرگداشت کارهای بدرالزمان قریب منتشر شده است.

محمد مصدق

بدرالزمان قریب علاقه ویژه‌ای به محمد مصدق داشت. او قصیده‌ای برای محمد مصدق سرود و توسط عبدالکریم قریب، به محمد مصدق رساند. مصدق هم عکسی را با ذکر من و تاریخ و امضا برای بدرالزمان قریب فرستاد.

فیلم زندگی

فیلم مستند زندگی و آثار بدرالزمان قریب، با زبان خاموش نام دارد.

درگذشت

بدرالزمان قریب، صبح ۷ مرداد ۱۳۹۹، در ۹۰ سالگی درگذشت. به گفته مدیر روابط عمومی فرهنگستان زبان و ادب فارسی «گویا» او بر اثر ابتلا به کروناویروس سندرم حاد تنفسی ۲ درگذشته است.

آثار

- تحلیل ساختار فعل در زبان سُغدی (انگلیسی)
- زبان‌های خاموش - نوشته یوهانس فریدریش - ترجمه یدالله ثمره و بدرالزمان قریب (کتاب سال جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۶۶)
- داستان تولد بودا

- فرهنگ سُغدی (سغدی - فارسی - انگلیسی)
- کشف کتیبه پهلوی در چین
- وسنتره جاتکه، داستان تولد بودا به روایت سُغدی
- تاریخچه گویش‌شناسی در ایران
- مطالعات سُغدی (مجموعه مقالات)
- پژوهش‌های ایرانی باستان و میانه
- قُطوف الربیع (اصول فقه به شعر عربی)

بلقیس سلیمانی



زاده

۱۳۴۲ خورشیدی
شهرستان رابر کرمان

دیگر نام‌ها

کیمیا سپهری صبا سلیمانی

پیشه

داستان‌نویس، منتقد، پژوهشگر

سبک

داستان کوتاه، رمان

همسر

مجتبی بشر دوست

فرزندان

کیمیا، سپهر

بلقیس سلیمانی (زاده ۱۳۴۲ در کرمان)، داستان‌نویس و منتقد ادبی و پژوهشگر معاصر ایرانی است.

کتاب‌های «بازی آخر بانو»، «بازی عروس و داماد» و «خاله بازی» از آثار اوست که همگی بیش از پنج بار تجدید چاپ شده‌اند و رمان بازی آخر بانو برنده جایزه ادبی مهرگان و بهترین رمان بخش ویژه جایزه ادبی اصفهان در سال ۱۳۸۵ شده است.

تحصیلات

سلیمانی فلسفه خوانده و بیش از هشتاد مقاله در مطبوعات نوشته است و برخی از داستان‌هایش به زبان‌های انگلیسی، ایتالیایی و عربی ترجمه شده است. او داوری جایزه‌های ادبی را نیز بر عهده داشته است، از جمله جشنواره بین‌المللی برنامه‌های رادیویی و جایزه منتقدان و نویسندگان مطبوعاتی.

آثار

رمان‌های «بازی آخر بانو» و «خاله بازی» دو کتاب از یک سه‌گانه در زمینه‌های عشق و روایت و قدرت هستند که داستان آن‌ها در زمان رویدادهای سیاسی - اجتماعی دهه ۱۳۶۰ ایران قرار دارد و نقش اصلی و محوری آن‌ها با زنان است. سلیمانی در این مجموعه رمان‌ها انسان را در موقعیت‌های مختلف و خطیر مانند انسان در موقعیت انتخاب، انسان در موقعیت آزاد، انسان در موقعیت مرگ، یا در موقعیت قتل قرار داده و عکس‌العمل او را بررسی می‌کند. اما بیشتر دغدغه‌های فلسفی و تجربه آن در قالبی تازه سبب نگارش مجموعه داستان‌های بسیار کوتاه «بازی عروس و داماد» او بود. داستان‌های مجموعه «بازی عروس و داماد» را می‌توان داستان مینی‌مال یا داستان‌های فلش دانست. این شخصیت داستان چند خطی همگی قصه‌گو هستند و طرح داستانی آن‌ها واضح و مشخص است و بسیاری از آن‌ها پایانی غافلگیرکننده دارند.

جوایز

- جایزه ادبی مهرگان در سال ۱۳۸۵.
- جایزه ادبی اصفهان در سال ۱۳۸۵.
- اعطای نشان درجه یک هنری در سال ۱۳۹۵.

کتاب‌شناسی

رمان

- خاله بازی، انتشارات ققنوس
- به هادس خوش آمدید، نشر چشمه (۱۳۸۹)
- نارسیده ترنج (در دست نگارش و چاپ) رمانی است درباره زنان ایرانی در دهه ۶۰ و فضای جنگ
- پسری که مرا دوست داشت
- سگ‌سالی (۱۳۹۲)
- بازی آخر بانو (برنده جایزه ادبی مهرگان و و جایزه بهترین رمان بخش ویژه جایزه ادبی اصفهان در سال ۸۵)
- آن مادران این دختران انتشارات ققنوس (۱۳۹۷)
- پیاده انتشارات چشمه زمستان ۱۳۹۷
- " من از گورانی ها می ترسم " انتشارات چشمه (۱۳۹۴)

داستان کوتاه

- بازی عروس و داماد، نشر چشمه (مجموعه داستان‌های بسیار کوتاه (مینی‌مال) یا داستان‌های فلش)

پژوهش ادبی

- همنوا با مرغ سحر، درباره زندگی و آثار علی‌اکبر دهخدا
- هنر و زیبایی از دیدگاه افلاطون

- بررسی وضعیت کمی و کیفی ادبیات داستانی در دهه هفتاد
- تفنگ و ترازو (در نقد و بررسی ادبیات دفاع مقدس)

بنفشه حجازی



زاده	۶ فروردین ۱۳۳۳ بروجرد
تحصیلات	کارشناسی علوم اجتماعی
محل تحصیل	دانشگاه تهران
پیشه	شاعر، نویسنده پژوهشگر

بنفشه حجازی، (متولد ۱۳۳۳ بروجرد) شاعر، نویسنده و پژوهشگر تاریخ زنان است از آثار او می‌توان به رمان ایمپالای سرخ (۱۳۸۸) اشاره کرد. وی مدیر مسئول بخش ادبی سایت مشاهیر هنر ایران - ققنوس است.

کتاب‌شناسی

رمان

- ۱۳۸۸ - ایمپالای سرخ. تهران، انتشارات افراز.
- ۱۳۸۸ - اعترافات یک عکاس. روشنگران و مطالعات زنان.
- ۱۳۸۳ - بیسکویت نیم خورده. نشر همراه.
- ۱۳۸۱ - نرگس + عشق. قصیده سرا.
- ۱۳۷۸ - ماه گریخته در پیراهن. گفتمان خلاق.
- ۱۳۶۶ - گزارشی از ستون زار. تمدن.

مجموعه اشعار

- اعتراف می‌کنم (مجموعه شعر نو)، نشر همراه، ۱۳۸۳
- یک منظومه آواره و بیست ترانه سرگردان (مجموعه شعر نو با ناصر نجفی)، فارسی-انگلیسی، تهران، سالی، ۱۳۷۹
- نپرس چرا سکوت می‌کنم (مجموعه شعر نو)، فارسی - انگلیسی، تهران، گیل، ۱۳۷۶

- به انکار عشق تو ناگزیرم (مجموعه شعر نو) تهران، روشنگران، ۱۳۷۲
 - رؤیای انار (مجموعه شعر نو) تهران، سیامک، ۱۳۶۵
- داستان‌های کودکان**
- تارا و ماه (داستان کودکان) تهران، وزارت نیرو - توانیر، ۱۳۷۶
- سایر آثار**
- تاریخ هیچکس؛ بررسی جایگاه زن ایرانی در عصر زندیه و افشاریه. تهران، قصیده سرا، ۱۳۸۵
 - زن تاریخ: بررسی جایگاه زن از عهد باستان تا پایان دوره ساسانیان. تهران، قصیده سرا، ۱۳۸۵
 - چند کلمه از مادرشوهر: بررسی جایگاه زن در امثال حکم و اشعار عامیانه زبان فارسی. تهران، فرزانه روز، ۱۳۸۵
 - زنان ترانه؛ بررسی حضور زن در ترانه‌ها و اشعار عامیانه. تهران، قصیده سرا، ۱۳۸۴
 - تذکره اندرونی: شرح حال و شعر شاعران زن قرن سیزدهم تا پهلوی اول. تهران، قصیده سرا (و) روشنگران، ۱۳۸۳
 - تاج الرجال: رابعه عدویه. تهران، شالیزار، ۱۳۸۲
 - دایره حیرت؛ زندگینامه علمی و ادبی حکیم عمر خیام. تهران، دانش فریار، ۱۳۸۱
 - ضعیفه؛ بررسی جایگاه زن ایرانی در عصر صفوی. تهران، قصیده سرا، ۱۳۸۱ (چاپ اول) ۱۳۸۱ چاپ دوم
 - به زیر مقنعه؛ بررسی جایگاه زن ایرانی از قرن اول تا عصر صفوی. تهران، نشر علم، ۱۳۷۶
 - ادبیات کودکان و نوجوانان؛ ویژگیها و جنبه‌ها. تهران، روشنگران و مطالعات زنان (چاپ دوم ۱۳۷۷، چاپ سوم ۱۳۷۹، چاپ چهارم ۱۳۸۰، چاپ پنجم ۱۳۸۱، چاپ ششم ۱۳۸۲، چاپ هفتم ۱۳۸۳، چاپ هشتم ۱۳۸۴، چاپ نهم ۱۳۸۵، چاپ دهم ۱۳۸۷)
 - زن به ظن تاریخ؛ بررسی جایگاه زن در ایران باستان. تهران، شهراب، ۱۳۷۱
 - زن در مثل: امثال و حکم مربوط به زنان در زبان فارسی
- آثار منتشر شده به انگلیسی

- ۱۹۸۶: The Dream of Pomegranate (collection of poems)
- ۱۹۸۷: A Report on Sotoonzar (novella)
- ۱۹۹۲: Women According to History (research on women before Islam)
- ۱۹۹۳: I'm obliged to deny your love (collection of poems)
- ۱۹۹۵/۹۸/۹۹/۰۰۱/۰۰۲/۰۰۳: Children & Young Adult's Literature
- ۱۹۹۷: Under the Scarf (research on women after Islam to the Safavid)
- ۱۹۹۷: Ask Me Not Why I'm Silent (collection of poems. Persian-English)
- ۱۹۹۷: Tara and the Moon (story for children)
- ۱۹۹۹: The Scaped Moon in the Shirt (novel)
- ۲۰۰۰: A Wondering Collection & Twenty Stray Melodies (collection of poems. Persian- English, with Naser Najafi)
- ۲۰۰۲: Zaeefe (research on women- Safavid)

- ۲۰۰۲: Circel of Wonder: Biography of khayyam: scientific & literal
- ۲۰۰۳: Taj Al Rejal: Rabe'e Adawiyye (Biography of a famous mystic Woman)
- ۲۰۰۳: Narcissus + Love (novel)
- ۲۰۰۴: Half eaten Biscuit (novel)
- ۲۰۰۴: I Confess (collection of Poems)
- ۲۰۰۴: Tazkereh Andarooni: Biography and Poems of Iranian poetesses from 13 th century to the Pahlavi period?
- ۲۰۰۶: The No-One's History; The Study on Women's Seat in the Afsharye and Zandye's Age
- ۲۰۰۶: The Women History; The study on Women's Seat from Ancient History to the End of Sassanid Age
- ۲۰۰۶: A Few words from Mother-in-law; A research on Women's Seat in Persian Proverbs and Folkloric Poetry

بی بی خانم استرآبادی



زاده

۱۲۷۴ قمری

نوکنده از روستاهای بندرگز از توابع استرآباد

درگذشت

۱۳۰۰ تهران

پیشه

نویسنده، آموزش

همسر	موسی‌خان وزیری
فرزندان	حسنعلی مولود علینقی خدیجه افضل علی اصغر علیرضا فتحعلی وزیری
والدین	محمدباقرخان انزانی خدیجه ملاباجی

بی‌بی‌خانم استرآبادی یا **بی‌بی‌فاطمه استرآبادی** از نویسندگان دوران مشروطه است. او در روزنامه های حبل‌المتین، تمدن و نشریه مجلس مقاله می‌نوشت. بیشتر مقالات او در دفاع از آموزش دختران است. او اولین دبستان دخترانه را بنیان گذاشت. بیشتر شهرت بی‌بی‌خانم استرآبادی به خاطر کتاب معایب الرجال است که به طنز و در پاسخ به تادیب‌النسوان نوشته‌است. او را نخستین زن طنزنویس ایران می‌دانند.

زندگی

خانواده

پدر بی‌بی‌خانم، محمدباقرخان استرآبادی، سرکرده ایل انزان در مازندران بود. محمدباقرخان در یکی از سفرهای ناصرالدین شاه به مازندران با دلاوری شیری را از پا درآورد و لقب شیرکش گرفت و در رکاب شاه به پایتخت آمد و به سمت ایشیک آقاسی باشی منسوب شد. مادر او، خدیجه خانم، یکی از ندیمه های همسر ناصرالدین شاه (شکوه‌السلطنه) بود و کار تدریس و آموزش کودکان درباری را نیز انجام می‌داد و از زنان باسواد آن دوران به‌شمار می‌آمد که لقب ملاباجی داشت. محمدباقر با ملاباجی آشنا شد و از شاه اجازه ازدواج با او را گرفت و با هم ازدواج کردند و به روستای نوکنده، از روستاهای بندرگز از توابع استرآباد، رفتند.

بی‌بی‌خانم در سال ۱۲۷۴ هجری قمری، برابر ۱۲۳۶ خورشیدی، در نوکنده به دنیا آمد. مادر او، خدیجه خانم، علاقه‌ای به تداوم ازدواجش نداشت؛ زیرا باقرخان پنج همسر دیگر هم داشت. خدیجه پس از مدتی موفق می‌شود خانه همسر را با دو فرزندش (بی‌بی و حسین علی)، به بهانه زیارت کربلا ترک کند، اما از کربلا به تهران رفته و مجدداً به دربار بازگشت و به عنوان ملاباجی دربار مشغول شد. دو سال بعد محمدباقرخان در اختلافات قومی کشته شده و خدیجه دیگر هرگز به مازندران باز نگشت. بی‌بی‌خانم توانست نزد مادرش آموزش ببیند و درس بخواند و از این امتیاز برخوردار بود که هم بتواند دنیای درون حرمسرا را مشاهده کند و هم دنیای بیرون را تجربه نماید. فضای این دوره به شدت مردسالارانه بود و تفکرات زن‌ستیزانه در جامعه غالب بود.

ازدواج



جمعی از خانواده بی‌بی‌خانم، ایستاده از راست به چپ: حسین‌علی وزیر، بدری وزیر، آقا بزرگ ملاح، مه‌لقا ملاح، حسن‌علی وزیر، مهین‌دخت، خسرو ملاح
نشسته از راست به چپ: اسدالله تاروردی، خدیجه افضل وزیر، مهرانگیز ملاح، بهروز بیات

بی‌بی با افسر جوانی از اهالی قفقاز که به تهران مهاجرت کرده بود، به نام موسی‌خان وزیراف آشنا شد. این دو به هم علاقه‌مند شدند و چون خدیجه باجی با وصلت‌شان مخالف بود، پس از دو سال عاشقی، بی‌بی از خانه می‌گریزد و در ۲۲ سالگی با موسی‌خان وزیر از دواج کرد. این ازدواج منجر به تولد هفت فرزند شد که علینقی وزیر (از موسیقی‌دانان برجسته)، حسن وزیر (از نقاشان برجسته) و خدیجه افضل وزیر از جمله این فرزندان هستند. ابراهیم نبوی در مقاله‌ای می‌گوید «بی‌بی خانم در جوانی از دواج کرد و به شوهرش عشق می‌ورزید، اما ای کاش به او عشق نمی‌ورزید، شاید به همین دلیل بود که شوهرش که تحمل زنی اهل فکر و دانش و شعور را نداشت، با دختر خدمتکاری ازدواج کرد.»

نخستین مدرسه دخترانه

مدرسه دوشیزگان، نخستین مدرسه‌ای است که در سال ۱۳۲۴ (معادل ۱۲۸۵ شمسی در دوره مشروطه) توسط بی‌بی‌خانم استرآبادی برای آموزش دختران تأسیس شد. افتتاح این مدرسه با موجی از مخالفت‌ها و نارضایتی‌ها از جانب مردان روبه‌رو شد و عده‌ای مدرسه، که در واقع خانه بی‌بی خانم هم بود، را به آتش کشیدند. سید علی شوشتری حکم تکفیر او را صادر کرد و قشر وسیعی از جامعه، حتی بعضی از پیشگامان نهضت مشروطه، با بی‌اعتنایی و تمسخر یا فاحشه خطاب کردن او و دخترانش، به این مدرسه واکنش نشان دادند.

بی‌بی خانم در اثر تهدید و فشارهای مخالفان نزد مخبر السلطنه هدایت (وزیر معارف) شکایت کرد، اما به وی گفتند مصلحت در این است که مدرسه تعطیل شود. پس از آن مدرسه دوشیزگان تا یک سال تعطیل بود و بیشتر مشروطه‌خواهان و نمایندگان مجلس، می‌ترسیدند که این مخالفت‌ها به یک بحران سیاسی تبدیل شود و لذا سکوت پیشه کردند.

در خاطرات دختر بی‌بی خانم آمده است که یکی از روحانیان بر سر منبر گفته بود: «بر این مملکت باید گریست که در آن دبستان دوشیزگان باز باشد.» مه‌لقا ملاح (نوه بی‌بی خانم) نیز در این باره گفته است: «این مدرسه خیلی سر و صدا راه انداخت. امام جماعت مسجد عبدالعظیم پای منبر گفته بود که کلمه «دوشیزه» شهوت‌انگیز است؛ وای بر ملتی که مدرسه دوشیزگان داشته باشد! سایر ملاها نیز علیه مادر بزرگ اقدام کردند. سید علی شوشتری اعلامیه چاپ کرد و نوشت این مدرسه مال زنی است که مفاسد دینی دارد. خانه‌اش محل اجتماع هنرمندان است و در آن تار می‌زنند.»

مدتی بعد (پس از استبداد صغیر) بی‌بی‌خانم شکایتش را نزد مرتضی‌قلی صنیع‌الدوله (وزیر معارف) برد و سرانجام موفق شد مدرسه را باز کند، به شرط این‌که مدرسه تنها به دختران ۴ تا ۶ سال اختصاص یابد و عبارت «دوشیزگان» هم از تابلوی مدرسه حذف شود. این در حالی بود که پیش از اعتراض‌ها و بستن مدرسه، در کنار دانش‌آموزانی از همه سنین، مادران و مادر بزرگان آن‌ها نیز برای باسواد شدن، همراه دخترانشان به کلاس‌ها می‌آمدند.

در این مدرسه، برخلاف مکتب‌های مرسوم آن دوره، دانش‌آموزان پشت نیمکت و صندلی می‌نشستند و درس‌هایی مثل ریاضیات، عربی، ادبیات و غیره در آن تدریس می‌شد. در تاریخ مبارزه با تبعیض جنسی و روشنگری زنان، موضوع تأسیس اولین مدرسه دخترانه از جایگاه و اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده است. این امکان که در ابتدا در اختیار خانواده‌های مرفه بود، با تلاش و پیگیری زنان گسترش یافت و موضوع آموزش و پرورش طیف وسیعی از دختران و زنان را شامل شد. محل

مدرسه دوشیزگان پس از درگذشت بی‌بی خانم پابرجا بود و تا سال ۱۳۲۲ به همان شکل باقی مانده بود ولی در این سال، بازماندگان خانه را به مبلغ ۳۵ هزار تومان فروختند.

معایب الرجال



تصویر نسخه خطی از کتاب معایب الرجال که در کتابخانه مجلس نگهداری می‌شود. نخستین جمله‌ای که در بالای صفحه نوشته شده این است: «نخست از ابتدا آرم ثنا و حمد یزدان را/ که از اضلاع سمت چپ پدیدآورد نسوان را»

در سال ۱۳۰۹ (قمری) کتابی، به قلم شخص ناشناسی، به نام تادیب زنان نوشته و منتشر شد. هر فصل این رساله به نحوه اصلاح رفتار و کردار ناپسندی می‌پردازد که نویسنده منتسب به زنان می‌داند:

فصل اول درباره «سلوک زن»،

فصل دوم «حفظ زبان»،

فصل سوم «گله‌گزاری»،

فصل چهارم «قهر کردن»،

فصل پنجم «طرز راه رفتن»،

فصل ششم «آداب غذا خوردن»،

فصل هفتم «پاکیزه نگه داشتن بدن و استعمال بعضی از عطریات»،

فصل هشتم «طرز لباس پوشیدن»،

فصل نهم «آداب خوابیدن» و

فصل دهم درباره «آداب صبح برخاستن از خواب» است.

چند سال بعد بی‌بی خانم استرآبادی در سال ۱۳۱۳ (قمری)، اندکی قبل از ترور ناصرالدین شاه، کتابی

به نام معایب الرجال نوشت که رديه‌ای بر آن بود. بی‌بی خانم در این کتاب ضمن برشمردن معایب مردان سعی کرده است راه و رسم درست زناشویی را توضیح دهد. او در این رساله علاوه بر آن که پاسخی جداگانه به هر ده فصل کتاب تادیب النساء می‌دهد، چهار فصل را نیز به معایبی که در مردان می‌بیند نسبت می‌دهد. این چهار فصل عبارت اند از: «اطوار شراب‌خوار»، «کردار اهل قمار»، «در تفصیل چرس و بنگ و واپور و اسرار» و «شرح گفتگو در اوضاع عبائره و اقراوات اجامره و الواط». او در این کتاب مردان را دعوت می‌کند که «دست از تأدیب کردن نسوان بردارند و در پی تأدیب و

تربیت خود برآیند». در بخش آخر، بی‌بی خانم به شرح داستان زندگی خود و داستان بی‌وفایی شوهرش می‌پردازد.

بی‌بی خانم در این کتاب آورده‌است:

«نه هر مردی از هر زنی فزون‌تر است و نه هر زنی از هر مردی فروتر»
 «انواع و اقسام از خواص و عوام زن و مرد خوب و بد هر دو می‌باشند، صفات حمیده و رذیله از همه قسم مشاهده می‌شود. اگر باید تربیت بشوند باید همه را بنمایند؛ و تربیت هم موقوف به تمام قوانین تمدن و تدین ملیه و دولتی و شرعی و عرفیه کشوری و لشکریه می‌باشد.»

نثر معایب الرجال پر از کلمات و عبارات عربی است و نویسنده جابه‌جا برای روشن کردن منظور خود از شعر و آیات قرآن و احادیث بهره برده‌است. زبان آن «تند و بی‌پروا و به دور از عفت کلام و محافظه‌کاری» است.

دوران مشروطه

بی‌بی از حامیان نهضت مشروطیت بود و در زمان استبداد صغیر به نمایندگان مجلس کمک مالی می‌کرد و با جمع‌آوری پول، در تهیه اسلحه به مشروطه‌چیان کمک می‌کرد. او در یکی از نامه‌هایی که همراه کمک‌های خود فرستاده بود، برای نمایندگان نوشت «اگر خیانت کنید، این لچک من به سرتان!» و لچک خود را همراه نامه فرستاد.

پروچستا خاکپور



زاده ۱۷ ژانویه ۱۹۷۸ تهران

پیشه رمان‌نویس

پروچستا خاکپور (زاده ۱۷ ژانویه ۱۹۷۸) رمان‌نویس است.

زندگی‌نامه

پروچستا خاکپور در ۱۷ ژانویه ۱۹۷۸ در تهران زاده شد و در چهار سالگی به همراه خانواده خود به آمریکا مهاجرت کرد. وی در ساوت پاسادنای کالیفرنیا بزرگ شد و پس از اتمام دوره متوسطه به کالج سارا لورنس نیویورک رفت و موفق به اخذ درجه کارشناسی در رشته نویسندگی و ادبیات خلاقانه شد. او سپس مدرک کارشناسی ارشد خود را از دانشگاه جانز هاپکینز دریافت کرد. پروچستا خاکپور در حال حاضر نویسنده مقیم در کالج بارد است و در نیویورک زندگی می‌کند.

فعالیت حرفه‌ای

خاکپور فعالیت حرفه‌ای خود را به عنوان روزنامه‌نگار و در بخش هنر و سرگرمی شروع کرد. آثار او در نیویورک تایمز، مجله هارپر، لس آنجلس تایمز، مجله جی کیو، روزنامه دیلی بیست، شیکاگو ریور و نشریات متعدد دیگری چاپ شده‌اند. وی همچنین از سال ۲۰۰۸ به‌طور منظم با روزنامه نیویورک تایمز همکاری دارد. اولین رمان او به نام پسران و دیگر اجسام سوختنی در سپتامبر ۲۰۰۷ منتشر شد. این رمان جایزه کتاب کالیفرنیا را در بخش کتاب اول هفتاد و دومین دوره این جایزه کسب کرد. این کتاب با طنزی تلخ، شکاف فرهنگی نسل‌های گوناگون خانواده‌های مهاجر را بازگو می‌کند. این رمان در فهرست بهترین کتابهای پاییز ۲۰۰۷ روزنامه شیکاگو تریبیون و نیز جزو کتابهای برگزیده ویراستار روزنامه نیویورک تایمز بود. دومین رمان او با نام آخرین وهم در ۱۳ می ۲۰۱۴ منتشر شده‌است. این کتاب در فهرست ۳۰ کتاب خواندنی سال ۲۰۱۴ هافینگتن پست قرار گرفت. او همچنین مقدمه‌ای بر ترجمه انگلیسی داستان بوف کور صادق هدایت نوشته‌است.

پروین دولت‌آبادی



زاده ۲۷ مهر ۱۳۰۳ دولت‌آباد اصفهان

درگذشت ۲۷ فروردین ۱۳۸۷ تهران

مدفن قطعه هنرمندان بهشت زهرا

پیشه شاعر و از بنیان‌گذاران شورای کتاب کودک

آثار	گل بادام، رقص باد و خنده گل و ...
سبک	ویرایش گر کتاب و مقاله و شاعر
والدین	فخرگیتی حسام‌الدین دولت‌آبادی

پروین دولت‌آبادی (زاده ۱۳۰۳- درگذشت ۱۳۸۷) ویرایش گر کتاب و مقاله و شاعر و از بنیان‌گذاران شورای کتاب کودک بود، کتاب شعر گل بادام او جایزه شعر شورای کتاب کودک در سال ۱۳۶۶ را از آن وی کرد. پروین بیشتر با اشعاری که برای کودکان سروده و به ویژه اشعاری که در کتب درسی مدارس از او به چاپ رسیده است شهرت دارد، در حالی که او شاعری توانا در سبک‌های گوناگون غزل، قصیده، مثنوی و شعر نو نیز هست.

زندگی‌نامه

پروین در تاریخ ۲۱ بهمن ۱۳۰۳ در شهر دولت‌آباد بر خوار اصفهان از مادری فرهنگی و مدیر مدرسه ناموس به نام فخرگیتی و پدری به نام حسام‌الدین دولت‌آبادی که رئیس اداره اوقاف اصفهان بود زاده شد. پروین دو خواهر به نام‌های مهین‌بانو و شیوا و سه برادر به نام‌های مهدی، هوشنگ و بیژن داشت. او ابتدا به مدرسه ناموس در اصفهان رفت اما بعد به همراه خانواده‌اش به تهران نقل مکان کرد. دوره ابتدایی را در دبستان نوروز به پایان برد. پروین سال‌های اولیه دبیرستان را در مدرسه نور و صداقت که آموزگاران انگلیسی داشت گذراند و سال‌های بعد را در مدرسه آمریکایی نوربخش تحصیل کرد.

پس از دبیرستان تصمیم داشت تحصیل را در رشته نقاشی و مجسمه‌سازی در دانشکده هنرهای زیبا ادامه دهد و چند جلسه هم در دانشگاه شرکت کرد اما بازدید از یک پرورشگاه مسیر او را عوض کرد. پرورشگاه متعلق به شهرداری تهران بود و پدرش ریاست کل آن را بر عهده داشت. خواهرش مهین نیز اداره بخش شیرخوارگاه آن پرورشگاه را بر عهده داشت. پروین تصمیم گرفت به سرپرستی و تربیت کودکان پرورشگاه بپردازد. در پرورشگاه شعرهایی که برای کودکان سرود بسیار مورد توجه آنان قرار گرفت.

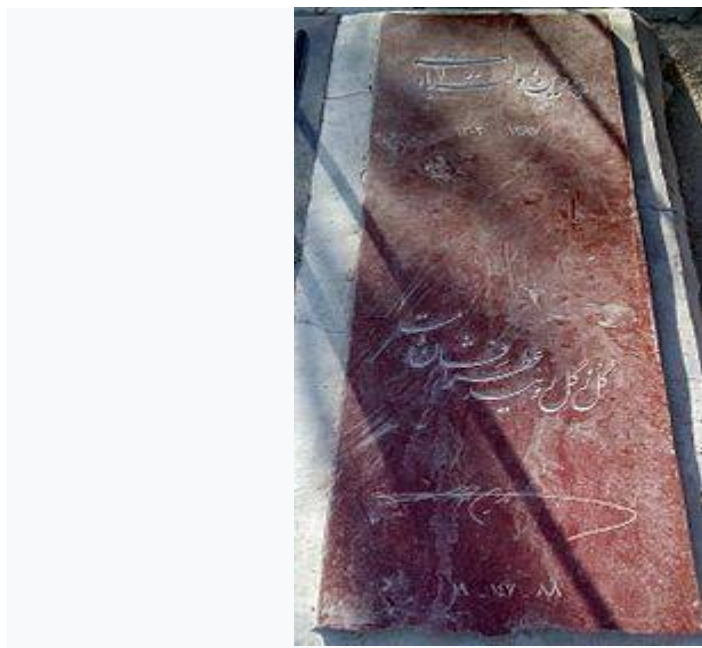
وی تلاش کرد تا شعر کودکان را از حالت پند گونه خارج کرده و اشعاری که جنبه سرگرمی و تفریح برای ایشان داشته باشد ارائه کند. وی هم چنین آثاری برای بزرگسالان نیز در هر دو سبک سنتی و نیمایی سروده است. وی از معدود شاعرانی است که آثارش در کتب درسی نیز آمده است.

پروین دولت‌آبادی روز سه‌شنبه ۲۷ فروردین سال ۱۳۸۷ شمسی در سن ۸۴ سالگی بر اثر سکته قلبی در تهران درگذشت و در قطعه هنرمندان بهشت زهرا دفن گردید.

آثار

- ویرایش بیش از ۲۰ کتاب کودکان
-
- گل بادام (برگزیده)
- بر قایق ابرها
- شوراب

- هلال نقره سا
- آتش و آب
- گنجشک و وزغ
- شهر سنگ
- در بلورین جامه انگور
- جم جمک برگ خزان
- گذری در ادبیات کودکان
- یک بازیگر
- رقص باد، خنده گل



قبر پروین دولت‌آبادی

پرینوش صنیعی



پیشه	محقق
زبان(ها)	فارسی
تحصیلات	روان‌شناسی
دانشگاه	دانشگاه تهران
کار برجسته	سهم من ۲۰۰۳

پرنوش صنیعی (متولد ۱۳۲۸ در تهران) و دارای اصالت دزفولی، داستان‌نویس ایرانی است. از رمان‌های شناخته‌شده وی می‌توان به پدر آن دیگری که بر اساس آن فیلمی با همین نام در سال ۱۳۹۳ ساخته شد اشاره کرد.

زندگی

صنیعی در محله شاپور زندگی می‌کرد. در دبیرستان به تحصیل در رشته ادبی پرداخت و در دانشگاه در رشته روان‌شناسی تحصیل کرد. بعد از پایان تحصیلاتش، صنیعی در یک مؤسسه حمایتی (مؤسسه تربیتی شهرداری) مشغول کار شد. پدر وی یکی از کارکنان وزارت امور اقتصاد و دارایی بود. وی هم‌اکنون دو فرزند دارد.

رمان‌ها

- سهم من (۱۳۸۲)، برنده "جایزه بین‌المللی بوکاجو" (نشر روزبهان)
- پدر آن دیگری (نشر روزبهان)
- رنج همبستگی (نشر روزبهان) (داستان زندگی لاله و لادن، دوقلوهای به هم چسبیده)

پوران فرخزاد



۱۵ بهمن ۱۳۱۱ تهران، ایران

زاده

درگذشت	۹ دی ۱۳۹۵ (۸۳ سال) بیمارستان ایرانمهر، تهران، ایران
علت درگذشت	ایست قلبی
مدفن	قطعه نام‌آوران بهشت زهرا
پیشه	نویسنده، مترجم، منتقد ادبی و روزنامه‌نگار
همسر	سیروس بهمن (طلاق)
فرزندان	آلاله و افسانه بهمن
خویشاوندان	فروغ فرخزاد خواهر فریدون فرخزاد برادر

پوران فرخزاد (۱۵ بهمن ۱۳۱۱ در تهران - ۹ دی ۱۳۹۵ در تهران) شاعر، نویسنده، مترجم، منتقد ادبی، روزنامه‌نگار و پژوهشگر ایرانی بود. او در دوران فعالیتش حدود ۳۰ کتاب منتشر کرد که از مهمترین آن‌ها «کارنمای زنان کارای ایران»، نخستین فرهنگ مبسوط درباره زنان ایرانی است.

زندگی‌نامه

پوران در ۱۵ بهمن ۱۳۱۱ در تهران محله امیریه انتهای بن‌بست خادم آزاد زاده شد. او فرزند توران وزیری‌تبار (زاده تهران و کاشی‌تبار) و سرهنگ محمدباقر فرخزاد (که ستوان جوان و تحصیل‌کرده شعردوستی از دهکده بازرگان تفرش بود) است. از دیگر اعضای خانواده او می‌توان خواهر کوچک‌ترش، فروغ فرخزاد و برادرش، فریدون فرخزاد را نام برد. پوران کودکی خود را در نوشهر و شهرهایی دیگر گذراند و در تهران بزرگ شد. او و خواهر و برادرانش پیش از رفتن به مدرسه خواندن را آموخته و با کتاب‌خوانی مأنوس شدند. پس از وقایع شهریور ۱۳۲۰ پدرش از نوشهر به تهران منتقل شد و پوران در دبستان ژاله و سروش درس خواند و در این دوره استعداد ادبی او آشکار شد. همچنین از ۹ سالگی زبان انگلیسی را با آموزگار در خانه آموخت و در انجمن فرهنگی پروین و انجمن ایران و آمریکا ادامه داد.

درگذشت

پوران فرخزاد پس از تحمل ۱۴ روز کما در بخش مراقبت‌های ویژه بیمارستان ایرانمهر سرانجام صبح روز پنجشنبه ۹ دی ۱۳۹۵ (۲۹ دسامبر ۲۰۱۶) در سن ۸۳ سالگی بر اثر ایست قلبی درگذشت.

برخی از آثار

- مهره مهر (پژوهشی در آیین میترا در ایران)، انتشارات نگاه، ۱۳۸۶
- زن شبانه موعود (نشان زن در آثار سهراب سپهری)، انتشارات نگاه ۱۳۸۳
- مسیح مادر (نشان زن در زندگانی و آثار احمد شاملو)، ۱۳۸۲

- کارنمای زنان کارای ایرانی، نشر قطره، ۱۳۸۱
 - زنان همیشه: گزیده اشعار کلاسیک، نیماپی و آزاد شاعران زن ایران (۱۳۳۰ - ۱۳۸۰)، انتشارات نگاه ۱۳۸۱
 - کسی که مثل هیچکس نیست: دربارهٔ فروغ فرخزاد، با همکاری مسعود قاسمزاده، نشر کاروان ۱۳۸۱
 - در انتهای آتش آینه، کتابسرای تندیس ۱۳۸۱
 - [سلام مادر]، با همکاری شهلا تجویدی، علی اصغر تجویدی (شیرازی)، رضا معصومی، نشر جام ۱۳۸۱
 - اوهام سرخ شقایق: برگزینی از اشعار زنان زمان، نشر ناژین، ۱۳۸۰
 - نیمه‌های ناتمام: سیری در شعر زنان از رابعه تا فروغ، کتابسرای تندیس، ۱۳۸۰
 - دانشنامه زنان فرهنگساز ایران و جهان (در دو جلد با عنوان اصلی «زن از کتیبه تا تاریخ»)، انتشارات زریاب، ۱۳۷۸
 - کارنامهٔ به دروغ: جستاری نو در شناخت اسکندر مغانی از الکساندر مقدونی، انتشارات علمی، ۱۳۷۶
 - [مجموعه داستان «هفت زن هفت داستان»]، راهیان اندیشه، ۱۳۷۶
 - جنگ مشوش، تهران صدا، ۱۳۷۴
 - از همت بلند...، نشر جام، ۱۳۶۲
 - دستان سخن گوی شاملو
 - ۱۳۵۲ - دفتر شعر «خوشبختی در خوردن سیب‌های سرخ»
 - ۱۳۵۰ - مجموعه داستان «دیداری در پاییز»، انتشارات پدیده
- آثار مجوز نگرفته**
- باران دیگر آبی نیست (مجموعه شعر پوران فرخزاد)
- ترجمه**
- مجموعه داستانهای کوتاه جای دیگر، جان‌بوینتن پریستلی، پوران فرخزاد، راهیان اندیشه ۱۳۷۸
 - مردی بر بالهای آینده (نوستر ادموس) مرکز نشر صدا، ۱۳۷۵
 - رؤیای یک مرد مسخره ۲- افسانه‌های آقای استرنبری از جی. بی. پریستلی و فنودور داستایوسکی



رزا جمالی

زاده	۲۸ آبان ۱۳۵۶ تبریز
پیشه	نمایش‌نامه‌نویس، مترجم، منتقد ادبی / شاعر
سال‌های فعالیت	از سال ۱۳۷۴ تا امروز

رزا جمالی (۲۸ آبان ۱۳۵۶ در تبریز) شاعر، نمایش‌نامه‌نویس، منتقد ادبی و مترجم ایرانی است.

پس زمینه و سبک ادبی

رزا جمالی متولد ۲۸ آبان ۱۳۵۶ در تبریز است. دانش آموخته کارشناسی ادبیات نمایشی از دانشگاه هنر و کارشناسی ارشد ادبیات انگلیسی از دانشگاه تهران. فعالیت ادبی خود را از ابتدای دهه ۱۳۷۰ آغاز کرد. در کتاب «کارنمای زنان کارای ایران» او شاعری متفاوت خوانده شده است که زبان و فضاهای جدیدی را ارائه می‌دهد و پسامدرن است. شاعری که در میانه دهه ۱۳۷۰ از اعضای جوان کارگاه شعر رضا براهنی بود و انتشار نخستین کتابش، «این مرده سیب نیست یا خیار است یا گلابی»، در سال ۱۳۷۷، به سبب عنوان و اشعار متفاوت اش، بازتاب‌های فراوانی برانگیخت. بعد از آن، تا سال ۱۳۸۰، او دو مجموعه دیگر از اشعارش را، به همراه تعدادی یادداشت و مقاله و مصاحبه در روزنامه‌ها و مجلات آن سال‌ها به چاپ رساند و، به این طریق، خود را به عنوان شاعری پرکار و مطرح تثبیت کرد.

با در نظر گرفتن تم کهن الگویی غالب، نقش محوری الهه رویش، و در هم تنیدگی انکارناپذیر ایماژ با اسطوره رویش به مثابه یک ژانر در مجموعه «این ساعت شنی که به خواب رفته است»؛ باید اذعان نمود که شعر رزا جمالی در معنای کهن الگویی کلمه زنانه و قابل تحلیل است. کتاب "بزرگراه مسدود است" گزیده‌ای از شعرهای موفق پنج دفتر اوست. محور افقی در اغلب شعرها رعایت نمی‌شود و شاعر در پی پیوند و برقرار کردن ارتباط منطقی و زبانی میان سطرها و بندهای سروده خود نیست.

مجموعه شعرهای اخیر او به نوعی ادامه همان شیوه در شاعری است که وی از ابتدا آن را دنبال می‌کرد؛ اما او در این شیوه به نوعی پختگی دست یافته است. شعرهای او به زبان‌های انگلیسی، فرانسه، ایتالیایی، ترکی، عربی، بنگالی، هندی، چک، سوئدی، آلمانی، اسپرانتو، کردی و... ترجمه شده است و در معتبرترین گلچین‌های ادبی شعر پیشرو جهان منتشر شده است. کتاب‌های او از محدود عناوینی ست که به چندین چاپ رسیده و در تیراژ بالا عرضه می‌شود.

منتقدان ادبی او را از شاعران مهم، تأثیرگذار و جریان‌ساز سه دهه اخیر می‌دانند؛ شعر او پُر از پیشنهادهای تازه برای شعر خلاق فارسی بوده است. تجربه‌هایی در حوزه فرم و محتوای شعر امروز که از آن‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: بازی‌های زبانی، تصویرسازی خلاق، خلق استعارات نو، آشنایی زدایی از زبان متداول، دوری از کلیشه‌های بیانی، به وجود آوردن نشانه‌شناسی تازه ای از کلمات، چندصدایی، استفاده از لحن و زبان محاوره، بی واسطه نویسی، عرفان اشیاء، بازآفرینی مضامین شعر کلاسیک فارسی... شعر او دارای نظامی هندسی ست و معماری تنظیم شده‌ای دارد. واگویه‌های چند ساحتی که بسیاری از شعرهایش را به آثاری چند صدایی بدل کرده است. تخیل سیال از دیگر ویژگی‌های شعری اوست.

آثار

شعر

- این مرده سبب نیست یا خیار است یا گلابی (انتشارات ویستار، ۱۳۷۷)
- دهن کجی به تو (انتشارات نقش هنر، زمستان ۱۳۷۷)
- برای ادامه این ماجرای پلیسی قهوه‌ای دم کرده‌ام (انتشارات آرویح، زمستان ۱۳۸۰)
- این ساعت شنی که به خواب رفته‌است ... (نشر چشمه، تابستان ۱۳۹۰) (چاپ دوم: ۱۳۹۴)
- بزرگراه مسدود است (گزینه اشعار، بوتیمار ۱۳۹۲) (چاپ چهارم: ۱۳۹۷)
- اینجا نیروی جاذبه کمتر است (مهر و دل، ۱۳۹۸)
- این رسم‌الخط فارسی نیست (در دست انتشار)

نمایش‌نامه

- سایه (این نمایش‌نامه در سال ۱۳۹۵ به کارگردانی لیلی تقی پور بر صحنه اجراء شده‌است و اجرای رادیویی دیگری از آن با صدای شهک غلامی موجود است) (نشر سبب سرخ، ۱۳۹۸)

ترجمه

- لبه، گلچین شعر انگلیسی زبان، این کتاب در بر گیرنده شعرهایی از ویلیام باتلر بیتس، تی. اس. الیوت، سیلویا پلات، تد هیوز، هنری وادزورث لانگفلو، آدرین ریچ، راجر مگاف، جوزف برودسکی، آلن گینزبرگ، اما لازاروس، والت ویتمن، رابرت فراست، ازرا پاوند، روپرت بروک، کارل سندبرگ، جان اشبری و... است. (مهر و دل، ۱۳۹۸)
- ترجمه رمان خانه ادیسی‌ها به انگلیسی، کتاب کارما، نیویورک
- زبان منشوری ست، گزینه ای از شعرهای امیر اور (نشر مهر و دل، ۱۳۹۹)
- درخت کاج، هانس کریستین آندرسن (نشر هشت، ۱۳۹۸)
- دریانوردی به سمت بیزانس، گزینه شعرهای ویلیام باتلر بیتس (نشر ایهام، ۱۳۹۹)
- لاله‌ها، گلچینی از شعرهای ده شاعر زن انگلیسی زبان که به این شاعران می‌پردازد: لوئیز گلیک، هیلدا دولیتل، استیوی اسمیت، امیلی دیکنسون، ناتاشا تروتوی، ادیت سیتول، سولماز شریف، آدرین ریچ، اما لازاروس و سیلویا پلات (نشر ایهام، ۱۳۹۹)
- فردا و فردا و فردا، صد قطعه از ویلیام شکسپیر (نشر ایهام، ۱۴۰۰)
- برج، آنتولوژی جامع شعر انگلیسی از دیرباز تا امروز (بر اساس گزینه دانشگاهی نورتون) (نشر ورا، ۱۴۰۰)
- روضه آتش، گزینه‌ای از شعرهای تی. اس. الیوت (نشر ایهام، ۱۴۰۰)

نقد

- مکاشفاتی در باد (مقالات متعددی در تحلیل شعر که بیشتر در نشریات ادبی نظیر نامه کانون نویسندگان ایران، کارنامه، آدینه، دنیای سخن، جهان کتاب، بیدار، عصر پنجشنبه و... منتشر شده بودند.) (نشر هشت، ۱۴۰۰)

داوری جوایز شعر

- جشنواره شعر نیاوران و جایزه شعر ملی جم
- جشنواره دومین جشنواره ترجمه ادبی ترجمیک

نمونه شعر

"هفت طبقه بودم گیاهی مخصوص به تن داشتم؛ در جشنی شبیه مراسم ختم شرکت کرده بودم

سنگ بر پیشانی برگشتم؛ بر سرزمین مادری ام باردیگر نگریستم و گریستم
 پدرم سیمرخ بود؛ مادرم الهه ای بی تاب درشوش و هگمتانه و مقبره مردخای
 و خدا با من بود

این چشم‌ها دوربین من شده‌اند در تاریکی محض، مطلق
 و من اسطوره گنگ بر خورد قاشق‌ها با چنگال بوده‌ام در لحظه شام
 ایزد بانوی بزرگراه نواب من ام، به قبرستان می‌روم
 در منتهی‌الیه شرقی این شهر
 این که مطلق باریده بر فرق سرت، این چیست؟ این پلستی آرام چیست؟ به چه می‌ماند؟ چیست؟
 فرشتگان بر موهای تاریکم لانه کرده بودند به ناچار
 و من پریان را شسته بودم، لکه‌گیری کرده بودم، شبیه برنج دم کرده بودم
 ساعت را می‌دانستی در لحظه ای که کش می‌آمد و خمیازه می‌کشید، آن لحظه منجمد و خاموش
 وقتی با چنگال‌های زخمی ام بر اجاق گاز سر می‌رفتم
 وقتی تمام صحن میدان انقلاب را فراگرفته بودم و فوران می‌کردم
 و با وایتکس صورتم را سفید نگه داشته بودم انگار."

برنامه‌های بین‌المللی

- مهمان بنیاد فرهنگ و شناخت در رتردام هلند: سپتامبر ۲۰۰۶.
- مهمان جشنواره شعر گوتنبرگ، تدریس ادبیات خلاقه به زبان انگلیسی در آکادمی هنرهای
زیبای سوئد و سخنرانی در اتحادیه ی نویسندگان سوئد در استکهلم به زبان انگلیسی در باب شعر
ایران: سپتامبر ۲۰۱۳
- شرکت در برنامه ی شعر و جهان امروز؛ شعر خوانی در مراکز مطالعات زبان فارسی
آمریکا؛ واشینگتن، نیویورک، آرکانزاس، کالیفرنیا و شیکاگو: آوریل ۲۰۱۴
- نوشتن در ایران با نیم نگاهی به گذشته در کتابخانه ملی بریتانیا: فوریه ۲۰۱۵
- شرکت در همایش محیط زیست و ادبیات؛ هند: دسامبر ۲۰۱۵
- سخنرانی انگلیسی در همایش شعر فارسی پس از انقلاب، دانشگاه سنت اندروز اسکاتلند:
مارس ۲۰۱۷
- نماینده ی شعر ایران در بی بینال شعر آسیا: فوریه ۲۰۱۹
- جشنواره بین المللی شاعران برتر جهان در کوزوو: سپتامبر ۲۰۲۰



زند دخت شیرازی

زاده	۱۲۸۸ خورشیدی شیراز
درگذشته	۱۳۳۱ (۴۳ سال)
لقب	فخر الملوك
پیشه	روزنامه‌نگار، شاعر، نویسنده
دلیل سرشناسی	از پیشگامان جنبش زنان در ایران

زندخت (زند دخت) شیرازی (۱۲۸۸-۱۳۳۱) روزنامه‌نگار، شاعر، نویسنده و از پیشگامان جنبش زنان در ایران بود.

او «مجمع انقلابی نسوان» را در سال ۱۳۰۶ در سن ۱۸ سالگی تأسیس کرد و نشریه‌ای به نام «دختران ایران» را در ۱۳۱۰ با هدف آگاهی دادن به زنان در شیراز منتشر کرد. پس از چند سال به دلیل نامناسب بودن شرایط از شیراز به تهران رفت و بدون داشتن امکانات مادی کافی در میدان فردوسی اتاقی اجاره کرد و انتشار نشریه دختران ایران را پی گرفت. شعرهای زندخت نمونه‌ای از گرایش‌های فمینیستی رادیکال در ایران بود. او علاوه بر نوشتن مقاله در دختران ایرانی، در روزنامه‌هایی همچون حبل‌المتین نیز می‌نوشت.

زندگی و فعالیت

فخرالملوک متخلص به «زنددخت» در ۱۲۸۸ در خانواده‌ای از طبقات بالا در شیراز زاده شد. پدر او مردی تحصیل کرده از بازماندگان خاندان سلطنتی قدیمی زند بود و مادرش تحصیلات کمی داشت اما به دخترش در فعالیت‌هایش کمک می‌کرد. زندخت ابتدا در خانه آموزش دید و بعداً در تهران به مدرسه رفت. او در ۱۰ سالگی مجبور به ازدواج اجباری شد که به طلاق انجامید.

زندخت در سال ۱۳۰۶ پس از پایان تحصیلات متوسطه، در سن ۱۸ سالگی مجمع انقلابی نسوان را در شیراز بنیان نهاد که هدف‌های آن رهایی زنان، دستیابی به حقوق زنان و رفع حجاب اسلامی بود. دولت رضاشاه به زندخت فشار آورد که نام این انجمن را به «نهضت نسوان» تغییر دهد ولی با وجود این تغییر نام، انجمن پس از ۹ ماه توسط دولت غیرقانونی اعلام شد.

در سال‌های ۱۳۱۰-۱۳۱۱ زندخت شیرازی دست به انتشار نشریه دختران ایران زد. در این نشریه اخباری از فعالیت‌های فمینیستی سایر کشورهای دنیا، مطالب ادبی و سرمقاله‌هایی از زندخت چاپ می‌شد. او در مقالاتش نظریه‌های فرودستی بیولوژیک زنان را رد می‌کرد و همچنین زنان را تشویق

می‌کرد خواسته‌ها و حقوق خود را با جسارت بیان و پی‌گیری کنند. این نشریه پس از ۷ ماه توقیف شد و حملات و نقدهای شدیدی بر زندخت شد. او به تهران رفت و انتشار نشریه را از سر گرفت.

در همان زمان زندخت به تدریس در مدرسه‌های دخترانه نیز مشغول بود و مدت کمی هم در وزارت فرهنگ وقت استخدام شد.

شعرهای زندخت نمونه‌ای از گرایش‌های فمینیسم رادیکال در ایران بود که به طرز عجیبی در منابع فارسی نادیده گرفته شده و به ندرت به آنها اشاره شده‌است. به عنوان یک نمونه تیبیک می‌توان به شرح حال زندخت در کتاب «زنان سخنور» اشاره کرد که از وی به عنوان شاعری غیرسیاسی یاد شده‌است. استثنایی بر این امر، شرح حال وی نوشته طلعت بصاری است که بر شعر و نثر فمینیستی رادیکال زندخت تأکید کرده‌است.

او در یک غزل به اوضاع اجتماعی نامطلوب آن دوره اشاره کرده و از ضعف عمومی حاکم بر پیکر جامعه شکوه می‌کند و انتظار ظهور یک مصلح اجتماعی نیرومند را دارد تا مشکلات به نیروی او حل شود و آنگاه به مردان عتاب می‌کند که به جای سخن گفتن از ضعف زن، از مردی خود بگویند. در غزلی دیگر از عقب‌ماندگی زن روزگار خویش می‌نالد و از اینکه زنان هم‌دوره او امکان عرضه هنرها و بروز استعدادهای انسانی و حضور زنده را در جامعه ندارند، زبان به گله و شکایت باز می‌کند.

مخالفت‌های شدیدی که علیه او می‌شد منجر به ناامیدی طولانی مدت وی شد و در کنار عوامل جسمی و مالی، موجب افسردگی او شده بود که در نهایت به مرگ وی انجامید. زندخت شیرازی در سال ۱۳۳۱ در ۴۳ سالگی درگذشت.

نمونه شعر

کار تجارت از چه معنی کار زن نیست؟
کار صنعت با چه منطق کار من نیست؟
گفش زنان را از چه رو زن خود ندوزد؟
زن از چه جراح و طبیب جان و تن نیست؟
پس خواهرانم تا به کی بیکاره هستید؟
تنها برای تخم‌گیری خلق گشتید؟
تنها برای عشق مردان چیره دستید؟

زویا پیرزاد



زاده ۱۳۳۱ خ. / آبادان، خوزستان

فرزندان ساشا و شروین

زویا پیرزاد (زاده ۱۳۳۱ در آبادان) نویسنده ارمنی‌تبار اهل ایران است که سال ۱۳۸۰ با رمان چراغ‌ها را من خاموش می‌کنم جوایزی همچون بهترین رمان سال پکا، بهترین رمان سال بنیاد هوشنگ گلشیری، کتاب سال وزارت ارشاد جمهوری اسلامی و لوح تقدیر جایزه ادبی یلدا را به دست آورد و با مجموعه داستان کوتاه طعم گس خرمالو یکی از برندگان جشنواره بیست سال ادبیات داستانی در سال ۱۳۷۶ و جایزه «کوریه انترناسیونال» در سال ۲۰۰۹ شد. وی تمام آثارش را به فرانسوی ترجمه کرده‌است.

زویا پیرزاد نزد عموم با رمان‌های «چراغ‌ها را من خاموش می‌کنم» و «عادت می‌کنیم» شناخته می‌شود که بارها تجدید چاپ شده‌اند. مجموعه داستان‌های «طعم گس خرمالو»، «یک روز مانده به عید پاک» و «مثل همه عصرها» توسط نشر مرکز از این نویسنده منتشر شده‌اند. سه مجموعه داستان ذکر شده در سال‌های اخیر در یک جلد با عنوان «سه کتاب» منتشر شده‌است.

زندگی

زویا پیرزاد نویسنده و داستان‌نویس معاصر در سال ۱۳۳۱ خ. (۱۹۵۲ م) در آبادان به دنیا آمد. در همان‌جا به مدرسه رفت و در تهران ازدواج کرد و دو پسرش ساشا و شروین را به دنیا آورد. زویا پیرزاد ساکن آلمان است.

آثار

وی در سال ۱۳۷۰، ۱۳۷۶ و ۱۳۷۷، سه مجموعه از داستان‌های کوتاه خود را به چاپ رساند؛ مثل همه عصرها، طعم گس خرمالو و یک روز مانده به عید پاک مجموعه داستان‌های کوتاهی بودند که به دلیل نثر متفاوت خود مورد استقبال مردم قرار گرفتند.

اولین رمان بلند زویا پیرزاد، با نام چراغ‌ها را من خاموش می‌کنم در سال ۱۳۸۰ به چاپ رسید. داستان این رمان که با نثر ساده و روان نوشته شده‌است، در شهر آبادان دهه‌ی چهل خورشیدی می‌گذرد و شخصیت‌های داستان از خانواده‌های کارمندان و مهندسان شرکت نفت هستند که در محله‌ی بورده جدا از بومیان آبادان زندگی می‌کنند.

زویا پیرزاد کتاب‌هایی نیز ترجمه کرده‌است، از جمله آلیس در سرزمین عجایب اثر لوئیس کارول و کتاب آوای جهیدن غوک که مجموعه‌ای است از هایکوهای شاعران آسیایی.

مجموعه داستان کوتاه

این سه داستان در کتابی با عنوان سه کتاب گرد آمده‌اند.

- مثل همه عصرها
- طعم گس خرمالو (در فرانسه توسط نشر «زولما» منتشر شده است)
- یک روز مانده به عید پاک

رمان

- چراغ‌ها را من خاموش می‌کنم که در مورد زندگی چند خانواده ارمنی ساکن آبادان است که اغلب کارمند شرکت نفت هستند. داستان به سبک زنانه و از زبان شخصیت اصلی داستان، زنی

خانهدار به نام کلاریس بیان می‌شود و مشکلات و گرفتاری‌های همیشگی زن‌ها را سوژه نوشتن قرار می‌دهد.

- عادت می‌کنیم که زندگی «آرزو صارم» زن مطلقه و بچه‌داری است که دلش می‌خواهد بعضی وقت‌ها خودش را دوست بدارد و کاری که مطابق میل خودش است انجام دهد، نه هر کاری که دختر و مادرش می‌خواهند.

ترجمه

زویا پیرزاد مترجم «آلیس در سرزمین عجایب» از لوئیس کارول و «آوای جهیدن غوک» مجموعه‌ای از هایکوه‌های ژاپنی نیز هست.

جایزه‌ها

- رمان چراغ‌ها را من خاموش می‌کنم، با نثر روان و ساده‌ای که داشت توانست جایزه‌های فراوانی دریافت کند که از آن جمله می‌توان به
 - جایزه بهترین رمان سال ۱۳۸۰ پکا،
 - جایزه بهترین رمان بنیاد هوشنگ گلشیری (سال ۱۳۸۰)
 - کتاب سال وزارت ارشاد جمهوری اسلامی سال ۱۳۸۱
 - و لوح تقدیر جایزه ادبی یلدا در سال ۱۳۸۰ اشاره کرد.
- داستان کوتاه طعم گس خرمالو برنده جایزه بیست سال ادبیات داستانی در سال ۱۳۷۶ شد.
- ترجمه فرانسوی داستان کوتاه طعم گس خرمالو برنده جایزه کوریه انترناسیونال در سال ۲۰۰۹ شد.
- داستان یک روز مانده به عید پاک هم به زبان فرانسوی ترجمه و منتشر شده. این کتاب تشویق شده در هفتمین دوره کتاب سال (۱۳۷۸) نیز بوده است.
- دریافت نشان لژیون دونور از دولت فرانسه

برگردان آثار به زبان‌های خارجی

- (۲۰۰۲)، داستان «پیرلاشز» (بر گرفته از کتاب «طعم گس خرمالو») در کتابی به نام «شام سرو و آتش»، توسط ایرانشناسی لهستانی «ایونا نوویسکا»، در آژانس انتشارات ملی انتشارات کراکو KAW، به زبان لهستانی ترجمه شده است
- «چراغ‌ها را من خاموش می‌کنم» به یونانی، انگلیسی، نروژی، آلمانی، فرانسوی، چینی و ترکی ترجمه و منتشر شده
- «طعم گس خرمالو» به اسلونیایی، فرانسوی، گرجی، لهستانی و ژاپنی
- «عادت می‌کنیم» به فرانسوی، ایتالیایی و گرجی
- «مثل همه عصرها» (hy) به فرانسوی، گرجی و ارمنی
- «یک روز مانده به عید پاک» به انگلیسی، فرانسوی و گرجی ترجمه و منتشر شده‌اند.

سپیده شاملو



اسفند ماه ۱۳۴۷

زاده

کارشناسی زبان انگلیسی

تحصیلات

نویسنده

پیشه

سپیده شاملو (زاده اسفند ماه ۱۳۴۷) نویسنده ایرانی است.

زندگی

سپیده شاملو کارشناسی زبان انگلیسی دارد. مدتی مقالاتی درباره سینما نوشت و با انتشار رمان انگار گفته بودی لیلی به عنوان داستان‌نویس مطرح شد.

آثار

رمان

- انگار گفته بودی لیلی

- سرخ‌ی تو از من

مجموعه داستان

- دستکش قرمز

جوایز

رمان انگار گفته بودی لیلی، برنده جایزه هوشنگ گلشیری برای بهترین رمان اول، سال ۱۳۷۹

سعیده قدس



زاده ۱۳۳۰ شمیران، تهران

تحصیلات دانش‌آموخته زبان و ادبیات آلمانی در دانشگاه

برن آلمان ۱۳۶۱-۱۳۵۹

کارشناسی ارشد رشته جامعه‌شناسی شهری

(برنامه‌ریزی گسترش شهری تهران) از

سازمان برنامه و بودجه ۱۳۵۳

کارشناسی رشته جغرافیا با گرایش سیاسی

از دانشگاه تهران ۱۳۵۲

پیشه

مشاور نهادهای مدنی و انسان دوستانه

عضو هیئت امناء و هیئت مدیره مؤسسه خیریه

حمایت از کودکان مبتلا به سرطان محک

۱۳۷۰ تا کنون

مدیر عامل مؤسسه آسایش انسان امروز

(آسا) (۱۳۵۸-۱۳۸۸)

مدیر عامل مؤسسه خیریه حمایت از کودکان

مبتلا به سرطان محک (۱۳۷۸-۱۳۷۰)

کارشناس روابط بین‌الملل سازمان صنایع و

معادن ایران (۱۳۶۵-۱۳۶۲)

کارشناس اداره برنامه و بودجه شرکت

دخانیات (۱۳۵۸-۱۳۵۲)

آثارکیمیا خاتون**همسر**

نادر شریفی

فرزندان کیانا و مهربد

جایزه ها جایزه پروین اعتصامی برای کتاب کیمیا

خاتون ۲۰۰۵

جایزه بانک توسعه اسلامی ۲۰۰۸

وال استریت ژورنال: ۵۰ زن برتر در سال

۲۰۰۸ ۴۵ نفر

www.saidehghods.com

وبگاه

سعیده قدس متولد ۱۳۳۰ در تهران نویسنده، کارآفرین و نیکوکار ایرانی است که موسسه خیریه محک را تاسیس کرده است.

او از کودکی علاقه خاصی به نویسندگی داشت و بیشتر اوقات فراغت خود را به نویسندگی می پرداخت. می توان گفت که این علاقه مهم ترین چیزی است که از دوران کودکی خود به ارث برده است؛ به گونه ای که همین حالا هم کتاب های مختلفی را منتشر کرده، و از معروف ترین آن ها می توان به کتاب «کیمیا خاتون» اشاره کرد، که مورد توجه مخاطبان زیادی قرار گرفته است.

وی در دانشگاه تهران در رشته کارشناسی جغرافیا با گرایش سیاسی قبول شد و پس از فارغ التحصیلی از دانشگاه، در اداره دخانیات به عنوان کارشناس برنامه و بودجه شروع به فعالیت می کند. در این زمان در آزمون کارشناسی ارشد قبول شده و در رشته جامعه شناسی شهری از سازمان برنامه و بودجه ادامه تحصیل می دهد. پس از گذشت چند سال در وزارت صنایع و معادن به عنوان کارشناس روابط بین الملل مشغول به کار می شود

زندگی نامه حرفه ای

سعیده قدس از مؤسسان مؤسسه خیریه حمایت از کودکان مبتلا به سرطان (محک) است. او نویسنده چندین کتاب نیز بوده است. وی در فهرستی که روزنامه وال استریت ژورنال برای ۵۰ زن برتر سال ۲۰۰۸ معرفی کرد و با رتبه ۴۵ یکی از معرفی شدگان بود. ایشان دارنده نشان لیاقت در کارآفرینی اجتماعی از گروه علمی پژوهشی کارآفرینان و مدیران بزرگ ایرانی (سالن اجلاس سران ۹ اسفند ۱۳۹۷) می باشند. همچنین او نویسنده رمان تاریخی موفق «کیمیا خاتون» است که از سال نشر (۱۳۸۳) تا سال ۱۳۹۱، بیست و پنج بار تجدید چاپ شده است. کتاب کارآفرینی اجتماعی به شیوه سعیده قدس که شامل زندگینامه و تحلیل عوامل موفقیت وی است، به همت مرکز کارآفرینی دانشگاه صنعتی شریف و توسط بنیانگذاران مجموعه کتاب های زندگی نامه کارآفرینان و مدیران بزرگ ایرانی دکتر رضا یادگاری (کارآفرین اثرگذار ملی و دبیر کمیته تخصصی توسعه کسب و کار یونسکو) و مهشید سنایی (برندگان جایزه ملی جلال آل احمد به پاس دو دهه نگارش ادبیات اقتصادی ایران) به وسیله انتشارات کارآفرینان بزرگ تألیف و چاپ شده است.

سیمین دانشور



زاده	۸ اردیبهشت ۱۳۰۰ شیراز
درگذشته	۱۸ اسفند ۱۳۹۰ (۹۰ سال) تهران کهولت سن و بیماری آنفولانزا
آرامگاه	<u>قطعه هنرمندان بهشت زهرا</u>
پیشه	نویسنده و مترجم
همسر(ها)	<u>جلال آل احمد</u> (۱۳۴۸-۱۳۲۹)
پدر و مادر	قمر السلطنه حکمت محمدعلی دانشور

سیمین دانشور (زاده ۸ اردیبهشت ۱۳۰۰ در شیراز - درگذشته ۱۸ اسفند ۱۳۹۰ در تهران) نویسنده و مترجم ایرانی بود. وی نخستین زن ایرانی بود که به صورتی حرفه‌ای در زبان فارسی داستان نوشت. مهم‌ترین اثر او رمان سوشون است که نثری ساده دارد و به ۱۷ زبان ترجمه شده است. سوشون از جمله پرفروش‌ترین آثار ادبیات داستانی در ایران به‌شمار می‌رود. دانشور، همراه همسرش جلال آل احمد، عضو کانون نویسندگان ایران بود و در نخستین انتخابات (فروردین ۱۳۴۷) به عنوان رئیس کانون نویسندگان ایران برگزیده شد.

زندگی‌نامه

کودکی و جوانی



کودکی سیمین

سیمین دانشور در ۸ اردیبهشت ۱۳۰۰ خورشیدی در شیراز زاده شد. او سومین فرزند محمدعلی دانشور (پزشک) و قمرالسلطنه حکمت (مدیر هنرستان دخترانه و نقاش) بود. او سه برادر به نام‌های منوچهر، هوشنگ و خسرو و دو خواهر به نام‌های هما و ویکتوریا داشت. دوره ابتدایی را در مدرسه انگلیسی‌زبان مهرآیین گذراند. او از کودکی با اشعار حافظ و سعدی و آثار نویسندگان ادبیات کلاسیک ایران نظیر ناصر خسرو و بیهقی آشنا شد. در کتابخانه پدرش هم آثار نویسندگان ایرانی و هم آثار نویسندگان روز دنیا موجود بود.

دو کتاب‌فروشی معرفت و احمدی که از کتابفروشی‌های معتبر شیراز بودند، با پدر او دوستی داشتند و کتاب‌های تازه چاپ‌شده‌شان را به پدرش هدیه می‌دادند. سیمین اشتیاق فراوانی به کتابخوانی داشت و به زبان انگلیسی هم مسلط بود. به این ترتیب، خیلی زود با ادبیات جهان نیز آشنا شد. دبیرستان را در همان مدرسه مهرآیین گذراند. در سال ۱۳۱۶ اولین مقاله‌اش را با نام زمستان بی‌شباهت به زندگی ما نیست در نشریه‌ای محلی چاپ کرد. در امتحان نهایی دیپلم شاگرد اول کل کشور شد. در سال ۱۳۱۷، به همراه هما و منوچهر به تهران آمد. هما در رشته پزشکی، منوچهر در رشته باستان‌شناسی مشغول تحصیل شدند. سیمین مدتی در شبانه‌روزی آمریکایی تهران ساکن شد و آموزش زبان انگلیسی را پی گرفت. بعد در رشته زبان و ادبیات فارسی در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران مشغول به تحصیل شد.

سیمین دانشور ۲۰ ساله بود که پدرش، محمدعلی دانشور درگذشت. پس از مرگ پدر، مادرش هم به تهران آمد و در خیابان ایرانشهر ساکن شدند. با این که از نظر مالی مشکلی نداشتند سیمین تصمیم گرفت کار کند. در سال ۱۳۲۰ خورشیدی، به عنوان معاون اداره تبلیغات خارجی در رادیو تهران استخدام شد. علی اکبر کسمایی و احمد شاملو از همکاران او در رادیو بودند. دو سال بعد، در سال ۱۳۲۲، از کار رادیو کناره‌گیری کرد و در روزنامه ایران مشغول به کار شد. از این زمان به بعد، او با نام مستعار شیرازی بی‌نام برای نشریات مختلف مقاله می‌نوشت و ترجمه هم می‌کرد. مرتضی کیوان او را تشویق کرد داستان‌های پراکنده‌اش را جمع‌آوری و منتشر کند. در ۱۳۲۷، اولین کتاب خود را با نام آتش خاموش (شامل ۱۶ داستان کوتاه) منتشر کرد. آتش خاموش نخستین مجموعه داستانی است که به قلم زنی ایرانی چاپ شده‌است. داستان‌های این مجموعه با نقدهای منفی بسیاری مواجه شد.

آشنایی و ازدواج با جلال آل احمد



سیمین دانشور در کنار جلال آل احمد



سیمین دانشور در سال ۱۳۲۷، در حالی که در اتوبوس از تهران راهی شیراز بود با جلال آل احمد، نویسنده و روشنفکر ایرانی، آشنا شد این آشنایی دو سال بعد به ازدواج انجامید.

خواهر سیمین دانشور (ویکتوریا دانشور) ماجرای آشنایی سیمین و جلال را این طور نقل می‌کند:

ما عید رفته بودیم اصفهان و در اتوبوسی که می‌خواستیم به تهران برگردیم، آقای صندلی کنارش را به خانم سیمین تعارف کرد. آن دو کنار هم نشستند. بعد آمدیم خانه. صبح دیدم خانم سیمین دارند آماده می‌شوند که بروند بیرون. من هم می‌خواستم بروم خرید. وقتی در را باز کردم، دیدم آقای آل احمد مقابل در ایستاده‌است. نگو این‌ها روز قبل قرار مدارشان را گذاشته‌اند. روز نهم آشنایی‌شان هم قرار عقد گذاشتند. بعد همه را دعوت کردیم و در مراسمشان فامیل و همه نویسندگان بودند. صادق هدایت هم بود. بعد آن‌ها خانه‌ای اجاره کردند و رفتند سر زندگی‌شان.

آل احمد از خانواده‌ای مذهبی بود. پدر و پدربزرگش روحانی بودند. خانواده دانشور مرفه و تحصیل کرده بودند. پدر آل احمد که راضی به این ازدواج نبود، در روز عقد جلال و سیمین به قم رفت و در مراسم حاضر نشد. او تا ده سال بعد هم پا به خانه آنها نگذاشت. شمس آل احمد، برادر جلال، در کتاب سیر و سلوک خاطره‌ای از مراسم عروسی تعریف می‌کند. به گفته او، صادق هدایت، از جمله مهمانان عروسی بود و یک قاشق چایخوری یک بار مصرف به عروس و داماد هدیه داد. گویا این ماجرا باعث تفریح حضار شده بود.

این ازدواج، تا مرگ نابهنگام آل احمد، در سال ۱۳۴۸، به مدت ۲۰ سال دوام داشت. دانشور در گفتگو با ناصر حریری گفته‌است که آنها هر چه می‌نوشتند به هم نشان می‌دادند اما او هرگز اجازه نمی‌داده جلال در نوشته‌هایش دست ببرد.

فارغ‌التحصیلی از دانشگاه

سیمین در ۱۳۲۸ با مدرک دکترای ادبیات فارسی از دانشگاه تهران فارغ‌التحصیل شد. عنوان رساله وی «علم‌الجمال و جمال در ادبیات فارسی تا قرن هفتم» بود. راهنمای این رساله در ابتدا فاطمه سیاح بود اما با مرگ نابهنگام او کار ناتمام ماند و دانشور ادامه کار را با راهنمایی بدیع‌الزمان فروزانفر پی گرفت. بخش اول این رساله که در زمان حیات سیاح و با راهنمایی او نوشته شده‌است به «علم‌الجمال در غرب» می‌پردازد، موضوع بخش دوم که زیر نظر فروزانفر نوشته شده‌است «علم‌الجمال در ایران» است. از استادان او در دانشکده ادبیات می‌توان به عباس اقبال، بدیع‌الزمان فروزانفر، ملک‌الشعرای بهار، علی اصغر حکمت، نصرالله فلسفی، لطفعلی صورتگر و احمد بهمنیار اشاره کرد. در همین سال سرباز شکلاتی جرج برنارد شاو را ترجمه و منتشر کرد و مقاله‌ها و داستان‌های کوتاهی نیز در روزنامه کیهان، مجله بانو و امید چاپ کرد.

تحصیل در آمریکا

دانشور در شهریور ۱۳۳۱ با دریافت بورس تحصیلی از مؤسسه فولبرایت به دانشگاه استنفورد آمریکا رفت و در رشتهٔ زیبایی‌شناسی تحصیل کرد. در این سفر همسرش، آل احمد، او را همراهی نمی‌کرد. نامه‌هایی که بین این دو، در این مدت، رد و بدل شد، بعدها در کتابی به نام نامه‌های سیمین دانشور و جلال آل احمد از سوی انتشارات نیلوفر منتشر شد. دانشور در استنفورد نزد والاس استگنر داستان‌نویسی و نزد فیل پریک نمایش‌نامه‌نویسی آموخت. او در مصاحبه‌هایش همواره به تأثیر استگنر بر داستان‌نویسی‌اش اشاره می‌کند: «تکنیک نویسندگی خود را مدیون والاس استگنر هستم. این که روایت نمی‌کنم و نشان می‌دهم که قید و صفت به کار می‌برم و این که از فعل و اسم بیشترین استفاده را می‌کنم.» در مدت زندگی و تحصیل در آمریکا دو داستان کوتاه به زبان انگلیسی نوشت که در نشریه دانشگاه استنفورد به نام دِ پسیفیک اسپکتیتر چاپ شد. در مدت تحصیل در آمریکا باغ آلبالو و دشمنان چخوف، رمان بناتریس آرتور شنیتسلر و رمز موفق زیستن دیل کارنگی را هم ترجمه و منتشر کرد.

بازگشت به ایران و ادامه کار نویسندگی



دانشور احتمالاً در دهه ۴۰ شمسی

دانشور در سال ۱۳۳۴ به ایران بازگشت و در هنرستان هنرهای زیبای دختران و پسران مشغول تدریس شد. مدیریت مجلهٔ نقش و نگار را پذیرفت. کمدی انسانی سارویان و داغ ننگ ناتانیل هاتورن را ترجمه کرد. در سال ۱۳۳۶ به همراه جلال آل احمد سفری به اروپا رفت. در ۱۳۳۷ کتاب همراه آفتاب، نوشتهٔ هارولد کورلاندر را ترجمه و منتشر کرد. تا این که در سال ۱۳۳۸، به عنوان دانشیار کلنل علی‌نقی وزیری در رشتهٔ باستان‌شناسی و تاریخ هنر دانشگاه تهران مشغول به کار شد. کار تدریس او در دانشگاه تهران تا بیست سال بعد، یعنی سال ۱۳۵۸ که از دانشگاه تهران بازنشسته شد ادامه یافت.

در سال ۱۳۴۰، دومین مجموعه داستان خود با نام شهری چون بهشت را منتشر کرد. این مجموعه شامل ده داستان کوتاه بود. در سال ۱۳۴۳، بار دیگر سفری به آمریکا رفت تا در سمیناری در دانشگاه هاروارد شرکت کند.

در تیرماه ۱۳۴۸، رمان سووشون را منتشر کرد، که مشهورترین رمان او و از جملهٔ پرفروش‌ترین رمان‌های معاصر است. تاکنون بیش از پانصد هزار نسخه از این کتاب در ایران به فروش رفته و به هفده زبان ترجمه شده است. بسیاری از منتقدان این اثر را یکی از ماندگارترین آثار ادبی فارسی می‌دانند. دو ماه بعد از انتشار سووشون، در ۱۸ شهریور ۱۳۴۸، جلال آل احمد درگذشت.

در سال ۱۳۵۱، کتاب چهل طوطی را منتشر کرد. این کتاب ترجمه‌ای است از مجموعه‌ای از حکایت‌های هندی که لین یوتانک، نویسندهٔ چینی، در کتابی به نام The Wisdom of India

جمع‌آوری کرده‌است. این کتاب، که تنها همکاری آل احمد و دانشور به حساب می‌آید، در سال ۱۳۵۱، با عنوان چهل طوطی اصل از سوی انتشارات موج به چاپ رسید.

در پاییز ۱۳۵۶، کانون نویسندگان ایران با همکاری انجمن روابط فرهنگی ایران و آلمان، انستیتو گوته، شب‌های شعر گوته را برگزار کرد. این رویداد فرهنگی قدمتی چند ساله داشت اما واپسین دوره آن، که از ۱۸ تا ۲۷ مهرماه ۱۳۵۶ در باغ انجمن فرهنگی روابط ایران-آلمان برگزار شد، به دلایل متعدد اهمیت یافت. در این ده شب، ۶۰ نویسنده، شاعر، مترجم و پژوهشگر شرکت داشتند. ۳ زن و ۵۷ مرد سخنرانی کردند و ۴۴ شاعر شعر خواندند. سیمین دانشور نخستین سخنران برنامه بود و سخنرانی خود را با خواندن آیه‌ای از قرآن (رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي وَ يَفْقَهُوا قَوْلِي) آغاز کرد. موضوع سخنرانی او «مسائل هنر معاصر در جهان و در کشورهای جهان سوم» بود.

در سال ۱۳۶۱، کتابی را منتشر کرد به نام غروب جلال. این کتاب از دو بخش تشکیل شده‌است. بخش اول کتاب، با نام شوهرم، جلال در سال ۱۳۴۱ و در زمان حیات آل احمد نوشته شده‌است. دانشور این کتاب را با وصف آل احمد نویسنده آغاز می‌کند، افکار و ویژگی‌های اخلاقی او را از منظر خود توصیف می‌کند و به جنبه‌های فردی، اجتماعی و سیاسی زندگی او می‌پردازد. بخش دوم کتاب، تقریباً بیست و یک سال بعد نوشته شده‌است. در این بخش، دانشور خاطره روز درگذشت آل احمد را روایت می‌کند. نام کتاب، از همین بخش دوم گرفته شده‌است.

در سال ۱۳۶۳، کتاب جدال نقش با نقاش هوشنگ گلشیری منتشر شد که یکی از جدی‌ترین نقدها درباره آثار سیمین دانشور، به ویژه سوشون تا آن زمان بود. در سال ۱۳۷۲، اولین کتاب از سه‌گانه سیمین دانشور، به نام جزیره سرگردانی منتشر شد که به دغدغه‌های روشنفکران ایران در دهه ۴۰ و ۵۰ می‌پرداخت. ۱۳۷۶، مجموعه داستان از پرنده‌های مهاجر بیرس با همکاری نشر نو و نشر کانون چاپ شد. در سال ۱۳۷۸ یادنامه جلال آل احمد توسط علی دهباشی منتشر شد که گفتگویی مفصل با دانشور را شامل می‌شد. جلد دوم تریلوی دانشور، ساربان سرگردان، در سال ۱۳۸۰ را چاپ کرد که به بازنگری وقایع پس از انقلاب ۱۳۵۷ ایران می‌پردازد. کتاب سوم این مجموعه کوه سرگردان است.

گفته می‌شود دانشور این کتاب را در سال ۱۳۸۶ برای چاپ به انتشارات خوارزمی سپرد. دو سال بعد ناشر اعلام کرد که آخرین رمان دانشور مفقود شده‌است. از سال ۱۳۸۶، بیماری سبب شد دیگر نتواند به کار نوشتن ادامه دهد. آخرین اثر چاپ شده او مجموعه داستانی است به نام انتخاب شامل ده داستانی که پیش‌تر در کتاب از پرنده مهاجر بیرس آمده بود به اضافه شش داستان جدید. داستان‌های این مجموعه از نظر فرم و مضمون متفاوتند و در نگارش آنها از تکنیک‌های پیست‌مدرن استفاده شده‌است.

دیدار کانون نویسندگان با سید روح‌الله خمینی

غلامحسین ساعدی می‌گوید:

وقتی آقای خمینی وارد ایران شد، کانون نویسندگان ایران به دیدن ایشان رفت که راجع به مطبوعات و این مسائل صحبت بکنند. من هم جزو آن هیأت بودم. به‌نظر من خیلی کار خوبی کردیم که رفتیم. غول را وقتی که از چاه در می‌آید اگر نبینی و راجع به آن حرف بزنی، فایده ندارد. دیدن خمینی برای من جالب بود. قضیه از این قرار بود که سانسور و اینها دوباره پا گرفته بود و کانون نویسندگان تصمیم گرفت که اندکی برود و به خود حضرت بگوید که: «دایی، ما هستیم‌ها». آن وقت نشستیم به نوشتن یک متن. یک عده جمع شدند و اینها و فلان. گفتیم نه، برویم و به او بگوییم، الان دستگاه دارد دست او می‌افتد. یک متنی تهیه شد که به نظر من متن خوبی هم بود. بعدش تلفن زدند که شما می‌توانید بیایید، آقا اصلاً منتظر شماسست. مثلاً سیمین دانشور بود، من بودم، سیاوش کسرایی بود، جواد مجابی بود، باقر پرهام، شانزده - هفده نفر بودیم. جعفر کوش‌آبادی بود. قرار شد متن را باقر پرهام بخواند. تنها زنی که با ما بود خانم [سیمین] دانشور بود. ایشان یک روسری داشتند و این شیخ هی می‌گفت که این روسری را یک کمی بکش بالا مثلاً صورتتان را بپوشاند. خانم دانشور از آقای خمینی خواست تا اجازه دهد دستش را ببوسد. او شیفته خمینی بود و میگفت اوضاع سانسور این گونه نمی‌ماند

عطاء الله مهاجرانی نیز گفت: خانم دانشور می گفت وقتی امام را دیدم، تحت تاثیر او قرار گرفتم. آن قدر که این پیرمرد با شکوه، آرام و لطیف بود، نمی توانستم در برابر اشتیاقی که پیدا کردم مقاومتی کنم، خم شدم و عبای ایشان را بوسیدم

همچنین در مستند سیمین، ساکن جزیره سرگردانی ساخته حسن صلح جو که اسفند ۱۳۹۴ از تلویزیون بی‌بی‌سی پخش شد، ابعاد جدیدی از زندگی سیمین دانشور را روایت کرد. در این مستند ابراهیم گلستان، عطاء الله مهاجرانی، اسماعیل خویی، عباس میلانی، ناصر پاکدامن، شهرنوش پارسی پور، پرتو نوری علا، عباس معروفی، احمد کریمی، محسن مخملباف و ناصر زراعتی تجربه و پندارهای خود درباره سیمین دانشور را بازگفتند

همچنین دانشور در مصاحبه با آیندگان در سال ۱۳۵۷ گفت: من اغلب اعلامیه‌های امام را خواندم و نوار ایشان را شنیدم در این که ایشان همه این آزادی‌های فردی و سیاسی را پاس خواهند داشت تردیدی ندارم فکر می‌کنم دوران لطف خدا از راه می‌رسد اگر با لچک سر کردن من شاه از ایران می‌رود من با افتخار لچک سر می‌کنم

درگذشت



قبر سیمین دانشور

۳۰ تیر ۱۳۸۶ خورشیدی دانشور به علت مشکلات حاد تنفسی در بیمارستان پارس تهران بستری شد، نیز شایع شد که وی درگذشته‌است اما این خبر تکذیب شد، او در ۲۲ مرداد ۱۳۸۶ با تشخیص تیم پزشکی از بیمارستان پارس مرخص شد. سیمین دانشور پس از یک دوره بیماری آنفلوآنزا، عصر روز ۱۸ اسفند ۱۳۹۰ برابر با ۸ مارس ۲۰۱۲ در ۹۰ سالگی در خانه‌اش در تهران درگذشت. خبرگزاری مهر آدرس محل دفن او را قطعه ۸۸ (هنرمندان)، ردیف ۱۵۰، شماره ۳۱ ذکر کرده‌است.

کتاب‌ها

مجموعه داستان

آتش خاموش

آتش خاموش (اردیبهشت ۱۳۲۷) اولین مجموعه داستان دانشور و اولین مجموعه داستان از نویسندگان زن ایرانی است. این مجموعه شامل ۱۶ داستان کوتاه است که بین سال‌های ۱۳۲۱ تا ۱۳۲۶ نوشته شده‌اند. قهرمان داستان‌ها اغلب دختری تحصیلکرده از خانواده‌ای مرفه است که با عقب‌ماندگی‌های ایران سنتی سر ناسازگاری دارد. این مجموعه داستان را اغلب منتقدان ضعیف ارزیابی کرده‌اند و نشانه بی‌تجربگی نویسنده دانسته‌اند اما احساسات زنانه‌ای که در داستان‌ها دیده می‌شود در فضای داستان‌نویسی ایران تازگی دارد. هوشنگ گلشیری داستان‌های این مجموعه را سیاه‌مشقی بیش نمی‌داند. از نظر او «کلاغ کور» بهترین داستان این مجموعه است.

شهری چون بهشت

شهری چون بهشت دومین مجموعه داستان دانشور با فاصله‌ای ۱۳ ساله نسبت به کتاب اول، در دی ماه ۱۳۴۰ منتشر شد. این مجموعه شامل ده داستان است. در دوره‌ای که بسیاری از نویسندگان ایرانی نوشتن از نظرگاه کودکان را امتحان می‌کنند (و از آن جمله‌اند میرصادقی، تتکابنی، قریب، پاینده، پرویزی، بابامقدم، آل احمد و گلستان) دانشور نیز تلاش می‌کند از دید قهرمانان نوجوانش بنویسد. شکست در عشق و زندگی و در عین حال تسلیم ناامیدی نشدن از مضامین عمده داستان‌های این مجموعه است. دنیای ذهنی و عینی زنان، شوربختی‌ها و امیدهایشان در هر ده داستان مجموعه حضور دارد. هوشنگ گلشیری معتقد است دانشور از کتاب قبلی تا این کتاب راه درازی را طی کرده و به قدرت نسبی رسیده است. او به تأثیر نویسندگانی چون فاکنر، همینگوی و چخوف در برخی داستان‌های این مجموعه اشاره می‌کند.

به کی سلام کنم

مجموعه داستان به کی سلام کنم؟ در خرداد ۱۳۵۹ منتشر شد، چهار داستان این مجموعه پیش‌تر، در سال‌های ۱۳۵۲ تا ۱۳۵۴، در جنگ الفبا به سردبیری غلامحسین ساعدی چاپ شده بود و با تغییرات جزئی در کتاب آمده است. این چهار داستان عبارتند از: تبله شکسته، تصادف، به کی سلام کنم؟ و چشم خفته. شش داستان دیگر اولین بار در همین مجموعه منتشر شده‌اند. تمام داستان‌های این کتاب پیش از انقلاب نوشته شده‌اند. موضوع داستان‌های این مجموعه مسائل سیاسی و اجتماعی دهه ۵۰ و اختناق حاکم بر جامعه بود. در بعضی دیگر از داستان‌ها، دانشور به جنبه‌های منفی غرب و مصرف‌گرایی و تأثیر آن در از خودبیگانگی زنان طبقه متوسط می‌پردازد. در برخی از داستان‌های این مجموعه از شیوه تک‌گویی در روایت استفاده شده است.

از پرنده‌های مهاجر بیرس

از پرنده‌های مهاجر بیرس مجموعه داستان‌هایی است که دانشور طی سال‌های پس از انقلاب با مضمون انقلاب و جنگ نوشت و در سال ۱۳۷۶ در قالب یک کتاب منتشر کرد. داستان‌های این مجموعه حال و هوای زندگی‌نامه‌ای دارند.

انتخاب

مجموعه داستان کوتاه انتخاب شامل شانزده داستان کوتاه است، ده داستان مجموعه از پرنده‌های مهاجر بیرس به اضافه شش داستان تازه. این کتاب در سال ۱۳۸۶ منتشر شده است.

رمان‌ها

سوشون

سوشون، اولین و معروف‌ترین اثر دانشور، در تیر ۱۳۴۸ و مدت کوتاهی قبل از مرگ جلال آل احمد (فوت جلال هجده شهریور ۱۳۴۸) از سوی انتشارات خوارزمی منتشر شد. درباره این رمان نقد‌های بسیاری منتشر شده است. سوشون تاکنون به ۱۷ زبان ترجمه شده است.

داستان سوشون در زمان جنگ جهانی دوم می‌گذرد. شخصیت اصلی داستان زنیست به نام زری و داستان از نظرگاه او روایت می‌شود. شیراز مملو از نیروهای انگلیسیست و غذا کم است. انگلیس، برای تأمین آذوقه قشونش، غله ملاکان شیراز را یک جا می‌خرد. یوسف، همسر زری، هم از ملاکان شیراز است اما نمی‌خواهد محصولش را به انگلیسی‌ها بفروشد و رعیت را گرسنه بگذارد. زری در دل شجاعت و مقاومت همسرش را تحسین می‌کند اما از عاقبت کارهای او نگران است. نویسنده در عین حال که خط داستانی پرماجراش را پیش می‌برد اوضاع منطقه فارس را نیز در این برهه زمانی توصیف می‌کند.

حسن میرعابدینی این رمان را آغازگر فصلی تازه در داستان‌نویسی ایران می‌داند. محمد حقوقی، محیط جنوب را در این داستان قابل تعمیم به تمام ایران می‌داند. به اعتقاد او، زری نماینده زن تحول‌یافته ایرانیست و همسرش یوسف، نماینده روشنفکران مبارز است.

جزیره سرگردانی

جزیره سرگردانی، دومین رمان دانشور و جلد نخست از سه‌گانه اوست که چاپ نخست آن در سال ۱۳۷۲ از سوی انتشارات خوارزمی منتشر شده است. شخصیت‌های اصلی این رمان (که در رمان [های] بعدی هم حضور دارند) عبارتند از: هستی، مادر بزرگ، مامان عشی، سلیم فرخی و مراد پاکدل. شخصیت اصلی رمان هستیست که بین دو دل‌داده سرگردان است: مراد همکلاسی هستی که گرایش چپ دارد و سلیم پسر یک بازاری که در انگلیس تحصیل کرده و گرایش‌های مذهبی دارد.

ساربان سرگردان

ساربان سرگردان، ۱۳۸۰، انتشارات خوارزمی

ساربان سرگردان ادامه داستان جزیره سرگردانی است. هستی به دلیل فعالیت‌های مراد و رفقایش به زندان می‌افتد. سلیم از هستی جدا می‌شود و با زن دیگری ازدواج می‌کند. هستی و مراد به جزیره‌ای به نام جزیره سرگردانی تبعید می‌شوند. بعد از مدتی با کمک ناپدری هستی فرار می‌کنند، با هم ازدواج می‌کنند و صاحب پسری می‌شوند. در پایان رمان، جنگ ایران و عراق آغاز می‌شود و مراد عازم جبهه می‌شود.

کوه سرگردان

کوه سرگردان آخرین رمان سیمین دانشور بود که تاکنون منتشر نشده است. مجله ادبی - هنری نافه در شماره آبان ۱۳۸۹ خود در گزارشی که علیرضا غلامی با عنوان «در جستجوی کوه سرگردان» نوشته بود برای نخستین بار خبر داد که رمان کوه سرگردان سیمین دانشور مفقود شده است. در این گزارش گفته شد که سیمین دانشور نگارش این رمان را قبل از تیر ۱۳۸۶ یعنی قبل از بیماری تمام کرده است. اما بعد از بهبود نسبی دانشور در پاییز همان سال، ناشر پی می‌برد که رمان کوه سرگردان ناپدید شده است. انتشارات خوارزمی دو سال تلاش کرده بود خبر مفقود شدن این رمان در رسانه‌ها درز نکند. مجله ادبی - هنری نافه در گزارش خود گفته است این رمان می‌توانست قبل از مرگ علیرضا حیدری، مدیر انتشارات خوارزمی منتشر شود. اما موضوع رمان و حساسیت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی نسبت به آن و همچنین محافظه‌کاری مدیران انتشارات خوارزمی از علل تأخیر در انتشار آن بوده است.

ترجمه‌ها

سیمین دانشور در کنار داستان‌نویسی به کار ترجمه هم می‌پرداخت. او البته نوشتن را کار اصلی خود می‌دانست اما گاه به گاه هم او و هم آل احمد ناچار می‌شدند برای گذران زندگی دست به ترجمه بزنند. دانشور از انگلیسی و آل احمد از فرانسوی به فارسی ترجمه می‌کرد. او به جز داستان و رمان و نمایشنامه، چند مقاله نیز ترجمه کرده‌است.

- سرباز شکلاتی/ جرج برنارد شاو، ۱۳۲۸.
- دشمنان/ آنتوان چخوف، ۱۳۲۸
- تیفوس آنتوان چخوف، چند خاطره از چخوف/ ماکسیم گورکی، تهران: امیرکبیر، ۱۳۲۹.
- بهترین داستان‌های چخوف/ آنتوان چخوف، تهران: صفی‌علیشاه، ۱۳۳۰.
- بناتریس/ آرتور شنیتسلر، تهران: بنگاه مطبوعاتی رواق، ۱۳۳۲.
- کمدی انسانی، یا، پیک مرگ و زندگی/ ویلیام سارویان. تهران: ابن‌سینا: کتابخانه دانش: مؤسسه انتشارات فرانکلین، ۱۳۳۳.
- همراه آفتاب: افسانه‌ها و داستان‌های ملی کشور ما/ گردآورنده هارولد کورلندر. تهران: کتابفروشی و چاپخانه محمدحسن علمی: مؤسسه انتشارات فرانکلین، ۱۳۳۷.
- داغ‌ننگ/ ناتانیل هاتورن. تهران: نیل (فرانکلین)، ۱۳۴۶.
- باغ آلبالو/ آنتوان چخوف. تهران: انتشارات نیل، ۱۳۴۷.
- بنال وطن/ آلن پیتون. تهران: خوارزمی، ۱۳۵۱.
- چهل طوطی/ ترجمه و تحریر سیمین دانشور و جلال آل احمد، با طرح‌هایی از اردشیر محمص. تهران: نشر موج، ۱۳۵۱.
- ماه عسل آفتابی (مجموعه داستان)/ ریونوسوکه آکوتاگوا و ... تهران: رواق: فردوسی، ۱۳۶۲.
- راز موفق زیستن/ دیل کارنگی. تهران: جامی، ۱۳۷۲ (چاپ دوم).

آثار غیرداستانی

- غروب جلال، انتشارات رواق، ۱۳۶۰
- شاهکارهای فرش ایران
- راهنمای صنایع ایران
- ذن بودیسم
- مبانی استتیک

ترجمه آثار دانشور

- شهری چون بهشت با ترجمه مو-هون یانگ به زبان چینی و با ترجمه آریانا فرخی به زبان ایتالیایی ترجمه شده‌است.

اقتباس از آثار

فیلم زلزله دوم، نوشته و ساخته افشین شرکت (۱۳۵۶) اقتباسی‌ست از داستان کوتاه تيله شکسته که نخستین بار در جلد اول مجله الفبا در تاریخ ۱۳۵۲/۶/۲۴ چاپ شد.

آثار درباره سیمین دانشور

حسن صلح‌جو فیلم سیمین ساکن جزیره سرگردانی را درباره زندگی و آثار سیمین دانشور برای بی‌بی‌سی فارسی ساخته‌است.

بزرگداشت

در فروردین ۱۳۹۸، شورای شهر تهران تصویب کرد کوچه‌ای در نزدیکی خانه سیمین و جلال به نام سیمین دانشور نامگذاری شود. به این منظور کوچه رهبری در دزاشیب انتخاب شد.

خانه سیمین دانشور و همسرش جلال آل احمد در بن‌بست ارض، کوچه رهبری در محله دزاشیب شمیران قرار دارد؛ خانه‌ای که جلال آن را در زمانی که سیمین دانشور برای تحصیل در آمریکا بود به دست خود ساخت. این خانه سال‌ها محل گرد آمدن نویسندگان بسیاری بود و تا زمان مرگ جلال، محل زندگی جلال و سیمین بود. بعد از مرگ جلال هم سیمین دانشور به تنهایی در آن زندگی می‌کرد. این خانه بزرگ و زیبا با حیاط پر از درختان سرسبز و حوض آبی‌اش، با دیوارهای پر از عکس و نقاشی از جلال و سیمین بعد از مرگ سیمین دانشور، محل زندگی ویکتوریا دانشور (خواهر سیمین دانشور) و همسرش پرویز فرجام بوده‌است.

در تاریخ ۹ اردیبهشت ۱۳۹۳ این خانه از سوی شهرداری تهران خریداری شد و قرار شد این خانه به «خانه ادبیات» تبدیل شود. ولی آن طور که از خبرها و به‌طور خاص از مصاحبه خواهرزاده جلال آل احمد با خبرگزاری مهر در هشتم تیرماه ۱۳۹۵ بر می‌آید، نه تنها این پروژه هنوز بعد از دو سال اجرا نشده، بلکه احتمال تخریب و تغییر کاربری بخشی از این خانه هم وجود دارد.

جنجال



نمای بیرونی از خانه سیمین و جلال

فروش خانه سیمین دانشور و جلال آل احمد و تبدیل آن به خانه ادبیات، موضوعی است مورد مناقشه میان شهرداری و وارثان سیمین و جلال. روزنامه اعتماد ۱۰ اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۳ در واپسین رویه خود گزارشی در این باره چاپ کرده‌است. در این گزارش، از قول معاون شهرداری نوشته شده که، خانه سیمین و جلال خریده شده‌است اما در سوی دیگر، علی خاکی، همسر خواهرزاده و دخترخوانده سیمین دانشور گفته‌است: «این خانه تا زمانی که حکم دادگاه مشخص نشده، نمی‌تواند به فروش برود و معامله از اساس باطل است چون شهرداری تحقیقی نکرده که بداند این خانه مالک دیگری دارد یا نه.» علی خاکی در گفتگویی که در «اعتماد» چاپ شده، به وصیت‌نامه سیمین دانشور اشاره کرده که بر پایه آن، لیلی ریاحی (دخترخوانده سیمین دانشور) وارث ثلث اموال دانشور و مسوول انتشار کتاب‌هایش دانسته‌است. (سال ۱۴۰۰)

شکوه قاسم‌نیا



زاده	۱ تیر ۱۳۳۴ تهران، ایران
زمینه کاری	کودک و نوجوان
تحصیلات	لیسانس علوم سیاسی
دانشگاه	دانشگاه تهران
سال‌های فعالیت	۱۳۵۹ تا کنون
دلیل سرشناسی	نویسنده و شاعر کودکان
همسر	احمد غلامی

شکوه قاسم‌نیا (زاده ۱۳۳۴ در تهران) شاعر و نویسنده اهل ایران است. قاسم‌نیا یکی از نویسندگان مطرح در حوزه ادبیات کودکان و نوجوانان ایران است و تاکنون نزدیک به ۴۰۰ ترانه و داستان برای کودکان سروده است.

زندگی‌نامه

شکوه قاسم‌نیا با نام اصلی فاطمه همدانی کار ترانه‌سرایی را از سال ۱۳۵۸ و کار نویسندگی برای کودکان را از سال ۱۳۵۹ با نوشتن در مجله کیهان بچه‌ها آغاز کرد. او تا کنون ۱۵۰ عنوان کتاب کودک نوشته است. تهیه برانه کلبه عمو پورنگ و تعادل اد از آثار اوست. شعر معروف غرق نور است و طلا/گنبد زرد رضا، از جمله آثار ماندگار اوست.

وی برای تألیف داستان بلند «هلی فسقلی در سرزمین غول‌ها» و اشعار کتاب «کلاغه به خنده افتاد» در یازدهمین جشنواره کتاب کودک و نوجوان کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان دو دیپلم افتخار در بخش شعر و داستان گرفت. «هلی فسقلی در سرزمین غول‌ها» نیز موفق به دریافت جایزه کتاب سال کودک و نوجوان در بخش داستان کودک شد. قصه‌های شیرین هزار و یک شب یکی از آثار او است. اولین رمان وی با عنوان کاش یکی قصه‌اش را می‌گفت در سال ۱۳۹۶ منتشر و موفق به دریافت دو جایزه شد او برای نگارش کتاب گلک چه مهربان است! برگزیده هشتمین دوره کتاب سال ایران شد.

گزیده آثار

- اندازه دنیا
- شعر تیتراژ برنامه تلویزیونی «علی کوچولو»
- ترانه‌های برنامه تلویزیونی «محلّه بهداشت»
- ترانه برنامه تلویزیونی «گنجشکک اشی‌مشی»
- ترانه برنامه تلویزیونی «عمو پورنگ»
- خبر داغ - کتاب فارسی چهارم دبستان

شهرنوش پارسی‌پور



زاده ۲۸ بهمن ۱۳۲۴ تهران

محل زندگی تهران، خرمشهر، فرانسه، آلبانی، کالیفرنیا، ریجموند، کالیفرنیا

زمینه کاری داستان‌نویس و مترجم

تحصیلات جامعه‌شناسی از دانشگاه تهران

جوایز مهم جایزه بیتا، ۲۰۱۶

همسر ناصر تقوایی (۱۳۴۶-۱۳۵۲)

فرزند علی

شهرنوش پارسپور (زاده ۲۸ بهمن ۱۳۲۴ در تهران) داستان‌نویس و مترجم ایرانی است. داستان‌های پارسپور به زبان‌های گوناگون دنیا ترجمه شده‌است. او از سوی هجدهمین کنفرانس پژوهش‌های زنان در آمریکا، به عنوان زن سال برگزیده شد. پارسپور همچنین برنده جایزه بیتای ۲۰۱۶ است. او در اواخر دهه ۷۰ خورشیدی و مدتی پس از انتشار کتاب «زنان بدون مردان» و ممنوع شدن آن در ایران، به آمریکا کوچ کرد. این نویسنده اکنون در حومه‌ی سانفرانسیسکو زندگی می‌کند.

زندگی‌نامه

شهرنوش پارسپور در شهر تهران از مادری تهرانی و خانهدار و پدری شیرازی که قاضی دادگستری بود متولد شد. او در رشته علوم اجتماعی در سال ۱۳۵۲ از دانشگاه تهران دانش‌آموخته شد و سپس برای ادامه‌ی تحصیل در رشته زبان و فرهنگ چینی وارد دانشگاه سوربن شد. پارسپور در سال ۱۳۴۶ با ناصر تقوایی ازدواج کرد و در سال ۱۳۵۲ از او جدا شد. سپس در سال ۱۳۵۹ به ایران بازگشت.



پارسپور نویسنده‌ی را از ۱۳ سالگی آغاز کرد و از ۱۶ سالگی داستان‌هایش با نام مستعار در گاهنامه‌های گوناگون به چاپ می‌رسید. نخستین رمان او سگ و زمستان بلند نام دارد که در تابستان ۱۳۵۳ کار نوشتن آن پایان یافت.

پارسپور همچنین در تلویزیون ملی ایران تهیه‌کننده برنامه «زنان روستایی» بود و در بهمن ۱۳۵۳ در اعتراض به اعدام خسرو گل‌سرخ و کرامت‌الله دانشیان و دستگیری نویسندگانی مانند غلامحسین ساعدی، هوشنگ گلشیری، فریده لاشایی و پرویز زاهدی از تلویزیون استعفاء داد. مدتی پس از استعفاء او را بازداشت کردند و ۵۴ روز را در زندان سپری کرد. پس از زندان به فکر مهاجرت به کانادا افتاد اما منصرف شد. بار دوم در مرداد ۱۳۶۰ با اینکه خود وابسته به هیچ سازمان سیاسی نبود، به خاطر همراه داشتن نشریات متعلق به برادرش در خودرو، هنگام ملاقات با خواهر زندانش دستگیر شد و برای ۴ سال دیگر به زندان افتاد.

پارسپور پس از آزادی، به کار ترجمه و تأسیس کتاب‌فروشی در زیرزمینی در خیابان سنایی مشغول شد. بعد از چاپ کتاب زنان بدون مردان، کمیته منکرات او را احضار کرد و درباره کتاب و اینکه چرا

از بکارت نوشته است او را بازجویی و زندانی کردند. پس از آن بود که شهرنوش به آمریکا مهاجرت کرد.

در مصاحبه‌های که واکنش‌های بسیاری برانگیخت، پارسی‌پور عنوان کرد که با صیغه (متعه) موافق است و اگر مردهایی هستند که از این قانون سوءاستفاده می‌کنند، مسئله‌ای دیگر است که باید جداگانه بررسی شود.

آثار

شناخته‌ترین کار پارسی‌پور در ایران طوبا و معنای شب و بیرون از ایران زنان بدون مردان است.

رمان‌ها

- سگ و زمستان بلند (۱۳۵۵)
- طوبا و معنای شب (۱۳۶۸)
- عقل آبی (۱۳۷۱)
- ماجرای ساده و کوچک روح درخت (۱۳۷۸)
- شیوا (۱۳۷۸)
- بر بال باد نشستن (۱۳۸۱)
- کمی بهار (۱۳۹۸)

مجموعه داستان

- تجربه‌های آزاد (۱۳۵۷ بازچاپ در ۱۳۷۱)
- آویزه‌های بلور (مجموعه داستان ۱۳۵۶)
- زنان بدون مردان (۱۳۶۸)
- آداب صرف چای در حضور گرگ (۱۳۷۲)

سایر تالیفات

- توپک قرمز (داستان کوتاه ۱۳۴۸)
- ماجراهای کوچک
- خاطرات زندان
- گرما در سال صفر (۱۳۸۲)

ترجمه‌ها

- شکار جادوگران در دهکده سلیم (شرلی جکسن)
- پیراروانشناسی
- رازهای اختر گویی ، ئی چینگ (ایو تیفری) ۱۳۷۲
- از کنفسیوس تا راهپیمایی دراز دلفین دولرس
- تاریخ چین (چهار جلد)
- سپیر باختر
- لائودزه و مرشدان دائویی (ماکس کالتن مارک)
- داستان‌های مردان تمدن‌های مختلف
- صخره تانیوس از امین معلوف

درخواست کمک مردمی (۱۳۹۷)

در اسفند ۱۳۹۷ پاریس پور با انتشار ویدئویی در فیس‌بوک درباره مشکلات مالی‌اش در سن ۷۳ سالگی نوشت. در این ویدئو او توضیح می‌دهد که از پس هزینه‌های زندگی بر نمی‌آید. این ویدئو واکنش کاربران شبکه‌های اجتماعی را برانگیخت و موجب شد تعدادی از چهره‌های فرهنگی، پویشی اینترنتی برای کمک به این نویسنده‌ی مشهور راه‌اندازی کنند. این پویش ۴ روز بعد با ۳۰۹۶۰ دلار تکمیل شد.

افتخارات

- دکترای عالی ادبیات افتخاری از دانشگاه براون، ۲۰۱۰

شیوا ارسطویی



زاده اردیبهشت ۱۳۴۰ تهران، ایران

پیشه مترجم، داستان‌نویس و شاعر

سال‌های فعالیت ۱۳۷۲-اکنون

شیوا ارسطویی (اردیبهشت ۱۳۴۰، تهران) داستان‌نویس، مترجم و شاعر ایرانی است. مجموعه داستان‌های «آمده بودم با دخترم چای بخورم»، «آفتاب مهتاب» و «من دختر نیستم» و رمان‌های «بی‌بی شهرزاد» و «افیون» از آثار اوست.

تدریس

ارسطویی سابقه تدریس داستان‌نویسی در دانشگاه هنر تهران و دانشگاه فارابی را داشته، و اکنون در یکی از دانشگاه‌های غیرانتفاعی هنر در حال تدریس است. همچنین ده سال است کارگاه داستان‌نویسی وانکا را برگزار می‌کند.

سینما

شیوا ارسطویی از نخستین روزهای جنگ هشت ساله به عنوان امدادگر داوطلب در جبهه حضور داشته و به همین علت در چند فیلم دفاع مقدس به عنوان مشاور کارگردان فعالیت کرده‌است. همچنین بازیگری در چند فیلم کوتاه را تجربه کرده؛ از جمله فیلمی که بر اساس یکی از داستان‌های جان بلاهری ساخته شده‌است.

آثار

مجموعه داستان

- آمده بودم با دخترم چای بخورم (۱۹۹۴)
- آفتاب و مهتاب (۱۹۹۸)

رمان

- او را که دیدم زیبا شدم (داستان بلند) (۱۹۹۱)
- نسخه اول (۱۹۹۸)
- بی بی شهرزاد
- آسمان خالی نیست (۲۰۰۳)
- افیون چاپ آلمان
- خوف (۲۰۱۳)
- نی نا (۲۰۱۵)
- ولی دیوانهوار... (۲۰۱۸)

مجموعه شعر

- گم
- بیا تماش کنیم

طاهره صفارزاده



زاده

۲۷ آبان ۱۳۱۵ سیرجان

درگذشته

۴ آبان ۱۳۸۷ (۷۲ سال)

بیمارستان ایرانمهر تهران ضایعه مغزی

پیشه

شاعر، پژوهشگر و مترجم

جوایز مهم شاعر برگزیده جشنواره بین‌المللی شعر فجر
سال ۱۳۸۵

کتاب‌ها	ترجمه قرآن
دیوان اشعار	رهگذر مهتاب_ طنین دلتا_ سفر پنجم_ بیعت با بیداری_ دیدار صبح
همسر	عبدالوهاب نورانی وصال

طاهره صفارزاده، (۲۷ آبان ۱۳۱۵، سیرجان - ۴ آبان ۱۳۸۷، تهران)، شاعر، پژوهشگر و مترجم ایرانی قرآن بود. او برگزیده اولین دوره جشنواره بین‌المللی شعر فجر در بخش نو (سپید و نیمایی) بود. زبان و ادبیات انگلیسی را در دانشگاه تهران خوانده و در آمریکا در رشته‌ی نقد تئوری علمی در ادبیات جهان به تحصیل پرداخته بود. بهجز مجموعه‌های شعر و ترجمه، چند کتاب هم در زمینه‌ی نقد ترجمه از او به‌چاپ رسیده‌اند.

وی نخستین کسی است که ترجمه‌ای دوزبانه از قرآن به انگلیسی و فارسی را انجام داد.

زندگی‌نامه

صفارزاده در ۲۷ آبان ۱۳۱۵ در سیرجان استان کرمان زاده شد. وی پس از کسب مدرک لیسانس در رشته زبان و ادبیات انگلیسی، برای ادامه تحصیل به خارج از کشور رفت. در سال ۱۳۷۱ از سوی وزارت فرهنگ و آموزش عالی، عنوان استاد نمونه به وی اعطا شد و در سال ۱۳۸۰ پس از انتشار ترجمه قرآن به انگلیسی و فارسی عنوان «خادم‌القرآن» را کسب کرد.

او در سال ۲۰۰۵، از سوی انجمن نویسندگان آفریقایی و آسیایی در مصر، به عنوان برترین زن مسلمان برگزیده شد.

وی همسر عبدالوهاب نورانی وصال، از اساتید نامی ادبیات شیراز و سومین نسل از خاندان وصال بود.

درگذشت

طاهره صفارزاده پنجم مهرماه سال ۱۳۸۷ به‌علت ضایعه مغزی در بیمارستان ایرانمهر تهران بستری و جراحی شد، حدود ساعت ۹:۳۰ صبح روز ۴ آبان در همان بیمارستان در سن ۷۲ سالگی درگذشت. وی در امامزاده صالح تجریش به خاک سپرده شد.

نامگذاری خیابان

احمد مسجدجامعی در جلسه شورای شهر در مورخ ۴ آبان ۸۹، با بزرگداشت یاد و خاطره طاهره صفارزاده، تسریع در نامگذاری خیابان یا مکانی فرهنگی به نام این شاعر و مترجم فقید قرآن را خواستار شد. در اسفند ۹۹ خیابان فتح در حاشیه بزرگراه صدر تهران، به نام طاهره صفارزاده تغییر نام یافت.

کتاب‌شناسی

مجموعه شعر

- رهگذر مهتاب (۱۳۴۱)

- چتر سرخ (به انگلیسی) (۱۳۴۷)
- طنین در دلنا (۱۳۴۹)
- سد و بازوان (۱۳۵۰)
- سفر پنجم (۱۳۵۶)
- حرکت و دیروز (۱۳۵۷)
- بیعت با بیداری (۱۳۶۶)
- مردان منحنی (۱۳۶۶)
- دیدار با صبح (۱۳۶۶)

ترجمه پژوهی

- اصول و مبانی ترجمه: تجزیه و تحلیلی از فن ترجمه ضمن نقد عملی آثار مترجمان (۱۳۵۸)
- ترجمه‌های نامفهوم (۱۳۸۴)

ترجمه قرآن

- ترجمه مفاهیم بنیادی قرآن مجید (فارسی و انگلیسی) (۱۳۷۹)
- ترجمه قرآن حکیم (سه زبانه؛ متن عربی با ترجمه فارسی و انگلیسی) (۱۳۸۰)
- ترجمه قرآن حکیم (دو زبانه؛ متن عربی با ترجمه فارسی) (۱۳۸۲)
- ترجمه قرآن حکیم (دو زبانه؛ متن عربی با ترجمه انگلیسی) (۱۳۸۵)

عرفان نظر آهاری



زاده ۱۷ مرداد ۱۳۵۳ تهران، ایران

تحصیلات دکترای رشته زبان و ادبیات فارسی

پیشه نویسنده، شاعر

جایزه ها جایزه ادبی پروین اعتصامی، جایزه کتاب سال جمهوری اسلامی ایران، جایزه کتاب فصل ...

و نیز لوح افتخار دفتر بین‌المللی کتاب برای
نسل جوان در اسپانیا

عرفان نظرآهاری (زاده ۱۷ مرداد ۱۳۵۳ در تهران)، نویسنده و شاعر اهل ایران است.

زندگی‌نامه

عرفان نظرآهاری دارای مدرک دکتری در رشته زبان و ادبیات فارسی است. کتاب‌های او به زبان انگلیسی، فرانسه، ترکی، کردی، عربی، ژاپنی، ایتالیایی، آلمانی، سوئدی، و هلندی ... ترجمه شده است. وی تا کنون جوایز بسیاری را از آن خود کرده‌است، از جمله: جایزه ادبی پروین اعتصامی، جایزه کتاب سال جمهوری اسلامی ایران، جایزه کتاب فصل و نیز لوح افتخار دفتر بین‌المللی کتاب برای نسل جوان (ibby) در اسپانیا و

او یکی از نویسندگان کتاب «داستان صلح» است که در کره جنوبی به چاپ رسیده‌است. این داستان تاکنون به ۱۰ زبان ترجمه شده‌است و به صورت موسیقایی با آهنگسازی محمد نصرتی منتشر شده‌است. این اثر موسیقایی مورد حمایت سازمان یونسکو قرار دارد.

نظرآهاری نگارش پنج عنوان کتاب پژوهشی در ادبیات فارسی با موضوع‌هایی همچون: عشق، قناعت، عدالت طلبی و ستم ستیزی، ارزش زندگی، مرگ و هستی را در پیشینه خود دارد و آثار متعددی در حوزه ادبیات کودک و نوجوان از او منتشر شده‌است؛ از جمله: راز مرواریدهای شهرزاد، در سینه‌ات نهنگی می‌تپد، پیامبری از کنار خانه ما رد شد، لیلی نام تمام دختران زمین است، جوانمرد نام دیگر تو، من هشتمین آن هفت نفرم، دو روز مانده به پایان جهان، روی تخته سیاه جهان با گچ نور بنویس. او در سال ۲۰۰۱ برگزیده نخست کنگره شعر زنان شد و «پشت کوچه‌های ابر» اثر این نویسنده به عنوان برگزیده جشنواره کتاب کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان انتخاب شد. نظرآهاری هم‌اکنون به تدریس در دانشگاه‌ها و مراکز علمی و آموزشی مشغول است.

آثار

آثار منتشر شده از عرفان نظر آهاری

سال انتشار	عنوان کتاب
۱۹۹۶	از روزهای سادگی
۱۹۹۷	پشت کوچه‌های ابر
۲۰۰۲	کوله پشتی ات کجاست؟
۲۰۰۳	نامه‌های خط خطی

۲۰۰۴	<u>لیلی نام تمام دختران زمین است</u>
۲۰۰۴	<u>راز مرواریدهای شهرزاد</u>
۲۰۰۵	<u>پیامبری از کنار خانه ما رد شد</u>
۲۰۰۵	<u>هر قاصدکی یک پیامبر است</u>
۲۰۰۵	<u>بالهایت را کجا جا گذاشتی؟</u>
۲۰۰۵	<u>چای با طعم خدا</u>
۲۰۰۶	<u>در سینه ات نهنگی می‌تپد</u>
۲۰۰۷	<u>جوانمرد نام دیگر تو</u>
۲۰۰۷	<u>من هشتمین آن هفت نفرم</u>
۲۰۰۷	<u>روی تخته سیاه جهان با گچ نور بنویس</u>
۲۰۱۲	<u>دو روز مانده به پایان جهان</u>
۲۰۱۳	<u>من بیابان همسر م باد</u>
۱۳۸۴	<u>چای با طعم خدا</u>
۱۳۹۸	<u>کرگدن‌ها هم عاشق می‌شوند</u>



غزاله علیزاده

زاده ۲۷ بهمن ۱۳۲۷ مشهد، ایران

درگذشت ۲۱ اردیبهشت ۱۳۷۵ (۴۷ سال)
جواهرده، رامسر، ایران

محل زندگی تهران

پیشه نویسنده

آثار خانه ادیسی‌ها، شب‌های تهران

همسر ها بیژن الهی
محمدرضا نظام شهیدی

فرزندان سلمی الهی

والدین منیر السادات سیدی

فاطمه «غزاله» علیزاده (زاده ۲۷ بهمن ۱۳۲۷ در مشهد - درگذشته ۲۱ اردیبهشت ۱۳۷۵ در جواهرده)، نویسنده ایرانی است. اثر پرآوازه او رمان دوجلدی خانه ادیسی‌ها است. غزاله علیزاده کار ادبی خود را از دهه ۱۳۴۰ (خورشیدی) و با انتشار داستان‌های کوتاه در مشهد آغاز کرد. غزاله علیزاده در ۲۱ اردیبهشت سال ۱۳۷۵، در روستای جواهرده رامسر، با دار زدن خود، دست به خودکشی زد.

«متحد نیستیم. اگر حرمت‌گذار یکدیگر باشیم، می‌توانیم جهانی شویم.»

زندگی

غزاله علیزاده در ۱۵ بهمن ۱۳۲۷ در مشهد زاده شد. مادرش منیرالسادات سیدی نیز خود شاعر و نویسنده بود. غزاله در کودکی درون‌گرا، بازیگوش و باهوش بود. در مدرسه گاه با بازیگوشی‌ها و شجاعت‌هایش دیگران را نگران می‌کرد. اما شاگرد زرنگی نیز بود.

تحصیلات

غزاله علیزاده مدرسه را در دبیرستان علوم انسانی مهستی به پایان برد و در همین زمان به گیاه‌خواری روی آورد. او در کنکور رشته ادبیات فارسی در مشهد و کنکور حقوق و فلسفه در تهران پذیرفته شد و به خواست مادرش به رشته حقوق وارد شد.

غزاله علیزاده با مدرک کارشناسی علوم سیاسی از دانشگاه تهران برای تحصیل در رشته فلسفه و سینما در دانشگاه سوربن به فرانسه رفت. در واقع ابتدا برای دکترای حقوق به پاریس رفت ولی با زحمت زیاد رشته‌اش را به فلسفه اشراق تغییر داد و قصد داشت پایان‌نامه‌اش را درباره مولوی بنویسد که با مرگ ناگهانی پدرش آن را نیمه‌کاره رها کرد.

نویسندگی

غزاله علیزاده پیشه ادبی خود را از دهه ۱۳۴۰ و با چاپ داستان‌های خود در مشهد آغاز کرد. سفر ناگذشتنی نام نخستین مجموعه داستان غزاله است که در سال ۱۳۵۶ منتشر شد. اما از پراوازه‌ترین آثار وی می‌توان به رمان دو جلدی خانه ادیسی‌ها و مجموعه داستان چهارراه نام برد.

زندگی شخصی

غزاله علیزاده ابتدا با بیژن الهی ازدواج کرد و صاحب دختری به نام سلمی شد. سپس از او جدا شد. غزاله علیزاده چند ماه قبل از مرگش در گفتگویی که با مجله ادبی گردون (شماره ۵۱-۲۱ مهر ۱۳۷۴) داشت در مورد خودش چنین می‌گوید:

«دوازده، سیزده ساله بودم، دنیا را نمی‌شناختم. کی دنیا را می‌شناسد؟ این توده بی‌شکل مدام در حال تغییر را که دور خودش می‌پیچد و از یک تاریکی می‌رود به طرف دیگر. در این فاصله، ما بیش و کم رؤیا می‌بافیم، فکر می‌کنیم می‌شود سرشت انسان را عوض کرد آن مایه حیرت‌انگیز از حیوانیت در خود و دیگران را. ما نسلی بودیم آرمان‌خواه. به رستگاری اعتقاد داشتیم. هیچ تاسفی ندارم. از نگاه خالی نوجوانان فارغ از کابوس و رؤیا، حیرت می‌کنم. تا این درجه وابستگی به مادیت، اگر هم نشانه عقل معیشت باشد، باز حاکی از زوال است. ما واژه‌های مقدس داشتیم: آزادی، وطن، عدالت، فرهنگ، زیبایی و تجلی. تکان هر برگ بر شاخه، معنای نهفته‌ای داشت...»

در سال ۱۳۶۲ با محمدرضا نظام شهیدی ازدواج کرد. وی همچنین دو دختر که از بازماندگان زمین لرزه ۱۳۴۱ بوئین‌زهر بودند را به فرزندی پذیرفت.

ارتباط سید مرتضی آوینی با غزاله علیزاده در دوران دانشجویی در دانشگاه تهران، یکی از نکات پرابهام زندگی خصوصی او است.

مرگ

وی که از بیماری سرطان رنج می‌برد بعد از دو بار خودکشی ناموفق، سرانجام در ۲۱ اردیبهشت ۱۳۷۵ در روستای جواهرده رامسر، خود را از درختی حلق‌آویز کرد. پیکر او را در امامزاده طاهر کرج به خاک سپردند.

او در یادداشت پیش از خودکشی خود چنین نوشت: «آقای دکتر براهنی و آقای گلشیری و کوشان عزیز! رسیدگی به نوشته‌های ناتمام خودم را به شما عزیزان واگذار می‌کنم. ساعت یک و نیم است. خسته‌ام. باید بروم. لطف کنید و نگذارید گم و گور شوند و در صورت امکان چاپشان کنید. نمی‌گویم

بسوزانید. از هیچ‌کس منتفر نیستم. برای دوست‌داشتن نوشته‌ام، نمی‌خواهم، تنها و خسته‌ام برای همین می‌روم. دیگر حوصله ندارم. چقدر کلید در قفل بچرخانم و قدم بگذارم به خانه‌ای تاریک. من غلام خانه‌های روشنم. از خانم دانشور عزیز خداحافظی می‌کنم. چقدر به همه و به من محبت کرده‌است. چقدر به او احترام می‌گذارم. بانوی رمان، بانوی عذوق و یک هنرمند راست و درست. با شفقت بسیار. خداحافظ دوستان عزیزم».

محمد مختاری، شاعر، نویسنده و مترجم، بعد از مرگ غزاله در رثایش نوشت: «همیشه می‌گفتند تاوان عمر دراز این است که آدم به سوگ عزیزانش می‌نشیند. اما اکنون انگار این قرار هم برهم خورده‌است. پس بی آن‌که عمر به درازا کشد باید شاهد ضایعات شتابناک این پیکر فرهنگی بود که می‌خواهد با اندام‌هایی بی‌قرار و پراکنده برقرار بماند...»

کتاب خانه ادیسی‌ها سه سال پس از مرگ غزاله، جایزه بیست سال داستان‌نویسی را از آن خود کرد.



آرامگاه غزاله علیزاده در امامزاده طاهر کرج

آثار

رمان‌ها

- دو منظره، ۱۳۶۳
- خانه ادیسی‌ها، ۱۳۷۰ (۲ جلدی)
- شب‌های تهران
- ملک آسیاب

مجموعه داستان‌ها

- سفر ناگذشتنی (تاریخ انتشار ۱۳۵۶؛ شامل داستان‌های شجره طیبه، پاندارا، با انار و با ترنج از شاخ سیب)
- چهارراه (تاریخ انتشار ۱۳۷۳؛ شامل داستان‌های دادرسی، بعد از تابستان، جزیره، سوچ)
- تالارها (تاریخ انتشار ۱۳۸۲؛ شامل داستان‌های نقش‌ها، اول بهار، گرد و شکنان، تالارها)
- داستان‌های کوتاه همراه با داستان دو منظره در مجموعه‌ای با نام با غزاله تا ناکجا در سال ۱۳۷۸ توسط نشر توس منتشر شده‌است.

سایر آثار

- کشتی عروس
- رؤیای خانه و کابوس زوال

جایزه‌ها

- جایزه قلم طلایی مجله ادبی گردون برای داستان کوتاه «جزیره»، ۱۹۹۹ میلادی
- جایزه بیست سال داستان‌نویسی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برای رمان خانه ادیسی‌ها، ۱۹۹۹ میلادی سه سال پس از مرگ غزاله.

درباره غزاله علیزاده

- در سال ۱۳۸۷ فیلم مستندی درباره غزاله علیزاده با عنوان محاکات غزاله علیزاده به کارگردانی یگانه آهنگرانی ساخته شده است؛ گرچه محاکات غزاله علیزاده اجازه حضور در جشنواره‌های ایران را نیافت.

فتانه حاج سیدجوادی



زاده ۱۳۲۴ کازرون، ایران

محل زندگی اصفهان، ایران

دیگر نام پروین

آثار بامداد خمار

همسر متأهل

- فتانه حاج سیدجوادی (زاده ۱۳۲۴ در کازرون) رمان‌نویس ایرانی است. رمان پرفروش او، بامداد خمار ده‌ها بار در ایران تجدید چاپ شد.

بامداد خمار یکی از پرفروش‌ترین رمان‌های معاصر ایران است و به همین دلیل از ادبیات عامه‌پسند می‌باشد. این رمان با بحث‌های داغ و نقدهای بسیار روبه‌رو شد. از معروف‌ترین موافقان این رمان می‌توان به نجف دریابندری اشاره کرد که مطلبی در دفاع از بامداد خمار نوشت. مطلب با واکنش تند هوشنگ گلشیری در رد نظر نجف دریابندری و بی‌مایه خواندن رمان در ماهنامه آدینه پاسخ داده شد. برخی دیگر از موافقان بامداد خمار، آن را برای مقوله روابط میان زنان و مردان جوان مفید دانسته یا درس عبرتی دانستند برای جوانان بی‌تجربه. مخالفان، آن را دفاع از اصالت و شرافت طبقات بالادست جامعه و تحقیر فرودستان دانستند.

فتانه حاج سیدجوادی (پروین) در سال ۱۳۲۳ در شیراز زاده شد و در شمیران بزرگ شد. با پزشکی ازدواج کرد و به اصفهان رفت. آن‌ها دو دختر و یک پسر دارند. هر دو دختر آن‌ها دندانپزشک هستند.

آثار

- بامداد خمار (رمان؛ ۱۳۷۴)
- در خلوت خواب (رمان ۱۳۷۷)
- پارک گورکی (مترجم) هر چند ترجمه روان و یکدستی نیست
- مقاله نقد و معرفی بامداد خمار در سایت وینش

فرخنده آقایی



زاده ۱۳۳۵ / ۱۹۵۶ تهران

تحصیلات علوم اجتماعی

پیشه داستان‌نویس

فرخنده آقایی (۱۹۵۶، تهران) داستان‌نویس ایرانی است. رمان «از شیطان آموخت و سوزاند» او برنده دوره هفتم جایزه منتقدان و نویسندگان مطبوعاتی شده است. او در سال ۱۳۵۸ از دانشگاه الزهرا در رشته مدیریت اداری دانشنامه لیسانس و در ۱۳۶۶ از دانشگاه تهران در رشته علوم اجتماعی دانشنامه فوق‌لیسانس گرفت. از ۱۳۶۲ به کار در بانک مرکزی ایران پرداخت. در داستان‌هایش بیشتر به مسائل و مشکلات زنان طبقه متوسط شهری می‌پردازد.

مجموعه داستان

- ۱۳۶۶ - تپه‌های سبز
- ۱۳۷۲ - راز کوچک
- ۱۳۷۶ - یک زن، یک عشق
- ۱۳۸۲ - گربه‌های گچی

رمان

- ۱۳۷۹ - جنسیت گمشده
- ۱۳۸۶ - از شیطان آموخت و سوزاند

سایر آثار

- یک عکس یادگاری با فرخنده آقایی/ درباره نویسنده/ مهدی کریمی

نمونه نثر

«وَجی فکر کرد از بچه، از همسر، از همه چیز به آدم نزدیکتر است. اصلاً خود آدم است. آن راز که باید بپوشانی و نوازشی کنی و جایی نیست که بگذاری تا برنگردد. چون باز برمی‌گردد و می‌آید آنجا روی سینه چپت می‌نشیند؛ و دستت را که بلند می‌کنی تا از ریشه بیرونش بکشی، بی‌اختیار دوباره نوازشش می‌کنی. انگار که بچه‌ات، انگار که همسرت، نه حتی نزدیکتر از آنها، انگار که خودت.»

فرخنده حاجی‌زاده



زاده

20 تیر ۱۳۳۱

بزنجان، بافت کرمان

پیشه

نویسنده، شاعر و ناشر

جوایز

برنده اولین جایزه جهانی آزادی انتشار انجمن

مهم قلم و اتحادیه ناشران آمریکا

بنیانگذار مدیر انتشارات ویستار

فرخنده حاجی زاده (زاده ۱۳۳۱) نویسنده، شاعر و ناشر ایرانی، مدیر انتشارات ویستار، برنده اولین جایزه جهانی آزادی انتشار انجمن قلم و اتحادیه ناشران آمریکا، عضو هیئت دبیران کانون نویسندگان ایران (تیرماه ۱۳۸۷) اندیشه‌ی آزاد، فصل‌نامه کانون نویسندگان ایران (داخلی)، دوره سوم، شماره ۱، بهار ۱۳۹۰ و خواهر قربانی قتل‌های زنجیره‌ای، حمید حاجی زاده و پسرش کارون است.

زندگی‌نامه

فرخنده در بیستم تیرماه سال ۱۳۳۱ در بزنجان شهر بافت کرمان زاده شد و از کودکی با ادبیات و موسیقی آشنا شد. پس از پایان دوره ابتدایی خانواده‌اش برای امکان ادامه تحصیل به شهرستان یافت مهاجرت کردند و پس از ازدواج، فرخنده به دلیل حرفه نظامی همسرش، به آذربایجان شرقی رفت. در چهارده سالگی پسرش «پژمان» را به دنیا آورد که همواره همکار او در اداره انتشارات ویستار و مجله پایا بوده است (بایا در سال ۱۳۸۷ لغو امتیاز شد). بعد از تولد دومین فرزندش «پیمان»، تحصیلی را که به دلیل ازدواج رها کرده بود از سرگرفت و تا پایان دوره کارشناسی ادامه داد.

فعالیت ادبی حاجی زاده در سال‌های ۱۳۵۳-۱۳۵۴ با سرودن غزل و با عضویت در انجمن ادبی خواجوی کرمان آغاز شد. هر چند حاجی زاده در سایت شخصی‌اش به تازگی نوشته که آن غزل‌ها، که در تذکره‌های مختلف هم آورده شده، آن قدر به وسیله برادرها به ویژه حمید تصحیح شده که او آن‌ها را از آن خود نمی‌داند و می‌گوید که در انجمن خواجو وقتی شعرهای آزدش را می‌خوانده، پیشکسوتان او را به نوشتن نثر تشویق می‌کردند و جوان‌ترها در شعرهایش به دنبال رسالت می‌گشتند تا جایی که او آن شعرها را پاره کرد و تا سال‌ها شعر نگفت و به خواندن پرداخت. او ادامه می‌دهد آن دوره سلطنت ادبی از آن شعر بود و سلطنت موسیقی از آن آواز؛ هنوز هم عده‌ای تاج موسیقی را بر سر آواز می‌نهند. حاجی زاده اولین مطلب ادبی خودش را نقدی می‌داند که در اعتراض به یک مصاحبه استخدامی نوشت و در روزنامه آیدنگان در سال ۱۳۵۴ به چاپ رسید. از سال ۱۳۵۷ به عنوان کتابدار به استخدام وزارت علوم و فناوری درآمد و در اول اسفندماه ۱۳۸۷ بازنشسته شد. در سال ۱۳۵۹، بنیانگذار و مسئول کتابخانه دانشکده ادبیات دانشگاه کرمان شد. انگیزه گردآوری کتاب‌شناسی اساطیر و ادیان این دوره در ذهنش شکل گرفت. اولین قصه‌اش را به نام وهم سبز در سال ۱۳۶۷ نوشت. در سال ۱۳۶۸ به دانشگاه تهران منتقل شد. از ۱۳۶۹، در کارگاه شعر و قصه رضا پراهنی، ادبیات را به صورت جدی‌تری پی‌گیری کرد.

همزمان از محضر استادان حسن انوری، سیروس شمیسا، هاشم توفیق سبحانی و اصغر دادبه بهره برد؛ و وزن شعر را از شاعر سرشناس هوشنگ ابتهاج آموخت.

از چهار برادر او، سه تن در شعر و موسیقی دستی دارند؛ که یکی حمید حاجی زاده از قربانیان قتل‌های زنجیره‌ای بود، شاعر کرمانی که به طرزی فجیع همراه پسرش «کارون»، در شب ۳۱ شهریور ۱۳۷۷، با ۳۸ ضربه چاقو به قتل رسیدند. فرخنده حاجی زاده پیگیری قانونی روشن‌تر شدن چرایی و چگونگی این قتل و مجازات آمرین و عاملین آن را ادامه داده است.

فرخنده حاجی زاده علاوه بر مدیریت انتشارات ویستار، مدیر مسئول و سردبیر مجله ادبی-هنری پایا، از سال ۱۳۷۲ به مدت ده سال تا زمان لغو امتیاز پایا، گردآورنده جگ ادبی-هنری گفتمان و عضو هیئت مدیره جمع صنفی فرهنگی زنان ناشر بوده و از سال ۱۳۷۹ به عضویت کانون نویسندگان ایران درآمده و از انتخابات تیرماه سال ۱۳۸۷ تا کنون، عضو هیئت دبیران آن می‌باشد. او نشریه ادبی، هنری، تحلیلی، آموزشی «قال و مقال» را نیز منتشر می‌کند.

انجمن قلم و اتحادیه ناشران آمریکا اولین جایزه جهانی آزادی انتشار خود را به خاطر «تلاش در زمینه چاپ کتاب‌های عالی، شجاعت و پشتکار» به فرخنده حاجی‌زاده اهدا کرد. در مراسم اهدای این جایزه، نویسندگان سرشناسی مانند آرتور میلر، راسل بنکس، ادوارد سعید، آرتور شلزینگر و توماس فریدمن حضور داشتند. وی همچنین در کنفرانس‌های ادبی متعددی در خارج از ایران شرکت داشته که از آن جمله می‌توان به شرکت در کنفرانس ادبیات معاصر، دانشگاه نیویورک، اردیبهشت ۱۳۷۹؛ دانشگاه کلمبیا؛ انجمن ادبی نیما در شیکاگو، ایلینوی؛ کنفرانس ادبیات و موسیقی، تأثر ادئون پاریس، آذر ۱۳۷۹؛ سمینار ادبیات معاصر ترکیه، «همسایه در را باز کن» در آنکارا و استانبول، ۱۳۸۳، اشاره کرد.

کتابفروشی انتشارات ویستار محل تجمع اهل قلم و علاقه‌مندان به کتاب نیز بود و جلسه‌های شعرخوانی، قصه‌خوانی و گفت و شنود با اهل قلم در محل کتابفروشی ویستار برگزار می‌شد. اما این کتابفروشی در سال ۱۳۸۶ که به دستور اداره اماکن با کتابفروشی‌هایی که «کافه کتاب» داشتند برخورد شد، پلمپ گردید و در همین زمان با شکایت مالک محل کتابفروشی [سرفلی این ملک متعلق به نشر ویستار بود، محمدعلی ذوالفقاری و با وکالت محمود حمزه، یک سرهنگ بازنشسته و وکیل دادگستری کنونی، مأموران اجرای احکام مجتمع قضایی شهید بهشتی با کامیون، کارتن و کلیدساز برای شکستن درب کتابفروشی و بردن کتاب‌ها، به کتابفروشی ویستار مراجعه کردند. با پرونده‌ای ساختگی و حکمی غیرقانونی پس از تخلیه، کتابفروشی را یک شبه تخریب کردند، اما ویستاریان با تلاش بسیار و شش ماه دوندگی بی‌وقفه موفق شدند حکم صادرشده را لغو کنند. حاجی‌زاده همراه با فعالیت‌های ادبی، فعالیت‌های اجتماعی- فرهنگی خود را نیز گسترش داد. از آن جمله می‌توان به راه‌اندازی کتابخانه دانشکده ادبیات دانشگاه شهید باهنر کرمان، عضویت در اتحادیه ناشران، عضویت در تعاونی توزیع‌کنندگان کتاب تهران، عضویت در شورای کتاب کودک و همکاری با فرهنگنامه کودکان، عضویت و همکاری در پایه‌گذاری جمع صنفی فرهنگی زنان ناشر، همکاری با بنیاد فرهنگی زنان و راه‌اندازی کتابخانه اتحادیه ناشران را می‌توان نام برد.

آثار

رمان

- «خاله سرگردان چشم‌ها» (فارسی و ترکی استانبولی)- مترجم به ترکی استانبولی: هاشم خسروشاهی
- «از چشم‌های شما می‌ترسم» (فارسی، ترکی استانبولی به ترجمه هاشم خسروشاهی)- انتشارات «دنیا» در ترکیه
- «من، منصور و آلبرایت «قصه‌ای با مقدمه و مؤخره»» (رمان «من، منصور و آلبرایت» در ایران اجازه انتشار نگرفت و انتشارات خاوران در پاریس آن را منتشر کرد. این رمان روایت قتل حمید حاجی‌زاده و پسرش کارون در کرمان است و به قتل‌های زنجیره‌ای و استخاره‌ای اشاره دارد.)

مجموعه داستان کوتاه

- «خلاف دموکراسی» - از این مجموعه، داستان «خلاف دموکراسی» به زبان‌های انگلیسی، چکی و ترکی استانبولی ترجمه شده است. مترجم انگلیسی محمدمهدی خرمی، مترجم ترکی استانبولی هاشم خسروشاهی و مترجم چکی خانم زوزانا است. داستان «وهم سبز» این مجموعه بوسیله مریوان حلبچه‌ای به زبان کردی ترجمه شده و داستان «ادامه» نیز بوسیله هاشم خسروشاهی به زبان ترکی استانبولی ترجمه شده است.
- «تقدیم به کسی که قاتلم نبود» - از این مجموعه داستان «PIR» به همت محمدمهدی خرمی و شعله وطن، داستان «مانع» بوسیله علی هداوند و داستان «دست‌های تنهایی»

بوسیله منصوره وحدتی به زبان انگلیسی ترجمه شده‌اند و داستان «تقدیم به کسی که قاتلم نبود» بوسیله لیلیا کریمی به زبان ایتالیایی در دست ترجمه است.

• «نامتعارفه آقای مترجم!» - (این کتاب دوزبانه و همراه با سی‌دی صوتی منتشر شده‌است) مترجم این مجموعه پریا لطیفی‌خواه است. ترجمه این کتاب زیر نظر محمدمهدی خرمی انجام شده‌است.

• از حاجی‌زاده داستان‌های «تصمیم‌آنی» بوسیله پریا لطیفی‌خواه و «ژاندارم» زیر نظر محمدمهدی خرمی ترجمه شده‌است.

گزارش قصه

نامی است که فرخنده حاجی‌زاده به بعضی از نوشته‌هایش داده و در این رابطه می‌گوید:

• - «وقت و بی‌وقت که قصه ببافی و توی بی‌خوابی‌های شبانه سوار بر شاهپرک خیال تا تمام قله‌های کشف ناشدنی واقعیت بپری و گاه با رقه کوچکی از واقعیت یا آن چیزی را که می‌توانست واقعیت تو باشد و نیست چنان بگسترانی که خودت هم ندانی مرز خیال کجاست و واقعیت کجا و مدام در واقعیت پر آشوب قصه‌های ذهنت (قصه‌هایی که بخشی از آن‌ها تنها در ذهنت نوشته شده یا می‌شوند) غلت بزنی. اراده هم که کنی گزارشی از لحظه‌ای، وضعیتی، زندگی کسی یا جریانی بنویسی به سمت روایت کشیده می‌شوی و به نوشته‌ات که برگردی می‌بینی نه قصه است به روال آنچه آموخته‌ای و نه طبق تعریف‌های قراردادی گزارش. پس ناچار برای هویت بخشیدنش نامی خود ساخته بر آن می‌گذاری. نامی که تلفیقی از گزارش و قصه است.» «گزارش قصه»

از فرخنده حاجی‌زاده تاکنون ۲ مجموعه گزارش قصه منتشر شده‌است:

• «گزارش قصه ۱ - سینه سهراب» - از این مجموعه گزارش قصه «نکند پاره کنم سینه سهرابم را» بوسیله محمدمهدی خرمی ترجمه شده‌است.

• «زن عجم خوبه یا تی‌ان‌نی؟»

شعر

• طلعت منم! (مجموعه شعر)

سایر آثار

• گفت‌مان ادبی، هنری صفر (جنگ ادبی با همکاری نویسندگان دیگر)

• کتاب‌شناسی اساطیر و ادیان (کتاب‌شناسی تحقیقی)

• باز اندیشی ۱ (مجموعه نقد ادبی)

جایزه‌ها

• برنده جایزه جهانی آزادی انتشار سال ۲۰۰۳ از طرف اتحادیه ناشران و انجمن قلم آمریکا

فرشته توانگر



فرشته توانگر (زاده ۱۳۴۵ در آبادان)، داستان‌نویس و نویسنده ایرانی ساکن شیراز است و از دانشگاه آزاد شیراز لیسانس زبان انگلیسی دارد. علاوه بر چاپ کتاب‌ها و مقالاتی در نشریات مختلف کشور به تدریس داستان‌نویسی در شهر شیراز هم می‌پردازد. او عضو هیأت داوران نهمین جشنواره سراسری داستان بانه بوده است. وی از اعضای کانون نویسندگان ایران است.

آثار

- همین جا روی زمین (۱۳۷۷) نشر مرکز
- خانه‌ها و خیابانها (۱۳۸۰) ناشر نیم نگاه
- گرنیکا (۱۳۸۳) نشر ققنوس
- کانادا جای تو نیست (۱۳۹۱) نشر چشمه

ترجمه‌ها

- تاج نقره‌ای و داستان‌های دیگر
- چند داستان برای کودکان
- تمساح غول پیکر اثر رولد دال
- آدم کوچولو اثر رولد دال

جایزه‌ها

- جایزه اول جشنواره ادبی زنان استان فارس
- جایزه دوم مقاله‌نویسی در جشنواره مهر و ماه
- برگزیده جایزه ادبی اصفهان برای داستان کوتاه صاحب مرده‌ها؛
- کتاب گرنیکا برگزیده منتقدان جایزه مهرگان ادب در سال ۱۳۸۳
- جایزه مهرگان ادب برای کتاب گرنیکا «به عنوان بهترین داستان بلند» ۱۳۸۴
- جایزه اول هفت اقلیم برای کتاب کانادا جای تو نیست در سال ۱۳۹۲
- برنده جایزه منتقدان - بکا، برای کتاب گرنیکا
- نامزد دریافت جایزه مهرگان ادب، برای کتاب کانادا جای تو نیست، ۱۳۹۳

فرشته ساری



زاده

۷ تیر ۱۳۳۵ تهران

زمینه کاری

نویسنده، شاعر و مترجم

فرشته ساری (زاده ۷ تیر ۱۳۳۵ در تهران)، شاعر، نویسنده و مترجم ایرانی است. وی یکی از شاعران زبانزد دهه هفتاد خورشیدی و از نویسندگان قابل اشاره جریان پیشرو داستان‌نویسی ایران است. وی در سال ۱۳۸۳ برنده جایزه شعر پروین اعتصامی شد.

زندگی‌نامه

فرشته ساری در ۷ تیر ماه ۱۳۳۵ در تهران متولد شد. ساری در رشته‌های علوم کامپیوتر در دانشگاه شهید بهشتی (ملی سابق) و زبان و ادبیات روسی دانشگاه تهران تحصیل کرده است و سپس به ترجمه و پژوهش مشغول شد و زندگیش را صرف ادبیات کرد. او از سال ۱۳۵۸ تاکنون مشاغلی چون دبیری ریاضیات، کارمندی (پژوهشیار)، تحقیق، ویراستاری پروژه‌های معماری، و ویراستاری آزاد را تجربه کرده است. نخستین اثرش، مجموعه شعری با عنوان پژواک سکوت بود که در دهه ۱۳۶۰ منتشر شد. او با نشریات گردون، دنیای سخن و کارنامه نیز همکاری کرده است. فرشته ساری جزو آن دسته شاعرانی است که در دهه ۱۳۶۰ به این فکر افتادند که راهی پیدا کنند تا بتوانند دوباره با مخاطب ارتباط پیدا کنند. ساری در مجموع ۱۷ کتاب شعر و داستان (تألیف و ترجمه) کرده است. «ساری در آثارش فرم‌های تازه داستانی را تجربه می‌کند و به مسائل و مشکلات زنان می‌پردازد.» یکی از رمان‌های وی به نام آفتاب در تهران، به زبان ایتالیایی ترجمه، و توسط انتشارات ادیت پرس، منتشر شده است.

کتاب‌شناسی

شعر

- «پژواک سکوت» ۱۳۶۵
- «قابهای بی‌تمثال» ۱۳۶۸، نشر چشمه

- «مروارید خاتون» ۱۳۶۹
- «شکل در باد» ۱۳۷۰
- «جزیره نیل» ۱۳۷۱
- «تربت عشق جمهوری زمستان» ۱۳۷۲
- روز و نامه‌ها، نشر چشمه، ۱۳۸۱
- شهرزاد پشت چراغ قرمز، انتشارات نگاه، ۱۳۸۷

داستان

- مرکز خرید خاطره (مجموعه داستان)، انتشارات خجسته، ۱۳۸۶
- چهره‌نگاری دنیا (مجموعه داستان)
- رمان‌های مروارید خاتون،
- جزیره نیلی،
- آرامگه عاشقان،
- میترا،
- عطر رازیانه
- پری سا

ترجمه

- زندگی خواهر من است گزیده‌ای از اشعار بوریس یاسترناک ۱۳۶۹
- بنفشه‌ای در قطب، نوشته جانی روداری، نشر چشمه

جوایز

- جایزه لیلیان هلمن – داشیل هامت ۱۳۷۷
- جایزه شعر پروین اعتصامی برای مجموعه شعر روزها و نامه‌ها، ۱۳۸۳
- تندیس یک عمر فعالیت ادبی در عرصه شعر زنان، دومین دوره جایزه شعر زنان ایران (جایزه خورشید)، ۱۳۸۸

فریبا کلهر



۴ شهریور ۱۳۴۰ تهران

زاده

سال‌های فعالیت از دهه شصت تا کنون	
آثار	مرد سبز شش هزار ساله، مردی از آنادانا، عاشقانه، شوهر عزیز من، شروع یک زن، پایان یک مرد، هوشمندان سیاره اوراک، آقای هندوانه، بازگشت هرداد...
سبک	فانتزی. اسطوره ای. علمی تخیلی
عنوان	بانوی هزار قصه

فریبا کلهر (زاده ۴ شهریور ۱۳۴۰، تهران)، رمان‌نویس و نویسنده ادبیات کودک و نوجوان است. فریبا کلهر فعالیت خود را از دهه شصت و با حضور در مجله‌های رشد، در حیطه ادبیات داستانی کودک و نوجوان آغاز کرده و تألیفات زیادی نیز در این حیطه از خود برجای گذاشته‌است. او حدود سیزده سال، از بدو تأسیس سروش کودکان تا حدود سال ۱۳۸۳ سمت سردبیری ماهنامه سروش کودکان را برعهده داشت و با ویژه‌نامه کودکان روزنامه همشهری که آفتابگردان نامیده می‌شد به مدت شش ماه و به عنوان دبیر سرویس شهری همکاری می‌کرد.

کتاب سوت فرمانروا اثر این نویسنده در سال ۱۳۶۹ یعنی زمانی که او فقط بیست و هشت سال داشت به عنوان کتاب سال جمهوری اسلامی برگزیده شد. از این جهت او تا امروز تنها کسی است که این جایزه را در این سن دریافت کرده‌است. فریبا کلهر تا کنون صدها قصه نوشته‌است و کارهای ارزشمندی در بازنویسی اسطوره‌ها انجام داده‌است. بازنویسی **اسطوره گیلگمش**، **اسطوره اینانا** و **اسطوره گرشاسب** از این گونه است. وی از اواخر دهه ۸۰ به‌طور جدی داستان‌نویسی بزرگسالان را آغاز کرد.

فریبا کلهر با نوشتن بیش از هزار قصه و بازنویسی و ... به عنوان بانوی هزار قصه شناخته شده‌است. کلهر در سال ۹۰ با انتشار رمان‌های عاشقانه، پایان یک مرد و شروع یک زن و شوهر عزیز من، فعالیت حرفه‌ای خود را به عنوان یک رمان‌نویس بزرگسال نیز آغاز کرد.

کتاب‌های تصویری برای کودکان

- همبازی باد/ نقاش نسرین بنیادی. تهران، **امیر کبیر**، کتاب‌های شکوفه. ۱۳۶۶
- (این کتاب که اولین کتاب چاپ شده فریبا کلهر است در سال ۱۳۶۶ توسط شورای کتاب کودک شایسته معرفی ویژه شناخته شد.)
- یک حرف تازه/ نقاش نفیسه شهدادی. تهران، **امیر کبیر**، کتاب‌های شکوفه. ۱۳۶۸
- قصه‌های سفر / مهین جواهریان. تهران، **امیر کبیر**، کتاب‌های شکوفه. ۱۳۶۸
- سوت فرمانروا / مهین جواهریان. تهران، **انتشارات محراب قلم** ۱۳۶۸
- (برنده هشتمین کتاب سال جمهوری اسلامی ایران. ۱۳۶۹. همچنین این کتاب به چینی ترجمه شده‌است)
- همسفر کوچک / نفیسه شهدادی. تهران، **انتشارات ریحان**. ۱۳۶۸

- باد و بادبادک / مهنوش مشیری . تهران، انتشارات سروش . ۱۳۶۹
- با غم هایم چه کنم . تهران ، همکلاسی . ۱۳۷۱
- نی لیک سحر آمیز / کاظم طلایی . تهران ، قاصدک شادی . ۱۳۷۳
- بانوی هزار قصه / تصویرگر محمد علی بنی اسدی . تهران ، انتشارات سروش . ۱۳۷۵
- آخرین تک شاخ / تصویرگر کاظم طلایی . تهران ، انتشارات سروش . ۱۳۷۶
- گربه ایران ما / تصویرگر سجاد رزاقی . تهران ، کانون پرورش فکری کودکان و جوانان . ۱۳۷۸

(ترجمه شده به انگلیسی و عربی .)

- گربه آرزو / تصویرگر علی خدایی . تهران حنانه . ۱۳۸۰
- من همانم من همانم / تصویرگر ندا عظیمی . تهران ، کانون پرورش فکری کودکان و جوانان . ۱۳۸۲

(نخستین کتاب الکترونیکی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان در قالب یک برنامه کاربردی ویژه لوح های رایانه ای از سوی یک شرکت ژاپنی و در Apple Store عرضه شده است)

- زمینی که هم همین طور می لرزید / تصویرگر امیر شعبانی . تهران ، مدرسه . ۱۳۸۲
 - نردبان هزار پله / علیرضا گلدوزیان . تهران ، مدرسه . ۱۳۸۲
 - سگی که قارقار می کرد / راشین خیریه . تهران ، کانون پرورش فکری کودکان و جوانان . ۱۳۸۳ (این کتاب به تهیه کنندگی کانون پرورش فکری پویانمایی می شود .)
 - دوچرخه و پرنده / تصویرگر مهکامه شعبانی . تهران به نشر کتاب های پروانه . ۱۳۸۳
 - آقای هندوانه / تصویرگر ناهید کاظمی . تهران ، به نشر . ۱۳۸۴
- (لوح تقدیر دهمین دوره کتاب سال مجله سلام بچه ها و پوپک .)

- ماشینی که خیابان می خورد / تصویرگر بهرنگ مظلومی . تهران ، نشر شهر . ۱۳۸۶
 - فقط می توانم پدر باشم / حدیثه قربان . تهران ، به نشر . ۱۳۸۸
 - مادر خسته و پسر خوش خنده / تصویرگر شیوا ضیایی . تهران ، مدرسه . ۱۳۸۸
 - ماشین سیاه بوق بوقی / تصویرگر سمیرا نمایندگی . تهران ، نشر شهر . ۱۳۸۸
 - چه عیبی داره؟ / تصویرگر سحر حق گو . تهران ، به نشر . ۱۳۸۸
- (برگزیده اولین جشنواره کتاب های تصویری دانشگاه شیراز ۱۳۹۵)

- پیرزن دوچرخه سوار / تصویرگر ندا عظیمی . تهران ، مدرسه . ۱۳۸۹
 - گرمایی و سرمایی / تصویرگر فائزه تقی زاده . تهران ، به نشر . ۱۳۹۰
 - توی بغل کی بپریم؟ / تصویرگر فرید آمالی . تهران ، نشر نگارینه . ۱۳۹۲
- (این کتاب توسط ناشر به زبان انگلیسی هم ترجمه شده است)

- زبان کوچکی که حرف های بد می زد / تصویرگر فرید آمالی . تهران ، نشر نگارینه . ۱۳۹۲
- (این کتاب توسط ناشر به زبان انگلیسی هم چاپ شده است .)

- گردنبندی که قشنگ بود / تصویرگر فرید آمالی . تهران ، نشر نگارینه . ۱۳۹۲
- (این کتاب توسط ناشر به زبان انگلیسی هم چاپ شده است .)

- همان کفشدوزک همیشگی / تصویرگر فرید آمالی. تهران، نشر نگارینه. ۱۳۹۲
(این کتاب توسط ناشر به زبان انگلیسی هم چاپ شده است.)
 - یک پرش و دو پرش و سه پرش / تصویرگر مریم توحیدی. تهران، بیدایش. ۱۳۹۳
 - دوباره و سه باره فرار کن / تصویرگر پرستو حقی. تهران، علمی و فرهنگی کتاب‌های پرنده
آبی. ۱۳۹۴
 - گربه مکعبی مخلوط / تصویرگر مهشید راقمی. تهران، مؤسسه انتشاراتی
امیرکبیر کتاب‌های شکوفه. ۱۳۹۵
 - دندان‌های پدر بزرگ / نرگس شفیعی. تهران، مؤسسه انتشاراتی امیرکبیر کتاب‌های شکوفه.
۱۳۹۵
 - یک آدم نقاشی کن/میترا عبداللهی. کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان. تهران. ۱۳۹۹
- رمان های نوجوان
-
- امروز چلچله من فردا چلچله تو / تهران، نشر حنا. ۱۳۷۰
(این رمان اولین رمان فریبا کلهر در ژانر فانتزی است و در سال ۱۳۷۱ لوح تقدیر دومین دوره کتاب
سال مجله سوره نوجوان را از آن خود کرد.)
 - هوشمندان سیاره اوراک، دو جلد/ تهران، انتشارات قدیانی. ۱۳۷۱ (رمانی در سبک اپرای
فضایی)
(دریافت لوح تقدیر و جایزه ویژه پنجمین دوره کتاب سال ماهنامه سروش نوجوان در سال ۱۳۷۱.
برنده سومین دوره کتاب سال مجله سوره نوجوان ۱۳۷۲)
 - دختر آینه پوش / تهران، انتشارات سروش. ۱۳۷۳
(چاپ چهارم این کتاب با عنوان فرشته آینه پوش از سوی انتشارات سروش چاپ شده است)
 - پسران گل / تهران. زالال. ۱۳۷۴
(لوح زرین جشنواره کتاب کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان) (این کتاب در سال ۱۳۹۲ توسط
تنشر آموت در قالب رمان برای همه چاپ مجدد شده است)
 - مرد سبز شش هزار ساله / تهران، انتشارات محراب قلم. ۱۳۷۷
 - دختر نفرین شده/ نقاش ناصر عزیزی. تهران، انتشارات محراب قلم. ۱۳۷۷
(این کتاب در سال ۱۳۹۵ از طرف نشر فریبا و نشر آموت مجدداً چاپ شده است.)
 - افسانه پسرک / تهران، نشر بیک و مسیب. ۱۳۷۷
(این کتاب در سال ۱۳۹۵ از طرف نشر فریبا مجدداً چاپ شده است.)
 - جزیره افسونگران / نقاش حمیده آبوس. تهران، نشر حنا. ۱۳۷۸
(این کتاب در سال ۱۳۸۷ به وسیله نشر تکا چاپ و سه بار تجدید چاپ شد. در سال ۱۳۹۳ توسط نشر
فریبا با روی جلد جدید چاپ شده است)
 - کشور ده متری/ تهران، نشر حنا. ۱۳۷۸

(این کتاب در سال ۱۳۹۵ توسط نشر نشر فریبا مجددا چاپ شده است)

- بی بی گل و چراغ جادو/ تهران، انتشارات حنا. ۱۳۷۹
 - (این کتاب در سال ۱۳۹۲ در قالب رمان برای همه از طرف نشر آموت و به اسم «شهر یخ های خیلی یخ» مجددا چاپ شده است)
 - سالومه و خرگوشش / تهران انتشارات سروش . ۱۳۸۰
 - (این کتاب در ششمین دوره کتاب سال ماهنامه سلام بچه ها و پویک به عنوان اثر برگزیده نوجوان مورد تقدیر قرار گرفت)
 - تب شصت و چهار درجه جادوگر خوشگله / تهران، انتشارات افق . ۱۳۹۰
 - بازگشت هُرداد/ تهران، انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان (شایسته تقدیر در پنجمین جایزه پروین اعتصامی)
 - سی سا سیاوش/ تهران، نشر آموت. ۱۳۹۲
 - ولادیمیر می گوید / تهران، نشر فریبا. ۱۳۹۳
- مجموعه قصه و حکایت برای نوجوانان

- هدیه ای با گل های آبی / نقاش فریده شهبازی. تهران، انتشارات سروش . ۱۳۶۹
- مثل دختر گل ها . تهران، سوره مهر. ۱۳۷۵
- جواب سلام خدا را بده . تهران، نشر شهر. ۱۳۹۲

رمان های کودک

- ابروهای جادویی کیو کیو / تهران، انتشارات سروش . ۱۳۷۹
- تندتر از اونه که یواش باشه / نقاش علی نامور. تهران، بیدایش. ۱۳۸۴
- من و درخت پنیر / تهران، نشر بیدایش. ۱۳۸۹
- نجار شهر هیولاها / تهران، قدیانی. ۱۳۹۷
- نقلی خان و دار و دسته اش / تهران، قدیانی. ۱۳۹۷
- شهر به هم ریخته / تهران، قدیانی. ۱۳۹۷
- هرکول خانم بیست درصدی / تهران، افق. ۱۳۹۷

مجموعه قصه برای کودکان

- یک قصه ترسناک و یازده قصه دیگر . تهران، ریحان. ۱۳۷۲
 - فانوس بود و غزال / مصطفی ندرلو . تهران، ریحان. ۱۳۷۷
 - قصه های یک دقیقه ای جلد ۱ / نقاش رامین مشرفی و نیلوفر میرمحمدی. تهران، حنا. ۱۳۷۹
 - قصه های یک دقیقه ای جلد ۲ / نقاش رامین مشرفی و علی مفاخری . تهران حنا. ۱۳۷۹
- (در سال ۱۳۹۱ قصه های یک دقیقه ای با حذف تعدادی از قصه ها توسط نشر آموت و در یک جلد چاپ شده است. در سال ۲۰۱۷ قصه های یک دقیقه ای موضوع پایان نامه دانشجوی مصری زبان و ادبیات فارسی به نام زینب سید عبدالحمید علی قرار گرفت.)

- خواهر خوش شانس من / علی خدایی. تهران، حنانه. ۱۳۸۰
 - کتابی که هیچ‌کس به فکرش نیست / علی خدایی. تهران، نشر شهر. ۱۳۸۸
 - قصه‌های قبل از غذا/مجموعه بیست و پنج قصه. تهران، قدیانی کتاب‌های بنفشه. ۱۳۸۸
 - قصه‌های آقا کوچولو / تصویرگر پوپک مقبلی. تهران، امیرکبیر کتاب‌های شکوفه. ۱۳۹۰
 - قصه‌های نارنجی / کار گروهی. تهران، قدیانی کتاب‌های بنفشه. ۱۳۹۰
 - مجموعه هفت جلدی سفرهای کرگدن. تهران، امیرکبیر کتاب‌های شکوفه. ۱۳۹۰
- (قصه‌های این مجموعه عبارتند از : پری کرگدن‌ها تصویرگر نرگس محمدی ، خداحافظ کرگدن تصویرگر گلناز محمودی ، دوست مظلوم من تصویرگر نوشین صفا جو ، همسفر کوچک تصویرگر نرگس محمدی ، کرگدن و دریاچه قو تصویرگر گلناز محمودی ، کرگدن شمارشگر تصویرگر نوشین صفا جو . کتاب دوست مظلوم من از این مجموعه در سال ۲۰۱۳ از طرف کتابخانه بین‌المللی مونیخ به لیست کلاغ سفید وارد شد. همچنین این مجموعه در سال ۱۳۹۵ به عنوان مجموعه برتر مورد تقدیر اولین جشنواره کتاب‌های تصویری تألیفی دانشگاه شیراز قرار گرفت.)
- قصه‌های قد و نیمقد / تهران، قدیانی کتاب‌های بنفشه.
 - تمساح اسکیت سوار / تهران ، هویا ۱۳۹۹
 - داستان های خبیث. ساسی بی چشم و رو / حمید خلوتی. تهران هویا ۱۴۰۰
- رمان ها و قصه های مذهبی برای کودک و نوجوان
-
- مادر، ضریح، کبوتر / نقاش مصطفی ندرلو. تهران ، بنیاد بعثت. ۱۳۷۰
 - راز دعبل / تهران ، بنیاد بعثت. ۱۳۷۴
- (این کتاب به زبان‌های عربی و اسپانیایی و اردو چاپ شده است.)
- بوی باران / نقاش کیومرث سلطانی . تهران بنیاد بعثت . ۱۳۷۴
- (دیپلم افتخار جشنواره کتاب کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان)
- بهشت خانه ما بود / نقاش محمد حسین لواسانی . تهران ، صابرین دانه. ۱۳۷۴
 - سلام بر نور خیره‌کننده / نقاش محمد حسین صلواتی . تهران ، انتشارات نیا. ۱۳۷۵
 - روزی که محبت گل کرد / نقاش امیر نساجی . تهران ، انتشارات نیا. ۱۳۷۶
 - یک گل‌ابی برای تویک گل‌ابی برای من / نقاش کاظم طلائی . تهران ، انتشارات نیا. ۱۳۷۶
 - قصه‌های ادريس و نوح / نقاش محمدرضا لواسانی. صابرین دانه. ۱۳۷۶
 - یک درخت و چهارده میوه / نقاش رفعت بدری. تهران محراب قلم. ۱۳۷۷
 - دو فرشته دو برادر / نقاش عطیه مرکزی . تهران ، انتشارات نیا. ۱۳۷۸
 - ماه در خانه / نقاش امیر نساجی . تهران ، انتشارات نیا. ۱۳۷۸
 - آن سه مرغابی . تهران ، انتشارات سروش . ۱۳۷۹
- (لوح تقدیر دومین جشنواره قرآنی)
- زیباترین دیدنی / نقاش محمد حسین صلواتی. قم ، بوستان کتاب. ۱۳۸۱
 - تو از بهشت آمده ای . تهران ، انتشارات سروش . ۱۳۸۱
- (برگزیده پنجمین دوره کتاب سال ولایت و لوح تقدیر دومین جشنواره قصه‌های قرآنی)
- آن هشتمین شکوفه بادام / نقاش محمدحسین صلواتی. تهران ، انتشارات نیا. ۱۳۸۱

- رضا رضا . تهران ، انتشارات سروش . ۱۳۸۵
 - رو به آسمان . تهران ، انتشارات سروش . ۱۳۸۶
 - فرشته ای اینجاست / نقاش عطیه مرکزی . تهران ، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان . ۱۳۸۶
 - از آسمان حرف بزن / نقاش علی هاشمی شهرکی . تهران ، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان . ۱۳۸۶
 - آسمان چهارم . تهران ، قدیانی بنفشه . ۱۳۸۸
 - سلیمان (ع) / نقاش رسول میردامادی . تهران ، امیر کبیر شکوفه . ۱۳۹۰
 - هود (ع) / نقاش شهرزاد الهی . تهران ، امیر کبیر شکوفه . ۱۳۹۰
 - قصه‌های عاشورایی / نقاش سید ضیال‌الدین طباطبایی . تهران ، قدیانی بنفشه . ۱۳۹۰
 - (این کتاب که به صورت ده جلد مجزا نیز چاپ شده‌است در پانزدهمین جشنواره کتاب کانون پرورش در بخش کتاب‌های مذهبی تقدیر شد . همچنین این کتاب به زبان روسی ترجمه شده‌است .)
 - با علی یا علی / نقاش علیرضا گلدوزیان و نوشین صفاخو . تهران ، به نشر . ۱۳۸۵-۱۳۹۰
 - (مجموعه چهارده جلدی . لوح تقدیر سومین جشنواره قصه‌های قرآنی . همچنین از کتاب امام موسی کاظم از همین مجموعه در ششمین دوره کتاب سال رضوی تقدیر شد .)
 - قصه‌های امام زمان (ع) / نقاش سید ضیال‌الدین طباطبایی . تهران ، قدیانی بنفشه . ۱۳۹۵
 - (این مجموعه قصه به صورت ده جلد مجزا نیز چاپ شده‌است .)
 - باران بخواه باران / نقاش میترا عبدالهی . تهران به نشر . ۱۳۹۷
 - بیدارم کم / نقاش اسماعیل چشرخ . تهران ، به نشر . ۱۳۹۷
 - راز آن بوی شگفت / نقاش اسماعیل چشرخ . تهران ، به نشر . ۱۳۹۷
 - (برگزیده یازدهمین دوره کتاب سال رضوی)
 - در کنار او فقط تو بوده ای . تهران ، دفتر نشر فرهنگ اسلامی . ۱۳۹۷
- کتاب های آموزشی - داستانی

- اولی دومی آخری (سه جلد) / تصویرگر آراسته رزاقی . تهران ، افق . ۱۳۷۳
- (آموزش مفاهیم اولیه ریاضی برای پیش دبستان)
- راز قورباغه‌ها (هفت قصه علمی) / تصویرگر آراسته رزاقی . تهران ، افق . ۱۳۷۳
- گام‌های موسیقی / تصویرگر نازنین شیخی . تهران ، انتشارات سروش . ۱۳۷۵
- پیشه من خوشبختی است (آشنایی با فیلسوفان دنیا) / تصویرگر رضا مکتبی . تهران ، انتشارات سروش . ۱۳۸۹
- موتور سوار سیاهپوش (آشنایی با قوانین و مقررات راهنمایی رانندگی) / علی عزالدین . تهران ، نشر شهر . ۱۳۸۷
- صدمین جزیره جزیره فلاینگوها / امیر شعبانی پور . تهران مدرسه . ۱۳۸۹
- (این کتاب به صورت کارت قصه گویی هم چاپ شده‌است .)
- فسقل قصه‌های موتوری / تصویرگر حسام صادقی . تهران ، سوره مهر . ۱۳۹۳

• اینجا ایران است / تصویرگر مهشید دانشیان . تهران ، به نشر . ۱۳۹۴

بازنویسی ها و بازآفرینی ها

- بز اخفش (مجموعه ضرب المثل) / تهران ، کتاب همراه . ۱۳۷۳
- گیلگمش / تصویرگر محسن حسن پور . تهران ، انتشارات سروش . ۱۳۷۵
- افسانه گر شاسب / تصویرگر محسن حسن پور . تهران ، انتشارات سروش . ۱۳۷۷
- ماه تنها در آسمان می‌گردد (زندگی‌نامه شیخ شهاب الدین سهروردی) / تصویرگر فریبا افلاطون . تهران ، دفتر نشر فرهنگ اسلامی . ۱۳۷۷
- مردی که اسمش را فراموش می‌کرد / تصویرگر امیر نساجی . تهران ، ریحان . ۱۳۷۸
- خرگوش کوچولوی زرنگ (قصه‌های ازوپ) / تصویرگر ویدا لشکری . تهران ، حنانه . ۱۳۸۰
- اسطوره اینانا / تصویرگر پژمان رحیمی زاده . تهران ، انتشارات سروش . ۱۳۸۶
- الهی نامه / بنفشه احمد زاده . تهران ، پیدایش . ۱۳۸۶
- با مثنوی پشت چراغ قرمز / رضا مکتبی . تهران ، نشر شهر . ۱۳۸۹
- خدای من (حرف‌های من با خدا) / تصویرگر ماهنی تذهیبی . تهران ، مدرسه . ۱۳۹۰
- با گلستان پشت چراغ قرمز / تصویرگر میثم موسوی . تهران ، نشر شهر . ۱۳۹۱
- مرزبان نامه (مجموعه ده جلدی) / تصویرگر فرهاد جمشیدی . تهران ، قدیانی . ۱۳۹۷
- قصه‌های تصویری از عبید زاکانی (مجموعه ۷ هشت جلدی) / تصویرگر فرهاد جمشیدی . تهران . قدیانی کتاب های بنفشه . ۱۳۹۹

ترجمه

- کشفی عجیب در سیاره ای نا شناخته (ترجمه با اسم مستعار زینق صبا) ، تهران ، نشر زلال ۱۳۷۴
- کولی‌ها و افسانه هایشان (دو جلد) ، / تصویرگر ناصر عزیزی . تهران ، نشر خانه ی آفتاب . ۱۳۷۶
- ویفی بوگندو / تهران ، حنانه . ۱۳۷۸
- سلام موش موشک (ترجمه با اسم مستعار زینق صبا) / تهران ، نشر فریبا . ۱۳۷۹
- شیر کمد جادوگر (جلد اول مجموعه نارنیا) / کلا یو استیلز لوئیس . تهران ، نشر پنجره . ۱۳۸۷
- کلوچه گرد و قلمبه . تهران ، انتشارات سروش . ۱۳۹۰

رمان‌های بزرگسال

- مردی از آنادانا، تهران: نشر آموت ۱۳۹۶
- عاشقانه، تهران: نشر آموت ۱۳۹۲
- شوهر عزیز من، تهران: نشر آموت ۱۳۹۱
- شروع یک زن، تهران: نشر ققنوس ۱۳۹۰
- پایان یک مرد، تهران: نشر مرکز ۱۳۹۰

تعدادی از جایزه ها

- ۱۳۶۶: معرفی ویژه کتاب همبازی باد از طرف شورای کتاب کودک

- ۱۳۶۹: برنده هشتمین دوره کتاب سال جمهوری اسلامی ایران برای کتاب سوت فرمانروا
- ۱۳۷۱: لوح سپاس و جایزه ویژه پنجمین دوره کتاب سال ماهنامه ادبی هنری سروش نوجوان برای کتاب هوشمندان سیاره اوراک
- ۱۳۷۲: برنده سومین دوره کتاب سال سوره نوجوان برای کتاب هوشمندان سیاره اوراک
- ۱۳۷۴: لوح زرین جشنواره کتاب کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان برای رمان نوجوان پسران گل
- ۱۳۷۵: تقدیر و دیپلم افتخار جشنواره کتاب کانون پرورش فکری برای کتاب بوی باران
- ۱۳۷۵: لوح سپاس ویژه مجله سروش نوجوان برای کتاب مثل دختر گل‌ها
- ۱۳۷۵: نویسنده منتخب زن دانشگاه الزهرا در زمینه ادبیات کودک در سال ۱۳۷۵
- ۱۳۷۶: دریافت نشان ماه طلایی از جشنواره بزرگ برگزیدگان ادبیات کودک و نوجوان با عنوان بهترین نویسندگان، شاعران، مترجمان و منتقدان و پژوهشگران ادبیات کودک و نوجوان در دو دهه ۶۰ و ۷۰ که توسط انجمن نویسندگان کودک و نوجوان برگزار شد.
- ۱۳۷۶: لوح تقدیر از سومین دوره کتاب سال ماهنامه سلام بچه‌ها و پوپک برای بازنویسی اسطوره گیلگمش
- ۱۳۸۲: تقدیر از رمان سالومه و خرگوش در ششمین دوره کتاب سال ماهنامه سلام بچه‌ها و پوپک به عنوان اثر برگزیده نوجوان
- ۱۳۸۲: لوح تقدیر برای کتاب تو از بهشت آمده‌ای به عنوان کتاب درخور تشویق در پنجمین دوره کتاب سال ولایت
- ۱۳۸۲: لوح تقدیر برای کتاب تو از بهشت آمده‌ای از دومین جشنواره قصه‌های قرآنی
- ۱۳۸۷: تشویق شده از سوی سومین دوره کتاب برتر انجمن فرهنگی ناشران برای بازنویسی کتاب الهی نامه
- ۱۳۸۸: لوح تقدیر دهمین دوره کتاب سال مجله سلام بچه‌ها برای کتاب آقای هندوانه
- ۱۳۸۸: لوح تقدیر برای کتاب امام موسی کاظم در ششمین دوره کتاب سال رضوی
- ۱۳۸۹: لوح تقدیر از بیست و هشتمین دوره انتخاب کتاب سال جمهوری اسلامی ایران برای کتاب خدای من
- ۱۳۸۹: لوح تقدیر سومین جشنواره قصه‌های قرآنی برای مجموعه کتاب‌های با علی یا علی
- ۱۳۹۱: تقدیر از کتاب قصه‌های عاشورایی در پانزدهمین جشنواره کتاب سال کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان
- ۱۳۹۱: تقدیر و دریافت جایزه پروین اعتصامی به صورت گروهی (فریبا کلهر، سرور کتبی، فروزنده خداجو) برای کتاب قصه‌های نارنجی
- ۱۳۹۱: شایسته تقدیر در پنجمین دوره جایزه پروین اعتصامی برای کتاب بازگشت هرداد
- ۱۳۹۵: برگزیده اولین جشنواره کتاب‌های تصویری تألیفی دانشگاه شیراز برای کتاب چه عیبی داره؟
- ۱۳۹۵: تقدیر شده در اولین جشنواره کتاب‌های تصویری دانشگاه شیراز در بخش نویسنده برتر
- ۱۳۹۵: تقدیر از مجموعه سفرهای کرگدن به عنوان مجموعه برتر از طرف اولین جشنواره کتاب‌های تصویری تألیفی دانشگاه شیراز
- ۱۳۹۷: انتخاب و تقدیر از کتاب راز آن بوی شگفت در یازدهمین دوره کتاب سال رضوی
- ۱۳۹۸: در کنار او فقط تو بوده‌ای. کتاب سال عاشورایی و تقدیر شده در هفدهمین کتاب سال رشد
- ۱۳۹۹: یک آدم نفاشی کن. کتاب برتر موسسه خانه کتاب. دریافت مرگک سیمین از اولین دوره ی کتاب ماه کودک و نوجوان کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان

فریبا وفی



زاده

۱ بهمن ۱۳۴۱ تبریز

پیشه

نویسنده

وبگاه

faribavafi.com

فریبا وفی (زاده ۱ بهمن ۱۳۴۱ در تبریز) رمان‌نویس و نویسنده داستان کوتاه ایرانی است. رمان‌های *پرندۀ من* و *رؤیای تبت* از آثار او، برنده چند جایزه ادبی معتبر در ایران شده‌اند. داستان‌هایی از فریبا وفی به زبان‌های روسی، سوئدی، عربی، ترکی، ژاپنی، انگلیسی و آلمانی ترجمه شده‌است.

زندگی

فریبا وفی در اول بهمن ماه سال ۱۳۴۱ در تبریز به دنیا آمد. از نوجوانی به داستان‌نویسی علاقه‌مند بود و چند داستان کوتاه‌اش در گاهنامه‌های ادبی، *آدینه*، *دنیای سخن*، *چیستا*، *مجله زنان* منتشر شد. اولین داستان جدی خود را با نام «راحت شدی پدر» در سال ۱۳۶۷ در *مجله آدینه* چاپ کرد. به گفته خود وی، هنوز جرئت نکرده بود نام کامل خود را در پای داستانش بنویسد. وفی این داستان را «خودجوش‌ترین» داستانش می‌داند.

نخستین مجموعه *داستان‌های کوتاه* او به نام «در عمق صحنه» در سال ۱۳۷۵ منتشر شد و دومین مجموعه، با نام «حتی وقتی می‌خندیم» در سال ۱۳۷۸ چاپ شد و در سال ۲۰۲۰ به ارمنی ترجمه شده است. نخستین رمان او «*پرندۀ من*» در سال ۱۳۸۱ منتشر شد که مورد استقبال منتقدان قرار گرفت. این کتاب برنده جایزه بهترین رمان سال ۱۳۸۱، جایزه سومین دوره *جایزه هوشنگ گلشیری* و جایزه دومین دوره *جایزه ادبی یلدا* شد و از سوی بنیاد *جایزه ادبی مهرگان* و *جایزه ادبی اصفهان* مورد تقدیر واقع گشت. همچنین این کتاب به زبان‌های انگلیسی، ایتالیایی، آلمانی و کردی سورانی، ترکی استانبولی و ارمنی ترجمه شده‌است و تاکنون به چاپ بیست و یکم رسیده‌است. رمان سوم او «*رؤیای تبت*» که در سال ۱۳۸۴ منتشر شد و چندین جایزه از جمله *جایزه بهترین رمان هوشنگ گلشیری* و *مهرگان ادب* را دریافت کرد و تاکنون به چاپ سیزدهم رسیده‌است. همچنین رمان

«رازی در کوچه‌ها» به زبان نروژی و فرانسه ترجمه شده‌است. داستان‌های کوتاهی از فریبا وفی به زبان‌های انگلیسی، ژاپنی، روسی، عربی، ترکی... ترجمه شده‌است. آخرین رمان فریبا وفی «بعد از پایان» و آخرین مجموعه داستان او «بی‌باد، بی‌پارو» نام دارد. فریبا وفی دیوان اشعار پروین اعتصامی را به نثر برای نوجوانان بازنویسی کرده‌است.

کتاب‌شناسی

مجموعه داستان

- ۱۳۷۵ - در عمق صحنه. نشر چشمه
- ۱۳۷۸ - حتی وقتی می‌خندیم. نشر مرکز
- ۱۳۸۷ - در راه ویلا. نشر چشمه
- ۱۳۸۹ - همه‌آفاق. نشر چشمه
- ۱۳۹۵ - بی‌باد، بی‌پارو. نشر چشمه

رمان

- ۱۳۸۱ - پرنده من. نشر مرکز
- ۱۳۸۲ - ترلان. نشر مرکز
- ۱۳۸۴ - رؤیای تبت. نشر مرکز
- ۱۳۸۶ - رازی در کوچه‌ها. نشر مرکز
- ۱۳۸۹ - ماه کامل می‌شود. نشر مرکز
- ۱۳۹۲ - بعد از پایان. نشر مرکز
- ۱۳۹۸ - روز دیگر شورا. نشر مرکز

جایزه‌ها

- ۱۳۸۱ - رمان پرنده من - جایزه بهترین رمان سال ۱۳۸۱
- ۱۳۸۲ - رمان پرنده من - جایزه سومین دوره جایزه هوشنگ گلشیری
- ۱۳۸۲ - رمان پرنده من - جایزه دومین دوره جایزه ادبی یلدا شده‌است
- ۱۳۸۲ - رمان پرنده من - از سوی بنیاد جایزه ادبی مهرگان و جایزه ادبی اصفهان مورد تقدیر واقع گشته‌است.
- ۱۳۸۵ - رمان رؤیای تبت. جایزه بهترین رمان دوره ششم جایزه هوشنگ گلشیری به همراه چهار درد، نوشته منیرالدین بیروتی
- ۱۳۹۶ - رمان ترلان - جایزه ۲۰۱۷ پرمخاطب‌ترین نویسنده غیرآلمانی مؤسسه ادبی لیت‌پروم، لیبراتور برای رمان «ترلان»

فهیمه رحیمی



زاده ۲۰ خرداد ۱۳۳۱ تهران

درگذشت ۲۸ خرداد ۱۳۹۲ (۶۱ سال)
بیمارستان مهر، تهران

علت درگذشت سرطان معده

آرامگاه بهشت زهرا

سبک رمان عامه‌پسند

عنوان دانیل استیل ایران

فرزندان بابک و بهارک

فهیمه رحیمی (زاده ۲۰ خرداد ۱۳۳۱ - درگذشته ۲۸ خرداد ۱۳۹۲) نویسنده رمان‌های عامه‌پسند ایرانی بود. وی با داشتن ۷ کتاب در میان ۴۷ کتاب پرفروش پس از انقلاب ۵۷ در ایران، رکورددار آن فهرست بوده‌است. بیان مسائل، ترس‌ها و آرزوهای زنانه، اغراق در احساسات و توجه به مسئله جدایی و پیوستن از ویژگی آثار وی است.

ابتدای زندگی

وی در خرداد سال ۱۳۳۱ در تهران به دنیا آمد. پدرش در کارخانه گلیسیرین و صابون کار می‌کرد و در خیابان شهباز تهران زندگی می‌کردند. نخستین فعالیت ادبی جدی وی نوشتن قطعه‌ای ادبی با عنوان دلم برای پروانه می‌سوزد در ۹ سالگی بود. وی تجربیه کار در زمینه خبرنگاری ورزشی و ادبیات کودکان را نیز در کارنامه داشت.

فعالیت‌ها

وی مدتی در یک حوزه علمیه در محله آب‌منگل تهران به تحصیل دروس دینی پرداخت. پس با مهاجرت به کرج، به عضویت کتابخانه شهر و حلقه ادبی پروین اعتصامی درآمد و نویسندگی را به

صورتی جدی تر ادامه داد. رحیمی اولین کتاب خود را با عنوان بازگشت به خوشبختی در سال ۱۳۶۹ منتشر کرد. وی ۲۳ عنوان رمان نوشت و منتشر کرد که بسیاری از آن‌ها به صورت متعدد و پی‌درپی به چاپ مجدد رسید. رحیمی همچنین آثاری را برای کودکان نوشته که هیچ‌کدام به چاپ نرسیده‌است.

زندگی خصوصی

فهیمه رحیمی در ۱۷ سالگی ازدواج کرد که حاصل آن، یک پسر و یک دختر بود.

درگذشت

فهیمه رحیمی صبح روز ۲۸ خرداد ۱۳۹۲ در بیمارستان مهر تهران درگذشت.



فیروزه جزایری دوما



نام اصلی فیروزه جزایری

زاده ۱۱ خرداد ۱۳۴۴ آبادان

وبگاه firoozehdumas.com

زندگینامه

فیروزه جزایری در سن ۷ سالگی، به همراه خانواده از طرف شرکت نفت ایران که پدرش در آن به عنوان مهندس کار می‌کرد، به شهر وایتیر در کالیفرنیا رفت. پس از دو سال زندگی در آمریکا به ایران بازگشت و در اهواز و تهران به سر برد. دو سال بعد، دوباره خانواده وی به آمریکا برگشتند و ابتدا در وایتیر و سپس در نیویورک ساکن شدند. فیروزه جزایری سپس به تحصیل در دانشگاه برکلی پرداخت و در آنجا با یک مرد فرانسوی ازدواج کرد

وی با نوشتن کتاب خاطرات خود که به نام 'Funny in Farsi'،

A Memoir of Growing Up Iranian in America در آمریکا منتشر شد، به شهرت رسید. این کتاب یکی از پرفروش‌ترین کتاب‌های آمریکا در چند سال اخیر بوده است. همچنین این کتاب، یکی از ۳ نامزد نهایی جایزه ترنر در سال ۲۰۰۵ و همچنین نامزد جایزه پین در بخش آثار خلاقه غیرتخیلی شد. وی اولین فرد آسیایی است که اثر وی جزء نامزدهای نهایی جایزه ترنر انتخاب شده است. این کتاب توسط محمد سلیمانی‌نیا و با عنوان عطر سنبل، عطر کاج به فارسی برگردانده شده است. در ۳۱ ژوئیه ۲۰۱۴ وی طی پیامی و با ذکر پاره‌ای دلایل، از خوانندگان کتاب‌هایش خواست که تنها نسخه‌ی انگلیسی کتاب‌های او را خریداری کنند.

کتاب‌شناسی

- It Ain't so Awful, Falafel
- Laughing Without an Accent: Adventures of an Iranian American, 'at Home and Abroad
- Funny in Farsi: A Memoir of Growing Up Iranian in America
- (عطر سنبل، عطر کاج)

گلی ترقی



۱۷ مهر ۱۳۱۸

زاده

خیابان خوشبختی، تهران	
پیشه	نویسنده
فرزندان	۲ فرزند
پدر و مادر	لطف‌الله ترقی

گلی ترقی (با نام اصلی زهره مقدم ترقی)، (زاده ۱۷ مهر ۱۳۱۸) نویسنده ایرانی ساکن فرانسه است. از داستان‌های قابل تأمل او می‌توان به بزرگ بانوی روح من، اتوبوس شمیران، و خانه‌ای در آسمان اشاره کرد.

زندگی‌نامه

تولد و تحصیلات

گلی ترقی در ۱۷ مهر ۱۳۱۸ در تهران به دنیا آمد. پدرش لطف‌الله ترقی مدیر مجله ترقی بود. در خیابان خوشبختی به دنیا آمد. گلی ترقی در شمیران به مدرسه و سپس دبیرستان انوشیروان دادگر رفت. در ۱۹۵۴ پس از به پایان رساندن سیکل اول دبیرستان به آمریکا رفت. ۶ سال در آمریکا زندگی کرد و در رشته فلسفه فارغ‌التحصیل شد و از آنجا که زندگی در آمریکا را دوست نداشت به ایران بازگشت. پس از بازگشت، به داستان‌نویسی روی آورد. او ۹ سال در دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران به تدریس در رشته شناخت اساطیر و نمادهای آغازین پرداخت، سپس به فرانسه رفت.

ازدواج

هنگامی که در ایران بود با هژیر داریوش، سینماگر و منتقد ازدواج کرد و دارای ۲ فرزند شدند و سپس از یکدیگر جدا شدند.

داستان‌نویسی

اولین مجموعه داستان‌اش به نام من هم چه‌گوارا هستم در ۱۳۴۸ توسط انتشارات مروارید منتشر شد. پس از انقلاب به فرانسه رفت در آنجا هم به نوشتن ادامه داد یکی از داستان‌های‌اش به نام بزرگ‌بانوی روح من به فرانسه ترجمه شد. در ۱۹۸۵ این داستان به عنوان بهترین قصه سال در فرانسه برگزیده شد.

در نخستین داستان‌های گلی ترقی شخصیت آدم‌ها بیمارگونه، ناامید، ناتوان و تنها و منزوی هستند که از همه چیز بیم دارند، سرخورده‌اند و رابطه‌ای با اجتماع ندارند، چرا که اغلب مردم جامعه را نادان و سطحی می‌بینند. ترقی پس از سال ۱۳۵۷ داستان‌های تأمل‌برانگیزی مانند «بزرگ بانوی روح من»، «اتوبوس شمیران»، و «خانه‌ای در آسمان» نوشته‌است که نمونه‌های برجسته ادبیات داستانی معاصر ایران هستند. آثار او بجز خواب زمستانی به صورت داستان کوتاه بوده‌است.

ترقی برندهٔ دومین دورهٔ جایزهٔ بینا به سال ۲۰۰۹ است.

کتاب‌شناسی

مجموعه داستان‌ها

- ۱۳۴۸ - من هم چه‌گوارا هستم، انتشارات مروارید
- ۱۳۷۳ - خاطره‌های پراکنده، انتشارات باغ آئینه

- عادت‌های غریب آقای الف (در ایران منتشر نشده است)
- ۱۳۷۹ - جایی دیگر، انتشارات نیلوفر
- ۱۳۸۱ - دو دنیا، انتشارات نیلوفر
- ۱۳۹۳ - فرصت دوباره، انتشارات نیلوفر

رمان‌ها

- ۱۳۵۴ - خواب زمستانی، انتشارات آگاه.
- ۱۳۹۳ - اتفاق، انتشارات نیلوفر
- ۱۳۹۷ - بازگشت، انتشارات نیلوفر

داستان منظوم

- ۱۳۷۸ - دریا پری، کاکل‌زری، انتشارات فرزانه.

فیلم‌نامه

- فیلم‌نامه فیلم «بیتا»
- فیلم درخت گلابی به کارگردانی داریوش مهرجویی که در ۱۳۷۶ ساخته شد اقتباسی از داستان درخت گلابی گلی ترقی است.
- طرح اولیه داستان فیلم چه خوبه که برگشتی از گلی ترقی است

تک داستان‌های برگزیده

- ۱۹۸۵، ترجمه فرانسوی داستان بزرگ‌بانوی روح من به عنوان بهترین داستان سال فرانسه برگزیده شد.
- ۱۳۸۰، توسط داوران دوره اول جایزه هوشنگ گلشیری انار بانو و پسرهایش، بزرگ بانوی روح منو درخت گلابی، از مجموعه جایی دیگر به عنوان داستان برگزیده انتخاب شدند.
- ۱۳۸۲، توسط داوران دوره سوم جایزه هوشنگ گلشیری داستان‌های آن سوی دیوار و گل‌های شیراز از مجموعه دو دنیا به عنوان داستان برگزیده انتخاب شدند.

لیلی ایمن



لیلی آهی، معروف به لیلی ایمن، (زاده ۱۳۰۸، درگذشته ۱۳۹۷) از مؤسسان شورای کتاب کودک در سال ۱۳۴۱ بود. لیلی آهی از هنگام آغاز به کار این شورا تا سال ۱۳۵۹ که از ایران به ایالات متحده آمریکا کوچ کرد، دبیر هیئت مدیره شورای کتاب کودک بود. لیلی آهی و توران میرهادی از دوستان و همکاران بسیار نزدیک بودند.

لیلی آهی مشاور فنی اداره کل مطالعات و برنامه‌های وزارت فرهنگ، آموزگار ادبیات کودک به مربیان کودکتان، پایه‌گذار بخش انتشار کتاب‌های کودکان به زبان فارسی به دعوت بنگاه ترجمه و نشر کتاب، و عضو گروه بررسی کتاب‌های درسی دبستان به دعوت مؤسسه انتشارات فرانکلین بود. لیلی ایمن پس از دوره ویژه‌ای که در آمریکا گذراند، دبیر فنی و مشاور فنی وزارت آموزش و پرورش، بنیانگذار، عضو و دبیر هیئت مدیره شورای کتاب کودک از آغاز پیدایش در ۱۳۴۱ تا ۱۳۵۹ شد.

کنش‌ها

آغاز کنش‌های لیلی ایمن (آهی) همکاری با توران میرهادی در مجله سپیده فردا در سال ۱۳۳۲ بود. این همکاری به برگزاری نخستین نمایشگاه کتاب کودک در سال ۱۳۳۵ انجامید. استقبال از این نمایشگاه به جایی رسید که در سال‌های ۱۳۳۷ و ۱۳۳۹ نیز برگزار شد.

شورای کتاب کودک

در هنگام برگزاری نمایشگاه‌های کتاب کودک لیلی آهی و ۳۷ نفر از دیگر همکاران و همفکران او به کمبود ادبیات کودک پی بردند؛ بنابراین نهادی را برای سامان‌دهی به ادبیات کودک پایه گذاشتند. اساس‌نامه این نهاد در مدرسه فرهاد نوشته شد. در هنگام آغاز به کار این نهاد در ۱۳۴۱ آن را «شورای کتاب کودک» نامیدند و از همان زمان برای افزایش کیفیت و وضعیت ادبیات کودک، با همه توان تلاش کردند. کار عمده این شورا بررسی ادبیات کودک و انتخاب کتاب سال کودک بود. لیلی آهی دلیل رشد شورای کتاب را نبود وابستگی به هیچ نهاد دولتی و استقلال کاری و فکر آن می‌دانست.

لیلی آهی دو دوره به عنوان عضو هیئت مدیره دفتر بین‌المللی کتاب برای نسل جوان (IBBY) برگزیده شد و از سوی این هیئت در کنگره برزیل و چند سال پس از آن در آلمان شرکت کرد.

نوشته‌ها

از لیلی آهی ۳۹ نوشته منتشر شده‌است. کتاب‌های "پالتو قرمز"، "هرکه پیدا کرد مال خودش"، و نوشتارهای مانند "نقدها و نظرها: شورای کتاب کودک" و "کتابهای خوب کدامند؟" از آن جمله هستند.

زندگی شخصی لیلی ایمن همسر ایرج ایمن بود.

درگذشت لیلی ایمن در سال ۱۳۹۷ در سن ۸۹ سالگی درگذشت.

لیلی گلستان



زاده	۲۳ تیر ۱۳۲۳ تهران
پیشه	مترجم
همسر(ها)	نعمت حقیقی
فرزندان	مانی حقیقی - صنم حقیقی - محمود حقیقی
والدین	ابراهیم گلستان - فخری گلستان
جایزه ها	شوالیه ادب و هنر فرانسه

سیده لیلی گلستان (زاده ۲۳ تیر ۱۳۲۳ - تهران) مترجم و نگارخانه‌دار ایرانی و عضو کانون نویسندگان ایران است. وی دختر ابراهیم گلستان و فخری گلستان و خواهر کاوه گلستان است که با نعمت حقیقی ازدواج کرد و پس از ۶ سال از او جدا شد. حاصل آن ازدواج سه فرزند است: مانی، صنم و محمود حقیقی. در تاریخ ۲۶ آبان ماه ۱۳۹۳ جایزه شوالیه ادب و هنر فرانسه (نخل آکادمیک) توسط سفیر دولت فرانسه در تهران به لیلی گلستان اهدا شد.

زندگی

لیلی گلستان در ۲۳ تیر ۱۳۲۳ در تهران به دنیا آمد. پدرش ابراهیم گلستان در آن زمان کارمند شرکت نفت بود و مادرش معلم و هر دو عضو حزب توده ایران بودند.

کودکی و نوجوانی

با منتقل شدن پدر به آبادان، لیلی دوران خردسالی خود را در آن شهر گذراند و در همین شهر به مدرسه رفت و در همان جا بود که برادرش کاوه به دنیا آمد. در همان سال‌های نخست تحصیل ابتدایی به تهران بازگشتند. پدرش در اطراف روستایی به نام دروس (که هم‌اکنون محله‌ای است در شمیران) خانه‌ای می‌سازد و خانواده به آنجا می‌روند.



لیلی گلستان همراه مادرش

ابراهیم گلستان با انتشار کتاب‌ها و ساخت فیلم‌هایش به مرور به شهرت می‌رسد و خانه خانواده گلستان به مرکز رفت‌وآمد بسیاری از هنرمندان و نویسندگان آن دوران تبدیل می‌شود. لیلی گلستان از همین دوران به تفاوت زندگی‌ای عجیب با فرهنگ و هنر آشنا می‌شود. گلستان خود در این باره می‌نویسد: «آن خانه تبدیل شد به مرکز فرهنگی هنری تهران. همه نقاش‌ها و نویسندگان و شعرا جمع‌ها خانه ما بودند. آل‌احمد، چوبک، پرویز داریوش، اخوان ثالث، بعدها پدیده‌ها و نویسندگان و شعرا جمع‌ها خانه ما بودند. سیمین دانشور و گاهی جوان‌ترها مثل بیضایی، سیانلو یا احمدرضا احمدی. من هم تماشاگر یک تئاتر بزرگ بودم.»

این دوران و ارتباط لیلی و پدرش در این برهه خالی از سختی و تنش نبوده‌ست؛ حساسیت و عصبی بودن ابراهیم که با به شهرت رسیدن وی شدیدتر هم شده بود و آنچه لیلی گلستان، حساس، مستبد، و «شاید یک مقداری هم خودخواه» بودن می‌خواند، باعث اندوه و آزار وی می‌شود. سخنرانی لیلی گلستان در کنفرانس تداکس تهران ۲۰۱۹ مبین همین مطلب است. این سخنرانی با استقبال بسیار زیادی مواجه شد و بازدید ویدئوهای آن در شبکه‌های اجتماعی به بیش از یک میلیون بار رسید. همین باعث به وجود آمدن بحث‌های زیادی پیرامون این سخنرانی‌ها شد.

فرانسه

تا کلاس نهم دبیرستان در تهران تحصیل کرد و سپس راهی فرانسه شد تا در مدرسه شبانه‌روزی توسط راهبه‌های دومینیکن اداره می‌شد تحصیل کند. بعد از یک سال تحصیل در این مدرسه به پاریس رفت و سه سال هم در پاریس درس خواند. این سال‌های اقامت و تحصیل در پاریس به دلیل دوری از دوستان و خانواده بر وی آسان نگذشت ولی از دستاوردهای این دوران اقامت در اروپا، علاوه بر دسترسی داشتن به رویدادهای سینمایی‌ای چون جشنواره ونیز، دیدار و آشنایی با سینماگرانی چون تارکوفسکی، گدار، و تروفو بود. او در خاطراتش چنین می‌نویسد: «یک بار پدرم برای کار استودیویش به پاریس آمد و یک روز به من گفت که امروز با چند فرانسوی قرار ناهار دارد و مرا با خودش برد. من هیجده، نوزده سال داشتم. وقتی به رستوران رفتیم. پدرم آن دو فرانسوی را به من و من را به آن دو معرفی کرد: دخترم لیلی. مسیو ژان لوک گدار، مسیو فرانسوا تروفو! من بهت‌زده و حیرت‌زده زبانم بند آمده بود.»



لیلی گلستان و آندره تارکوفسکی در فستیوال ونیز

بازگشت به ایران

در بازگشت به ایران به عنوان طراح پارچه در کارخانجات پارچه‌بافی مقدم استخدام شد. پس از بیرون آمدن از آنجا در ۱۳۴۵ به سازمان تازه تأسیس تلویزیون ملی ایران رفت و به عنوان طراح لباس استخدام شد. پس از مدت کوتاهی به مدیریت برنامه کودکان و نوجوانان برگزیده شد. با نعمت حقیقی که فیلم‌بردار تلویزیون بود آشنا شد و در تیرماه ۱۳۴۷ با او ازدواج کرد. پس از یازده ماه نخستین فرزندشان، مانی، به دنیا آمد و سه سال بعد دوقلوهایشان صنم و محمود به دنیا آمدند. زندگی مشترک با نعمت حقیقی ۶ سال به طول انجامید. پس از جدایی، فرزندان پیش مادرشان ماندند. تلویزیون

را نیز پس از هفت سال فعالیت ترک کرد و به نوشتن در روزنامه‌ها و مجلات و ترجمه روی آورد. با ترجمه زندگی، جنگ و دیگر هیچ، اثر اورینا فالاجی، به عنوان مترجم مطرح شد. به مدیریت خانه صادق هدایت برگزیده شد که در سال ۱۳۵۶ استعفا داد.

لیلی گلستان در تاریخ ۲۴ تیر ۱۳۹۵ نامه‌ای سرگشاده به رئیس‌جمهور نوشت با عنوان «اهل فرهنگ خسته و دلمرده‌اند» که متن کامل آن در روزنامه «شرق» منتشر شده است. «نامه لیلی گلستان به رئیس‌جمهور: آبروی مملکت را بخرید». بتا نیوز. ۲۴ تیر ۱۳۹۵.

کتابفروشی و نگارخانه گلستان

در ۱۳۶۰ در گاراژ خانه‌اش کتابفروشی گلستان را دایر کرد. این کتابفروشی به‌زودی معروف شد و نویسندگان و شعری نظیر احمد شاملو، محمد زهری، احمد محمود، علی‌اکبر سعیدی سیرجانی، عبدالحسین نوایی و بسیاری دیگر مرتب به آنجا می‌رفتند.

در ۱۳۶۸ کتابفروشی را به نگارخانه هنرهای تجسمی با نام نگارخانه گلستان تبدیل کرد. این نگارخانه با نمایش آثار سهراب سپهری، که متعلق به خانواده گلستان بود، کار خود را آغاز کرد. افتتاحیه این نگارخانه با استقبال زیادی روبه‌رو شد. پس از این نمایشگاه قرار می‌شود که نمایش آثار نصرالله کسرائیان برگزار شود که برپایی آن به دلیل نداشتن مجوز از وزارت ارشاد تا گرفتن مجوز به تعویق می‌افتد.

از جمله اتفاقاتی که در سال‌های کار این نگارخانه به وقوع پیوست، ماجرای نمایشگاه آثار پرستو فروهر است. صبح روزی که قرار می‌شود نمایشگاه نقاشی ایشان برگزار شود بنا بر ادعای گلستان شخص ناشناسی به او تلفن می‌کند و می‌گوید نمایشگاه نباید برگزار شود. پس از این توضیح از طرف گلستان «که قبلاً نیز از ایشان نمایشگاه نقاشی در این نگارخانه برگزار شده است» شخص ناشناس می‌گوید با ایشان مشکل ندارند و با آثارشان مشکل دارند. به ابتکار گلستان و با تأیید فروهر ۳۵ قاب خالی به دیوار آویخته می‌شود و به‌طور عادی لیست قیمت‌ها ارائه می‌شود و تمام ۳۵ تابلو به فروش می‌رسد.

نگارخانه گلستان هنوز دایر است و جزو نگارخانه‌های سرشناس ایران محسوب می‌شود.

بنیاد کاوه گلستان

پس از مرگ برادرش کاوه گلستان در عراق، لیلی به همراه تنی چند از دوستان کاوه بنیاد کاوه گلستان را تأسیس کرد و جایزه کاوه گلستان به دبیری او هر سال به عکس‌های خبری برگزیده شده توسط هیئت داوران بنیاد اهدا می‌شود.

رخدادها

- عضو شورای سیاست‌گذاری یازدهمین دوره جشنواره فجر، بهمن ۱۳۹۷
- او در کنار آریا اقبال، لیلا ثمری و مژگان والی‌پور در سال ۱۳۸۴ مؤسس اکسپوی هفت‌نگاه بوده است
- در آذرماه ۱۳۹۵، گلستان

مقاله‌ها

لیلی گلستان نخستین مقاله خود را در مهر ۱۳۵۲ در روزنامه کیهان نوشت. این مقاله پاسخی بود به اورینا فالاجی. پس از آن به‌طور مرتب در مجله تماشا، روزنامه آیندگان، مجله و روزنامه رستاخیز، مجله رودکی مقاله، گزارش و ترجمه داستان و شعر از او منتشر شد.

بعد از انقلاب در ۱۳۵۸ مقاله‌ای در مجله ایران نوشت به بهانه مرگ زودهنگام پرویز فنی‌زاده. در تیر ۱۳۷۵ مقاله‌ای از او با عنوان «تأثیر مردان بر زندگی زنان» در مجله زنان منتشر شد و از آن هنگام تا کنون در روزنامه‌های اخبار، همشهری، جامعه، ابرار، نشاط، ایران، اعتماد، بانی‌فیلیم، شرق، و هموطن و مجله کتاب هفته مقالاتی از او منتشر شده‌است که بیشتر آن‌ها در قالب گفتگو با افراد مختلف است.

کتاب‌شناسی

ترجمه
داستان

- قصه شماره ۳، اوزن یونسکو.
- میرا، کریستوفر فرانک.
- تیبستوی سبز انگشتی، موریس درونون.
- مردی که همه چیز همه چیز داشت، میگل آنخل آستوریاس.
- بوی درخت گویاو، گابریل گارسیا مارکز.
- مردی با کبوتر، رومن گاری.
- قصه‌ها و افسانه‌ها، لئوناردو دا وینچی.
- اوندین، ژان ژیرودو.
- اگر شبی از شب‌های زمستان مسافری، ایتالو کالوینو.
- بیگانه، آلبر کامو.

غیر داستانی

- چطور بچه به دنیا میاد، آندرو آندری.
- زندگی، جنگ و دیگر هیچ، اوربانا فالاجی.
- گزارش یک مرگ، گابریل گارسیا مارکز.
- یونانیت، یانیس ریتسوس.
- مصاحبه با مارسل دوشان، پیر کابان.
- حکایت حال، مصاحبه با احمد محمود.
- شش یادداشت برای هزاره بعدی، ایتالو کالوینو.
- درباره رنگ‌ها، ویتگنشتاین.
- زندگی با پیکاسو، فرانسواز ژیلو.
- زندگی در پیش رو، رومن گاری.
- پیکاسو، دیوید هاکنی.
- مارک روتکو، شان سکالی.
- وان گوگ، گوگن.
- محاکمه سقراط، افلاطون، ویکتور کوزن (مترجم)، سیلون گویو (بازنویسی)

تألیف

- قصه عجیب اسپرماتو
- دو نمایشنامه از چین قدیم
- سهراب سپهری، شاعر-نقاش
- کتابی دوجلدی درباره علی حاتمی و آثارش.

منصوره شریفزاده



۱۳۳۲

زاده

نویسنده مترجم

پیشه

منصوره شریفزاده (متولد ۱۶ دی ۱۳۳۲) نویسنده و مترجم ادبیات بزرگسالان ایرانی است. نخستین رمان او با عنوان چنار دالبتی در سال ۱۳۸۱ منتشر شد.

کتابشناسی

تالیفات

- مولود ششم (۱۳۶۳) مجموعه داستان
- سرمه‌دان میناکاری (۱۳۷۴) مجموعه داستان
- بیست داستان از بیست نویسنده زن (۱۳۷۸) گردآوری
- عطر نسکافه (۱۳۸۰) مجموعه داستان
- چنار دالبتی (۱۳۸۱) رمان

ترجمه‌ها

- «اطلسی‌های لگدمال شده» (۱۳۶۳) (نمایشنامه، نوشته تنسی ویلیامز)
- «پیروزی تخم‌مرغ» (۱۳۶۳) (نمایشنامه، نوشته شرود اندرسن)



منیرو روانی‌پور

زاده	۲ مرداد ۱۳۳۱ جیره، بوشهر
زمینه کاری	نویسنده
همسر	بابک تختی
فرزندان	غلامرضا

منیرو به خاطر علاقه به اساطیر و آئین‌ها -بخصوص آئین‌های جنوب ایران- و کاربردشان در داستان‌های خود شهرت دارد و اولین رمانش اهل غرق (۱۳۶۹) به شیوه واقع‌گرایی جادویی نوشته شده و در آن از آئین‌های روستای زادگاهش استفاده فراوان کرده است. بخشی دیگری از شهرت این نویسنده به خاطر حساسیت و حضور فعال او در جریان‌های اجتماعی است.

اولین مجموعه داستان منیرو روانی‌پور کنیزو (۱۳۶۸) نام دارد که خودش می‌گوید: «اگر شاهد آتش زدن شهر نو نبودم کنیزو هرگز نوشته نمی‌شد.»

داستان‌ها و رمان‌های منیرو روانی‌پور اغلب براساس تجربه‌ها و سفرهای دور و دراز او و قدرت تخیلی است که از کودکی با آن دم‌خور بوده. در نوشته‌های او خیلی وقت‌ها تخیل و واقعیت قابل تفکیک نیستند و زندگی در بیشتر داستان‌هایش در عین واقعیت در جهانی جادویی و سورئال می‌گذرد. تم اصلی داستان‌ها مبارزه آدمی با ناکامی‌ها و مصائب اجتماعی و طبیعی است، و سرفراز بیرون آمدن از آتش سختی‌هاست. زنها در داستان‌های او نقشی اساسی دارند و در گذر از رنج‌ها زندگی را تغییر می‌دهند و اغلب آینده‌ای بهتر می‌سازند. یکی از ویژگی‌های مهم این نویسنده استفاده از امکانات اینترنتی است. او با استفاده از فیس‌بوک و توییتر و بلاگ‌های متعدد با خوانندگان در سراسر دنیا ارتباط برقرار کرده. او در بیشتر کشورهای جهان داستان‌خوانی و سخنرانی داشته و همچنان به سفر و حضور در مجامع ادبی ادامه می‌دهد. او در دسامبر سال ۲۰۰۷ با همسر و پسرش به دعوت دانشگاه براون به آمریکا رفت و ماندگار شد.

داستان «رنا» وی از مجموعه نازلی، در دوره سوم (۱۳۸۲) جایزه گلشیری برگزیده شده است.

زندگی

منیرو روانی‌پور در کوی جیره ماهینی بندر بوشهر به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در این شهر گذراند و در دانشگاه شیراز روانشناسی خواند. سپس برای ادامه تحصیل به آمریکا رفت و در رشته علوم تربیتی از دانشگاه ایندیانا کارشناسی ارشد گرفت.

روانی‌پور از سال ۱۳۶۰ داستان‌نویسی را شروع کرده است و نخستین کتابش، کنیزو، در سال ۱۳۶۷ منتشر شد. پس از آن تعداد زیادی داستان کوتاه و چند رمان نوشت. داستان رنا از مجموعه نازلی، در دوره سوم ۱۳۸۲ جایزه گلشیری برگزیده شده است.

روانی‌پور در کلاس‌های داستان‌نویسی با بابک تختی، پسر پهلوان تختی آشنا شد و ازدواج کردند. بابک تختی ناشر نشر قصه است و فرزندشان غلامرضا حاصل این ازدواج می‌باشد.

در سال ۱۳۷۹ روانی‌پور یکی از شرکت‌کنندگان کنفرانس برلین بود. قهرمان داستان زن فرودگاه فرانکفورت نیز زنی است که قرار بوده در کنفرانس برلین داستان بخواند، اما با مشکلاتی که در

حاشیه کنفرانس به‌وجود می‌آید فرصت داستان‌خوانی را از دست می‌دهد و علاوه بر آن در کشورش نیز او را برای حضور در این کنفرانس مورد شماتت قرار می‌دهند.

روانی‌پور در سال ۱۳۸۵ از اولین حامیان «کمپین یک میلیون امضا برای تغییر قوانین تبعیض‌آمیز علیه زنان» در ایران بود.

وی از دسامبر ۲۰۰۶ با خانواده‌اش در آمریکا به سر می‌برد.

بررسی آثار

هرچند سبک و زبان نویسنده در طول سال‌ها تغییر می‌کند، دغدغه‌های او ثابت هستند؛ عناصر ویژه داستانی، طبیعت حاکم بر فضای داستان‌ها و نقش برجسته زن‌ها، از همان کتاب اول در داستان‌ها حضور دارند. بعضی از شخصیت‌های داستانی مانند مریم یا گلپر نیز در داستان‌های مختلف روانی‌پور بارها ظاهر می‌شوند.

کتاب‌شناسی

داستان‌های بلند

- ۱۳۶۹ - رمان اهل غرق
- ۱۳۶۹ - دل فولاد
- ۱۳۷۸ - رمان کولی کنار آتش

مجموعه داستان

- ۱۳۶۷ - کنیزو
- ۱۳۶۹ - سنگ‌های شیطان
- ۱۳۷۲ - مجموعه داستان سیریا، سیریا
- ۱۳۸۰ - زن فرودگاه فرانکفورت
- ۱۳۸۱ - مجموعه داستان نازلی

مجموعه شعر

- ۱۳۹۴ - آواز خوان دوره گرد

کودکان

- ۱۳۵۸ - گنجشک و آقای رئیس‌جمهور
- ترانه‌های کودکان

منیژه آرمین



زاده

تهران ۱۳۲۴

تحصیلات

«کارشناسی هنرهای تجسمی»
کارشناسی ارشد مشاوره و راهنمایی
تحصیلی

محل تحصیل

تهران تربیت معلم

پیشه

آموزگار، مجسمه ساز، نویسنده،
روانشناس

سبک

رمان، ادبیات کودک و نوجوان،

منیژه آرمین (۱۳۲۴) داستان‌نویس و روان‌شناس ایرانی است که به بیکره‌سازی و سفال‌گری نیز اشتغال دارد.

سال‌های اول زندگی

وی در زمستان ۱۳۲۴ در تهران به دنیا آمد. وی از چهار سالگی همراه با بزرگترها به مجالس مثنوی خوانی می‌رفته‌است و به همین دلیل است که وزن‌های مثنوی در ذهن او کاملاً جا افتاده‌است.

تحصیلات

وی در سال ۱۳۴۴ دوره تربیت معلم را یک ساله گذراند و به استخدام آموزش و پرورش درآمد؛ و هم‌زمان در رشته روانشناسی دانشگاه تهران ثبت نام کرد. او کارشناس ارشد مشاوره تحصیلی از دانشگاه تربیت معلم، کارشناس روانشناسی از دانشکده ادبیات دانشگاه تهران، کارشناس رشته مجسمه‌سازی از دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران است. زمینه‌های فعالیت او معلمی، مشاوره، پژوهش، کارهای مطبوعاتی، خبرنگاری، گزارشگری و کارهای هنری از جمله سفالگری است. عضویت در هیئت مدیره گروه آبی بیکران هنر، همکاری با مجلات زن روز، پگاه، ندا، ادبیات داستانی و پیام زن، بازرسی انجمن هنرمندان سفالگر معاصر، عضویت هیئت علمی انجمن قلم،

عضویت شورای سیاستگذاری دوسالانه هشتم سفال، دبیری نمایندگی ملی بزرگ زنان سفالگر ایران، در کارنامه‌اش به چشم می‌خورند.

در سال ۱۳۶۴ از وی در بخش ادبیات دفاع مقدس تقدیر شد.

آرمین همچنین دبیر علمی نهمین جایزه ادبی جلال آل احمد بوده‌است.

استادان

داوری، صدیقی و جواد حمیدی از جمله استادان وی در سفالگری هستند. استاد جواد پور، استاد محمود فرشچیان و استاد هانیبال‌الخاص نیز از اساتید ایشان در دانشکده هنرهای زیبا بوده‌اند.

گفتاورد

وی معتقد است: انسان در طلب گمشده خویش است. وقتی می‌نویسد، وقتی می‌خواند، وقتی رنگ‌ها را به هم می‌آمیزد یا تندبسی را می‌آفریند، یا حتی وقتی به کشف پدیده‌ای علمی می‌پردازد، باز هم خود را می‌جوید من بی‌رنگ و بی‌نشان را.

کتابشناسی

• کیمیگران نقش

این کتاب دربرگیرنده زندگینامه داستانی هفت نقاش مشهور ایرانی استاد سهیلی؛ محمود فرشچیان؛ حسن اسماعیل‌زاده؛ علی کریمی؛ جوادحمیدی؛ استاد عیسی بهادری و سید علی‌اکبر صنعتی است.

• شخصیت‌شناسی در مثنوی و کمدی الهی

این کتاب کاری پژوهشی است که توسط استاد منیژه آرمین و خانم دکتر اعظم سازور به انجام رسیده است.

• روزی که عمه خورشید مُرد

• بوی خاک

• گزیده ادبیات معاصر

• نیضم را بگیر، همه‌می بودن دارد (در شرح زندگی و آثار طاهره صفارزاده)

• لبه تیغ (اشارتی بر زندگی شیخ‌الرئیس ابوعلی سینا)

• راز لحظه‌ها

• حکایت پرواز روح

این کتاب بازنویسی از منطق‌الطیر عطار نیشابوری است.

• شانزده سال

• گیله بانو

• حقیقت عشق

این کتاب راز سرگشتگی هفت عاشق همچون رابعه، پیر چنگی، فضیل عیاض و ... است که در هفت بخش نوشته شده است.

• ای کاش گل سرخ نبود

• بوی خاک

- شب و قلندر
- شب‌اویز
- سرود اروند رود؛ انتشارات مؤسسه انجمن قلم ایران؛ داستان دفاع مقدس



مهستی شاه‌رخ‌ی روز‌نامه‌نگار، منتقد تئاتر، داستان‌نویس و شاعر معاصر ایرانی است.

زندگی‌نامه

مهستی شاه‌رخ‌ی ۱ مهر ۱۳۳۵ (سپتامبر ۱۹۵۶) در ملایر به دنیا آمده‌است. او تحصیلات ابتدایی و دبیرستان را در تهران گذراند و در سال ۱۹۸۰ از دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران در رشته هنرهای تئاتری دانش‌آموخته شد. در پاییز ۱۹۸۴ به فرانسه مهاجرت کرد و در پاریس به تحصیلات خود در رشته‌های متنوعی چون فناوری آموزشی و ایرانشناسی و سرانجام ادبیات تطبیقی ادامه داد و ادبیات تطبیقی را در دانشگاه سوربن تا آستانه دکترا آموخت.

مهستی شاه‌رخ‌ی اکنون ساکن پاریس است و تاکنون از او مقالات بسیاری در مجلات ادبی و هنری داخل و خارج از کشور به چاپ رسید که مورد توجه منتقدان واقع شد و در خارج از ایران به چاپ دوم رسید. «شبان نیکو» نیز مجموعه هفت داستان از اوست که در سال بعد توسط نشر باران منتشر شد.

در سال ۱۹۹۹ رمان «شالی به درازای جاده ابریشم» از او توسط نشر باران سوئد به چاپ رسید که با استقبال بسیاری مواجه شد و نقدهای بسیاری بر آن نوشتند و همین رمان در خارج از کشور توسط نشر باران سوئد، ۲۰۰۲ به چاپ دوم رسید؛ «شبان نیکو» نیز مجموعه هفت داستان از اوست که در سال ۲۰۰۳ توسط نشر باران منتشر شد؛ رمان بلند «صبح نهان» توسط هفته نامه شهروند کانادا، در سالهای ۲۰۰۸/۲۰۰۹ منتشر شد، از مهستی شاه‌رخ‌ی تاکنون مطالب زیادی در گلچین‌های مختلف به زبانهای دیگر به چاپ رسیده‌است.

با اعتقاد به «آزادی بیان» مهستی شاه‌رخ‌ی بی وقفه نوشته‌است و به عنوان «اعتراض به سانسور و بی حرمتی به حقوق مادی و معنوی مؤلف ایرانیان در هر کجا که باشند»، آثار خود را به صورت اینترنتی منتشر کرده‌است؛ آثار منتشر نشده و گوناگون او به قول خودش «در انتظار روزهای بهتر» به سر می‌برد و فعلاً به صورت اینترنتی منتشر می‌شود.

آثار

- شالی به درازای جاده ابریشم (رمان) - (۱۹۹۹)
- شبان نیکو (مجموعه هفت داستان) - (۲۰۰۳)

- رمان بلند صبح نهران به صورت پاورقی در هفته نامه شهروند چاپ کانادا منتشر شد.

نازی صفوی



زاده

۱۳۴۶ تهران

زمینه کاری

نویسنده

تحصیلات

دانش آموخته رشته ادبیات

کتابها

- دالان بهشت
- برزخ اما بهشت

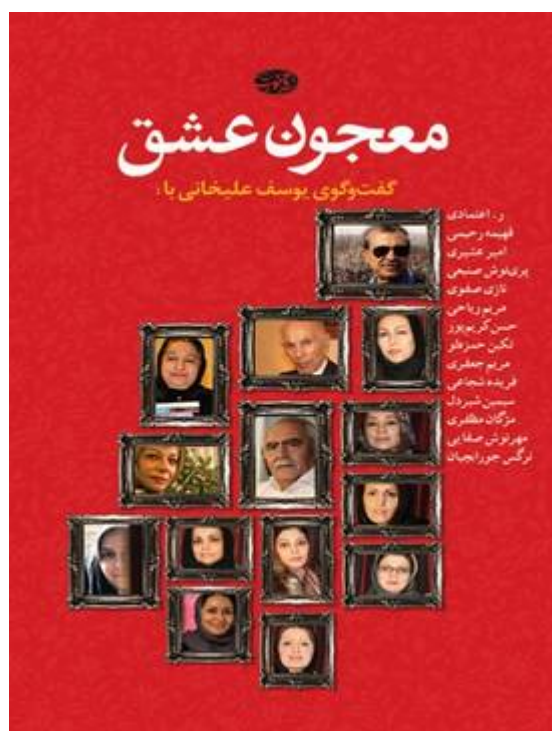
نازی صفوی، (متولد ۱۳۴۶ در تهران) یک نویسنده است. از وی تا بحال دو رمان بنام «دالان بهشت» در سال ۱۳۷۸ منتشر شد و سومین کتاب پر فروش ۱۴ سال اخیر بوده است. رمان بعدی او، «برزخ اما بهشت» سال ۸۳ منتشر شد

نازی صفوی: ذهن من خودش سانسور دارد/ نوشتن برای من عشق است

من ادعای نویسندگی ندارم برای همین هم خیالم راحت است... نوشتن برای من شغل نیست. نتوانست من را مجاب کند. برای من کسب نشد. برای من عشق بود... شاید نوشتن هم نوعی راه برای رسیدن به خداست

چاپ دوم «معجون عشق» حاوی گفت و گوهای یوسف علیخانی با نویسنده های معروف به عامه پسند مانند «ر. اعتمادی»، «فهیمة رحیمی»، «امیر عشیری»، «نازی صفوی»، «مریم ریاحی» و... روانه بازار نشر شد. در این کتاب با 14 نویسنده عامه پسند که آثارشان جزو پر فروش ترین آثار این حوزه است و خواننده ها اغلب آنها را می شناسند، گفتگوهای جالبی انجام شده است

نازی صفوی متولد 1346 در تهران با انتشار رمان «دالان بهشت» به وسیله نشر ققنوس در سال 1378 در میان خوانندگان به عنوان نویسنده ای خوش خوان مورد توجه قرار گرفت. صفوی از جمله نویسنده هایی است که بسیار خوش اقبال بود چرا که با اولین اثر، شهرت قابل توجهی برای خود دست و پا کرد. «دالان بهشت» تاکنون 32 بار تجدید چاپ شده است. رمان دیگر صفوی با عنوان «برزخ اما بهشت» نیز این روزها خوانندگان خود را دارد



آنچه می‌خوانید گزیده ای از گفتگوی منتشر شده با این نویسنده در کتاب «معجون عشق» است

به «دالان بهشت» نرفتم اما «آق پری» را که تصویر کردم از نزدیک دیدم. خودم آنجا بودم و واقعا آن تکه‌هایی که حالا در کتاب هست، خودم دیدم. یادم هست وقتی به آنجا رفته بودم هیچ قلم و کاغذی هم همراه نبود. پشت یک جعبه دستمال کاغذی نوشتمش، آن تصویر و منظره مه را. در مسافرت بودم

نوشتن برای من شغل نیست. نتوانست من را مجاب کند. برای من کسب نشد. برای من عشق بود. احساس کردم که این چه وسیله قشنگی است که می‌شود به وسیله آن با خیلی ارتباط برقرار کرد. این آدم‌هایی که این قدر صحبت می‌کنند، دغدغه فرهنگی دارند. که ندارند. مثل همه چیز دغدغه‌یابی که خیلی هنر است. حل دغدغه مهم نیست. همه می‌گویند ما دغدغه فرهنگی داریم. کو دغدغه فرهنگی‌تان؟

من ادعای نویسندگی ندارم برای همین هم خیالم راحت است. خیلی به جمع‌های نویسندگی و روشنفکری که می‌نشینند و درباره کتاب‌ها صحبت می‌کنند، رفتم اما خودم را بر اساس تعاریف موجود نویسنده ندیدم. نوشتن برای من این بود. به نظر من اسلوبی که برای نوشتن هست، وحی منزل نیست، سلیقه است. عقیده است... شاید نوشتن هم نوعی راه برای رسیدن به خداست. می‌بینیم همه جا می‌خواهند مهندسی نوشتن را یاد بدهند، من جزو آدم‌هایی نیستم که بخوام مهندسی یاد بگیرم. نوشتن، یک جور خلاقیت است؛ مثل شعر گفتن. خودش می‌آید. شما را مجبور می‌کند به نوشتن. شما نمی‌توانید به خودتان فشار بیاورید و بنویسید، به نظرم چیزی می‌شود که برای دیگران قابل توجه نمی‌شود

شاید اون عشقی را که من نسبت به مادر بزرگ خودم داشتم به خانم جون «دالان بهشت» هم منتقل شده؛ اون شیطنت و حاضر جوابی‌هایش. خوشحالم که خانم جون دلنشین است. همه دوستش دارند. فرق نمی‌کند مرد و زن و سن بالا و سن پایین؛ همه دوستش دارند

یک بار توی خیابان خانمی را دیدم که خرید کرده بود. یک شب سرد بود طرف‌های خیابان پلیس. سبزی خریده بود و معلوم بود که چقدر خسته است و داشت برمی‌گشت. توی یک دستش «دالان بهشت» بود؛ له و لورده. داشت با آن وضعیت، کتاب را می‌خواند. اینقدر دلم می‌خواست بروم جلو و بهش بگم که خانم کجای کتاب هستی؟ و چه چیز کتاب باعث شده اینطور محوش بشوی. سبزی‌هاش

داشت می‌ریخت ذهن من خودش سانسور دارد. یک حیای خاصی نسبت به یک سری چیزها دارد. من خوشحالم که پسرهای دانشجوی دانشگاه الکترونیک که معمولاً اهل مطالعه نیستند، برای من نامه نوشتند که خانم صفوی! ما رفتیم از طرف دانشگاه به حج عمره. پسری هم‌اتاق من بود، کتاب شما دستش بود و می‌خواند. من تا توانستم متلک به او گفتم که خجالت نمی‌کشی مثل دخترترشیده‌ها، رمان می‌خوانی. گفت بگذار بخوانم، تمام بشود می‌دهم بهت ببینی چیه. گفت نصفه شب تمام کرده و انداخته بود پای تخت من. صبح که بیدار شدم دیدم اون هنوز خوابه. «دالان بهشت» را گرفتم دستم. بعد برای من نوشته بود که آمده ایران و تصمیم گرفته بود هرطور شده نویسنده کتاب را پیدا کند. نوشته بود من کتاب را زمین نگذاشتم فردایش. دوستم بیدار شد. گفت دیدی چرا می‌خوانم؟ نوشته بود در عمرم رمان نخونده بودم اصلاً هم پسر احساساتی نیستم ولی با این کتاب گریه کردم. با این کتاب احساس کردم که چقدر احتیاج دارم عاشق باشم

ناهید طباطبایی



زاده ۱۳۳۷ تهران، ایران

زاده

نویسنده

پیشه

حسینعلی طباطبایی

پدر و مادر

ناهید طباطبایی (زاده ۱۳۳۷ در تهران) نویسنده ایرانی است.

طباطبایی کودکی و نوجوانی خود را در جنوب ایران گذراند و دانش‌آموخته رشته ادبیات دراماتیک و نمایشنامه‌نویسی است. او اغلب با نگاهی طنزگونه به زندگی دنیای زنان را بیان می‌کند. رمان چهل‌سالگی او توسط مصطفی رستگارپور به یک فیلمنامه سینمایی تبدیل شد و فیلم چهل‌سالگی توسط علیرضا رئیسیان ساخته شد.

داستان همایون از مجموعه داستان جامه‌دران نیز به‌طور مشترک توسط ناهید طباطبایی و حمیدرضا قطبی به فیلمنامه فیلم جامه‌دران (ساخته ۱۳۹۳) بدل شد.

طباطبایی دیپلم افتخار بهترین فیلمنامه اقتباسی در بخش نگاه نو در سی و سومین دوره جشنواره فیلم فجر را نیز به دست آورد.

کتاب‌شناسی

- بانو و جوانی خویش. تهران: ناهید طباطبایی، ۱۳۷۱.

- حضور آبی مینا. تهران: چشمه، ۱۳۷۲. شابک ۱-۶۶۳-۳۶۲-۹۶۴-۹۷۸
- جامه‌دران. تهران: خجسته، ۱۳۷۶. شابک ۱-۰۳-۶۲۳۳-۹۶۴
- چهل سالگی. تهران: نشر چشمه، ۱۳۷۹. شابک ۹-۶۶-۵۵۷۱-۹۶۴
- خنکای سپیده‌دم سفر. تهران: خجسته، ۱۳۸۰. شابک ۹-۴۴-۶۲۳۳-۹۶۴
- آبی و صورتی. تهران: علم، ۱۳۸۳. شابک ۴-۳۵۲-۴۰۵-۹۶۴
- برف و نرگس (مجموعه داستان). تهران: قطره، ۱۳۸۳. شابک ۱-۰۱-۳۴۱۳۱-۹۶۴
- ستاره سینما. تهران: خجسته، ۱۳۸۷. شابک ۸-۰۶-۲۹۷۵-۹۶۴-۹۷۸
- رکسانا نیستم، اگر.... تهران: چشمه، ۱۳۸۸. شابک ۹-۶۶۷-۳۶۲-۹۶۴-۹۷۸
- سور شبانه. تهران: زاوش، ۱۳۹۲. شابک ۴-۳۵-۶۸۴۶-۶۰۰-۹۷۸

نسیم مرعشی



زاده ۱۳۶۲ تهران

پیشه نویسنده، فیلمنامه‌نویس، روزنامه‌نگار

آثار پاییز فصل آخر سال است - هرس

همسر حسام اسلامی

وبگاه <http://nasimmarashi.ir/>

نسیم مرعشی زاده سال ۱۳۶۲ در تهران، فارغ‌التحصیل رشته مهندسی مکانیک، نویسنده و روزنامه‌نگار ایرانی است. وی با کتاب پاییز فصل آخر سال است در سال ۱۳۹۳ برنده جایزه ادبی جلال آل احمد شد.

سرگذشت

وی دوران کودکی و نوجوانی خود را در اهواز گذراند. از سال ۱۳۸۵ روزنامه‌نگاری را در هفته‌نامه همشهری جوان شروع کرد. از سال ۱۳۸۸ به داستان‌نویسی روی آورد. چندین رمان و داستان کوتاه از او منتشر شده‌است. او فارغ‌التحصیل رشته مهندسی مکانیک از دانشگاه علم و صنعت ایران است.

سبک

در داستان‌های مرعشی مکان جایگاه ویژه‌ای دارد و همین باعث شده فضاسازی و تصویرسازی، به ویژه از مکان، دو ویژگی مهم آثارش باشد. علاوه بر تصویرسازی و تلخی، بومی بودن داستان و روایت‌گری چالش‌ها و مسائل اجتماعی را هم می‌توان به ویژگی‌های آثار مرعشی اضافه کرد.

آثار

کتاب‌ها

- پاییز فصل آخر سال است (سال ۱۳۹۳؛ نشر چشمه)
- هرس (سال ۱۳۹۶؛ نشر چشمه)

فیلمنامه

- بهمن (فیلم ۱۳۹۳)

هلن اولیایی‌نیا



زاده ۱۳۳۲ خورشیدی اصفهان

پیشه نویسنده، مترجم مدرس دانشگاه

هلن اولیایی‌نیا، نویسنده و مترجم، در سال ۱۳۳۲ در اصفهان متولد شد. وی مدرس زبان انگلیسی در دانشگاه‌های اهواز و اصفهان است

تألیف و ترجمه‌ها

از آثار وی می‌توان ترجمه کتاب‌هایی چون «بوطیقا» ارسطو، «تراژدی چیست؟» کلیفورد لیچ و «ابلهان زمان: سیری در تراژدی‌های شکسپیر» نورتروپ فرای، را نام برد.

- «بررسی شیوه روایی در سه رمان ویلیام فالکنر»
- «بشنو از وی چون حکایت می‌کند»

- «بررسی فرمالیستی نقش‌مایه نامه در تراژدی شکسپیر» (به زبان انگلیسی و در دانشگاه اصفهان تدریس می‌شود)
- «شکسپیر، نویسنده یا روانشناس»
- «بررسی تطبیقی «قفس» صادق چوبک و «تخم مرغ» شروود اندرسون»
- «مسخ و نقد مسخ کافکا»

